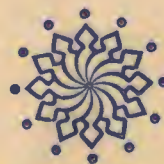


# آرامگاه دکتره فرہنگ ایرانی

دکتر مہدی غروی



انجمن آثار و معارف فرہنگی



۱۵۰۰۰ ریال

آرامگاه دکتره فرست ایرانی

دکتر مهدی غروی

نصفه

۱۰۰/۱۶۱

۶/۱۵

۱/۱۰۰

۱/۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم



# آرامگاه در گسترهٔ فرهنگ ایرانی

تألیف

دکتر مهدی غروی



انجمن آثار و مفاصل فرهنگی

سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

شماره ۱۷۴

تهران - خیابان ولی عصر - پل امیربهادر - خیابان سرگرد بشیری (بوعلی) شماره ۱۰۰  
تلفن ۵۳۷۴۵۳۱-۳، دورنویس ۵۳۷۴۵۳۰

نام کتاب: آرامگاه درگستره فرهنگ ایرانی

تألیف: دکتر مهدی غروی

مدیر امور فنی: حسین ایوبی زاده

نوبت چاپ: اول، ۱۳۷۶

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک ۹۶۴-۶۲۷۸-۱۹-۱ ۹۶۴-۶۲۷۸-۱۹-۱ ۹۶۴-۶۲۷۸-۱۹-۱ ISBN 964 - 6278 - 19 - 1

## مقدمه ناشر

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برای معرفی و بزرگداشت عالمان و متفکران عرصه فرهنگ و تمدن و احیاء انتشار آثار گرانقدر اندیشمندان و نیز نمودن جلوه‌های فرهنگی اسلام و ایران، نقش و سهم ایرانیان در رشد و بالندگی آن پای به عرصه حیات نهاده است، می‌کوشد به معرفی تاریخ فرهنگ اسلام در ایران به ویژه سهم ایرانیان در پربار شدن نهال برومند فرهنگ و تمدن اسلامی و میراث اسلامی ایران بپردازد. بخشی از اهداف انجمن نیز چاپ و انتشار کتابهای باارزش و ماندنی در زمینه تاریخ و فرهنگ است، از این رو، در صدد برآمد تا سلسله انتشارات انجمن آثار ملی قدیم را که آثاری شایسته و درخور تأمل اند و زوایایی از بینش و اندیشه مردمان این دیار را باز می‌تاباند، با حفظ امانتداری، پس از بررسی و تجدیدنظر محتوایی تجدید چاپ کند.

آرامگاه در گستره فرهنگ ایران، در نوع خود کار جدیدی است که بنا به گفته آقای دکتر مهدی غروی مؤلف کتاب تلاش ده سال کار شبانه‌روزی ایشان می‌باشد. در این کتاب آرامگاه تمام شخصیت‌هایی که از لحاظ دینی، مذهبی، علمی، سیاسی، فرهنگی و کسانی را که به نحوی در تاریخ ایران چه قبل از اسلام و چه بعد از آن نقش داشته‌اند جمع‌آوری شده و پیشینه تاریخی مقبره در ایران را بنا به هر نوع شرایط تاریخی مورد بررسی و تحقیق قرار داده است.

پژوهش در این زمینه بسیار لازم بود و جای خالی آن به وضوح احساس می‌شد. تا اینکه به عون خدا و با تلاش خستگی‌ناپذیر آن محقق ارجمند این کار تحقق یافت، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که ارزش کار را دریافته بود همت به انتشار آن گمارد که اینک در دسترس علاقه‌مندان به فرهنگ و تاریخ این مرزبوم می‌باشد. در آخر آرزوی موفقیت برای علاقه‌مندان به این کتاب داریم و از خدای منان طول عمر آن پژوهشگر کوشا را آرزو نمودیم تا با زحمات شبانه‌رویشان هر چه بیشتر در غنای علمی فرهنگی ایران عزیز بکوشند.

دکتر کمال حاج سید جوادی  
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی





|    |                                                        |
|----|--------------------------------------------------------|
|    | آغاز سخن                                               |
| ۹  | پیشگفتار                                               |
|    | آرامگاه و مراحل تطور و تکامل آن در گستره فرهنگ ایرانی  |
| ۱۳ | فصل اول: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر کهن             |
| ۱۷ | فصل دوم: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در ایران پیش از باستان |
| ۲۱ | ۱- آرامگاه‌های ایلامی - ایرانی                         |
| ۲۳ | ۲- آرامگاه‌های سلاطین هفت تپه                          |
| ۲۳ | ۳- زیگورات جفا زنبیل                                   |
| ۲۵ | ۴- میل‌های مفرس، گنبدهای دندان‌های                     |
| ۲۷ | فصل سوم: آرامگاه در تمدن‌های پیش از تاریخ ایران        |
| ۲۷ | ۱- تپه‌های سیلک کاشان                                  |
| ۲۸ | ۲- تپه حصار                                            |
| ۲۸ | ۳- تل ابلیس                                            |
| ۲۸ | ۴- گودین تپه                                           |
| ۲۹ | ۵- موشه لان (اسماعیل آباد)                             |
| ۲۹ | ۶- خور وین برغان                                       |
| ۳۰ | ۷- تورنگ تپه                                           |
| ۳۰ | ۸- شهر سوخته سیستان                                    |
| ۳۱ | ۹- غیاث آباد و چراغعلی مارلیگ                          |
| ۳۲ | فصل چهارم: آرامگاه قدیسن بنی اسرائیل                   |
| ۳۳ | ۱- آرامگاه دانیال پیامبر                               |

|     |                                                                   |
|-----|-------------------------------------------------------------------|
| ۳۸  | ۲- آرامگاه اِستِرو مُرد خای در همدان                              |
| ۴۳  | ۳- آرامگاه پیامبران دیگر که در متن آمده است                       |
| ۴۹  | فصل پنجم: آرامگاه پادشاهان پیشدادی و کیانی                        |
| ۴۷  | ۱- بناهای آرامگاهی منسوب به پیشدادیان و کیانیان                   |
| ۴۹  | ۲- آرامگاه و دخمه و تابوت در شاهنامه فردوسی                       |
| ۵۱  | ۳- آرامگاه پادشاهان پیشدادی و کیانی از قرار نوشته مجمل‌التواریخ   |
| ۵۳  | فصل ششم: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر مادی و اورارتویی           |
| ۵۳  | ۱- آرامگاه‌سازی در عصر مادها                                      |
| ۵۶  | ۲- آرامگاه‌های اورارتویی                                          |
| ۵۷  | فصل هفتم: آرامگاه‌های عصر هخامنشی                                 |
| ۵۸  | ۱- آرامگاه کوروش و جانشینانش                                      |
| ۶۳  | ۲- کعبه زرتشت                                                     |
| ۶۵  | ۳- آرامگاه داریوش بزرگ و جانشینانش                                |
| ۶۷  | فصل هشتم: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر سلوکی و پارتی             |
| ۷۷  | فصل نهم: آرامگاه‌سازی در عصر ساسانیان                             |
| ۷۸  | ۱- آرامگاه و برج‌های آرامگاهی ساسانی - اسلامی                     |
| ۸۶  | ۲- آرامگاه شاهان ساسانی از قرار نوشته مجمل‌التواریخ               |
| ۸۷  | ۳- قصه دخمه به روایت پسر پادشاه حمیر                              |
| ۹۰  | ۴- حکایت دَخْمَةُ انوشیروان                                       |
| ۹۴  | فصل دهم: آرامگاه و آرامگاه‌سازی از آغاز عصر اسلامی تا دوره سلجوقی |
| ۱۱۰ | ۱- آرامگاه از آغاز تا پایان سده سوم                               |
| ۱۱۱ | ۲- آرامگاه‌های سده چهارم تاریخ‌دار                                |
| ۱۱۲ | ۳- آرامگاه‌های سده چهارم بی تاریخ                                 |
| ۱۱۳ | ۴- آرامگاه‌های بی تاریخ (حدود سده پنج)                            |
| ۱۱۴ | ۵- آرامگاه‌های تاریخ‌دار حدود سده پنج                             |
| ۱۱۵ | ۶- آرامگاه‌های برج‌ای مانده از سده پنجم بی تاریخ                  |
| ۱۱۷ | ۷- آرامگاه‌های شاهان و امیران ایرانی پیش از سلجوقیان              |

|     |                                                                           |
|-----|---------------------------------------------------------------------------|
| ۱۱۸ | فصل یازدهم: آرامگاههای عصر سلجوقی                                         |
| ۱۲۳ | ۱- آرامگاههای تاریخ دار نیمه دوم سده پنجم                                 |
| ۱۲۴ | ۲- آرامگاههای سلجوقی بی تاریخ از نیمه اول سده هفتم تا آخر سده هفتم        |
| ۱۲۶ | ۳- آرامگاههای تاریخ دار مانده از سده ششم                                  |
| ۱۲۷ | ۴- آرامگاههای مانده از سده ششم بی تاریخ                                   |
| ۱۳۰ | ۵- آرامگاههای تاریخ دار سده ششم                                           |
| ۱۳۲ | ۶- آرامگاههای سلجوقی بی تاریخ در سده هفتم                                 |
| ۱۳۵ | ۷- آرامگاههای پادشاهان و امیران سلجوقی از تاریخ نوشته مجمل التواریخ       |
| ۱۳۶ | فصل دوازدهم: آرامگاههای عصر ایلخانی، مغول و تیموریان                      |
| ۱۴۳ | ۱- آرامگاههای تاریخ دار سده هشتم                                          |
|     | ۲- آرامگاههای بی تاریخ برجای مانده از دوران اتابکان و ایلخانان و تیموریان |
| ۱۴۶ | ۳- آرامگاههای بی تاریخ سده هشتم                                           |
| ۱۴۷ | ۴- آرامگاههای تاریخ دار سده نهم                                           |
| ۱۵۲ | ۵- آرامگاههای بی تاریخ سده نهم                                            |
| ۱۵۴ | فصل سیزدهم: آرامگاهها در پایان کار تیموریان تا ظهور شاه عباس              |
| ۱۵۶ | ۱- آرامگاههای پس از ایلخانان تا آغاز عصر صفوی                             |
| ۱۶۶ | ۲- آرامگاههای سده دهم                                                     |
| ۱۶۶ | ۳- آرامگاههای عصر صفویان که دارای تاریخ معینی نیستند                      |
| ۱۷۰ | فصل چهاردهم: نظری به شبه قاره و چین                                       |
| ۱۷۴ | ۱- آرامگاههای اسلامی ایرانی شبه قاره                                      |
| ۱۷۴ | ۲- آرامگاههای اسلامی - ایرانی در چین و ترکستان شرقی                       |
| ۱۸۰ | پیوست: مزارات                                                             |
| ۱۸۳ | پی نوشتها:                                                                |
| ۱۸۵ | یادداشتهای مرحله اول                                                      |
| ۱۸۵ | یادداشتهای مرحله دوم                                                      |
| ۱۸۹ | یادداشتهای مرحله سوم                                                      |
| ۱۹۲ |                                                                           |

یادداشت‌های مرحله چهارم

بخش دوم فرهنگنامه

|     |                                |
|-----|--------------------------------|
| ۱۹۴ | آرامگاههای آغاز شده با حرف آ   |
| ۱۹۷ | آرامگاههای آغاز شده با حرف الف |
| ۱۹۸ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ب   |
| ۲۱۲ | آرامگاههای آغاز شده با حرف پ   |
| ۲۴۳ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ت   |
| ۲۵۳ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ث   |
| ۲۵۹ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ج   |
| ۲۶۳ | آرامگاههای آغاز شده با حرف چ   |
| ۲۶۳ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ح   |
| ۲۶۶ | آرامگاههای آغاز شده با حرف خ   |
| ۲۶۸ | آرامگاههای آغاز شده با حرف د   |
| ۲۷۵ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ذ   |
| ۲۸۲ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ر   |
| ۲۸۶ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ز   |
| ۲۸۷ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ژ   |
| ۲۹۱ | آرامگاههای آغاز شده با حرف س   |
| ۲۹۲ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ش   |
| ۲۹۲ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ص   |
| ۳۱۷ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ض   |
| ۳۴۶ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ط   |
| ۳۵۳ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ظ   |
| ۳۵۳ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ع   |
| ۳۵۶ | آرامگاههای آغاز شده با حرف غ   |
| ۳۵۷ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ف   |
| ۳۶۹ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ق   |
| ۳۷۲ |                                |
| ۳۷۹ |                                |

|     |                              |
|-----|------------------------------|
| ۳۸۶ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ک |
| ۳۹۴ | آرامگاههای آغاز شده با حرف گ |
| ۳۹۷ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ل |
| ۳۹۸ | آرامگاههای آغاز شده با حرف م |
| ۴۳۰ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ن |
| ۴۴۰ | آرامگاههای آغاز شده با حرف و |
| ۴۴۲ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ه |
| ۴۵۰ | آرامگاههای آغاز شده با حرف ی |



## نشانه‌ها\*

۱۹۳۸ ترجمه فارسی عدد ذکر شده پس از  
آثار ایران شماره صفحه ترجمه فارسی  
به صورت کتاب است.

آثار صنادیده: آثار الصنادیده به اردو از دکتر سر  
سید احمد خان بهادر، دهلی ۱۹۶۵.

آثار ملی: آثار ملی نشریه انجمن آثار ملی  
(انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) از سال  
۱۳۵۵

آخ: آثار باستانی خراسان، عبدالحمید  
مولوی جلد اول آثار و ابنیه تاریخی جام،  
نیشابور و سبزوار، انجمن آثار ملی (مفاخر)،  
تهران ۱۳۵۵.

آذ: آثار باستانی آذربایجان، آثار و ابنیه شهر  
تبریز، عبدالعلی کارنگ، انجمن آثار و مفاخر  
فرهنگی ۱۳۷۴ (آثار ملی) ۱۳۵۱ تهران آذ ۲.

آثار: آثار ایران به زبان فرانسه‌ای

ATH ĀR-É Ī RĀN

Anndles Du Service Archéoloyique de L  
IRAN

چاپ پاریس در سالهای ۱۹۳۶، ۱۹۳۷،  
۱۹۳۸ به مدیریت آندره گدار Andre Godard -  
عدد پس از آثار شماره مجله شماره سال  
است مثلاً آثار ۱-۴۸ یعنی شماره ۱ از  
جلد اول سال ص ۴۸.

آثار باستانی آذربایجان آثار و ابنیه تاریخی  
شهرستانهای: اردبیل، ارسباران خلخال،  
سراب، مشکین شهر، مغان، سیدجمال  
ترابی طباطبائی، تهران انجمن آثار ملی  
(مفاخر) ۱۳۵۵.

آثار ایران: آثار ایران نشریه اداره کل  
باستانشناسی ایران به مدیریت آندره گدار  
فرانسه‌ای در سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ و

\* در این مجموعه از آن روی که نام بعضی از مراجع بارها آمده است به جای مراجع، نشانه‌ای از نام کتاب ذکر  
شده گرفته شده که این فهرست به ترتیب الفبایی بر این مبنا تنظیم شده، و در جایی که نام کتاب کوتاه یا تعداد  
ارجاع بدان محدود است نام کتاب ذکر شده و نشانه و نام یکی است.  
در این فهرست، برخی از کتابهای انگلیسی بابریان هند را مغول و یا مغال ذکر می‌کند که البته با مغول، اقوام  
ساکن در مغرب چین متفاوت‌اند ما در این مجموعه همه جا بابریان را ذکر آورده‌ایم.



آس ۱: از آستارا تا آستاریاد (جلد اول) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه پیش، دکتر منوچهر ستوده انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۴۹.

آس ۲: از آستارا تا آستاریاد (جلد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه پیش، دکتر منوچهر ستوده انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۵۱.

آس ۳: از آستاراتا آستاریاد (جلد سوم) آثار و بناهای تاریخی مازندران دکتر منوچهر ستوده انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۵۵.

آس ۴: از آستارا تا آستاریاد (جلد چهارم) آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی بخش اول. دکتر منوچهر ستوده. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۵ وزارت ارشاد ۱۳۶۶.

آس ۵: از آستارا تا آستاریاد (جلد پنجم) آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی بخش دوم دکتر منوچهر ستوده، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۵ وزارت ارشاد ۱۳۶۶.

آسمنان: آثار تاریخی سمنان، محمدعلی مخلص، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (آثار ملی) ۱۳۳۶ تهران.

آش: آثار شهرهای باستانی و سواحل و بنادر خلیج فارس و دریای عمان، احمد اقتداری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۵ (انجمن آثار ملی)... تهران.

آص: آثار ملی اصفهان ابوالقاسم رفیعی

مهرآبادی (آثار ملی) آثار و مفاخر فرهنگی تهران ۱۳۵۲.

آط: آثار تاریخی تهران مجلد اول اماکن متبرکه سید محمد صادق مصطفوی به کوشش... محدث تهران ۱۳۶۲.

آق: سرزمین قزوین، دکتر پرویز رجواند، سابقه تاریخی و آثار باستانی و بناهای تاریخی سرزمین قزوین انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۴۹ تهران.

آسن: آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، حسن نراقی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی)... تهران.

آگاهینامه: آگاهینامه نشریه سازمان ملی حفاظت آثار ملی، انتشار در سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ تهران توسط همین سازمان.

آل: آثار تاریخی لرستان در دو جلد حمید ایزدپناه، (انجمن آثار ملی) تهران ۱۳۵۵ آگاه همین کتاب آل ۲ جلد دوم انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (انجمن آثار ملی).

آینده: ۱- مجله به مدیریت دکتر محمود افشار ۲- مجله به مدیریت ایرج افشار از سال ۱۳۵۸.

آیین اکبری: آیین اکبری جلد سوم اکبر نامه کتاب دایرةالمعارف گونه که توسط ابوالفضل علامی تدارک و با تصویرها در قطع بزرگ در ۱۸۸۳ در نوول کیشور لکنهو به چاپ رسید.

ابدیت ایران: ابدیت ایران، دکتر سید تقی نصر  
تهران ۱۳۵۴.

ارداویراف: ارداویرافنامه به زبان پهلوی و  
ترجمه منظوم آن به فارسی توسط بهرام پژدو  
به نام زرتشت نامه بمبئی ۱۹۰۲ توسط  
جاماسب آسا.

از شهرپور: از شهرپور ۱۳۲۰، ج ۱ و ۲ حسین  
کوهی کرمانی. تهران ۱۳۲۹.

از صبا: از صبا تانیم در سه جلد یحیی  
آرین پور تهران ۱۳۵۰-۱۳۵۷ و ۱۳۷۴.

اشکانیان: اشکانیان از م. م. دیاکونو ترجمه  
کریم کشاورز، تهران ۱۳۴۴ انجمن فرهنگ  
ایران باستان.

اطلاعات: روزنامه اطلاعات، نشریه عصر  
تهران که از ۱۳۰۴ تاکنون در حال انتشار  
است.

اق: اقلیم پارس، سید محمد تقی مصطفوی  
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۵ (آثار  
ملی) ... تهران.

امپراتوری مغول (بابریان):

The Mughul Empire

مجلد هفتم از مجموعه تاریخ و فرهنگ  
مردم هند بمبئی ۱۹۷۰

History And Gullūre of the pearte

انجمن: مجموعه انتشارات قدیم انجمن آثار  
ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) تهران  
۱۳۵۱.

انگلو: انگلیسیها در میان ایرانیان سردنيس  
رایت سفیر سابق انگلیس در ایران ترجمه  
اسکندر دلد. تهران ۱۳۶۴ کاوش.

ایب: ایران باستان، حسن پرنیا مشیرالدوله  
به کوشش دکتر محمد ابراهیم باستانی  
پاریزی چاپ اول ۱۳۱۱، چاپ سازمان  
کتابهای جیبی تهران ۱۳۴۱.

ایران قدیم: ایران قدیم به روایت تصویر  
ریحانه شهرستانی، تهران سروش ۱۳۶۶.

ایران یک: کتاب در باب معماری ایران مصور  
از آنتونی هوت ولثونارد هارو لندن  
IRAN 1: Anlthony Hutt, leonard  
Harrow, London 1977

باب کیست: باب کیست و سخن او چیست،  
نورالدین مدرس چهاردهی تهران ۱۳۶۶.

بازیگران: بازیگران عصر پهلوی در دو جلد  
محمود طلوعی، تهران ۱۳۷۲.

باستانشناسی: نشریه مرکز نشر دانشگاهی،  
پاییز ۱۳۷۳ به مدیریت دکتر نصرالله  
پورجوادی، تهران ۱۳۷۳.

بافت شیراز: تاریخ بافت قدیمی شیراز،  
کرامت الله افسر، انجمن آثار و مفاخر  
فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) تهران. ۱۳۵۲

بحث ۲: تاریخ تصوف در اسلام و تطورات  
و تحولات آن در صدر اسلام تا عصر  
حاضر، دکتر قاسم غنی چاپ اول ۱۳۳۳

تهران ۱۳۶۶ زوار.

**بحث حافظ:** بحث در آثار و افکار و احوال حافظ جلد اول تاریخ عصر حافظ، تاریخ استان فارس و مضافات و ایالات مجاور در قرن هشتم، دکتر قاسم غنی، تهران ۱۳۶۶ زوار.

**بریتانیکا:** انسیکلوپدی بریتانیکا چاپ ۱۹۷۸.

**بناکتی:** تاریخ بناکتی، روخته اولی الالباب فی معرفت التواریخ والانساب، به کوشش جعفر شکار تهران ۱۳۴۸.

**بناهای تاریخی** آسیای مرکزی بخارا و سمرقند به زبان روسی با عنوان انگلیسی.

ARCHITECTURAL

MONUMENTS

OF MIDEAL ASIA

BOKHARA, SAMARKAND

By: V.voronia ۱۹۵۳

**بناهای تاریخی:** بناهای تاریخی آسیای مرکزی، بخارا و سمرقند، به رنال لوسی و عنوان انگلیسی Architectural Monuments of Mideal Asia Bokhara, Samarkand By V. vornima ۱۹۵۳.

**پارتیان:** پارتیان از مالکولم کالج ترجمه مسعود رجب‌نیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۵۵.

**پارتیان:** پارتیان از مالکوم طالج ترجمه مسعود رجب‌نیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۵۵.

**پارسی کشمیر:** پارسی سرایان کشمیر دکتر گ. ل. تیکو، انجمن ایران و هند تهران ۱۳۴۲.

**پاسارگاد:** پاسارگاد قدیمی ترین پایتخت ایران، علی سامی شیراز معرفت ۱۳۳۰.

**ت:** تقریرات، مطالبی که نویسنده در کلاس درس یا در سخنرانی‌ها از استادان و معلمان مورد اطمینان شنیده است.

**تا ۱:** تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج اول تهران ۱۳۵۶ امیرکبیر.

**تا ۲:** تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۲ تهران ۱۳۵۶ امیرکبیر.

**تا ۳:** تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۳ تهران ۱۳۵۷ امیرکبیر.

**تا ۴:** تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۴ در دو بخش تهران ۱۳۵۹ امیرکبیر.

**تا ۵:** تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۵ تهران ۱۳۶۴ امیرکبیر.

**تا ۶:** تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۶ تهران ۱۳۷۱ امیرکبیر.

**تا ۷:** تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۷ تهران ۱۳۶۸ امیرکبیر.

**تا ۸:** تاریخ اجتماعی ایران مرتضی راوندی ج ۸ در دو بخش تهران ۱۳۷۴ امیرکبیر.

**تابها:** تاریخ جامع بهائیت، نوماسونی، بهرام افراسیابی، تهران ۱۳۶۸ انتشارات سخن.

تأییداری: تاریخ بیداری ایرانیان ناظم الاسلام  
کرمانی به کوشش علی اکبر سعیدی  
سیرجانی تهران ۱۳۶۲.

تاج: تاریخ جراید و مجلات ایران محمد  
صدر هاشمی. اصفهان ۱۳۶۳ (اول ۱۳۳۷)  
انتشارات کمال در چهار جلد

تاج محل:

THE TAJ MAHAL

By David Carroll and the

Editors of the News week N.Y

چاپ مؤسسه ریدرز دایجست لندن ۱۹۵۳.

تاخ: تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از  
ایران عباس مهرین شوشتری، تهران ۱۳۵۲.

تاد: تاریخ ادبی ایران، ادوار براون

A Literary History of Persi By: Edward

Brawn چاپ دانشگاه کامبریج

۱۹۶۲ چاپ اول ۱۹۰۲ با ترجمه‌های  
فارسی تادف.

تادر: تاریخ ادبیات در ایران در پنج جلد،  
جلدهای سوم و پنجم هر یک در دو بخش  
سه بخش دکتر ذبیح‌الله صفا جلد اول از آغاز  
مهد اسلامی تا دوره سلجوقی.

تادر ۲: جلد دوم از میانه قرن پنجم تا آغاز  
قرن هفتم هجری.

تادر ۴: جلد چهارم: از پایان قرن ششم تا  
اوایل قرن دهم هجری.

تادر ۳ الف: جلد سوم یک: از اوایل قرن هفتم

تا پایان قرن هشتم هجری.

تادر ۵ الف: جلد پنجم یک از آغاز سده دهم تا  
میانه سده دوازدهم هجری.

تادر ۵ ب: جلد پنجم دو از آغاز سده دهم تا  
میانه سده دوازدهم هجری.

تادر ۵ ج: جلد پنجم سه از آغاز سده دهم تا  
میانه سده دوازدهم هجری.

تادغ: تاریخ دیالمه و غزنویان، عباس پرویز،  
تهران ۱۳۳۶.

تاریخ ایلام: تاریخ ایلام پیر آمیه ترجمه دکتر  
شیرین بیانی، دانشگاه تهران ۱۳۴۹.

تاریخ بلعمی: تاریخ بلعمی ترجمه تاریخ  
طبری ابوعلی محمد بن محمد بلعمی،  
به کوشش ملک‌الشعرا بهار و پروین  
گنابادی، تهران اداره کل نگارش وزارت  
فرهنگ ۱۳۴۱.

تاریخ طبری: تاریخ طبری، ترجمه و تحقیق  
دکتر محمد جواد مشکور... تهران ۱۳۳۷.

تاریخ گزیده: تاریخ گزیده حمدالله مستوفی  
به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران امیرکبیر  
۱۳۳۶.

تاس: تاریخ سیاسی ساسانیان (ایران باستان  
جلد چهارم) در دو جلد دکتر محمد جواد  
مشکور، تهران ۱۳۶۶ خانه کتاب.

تاسخ: تاریخ سلاجقه و خوارزمشاه عباس  
پرویز، تهران ۱۳۵۰.

تاسین: تاریخ سینمای ایران از ؟ ۱۳۵۷  
مسعود مهرابی، تهران ۱۳۶۵.

فاض: تاریخ نهضت‌های ملی ایران عبدالرفیع  
حقیقت تهران ۱۳۵۴.

فاط: تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوك  
محمد بن وزیرطبری ترجمه ابوالقاسم پاتین  
در ۱۵ جلد تهران بنیاد فرهنگ ۱۳۵۲.

تاع: تاریخ عضدی، تاریخی از وضع  
اجتماعی دربار عصر قاجار عضدالدوله، در  
چاپ سنگی تهران ۱۳۰۶ ق.

تاغ: تاریخ مغول به تاریخ مفصل ایران از  
استیلای مغولان تا اعلان مشروطیت عباس  
اقبال فقط جلد اول از حمله جنگیز تا  
تشکیل دولت تیموری تهران ۱۳۴۱ (چاپ  
دوم).

تافض: تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان در  
دوره قاجاریه عبدالرفیع حقیقت، تهران  
۱۳۵۴.

تاک: تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی  
تهران یحیی ذکاء تهران ۱۳۴۱ وزارت  
فرهنگ هنر.

تان: تاریخ نظم و نثر در زبان فارسی  
در دو جلد سعید نفیسی به ۱۳۶۳ فروغی.

تان (...): همین مرجع در صورتی که با عکس  
همراه باشد.

تاهنر: تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی  
عبدالرفیع حقیقت تهران ۱۳۶۹ شرکت

مؤلفان و مترجمان.

تأثیر هنر ساسانی: تأثیر هنر ساسانی بر هنر  
اسلامی دکتر عباس زمانی، تهران ۱۳۵۵  
وزارت فرهنگ و هنر.

تلاش: تلاش آزادی محیط سیاسی و زندگانی  
مشیرالدوله پریسا محمد ابراهیم، باستانی  
پاریزی چاپ چهارم ۱۳۵۶ تهران، نوین.

تمدن ساسانی: تمدن ساسانی علی سامی در  
دو جلد شیراز ۱۳۴۲ مؤلف ناشر جلد دوم  
۱۳۴۴.

تمدن هخامنشی: تمدن هخامنشی علی سامی  
در دو جلد شیراز ۱۳۴۱ مؤلف.

تورات فارسی: کتاب مقدس ترجمه از عبرانی  
- یونانی لندن ۱۹۳۰

ث: المآثر و الآثار، محمدحسن  
اعتمادالسلطنه به کوشش ایرج افشار، تهران  
۱۳۶۳.

جب: جغرافیای متصل ایران در سه جلد:  
طبیعی، انسانی، اقتصادی دکتر ربیع بدیعی،  
اقبال، تهران ۱۳۶۲.

جب ۲: دکتر ربیع بدیعی جلد دوم.

جب ۳: دکتر ربیع بدیعی جلد سوم.

جغ: جغرافیای کامل ایران در دو جلد بزرگ  
گروه مؤلفان وزارت آموزش و پرورش و  
کارشناسان جغرافیا در تهران ۱۳۶۶.

جک: جغرافیایی مفصل ایران در سه جلد

- صنعتی و سیاسی و اقتصادی مسعود کیهان، تهران ۱۳۱۱.
- داستان رضاشاه: داستانهای عصر رضا شاه محمود حکیمی، تهران ۱۳۷۱.
- چهره‌ها: چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران، فرهنگسرای نیاوران تهران ۱۳۵۷.
- چهره ایران: چهره ایران به راهنمای سیاحتی و مسافرتی طرح و نشر از گیتاشناسی، تهران نوروز ۱۳۷۴.
- خطای نامه: شرح مشاهدات سیدعلی اکبر خطائی در سرزمین چین به کوشش ایرج افشار مرکز اسناد فرهنگی آسیا تهران ۱۳۷۲.
- خوش: احوال و آثار خوشنویسان و نستعلیق‌نویسان در ۴ مجلد دکتر مهدی میانی در تهران ۱۳۴۵ چهار جلد.
- خوش معاصر: فهرست رسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری قمری فیروز منصوری تهران ۱۳۶۶ گوته.
- خیابانی: خیام شیخ محمد خیابانی در تبریز علی آذری در تهران ۱۳۶۲.
- د: دائرةالمعارف فارسی در سه مجلد غلامحسین مصاحب، تهران جلد اول در ۱۳۴۵ کتابهای جیبی.
- د: جلد دوم ۱۳۵۶ کتابهای جیبی.
- د: جلد دوم بخش دوم ۱۳۷۴ کتابهای جیبی.
- دارالخلافة: دارالخلافة تهران ناصر نجمی، تهران ۱۳۶۲ همگام.
- دانشنامه ایران و اسلام فقط حرف ال، از حرف ب تحت عنوان دانشنامه جهان اسلام زیر نظر احمد طاهری عراقی و... تهران ۱۳۶۹ احسان یار شاطر، تهران ۱۳۴۵.
- دب: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی محمد کاظم بجنوردی، تهران مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ۱۳۶۷.
- دت: دائرةالمعارف تشیع احمد صدر حاج سید جوادی... تهران بنیاد اسلامی طاهر تهران ۱۳۶۶.
- درویشی: درویشی دروغین، سفرنامه آرمینوس و امیری مجارستانی ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تهران ۱۳۷۰.
- دس: دائرةالمعارف سرزمین و مردم ایران عبدالحسین سعیدیان تهران چاپ سوم ۱۳۶۴ علم و زندگی.
- دش: دیار شهر یاران اکنون آثار و بناهای تاریخی خوزستان در دو بخش، احمد اقتداری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۵۷ (انجمن آثار ملی)... تهران.
- دموکراسی هند: دموکراسی و آزادی در هند، سیف آزاد، تهران ۱۳۲۹.
- دهلی و آگرا: Dehli Ban Agra از توم چاپ

سن وپتی‌گورا Tom Ehapman and Erika  
Petigurg نیویورک، توکیو، سانفرانسیسکو،  
بدون تاریخ چاپ.

و: رضائیه (ارومیه) سرزمین زرتشت اوضاع  
طبیعی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و  
اجتماعی تاریخی از علی دهقان، تهران  
۱۳۴۸ ابن سینا.

دهلی و اطراف: دهلی و اطراف آن از دکتر ی.  
د. شرما.

دهلی ۱۹۶۴ Delhi And Neig Ghbhour Hood  
DR. Y. D. Sharma

راهنما: راهنمای کتاب ماهنامه، صاحب  
امتياز احسان یار شاطر، مدیر ایرج افشار، از  
سال ۱۳۵۱ در تهران، پس از اینها عدد اول  
سال انتشار، عدد دوم صفحه نشریه است  
راهنما ۶/۱۲ = سال ۱۲ صفحه ۶.

رج: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و  
۱۴ هجری مهدی بامداد در شش جلد، تهران  
۱۳۶۴ زوار.

رجا: رجال دوره قاجار، حسین سعادت  
نوری، تهران ۱۳۶۴.

رجال: رجال وزارت خارجه ایرج افشار،  
تهران ۱۳۶۶.

رجال ناصری: رجال عصر ناصری  
دوستعلی خان معیرالممالک، تهران ۱۳۶۱.

رستم: رستم التواریخ محمد هاشم آصف  
به کوشش محمد مشیری تهران ۱۳۵۲ (اول)

۱۳۴۸) امیرکبیر.

روزشمار: روزشمار تاریخ ایران دو جلد از  
مشروطیت تا انقلاب اسلامی، دو جلد  
باقرعاملی، تهران ۱۳۶۹.

رهبر: رهبران مشروطه در دو جلد، ج اول ۲۴  
سرگذشت ابراهیم صفایی تهران ۱۳۶۴  
جاودان.

رهبر ۲: ابراهیم صفایی، تهران ۱۳۶۳ ج دوم  
۱۸ سرگذشت.

ری: ری باستان در دو جلد دکتر حسین  
کریمان تهران ۱۳۴۵ انجمن آثار ملی (انجمن  
آثار و مفاخر فرهنگی).

ز: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ -  
۱۳۳۰ ح) حسن موساوند تهران ۱۳۶۹،  
الوند ج ۱.

ز ۲: حسن موساوند تهران ۱۳۷۳، الوند ج  
۱.

ز ۳: حسن موساوند تهران ۱۳۷۳، الوند ج  
۱.

س: سرزمین‌های خلافت شرقی لسترنج،  
تهران ۱۳۳۷ بنگاه ترجمه و نشر کتاب،  
مجموعه ایرانشناسی ترجمه محمود  
عرفانی.

سخنوران: سخنوران نامی ایران در تاریخ  
معاصر ۲ جلد محمد اسحاق، کلکته  
۱۳۵۱ ق (تهران ۱۳۷۱).

سرگذشت: سرگذشت موسیقی ایران روح الله خالقی: تهران ۱۳۵۲

سمویه: رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند ابو طاهر خواجه سمرقندی به کوشش ایرج افشار تهران، ۱۳۶۷

سهم: سهم ایران در تمدن جهان به انگلیسی و فارسی حمید نیرنوری تهران ۱۳۴۵.

سیاستگر: سیاستگران دوره قاجاریه، در دو جلد خان ملک ساسانی - سرگذشت شش نفر جلد دوم سه نفر تهران ۱۳۳۸ بابک.

سیراف: سیراف (بندر طاهری)، غلامرضا معصومی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۵۲ تهران.

سیمای: سیمای جمهوری اسلامی ایران (تلویزیون دولتی).

سیموغ: فصلنامه به مدیریت مهراکبریان در تهران شماره مخصوص آسیای مرکزی مرداد - آبان ۱۳۶۹.

ش: شاهنامه چاپ مسکو جلد اول

ش ۲: شاهنامه چاپ مسکو جلد دوم...

شاع: زندگانی شاه عباس اول در پنج جلد نصرالله فلسفی، تهران ۱۳۶۴. انتشارات علمی.

شاهنامه آخرش: شاهنامه آخرش خوش است محمد ابراهیم باستانی پاریزی تهران ۱۳۷۲.

شاهنامه در ۵۰: شاهنامه در پنجاه سال

دودمان حکومت پهلوی ها مهدی غروی ۱۳۵۵ وزارت فرهنگ و هنر.

ش مهل: شاهنامه مهل، چاپ پاریس. بار اول در ایران در ۱۳۴۵ توسط بنیاد کتابهای جیبی در ۱۱ جلد کوچک و بار دیگر بامقدمه دکتر محمد امین ریاحی در ۴ جلد به سال ۱۳۷۳ طبع و نشر شد.

شهر: نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، مجموعه مقالات به کوشش محمد یوسف کیانی تهران ۱۳۶۵ با همکاری هما (هواپمایی ملی ایران).

شهرها: شهرهای ایران (مجموعه مقالات) به کوشش محمد یوسف کیانی با همکاری جهاد، تهران ۱۳۶۶.

شهرها ۲: جلد دوم همین کتاب.

شهرها ۳: جلد سوم همین کتاب.

شهرها ۴: جلد چهارم همین کتاب.

شهرهای مغولی: شهرهای مغولی (بایری) در هند، کتاب به انگلیسی دهلی آگرا و فتحپور سیکری...

Cities of Mughal India By Gavin

Hambly

مؤلف گاول های ملی ۱۹۶۸ دهلی به طبع انگلستان.

شیرازنامه: شیرازنامه احمد ابی الخیر زرکوب شیرازی به کوشش بهمن کریمی، ۱۳۳۰ خ، تهران.



صدا: صدای جمهوری اسلامی (بنگاه رادیو).

عکس: عکس‌های قدیمی ایران، رجال، مناظر، بناها، و محیط اجتماعی، قاسم صافی، دانشگاه تهران ۱۳۷۰.

عکس آلبوم: فهرست آلبومهای عکس کتابخانه گلستان (سلطنتی) بدری آتابای تهران ۱۳۵۷.

ف: فرهنگ فارسی (متوسط) دکتر محمد معین، تهران ۱۳۵۶ امیرکبیر شش جلد، با چاپهای جدید، پس از انقلاب.

فارسانامه: فارسانامه ابن بلخی به کوشش سیدجلال‌الدین تهرانی، ۱۳۱۳ تهران.

فج: فرهنگ جغرافیایی ایران در ده جلد حسنعلی رزم آرا همکاران، تهران ۱۳۳۲.

فرآفرم: فرهنگ آبادیهای ایران و مکانهای مذهبی کشور (فرم) لطف‌الله مفخم پایان و دکتر محمد حسین پابلی یزدی و همکاران مشهد ۱۳۶۷ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.

فرجال: فرهنگ رجال قاجار جورج ب. چرچیل به کوشش غلامرضا صالحیار تهران ۱۳۶۹.

فرخا: فرهنگ خاورشناسان زندگی و کتابشناسی ایرانشناسان اسلام‌شناسان مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) تهران ۱۳۷۲ وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

فرم - فرآ

فونفیزی: فرهنگنامه فارسی سعید نفیسی، تهران ۱۳۱۹ (فقط بخش اول).

فرهنگ ایران باستان: ابراهیم پور داود تهران ۱۳۲۶.

قدیم نقش: کتاب قدیم نقش ایران به فارسی، انگلیسی و گجراتی از کاوسی و نشاجی کیاس، بمبئی ۱۳۵۸ یزد جردی ۱۳۰۶ هجری، ۱۸۸۹ م.

قم: فهرست مقالات فارسی ایرج افشار پنج مجلد آن مقاله که نامشان در این فهرست نیست، نام مجله همراه با سال انتشار و شماره صفحه ذکر شده است.

قندیه: رساله در تاریخ مزارات و جغرافیایی سمرقند، محمدبن عبدالجلیل سمرقندی به کوشش ایرج افشار تهران ۱۳۶۷.

کارنامه: کارنامه انجمن آثار ملی (اکنون انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) حسین بحرالعلومی، تهران ۱۳۵۵، انجمن آثار ملی.

کاروند: کاروند کسروی مجموعه مقالات سید احمد کسروی به کوشش یحیی ذکاء تهران ۱۳۵۶ م (اول ۱۳۵۲) جیبی.

کاشان: تاریخ کاشان، حسن نراقی، تهران ۱۳۶۵.

کف: کتابشناسی فردوسی فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و شاهنامه ایرج افشار، تهران انجمن آثار ملی (انجمن آثار و

مفاخر فرهنگی) تهران ۱۳۴۷.

فرخ ۱۳۴۱، باستان مشهد.

کوی سرخاب: کوی سرخاب تبریز  
مقبره الشعرا، دکتر ضیاءالدین سجادی،  
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۵  
(انجمن آثار ملی) ۱۳۵۱.

مجموعه اقبال: مجموعه مقالات عباس اقبال  
آشتیانی (۱۰۱ مقاله) به کوشش دکتر محمد  
دبیرسیاقی تهران، خیام ۱۳۵۰.

کیهان: روزنامه عصر که از سال ۱۳۲۰ خ در  
حال انتشار است.

مردان موسیقی: مردان موسیقی سنتی و نوین  
ایران حبیب‌الله نصیری فرد، تهران ۱۳۷۲.

گل: گلستان هنر میراحمد منشی قمی  
به کوشش احمد سهیلی خوانساری در تهران  
۱۳۵۲.

مسافر: مسافران تاریخ مسعود نوربخش  
درباره سفرنامه‌ها، تهران ۱۳۶۴.

گنجینه: گنجینه دانشمندان حاج شیخ محمد  
شریف رازی، تهران ۱۳۵۲.

معماری: معماری ایران دوره اسلامی  
(مجموعه مقالات) به کوشش محمد یوسف  
کیانی با همکاری جهاد، تهران ۱۳۶۶.

گورشاد: قیام گورشاد، سینا واحد،  
محبوبه تهران ۱۳۶۴.

معماری ۴: معماری ایران دوره اسلامی  
فهرست بناها با همکاری جهاد به کوشش  
محمد یوسف کیانی با همکاری جهاد تهران  
۱۳۶۸.

ل: لغت‌نامه دهخدا زیر نظر دکتر محمد  
معین و دکتر جعفر شهیدی تهران از ۱۳۲۵  
سازمان لغت‌نامه وابسته به دانشگاه تهران.

معماری ایران: آرتور پوپ، ترجمه غلامحسین  
صدری افشار، تهران ۱۳۶۴.

مازندرانی: مازندران و استرآباد ه. ل. رابینو،  
ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی تهران  
۱۳۶۵ شرکت انتشارات فرهنگی وزارت  
فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معماری ایلخانی: معماری اسلامی ایران در  
دوره ایلخانان دونالد، ن. ویلبر ترجمه  
عبدالله فریار شرکت انتشارات علمی و  
فرهنگی ۱۳۶۵ (چاپ اول ۱۳۴۶).

مجله: مجمل التواریخ و القصص. تألیف در  
۵۲۰ از نویسنده‌ای نامعلوم به کوشش  
ملک الشعرا محمدتقی بهار، تهران ۱۳۱۸  
کلالة خاور.

معماری چین: معماری اسلامی در چین،  
لیوجی بینگ ترجمه مریم خرم بهار ۱۳۷۴  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مجله فصیحی: مجمل فصیحی فصیح  
احمد بن جلال‌الدین محمدخوانی محمود

معماری هند: معماری هند از بررسی براون در  
دو مجلد: هندی و اسلامی.

INDIAN ARCHITECTURE

(ISLAMEC PERIOO)

Borey Percy

بمبئی تاراپوروالا ۱۹۴۳

معین: مجموعه مقالات دکتر محمد معین،  
تهران ۱۳۶۴ به کوشش مهدخت معین.

مغولان بزرگ: مغولان (بابریان) بامبرگاسکنی  
THE GREAT MOGHULS

Bamber Gascoigne

لندن ۱۹۷۳.

مکارم: مکارم الآثار و احوال رجال قرن ۱۳ و  
۱۴ علی حبیب آبادی، تهران ۱۳۶۲.

میراث ایران: میراث ایران اثر سیزده تن از  
خاورشناسان زیر نظر ۱. ج. آبربی ترجمه  
شش نفر از دانشمندان، فصل چهارم ایران و  
هند از هرمان Goetz از انتشارات بنگاه  
ترجمه و نشر زیر نظر احسان یار شاطر  
تهران ۱۳۴۶.

میراث جاودان: سنگ نوشته ها و کتیبه های  
فارسی در پاکستان سید کمال حاج سید  
جوادی، در دو جلد ج اول پنجاب ج دوم،  
استانهای دیگر، رایزنی فرهنگی سفارت  
جمهوری اسلامی ایران اسلام آباد ۱۳۷۰.

ناسخ: ناسخ التواریخ میرزا محمدتقی  
لسان الملک سپهر به کوشش جهانگیر قائم  
مقامی تهران ۱۳۳۷.

نام گیل: نام ها و نامداران گیلان جهانگیر  
سرتیپ پور، تهران ۱۳۷۰.

نسخ: نسب نامه خلفاء شهریاران، زامباور  
به کوشش دکتر محمد جواد مشکور، تهران  
۱۳۵۶.

نظر آذر: نظری به تاریخ آذربایجان دکتر محمد  
جواد مشکور، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی  
۱۳۷۴ (انجمن آثار ملی) ۱۳۴۹.

نقاشان: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و  
برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی  
محمد علی کریم زاده تبریزی، لندن ۱۳۶۳  
نقاشان ۲ و نقاشان ۳ جلد های دوم و سوم.

نقد حال: مجموعه مقالات مجتبی مینوی  
تهران ۱۳۵۱.

نقش پارسی: نقش پارسی علی اصغر حکمت،  
تهران ابن سینا چاپ دوم تهران، ۱۳۳۷.

ویلدورانت: تاریخ تمدن، گاهواره تمدن،  
ترجمه احمد آرام، تهران ۱۳۳۷

هزار مزار: تذکره هزار مزار ترجمه شد الازار  
(مزارات شیراز) عیسی بن جنید شیرازی  
به تصحیح و تحشیه دکتر نورانی وصال،  
تهران ۱۳۶۴

هنر: بررسی هنر ایران، آرتور اپهام پوپ در ۸  
جلد

A SURVEY OF PERSIAN ART

Arthur Upham Pore

آکسفورد لندن و میجی شبو Meizi Shobo  
توکيو.

هنر و مردم: ماهانه هنر و مردم به مدیریت دکتر

## آغاز سخن

از دوران کودکی می‌دانستم که برخلاف بیشتر دین‌های رایج جهان، اسلام دینی است استوار بر پایه دانش و بینش و نیز شنیده بودم که ایرانیان ملتی با دانش و فرهنگ بوده‌اند و پیامبر بزرگ ما ایرانیان را از این لحاظ ستوده است. با این سابقه ذهنی و آشنایی با فلسفه پراگماتیسم آمریکایی، در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش دانمارک برای آشنایی با مدارس عامه دانمارک (فولک‌های اسکول) به آن کشور بروم، چنین کردم و دو سال از بهترین سالهای زندگی من همان سالها بود که با صبر و حوصله و شور و علاقه به پژوهش درباره این مدرسه‌ها پرداختم. این مدرسه‌ها ویژه اسکاندیناوی است، اگر چه در برخی از کشورهای دیگر نیز این گونه مدرسه تأسیس شده، اما بنیانگذار این مدارس یک معلم ساده دانمارکی بوده به نام گروندوی که معتقد بود برای رسیدن به مدینه فاضله باید دانش و بینش عامه مردم را ترقی داد و به حدی رساند که دموکراسی را در نهاد جامعه خود متبلور سازند و به جای اعمال زور و قدرت متکی به علم و دانش باشند، نه فقط علم و دانش محض بلکه آن علم و دانشی که در خدمت بشر است و کلاً بدان فرهنگ گفته می‌شود.

گروندوی و شاگردانش در یک انبار یا طویله در آن اقلیم سرد و جانکاه زمستان کار خود را آغاز کرد، این کشیش متعهد که معلم تاریخ بود عده‌ای از مردم عادی را به دور خود گرد آورد تا در آن مکان نامناسب به بحث، درس و گفتگو بپردازند. کم‌کم شمار این گونه مدرسه‌ها زیاد شد و گروندوی نیز به وکیلی مجلس شورا رسید.

اکنون تعداد این مدرسه‌ها در دانمارک از صد بیشتر است، همه با ساختمانهای خوب و مناسب و هم به صورت شبانه‌روزی و مختلط برای هر گروه سنی که به دانش بشری پایبند و علاقه‌مند باشند، از هشت تا هشتاد ساله بدون پرداخت شهریه و هزینه‌های دیگر. این جامعه همان جامعه‌ای بود که من در نهاد خود بدان می‌اندیشیدم و همین که به تهران بازگشتم چون

دستگاه وزارت فرهنگ برایم شغلی مناسبی در نظر نداشت. مدت دو سال ضمن سردبیری ماهنامه آموزش و پرورش، در کتابخانه وزارت خانه استقرار یافته و بسیاری از کتابهای مهم فارسی به ویژه کتابهای عرفانی را بررسی کرده یادداشت برداشتم و معتقد شدم که عالمان و عارفان با چنین روش و فلسفه‌ای کار خود را پیش می‌بردند و با خلق آثار گرانبهای مکتوب از خود آن یادگارهای عظیم را ساختند.

متأسفانه در ایران پس از رویداد ۲۸ مرداد فرهنگ ظاهر آرا و مصرف‌گرای آمریکایی در حال نفوذ بود و کسی جرأت نداشت این مطلب را ارائه کند، تا اینکه انقلاب اسلامی ایران باشکوه خاص خود رویداد و تحولی عظیم در جامعه متحول ما به وجود آورد و من هنگامی که در سال ۱۳۶۳ از پاکستان به ایران بازگشتم دیدم که مردم عوض شده و گرایش به علم و دانش در آنها زیاد و رو پیشرفت است. در حقیقت علاقه‌مندی به دائرةالمعارف نویسی و توجه مردم به دانشنامه‌ها یکی از مظاهر این نهضت بود.

اما به نظر من این مطلب مایه نگرانی بود، که دائرةالمعارف‌ها همه کپیه‌ای از نظایر آن در فرنگ بود و با ذوق و استعداد خواننده ایرانی که کم حوصله و شتابزده است هم‌آهنگی نداشت و در این میان لغت‌نامه که یک اثر جاودانی کاملاً ایرانی است بیشتر مطابق میل و خواست ایرانیان بود، البته مقصود مردم عادی است نه دانشمندان که به سنت دائرةالمعارفی اصیل معتقد و پایبندند. بدیهی است این کتاب نیز با همه جامعیت دارای تضادهایی بود که درد مردم عادی را دوانمی‌کرد و نیاز به ساده‌سازی داشت. در این باب با استادام شادروان دکتر زریاب گفتگو کردیم و او حق به جانب من داد اما گفت که اقدام به این کار جسارت می‌خواهد و این جسارت در هر کس پیدانمی‌شود. من در خود این جسارت را یافته و مصمم شدم که بر مبنای لغت‌نامه تفصیل‌گرا این اثر را تدارک کنم، کتابی محتوی مطالب مختصر و مفید با ارجاع برای کسانی که بیشتر می‌خواهند.

مدت ده سال تمام کلیه کارهای تحقیقی مطالعات متفرقه را کنار گذاشتم و با خواندن صدها کتاب، هزاران برگه ساختم و بخش آ و الف آن را در سه جلد، گردآوری و گزینش کردم و نام کامل این مجموعه جامع را لغت‌نامه تاریخ و فرهنگ ایران زمین نهادم و به این سه کتاب به نامهای آبادان و ابن سینا و امیرکبیر دادم، بر مبنای طرح کلی بقیه کتاب می‌بایستی شامل چهار کتاب گردد که البته از عهده این ضعیف تدارک برگه‌های آن مقدور نخواهد بود... حتی در مورد این سه کتاب نیز بسیار کارها مانده است که باید با مرور زمان تدارک شود.

اگر گفته شود که در این ده سال این بنده از هر فرصت، گرچه بسیار کوتاه برای ارضای این حس دانشوری خود استفاده کرده‌ام سخنی به گزاف نیست. اما دوستان و آن کسان که به بنده لطف داشتند و ادا کردند که در برخی از جلسه‌های بحث و مذاکره در باب شبه‌قاره در مرکز تحقیقات بین‌المللی وزارت ارشاد مشارکت داشته باشم... در همین زمان بود که دانشمند کوشا و پرکار، آقای دکتر سید کمال حاج سید جوادی بنده را برای شرکت در جلسه‌ای که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی تشکیل می‌شد دعوت کردند در این گردهم‌آیی استاد احمد منزوی نیز که مدت شش سال در پاکستان باهم هم‌نشینی داشتیم حضور داشت، موضوع جلسه عبارت بود از تنظیم دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، بنده در این باب همان سخن همیشگی خود را بر زبان آوردم که با تمام وجود سرگرم کار خود هستم و سرانجام با پیشنهادی که آقای دکتر صوتی ارائه داد مشکل حل شد و بنا گردید که مشارکت ما در این جلسه‌ها فقط هفته‌ای شش ساعت در سه جلسه باشد و در ضمن به همت آقای دکتر حاج سید جوادی مقدمات طبع نشر فهرستواره استاد منزوی و برخی از لغت‌نامه تاریخ و فرهنگ این جانب فراهم شود و در همان جلسه فصل آرامگاه‌ها انتخاب شد که بنده آن را تکمیل و آماده برای چاپ سازم به شکلی که خود کتابی مستقل باشد و این بود سرگذشت این اثر و تولد این مجموعه محدود.

کار روی آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی را در تابستان ۱۳۷۳ آغاز کردم و در عمل ناچار شدم که علاوه بر تکمیل در خیلی از موارد مطالب موجود را اصلاح و کوتاه‌سازی کنم و مقدمه‌ای جامع‌تر از آنچه در آغاز فصل آرامگاه نوشته شده بود بنویسم و همانند یک بدنه اصلی از دو بدنه کتاب به اول آن بیفزایم، آرامگاه در متن اصلی لغت‌نامه شامل ۱۸ دفتر است و برای ارائه در یک مجموعه یک جلدی ترتیب دفترها به هم خورده و سرفصل‌های بخش دائرةالمعارفی کتاب کلید نظم دائرةالمعارفی آن نیز هست.

چنین ادعایی نمی‌کنم که در این مجموعه همه آرامگاه‌ها را معرفی کرده‌ام و بدون شک بسیاری عنوان جدید هست که به‌خواست خدا در تکمله‌ای که در جلد دوم خواهد آمد، به این جمع افزوده خواهد شد و از سوی دیگر این مجموعه شامل آرامگاه‌های اکثر قدیسین بزرگوار و عالمان و فقیهان بزرگ نیست و تدارک این کمبود نیاز به تألیفی دیگر دارد، فعلاً در این مختصر پژوهش درباره آرامگاه و سپس متن دائرةالمعارفی آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی آمده است و امیدوارم که در جلد دوم کتاب، کتابچه عکس شامل تصویرهای آرامگاه‌ها با

زیرنویس کافی که معرف کامل محتوای تصویر باشد با شماره صفحه ارجاعی به این جلد همراه با تکمله و نامنامه مفصل و جامع نیز ارائه شود.

در پایان این مختصر لازم است که از ریاست محترم هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی جناب آقای دکتر حاج سید جوادی که با نظر موافق دستور طبع و نشر کتاب را دادند و در موارد دیگر نیز از هیچ نوع راهنمایی و کمک دریغ نکردند سپاسگزاری کنم، و از کمک و راهنمایی دو همکار عزیزم در هیئت علمی گروه شبه قاره آقایان استاد منزوی و دکتر سلیم اختر و دیگر همکارانمان درین گروه سپاسگزار هستم.

در انجمن دوست عزیزم آقای حسین ایوبی زاده که از هیچ کوششی برای تدارک مقدمات چاپ کتاب و تصحیح آن دریغ نکردند ممنونم و در پایان این سرآغاز وظیفه خود می دانم که از همکاری همسر عزیزم در پاکنویس مطالب و فراهم ساختن جو مساعد برای خلق و ارائه این تحقیق نهایت درجه کوشش به عمل آورد سپاسگزار باشم.

دکتر مهدی غروی

تابستان ۱۳۷۶

## آرامگاه درگستره فرهنگ ایرانی





# آرامگاه و مراحل تطور و تکامل آن در گستره فرهنگ ایرانی

## در چهار مرحله

- مرحله نخست: عصر کهن: پیش از مادها
- مرحله دوم: عصر باستان: از مادها تا ظهور اسلام
- مرحله سوم: عصر اسلامی یک: از آغاز اسلام تا ترکتازی مغولان
- مرحله چهارم: عصر اسلامی دو: از ترکتازی مغولان تا ظهور شاه عباس



## پیشگفتار

### آرامگاه و مراحل تطور و تکامل آن در گستره فرهنگ ایرانی

ای انسان بر گور من حسد مبر\*

در گستره فرهنگ و تمدن ایرانی، در بررسی بناهای برجای مانده در سده‌ها و هزاره‌ها، هیچ بنا و عمارتی با مسجد قابل قیاس نیست. در جهان اسلام از آغاز پیدایش مسجد و پی افکندن نخستین نمازگاه اسلامی در عصر پیامبر (ص) تا عصر ماکه مسجد بزرگ اسلام آباد با گسترش بی‌مانند بدین مجموعه افزوده می‌شود، همیشه در همه حال مسجد الحرام خانه کعبه چون دری یکتا درخشش داشته است و به جرات می‌توان آن را بزرگترین و مهمترین بنای ساخته شده به دست بشر دانست. در ایران نیز، در میان میراث فرهنگی گونه‌گون ما، مسجد مقام نخستین را دارد. استاد محمد یوسف کیانی در این باب نوشته است:

«احداث نیایشگاهها در دوران اسلامی بیش از هر نوع بنای دیگر مورد نظر بوده، تا جایی که اگر شهری فاقد مسجد جامع یا آدینه بود، نمی‌توانست به عنوان یک شهر معرفی شود. معماران ایرانی با سبکهای گونه‌گون و نقشه‌های متفاوت و بالاخره تزیینات

---

\* آریان مورخ یونانی در کتاب اسکندر هنگام توصیف پاسارگاد و ورود اسکندر به این شهر و آرامگاه کوروش می‌نویسد: در آنجا سنگ‌نوشته‌ای به خط پارسی دیده می‌شد بدین مضمون: ای مرد فانی من کوروش پسر کمبوجیه هستم. من امپراتوری پارس را بنا کردم. من حکمران آسیا بودم، به این آرامگاه من رشک مبر. ایران باستان ۱۸۷۱. پلوتارک نیز روایتی مشابه دارد متنها این جمله را هم اضافه کرده است: این کلمات در اسکندر اثر غریبی کرد زیرا به خاطر آورد که عظمت انسان چقدر مشکوک است. ایران باستان ۱۹۷۲.

باشکوه، خانه‌های خدا را شکوه و جلالی دیگر بخشیدند. نیایشگاههایی چون تاری‌خانه دامغان، مسجد کبود تبریز، گوهرشاد مشهد و مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان از یادگارهای با ارزش معمارانی است که هنرشان را با عشق و جذبۀ درآمیخته‌اند.<sup>۱</sup>

در دفتری که پیش روی شما گسترده‌ایم از آرامگاه سخن خواهیم گفت، مجموعه بناهایی که پس از مسجد مقام دوم را داراست<sup>۲</sup> و حتی به عقیده برخی از دانشمندان پس از مسجد بیش از هر بنای دیگر مورد توجه عام بوده است.<sup>۳</sup>

آرامگاهها نیز در اجتماع ایران دارای برتریهای خاص خود می‌باشند و به جرات می‌توان گفت که توجه مردم به آستان قدس رضوی و حضرت معصومه و هزاران امامزاده دیگر پدیده‌ای است بی‌نظیر در سراسر جهان و این سبب شده است که در این گستره، آرامگاهها از گونه‌گونی ویژه‌ای برخوردار بوده و در مقابل مسجد که ویژگیهای هماهنگ و یکنواختی را با خود دارد، خودنمایی کنند.

آرامگاهها در سه گروه: امام و امامزادگان، عارفان و مفاخر ملی در حقیقت واسطه‌هایی هستند که مردم ایران از آنان به‌عنوان واسطه ارتباط با گذشته و در نهایت با خدا بهره‌جویی می‌کنند. امامزاده‌ها علاوه بر اینکه در همه جا هستند و می‌توانند مشخصه یک آبادی باشند، نام رسمی صدها و هزارها آبادی در این پهنای مورد بحث، نیز هستند: مشهد مقدس، مزار شریف، آستانه اشرفیه، حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم و امامزاده هاشم و...

ویژگی دیگر آرامگاهها در برابر مسجدها این است که نیایشگاهها در ایران عموماً مساجدند که پس از ظهور اسلام در ایران پدید آمده‌اند، چه آنها که ساخته شده‌اند و چه آنها که قالبی مناسب برای خود یافته‌اند، در حالی که آرامگاهها در گستره فرهنگ ایرانی از اقدم از منته تاریخی تا عصر ما هویت خود را حفظ کرده‌اند، از چغازنبیل گرفته تا آرامگاه امام خمینی (ره). خصیصه دیگر امامزاده‌ها و آرامگاهها این است که در ایران اسلامی امامزاده یا یک بنای آرامگاهی، مشخصه و نمایانگر خصوصیات هویتی یک آبادی است و بسیاری از اعمال مذهبی چون زیارت شب جمعه و شبهای مقدس دیگر در امامزاده (دَرِ امامزاده) انجام می‌شود و علاوه بر اینکه دیدن مقابر و گور عزیزان از دست‌رفته یک انتباه است، ایجاد وحدت و هماهنگی می‌کند و در رخدادهای نظامی و سیاسی نیز برای ساکنان آبادی پناهگاهی مطلوب است.

در این دفتر نه بررسی فنی بناهای تاریخی آرامگاهی مورد نظر است و نه توصیف دایرةالمعارفی بزرگوارانی که در گوشه و کنار این سرزمین به خاک خفته‌اند، بلکه هدف ارائه

فهرستی است از آرامگاههای موجود که در این باره نیز تذکره نکته لازم است:

۱- هویت آرامگاهی گروه بی شماری از عزیزان مورد نظر، به ویژه عالمان و شاعران ما معلوم نیست و در زندگینامه آنان نیز بدان اشاره نشده و حتی در بسیاری موارد، تاریخ فوت و محل فوت نیز مورد توجه قرار نگرفته است. البته اگر روزی یک آمار توصیفی دقیق از سنگهای گور نوشته دار و کتابنامه های مدون درباره کتابهای فارسی تدارک و تهیه شود می توان امیدوار بود که هویت بسیاری آرامگاههای جدید که اکنون مجهول است معلوم شود. مؤلف نیز ادعا ندارد که در این مجموعه، حتی کل آرامگاههای معلوم را هم ارائه کرده باشد چه، این رشته سردراز دارد.

۲- در تدارک این مجموعه بسیاری از کتابهای مربوط به وفیات گذشتگان مرور و بررسی شد، اما آوردن همه این مزارها (آرامگاه شاعران و قدسین به ویژه عارفان) امکان نداشت و حتی، امامزادگان را نیز به مجموعه ای دیگر ارجاع داده ایم که آن خود کاری است بسیار دامنه دار. هدف این بوده است که بین این گروه ها هماهنگی وجود داشته باشد.

۳- یافت نشدن آرامگاهها دلیل بر آن نیست که یاد بزرگی را به این بهانه به دست فراموشی بسپاریم، چه در این صورت می توان به جای آرامگاه بنای یادبود ساخت و تعمیر یا ساختن آرامگاه را به بعد موکول کرد، مثلاً نیافتن آرامگاه منوچهری دامغانی نباید مانع از تجلیل منوچهری در دامغان باشد. اگر روزی این بناها و آثار آرامگاهی دقیقاً مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند، مطالب اساسی و مهمی در رابطه با تاریخ اجتماعی سرزمین ما که هنوز گنگ و مبهم است به دست خواهد آمد، مثلاً تفکر در این پدیده که چرا و چگونه یک بنای آرامگاهی هزاران سال برجای مانده و مصالحش برای عمارت دیگر به یغما نرفته است و یا اینکه قربانی کینه توزی و تعصبات کور مردم هیجان زده نشده است و یا چگونه می توان به کمک بناهای آرامگاهی به یافته شدن حلقه های مفقوده در معماری سنتی ایران کمک کرد، مثلاً مطالعه و بررسیهای آرامگاهی برجی، گنبد قابوس، برج لاجیم، برجهای خرقان و آرامگاه امیر اسماعیل سامانی و آتشکده های اکثر آ چهار طاقی دوره های پیش از اسلام، مطالب مهمی را ارائه می دهد و از آن مهمتر اینکه گاهی آتشکده ای با اخذ نام جدید و هویت نوین از تخریب و انهدام در امان مانده است.

ایجاد ارتباط میان ساکنان یک آبادی و سرزمینی که آن آبادی را دربر گرفته است، برای حفظ آن سرزمین با تمام ویژگیهای نژادی و تمدنی اش ضرورت دارد و همان گونه که یک

کشاورز از مشاهده گیاهانی که خود پرورانده و بری که از آن می‌خورد، شادمان و راضی می‌شود و میان خود و دست‌پروردگان خود ارتباط ایجاد می‌کند، جمع شدن مردم آبادی به‌هنگام نیایش و زیارت در این مکانها علاوه بر ایجاد همخونی و هموطنی، میان آن مردم و خداوند نیز ارتباط برقرار می‌کند و آن بزرگواران متعلق به دوران گذشته، ارتباط میان انسانها و خداوند را تقویت می‌کنند و در نهاد زیارت‌کنندگان شادمانی و آرامش به‌وجود می‌آورند، در حقیقت در طی قرون و هزاره‌ها این شاهدان ناپیدا در ایجاد ارتباطهای اجتماعی نقش مهمی را بر عهده داشته و دارند.

از این مسایل که بگذریم بیشتر این بناها ویژگیهای خاص خود را دارند و علاوه بر افزایش آگاهی در باب خود بنا و بنیان آن و بزرگواران مدفون در آن بنا، عصر آنان را نیز بشناساند. این دانستنیها اثرات اجتماعی عمیق در روحیه زیارت‌کنندگان برجا گذاشته و سبب می‌شود مردمانی که در این عصر پرتنش به‌رسانه‌های دروغ‌پرداز و گمراه‌کننده شبکه جهانی توجه دارند به‌خود متوجه شوند. آرامگاه باباطاهر از آن جمله است که هزاران نفر در طی یک سال از آن دیدن می‌کنند و کمتر کسی از زیارت‌کنندگان است که تحت تأثیر جذبه آن بنا و شعرهای شاعر که به‌در و دیوار حک شده یا توسط خوانندگان غیرحرفه‌ای خوانده می‌شود، قرار نگیرد. البته سخن اول در این باب را شهیدان در خاک خفته می‌زنند که چون رابطی مابین حال و گذشته به تقویت اعتقادات دینی، غرور ملی و علاقه وطنی کمک می‌کنند.

آنچه در بدنه اصلی کتاب ارائه شده فهرست گونه‌ای است از آرامگاههایی که با تمام وجود مفاخر فرهنگی ایران زمین را ارائه می‌کنند، بدون اینکه ادعا شود شامل کل همه آرامگاههای موجود است.

از آن روی که بدنه اصلی کتاب را بر مبنای نظم الفبایی مرتب ساخته‌ایم در این مقدمه اشاره‌ای به‌سیر تحول و تکامل آرامگاه و آرامگاه‌سازی در گستره فرهنگ ایرانی در چهار مرحله خواهیم داشت:

مرحله نخست: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر کهن، پیش از مادها

مرحله دوم: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر باستان از عصر مادها تا ظهور اسلام

مرحله سوم: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر اسلامی یک از آغاز تا ترکتازی مغولان

مرحله چهارم: آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر اسلامی دو از ترکتازی مغولان تا ظهور

شاه عباس

## فصل اول

### آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر کهن (بخش اول از مرحله نخست)

«در سراسر جهان گذشته و حال، هیچ بنایی از حیث حجم و عظمت و تعداد بیشمار نیروی انسانی که در آن به کار رفته با هرم بزرگ مصر، خثوپس، قابل قیاس نیست و این بنای سنگی که به حقیقت کوهی است دست‌ساز، آرامگاه یک انسان خودخواه خودپرست بوده است که هنوز هم در کناره نیل به عنوان عجیب‌ترین عجایب جهان خودنمایی می‌کند.»

#### ویل دورانت\*

سرآغاز حیات با وحشت و ترس همراه بوده است و جهان را انبوهی از مجهولات فرا گرفته بوده است، بشر نخستین که عوارض طبیعی را به‌زیان خود می‌دید، چاره‌ای جز ادای احترام و تملق‌گویی به این عوارض طبیعی نداشت، کم‌کم این حالت دگرگون شد و بشر به‌تصور خود، خدایانی را خلق کرد که عامل اصلی این تغییرات و خطرات را به آنان نسبت می‌داد. کوشش بعدی بشر ایجاد ارتباط بین خود و خدایان بود و در برخی سرزمینهای کهن آن زمان چون مردم نمی‌توانسته‌اند ارتباط و تشابهی میان انسانها و خدایان بیابند، آلات تناسلی را به‌عنوان مهمترین وجه تشابه و نشانه خلاقیت پذیرفته به پرستش آن پرداختند، و ایرانیان از معدود مللی هستند که چنین نبودند، در حالی که کل ملل مهم قدیمه به این رویه غلط تمایل داشتند، از جمله مصریان و هندیان و مردم بابل و آشور و یونان و روم.<sup>۴</sup> علت عدم توجه ایرانیان به این مذهب کجراه را باید در تعالیم زرتشتی یافت، چه آیین زرتشتی آیین عمران و آبادی بوده است و برداشت محصول و باروری زمین، از این‌روست که آنها را ناهید در میان ارباب و انواع مظاهر قدرت پروردگار مقامی چنین سرفراز و منیع داشته است.

---

\* تاریخ تمدن، ج اول، صص ۲۲۳ و ۲۲۵، نقل به‌اختصار.



دوران بعد، دوران پرستش روح و شیخ است، چه در آن اعصار مردم تصورشان از مرگ فقط یک انتقال بود و باور داشتند که اشباح مردگان همیشه در اجتماع وجود داشته و نمی‌میرند، ویل دورانت می‌نویسد:

«پرستش اشباح به تدریج پیش رفت تا صورت دین نیاکان را به خود گرفت و همه مردم از مردگان می‌ترسیدند [هنوز هم این ترس کم و بیش به خصوص در آبادیهای کوچک از جمله در نظریه خود شاهد و ناظر بوده‌ام وجود دارد] و می‌کوشیدند وسایل خشنودی آنان را فراهم آورند تا مبادا زندگان را مورد لعنت قرار داده زندگی را بر ایشان تلخ سازند. این نوع پرستش نیاکان چنان تکوین و تنظیم شده بود که از یک سو باعث تحکیم مقامات اجتماعی شده از سوی دیگر روح محافظت از جریانات و نظامات قدیم را زنده نگاه می‌داشت. و به همین ترتیب در سرتاسر جهان انتشار یافت. در مصر و یونان و روم به اوج خود رسید و هنوز با کمال قوت در چین برقرار است. به علاوه بسیاری از ملل هستند که جز نیاکان خود چیزی را نمی‌پرستند و خدایی را نمی‌شناسند.»<sup>۵</sup>

ترس از مردگان به تدریج تغییر شکل یافت و به صورت محبت درآمد و پرستشی که نسبت به اسلاف به عمل می‌آمد و از ترس آغاز شده بود جای خود را به حس احترام و تقدیس مردگان سپرد و در آخر کار به صورت ورع و تقوای دینی درآمد. در آن روزگارها روش همه خدایان (به اعتقاد آن مردم) چنین بوده است که به صورت غولان پدیدار می‌شوند و در آخر کار به شکل پدری مهربان در می‌آیند و علت اینکه خیلی دیر این هیولاها و وحشتناک مهربان می‌شوند و مورد علاقه قرار می‌گیرند، کندی سیر تکامل مدنیت است. به عقیده ویل دورانت توجه به خدایی بشر آخرین مرحله یک تطور و تکامل طولانی به شمار می‌رود که پس از پرستش ارواح و اشباح تکوین شده است و به عبارت بهتر، بشر پس از پرستش قوای مبهم و اسرارآمیز، متوجه قوای آسمانی و نباتی و جنسی گردید، پس از آن نوبت به حیوانات و در آخر کار زمان پرستش نیاکان رسید، مع هذا خدا به عنوان پدر نیز از پرستش آبا و اجداد سرچشمه گرفته و مفهوم ابتدایی آن چنین بوده است که انسانها به معنای وظایف اعضایی کلمه از خدا متولد شده‌اند و تنها روحشان مخلوق خدا نبوده است، یونانیان قدیم نیاکان خود را خدا و خدایان را نیاکان خود می‌دانستند.<sup>۶</sup>

اما این مطلب در مورد ایران و ایرانیان درست نیست و هیچ‌گاه در ایران، پیش از اسلام و بعد از اسلام و عصر مزدیسنا و زردشت یا اسلام به خدایی موجودات توجه نداشتند و

احترام به درگذشتگان از این نقطه نظر نبوده است که بشر حالت خدایی دارد یا می تواند داشته باشد. درباره دوران مهرپرستی چیزی نخواهیم گفت چه این آیین اگر چه در ایران خلق شد، اما به اروپا رفت و در اروپا جان گرفت و اثری عمیق بر آیین مسیحیت گذاشت و به جای خدای یگانه مقتدر آیین موسی، خدای مهربان نشست و تثلیث جای وحدت را گرفت. سخنان مورخ بزرگ ویل دورانت با توجه به این مطلب قابل قبول و قابل توجه است که ایرانیان چه در اعصار پیش از اسلام و چه در عصر اسلامی، توجه به نیاکان خود داشته اند و این توجه که آمیزه ای است از خداشناسی و ترس از مرگ و علاقه و محبت به پدر و مادر و نیاکان، هیچ وقت به مرحله پرستش مردگان نرسیده و اینکه امروز برخی از فرق مسلمان ادعا می کنند که ساختن آرامگاه بر گور مردگان شرک است در مورد ایران صادق نیست، چه این پدیده آمیزه ای است از احترام و علاقه به نیاکان و کوشایی در حفظ میراث دینی فرهنگی و تکوین شناسنامه ملی برای خود و قدرشناسی از کسانی که ایشان را در زیر چتر حمایت خود پرورانده اند.

اکنون عصر کهن را بررسی می کنیم:

#### الف: عصر آغازین آرامگاه سازی در ایران

ادامه بحثی که در پیش داریم بدون اشاره به بزرگ ترین و معروف ترین بناهای آرامگاهی جهان، هرمهای مصر، میسر نیست، اهرام مصر و آرامگاههای موجود در دره شاهان در کناره غربی رود نیل.

کلمه «پیرامید» یک لغت مصری است.<sup>۷</sup> با بررسی نوشته های پاپیروسی به این مفهوم که ابزار اندازه گیری ریاضی بوده است و آن را برای نامیدن این اجسام هیولایی به کار برده اند، برمی خوریم. اهرام بناهای آرامگاهی و نیایشی بوده اند که در مصر و تقریباً سراسر جهان از جمله سودان، حبشه، آسیای غربی، یونان، قبرس، ایتالیا، تایلد و مکزیک به یادگار مانده و همه در سلک بناهای مقدس آرامگاهی - نیایشی قرار دارند.

اهرام مصر در یک دوران ۲۷۰۰ ساله، از آغاز تاریخ مصر (سلسله نخست) تا عصر بطلمیوس، ساخته شده اند، در مصر اهرام جزیی از بافت شهرها و مراکز جمعیت به شمار می رفته اند و جمعاً ۸۰ هرم در این سرزمین وجود دارد که بلندترین آنها هرم ختوپس است با

۱۳۶/۵۹ متر بلنداً.<sup>۸</sup>

اهمیت هرمهای آرامگاهی در تاریخ مصر به حدی بوده است که نام سرمهندس آن ایم‌هتپ<sup>۹</sup>، مشاور اول شاه، نخستین شخصیت تاریخی مصر است که نخستین خانه سنگی را ساخت، هرمی که وی طراحی کرد کهنه‌ترین بنای مصری است که امروز سرپاست، یعنی هرم پله‌پله سقاره که چندین قرن مدل و الگوی ساختمان مقابر بوده است. اما دربارهٔ هرم خوفو یا خنوپس، آنچه را که کاهنان مصری دربارهٔ این هرم و جور و ستمی که بر مردم هنگام ساختن آن روا شد، به‌نوشته‌های هرودت نگاه می‌کنیم که خود از کاهنان مصری شنیده است:

«پیش از خنوپس همه جا عدالت حکمفرما بود و آسایش و فراوانی در همه جای مصر دیده می‌شد ولی چون خنوپس به سلطنت نشست به همه کارهای پلید دست یازید درهای معابد را بست... به همه مصریان فرمان داد که برای او بیگاری کنند به بعضی دستور داد که از کوه‌های عربستان سنگ بکنند و به درهٔ نیل بیاورند و گروهی دیگر را بر آن داشت که سنگها را با کشتی بر روی رودخانه جابه‌جا کنند... در هر نوبت صد هزار نفر ناچار بودند برای مدت سه‌ماه بیگاری کنند، مدت دو سال طول کشید تا راه را ساختند و سنگها را به پایین هرم رسانیدند...»<sup>۹</sup>

سپس نویسنده به بحث خود ادامه داده نتیجه می‌گیرد که بدون شک منظور شاهان از این کار برپا کردن یک اثر بزرگ معماری نبوده است و ساختن چنین بنایی تنها برای مقاصد سیاسی - دینی صورت گرفته است، اهرام مصر گورهایی بوده که رفته‌رفته از صورت ابتدایی خود ترقی کرده به این شکل درآمده است... و چون مردم آن زمان مصر همانند دیگر مردمان برای هر موجود زنده یک همزاد (کا) قایل بودند که مانند خود شخص نمی‌میرد و هر چه بیشتر به وی خوراک بدهند از فساد محفوظ‌تر خواهد ماند. در مورد پادشاه می‌پنداشتند که هر چه بیشتر ارتباط «کا» را با خارج قطع کنند امید به زنده ماندن وی بیشتر است. متن نوشته محقق آمریکایی این است:

«برای اینکه استحکام بنا بیشتر شود با صبر و حوصلهٔ فراوان آنها را به یکدیگر اتصال داده‌اند و تو گویی چنان بوده است که این سنگها همه در نزدیکی دست کارگران بوده و آنها را از صدها فرسنگ راه به پای اهرام نیاورده‌اند. هرم خوفو یا

خئوپس\* دارای دو میلیون و نیم پاره سنگ است که وزن برخی از آنها به یکصد و پنجاه تن می‌رسد ولی وزن متوسط پاره سنگها دوتن و نیم است این هرم زمینی به وسعت چهل و شش هزار مترمربع را می‌پوشاند و صد و چهل و شش متر ارتفاع دارد. سنگها همه درست به هم پیوسته است و به داخل راه و منفذی نیست جز در چند نقطه که به عمد، چند پارچه سنگ آزاد گذاشته‌اند تا راه سری برای داخل کردن تابوت شاه باشد. دیدارکننده را راهنمای کار کشته از راهی که سی متر از قاعده هرم بالاتر است چهار دست و پا، با حال لرزان داخل دل هرم می‌کند، و در این نقطه تاریک خاموش نمناک دور از دسترس آدمزاد است که پیش از این استخوانهای شاه خوفو (خئوپس) و همسرش جای داشته و تابوتهای مرمرین فرعون هنوز در جای خود باقی ولی شکسته و خالی است، چه این سنگ با همه بزرگی که داشته نتوانسته است جسد را از دستبرد دزدان محفوظ دارد و لعنت خدایان نیز قادر به چنین کاری نبوده است.<sup>۱۰</sup>

مراحل آرامگاه سازی و خاک سپاری در جهان قدیم به اینجا خاتمه نمی‌یابد باز هم از مصر سخن گوئیم، سخنی که کم و بیش در باب همه گروههای بشر پا به تاریخ نهاده صادق است.

یک ضرب المثل مصری می‌گوید همه عالم از زمان می‌ترسد، زمان از اهرام ترس دارد... برای اینکه همزاد (کا) شخص مدفون به زندگی ادامه دهد باید برایش خوراک و پوشاک تدارک شود و حتی برایش مستراح ساخته شود که احیاناً مدفوع خود را نخورد، باید اسلحه مرد جنگی را برای استفاده همزادش در آرامگاهش بگذارند و همانند هندوان که زنان و خدمتکاران مرد فوت شده را در گورش می‌گذارند. به جای زنان و بردگان خدمتگر، مجسمه کوچکی ایشان ساخته شده در گور شاه نهاده می‌شد و با گذشت زمان جای همه این زاد و توشه و سلاح و خدمه، همراه میت، نقاشیهای گوناگون کشیده آن را به جای اصل در آرامگاه مرده به خاک می‌سپردند، از مومیایی کردن که خود حرفه‌ای مهم و معتبر بوده است و ویژه مصر هم نبوده سخنی نخواهم گفت.<sup>۱۱</sup>

## فصل دوم

### آرامگاه و آرامگاه‌سازی در ایران پیش از باستان (بخش دوم از مرحله نخست)

آرامگاه و آرامگاه‌سازی در ایران را باید از خلق و ابداع زیگورات\* یا هرم مطبق در ایلام قدیم مورد بررسی قرار داد با این آغاز که بزرگترین زیگورات جهان در خوزستان کنونی (ایلام قدیم) قرار داشته و دارد: زیگورات چغازنبیل در هفت‌تپه که در اصطلاح محلی و بومی به معنای زنبیل وارونه است.

پیش از ورود به اصل مطلب، هنگام معرفی این نخستین بنای آرامگاهی در سرزمین ایران، که در نوع خود بزرگترین و سالم‌ترین نیز هست، باید نظری به بابل داشته باشیم چه معروف‌ترین زیگورات جهان زیگورات یا برج بابل است. گرچه برخی از کارشناسان برج بابل را جدا از زیگوراتها مورد بررسی قرار می‌دهند. در بابل برخلاف مصر مردم از احساس جاودانگی شدن به هیچ وجه ابراز خشنودی نمی‌کردند. روحیات این مردم و اخلاقیات ایشان در کل مشابه بود با روحیات یونانیان قدیم یا انسان غربی متمدن در عصر حاضر. دین بابلی یک دین خاکی و زمینی و عملی بود. بابلی در آن هنگام که نماز می‌خواند و نماز می‌گذاشت درخواست پاداشی در بهشت نمی‌کرد بلکه خیرات زمینی را طلب می‌کرد، نمی‌توانست به خدایان خود در آن سوی گور اعتقاد داشته باشد و این در حالی است که در یکی از متنهای بابلی، مردوک به عنوان زنده کننده مردگان وصف شده و در داستان طوفان چنان آمده که نجات یافتگان از طوفان زندگی جاودانه خواهند داشت. در آن جامعه اعتقاد بر این بود که

---

\* زیگورات Zigurat چیست؟ زیگورات یک هرم پله‌کانی است، یک برج نیایشی که در شهرهای بزرگ میانرودان ساخته می‌شده است، از سال ۲۲۰۰ تا ۵۰۰ پیش از میلاد. حدود ۲۵ زیگورات در بین‌النهرین می‌شناسیم که تقریباً به‌طور تساوی میان سه دولت قدیم سومر و بابل و آشور تقسیم شده است و دو زیگورات هم در ایران است (ایلام قدیم) این بناها را با آجر و خشت خام می‌ساخته‌اند با بلندی متوسط ۵۲ متر و قاعده ۳۸ × ۵۲ متر. هیچ یک از این زیگوراتها سالم به‌دست ما نرسیده و در این میان زیگورات اور از همه سالمتر است و زیگورات چغازنبیل از همه بزرگتر و معروف‌ترین زیگوراتها برج بابل است که هروقت آن را توصیف کرده است بریتانیکاج ۲۴ ص ۹۶۶.

مردگان از قدیسان و بدکاران و هوشمندان و ابلهان، همه بدون تفاوت به جایگاه تاریکی در شکم زمین فرو می‌روند و هیچ یک از ایشان پس از این روی روشنایی را نخواهند دید. به بهشت اعتقاد داشتند، اما بهشتی ویژه خدایان، در آن سوراخ تاریک که انسانها را پس از مرگ می‌بلعید، جای نعمت و خوشگذرانی نبود و بیشتر مردم در آن کیفر و عذاب می‌دیدند. مردگان ابدالدهر دست و پا بسته و درمانده بودند، از سرما می‌لرزیدند و گرسنه و تشنه به سر می‌بردند مگر آنکه فرزندانسان در اوقات معین خوراکی در گورشان می‌گذاشتند، هر کس در زمین بیشتر گناه کرده بود در آنجا عذاب فراوان‌تر می‌چشید، بر این گونه اشخاص بیماری جذام چیره می‌شد و یا اراده خدا بانوی آن سوراخ و خواجه دستیارش در عذاب دادن به ایشان ابتکارات جدید کرده برایشان عذاب ابدی فراهم می‌ساختند.<sup>۱۲</sup>

در این شک نیست که عمر اهرام از عمر زیگوراتها بیشتر است، زیگوراتها را می‌توان اهرام ساده شده پنداشت که به جای آوردن و نصب آن همه سنگهای عظیم غول آسا عمارتی پلکانی ساخته شود، با خصوصیتی مشابه با اهرام و با مصالحی بی‌دوام‌تر و به همین دلیل زیگوراتها سالم نمانده و دچار خرابی و انهدام شده‌اند.

وولی<sup>(۱۳)</sup> درباره زیگوراتها عقیده خاص خود را دارد:

«از شواهد تاریخی چنین برمی‌آید که مردمان مشرق زمین از ابتدا کوهها و بلندیا را نشانه‌ای از قدرتهای ماورای طبیعت دانسته و آنها را ستایش می‌کردند. گفته شده که ساختمان زیگوراتها (و اهرام) که از لحاظ ساختمانی و حجم شباهتی به کوهها داشته‌اند و در فلات ایران و میانرودان می‌توانسته‌اند در ذهن مردم آن زمان جایگزین قدرت کوهها باشند، براین اساس انجام گرفته است.»<sup>۱۴</sup>

دکتر مهدی فرشاد که این مطلب را در کتاب خود تاریخ مهندسی نقل کرده است

می‌نویسد:

«سومریان نخستین ملتی بودند که به ساختن زیگوراتها دست بردند، در سومر زیگوراتهایی که در ۲۲۰۰ پیش از میلاد ساخته شده بود جهت انجام پژوهشهای ستاره‌شناسی نیز، به عنوان یک نقطه بلند و مسلط به اطراف استفاده می‌شده است.» یکی از بزرگترین زیگوراتها زیگورات ایلامی چغازنبیل است که در زمان شکوفایی تمدن ایلامیان، در اونتاشی نزدیک شوش در ۱۲۵۰ پیش از میلاد توسط اونتاش گال فرمانروای ایلام ساخته شده است.<sup>۱۵</sup>

این زیگورات یک نیایشگاه - آرامگاه به شمار می‌آمده است. دیوارهای این زیگورات با

آجر پخته لعابدار به رنگ آبی و سبز، نماسازی شده بود و کل زیگورات از قسمتهای پنجگانه به صورت برجهای مربع و متحدالمركز و به بلندیهای مختلف که روی هم قرار گرفته بودند تشکیل یافته بوده است. در داخل این آرامگاه قرنیسه‌ها، آبروها و پله‌ها و تونلهایی قرار داشته و در بالای آن عبادتگاهی ساخته شده بوده است با موزاییکهای عاجی.<sup>۱۶</sup>

در جهان باستان ۲۵ زیگورات ساخته شد که دودستگاه آن در ایران قرار داشت، سرزمین ایلام که از آن جمله بود زیگورات چغازنبیل بزرگترین در نوع خود.<sup>۱۷</sup>

ویل دورانت هنگام توصیف بابل بر مبنای نوشته‌های باستانی برج بابل چنین می‌نویسد:  
مسافری که به این شهر نزدیک می‌شد. چنان می‌دید که بر بالای کوهی از ساختمان برج مدرج یا زیگورات هفت طبقه‌ای قرار دارد که دیوارهای آن از کاشی منقش درخشانده پوشیده شده و نوک این برج نزدیک ۲۰۰ متر از سطح زمین بلندتر است، بر بالای برج ضریحی بود و در آن میز بزرگ زرین و تخت مزینی جای داشت که هر شب زنی در آنجا انتظار مشیت الاهی را می‌کشید. گمان بیشتر آن است که این بنای رفیع از اهرام مصر و از بناهای تمام دوره‌ها جز آنچه به‌روزگار ما ساخته شده بلندتر بوده است. این بنا را برج بابل می‌خوانند.<sup>۱۸</sup>

بابل، مدت چند قرن یکی از استانهای شاهنشاهی پارس بوده است و اکنون در اینجا پیش از آنکه درباره چغازنبیل سخن بگوییم اشاره‌ای به آرامگاههای مهم بابل می‌کنیم: بابلیان بیشتر اجساد مردگان را در زیرزمینهای سقف‌دار به خاک می‌سپردند و گاهی مردگان را می‌سوزاندند و خاکستر آن را در گلدانهای محفوظ نگه می‌داشتند [عیناً شبیه گورستان هنرمندان در هالیوود] مردگان را با مواد خاصی تحنيط نمی‌کردند ولی کسانی بودند که کارشان مرده‌شویی بود، پس از شستن مرده لباس نیکو بر وی می‌پوشاندند و گونه‌هایش را رنگین و مژه‌هایش را سیاه می‌کردند و انگشترهایی بر انگشتان او می‌نهادند و لباسهای زیرپوش اضافی با وی به خاک می‌سپردند. اگر مرده زن بود شیشه‌های عطر و شانه و گردنها و روغن‌های آرایش در گور او می‌گذاشتند تا بوی خوش و زیبایی چهره خود را در جهان دیگر حفظ کند. معتقد بودند که اگر مرده چنانکه باید و شاید به خاک سپرده نشود به زندگان آسیب و گزند خواهد رسانید و اگر او را اصلاً دفن نکنند روحش در کنار مستراحها و ناودانها برای دست یافتن به خرده‌های طعام سرگردان می‌ماند و ممکن است تمام یک شهر را گرفتار وبا و طاعون کند.<sup>۱۹</sup>

اکنون آرامگاههای ایرانی پیش از باستان را بررسی می‌کنیم:

## ۱- آرامگاههای ایلامی - ایرانی

دکتر عیسی بهنام دانشمند باستان شناس می نویسد:

«امروز، وقتی از دولت جهانی ایران یاد می کنیم بلافاصله تخت جمشید به خاطرمان می آید. برای اینکه در تخت جمشید قسمتی از ستونهای سنگی کاخ آپادانای داریوش هنوز سر به آسمان دارند و نقوش برجسته پلکانهایش با رازهای نهفته را حکایت می کنند، ولی در شوش چیزی جز یک انبوه خاک باقی نمانده، با این حال باید متوجه بود که تخت جمشید در واقع یکی از پایتختهای دولت گسترش یافته ایران بود که از املاک خصوصی خاندان داریوش به شمار می رفت. در حالی که حکمرانان هخامنشی بیشتر در پایتخت اصلی هخامنشی یعنی شوش اقامت داشتند و از آنجا بود که مقدمات لشکرکشی به یونان آماده می شد و در شوش بود که پادشاهان هخامنشی سفیران یونان را می پذیرفتند، یونانیها تنها شهر شوش را به عنوان پایتخت دولت هخامنشی ایران می شناختند و هر دوت حتی از آرامگاه کوروش در پاسارگاد سخنی به میان نیاورده و ندانسته است که مؤسس شاهنشاهی ایران در آنجا مدفون است...»<sup>۲۰</sup>

استاد از این مقدمه نتیجه گیری می کند که پایه و اساس حکومت هخامنشی بر تمدن و فرهنگ و گستره جغرافیایی ایلام و پایتختش شوش استوار شده بوده است و بنابراین شکی نیست که روشن شدن تاریخ شوش به روشن شدن تاریخ ایران کمک مؤثری خواهد کرد و اهمیت شوش از نظر تاریخی از ویرانه های عظیم تخت جمشید بیشتر است.<sup>۲۱</sup>

فراموش نکنیم که پیش از گسترده شدن تمدن ایران در این صفحات آشوربانی پال شوش را تصرف و آن را لگدکوب سم ستوران خود کرد و سراسر آن سرزمین را به منطقه ای غیرقابل استفاده مبدل ساخت. حتی از دزدیدن استخوان پادشاهان ایلام و حمل آن به آشور کوتاهی نکرد، او خود می نویسد ۲۲ مجسمه شاهی از طلا و نقره را به انضمام استخوانهای شاهانی که گورهاشان را شکافته بود به نینوا برد. دکتر بهنام برای اینکه اهمیت شوش را در تاریخ ایران و عظمت تمدن باستانی ایران را در صحنه جهانی ارائه کند، می نویسد:

سلامون ریناک دانشمند معروف فرانسه ای گفته بود: «اگر یک مشت سرباز اسپارتی در تنگه ترموپیل در برابر میلیونها سرباز ایرانی فداکاری نکرده بودند امروز جهان ما رنگ دیگری داشت» و گوینو دوست واقعی ایران که کشور ما را از چشم یک انسان بی طرف، بدون بغض و کینه می نگریسته، در جواب دانشمندان هموطن خود گفته است: «البته اگر یک مشت اسپارتی در برابر لشکریان خشایارشا در تنگه



ترموپیل مقاومت نکرده بودند امروز سرنوشت دنیا خیلی بهتر از آن بود که هست.»<sup>۲۲</sup>

با همه آن هجومهای وحشیانه آشوریها، و انبوه، نامرادیها آنچه از ایلام بر جای مانده بسیار غنی است و امروز با غرور و سربلندی اعلام می‌داریم که از آغاز کار ژاک دموورگان فرانسوی در شوش تا سال ۱۹۶۵، سی و هشت جلد کتاب قطور در باب کشفیات شوش منتشر شده است همه به زبان فرانسوی که حتی یک جلد از آن نیز به فارسی برگردانده نشده است، موزه ملی ایران یک دوره کامل از این کتاب را در اختیار دارد، که باید روزی به فارسی برگردانده شود.

پی‌یر آمیه، محقق فرانسوی کارشناس آثار باستانی ایلام پس از اظهار تأسف از انهدام کامل تمدن ایلامی توسط همسایگان سلطه‌گر می‌نویسد:

«با این همه آنچه مانده پر معنی و غنی است و با بررسی مجموعه‌های نفیس ۳۸ جلدی خاطرات باستان‌شناسی شوش و تصاویر آن به این ادعا مهر تأیید می‌خورد و با ملاحظه سر آدمکهای گلی که در قبرهای شوشی ایلام می‌گذاشتند، خود را با ایلامیهای تابع شاهان بزرگی روبه‌رو می‌یابیم که زمانی در میان‌رودان به تاخت و تاز پرداخته‌اند و مجسمه‌ها و آثار افتخارآمیزی نه تنها از تمدن بلکه از قدرت بابلی به‌غنیمت آورده‌اند، مانند لوح سنگی نرمسین، شاه آگاده و لوح سنگی قوانین حمورابی، شاه بابل.»<sup>۲۳</sup>

در ارتباط با آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر ایلامیان به مجسمه‌ای ۲۱ سانتیمتری اشاره می‌کنیم که نگارنده مقاله دکتر [نگهبان] تصویرش را در مقاله خود آورده است و می‌نویسد که این مجسمه متعلق است به سال ۱۲۵۰ یعنی ۳۲۵۰ سال پیش و این نکته را ارائه می‌کند که مردم آن زمان عقیده داشتند که اگر مجسمه‌ای از این نوع در گورشان یا در کنار آرامگاهشان وجود داشته باشد روحشان می‌تواند در موقع لزوم در آن حلول کند و به همین سبب هرگاه که برایشان میسر می‌شد به ساختن مجسمه مردگان‌شان می‌پرداختند و آن را در آرامگاهشان قرار می‌دادند.

حفاری در هفت تپه و کشف آثار مهم آرامگاهی این منطقه به همت و کوششهای دانشمند معاصر دکتر عزت‌الله نگهبان صورت‌پذیر شد. در حقیقت وی به تکمیل عملیات باستان‌شناسی دانشمندان فرانسوی و ادامه زاهی که ایشان آغاز کرده بودند پرداخت، این کاوشها به پامردی دکتر نگهبان توسط وزارت فرهنگ و هنر از ۱۳۴۴ آغاز شد و نکات

تاریخی مهمی را روشن ساخت که ما فقط به آرامگاه سلاطین هفت تپه و زیگورات چغازنبیل اشاره خواهیم داشت.

## ۲- آرامگاههای سلاطین هفت تپه

در این آرامگاه که از آجر ساخته شده است و در حدود ۳۵ × ۱۰ متر درازا و پهنا دارد سکویی دیده می شود که در وسط محوطه ساخته شده و سه بخش دارد، در بخش شرقی هفت اسکلت به موازات همدیگر خاکبرداری شد، این مردگان پس از تطهیر در پوششی از گل آخرا قرار داده شده بودند و این لایه گل آخرا در حدود ده سانتیمتر ضخامت داشت، در بخش دوم سکو اسکلتی وجود نداشت ولی در بخش سوم، دو اسکلت آشکار شد و در انتهای سکو دوازده اسکلت بدون نظم و ترتیب خاص بر روی هم انباشته شده بودند. سقف این آرامگاه که به سبک ضربی بیضی شکل هلالی ساخته شده بود. یکی از قدیم ترین نمونه های این نوع طاقهای هلالی را نمایش می دهد.

در ابتدا تصور می رفت که قدمت این آرامگاه و سقف هلالی آن به سده سیزدهم پیش از میلاد می رسد و با طاقهای هلالی مکشوفه در چغازنبیل، همزمان است ولی با ادامه حفاری مسلم شد که آرامگاه مکشوفه در هفت تپه قدیم تر بوده و تاریخ آن در حدود هزاره دوم پیش از میلاد است، این آرامگاه به وسیله راهرویی به معبد آرامگاه متصل می شود.

در گوشه شمالی معبد آرامگاه دیگری که با آجر ساخته شده بود (ساختمان خود معبد از خشت بوده است) خاکبرداری شد. این آرامگاه نیز دارای طاقی هلالی شکل است، در این آرامگاه اسکلت ۲۳ نفر که ۱۴ نفر آنها به موازات یکدیگر با نظم و ترتیب و نه نفر دیگر روبه روی آنها بدون نظم و ترتیب دفن شده بودند آشکار شد. به نظر می رسد که در اثر رویدادی ناگوار همه با همدیگر جان سپرده و در کنار هم، در یک آرامگاه دفن شده اند. در فاصله میان معبد آرامگاه و تپه زیگورات، آثار ساختمانی زیادی از خاک خارج ساخته اند که از آن جمله است یک مکان مقدس، معبد یا آرامگاه و یک قصر سلطنتی.

## ۳- زیگورات چغازنبیل

ساختمان عظیمی که تمامی آن از خشت ساخته شده است، آثار و بقایای این هرم پرستشگاه - آرامگاهی در نخستین تپه مورد کاوش کشف شد. بر مبنای محاسبه ای که شده است بلندی

مجموع طبقه‌های بنا ۴۴ متر می‌شود که با احتساب نه متر بلندی معبد زیرین به ۵۳ متر می‌رسد. در این ساختمان تالارهای بزرگ وجود دارد که برخی از آنها ۹ × ۷ متر و در بیشتر آنها آثار آتش‌سوزی هویداست. در گزارش دکتر نگهبان به تفصیل در مورد این تالارها و اشیایی که در آن یافت شده از جمله سنگ‌نوشته‌های میخی ایلامی سخن گفته شده که در این مختصر از نقل آن جزئیات خودداری می‌شود و به نکاتی درباره اهمیت این بناهای نیمه خراب اشاره می‌کنیم.

کشف چغازنبیل و بناهای اطراف آن در روشنگری تاریخ گنگ و مبهم ایلام کمک بسیار کرده و خواهد کرد.

استاد نگهبان در گزارش خود می‌نویسد:

«بررسی این آرامگاه از نقطه نظر معماری از اهمیت شایانی برخوردار است و ثابت می‌کند که این طاق هلالی که در نزدیک معبد آرامگاهی چغازنبیل یافته شده هزار و سیصد سال پیش از طاق هلالی رومیان ساخته شده و بدین روال افتخار ساختمان اولین طاق هلالی نصیب ایرانیان می‌شود. مطلب دیگر کشف کتیبه‌ای است از تپتی آهار که درباره‌اش در هیچ یک از مدارک مکشوفه قبلی، معرفی‌نامه‌ای به دست نیامده بود، عصر تپتی آهار را ۱۵۰۰ تا ۱۳۵۰ پیش از میلاد دانسته‌اند و کتیبه حاوی این معرفی‌نامه ۱۰۵ در ۷۰ سانتیمتر است. جز این کتیبه‌های دیگر نیز در این مکان یافته شده که محتوای آن در حال ترجمه است. برای کسب اطلاعات بیشتر در باب این آثار و روشنگری آن در باب تاریخ ایلام به منابع قابل دسترس که اینجانب از آن استفاده کرده‌ام رجوع شود.»

استاد نگهبان گزارش تحقیقی خود را این چنین به پایان می‌برد و نتیجه‌گیری می‌کند:

آثار ارزنده هنری و وسایل و ادوات دیگری که در بقایای شهرها و ساختمانهای ایلامی به دست آمده پیشرفت این تمدن عظیم را از نظر هنر و صنایع به خوبی معرفی و ثابت می‌کند که در اعصار باستان ایران زمین چه سهم بزرگی در پیشرفت تمدن بشری داشته و در این راستا چه نقش مهمی را ایفا کرده است.<sup>۲۴</sup>

دانشمند خوزستان‌شناس استاد احمد اقتداری در باب معبد آرامگاهی چغازنبیل گزارش یکی از دانشمندان فرانسوی را که خود در کار حفاری دست‌اندرکار بوده، در کتاب خود نقل می‌کند، خلاصه این نقل قول این است که ساختن زیگورات در سرزمین میانرودان آغاز شد، سومریان در این راه پیشگام بودند پس از آن بابل و آشور و ایلام. اما قدر مسلم این است که

تاکنون در باب ایلام و زیگورات چغازنبیل کندوکاو علمی صورت نگرفته است (این گزارش پیش از بررسیهای استاد نگهبان ارائه شده) این دانشمند می‌گوید که بدون شک در آخرین اشکوب بنا معبدی وجود داشته و به احتمال قوی این معبد یک بنای آرامگاهی است.\*

دانشمند فرانسوی در باره زیگورات چغازنبیل می‌نویسد: این زیگورات که توسط اونتاش هوبان ساخته شده است (در صورتی که با بررسی و استدراک استاد احمد اقتداری سازنده بنا، اونتاش بوده است) و می‌توان آن را بزرگترین زیگوراتی دانست که تاکنون شناخته شده احتمالاً بهتر از زیگوراتهای دیگر هم حفظ شده است.

به‌منظور تأکید این نکته که زیگوراتها بناهای آرامگاهی بوده‌اند به‌روایت استرابون اشاره می‌کنیم که می‌نویسد زیگورات بابل مقبره خدای بل بوده است و نیز روایت دیودور سیسیلی که این زیگورات را آرامگاه نینوس همسر سمیرامیس می‌داند. البته شباهت بسیار زیگوراتها به اهرام مصر نیز خود دلیل این ادعاست.<sup>۲۵</sup>

#### ۴- میلهای مضرس، گنبدهای دندانهای یا زیگوراتهای کوچک

آقای اقتداری استدلال و اظهارنظری جالب در این باب دارد که می‌توان از آن به‌عنوان مهر تأیید بر آرامگاهی بودن زیگوراتها بهره‌یابی کرد. نامبرده پس از اشاره به میلهای مضرسی که در سفرنامه‌های مهم معرفی شده‌اند\*\* می‌نویسد که در قدیم تعداد این میل یا گنبدهای دندانهای زیاد بوده است و آنچه امروز موجود است نیز کم نیست و می‌توان آنها را در محدوده‌ای واقع در یک سه گوش یافت، سه گوش که از اتصال شهرهای شوشتر و بروجرد و جزیره خارک به‌همدیگر ترسیم می‌شود (در حقیقت قلمرو اصلی ایلام قدیم) سپس فهرست این آرامگاههای باگنبد یا میل دندانهای را این چنین ارائه می‌کند:

امامزاده جعفر بروجرد، دانیال شوش، امامزاده عبدالله شوشتر، امامزاده میرمحمد خارک، امامزاده شیرمرد ممسنی، امامزاده ربیع بن یعقوب در کنار کارون، امامزاده شاه ابوالقاسم در شاه‌آباد خوزستان، بقعه ابراهیم خلیل در هویزه، آرامگاه سلیمان بن علی در گناوه، و در بغداد گنبد سلطان زبیده، مزار شیخ عمر سهروردی و گنبد توفیل. در این گنبدها

\* اگر زیگوراتها را با اهرام مصر مقایسه کنیم متوجه خواهیم شد که این بنا پیش از آنکه یک معبد معمولی باشد یک آرامگاه است آرامگاه - پرستشگاه.

\*\* در زبان انگلیسی Pineapple Domes و در زبان فرانسه ای Domes Aveles

نقشه اولین طبقه با ابعاد کوچکتر آن قدر تکرار می‌شود تا هرمی که از بام آرامگاه ساختنش آغاز شده به پایان برسد. دو نکته جالب که نامبرده پس از اشاره به گنبد های دندانهای در خارج از قلمرو ایلام قدیم ارائه می‌کند این است که اولاً در میان بناهای دندانهای موجود فقط چهار بنا دارای تاریخ است، سده های هفت و هشت و آرامگاه دانیال که در ۱۲۸۷ بنای قدیم را خراب و بنای کنونی را ساخته‌اند. در اینجا نیز آن بنای پیشین، دارای گنبدی از همین نوع بوده است. دوم اینکه درست معلوم نیست که واقعاً دانیال نبی در کجای شوش به خاک سپرده شده است و در زیر سایر میلهای دندانهای این منطقه نیز قبری دیده نشده<sup>۲۶</sup> و این خود نظام قرار گرفتن برج زیگورات و آرامگاههای سلاطین هفت تپه را تداعی می‌کند و نکته جالب اینکه در شیرمرد ممسنی و میرمحمد خارک و امامزاده جعفر بروجرود و امامزاده عبدالله شوشتر، مرقد در اتاق دیگری است که گنبد مدور دارد و گور در زیر گنبد دندانهای نیست که خود یادآور اتاق فوقانی زیگورات است که یک معبد آرامگاه بوده است و در این محفظه زیرگنبد مسجد بوده است.

بحث درباره زیگورات را با ارائه فشرده بررسیهای استاد اقتداری در باب گنبد یا میلهای دندانهای به پایان می‌رسانم:

«نقشه ساختمانی میلهای مضرس با نقشه ساختمان برجهای معابد هندی شباهت دارد (در جنوب ایران نمونه‌هایی از این گونه برجها ساخته شده و هم اکنون وجود دارد) نقشه اصلی برجهای معابد هند که بدان «سی کارا» گویند با برجهای دندانهای جنوب غربی ایران همسان است، تکرار نقشه زیرین بنا با کم کردن تدریجی ابعاد و اجزای سازنده برج، برای هندوان این روال دارای ارزش نمادی است و این ارزش نمادی در گسترش معماری هند در خاور دور به آن سرزمینها نیز رفته است، در بناهای مقدس ودایی هند بالا رفتن تدریجی طبقات و کم شدن ابعاد آن نمودار شوق فانی است برای وصال ابدی و کم شدن اندازه این ابعاد نمودار تمایل ابدی است برای وصال به فانی محض، در چین هر یک از طبقات نمودار مرحله‌ای از مراحل عرفانی است و گنبد آخرین نمودار بهشت جاودان خداوندی است.»

آقای اقتداری در این باب سخن خود را درباره آتشدانهای هخامنشی که با نقشه میلهای دندانهای همسانی دارند به پایان می‌رساند، این نقش را در سکه‌های سلوکیها و کنده کاریهای غارهای بغ هندوستان (برجای مانده از سده پنجم تا هفتم میلادی، دوران پادشاهی پارتها و ساسانیان) نیز می‌توان یافت.<sup>۲۷</sup>

خلاصه کلام اینکه اگر بناهای هرمی شکل را نخستین پدیده آرامگاهی بدانیم زیگوراتها ساده شده آن و گنبد های دندانه ای علامت و نشانه یا ساده شده همان آرامگاهها هستند و بدین روال تداوم آرامگاه سازی باستانی حفظ شده است.

## فصل سوم

### آرامگاه در تمدنهای پیش از تاریخ ایران (بخش سوم از مرحله نخست)

تا چندی پیش تصور بر این بود که تمدن باستانی بین النهرین، به ویژه عصر سومریها همانند فرهنگ باستانی مصر پایه و اساس تمدنهای امروزی است، اما اکنون معلوم شده است که گذشته از کانونهای بزرگ تمدن سومر و ایلام و در درجه دوم کلد و آشور، در گوشه و کنار ایران نیز تمدنهای معاصر، با آن کانونهای کهن، چون واحه های پراکنده وجود داشته، که کم و بیش تحت تأثیر آن کانونهای تمدنی هم بوده اند. اما نمی توان آنها را یک رده جداگانه به حساب نیاورد. لازم به یاد آوری است که تمدنهای باستانی شبه قاره (هاراپا - موهنجودارو) نیز مایه اصلی تمدنی خود را از بین النهرین و از راه ایران بزرگ دریافت داشته اند البته، با بهره مندی از این واحه های تمدنی گوناگون.

اکنون این مراکز تمدنی پیش از تاریخ را بررسی می کنیم:

#### ۱- تپه های سیلک کاشان

این مرکز تمدن در جنوب غربی شهر کاشان و در راه کاشان به باغ فین واقع شده است و خود شامل دو تپه جنوبی و شمالی است: تپه شمالی کوچکتر ولی باستانی تر است این تپه شامل دو طبقه سیلک ۱ و ۲ می باشد و تپه جنوبی شامل سیلک ۳ و ۴ و دو گورستان مربوط به این طبقه ها یکی در بلندترین قسمت تپه و یکی در دشت به نامهای سیلک ۵ و ۶ خوانده می شوند. در سیلک ۱ و ۲ آرامگاهها در داخل منازل و محوطه مسکونی در زیرخانه ها قرار گرفته است. بدن مردگان از گل آخرا پوشانده شده و مرده را به پهلو خوابانده اند با پاهای خم شده.

سیلک ۱ مربوط به هزاره‌های پنجم و ششم پیش از میلاد است و سیلک ۲ از هزاره پنجم است. در سیلک سوم فقط مجسمه مردگان را از گل اُخری پوشانده‌اند و اشیای سفالی و تزیینی در گور مردگان بالغ قرار داده شده است. سیلک ۳ از اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم برجای مانده و سیلکهای ۴ و ۵ و ۶ از هزاره سوم و دوم و اول پیش از میلاد با تمدن سومری هم عصرند.<sup>۲۸</sup>

## ۲- تپه حصار

تپه حصار در حاشیه شهر دامغان واقع شده و شامل سه طبقه است. در طبقه اول ۴۲۰۰-۳۵۰۰ پیش از میلاد، گورها عموماً در محوطه مسکونی واقع شده و محل خاصی برای گورستان وجود ندارد. گورها ساده و بدون هیچ اثر ساختمانی از گل و سنگ و حصیر است و برخی اشیاء از قبیل اسلحه و تزیینات و ظرف سفالی در قبرها گذاشته شده است. در طبقه دوم از ۳۵۰۰-۳۰۰۰ پیش از میلاد، در این طبقه مقدار گورها بیشتر شده است و تعداد اجساد مرد و زن برابر است و در گورها ظروف سفالین و تزیینات قرار داده شده است. در طبقه سوم ۳۰۰۰-۲۰۰۰ که در اثر آتش‌سوزی منهدم شده، آرامگاهها با طبقه دوم مشابه است و با مرده‌ها اشیای قیمتی نیز دفن شده است.<sup>۲۹</sup>

## ۳- تل ابلیس (بلیس)

این واحد تمدنی در سه کیلومتری جنوب دشتکار در مسیر بردسیر کرمان قرار گرفته و شامل هفت لایه اصلی از هزاره پنجم تا هزاره دوم است. گورهای یافت شده در این منطقه عموماً در داخل اتاقهای خانه‌های دهکده بوده‌اند. با مرده برخی اشیاء و آثار نیز دفن کرده‌اند و این وضعیت تا اندازه‌ای بازتاب عقاید مذهبی آن مردم است که چون به دنیای دیگر معتقد بوده‌اند برای رفع نیاز در آن دنیا، اشیای گوناگون با مردگان به خاک سپرده‌اند.<sup>۳۰</sup>

## ۴- گودین تپه

گودین تپه در منطقه‌ای بین همدان و کرمانشاه در دل رشته کوهسار زاگرس در شش کیلومتری کنگاور کشف شده است.

در طبقه سوم این مجموعه که از هزاره دوم پیش از میلاد برجای مانده است، گورهایی

به دست آمده که همه با سنگ ساخته شده‌اند. در این محل یک آرامگاه بزرگ سنگی ۳×۳٫۵ متر یافت شده است که سقف آن کاملاً فرو ریخته است... در داخل این آرامگاه دو جسد یکی مرد و یکی زن به دست آمد که بر مبنای اشیای کناری ایشان این حکم را کردیم، اسکلت مرد کاملاً منظم و در گوشه جنوب غربی بر روی پهلوی قرار داده شده بود. در اطراف این اسکلت هدایا و ظروف ساده و استخوان حیوانات که دلیل بر وجود غذاست به چشم می‌خورد. در اطراف جسد دیگر وسایل تزئینی و ظروف سفالی پیدا شده است. نمی‌دانیم که آیا دو جسد در یک زمان دفن شده‌اند یا با فاصله زمانی.<sup>۳۱</sup>

##### ۵- موشه‌لان (اسماعیل‌آباد)

موشه‌لان (اسماعیل‌آباد) در شش کیلومتری شمال غربی تهران بین کرج و هشتگرد قرار دارد. از هزاره چهارم پیش از میلاد در این منطقه نیز گورهای ساده با اشیای در کنار مردگان کشف شده که نشان‌دهنده حالت مردگان در گور است.<sup>۳۲</sup>

##### ۶- خورویین برغان

خورویین برغان در قزوین شامل دو تپه گنج تپه و سیاه تپه است. گذشته از گورستان قدیمی که در دامنه جنوبی این محل قرار دارد، در تپه مورد بحث شش گور سالم سنگ چین شده پیدا شد، اسکلتها همراه با برخی اشیاء است. در دامنه شرقی این تپه سه مجموعه کشف شده حاوی ۱۶ گور، در این گورها مردگان به پهلوی راست یا چپ خوابانده شده‌اند به طوری که صورتشان به طرف خورشید باشد و دستها بر روی سینه و پاها جمع بوده است. اجساد را با لباس به خاک سپرده بودند و این امر با یافتن دکمه‌های مفرغی که در روی سینه بعضی از اجساد پیدا شده، و نیز با یافتن تعدادی سنجاق و گردنبند در گورهای زنان و خنجر و وسایل نبرد در گورهای مردان، تشخیص گور مرد و زن از هم میسر شد. در این گورها تعدادی ظرف سفالی مخصوص تشریفات، عزاداری و به خاک سپردن مردگان که محتوی خوراک و نوشیدنیها بوده است، یافته شده. در داخل برخی از ظرفهای سفالی که به صورت کاسه‌های بزرگ ساخته شده‌اند استخوان حیواناتی از قبیل گوسفند و پرندگان به دست آمد. در بالای سر مردگان نیز ظرفهای سفالی به شکل قوری با لوله‌های بلند پیدا شده که این هر دو دلیل بر این است که برای مرده غذا و نوشیدنی می‌گذاشته‌اند و به زندگی دوباره پس از مرگ عقیده داشته‌اند.<sup>۳۳</sup>



## ۷- تورنگ تپه گرگان

در مجموعه بررسی هنر ایران، دانشمند باستان‌شناس آمریکایی فردریک وولسین\* این تپه مهم باستان‌شناسی را معرفی کرده است. این تپه در ۱۸۴۱ توسط بارن دوید کشف شد و اهمیت آن در شباهت آثار یافته شده در آن با سومراست، محل آن در شرق استرآباد است در ۵۶ کیلومتری شهر، در اینجا مرده‌ها را دفن می‌کرده‌اند و بدن مرده را با نظم خاصی قرار می‌داده‌اند و برایش غذا و خوراکی و مجسمه‌های گونه‌گون سفالین، سنگی، فلزی می‌گذاشته‌اند. فعلاً آنچه در کند و کاوهای ما یافت شده ظروف و اشیاء بوده است. اما در سابق چند مجسمه طلا نیز از این تپه کشف شد که به‌خارج از ایران برده شده. از سه بخش A و B و C، در اولی هیچ گوری یافت نشده. در دومی تنها یکی و در سومی بسیار. گویا این بخش گورستان آبادی بوده است. ۳۴

## ۸- شهر سوخته سیستان

آثار به‌دست آمده از شهر سوخته نشان داده است که این شهر مهمترین مرکز استقرار و در حقیقت مرکز اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه شرقی فلات ایران در طی هزاره‌های دوم و سوم پیش از میلاد بوده است. از داخل حدود سیصد گوری که در گورستان بیست و پنج هکتاری شهر سوخته حفاری شده اطلاعات زیادی درباره مسایل فرهنگی و اجتماعی هزاره سوم به‌دست ما رسیده و بسیاری مسایل مهم دیگر از جمله سن متوسط در آن عصر و این نکته که فقط دو درصد مردم به‌مرز پنجاه‌سالگی می‌رسیده‌اند. بر مبنای محاسبات انجام شده تعداد گورهای پیدا شده در این شهر از مرز ۲۲۰۰۰ می‌گذرد، این گورها را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند.

گورهای ساده، آرامگاههای دو خانه‌ای، یک خانه برای همراه مرده، آرامگاههای سردابه‌ای که در زیر اتاق آرامگاه ساخته می‌شد، گورهای سردابه‌ای کاذب، گورهای خشتی که برای سرداران ساخته می‌شده است و بزرگتر از انواع دیگر آرامگاهها بوده است. ۳۵

## ۹- غیاث آباد و چراغعلی مارلیگ

با کشیدن یک خط منحنی مورب از شهر رودبار در کنار سفیدرود به رود سروکلاچای در مصب پلرود، منطقه‌ای مشخص می‌شود که از نقطه نظر باستانشناسی روزگاران پیش از تاریخ بسیار غنی و با اهمیت است. در هر دو منطقه کند و کاوهای بسیار و بیشتر غیرقانونی و جاهلانه و برخی جستجوهای قانونی و علمی به عمل آمده است. برای اینکه در این مختصر اشاره‌ای به این دو منطقه داشته باشیم از مقاله باستان شناس ایرانی سیف‌الله کامبخش فرد در شماره ۱۷ مجله باستانشناسی و تاریخ بهره‌جویی کرده و فقط اشاره‌ای خواهم داشت به غیاث آباد در منطقه بزرگتر که در شمال شرقی منطقه کوچکتر قرار دارد و چراغعلی مارلیگ در جنوب غربی منطقه بزرگتر، چند کیلومتری شرق رستم آباد رودبار در کنار سفیدرود.

نویسنده درباره گورهای یافته شده در این منطقه می‌نویسد: با وجود اشیاء و کیفیت استقرار آنها در گور راز و رمزهای فراوانی داشت، یکی از آنها خاک فشرده‌ای داشت، اسکلت به صورت طاق باز و پاها گشاده و دستها به طرف سینه متمایل بود چندین لاوک سفالین نزدیک اسکلت و در اطراف قرار داشت، چهار قبضه قمه برنزی در چهار کنج گور در حالی که نوک آنها به طرف آسمان و عمودی بود و در گوشه‌ای از گور لاک پستی شقه شده، وجود داشت...

گروه علمی مأمور دچار دردسرهای فراوان شد، اما در دسرها هنگامی به اوج رسید که هیأت توانست در گورهای، واقع در تپه چراغعلی اشیای بسیار گرانبهایی را به دست بیاورد، طی نامه‌ای که در حاشیه گزارش به چاپ رسیده است، فهرستی از اشیای مکشوفه در این تپه به قرار زیر بوده است:

- ۱- گرز مفرغی کله آدم با چشمان سنگ قیمتی ۳ عدد.
- ۲- ظرف کوچک طلای منقوش ۴ عدد.
- ۳- شتر مفرغی با یک ساربان ۷ عدد.
- ۴- مجسمه طلایی انسان یک عدد.
- ۵- گاو مفرغی با گوساله یک عدد.
- ۶- ظرف بزرگ طلا سه عدد.
- ۷- لول عقیق منقوش و ساده دو طرف طلا در حدود دو کیلو.
- ۸- انار طلایی بزرگ ۳۲ عدد.

۹- انار طلایی کوچک و طلای ریز در حدود یک کیلو.  
و در متن مقاله آمده است که از درون گورهای مارلیک انواع و اقسام قمه‌ها، شمشیرها و سرتیرها، نیزه‌ها، گرز و سپر و سایر آلات قتاله و نیز ماکتلهایی از ابزار کشاورزی (گاوا آهن)، مجسمه‌ها و نمادهایی از زن و مرد یا مفهوم باروری و نیز در زمینه حاصلخیزی زمین و نمادهایی از گاوهای سفالین کشف شدند که برخلاف گاوهای سفالین املش دارای شکلی واقعی هستند .... انواع جانوران شکاری و غزال و آهو در حالت‌های هجوم و ستیزه و گریز به صورت سفالین و برنز و ریخته‌گری شده از گورهای مارلیک به دست آمد.<sup>۳۶</sup>

## فصل چهارم

### آرامگاه قدیسین بنی اسرائیل (بخش چهارم از مرحله نخست)

«چون هابیل، قابیل را بکشت بترسید که پدرش ببیند  
او را به پشت برگرفت و همی برد و گرد جهان همی  
گردانید و ندانست که او را چگونه پنهان کند. پس  
خدای عزوجل دوکلاغ را بفرمود تا چنانکه او همی  
دید، یکی یکی را بکشت و به منقار مفاکی بکند و آن  
کشته را اندر آن مفاک پنهان کرد. قابیل چون آن بدید  
گفت مرا چندان خرد و دانش نبود که این کلاغ را و  
اکنون مرا نیز این چنین باید کردن. برخاست و مفاکی  
بکند و برادر را بدانجا نهاد و خاکش بر سر کرد.»  
تاریخ بلعمی.<sup>۳۷</sup>

این قدیم‌ترین خاک‌سپاری است که در کتابهای تاریخ و سیر می‌خوانیم در تورات به این  
مطلب اشاره‌ای نشده و حتی درباره خود آدم نیز، فقط به مردن وی پس از نهصد و سی سال  
زندگی اشاره دارد.

سخن را با خاک‌سپاری آدم بدان صورت که بلعمی نوشته است آغاز می‌کنیم و پس از آن  
به ارائه دیگر مطالب می‌پردازیم.

## آداب خاک سپاری آدم علیه السلام

«خدای عزّ و علا جبرئیل را بفرستاد و سوی شیث (پسر و جانشین آدم که خود نیز پیامبر بود) با پیغامهای خویش، و او را بفرموده که آدم را بشوی و کفن کن و به گور کن تا آن سنت بماند به فرزندان آدم و جبرئیل آدم را بشست، تا شیث پیاموخت، و خدای تعالی از بهشت آدم را کفن فرستاد و جبرئیل او را به جامه‌های بهشت اندر پیچید و بنهاد، و شیث را فرمود که بر او نماز کن، شیث بر جبرئیل گفت تو نماز کن، جبرئیل گفت وصی پدر تویی تو را باید نماز کردن، شیث بر او نماز کرد و سی تکبیر کرد و چار آن است که سنت ماند و دیگر [تکبیرها] فضل آدم را [بود]. پس جبرئیل شیث را بفرمود که آدم را به گور کن و به میان خاک اندر نهان کن، و این سنت را کار بند اندر همه فرزندان آدم. و علما اختلاف کردند اندر گور آدم، گروهی گفتند گور آدم به هندوستان است و زیر کوه سراندیب آنجا که از آسمان فرود آمد و گروهی گویند که گور او به زمین مکه است به زیر کوه ابوقیس و ایدون گویند که از پس آدم حوا یکسال بزیست و پس بمرد و شیث او را با آدم به یک جای به گور کرد، و به خبر اندر چنین آمده است که چون خدای تعالی نوح را طوفان فرستاد نوح گور آدم و حوا را باز کرده و استخوانهای ایشان برگرفت و با خویشان اندر کشتی نهاد، چون از کشتی بیرون آمد باز هر دو را به بیت المقدس به گور کرد و اکنون گورهای ایشان آنجاست.»<sup>۳۸</sup>

اشتراک قدیسین مذکور در تورات، با قدیسین مسلمان سبب شده است که در ایران جنوب غربی، بیش از جاهای دیگر اماکن مقدس منسوب به این قدیسین یافت شود، بدون تأکید بر صحت این انتساب، به بررسی خود ادامه می‌دهیم.

## ۱- آرامگاه دانیال پیامبر

آرامگاه دانیال پیامبر، در شهر شوش و در کنار رودخانه شاوور، بنایی شکوهمند، زیبا و بسیار مشهور است که سالیان دراز شوش را بدان باز می‌شناختند. در برخی متون به شوش دانیال گفته شده است... درباره گور این پیامبر روایات مختلف است، مهمترین نظر وجود آرامگاه در زیر آن گنبد است، برخی گور را در میان آب رود کرخه یا شاوور دانسته‌اند و برخی گور وی را در زیر پلی که بر روی رود شاوور بسته‌اند می‌دانند.<sup>۳۹</sup> با توجه به آنچه درباره زیگوراتها و گنبد‌های دندانه‌ای زیگوراتی گفتم، این احتمال که گور دانیال نبی در جایی دیگر باشد و زیر گنبد خالی باشد هست. از آنجا که دانیال و روایات مربوط به آزادسازی بابل توسط ایرانیان از فصول برجسته تاریخ باستانی و سند توجه پارسیان به قوم مظلوم بنی اسرائیل (در آن عصر)

است، برخی از نوشته‌های باب پنجم کتاب دانیال نبی را از تورات نقل می‌کنیم:

«بلشصر پادشاه ضیافت عظیمی برای هزار نفر از امیران خود برپا داشت و در حضور آن هزار نفر شراب نوشید - بلشصر در کیف شراب امر فرمود که ظروف طلا و نقره را که جدش نبوکد نصر از هیکل اورشلیم برده بود بیاورند تا پادشاه و امرایش و زوجه‌ها و متعه‌هایش در آنها بنوشند - آنگاه ظروف طلا را... آوردند و پادشاه و امرایش و زوجه‌ها و متعه‌هایش در آنها شراب نوشیدند و خدایان طلا و نقره و برنج و آهن و چوب و سنگ را تسبیح می‌خواندند، در همان ساعت انگشت‌های دست انسانی بیرون آمد و در برابر شمعدان برگج دیوار قصر پادشاه نوشت و پادشاه کف دست را که می‌نوشت دید، آنگاه هیئت پادشاه متغیر شد و فکرهايش اورا مضطرب ساخت و بندهای کمرش سست شده زانوهایش به هم می‌خورد - پادشاه به آواز بلند صدا زد که جادوگران و کلدانیان و منجمان را احضار نمایند. پس پادشاه حکیم بابل را خطاب کرده گفت هر که این نوشته را بخواند و تفسیرش را برای من بیان نماید به جامه ارغوان ملبس خواهد شد و طوق زرین بر گردنش نهاده خواهد شد و حاکم سوم در مملکت خواهد بود - آن‌گاه جمیع حکمای پادشاه داخل شدند اما نتوانستند نوشته را بخوانند یا تفسیری برای پادشاه بیان نمایند - پس بلشصر پادشاه بسیار مضطرب شد... اما ملکه به سبب سخنان پادشاه و امرایش به میهمانخانه درآمد و متکلم شده گفت ای پادشاه تا به ابد زنده باش، فکرهايت را مضطرب نساز و هیئت تو متغیر نشود - شخصی در مملکت تو هست که روح خدایان قدوسی دارد و در ایام پدرت روشنایی و فطانت و حکمت، مثل حکمت خدایان در او پیدا شده و پدرت نبوکدنصر پادشاه یعنی پدر تو ای پادشاه او را ریس مجوسان و جادوگران و کلدانیان و منجمان ساخت - چون که روح فاضل و معرفت و فطانت و تعبیر خوابها و حل معماها و گشودن عقده‌ها در این دانیال که پادشاه او را به بلشصر مسمی نمود یافت شد ... و پس از اینکه دانیال را به حضور آوردند و وی مشکل خود را با وعده لباس ارغوان و طوق طلا و نفر سوم در مملکت شدن به وی گفت:

«پس دانیال به حضور پادشاه جواب داد و گفت عطایای تو از آن تو باشد و انعام خود را به دیگری بده و لکن نوشته را برای پادشاه خواهم خواند و تفسیرش را برای او بیان خواهم نمود - اما ای پادشاه خدای تعالی به پدرت نبوکدنصر سلطنت و عظمت و جلال و حشمت عطا فرمود و به سبب عظمتی که به او داده بود جمیع قومها و امته‌ها و زبانها از او لرزان و ترسان می‌بودند هر که را می‌خواست زنده نگاه می‌داشت و هر که را می‌خواست بلند می‌نمود و هر که را می‌خواست پست می‌ساخت لکن چون دلش مغرور و روحش سخت گردیده تکبر نمود، آن‌گاه از کرسی سلطنت خویش به زیر

افکنده شد و حشمت او را ازو گرفته...»

آنگاه دانیال نبی شرح پست شدن و حیوان شدن پدر را برای پسر بیان کرد و به خود وی نیز تذکر داد که به سوی حیوان شدن گام برمی دارد و ظهور این نوشته طلّیه آن دوران قهقرایی و هلاکت است و این گونه به سخن خویش ادامه داد:

«پس این کف دست از جانب او فرستاده شد و این نوشته مکتوب گردید - و این نوشته که مکتوب شده این است منّا منّا ثقیل و فرّسین و تفسیر کلام این است: منّا خدا سلطنت تو را شمرده و آن را به انتها رسانیده است - ثقیل در میزان سنجیده شده و ناقص در آمده - فرس به سلطنت تو تقسیم گشته و به مادیان و فارسین بخشیده شده است - آن گاه بلشصر امر فرمود تا دانیال را به ارغوان ملبس ساختند و طوق زرین برگردنش نهادند و درباره اش ندا کردند که در مملکت حاکم سوم می باشد - در همان شب بلشصر پادشاه کلدانیان کشته شد.»<sup>۴۰</sup>

دانشمند ارجمند احمد اقتداری پس از ختم نقل کامل آیه های یکم تا سی ام کتاب دانیال نبی به سرنوشت و آرامگاه دانیال پرداخته می نویسد:

«... و در همان شب بابل گشوده شد دانیال و یهودیان آزاد شدند بنابراین با قرب جوار شوش و بابل محتمل است که دانیال به رهبری جماعتی از یهودیانی که به اسارت در بابل بوده اند به شوش آمده باشد تا به اورشلیم باز گردد یا در آن شهر بماند و می توان اندیشید که در همان شهر بدرود زندگی گفته باشد و چنانکه مشهور است، قبرش یا تابوتش را در کنار آب کرخه و شاوور امروزی قرار داده باشند. اما چون دانیال پیامبری پر آوازه بوده که در تورات یک کتاب با دوازده باب به او اختصاص دارد. در خصوص جای گور و کرامات هیکلش و تابوتش روایات و اخباری بر سر زبانها افتاده و به مورخین و جغرافی نویسان رسیده و در بعضی از کتب مسطور افتاده است.»<sup>۴۱</sup>

چون سخن از آرامگاههای قدیسین بنی اسرائیل در ایران است اولین نکته ای که جلب توجه می کند این است که بیشتر این آرامگاهها در خوزستان سرزمین ایلام، که جزیی از ایران قدیم بوده است، قرار دارند، ولی آیا این امکان عقلی هست که این قدیسین در این منطقه که هم از سرزمین سستی بنی اسرائیل دور است و هم با در نظر گرفتن وسایط نقلیه آن روزگار به بابل قرب جوار ندارد، در خوزستان دفن شده باشند. استدلال استاد درباره دفن دانیال در شوش به این دلیل که وی به رهبری جماعتی از یهودیان که به اسارت در بابل بوده اند به شوش آمده باشد تا به اورشلیم باز گردد یا در آن شهر بماند مورد تأیید نمی تواند باشد، چه در آن

روزگار اگر چه جوانان از بابل دل نمی‌کنند و حاضر نبودند به فلسطین باز گردند، اما دانیال از این گروه نبوده و بدون شک باید جزو نخستین گروه مهاجر به سوی اورشلیم باشد و در این صورت لزومی نداشته که برای رفتن به فلسطین و یا ماندن در شوش، بدین گونه عمل کند که این دومی مورد قبول نمی‌تواند باشد. بنابراین می‌توان گفت که اساساً تامدارک قابل اطمینان‌تری به دست نیامده باید با شک و تردید به این آرامگاه و آرامگاههای دیگر قدسین بنی اسرائیل در ایران، نظر انداخت. در این میان تنها آرامگاهی که در اصالت آن شک کمتری می‌توان کرد آرامگاه استر و مردخای است.

در مورد آرامگاه دانیال باید گفت که چون دانیال آمدن و تسلط ماد و پارس را پیش‌بینی کرد، این پیش‌بینی وی بیشتر در قلمرو دولت ماد و پارس خریدار داشت. ایلامیان که ساکنان اصلی قلمرو هخامنشیان پیش از تکوین شاهنشاهی هخامنشی بوده‌اند مسئله مرگ یا قتل و دفن دانیال در این نقطه را ابداع کرده به کرسی نشانده‌اند. استاد اقتداری در توصیف آرامگاه اصلی دانیال، عالمانه دلایل اصالت آرامگاه را بر شمرده‌اند، اما واقعاً در این مورد هنوز دلیل قاطعی که اصالت آرامگاه و انتساب آن را به دانیال نبی به اثبات برساند در دست نیست و این پدیده را هم باید یکی از گامهای مؤثر نیاکان خود بدانیم برای حفظ بناهای از پیش مانده و ایجاد ارتباط نسل حاضر با نسل‌های گذشته و پوشاندن ریشه‌های اختلاف نژادی، زبانی و مذهبی.

در مجمل‌التواریخ از قول شعبی می‌خوانیم:

«چون ابوموسی اشعری شهر شوش بگشاد در عهد عمر ... و اندر قلعه شهر رفت که آن را ماذونیال خواندندی و همی‌گردید در خانه‌ها و خزینها را قبض همی‌کرد و عرض (عوض) همی‌داد تا به در خانه‌ای برسد پرده بر او آویخته اثر روغن بر او بود و در خانه بسته بود، بفرمود تا باز گشایند، آن گروه سوگند عظیم خوردند که در این خانه هیچ مال و نعمت نیست. ابوموسی گفت علی‌الحال باز باید گشادن تا بنگرم، باز گشادند به ضرورت آبرزی\* دید از رخام مانند حوضی و در آن جای مردی پیر

\* چیزی که امروز از چینی یا آهن سازند و در آن شست و شو کنند، حمام دستی، این آبرزن‌ها در حفاریهای شوش پیدا شده و معلوم می‌دارد که در این آبرزنهای سنگی جسد مردگان یا استخوانهای او را با زیور در آن می‌خوابانیدند. نمونه‌ای از آن در موزه لوور هست و در کتاب دسورگان نیز معرفی شده، یادداشت ملک‌الشعرا بهار در مجمل‌التواریخ.

رسم زرتشتیان بوده است که استخوانهای مرده را پس از آنکه گوشت آن را مرغان خوردند و از کافت پاک شد طوری به قفا می‌خوابانیده‌اند که زانو‌ها خم و سر محاذی زانو و بر دیوار یا بر آبرزی تکیه داده باشد و رسم نبوده است که مانند مسلمین میت را بخوابانند. یادداشت‌های ملک‌الشعرا بهار.

همی خوابانیده بر قفا و زنج بر زانو نهاده و پوست بر استخوان خشک شده، ابوموسی پرسید از حال وی گفتند این شخص دانیال پیغامبرست از جمله اسیران بخت نصر و در این شهر بمرد، و وی را در این آبن نهادند و هر وقتی که به باران حاجت افتد بیرون برندش و دعا کنند به وی، پس همان وقت باران ببارد و در آن آبن کتابی عبرانی بیافتند و آن را مردی از بنی سهم بخريد از قسمت غنایم به چهار درهم... حاوی همه سیر خلفا و قصه ها و هر چه خواهد بودن در عالم تا روز قیامت... ابوموسی خطاب را خبر داد و عمر از جهودان تهامه باز پرسید او را از قصه دانیال خبر دادند. پس عمر بفرمود ابوموسی را که او را غسل مکن همچنان کفن سازش و حنوط و به دست معتمدی دفن کن چنانکه کس نداند و او را رنجه دارد...»

ابوموسی پیرو این دستور فرمان داد که آب را از رودخانه (در متن به نام ابوران) برگردانند سپس گوری در کف رودخانه تدارک دیدند و استخوانهای دانیال را در آن به خاک سپردند. پایان کار آرامگاه را این چنین ارائه می کنند:

«آب بر آن فرو گذاشتند و بر بالای آب بعد از آن مسجد و شهر کردند و آب در زیر آن همی گذرد و ماهیان عظیم بی اندازه ملازم سرگور باشند پیوسته و کس ایشان را نگیرد. مراتب دهند هر روزی ایشان را بسیاری نان و این سخت عظیم عجایب و طرفه است و من آن را برای العین دیده ام و زیارت کرده ام.»<sup>۴۲</sup>

در میان پیغمبران بنی اسرائیل دانیال دارای اهمیت خاص است، از این نقطه نظر که معاصر با پادشاهان نخستین هخامنشی و نیز پادشاهان کیانی بوده و این تقارن ممکن است در آینده کلیدی باشد برای روشنگری این دو سلسله و فصول مشترک تاریخی ایشان:

«بعد از آنکه مادها و پارسیان بابل را فتح کردند، داریوش هخامنشی که بعد از بلشصر سلطنت کرد، دانیال را به صد و بیست نفر از شاهزادگان ریاست داد و بدین سبب ایشان حسد بردند و باعث شدند که در مغاره شیران انداخته شود ولی تدبیر فاسد آنان بر خودشان باز گشت و سبب هلاک ایشان شد.»<sup>۴۳</sup>

دانیال از پیامبران بنی اسرائیل و همزمان کوروش کبیر و داریوش بزرگ هخامنشی بوده است. در کودکی پس از گشوده شدن اورشلیم به دست نبوکدنصر در سال ۵۸۶ ق. م در میان گروهی از یهودیان به بابل فرستاده شد و در آنجا می زیست.<sup>۴۴</sup>

سال درگذشت دانیال معلوم نیست، وی معاصر با عزیر پیغمبر بوده است و پس از درگذشت بخت نصر از جانب بهمن پسر اسفندیار به بیت المقدس برگردانده شد و از آنجا به اهواز رفت و در شوش دیده از جهان بریست، علم رمل و گزارش خواب را از او دانند.<sup>۴۵</sup>



دانیال بعد از مرگ بهمن پسر اسفندیار به بیت المقدس آمد و عمارات کرد و بنی اسرائیل را بیاورد.<sup>۴۶</sup>

عین عبارت فارسنامه این است:

بهمن بن اسفندیار پس از عزل بخت النصر بن نمرود کیرش بن اخشوارشن بن کیرش بن جاسب بن لهراسب را که مادرش دختر یکی بود از بنی اسرائیل به نام او اشین، بهمن بنی اسرائیل را نواخت و رییس بر ایشان گماشت که دانیال نام داشت.<sup>۴۷</sup>

برای دانیال پیامبر آرامگاه دیگری هم ارائه می‌کنیم و آن زیارتگاه کوچکی است در آبادی دانیال از آبادیهای لنکای تنکابن در چهار کیلومتری جنوب جاده شهسوار به چالوس. تنها تاریخی که در این مکان مقدس یافت می‌شود، ۱۲۲۰ است در پایان نام استاد محمد فرزند استاد عباسعلی کلج. ضمناً استاد بزرگوار دکتر منوچهر ستوده که این آرامگاه را معرفی کرده‌اند، می‌نویسند: در تعطیلات نوروز ۱۳۵۲ که از این بقعه بازدید کردم، بنای آن را با گچ بریهای ظریف خراب کرده بودند و گنبد و بارگاهی به جای آن ساخته بودند اما صندوق که قسمتی از آن به سرقت رفته است برجای بود. دولنگه در قدیمی بقعه نیز ظاهر آذودیده شده است.<sup>۴۸</sup>

در فیض آباد محولات از توابع تربت حیدریه دهی به نام دانیال وجود دارد که معلوم نیست به چه علت این نام را یافته چون زیارتی به نام دانیال در این آبادی وجود ندارد.<sup>۴۹</sup>

## ۲- آرامگاه استرومردخای در همدان

اما مهمترین و معروفترین و قدیم‌ترین آثار آرامگاهی از این قبیل در ایران آرامگاه استرو مردخای است که از نقاط دیدنی همدان است و ما در این مجموعه آن را معرفی کرده‌ایم، اما خود ایجاد این آرامگاه، آن هم از دو نفر با اختلاف سنی زیاد و موقعیت سیاسی و اجتماعی چشمگیر قابل تردید است، چه جای آن رخداد، یعنی نجات یهودیان از قتل عام در عصر خشایارشا، در شوش بوده است و همدان در آن عصر، پس از پیروزی پارسیان بر مادها دارای جنبه پایتختی نبود و حال چگونه آرامگاه این دو نفر به همدان رفته و در نتیجه همدان از مراکز یهودیان شده جای بحث دارد.

متن تورات را که بسیار گویاست و گوشه مهمی است از تاریخ عصر باستان ایران مرور می‌کنیم، و با ارائه این متن بنی اسرائیلی - هخامنشی میان دو فصل از این مقدمه پل می‌زنیم: قصه استر بر مبنای کتاب ایران باستان مشیرالدوله و تورات، کتاب استر در ده باب - باب اول

از صفحه ۷۷۱ (عیناً نقل شده بدون دخل و تصرف):

«در ایام آشوروش (خشایارشا) این امور واقع شد - این همان آشوروش است که از هند تا حبش بر صد و بیست و هفت ولایت سلطنت می کرد. در آن ایام حینی که آشوروش پادشاه بر کرسی سلطنت خویش در شوش نشسته بود، در سال سوم از سلطنت خویش، ضیافتی برای جمیع سروران و خادمان خود برپا نمود و محتشان فارس و مادی از امرا و سروران ولایت‌ها به حضور او بودند پس شاه به مدت مدید یکصد و هشتاد روز جلال سلطنت خویش و حشمت و عظمت سلطنت خویش را جلوه می داد، بعد از انقضای آن روزها پادشاه برای همه آن کسانی که در دارالسلطنه شوش از خُرد و بزرگ یافت شدند، ضیافت هفت روزه در عمارت باغ قصر برپا کرد. پرده‌ها از کتان سفید و لاجورد باریسمانهای سفید و ارغوان در حلقه‌های نقره بر ستونهای مرمر سفید آویخته و تخت‌های طلا و نقره بر سنگ فرشی از سنگ سماق و مرمر سفید و دُر و مرمر سیاه بود. آشامیدن از ظرفهای طلا بود و ظرفها را از اشکال مختلفه و شرابه‌های ملوکانه برحسب کُرم پادشاه، دربارهٔ همهٔ بزرگان خانه‌اش، چنین امر فرموده بود که هر کس موافق میل خود رفتار نماید. و وَشتی ملکه نیز ضیافتی برای زنان خانه خسروی آشوروش پادشاه برپا نمود. در روز هفتم چون دل پادشاه از شراب خوش شد، هفت خواجه سرا یعنی مهومان و بِزتا و حربونا و بِغتتا و آبتتا و زاتر و گرگس\* را که در حضور پادشاه خدمت می کردند امر فرمود. که وَشتی ملکه را با تاج ملوکانه به حضور پادشاه بیاورند تا زیبایی او را به خلائق و سروران نشان دهد زیرا که نیکو منظر بود. اما وَشتی ملکه نخواست که برحسب فرمانی که پادشاه به دست خواجه سرایان فرستاده بود بیاید، پس پادشاه بسیار خشمناک شده غضبش در دلش مشتعل گردید. آن گاه پادشاه به حکمایی که از زمانها مخبر بودند تکلم نموده (زیرا که عادت پادشاه با همهٔ کسانی که به شریعت و احکام عارف بودند چنین بود. و مقربان او گرشناو شیتار و آدماتا و ترشیش و مَرس و مرسا و مموکان هفت ریس فارس و مادی بودند که روی پادشاه را می دیدند و در مملکت به درجهٔ اول می نشستند) گفت مطابق شریعت به وَشتی ملکه چه باید کرد چون که به فرمانی که آشوروش پادشاه به دست خواجه سرایان فرستاده است عمل نموده. آنگاه مموکان به حضور پادشاه و سروران عرض کرد که وَشتی ملکه نه تنها به پادشاه تقصیر نموده بلکه به همهٔ روسا و جمیع طوایفی که در تمامی ولایتهای آشوروش پادشاه می باشند. زیرا چون این عمل ملکه نزد تمامی زنان شایع شود آنگاه شوهرانشان در نظر ایشان خوار خواهند شد حینی که

\* به جای بغتتا و آبتتا، بگشا و ابگشا و به جای زاتر زی بژ. ایران باستان ۸۹۸.

مُخبر شوند که آخسورش پادشاه امر فرموده است که وَشتی ملکه را به حضورش بیاورند و نیامده است. و در آن وقت خانمهای فارس و مادی که این عمل ملکه را بشنوند به جمیع روسای پادشاه چنین خواهند گفت و این مورد بسیار احتقار و غضب خواهد شد. پس اگر پادشاه این را مصلحت داند فرمان ملوکانه از حضور وی صادر شود و در شرایع فارس و مادی ثبت کردند تا تبدیل نپذیرد که وَشتی به حضور آخسورش پادشاه دیگر نیاید و پادشاه رتبه ملوکانه او را به دیگری که بهتر از او باشد بدهد. و چون فرمانی که پادشاه صادر گرداند در تمامی مملکت عظیم او مسموع شود آن گاه همه زنان شوهران خود را از بزرگ و کوچک احترام خواهند نمود و این سخن در نظر پادشاه و رؤسا پسند آمد و پادشاه موافق سخن موکان عمل نمود. و مکوبات به همه ولایتهای پادشاه به هر ولایت مطابق خط آن و به هر قوم موافق زبانش فرستاد تا هر مرد در خانه خود مسلط شود و در زبان قوم خود آن را بخواند. باب دوم بعد از این وقایع چون غضب آخسورش پادشاه فرونشست وَشتی و آنچه را کرده بود و حکمی که درباره او صادر شده بود به یاد آورد و ملازمان پادشاه که او را خدمت می کردند گفتند که دختران باکره نیکو منظر برای پادشاه بطلبند. و پادشاه در همه ولایتهای مملکت خود و کلا بگمارد که همه دختران باکره نیکو منظر را به دارالسلطنه شوش در خانه زنان زیر دست هیچای که خواجه سرای پادشاه و مستحفظ زنان است جمع کنند و به ایشان اسباب طهارت داده شود. و دختری که به نظر پادشاه پسند آید در جای وَشتی ملکه بشود. پس این سخن در نظر پادشاه پسند آمد و همچنین عمل نمود. شخصی یهودی در دارالسلطنه شوش بود که به مُردخای بن یائیر بن شمعئ مسمی بود. و او از اورشلیم جلای وطن شده بود با اسیرانی که تِگْنیا پادشاه یهودا جلای وطن شده بود که تَبوکِد نصر پادشاه بابل ایشان را به اسیری آورده بود. و او هَدَسَه یعنی اِستر دختر عموی خود را تربیت می نمود چونکه وی را پدر و مادر نبود و آن دختر خوب صورت و نیکو منظر بود و بعد از وفات پدر و مادرش مردخای وی را به جای دختر خود گرفت. پس چون امر و فرمان مادر پادشاه شایع گردید و دختران بسیار در دارالسلطنه شوش زیر دست هیچای جمع شدند اِستر را نیز به خانه پادشاه زیر دست هیچای که مستحفظ زنان بود آوردند. و آن دختر به نظر او پسند آمده در حضورش التفات یافت پس به زودی اسباب طهارت و تحفه هایی را به وی داد و نیز هفت کنیز را که از خانه پادشاه برگزیده شده بودند که به وی داده شوند و او را با کنیزانش به بهترین خانه زنان نقل کرد. و اِستر قومی و خویشاوندی خود را فاش نکرد زیرا که مُردخای او را امر فرموده بود که نکند. و مُردخای روز به روز پیش صحن خانه زنان گردش می کرد تا از احوال اِستر و از آنچه به وی واقع

شود اطلاعی یابد...\*

... پس از یکسال تربیت و مالش بدن دختر با مُر و عطریات گرانبها در روز معین او را نزد شاه بردند و شاه وی را به سایر زنان ترجیح داد و تاج بر سر او نهاد. پس از آن او را اِستر نامیدند که به پارسی به معنای ستاره است. مقارن این احوال مُردخای کنکاشی را که دو نفر از خواجه سرایان، بَغْتان و تارس نامان بر ضد شاه ترتیب داده بودند کشف کرده، قضیه را توسط اِستر به اطلاع شاه رساند. شاه آن دو نفر را به دار آویخت. در دربار هامان نامی مورد توجه شاه بود و از این جهت که مُردخای به او تعظیم نمی کرد، کینه او را در دل گرفت و وقتی که دانست مُردخای یهودی است در صدد برآمد که او و تمام یهودی ها را بکشد.

برای اینکه در کدام ماه به این کار مبادرت کنند، قرعه انداخت و قرعه به ماه دوازدهم درآمد. بعد هامان به شاه چنین گفت: مردمی هستند در مملکت تو که در اطراف و اکناف آن پراکنده اند، قوانین جدید و آداب مخصوص دارند و فرامین تو را اطاعت نمی کنند، اجازه بده آنها را بکشند. من ده هزار وزنه نقره به تو می دهم. شاه انگشت خود را از انگشت بیرون آورده به او داد و گفت نقره و هم این مردم را به تو دادم هر چه خواهی بکن. پس از آن هامان پسر هَمْدانای آجاجی به تمام ایالات فرمان صادر کرد که در روز معین تمام یهودی ها را از مرد و زن بزرگ و کوچک بکشند. مُردخای از قضیه آگاه و سخت اندوهگین گردید. بر اثر غم و الم زیاد لباسهای خود راکنده کیسه ای در بر کرد و خاکستر بر سر ریخت. اِستر چون حال او را چنین دید جهت آن را پرسید او سواد فرمان شاه را برای اِستر فرستاد و گفت. این است سبب غم و اندوه من. حالا آنچه توانی برای نجات همکیشان خود بکن. اِستر جواب داد رسم این است که هر کس داخل اطاق درونی عمارت شاه شود محکوم به اعدام می گردد، مگر اینکه شاه دست خود را به طرف او دراز کند با وجود این من این کار را خواهم کرد ولی لازم است یهودیها سه روز تمام برای نجات من دعا کنند و روزه بگیرند. روز سوم اِستر لباس های ملوکانه خود را در بر کرده به اطاق درونی شاه داخل شد، شاه دست خود را به طرف او دراز کرده گفت: اِستر ترا چه می شود، اِستر گفت من از شاه خواستارم که امروز با هامان میهمان من باشند. شاه پذیرفت و پس از اینکه در میهمانی ملکه شراب زیاد نوشید، رو به اِستر کرد و گفت خواهش تو چیست؟ بگو تا به جا آورم، اگر نصف مملکت را بخواهی می دهم، اِستر اجازه خواست مطلب خود را در میهمانی روز دیگر بگوید و هامان را باز دعوت کرد. اما هامان سپرده بود داری برای

\* تا اینجا از روی تورات فارسی چاپ لیدن ۱۹۳۰ استتخا شد و از این به بعد برای گرایش به اختصار از صفحه ۸۹۹ کتاب ایران باستان نقل می شود.

به‌دار آویختن مردخای به‌بلندی ۵۰ آرش تهیه کنند. شب شاه را خواب نبرد و فرمود تا سالنامه‌های سلطنتش را بخوانند. خواننده رسید به‌جایی که درباره کشف کنکاش بختان و تارس بود. شاه پرسید که چه پاداشی به‌مردخای در ازای این خدمت دادم. خدمه گفتند پاداش ندادی. در این وقت هامان وارد شد. شاه از او پرسید چه باید کرد درباره چنین کسی که شاه می‌خواهد سرافرازش کند. هامان به‌تصور اینکه مقصود شاه خود اوست، گفت چنین کس را باید بفرمایی لباس شاه را بپوشد بر اسب شاه سوار شود، تاج شاهی بر سرگذارد و اول مرد دربار در پیش او حرکت کرده به‌مردم بگوید: چنین کند شاه چون بخواهد کسی را سرافراز بدارد. شاه گفت در حال برو و همین چیزهایی که گفتم درباره‌ی مردخای بکن. هامان چنان کرد و بعد بی‌اندازه مهموم و مغموم به‌خانه برگشت. پس از آن خواجه‌سرایان آمده او را به‌میهمانی ملکه بردند. شاه بعد از صرف غذا و شراب باز از ملکه پرسید مطلب چیست؟ آنچه خواهی بخواه. ملکه گفت: اگر من مورد عنایت شاه هستم، حیات من و ملت من را تأمین کن. چه ما دشمنی بی‌رحم داریم. شاه پرسید که این دشمن کیست؟ ملکه هامان را نشان داد. هامان نتوانست کلمه‌ای بگوید و چشمان خود را به‌زیر انداخت. پس از آن شاه غضبناک برخاست و داخل باغ شد. هامان نیز برخاست و از ملکه تمنا کرد او را از مرگ نجات دهد زیرا دانست که شاه قصد کشتن او را کرده پس از لحظه‌ای شاه برگشته و دید که هامان به‌بستری که استر بر آن بود افتاده. شاه گفت عجب او در خانه من و در حضور من به‌ملکه زور می‌گوید، همین که این سخن از دهان شاه بیرون آمد روی هامان را با پارچه‌ای پوشانیدند، این علامت حکم اعدام بود. یکی از خواجه‌سرایان به‌شاه گفت: چوبه‌داری هست که هامان برای مردخای تهیه کرده. شاه جواب داد: الان او را به‌همان چوبه‌دار بکشید. در همین روز مردخای به‌حضور شاه آمد. چه استر اعتراف کرد که این مرد از اقربای اوست. پس از آن استر به‌پای شاه افتاد با چشمان پر از اشک درخواست کرد که از اجرای فرمانی، که هامان صادر کرده بود، جلوگیری کند. شاه گفت حکمی، چنانکه خواهی، خطاب به‌یهودی‌ها بنویسان و به‌مهر من برسان. معمول مملکت این بود که کسی نمی‌توانست در مقابل چنین حکمی، که به‌اسم شاه صادر شده و به‌مهر او رسیده بود مقاومت کند. بعد بی‌درنگ دبیران را خواسته گفتند، حکمی به‌یهودی‌ها و بزرگان و حکام ۱۲۷ ولایت که تابع شاه و از هند تا حبشه بودند بنویسند. این حکم را به‌زبانها و خطهای گوناگون نوشتند تا در ولایات بتوانند بخوانند. حکم را چاپک‌سوارانی که براسبهای ممتاز سوار بوده حرکت می‌کردند و به‌ایالات مختلف رسانیدند و یهودی‌ها انتقام خود را از دشمنانشان کشیده عده‌ی زیادی از آنها را در شوش کشتند. ۵۰

### ۳- آرامگاه پیامبران دیگر که در متن آمده است

- ابراهیم خلیل در سوسنگرد.\* ص ۲۱۳
- اسحاق و اسماعیل در جاده دزفول به هفت تپه. ص ۳۶
- اشعیای نبی در اصفهان. ص ۲۲۷
- اشموییل در خرقان ساوه. ص ۲۲۷
- الیاس، آرامگاه صمصام‌الدین محمود از اتابکان لر کوچک. ص ۲۳۱
- ایوب پیامبر در دهکده بندین لکنای تنکابن. آ.س. ص ۲۴۲
- پیغمبران، سام و لام، پسران نوح، شمال شرقی سمنان. آ سمنان ۱۳۵
- پیرارم یا میرارم، امروز پیرچل گزو، آرامگاه فرزند سام پسر نوح در دشتستان. ص ۲۵۵
- حُبقوق نبی در تویسرکان. ص ۲۷۰
- حزقیال (حزقیل) در کوفه. ص ۲۷۰
- حزقیل پدر دانیال در دزفول. ص ۲۷۱
- صالح پیامبر در شوشتر. ص ۳۴۸
- نوح در دزفول که اخیراً خراب شد و اکنون اثری از آن نیست فقط جای آن، دره نوح موجود است.

### ■ یوشع در اصفهان تخت فولاد. ص ۴۵۲

برای بررسی بیشتر باید به کتاب مقدس (تورات) و کتابهای تاریخ از جمله طبری و بلعمی مراجعه کرد مثلاً درباره یوشع در تورات آمده است که:

یوشع چون صد و دهساله شد مردم او را در حدود ملک خودش در تمنه سارح که در کوهستان افرایم به طرف شمال کوه جاعش است دفن کردند.» (تورات صحیفه یوشع ص ۳۷۳).

### ۴- آرامگاه پیامبران بنی اسرائیل از قرار نوشته مجمل التواریخ<sup>۵۱</sup>

- هابیل که به دست قایل کشته شد: حدود سراندیب
- آدم به کوه سراندیب، همان جاکه از بهشت بدان جا افتاد و آن را راهون گویند، پس از

---

\* ص ۲۱۱ بدان معناست که برای یافتن نام شخصیت موردنظر و معرفی نامه وی باید به این صفحه متن اصل کتاب نگاه کرد.

طوفان نوح استخوانهای آدم را به بیت المقدس آوردند.

■ حوا در کنار آدم

■ شیث در کنار آدم

■ ادریس یا اخنوخ در بهشت به تعبید مشغول است.

■ نوح، سام پسرش وی را در جوار آدم دفن کرد.

■ سام در شام بود و همان کس است که به دعای عیسی (ع) زنده شد.

■ هود در ری... در این باب صاحب مجمل التواریخ حکایتی را نقل می کند که به اختصار این است: شخصی نزد علی (ع) آمد و مسلمان شد و آن حضرت از او پرسید شهر خویش و علم احقاب و وی گفت:

«همانا از گور هود پیغامبر می پرسی؟ گفت نعم، گفت در عهد جوانی به حظیره ری رسیدم و آن را به طمع همی شکافتم تا چه پدید آید پس از جی پیداکشت از سنگ خاراکنده و سریری رُخام در میان نهاده و شخصی را دیدم عظیم خلقت بر آنجا خوابانیده بر دست راست چنانکه بدان بزرگی... پس امیرالمؤمنین... گفت راست می گویی که گور هود پیغامبر علیه السلام آنجاست.\*»

■ صالح در حجاز و یاد در میان رکن و مقام که در آنجا نود و نه گور است از آن پیغامبران و از جمله گور صالح و شعیب و اسماعیل (ع).

■ ابراهیم، اسحاق و یعقوب و الاسباط (ع) از آن سوی بیت المقدس فرود قله، گور ایشان است و بسیاری از پیغامبران و اندر کتاب دلایل القبله سنگ گور ابراهیم و اسحاق هردو با نوشته توصیف شده.

■ یوسف او را به مصر میان رود نیل دفن کردند در تابوت آبگینه و موسی او را به وقت خویش پیش ابراهیم و یعقوب و خویشان برد به بیت المقدس.

■ لوط و ایوب و شعیب و خضر: لوط پیغامبر بعد از هلاک قومش سوی ابراهیم باز آمد و گور او همان جایگاه تواند بود اما ایوب را دفینه به شام اندر روایت کنند به دهی که مقام او بود و هنوز به جایگاه است، تربت ایوب خوانند. و شعیب را ذکر کرده شد و خضر هنوز به جای است تا خدای تعالی خواهد.

\* عیناً از مجمل التواریخ نقل شده بدون دخل و تصرف آزن به معنی آژن یاوان.

□ موسی و هارون(ع): در بیابان تیه به فلسطین. هارون فرمان یافت بر آن تخت که خدای تعالی پیدا کرد و فرش عظیم بر آن افکنده بود، پس هارون موسی را گفت من ایدر بخسیم گفتا رواست. چون بر آنجا خفت بمرد و خدای تعالی آن تخت را ناپیدا کرد... بعد از آن موسی(ع) از کنار یوشع بن نون غایب گشت...

□ یوشع بن نوح و حزقیل و الیاس و یسع(ع). یوشع را جای معین نشده است و هم به جانب شام و بیت المقدس و آن حدود تواند بود اما حزقیل ذوالکفل است و گور او میان کوفه و رحله مشهدی است و من آن را زیارت کرده ام... یهود آنجا بسیار نشسته و الیاس هنوز به جایست با خضر و یسع را ذکر مفرد نخواندم مگر به بیت المقدس به قبور انبیا(ص).

□ اشموئیل و داوود و سلیمان(ع). اشموئیل و داوود را دینه به بیت المقدس است، و سلیمان را از پیغمبر ما(ص) روایت است که دیوان و آدمیان جمع شدند و در میان جزیره اندر بحر قلزم جای از سنگ خاره بر آوردند و بکنندند و سلیمان همان جا بر تخت بنهادند و هرگز کسی آنجا نرسیده است... و گویند به بیت المقدس او را دفن کردند پنهان.

□ إسا و شعیا و زکریا و ارمیا و یحیی و عیسی. ارمیا پسر سلیمان در بیت المقدس، شعیا و زکریا را با درختی که در میانش پنهان شده بود با اره بریدند و کشتند و همان جا در بیت المقدس به خاک سپردند و یحیی و ارمیا را در بیت المقدس کشتند و همان جا دفن کردند و عیسی به آسمان رفت و چون باز گردد مایه قوت دین پیغمبر ما گردد.

□ یونس در کوفه دفن شد و آن محل اکنون شهری است آبادان.

□ شمسون و جرجیس، شمسون جایگاه معینی ندارد و جرجیس در موصل بود و در خوزستان به خاک رفت.

در این فهرست نامی هم از مادر سلیمان نیست، اما به عللی در ایران آن هم در قلب سرزمین پارس آرامگاهی را منتسب به مادر سلیمان می شناسیم.

آرامگاه مادر سلیمان: درباره آرامگاه معروف به مادر سلیمان که همان آرامگاه کوروش و همسرش کاساندان است باز سخن خواهیم گفت، اما تذکر این نکته لازم است که هر انسان عاقلی می داند که گذر مادر سلیمان به این منطقه از ایران نیفتاده است، اما وجود یک زن در این آرامگاه که زبان به زبان از عصر اسکندر به اطلاع این مردم رسیده بوده است، به تدریج به جای مادر کمبوجیه یا بردیا مادر سلیمان نشسته و بنا را از تخریب کامل حفظ کرده است. اما با تمام این تدابیر در عصر اتابکان محوطه آرامگاه را تبدیل به مسجد کرده و تاریخ این تعبیه



را که سال ۶۱۲ است همراه با نام اتابک سعدبن زنگی بر روی سنگها می توان خواند. در عهد شاه شجاع (۷۷۰-۷۷۶) سنگهای کاخ و بناهای عصر کوروش را برداشته با آن کاروانسرا و خانقاه و عبادتگاه ساخته اند. محمد مفید مستوفی در اثر معروفش مختصر مفید گوید:

«شهر مادر سلیمان را خود حقیر دیده که پادشاه مطاع شاه شجاع مظفری در حوالی مشهد کاروانسرای ساخته که تمامی دیوارها از سنگ مرمر تراشیده است.» ۵۲

## فصل پنجم

### آرامگاه پادشاهان پیشدادی و کیانی

(بخش پنجم از مرحله نخست)

«سیامک چشم باز کرد و دید او را که همی گریست، او نیز بگریست گفت ای پدر این فرزند را من به زینهار خدای به تو سپارم او را از دشمنان نگاه دار و کین من بخواه... پس بسی درنگ نه بود تا سیامک بمرد و کیومرث او را به کوه بلخ بر آن کرانه شهر... ستودانی کرد و آنجاش بنهاد و خود هم بر آن حال بنشت... و آن گروه دشمنان که او را هلاک کرده بودند بیامدند که کالبد او ببرند...»\*

بدیهی است به همان نحو که در گذشته با گذاشتن نام قدسین بنی اسرائیل بر بقعه های بازمانده از قرون قدیم این بناها را از گزند بدمنشان حفظ می کرده اند در برخی نقاط نیز این انگیزه و عوامل دیگر سبب می شد که بر این آرامگاهها نام شاهان افسانه ای را بگذارند و یا اینکه اصولاً این نامها را با نقاط تاریخی تطبیق دهند که بهترین نمونه آن تخت جمشید است و نقش رستم که در هر دو محوطه آرامگاه پادشاهان هخامنشی نیز حضور دارند. اما نامگذاری به خاطر این آرامگاهها نبوده. احتمالاً این نوع آرامگاه را در آن زمان نمی شناخته اند. در میان شخصیت های تاریخی سستی ایران دو نام از محبوبیت خاص برخوردار است، که هیچ وقت در

\* تاریخ بلعی، طبری، ملک الشعرا و پروین گنابادی، ص ۱۲۶.

سراسر تاریخ ایران با این دو ضدیت و کینه خاصی وجود نداشته و ندارد. این دو نام عبارت‌اند از فریدون و رستم و به‌همین دلیل اسامی جغرافیایی اسطوره‌ای بسیاری به‌نام این دو شخصیت مهم هم اکنون وجود دارد. ولی نسبت به این نامها نیز در سده‌های اسلامی حتی اعصار نزدیک به عصر خود ما بدرفتاری می‌شده است و برای نمونه آرامگاه فریدون را در ساری از قرار نوشته رایینو در کتاب مازندران و استراباد مرور می‌کنیم:

مسجد عمده شهر یا مسجد جامع\* در روزگار باستان معبد گبرها بوده است. می‌گویند قبر فریدون در نزدیک آن واقع است ولی اثری از آن دیده نمی‌شود، بنای دیگری در آنجا بود که محل آن معلوم است ولی اثری از خود بنا نیست. آنجا گنبد سلم و تور بود که می‌گفتند برج مخروطی شکل با پوشش سمتی (آهکی) به ارتفاع صد پا و به قطر سی پا دارد، فریزر می‌گوید:

«به گفته اهالی کتیبه‌ای داشت حاکی از اینکه حسام‌الدوله\*\* از فرمانروایان دیالمه که در سده پنج هجری در گذشته در آنجا مدفون شده و بنابراین معلوم می‌شود که گنبد سلم و تور مذکور، بنای اصلی که ابن اسفندیار و ظهیرالدین نوشته‌اند نبوده و به قدری محکم بوده که با وجود چندین زلزله از بین نرفته بوده است. آغا محمدخان سعی کرد آن را خراب کند. اما نتوانست و بالاخره در زلزله سال ۱۲۲۵ هجری درهم شکست و به فرمان ملک آرا محمدقلی میرزا فرزند فتحعلی شاه که حاکم مازندران بود، آن را خراب کردند. وقتی که استورات، سیاح انگلیسی، به ساری رفت اثری از آن ندید. فقط در محل سابق بنای مزبور چاله‌ای مشاهده کرد.»<sup>۵۳</sup>

### ۱- بناهای آرامگاهی منسوب به پیشدادیان و کیانیان

اگر چه هنوز نمی‌توان دربارهٔ دین و آیین پیشدادیان و کیانیان اظهار نظر قطعی کرد اما می‌توان با بررسی بناهای آرامگاهی بر جای مانده از ایشان و بررسی کتابهای مهم تاریخ، به‌زرتشتی بودن و دست کم مزدیسناگروی ایشان صحه گذاشت، آرامگاههای منسوب به ایشان در قلمرو

\* مترجم کتاب غلامعلی وحید مازندرانی در باب این مسجد می‌نویسد: «در تاریخ مازندران ظهیرالدین مذکور است که مسجد جامع ساری را در زمان خلافت هارون الرشید یحیی بن یحیی بنیاد نهاد و قارن به اتمام رسانید.» زیرنویس ۲، ص ۹۴.

\*\* این باید بی‌شک یکی از اسپهبدان آل باوند مازندران باشد رجوع کنید به «سفرها و ماجراها در استانهای ایران در جنوب شرقی دریای خزر» اثر فریزر، چاپ لندن ۱۸۶۶، ص ۴۲-۴۴. زیرنویس ۳، ص ۴۴.

فرهنگ ایرانی هم به طور کلی بناهای آرامگاهی بعد از اسلام اند که برای محفوظ نگهداشته شدن آنها را به اعصار کهن منسوب می کرده اند که یک نمونه از آن را در باب فریدون دیدیم. همان گونه که در اساطیر بنی اسرائیل، هابیل اولین نفر بود که پس از استقرار آدم در زمین کشته شد. در اساطیر ایرانی سیامک یا میشنگ پسر کیومرث اولین قربانی بود، اما نه به دست برادر بلکه به دست دیوان و بدین روال نخستین خاک سپاری در تاریخ اسطوره ای ایران خلق شد که یک روایت آن را از زبان بلعمی نقل کردیم و اینک روایت دیگر را از قول طبری که خود از ابن مقفع گرفته است، مرور می کنیم:

«پس کیومرث بر کوه دماوند بسیار بگریست و دعا کرد به خدای عزوجل تا او را روشن گرداند که فرزند او را که کشت و ندانست که آن فرزند را چگونه (دفن) کند که تباه شده بود، خدای تعالی چاهی پدید آورد بر سر کوه و او آن فرزند را بدان چاه فروهشت به جای گور.

مغان اندر آن گفتارها گویند که کیومرث آن چاه کند تا به آب سوراخ کرد و آن فرزند را آنجا افکند، پس چون بدانست که آن فرزند را مرده (در نسخه دیگر دیوان) هلاک کردند. آتش آورد و بر سر آن چاه برافروخت. آتش بدان چاه اندر افتاد و از آن روز باز تا امروز هر روز ده بار و پانزده بار از آن چاه آتش زبانه برزند و به هوا بر شود و باز بدان چاه فرو شود و مغان گویند آن آتش کیومرث است. که دیوان را و مرده را از آن فرزند او باز می دارد و دور می کند، پس چون فرزند را به گور کرد، کیومرث سه روز بر سر آن چاه همی گریست و دعا همی کرد و همی گفت یارب مرا بنمای که این پسر را که کشت.»<sup>۵۴</sup>

اکنون به ارائه چند بنای آرامگاهی مربوط و منسوب به این دوره می پردازیم:

□ منسوب به ایرج و برادرانش در ساری:

بعضی گفته اند این همان محلی است که در کتابهای یونانی فناگرت یا زدرگرت یا سیرینکس نام داشته و وقتی که منوچهر برای انتقام قتل ایرج پدر خود، سلم و تور را کشت آنها را در ساری کنار قبر ایرج مدفون کرد و بر هر قبری گنبدی ساخت که در زمان ظهیرالدین به سه گنبد معروف و به قدری محکم بود که امکان نداشت آن را بتوان خراب کرد. ۵۵ ص ۲۴۰.

□ منسوب به تهمورث در اصفهان. ص ۸۰

□ منسوب به سهراب در ساری - رستم بعد از نبرد شومی که با پسر خود سهراب کرد، ابتدا

می‌خواست نعل فرزند را به زابلستان بفرستد، ولی به واسطه گرمی هوا او را در همان ساری در محلی موسوم به قصر تور به امانت گذاشت که گویا بعدها در همان جا مدفون شد. ۵۶ ص ۱۹ سرپرسی سایکس در سفرنامه خود به آرامگاه کیانیان در بلوچستان اشاره دارد و می‌نویسد: نگارنده قبور جمعی از آن‌ها را که بلوچ‌ها می‌گفتند مقبره ملوک کیانی است در محل دیده است. اخلاف کیانیان تا به امروز در سیستان سکونت دارند.

سایکس ضمناً به کشف چند بنای آجری قدیمی و چند سد سنگی در چهل میلی کوادر توسط کلنل ما کلر ارجاع می‌دهد و می‌نویسد ما کلر در این محوطه کند و کاوهای باستان‌شناسی محدودی انجام داده مقداری استخوان و ظرفهای سفالین و کاردهای سنگی و خانه‌های سنگی به نام دنبه کوه که احتمالاً آرامگاه‌اند، یافته است. ۵۷

## ۲- آرامگاه و دخمه و تابوت در شاهنامه فردوسی

فردوسی در شاهنامه بر مبنای مرجع و منبع اخباری که به دستش رسیده بوده است اشاراتی بسیار کوتاه و مختصر به درگذشت، مراسم تکفین و تدفین، تابوت کردن و دخمه‌گذاری دارد، اما در هیچ‌کجا سخن از آرامگاه به میان نمی‌آورد و در چند جای معدود سخن از خاک سپاری با تابوت بسته و میخ کوب شده دارد، و یک جا نیز از دخمه‌ای که در آن بسته و به کلی متروک شده به میان می‌آورد. شاهنامه را بر همین مبنای بررسی می‌کنیم:

کشته شدن سیامک به دست دیوان که اولین اشاره است. ۵۸

در باب کیومرث فقط به مرگ وی پس از شکست دادن و کشتن دیوی که پسرش سیامک را کشته بود گوید:

چو آمد مر آن کینه را خواستار      سرآمد کیومرث را روزگار ۵۹

سپس به مردن هوشنگ و طهمورث و بهاره شدن جمشید توسط ضحاک اشاره دارد و سرانجام نحوه کشتن و آویختن ضحاک توسط فریدون را در کوه دماوند توصیف می‌کند:

به کوه اندرون جای تنگش گزید      نگه کرد غاری بنش تا پدید

بیاورد مسمارهای گران      به جایی که مغزش نبود اندر آن

فروست دستش بدان کوه باز      بدان تا بماند به سخی دراز

بماند او بدین گونه آویخته      وزو خون دل بر زمین ریخته ۶۰

منوچهر جانشین فریدون شد و فریدون نخستین پادشاه سستی کهن است که بدنش را در

دخمه گذاردند:

منوچهر بنهاد تاج کیان      بستمش به زنار خونین میان  
به آیین شاهان یکی دخمه کرد      چه از زر سرخ و چه از لاژورد  
نهادند زیر اندرش تخت عاج      بیاویختند از بر عاج تاج  
به بدرود کردنش رفتند پیش      چنان چون بود رسم آیین و کیش  
در دخمه بستند بر شهریار      شد آن ارجمند از جهان زار و خوار<sup>۶۱</sup>  
این مختصر یاد آور کالبد انوشیروان مستقر در دخمه مجلل وی است که در بخش ساسانیان  
بدان اشاره خواهیم کرد.

در شاهنامه مطلبی در مورد تابوت و دخمه انوشیروان ذکر نشده است.  
از منوچهر و نوذر و گرشاسب و کیقباد فقط نام ذکر شده و مردنشان<sup>۶۲</sup>. یکی از جامع ترین  
شرحها در باب تابوت و دخمه و آرامگاه در شاهنامه شرحی است در باب سهراب پس از  
آنکه به دست پدرش رستم کشته شد:

بفرمود تا دیبۀ خسروان      کشیدند بر روی پور جوان  
همی آرزوگاه شهر آمدش      یکی تنگ تابوت بهر آمدش  
از آن دشت برداشت تابوت اوی      سوی خیمه خویش بنهاد روی  
به پرده سرای آتش اندر زدند      همه لشگرش خاک بر سر زدند

سپس تابوت پسر را با عزت و احترام به زابلستان بردند.

پس آن‌گه سوی زابلستان کشید      چو آگاهی از وی به دستان رسید  
همه سیستان پیش باز آمدند      به رنج و به درد و گداز آمدند  
سپه پیش تابوت می‌رانند      بزرگان به سر خاک بفشانند

رستم در یک مجلس رسمی که در زابلستان دایر شده بود:

دگر باره تابوت سهراب شیر      بیاورد پیش مهان دلیر  
از آن میخ برکند و بگشاد سر      کفن زو جدا کرد پیش پدر  
تنش را بدان نامداران نمود      تو گفתי که از چرخ برخاست دود  
بپوشید بازش به دیبای زرد      سر تنگ تابوت را سخت کرد  
همی گفت اگر دخمه زرین کنم      زمشگ سیه گردش آگین کنم

سپس فردوسی به تفصیل برخورد مادر با بدن سهراب را مجسم ساخته داستان را بدون ذکر

این که سهراب در کجا و چگونه دفن و یا به دخمه سپرده شد، به پایان می‌رساند و دربارهٔ مادرش می‌آورد:

به روز و به شب نوحه کرد و گریست      پس از مرگ سهراب سالی بزیست  
سرانجام هم در غم او بمرد      روانش بشد سوی سهراب گرد<sup>۶۳</sup>  
در باب خود رستم و برادرش زواره نیز، فردوسی شرحی مشابه این گفتار دارد، که چند بیت آن نقل می‌شود:

کفن دوز بر وی ببارید خون      به شانه زد آن ریش کافورگون  
یکی نغز تابوت کردند ساج      برو میخ زرین و پیکر زعاج  
همه درزها را گرفته به‌قیر      بر آلوده بر قیر مشک و عبیر  
و چند سطر پایین‌تر:

به‌باغ اندرون دخمه‌ای ساختند      سرش را به‌ابر اندر افراختند  
برابر نهادند زرین دو تخت      بدان خوابگاه شد گو نیک بخت<sup>۶۴</sup>

۳- آرامگاه پادشاهان پیشدادی و کیانی از قرار نوشته مجمل‌التواریخ و القصص در کتاب یاد شده ذکر این آرامگاهها آمده که ساده شده و کوتاه شده آن این چنین است: ذکر دوم اندر ناویس\* ملوک عجم و بعضی ملوکان و معروفان چنانکه معلوم گشت و ذکر آن کرده شد و جایگاهی که رسیده است.

□ کیومرث: او را در کتب فارسیان آدم شمردند و گفته‌اند که او را به کوه هندوان مرگ رسید.

□ هوشنگ: چیزی زیادت معلوم نیست جز آنکه به‌زمین پارس بمرد و آنجا ستودان ساختند.

- طهمورث: حمزه در کتاب اصفهان چنین آرد که این کوه را که اکنون آتشگاه خوانند از جمله بیوتات عبادت بوده است در عهد طهمورث و آن را مینودز خوانده‌اند و بتان نهاده بودند بسیار، چنانکه از جمله شهرهای مشرق آنجا آمدندی به حج کردن تا روزگار گشتاسف و اسفندیار به فرمان پدر آن را از بتان خالی کرد و آتشگاه کرد و هم بر آن بماند تا شاه اسکندر

\* ناویس جمع ناوس و آن دخمه یا گنبدی است که به گور کسی بسازند و به پاری ستودان گویند.

آن را خراب کرد و چنان آورده‌اند که طهمورث آنجا نهاده است ص ۲۶۲.

□ جمشید: ضحاک در بابل او را بهاره به‌دو نیم کرد و بسوزانید و اثرش نماند.

□ ضحاک: فریدون او را بیست بر سر کوه دماوند و به‌مسماهای گران به‌دیوار چاه بدوخت و سنگی به‌افسون بر سر وی بیست که چون قصد برآمدن کردی، بر سرش آمدی و همچنان بماند و خدای تعالی داناست به‌حال او.

□ افریدون تخت و خوابگاه و ناوس خویش بفرمود به‌زمین تمیشه\* و طبرستان و بسیار سالها بماند و مدروس گشت ص ۳۷۷.

□ منوچهر: به‌زمین فارس اندر بمرد و ستودان آنجا گویند و بعضی به‌اصفهان ص ۳۰۶.

□ نوذر: ناوس او به‌گرگان ساخته بودند.

□ افراسیاب: کیخسرو او را با برادرش گرسیوز و جهن پسرش و بسیاری از خویشان او به‌آذر گشنسب در حد حس (شیز) و آژان بکشت و بعد از آن کفن بفرمود و ستودان ساخت آنجا.

□ زاب: به‌استخر بمرد و ستودان به‌کوه پایه ساختند.

### ذکر نوادیس کیانیان:

□ قیباد: به‌دارالملک پارس بمرد. آنجا ستودان کردند و به‌روایتی دیگر به‌بلخ.

□ کیکاوس: به‌استخر از دنیا برفت و آنجا به‌ستودان پدرش نهادند.

□ سیاوش و کیخسرو: سیاوش را به‌ترکستان کشتند و به‌بهشت گنگ که خود ساخته بود و از خون وی گیاهی برست که آن را خون سیاوشان گویند و کیخسرو چون پادشاهی به‌لهراسب داد، ناپیدا شد.

□ طوس و بیژن و فربرز: با کیخسرو بودند نبیره افراسیاب [چون کیخسرو ناپدید شد، آنجا به‌برف اندر] کشته شدند و آنها را همان‌جا نهادند.

□ بهمن او را از دها یو بارید به‌در کجین [از دها بلعید به‌دیر گجین بر سر راه اصفهان به‌ری از کویر] و به‌روایتی به‌شهر بلخ مرد.

□ گرشاسف و نریمان را ستودان به‌سیستان ساختند.

\* محلی بوده است میان ساری و اشرف (به‌شهر کنونی) که فردوسی نیز از آن یاد کرده است. (توضیح ملک الشعرای بهار) و نیز مازندران و استرآباد را بینو که آن را قسمتی از مازندران شرقی می‌داند ص ۱۳۱.

- سام به زمین هندوستان.
- رستم را به سیستان باز بردند از آن چاه که برادرش ساخت و فرامرز ایوانی عظیم بساخت برابر ستودان گرشاسف.
- فرامرز چون کشته شد به دست بهمن به هندوستان، او را به ستودان پدر باز آوردند.
- زال در عهد دارای بن داراب بمرد و هم به ستودان خاندانش باز آوردند.
- همای چهر آزاد: بعضی گویند به شام نهاده است و اهل فارس گویند به پارس نهاده است.
- داراب بن داراب هم به پارس نهاده است.
- جاماسب حکیم: بر پانزده فرسنگی شیراز شهری است که آن را خور (خفر) خوانند، بر سر تلی گنبدی ساخته‌اند و او را آنجا دفن کردند. ص ۲۶۳
- اسکندر: به شهر زور بمرد و او را به اسکندریه بردند. ۶۵

## فصل ششم

### آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر مادی و اورارتویی (بخش نخست از مرحله دوم)

#### ۱- آرامگاه‌سازی در عصر مادها

دوران حکومت مادها از شروع پادشاهی دیوکس پسر فراورتس (۷۰۸-۶۵۵ پیش از میلاد) آغاز می‌شود تا از هم پاشیدن این دولت توسط کوروش در ۵۵۰ پیش از میلاد، در حقیقت دولت بزرگ جهانی در ایران از عصر مادها آغاز می‌شود.

شادروان استاد ابراهیم پورداود که اصولاً با تبدیل سال شمسی با سال شاهنشاهی مخالف بود می‌گفت، اگر قرار باشد مبدأ سال را ایرانی کنند باید از آغاز حکمرانی دیوکس (سال ۷۰۸ پیش از میلاد) حساب کنند که مثلاً در ۱۹۶۰ می‌شود  $۲۶۶۸ = ۷۰۸ + ۱۹۶۰$ ، در حالی که به عقیده وی سال سقوط نینوا در ۶۰۸ پیش از میلاد مبدأ بهتری می‌توانست باشد، چه آغاز سلطنت کوچک ماد و یا آغاز سلطنت کوروش که در حقیقت ادامه حکومت مادها بود، مبدأ تاریخ نمی‌توانست باشد.



اما سقوط حکومت آشور که سقوط ظلم و ستم و استکبار بی رحم جهان قدیم بود می توانست مهم قلمداد شود و خود مقدمه ای باشد بر ظهور کوروش که بنیانگذار حکومت عدل و انصاف در جهان قدیم است. ظهور اسلام و به ویژه رویداد هجرت پیامبر نیز خود مهر خاتمه ای بود که بر حکومت های جبار جهان زده شد و تغییر این مبدأ لزومی نداشت.

درباره آرامگاه و آرامگاه سازی میان مادها و هخامنشیان یک مشابهت و هماهنگی وجود داشته است و می توان گفت که به کارگیری دخمه، آرامگاه های سنگی به دو دلیل در این عصر معمول شد، یکی شمالی و کوهستانی شدن ایران باستان و انتقال حکومت از شوش به هکمتانه (همدان)، و یکی شکوفایی و اقتدار آیین مزدیسنا و عرضه کردن بدنهای مردگان در دخمه برای اینکه توسط جانوران خورده شوند و زمین و آب و آتش را آلوده نسازند.

معروفترین اثر آرامگاهی عصر مادها که آن هم از قطعیت برخوردار نیست بنای معروف گور دختر است. اصولاً این بنا را از آن جهت مادی می دانند که بر آرامگاه کوروش بزرگ از لحاظ زمان تقدم دارد و سالها پیش از آن و پیش از تکوین حکومت جهانی هخامنشی توسط کوروش ساخته شده، وگرنه با توجه به اینکه حکومت محلی هخامنشی در ایلام قدیم سالها پیش از پیروزی کوروش بر هووخشتره و انقراض خاندان ماد، موجودیت داشته، باید این بنا را نیز هخامنشی دانست.

تفاوت اصلی این بنا یا آرامگاه کوروش بزرگ در پاسارگاد در نحوه ساختن و تعبیه کردن بخش بالایی عمارت است که در هر دو مورد جایگاه نهادن بدن مرده در بخش بالایی آرامگاه بوده است، در آرامگاه گور دختر یک سنگ ناودانی بزرگ را بر سقف بنای سنگی نصب کرده اند و در زیر این سقف ناودانی محفظه ای برای قرار دادن بدن مرده ساخته و پرداخته اند، این محفظه راهی به خارج ندارد، در حالی که محفظه بالایی آرامگاه کوروش جای دو نعش کنده شده، بدن کوروش و همسرش کاساندان، محل قرار دادن نعش ها نیز به کلی ارتباطش با خارج مسدود نشده است.<sup>۱</sup>

آرامگاه گور دختر را به پیش پش هخامنشی نسبت می دهند اما دانشمند بلژیکی پروفیسور واندنبرگ که تا حدودی نیز خود کاشف آرامگاه است. دلیل کافی برای این ادعا ندارد. زیرا هیچ گونه اثر نوشتاری در این بنا نیست و چون بر سر راه و در مقابل دید قرار نگرفته است تا سال ۱۳۲۹ خورشیدی دانشمندان باستان شناس برایش شناسنامه ای تنظیم نکرده بودند، و تا اندازه ای که بر اینجانب با بررسی اقلیم پارس معلوم شد نام دو دانشمند فقید ایرانی: سید

محمد تقی مصطفوی و فریدون توللی را نیز باید با به نام واندنبرگ به عنوان کاشف بنا افزود. نخستین عکس را نیز این باستانشناس بلژیکی از این بنا گرفته است.<sup>۲</sup>

شناسنامه‌ای که بر مبنای اطلاعات سه نفر نامبرده و محتوای کتاب ایران باستان برای این بنا می‌توان تنظیم کرد، چنین است: آرامگاهی از عهد هخامنشیان، پیش از تشکیل دولت جهانی، منسوب به چش‌پش پسر هخامنش مؤسس سلسله محلی هخامنشی. با در نظر گرفتن نیاکان کوروش به این ترتیب: کوروش سوم یا کوروش بزرگ پسر کبوجیه دوم، پسر کوروش دوم، پسر چش‌پش دوم پسر کوروش اول پسر کبوجیه اول پسر چش‌پش اول پسر هخامنش. چش‌پش دوم را که نیای بزرگ کوروش و داریوش و از مؤسسان سلسله هخامنشی پیش از جهانی شدن بوده باید صاحب آرامگاه بدانیم و این همان کس است که ایلام را به قلمرو شاهان محلی هخامنشی در پارس افزود و با تمدن ایلامی یا تمدن هخامنشی مؤانست بیشتر یافت و در نتیجه این بنا پلی رسا میان بناهای آرامگاهی ایلامی و هخامنشی، به وجود آمد. این آرامگاه که بنایی است مشابه با آرامگاه کوروش بزرگ، در زمستان ۱۳۳۹ خورشیدی در جنوب حسین آباد و جنوب غربی جرّه فارس کشف شد، و چون در یک منطقه کوهستانی سخت واقع شده رسیدن به آن دشوار بود. این بنا با تخته‌سنگهایی ساخته شده که بدون ملاط بر روی هم استوار گردیده\* و عبارت است از بنایی مستطیل با بام مورب (شیروانی) بر فراز سکوی سه پله‌ای (آرامگاه کوروش بر سکوی شش پله‌ای) به بلندی ۴/۵ متر.

هرچند در تعلق داشتن آرامگاه گور دختر به دوران هخامنشی جای کمترین تردید نیست، لکن انتساب آن به یک پادشاه معین نیز دشوار است، چون این بنا نوشته ندارد و به احتمال باید که آرامگاه یکی از نیاکان کوروش: چش‌پش یا کوروش اول باشد. کوروش اول بنا بر نوشته آشوربانی پال در سال ۶۳۹ پیش از میلاد پادشاه پارسواش یا پارسه بوده است و بنابراین تطابق است که بنا را مادی دانسته‌ایم، البته عصر مادی (۷۰۸-۶۵۵) نه معماری مادی. کوروش اول نیای کوروش بزرگ (کوروش دوم) است. ازین بنا که بگذریم، به چند آرامگاه مادی نیز باید اشاره داشته باشیم:

- دکان داود در سر پل ذهاب، دخمه‌ای که در سنگ کنده شده است و مردی را نشان می‌دهد که به سبک زرتشتیان بر سوم به دست دارد و این خود می‌رساند که مادها پیرو آیین

\* سطح تماس سنگها را به قدری صاف می‌کردند که بدون ملاط به هم جفت می‌شد و می‌چسبید.

مزدیسنا بوده‌اند.<sup>۳</sup>

- دخمه‌ای سنگی در صحنه نزدیک کرمانشاه همانند دکان داود که بر بالای آن نقش فروهر دیده می‌شود.<sup>۴</sup>

- آرامگاه فرورتیش دومین شاه ماد ۶۵۵-۶۳۳ مه‌آباد در آذربایجان غربی<sup>۵</sup> در متن ص ۱۰۴.

- دکان فرهاد، دخمه‌ای در لرستان که ناتمام مانده است.<sup>۶</sup>

- دخمه‌ای در ده نواسحاق وند نزدیک کرمانشاه که صورت شخصی را در حال پرستش نشان می‌دهد.<sup>۷</sup>

در انتساب این بناهای آرامگاهی به مادها نیز شک وجود دارد و اصولاً تفکیک آثار معماری مادی و هخامنشی از یکدیگر امکان‌ناپذیر است. معماری مادی تحت تأثیر معماری اورارتویی نیز قرار داشته است که بدان اشاره می‌کنیم.<sup>۸</sup>

## ۲- آثار آرامگاهی اورارتویی

اورارتو سرزمینی بوده است شامل مناطق کوهستانی اطراف دریاچه وان در ترکیه امروز در سده‌های نهم تا هفتم پیش از میلاد، قوم اورارتوی ساکن این ناحیه امپراتوری بزرگی تشکیل دادند، در جغرافیای امروز، بخشهایی از امپراتوری اورارتو نواحی مرزی میان ارمنستان و ترکیه برخی از قلمرو ایران و عراق و سوریه نوین بوده است. نام عبری این سرزمین آارات است که اکنون به کوهی گفته می‌شود که در اساطیر بنی اسرائیل، محل به خاک نشستن کشتی نوح بوده است.<sup>۹</sup>

اورارتوها هنگام اوج عصر حکمرانی مادها به نواحی شمالی آذربایجان لشکرکشی کردند و تا نزدیک اردبیل را درنوردیدند و چند دهه در این سرزمین ماندند. یادگاری که امروز از ایشان مانده، سه سنگ‌نوشته است به خط میخی و زبان اورارتویی، در این سنگ‌نوشته‌ها مطلبی درباره آرامگاههای اورارتویی نوشته نشده اما در منطقه‌ای که این سنگ‌نوشته‌ها را دربر گرفته، آرامگاههای سنگی فراوانی از اعصار گوناگون به‌ویژه عصر اورارتویی برجای مانده که از آن جمله است سنگ‌نوشته‌های قرخ قزلر (چهل دختران)، رازلیق و دیزج سنقل<sup>۱۰</sup> در ایران تا کنون ۱۰۱ منطقه اورارتویی مشخص شده است،<sup>۱۱</sup> ولی گورستانی به آن صورت که آن را بتوان به‌طور مستند اورارتویی دانست پیدا نشده. در منطقه ورزنان اهریک

سنگ نوشته اورارتویی که در صخره‌های کوه زاغی (اوقیه) کنده شده دیده می‌شود، با چند اثر از تمدن و شهرسازی اورارتی از جمله گورهای گرد (مدور).<sup>۱۲</sup>

نویسنده کتاب آثار تاریخی آذربایجان (جلد دوم) از گورستانی به نام تیکلی تاش واقع شده در یک کیلومتری شمال قریه نرمیق سراب سخن گفته است که در آن روی گورها را با سنگ‌های بزرگ به قطر ۵/۰ متر و بلندی ۳ و پهنای ۱/۵ متر پوشانده‌اند. همه گورها را گنج بابان بی‌انصاف خراب و غارت کرده‌اند.<sup>۱۳</sup>

در این کتاب نمونه‌هایی از سنگ‌نوشته اورارتی، که مشابه با هردو کتیبه آشوری و هخامنشی است و پلی است میان این دو نوشته، ارائه شده است. برای آگاهی بیشتر باید به کتاب تاریخ اورارتو ترجمه شادروان محمد جواد مشکور، تهران ۱۳۴۵، نگاه کرد.<sup>۱۴</sup>

## فصل هفتم

### آرامگاههای عصر هخامنشی (بخش دوم از مرحله دوم)

با توجه به آنچه در باب گور دختر، قدیم‌ترین آرامگاه هخامنشی در بخش آرامگاههای مادی گفته شد، آرامگاه کوروش را اولین و مهمترین آرامگاه هخامنشی می‌شناسیم. مهمترین ازمین نقطه نظر که این بنا آخرین و یکی از پرمعناترین آرامگاههای جهان قدیم است و به عنوان آخرین بنای زیگوراتی و نشانه‌ای از تداوم آرامگاه‌سازی جهان باستان ارائه می‌شود، حال چه شد و چگونه این تحول صورت گرفت که آرامگاههای صخره‌ای عظیم جانشین آرامگاههای زیگوراتی شد، نیاز به بررسیهای بیشتر دارد. آنچه در این باره در نخستین وهله می‌توان گفت، این است که انضمام قلمرو مادها به قلمرو هخامنشیان و گسترش به سوی شمال، دور شدن از تمدن ایلام و جنوب بین‌النهرین، می‌تواند عاملی مهم برای احداث و پیدایی آرامگاههای صخره‌ای هخامنشی باشد. از سوی دیگر باید به یاد داشت که آنچه از مادها برجای مانده آرامگاههای صخره‌ای است در مقیاس کوچکتر، برخی با نقش و برخی بی‌نقش، اما همه بدون نوشته.

آرامگاههای هخامنشی را بررسی می‌کنیم:

### ۱- آرامگاه کوروش و جانشینانش

پیش از ورود به اصل مطلب و معرفی آرامگاه کوروش بزرگ یک رویداد مهم تاریخی عصر کوروش را در این رابطه بررسی می‌کنیم:

یکی از مهمترین عملیات جنگی کوروش، لشکرکشی به لیدیه و تصرف سارد پایتخت این دولت بود. آبراداتاس پادشاه شوش که یکی از سرداران همراه کوروش بوده، همسر زیبایی داشت به نام پان‌ته آ که شوهر را بسیار دوست داشت، اما وی را به خدمتگزاری کوروش و جنگ با دشمنان وی تشویق می‌کرد. سرانجام آبراداتاس در جنگ کشته شد. در جنگی که کوروش به پیروزی رسید، لیدیه شکست خورد و کروزوس پادشاه لیدی تسلیم شد و تا آخر عمر مشاور و همراه و یار غار وی گردید. آنچه بر سر آبراداتاس آمد، نمایشگر وضع خاکسپاری و آرامگاه‌سازی عصر هخامنشی است. هرودت می‌نویسد:

کوروش از ندیدن آبراداتاس اظهار حیرت کرد و یکی از خدمه او گفت: آقا آبراداتاس در جنگ با مصریها کشته شد و سپاه او به جز چند نفر رفقاییش همه فرار کردند، زنش جسد او را یافته و بر ارابه او گذارده به کنار رود پاکول برده و در آنجا خدمه‌اش زیر یکی از تپه‌های همجوار مشغول کندن قبر شده‌اند. زنش روی خاک نشسته سر آبراداتاس را روی زانو گرفته. بهترین لباس شوهرش را به جسد او پوشانده است. کوروش چون این بشنید دستش را به ران خود زده روی اسب جست و با هزار سوار به محل مزبور شتافت. پیش از حرکت به گاداتاس و گبر یاس امر کرد که بهترین لباس و زینتها را بیاورند تا جسد دوست خود را با آن بپوشانند و عده زیادی اسب، گاو و حشم دیگر آماده سازند تا برای او قربانی کنند. چون کوروش به پان‌ته آ رسید و دید که او روی خاک نشسته و جسد شوهرش در جلو اوست، اشک زیاد از چشمانش سرازیر شد و با درد و اندوه چنین گفت: افسوس ای دوست خوب و باوفا ما را گذاشتی و درگذشتی، این بگفت و دست مرده را گرفت. ولی این دست در دست کوروش ماند، زیرا یک نفر مصری آن را با تبر از بدن جدا کرده بود، این منظره بر تأثر کوروش افزود و پان‌ته آ فریادهای دردناک برآورده، دست را از کوروش گرفت و بوسید و به ساعد آبراداتاس چسباند و گفت: آخ کوروش تأسف تو چه فایده برای او دارد، من سبب کشته شدن او شدم و شاید تو هم شده باشی. دیوانه بودم که همواره او را تشجیع می‌کردم لایق دوستی تو باشد. او هیچ‌گاه در فکر خود نبود، بلکه

می‌خواست همواره به تو خدمت کند، او مرد و بر او ملامتی نیست. ولی من که به او این پندها را می‌دادم هنوز زنده‌ام و پهلوی او نشسته‌ام. وقتی که پان‌ته آ این سخنان را می‌گفت، کوروش ساکت بود و همواره اشک می‌ریخت. بالاخره خاموشی را قطع کرد و چنین گفت:

(بلی با بزرگترین نام درگذشت. او فاتح از دنیا رفت. چیزی را که من به تو می‌دهم برای جسد او بپذیر. در این وقت گاداتاس و گبرياس وارد شده مقدار زیادی زینت‌های گرانبها آوردند.

بعد کوروش سخن خود را دنبال کرده گفت:

افتخارات دیگری برای او ذخیره شده، برای او آرامگاهی خواهند ساخت که درخور مقام تو و او باشد و قربانیهایی خواهند کرد که درخور یک نفر دلیر است، اما درباره خودت باید بدانی که بی‌کس نخواهی بود. من به عقل و سایر صفات حمیده تو با احترام می‌نگرم، من کسی را می‌گمارم که به‌هرجا می‌خواهی بروی، راهنمای تو باشد. همین قدر بگو که کجا می‌خواهی بروی. ولی پان‌ته آ جواب داد: کوروش بیهوده به خود رنج مده من از تو پنهان نخواهم داشت که کجا میل دارم بروم.)

با رفتن کوروش پان‌ته آ برنامه‌نهایی سوگواری برای شوی محبوب را تنظیم و اجرا کرد برنامه‌ای که هیچ‌کس از آن مطلع نبود. نخست خواجه‌اش را به این بهانه که می‌خواهد تنها برای شوهر خود سوگواری کند، دور کرد. فقط دایه‌اش را نگهداشت و به او گفت:

پس از اینکه من مردم، جسد من و شوهرم را با یک قالی بپوش، دایه‌اش هرچند کوشید که او را از خودکشی بازدارد، موفق نشد و چون دید که سخنانش نتیجه‌ای نخواهد داشت جز آنکه خانمش را آشفته‌تر می‌کند، نشست و به‌گریه و زاری پرداخت. پان‌ته آ در حال خنجری را که از دیرگاه با خود داشت کشیده ضربتی به خود زد و سرش را بر سینه شوهرش گذاشته جان تسلیم کرد. دایه فریادهای دردناک برآورد و بعد جسد زن و شوهر را، چنانکه پان‌ته آ گفته بود پوشاند. بزودی خبر این اقدام پان‌ته آ به کوروش رسید و او با حال اضطراب بتاخت آمد، تا مگر بتواند علاجی بیندیشد، خواجه‌های پان‌ته آ هر سه خنجرها را کشیده در همانجا که بودند خودکشی کردند. پس از این منظره دهشتناک کوروش با دلی دردناک و پر از حس تقدیس پان‌ته آ به منزل بازگشت. بعد با مراقبت او مراسم دفن باشکوهی برای زن و شوهر به عمل آمد و مقبره وسیعی برای ایشان ساختند. گویند این مقبره که برای زن و شوهر و خواجه‌ها بنا شده است، امروز هم برپاست و بر ستونی نام زوج و زوجه به‌زبان سُرانی نوشته شده و نیز بر سه ستون کوتاه‌تری هنوز هم این کتیبه را می‌خوانند:

حاملین عصای سلطنت (که تقریباً به معنای آجودان مخصوص پادشاه بوده است. ۱۵) حال می‌پردازیم به معرفی آرامگاه کوروش که از بناهای بسیار مهم جهان باستان است. در کتاب ایران باستان درجایی که به آخر کار کوروش می‌رسد فقط به این جمله اکتفا می‌کند که وفات یا کشته شدن وی مصادف بود با سال هشتم پادشاهیش و در این حال نعش وی را به پاسارگاد برای دفن بردند و شرح آن را به فصل مربوط به تمدن هخامنشی ارجاع می‌دهد در کتاب ششم این مجموعه (ایران باستان) جایی که آثار برجای مانده از هخامنشیان مورد بحث است، پس از معرفی پاسارگاد که در عصر اسلامی مشهد مرغاب، مشهد مادر سلیمان (ام‌النبی) نام داشته است، چنین می‌نویسد:

(آرامگاه کوروش که چون در بالا به دو شیب منتهی می‌شود و از این حیث شباهتی با قبر زن‌ها دارد، اهل محل آن را قبر مادر سلیمان نامند. همه این بنا را آرامگاه کوروش می‌دانند ولی دیولافوا عقیده دارد که این بنا آرامگاه کاساندان زن کوروش است.)

این بنا عبارت است از اطاق کوچکی که روی یک پایه شش طبقه‌ای قرار گرفته، هر طبقه علیاکثر از طبقه سفلاست و بدین ترتیب پایه مزبور از هر طرف پله‌هایی به وجود آورده. تمام بنا از سنگی ساخته شده که شبیه مرمر و بلندی آن ۱۱ متر است. این بنا سابقاً در محوطه‌ای بود که دیواری بلند و دری بسته شدنی داشت. از دیوارها فقط آثار مختصری مانده و نیز از آثار حوض و چیزهای دیگر دانسته می‌شود که در این باغ یا چنانکه آن زمان می‌گفتند پردیسی بوده که بعدها از میان رفته. اطاق مقبره در کوتاهی داشته که از آن داخل می‌شدند.

به قول تاریخ‌نویس یونانی آپ‌بیان نعش بلسان شده کوروش را روی لوحه بزرگی از طلا قرار داده و البسه گرانبهای او را بر مبنای وصیت خودش روی میزی از طلا گذارده یا به دیوارها آویخته بودند. نزدیک مقبره اطاقی هم ساخته بودند که مغ‌هایی که در آن زندگی می‌کردند، مقبره را حفظ و هم‌روژه قربانی می‌کردند. به مغ‌ها روزی یک گوسفند و مقداری آرد و شراب می‌دادند و ماهی یک اسب. گوسفند جیره آنها و اسب برای قربان کردن بود... این بنا در جهان باستان بی‌نظیر بوده و محققان تصور می‌کنند که این اطاق که بر بلندی روی مرتبه ششم ساخته شده است، نظیر اطاق‌هایی بوده که در ایران باستان برای زندگی عادی می‌ساخته‌اند. ۱۶

این آرامگاه، نخستین آرامگاهی است که برای یک زوج که یعنی کوروش و کاساندان

همسر وی، ساخته شده در اینجا پیش از اینکه به حضور اسکندر در آرامگاه کوروش پردازیم به خود آرامگاه از نقطه نظر کند و کاوهای باستان‌شناسی و کشف مطالب جدید در این باره می‌پردازیم، نخست ارائه آنچه در کتاب اقلیم فارس آمده:

در این کتاب پس از مشخص کردن محل آرامگاه برای مسافری که از تهران یا شیراز می‌رسد خصوصیات آرامگاه را مشابه آنچه در بالا ذکر شد ارائه می‌کند، اما این مطلب را که چون اطاق آرامگاه در بالا به دو شیب منتهی می‌شود و باید آرامگاه زنی باشد بازگو نمی‌کند و به راستی معلوم نیست این نتیجه گیری مرحوم مشیرالدوله چه مبنا و مرجعی داشته است. مطلب دیگر اینکه بر مبنای آنچه نوشتیم آرامگاه کوروش در همان اطاق یا روی میز در کف زمین بوده، ولی در کتاب اقلیم فارس چنین نیست، آن را می‌خوانیم:

از زیر سقف اطاق تا سطح بالای بام آرامگاه در حدود سه متر فاصله دارد و در دل این فاصله محل دو قبر تعبیه گردیده است که یکی را خوابگاه ابدی کوروش کبیر و دیگری را مدفن همسر او کاساندان مادر کبوجیه دانسته‌اند. اندازه‌های دو قبر با هم متفاوت است، یکی دو متر در یک متر و دیگری ۱۹۵ در ۹۵ سانتیمتر است که به وسیلهٔ دهلیز باریکی به درازای یک متر و پهنای ۳۵ سانتیمتر به یکدیگر مربوط می‌شوند و بلندی قبرها و دهلیز یکسان بوده و بالغ بر ۸۷ سانتیمتر است. تا پیش از تعمیرات سال ۱۳۳۷ خورشیدی در بام آرامگاه، مسافران یک بوته انجیر کوهی را می‌دیدند که از رشد مناسبی نیز برخوردار بوده است. اما هنگامی که خواستند بنا را تعمیر کنند و به ناچار ریشه‌های درخت را که موجب خرابی شده بود، بکنند، متوجه گردیدند که این محفظه میان اطاق مقبره و بام شیب‌دار در سده‌ای گذشته کشف و از همین سوراخ مورد دستبرد قرار گرفته است و اجساد و استخوانها نیز از میان رفته است. کارشناسان هنگام تعمیر از همین سوراخ به داخل محفظه راه یافتند و آنگاه این مطلب کشف شد که اصولاً آرامگاه در کف اطاق نبوده و در سقف آن جای داشته است، همانند آرامگاه جدش که بدان اشاره داشتیم و یادگاری بود از اعصار کهن، عصر هرهای مصر و زیگوراتهای ایلام و بابل.

محفظه را از خاک و خاشاک تهی کردند و از پی آمد این رویداد که ممکن بود روزی منجر به ویرانی کامل بنا شود، جلوگیری شد.

یادآوری می‌شود که در دوران اتابکان فارس، یعنی سده هفتم، دشت مرغاب آبادی بیشتری یافته بود محوطه آرامگاه کوروش را به مسجد تبدیل کرده بودند و نوشته‌ها و سال تاریخ این رویداد رمضان ۶۱۱ و نام اتابک سعدبن زنگی در نوشتارهای روی سنگها درین



مکان هنوز موجود است و بر آستانه سنگی در جانب غربی، محاذی مدخل آرامگاه هم نوشته مفصلی با ذکر سال تاریخ ۶۲۰ یا ۶۲۱ در این باره دیده می شود.

با کندوکاوه‌ای اداره کل باستانشناسی، آثار یک کاروانسرا و خانقاه در شمال آرامگاه پیدا شد و معلوم گردید که در عصر شاه شجاع (۷۷۶-۷۷۰) از بقایای مصالح بناهای محوطه آرامگاه کوروش این بناها را ساخته اند که به مرور زمان از بین رفته است، اما نخواست به یار نتوانسته اند از سنگهای بنای اصلی بدین منظور بهره یابند.<sup>۱۷</sup>

برای اینکه این فصل آرامگاهی را بیشتر معرفی کنیم، باید به برخورد اسکندر با این آرامگاه و رویدادهای آن روزگار اشاره ای داشته باشیم:

اسکندر چون به پاسارگاد درآمد خواست داخل مقبره شود، امر کرد در آن را گشودند، بعد وقتی که اسکندر به باختر و آسیای وسطا و هند رفت، اغتشاشی در محل روی داد و تجملات مقبره را از جواهر و اشیاء زرین و قالی های گرانبها ربودند ولی نتوانستند خود جسد را بدزدند. اسکندر پس از مراجعتش از راه بلوچستان به پارس و پاسارگاد رفته امر کرد سردارش آریستوبول به درون مقبره داخل شود و باقی مانده جسد کوروش را جمع کرده به جای خود بگذارد بعد در مقبره را به امر او با خشت تیغه کردند و اسکندر این تیغه را مهر کرد تا کسی جرأت نکند مقبره را بگشاید.<sup>۱۸</sup>

اما برخلاف تصور اسکندر، در غیاب او قبر کوروش را شکافته و اموال موجود در گور وی را به غارت برده بودند. هرودت پس از اشاره به این مطلب چنین ادامه می دهد:

این آرامگاه در وسط باغهای سلطنتی پاسارگاد واقع است و آن را از هر طرف انبوه درختان و نیز جویبارها و چمن های پر پشت احاطه کرده بود. بنا روی پایه ای از سنگهای بزرگ قرار گرفته و به طاقی منتهی می شود که مدخلش خیلی کوچک است. نعش کوروش را در تابوتی از زر گذارده، تابوت را روی میزی که پایه هایش نیز از زر جلود قرار دادند و آن را با پارچه نفیس بابلی و قالی های ارغوانی وردای سلطنتی و لباسهای مادی و جامه های رنگارنگ از رنگ یاقوت زرد و غیره و با طواقها و قمه ها و یاره ها و زینت هایی از زر و سنگهای گرانبها پوشانده بودند. پله های درونی به طاق کوچکی که اطاق مغها بود می رسید و خانواده این مغها از زمان فوت کوروش پاسبان نعش بودند و این امتیاز به اینان تعلق داشت... در اینجا کتیبه ای به خط پارسی نوشته بودند: ای مرد فانی من کوروش پسر کبوجیه هستم. من دولت پارس را بنا کردم و حکمران آسیا بودم. به این مقبره من رشک مبر.

اسکندر بر مبنای کنجکاوی خواست درون آرامگاه را ببیند. با عملی کردن این تصمیم، دانست که تمام اشیاء را جز میز و تابوت دزدیده اند و معلوم گشت که دزد

می‌خواسته جسد کوروش را هم بدزد و به‌این مقصود تابوت را شکسته ولی بالاخره نتوانسته جسد را ببرد و انداخته و رفته است.

مورخی دیگر می‌نویسد که اسکندر دستور داد باقیمانده جسد را گردآوری کرده در تابوت بگذارند و روی آن پارچه‌ای بکشند و در مقبره را هم تیغه کرده مسدود سازند و مهر اسکندر را بر آن بزنند.

حدود یکسال بعد در ۳۰۳ پیش از میلاد، خود وی در بابل درگذشت و وصیت کرد که نعش را به‌معبد آمون ببرند.<sup>۱۹</sup>

پس از مرگ کوروش پسر بزرگش کمبوجیه بردیا را کشت و خود عازم مصر شد، درست نمی‌دانیم که آرامگاه بردیا در کجاست. خود کمبوجیه نیز پس از بازگشت از سفر مصر خودکشی کرد یا کشته شد، درباره مدفن وی دو نظر ارائه شده است: یکی در جوار پیکر پدرش در پاسارگاد و دیگری در صفة نیمه‌تمام سنگی به‌نام تخت رستم نزدیک تخت جمشید. دکتر اشعیت که یکی از عالی‌ترین کتابها را در باب تخت جمشید نوشته معتقد است که گئومات یا بردیای دروغی را داریوش در سرزمین ماد قدیم کشت و در همانجا، در محلی به‌نام سکاوند یا سیکایو و اتیش دفن کرد. این دخمه هنوز هم در ۱۵ کیلومتری هرسین بین مغرب و جنوب غربی آن وجود دارد که در کتابهای مختلف بدان اسحاق وند و ده نوو فرهاد تاش نیز خطاب شده است.<sup>۲۰</sup>

## ۲- کعبه زرتشت

کعبه زرتشت بنایی است بی‌مانند که از آسیب‌کینه‌توزان نادان نیز به‌دور نمانده. این بنا چهاربر است و با سنگ ساخته شده، سنگها را بسیار استادانه تراش داده و جزم یکدیگر کرده‌اند. برخی معتقدند که این بنا یک بنای آرامگاهی است و گروهی آن را مخزن نگه‌داری آتش مقدس می‌دانند. زاره دانشمند آلمانی می‌گوید که این سازه سنگی آتشکده‌ای بود که در آن پرچمهای مهم را نیز نگه‌داری می‌کرده‌اند، آیا احتمال اینکه این ساختمان محل نگهداری اوستا، همان اوستایی که بر ۱۲ هزار پوست گاو نوشته شده بود نیست. به‌خصوص ازین نقطه‌نظر که محلی بوده است مستحکم و محفوظ و از دستبرد دزدان و غارتگران به‌دور.<sup>۲۱</sup> بدون شک عنوان کعبه زرتشت که بدان داده شده است نیز از عوامل حفظ و حراست آن از دستبرد کینه‌توزان جاهل می‌بوده است به‌خصوص اطلاق کعبه می‌توانسته است که مانع

بی احترامی نسبت بدان از سوی معاندان باشد اما شادروان علی سامی نظر دیگری دارد وی می نویسد که نامگذاری این بنا به کعبه زرتشت مبنای صحیحی ندارد و مانند نام نقش رستم است بر جایگاهی که این بنا در آن قرار گرفته و تصور می رود وجود سنگهای سیاه به کار رفته در نمای خارجی سه طرف این بنا شبیه به حجرالاسود کعبه مسلمانان به اینجا را به نام کعبه زرتشت مشهور ساخته باشد.\*

مرحوم سامی پس از این اظهار نظر طی یک لایحه ۹ ماده ای به اثبات رسانده که این بنا یک آرامگاه است و احتمالاً داریوش بزرگ برای پدر و جدش و یشتاسپ یا آرشام ساخته است. اما بهترین و دقیق ترین حدس را مرحوم سامی در ماده ششم لایحه اش ارائه می کند. ۲۲ که با نظریه هروودوت و فلاندن نیز هم آهنگی دارد:

(... شاید قبر موقتی و محل امانت گذاردن و یا اجرای مراسم مذهبی و کارهایی از قبیل مومیایی کردن جسد شاه بوده است، فلاندن نیز بر این عقیده است و می نویسد: هروودوت گوید ایرانیان رسم داشتند مردگان را بشویند سپس اعمالی می کردند که یکی از آن مومیایی نعش پیش از کفن کردن بود. محلی را که برای این کار مذهبی معین می ساختند باید معین و ممتنع الوصول باشد، مرده مومیایی شده را در آن قرار می دادند. این محفظه درش باید بلندتر از کف زمین باشد که در دسترس و دستبرد قرار نگیرد. این در به فضای کم و سعتی باز می شود که چیز جالبی ندارد و دیوارهایش اگر تزییناتی داشته، امروز از بین رفته و نیز می توان تصور کرد که چنانکه حین فوت، آرامگاه شاه هنوز تمام نشده بود جسد را در آنجا نگاه داری می کردند و پس از اتمام آرامگاه بدانجا منتقل می نمودند، زیرا دست کم ده سال طول می کشید تا حفره های درون و تزیینات مجاریهای درون آرامگاههای شاهان هخامنشی ساخته و پرداخته گردد. ۲۳

نتیجه گیری که ازین بحث می کنیم این است که این بنا در حقیقت یک برج یا یک دخمه سلطنتی بوده است که جسد را نخست بدان حمل کرده به امانت می گذاشتند، سپس به آرامگاه ابدی انتقال می دادند.\*\* به طوری که خواهیم دید حتی پس از اسلام نیز برجهای از این قبیل

\* ظاهراً علت اطلاق حجرالاسود به خانه کعبه وجود یک سنگ سیاه آسمانی در داخل کعبه است، به خود بنا فقط کعبه گفته می شود، چون مکعب است و علت خطاب کعبه زرتشت به این بنا نیز همین مسئله می تواند باشد: بنای مکعب منسوب به زرتشت.

\*\* هم اکنون نیز در بمبئی در کنار برج خاموشان محل ویژه ای برای قرار دادن موقت جسد و به مدت سه روز وجود دارد. بدن مرده را پس از این مدت باز به برج یا دخمه منتقل می کنند.

در برخی جاهای ایران وجود داشته که احتمالاً درین محفظه که با پله به خارج مربوط بود استودان یعنی محل انبار کردن استخوان نیز وجود داشته که همه را دزدان ویرانگر از میان برده‌اند در اردشیر خوره فارس نیز برجی از این گونه بناها وجود داشته که تصویر کنونی و اصلی (خیالی) آن را در ص ۱۹۴ کتاب نظر اجمالی به شهر و شهرسازی شهرهای ساسانی می‌توان دید.

### ۳- آرامگاه داریوش بزرگ و جانشینانش

پیش از معرفی آرامگاه داریوش، بنایی که پس از مجموعه تخت جمشید عظیم‌ترین بنای تاریخی پیش از اسلام ایران است. به بنای آرامگاهی دیگری اشاره می‌کنیم که به صورت گمنام و گنگ، به نام دخمه سنگی داودختر در انتهای شمال غربی خاک ممسنی قرار دارد و تقریباً مهجور و ناشناخته است و در محل بدان دی و دو در یعنی مادر و دختر گویند. این بنا در منطقه‌ای کوهستانی و بسیار بد راه قرار گرفته و در اقلیم پارس بدین گونه معرفی شده است: دخمه داودختر در بلندای ۳۰ متری قرار دارد هیئت خارجی آن مانند دخمه‌های هخامنشی مرکب از سطح پهن بلندی است که بخش زیرین آن را صاف کرده‌اند. مدخل دخمه در بالای این قسمت و در وسط آن قرار دارد و هر جانب دوستون آن را نمایانده‌اند، بر بالای ستونها حاشیه صاف و مسطحی بوده بر فراز آن شکل کنگره‌های دنداندار هخامنشی را به سنگ کوه به‌طور برجسته تراشیده‌اند و روی هم‌رفته نمای خارجی آن به خوبی وضع دخمه‌های پادشاهان هخامنشی را در نقش رستم و تخت جمشید به‌خاطر می‌آورد. بسیاری از کارشناسان این دخمه را منسوب به دوره ماد دانسته چنین اظهار عقیده می‌کنند که بین سالهای ۶۵۰ تا ۵۵۰ پیش از میلاد ساخته شده است و برخی دانشمندان هم آن را متعلق به یکی از شهریاران هخامنشی پیش از کوروش می‌دانند، یعنی هنگامی که هخامنشیان سلطنت محلی پارس را داشته‌اند.

به هر تقدیر این بنا را که هم خام است و هم تا حدودی ناتمام مانده می‌توان الگو و نمونه پیشین آرامگاه صخره‌ای داریوش بزرگ دانست، حال چرا و چگونه داریوش آرامگاه خود را بر خلاف کوروش و کبوجیه به نقطه‌ای دورافتاده برد جای بحث دارد، همان گونه که ساخته شدن آرامگاه چند شاه هخامنشی دیگر در صفت بالای تخت جمشید نمی‌تواند بدون علت و انگیزه باشد. این شاهان جانشینان داریوش بودند و پس از او آمدند.

آرامگاه داریوش، بزرگترین آرامگاه صخره‌ای در چهارکیلومتری کوه حاجی آباد قرار

دارد و مجموعه‌ای است متشکل از مظاهر تمدنی ایلامی و هخامنشی و ساسانی که از قرار نوشته فلاندن که در ۱۸۴۱ به ایران سفر کرد سابقاً بدان قبرستان گبرها می‌گفتند و سپس نامش مبدل به نقش رستم شده است<sup>۲۴</sup>، به عقیده استاد مصطفوی به مناسبت بلندی و شگرفی آثار و نقوش آن را نقش رستم دانسته‌اند، اما بهتر است یادآوری شود که نهادن این قبیل نامها برین بناها که آن روز برای مردم ناشناخته بود سبب می‌شد که مردم با دیده احترام بدان بنگرند و از ویران کردن آن خودداری کنند. تخت جمشید و آرامگاه مادر سلیمان نمونه خوب این قبیل بناهای هخامنشی شمرده می‌شوند، امروز هرکس می‌تواند شاهد این مدعا در پاسارگاد باشد، همه عمارات و آثار هخامنشی در این شهر از میان رفته ولی مقبره مادر سلیمان (آرامگاه کوروش) برجای مانده است در نقش رستم آرامگاه چهار نفر از شاهان هخامنشی جای گرفته است، داریوش بزرگ، خشایارشا، اردشیر اول و داریوش دوم، آرامگاه اردشیر دوم و اردشیر سوم و داریوش سوم در خود تخت جمشید است و این آخری نیمه تمام است.

آرامگاه داریوش کبیر در محلی قرار دارد که پیش از دوران هخامنشی مکانی متبرک بوده و نقش برجسته مذهبی عهد ایلام که ذکر آن بعد خواهد آمد از لحاظ مذهبی در آنجا احداث گردیده بود. درین مجموعه نقوش برجسته ساسانی در قسمت پایین کوه و آرامگاههای پادشاهان هخامنشی بر بالای کوه قرار دارند. کتیبه‌هایی که داریوش درین پهنه نویسانده بسیار مهم و مفصل است، مشتمل بر نیایش اهورامزدا و مضامین بسیار عمیق روحانی و معنوی، ملی و مذهبی. داریوش کبیر معتقدات دینی و اندرزهای گرانبها و نام کشورهای تابع خود را در آن بیان داشته و از خدای متعال برای کشور و ملت خود نیکویی و راستی و برکت خواسته است. شکل کل آرامگاه همانند صلیب است که دکتر تقی نصر آن را جلوه‌ای از آیین مهرپرستی ایرانیان می‌داند<sup>۲۵</sup> و مرحوم مشیرالدوله آن را صلیب یونانی می‌شمرد، اما احتمالاً هیچ‌یک ازین عوامل سبب و علت این شکل‌گیری نبوده، بلکه این ترکیب و انتخاب فضای مناسب برای آرامگاه ایجاب می‌کرده است که آرامگاه به شکل صلیب باشد، بخش زَبرین برای نشان دادن خود پادشاه که در بالای تخت بر سریری که سه پله دارد ایستاده است به دست چپ کمانی گرفته و به زمین تکیه داده دست راست را به طرف آتشدانی به علامت عبادت دراز کرده و در بالای سرش نقش فروهر و خورشید را کنده کاری کرده‌اند. تخت داریوش را نمایندگان ملل تابعه نگه داشته‌اند و هفت نفر نمایندگان هفت ایالت در شاهنشاهی داریوش: پارسی، مادی،

خوزی، پارتی، سکایی، بابلی، آشوری و مکیا.<sup>۲۶</sup>

قسمت میانی با بخش دوم آرامگاه که در حقیقت اصل آرامگاه است باید دخمه‌ای داشته باشد وسیع و ایوانی که بتوان در پهنه آن کتیبه‌ای نویسانند. ایوان دارای چهار ستون است و در داخل آن نه قبری کنده شده و نه هیچ‌گونه اثر نوشتاری یا نگارگری وجود دارد. مرحوم مشیرالدوله می‌نویسد که احتمالاً داریوش که با کبوجیه به مصر رفت این سبک آرامگاه‌سازی را با تماشای آرامگاه‌های مصری طرح کرد و ساخت.<sup>۲۷</sup> در ورودی دخمه در وسط ایوان قرار گرفته و در دو طرف آن چهار سنگ نوشته دیده می‌شود. حاوی نوشتارهای پارسی ۶۰ سطر ایلامی ۴۳ سطر آرامی ۲۵ و بابلی ۳۹ سطر.

قسمت زیرین یا بخش سوم آرامگاه شامل یک ایوان است که در نصف راه بین زمین و ایوان بزرگ آرامگاه قرار دارد و زیر ایوان صخره‌ای است که پادشاهان ساسانی در عصر خود بر روی آن سنگ نگاره‌هایی تراشیده‌اند.<sup>۲۸</sup>

فاصله دخمه از زمین بدان جهت بود که آرامگاه از شر دزدان و جانوران محفوظ و مصون بماند.

## فصل هشتم

### آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر سلوکی و پارتی (بخش سوم از مرحله سوم)

دوران تسامح مذهبی و رواج سنتهای خارجی در سازه‌های آرامگاهی با غلبه اسکندر و درهم فرو ریختن امپراتوری هخامنشی نفوذ یونانی‌گرایی (هلنیسم) در سراسر ایران آغاز گردید، با اینکه جانشین اصلی اسکندر در ایران زمین حکمرانی می‌کرد، بخش‌های مهمی از آن امپراتوری عظیم که اسکندر فراهم ساخته بود از بخش مادر مستقر در ایران جدا شد. بررسی دوران حکومت سلوکی‌ها در ایران از نقطه نظر بحثی که ما پیش کشیده‌ایم فصل مهمی نیست، چه عصر سلوکی‌ها و تا حدودی عصر اشکانیان دوران نفوذ و رسوخ تمدنی بود که ساختن بناهای تجملی سلطنتی و آیینی را خوش نداشت، اگر چه در

دوران طلایی یونان بناهای مهمی در یونان ساخته شد، اما نتیجه‌ای که مشیرالدوله درین باب می‌گیرد این است که عصر سلوکی - اشکانی دوران رکود و انحطاط معماری ایرانی از جمله آرامگاه‌سازی بوده است.<sup>۲۹</sup> از زمان آمدن اسکندر و تا روی کار آمدن ساسانیان در تاریخ معماری و حجاری شرق یکنوع جای خالی دیده می‌شود، به‌استثنای چند مورد، این دوره طولی که پنج قرن ونیم است، تقریباً از شاهکارهای معماری عاری است. در دنبال صنایع آشوری و بابلی صنایع هخامنشی می‌آید و دنباله آن برای پنج قرن ونیم قطع شده پس از آن صنایع ساسانی شروع می‌شود.<sup>۳۰</sup>

پس از آن به‌بحث ادامه داده سرانجام نتیجه می‌گیرد که علت این امر سادگی و بی‌تکلف بودن قوم پارت و دور بودن سرزمین ایشان از مراکز تمدن قدیم است: از حیث ابنیه و قصور و قبور و غیره آنها را نمی‌توان در ردیف پادشاهان بابل و آشور، ایران قرار داد، تا حدی که عدم تناسب و خامی کارشان بیشتر شبیه به آثار پیش از تاریخ است.<sup>۳۱</sup>

نتیجه کلی اینکه، هلنیسم تداوم جهان قدیم را از نقطه نظر معماری برهم زده. همان‌گونه که تمدن آشوری در تکمیل و گسترش معماری هخامنشی مؤثر بود تمدن یونانی نیز در خلق و توسعه معماری اشکانی عامل زیربنایی محسوب می‌گردید و چون در یونان هنوز حکومت‌های مردمی (دولت شهر) وجود داشت یا اثراتش برجای بود، در ایران سلوکی و اشکانی نیز عمارات عامه جانشین عمارات مجلل مذهبی سلطنتی گردید. اما با همه این عوامل، وجهه خاص معماری هخامنشی در ردیف اول قرار داشت، دیاکونف معتقد است:

در هلنیسم که خود یک تمدن التقاطی بود پس از ظهور اسکندر معماری کاخ‌سازی رواج یافت و حال آنکه در دولت شهرهای یونانی از این نوع معماری خبری نبود، هلنیسم این سبک نوظهور سنن و شکوه و جلال و طمطراق معماری باستانی شرقی را که نه تنها در ساختمان غیرمذهبی (طاقها) بلکه در معابد نیز تجلی می‌نمود، پذیرفت.<sup>۳۲</sup>

بحث درباره برخورد تمدنها در عصر اشکانیان و حتی سلوکیان را به همین جا پایان می‌دهیم و به‌عنوان نمونه بارز به آرامگاه آنتیوخوس اول کماژن (۶۹-۲۴ پیش از میلاد) اشاره می‌کنیم که معرف یک فرهنگ نوین آرامگاه‌سازی در مشرق زمین است، نشان دهنده آئین طبیعت‌گرای یونانی - آهورامزدا و مهر ایرانی.

در صفت شرقی آرامگاه آنتیوخوس اول در نمرود داغ و جنوب آناتولی، پیکره‌های غول‌آسای خدایان نگهبان که اندازه آنها بسیار درشت‌تر از انسان طبیعی است برجای مانده که

با تکه‌های بسیار بزرگ سنگ ساخته شده است خودنمایی می‌کند. از سمت چپ به راست: خود، آنتیوخوس کماژن، وتیخ خدای خوشبختی، زئوس، آهورامزدا، آپولو، مهر، هلیوس، هرمس و آرتاگینس، هرقل و آرس.<sup>۳۳</sup> با توجه و بررسی و استدراک همین دانشمند برای اینکه به نفوذ هخامنشیان در معماری آئینی یونانیان و وارثان ایشان در آسیا، یعنی پارتها مهر تأکید زده می‌گوید: «در پرستشگاه آرامگاهی پدر آنتیوخوس، مهرداد گالینیکوس در ساموزات به ارائه نقش‌های برجسته‌ای مبادرت شده است که یادآور نقوش برجسته به یادگار مانده از داریوش بزرگ است. مجسمه‌های موجود درین پرستشگاه آرامگاهی، کلاه ایرانی، شل یونانی و لباس ارمنی، التقات فرهنگ معماری اشکانی را که ثمره گسترش هلنیسم بود ارائه می‌کند، فراموش نکنیم که آناتولی از سوی دیگر وارث فرهنگ معماری خاص جتنی‌ها هم بوده است.»

از آنجا که آرامگاه یک پدیده آئینی است و برجای ماندن آن منوط به شرایط آب و هوایی و سستهای مذهبی است نخست باید اشاره‌ای به دین اشکانیان داشته باشیم.<sup>۳۴</sup> بدون شک یونان‌گرایی به نفوذ و گسترش آیین زرتشتی لطمه زد، با توجه به کتیبه‌های داریوش و تاکید بر وجود و توانمندی آهورامزدا می‌توان گفت که در دولت هخامنشی نقش آئین مزدیسنا از استواری ویژه برخوردار داشته است. اگرچه ظهور یک مغ برای تصرف تاج و تخت پادشاهی از هخامنشیان از قدر و منزلت روحانیت بسیار کاست، اما لطمه واقعی به آئین مزدیسنا را باید ظهور و ترکنازی اسکندر دانست.

اشکانیان پیش از مهاجرت به جنوب و در آن زمانها که با سکاها بودند خدایان طبیعی آسمانی را می‌پرستیدند و به مرور با آیین مزدیسنی و ایزدان مهر و ناهید، آشنا شدند اما جز در موارد استثنایی محدود، شاهان اشکانی ترجیح می‌دادند که خود و امتشان همان قدیسین پیشین را در مدنظر داشته باشند و پرستش کنند. بزرگترین خدای ایشان مهر بود - مظهر آفتاب و روشنی و حامی خاندان سلطنت و مظاهر دیگر، از جمله پیکره‌های سفالین نیا کانشان.<sup>۳۵</sup> پس از اینکه اشکانیان آیین هرمزپرستی را پذیرفتند این خدایان معاونین و یا وزیران آهورامزدا گردیدند، اما شاهان اشکانی و اعضای خانواده‌شان به مهر بیش از هر عامل دیگر توجه داشتند در حالی که عامه مردم اجدادشان را می‌پرستیدند و هیکل‌های نیاکان خود را در جای محترمی در خانه نگه‌داری می‌کردند. از این رو است که از اشکانیان پیکره‌های کوچک فراوان به دست آمده است. در گنج‌خانه نسا، شمال خراسان، اشیای بسیار ازین قبیل یافته شده و این در حالتی است که این اشیای گرانبهادر در دسترس دزدان و غارتگران عتیقه قرار داشته



است و جزیی از آن محفوظ مانده و به ما رسیده.

گذشته از آن اصول آیینی به شکل سنت های قومی که در میان اشکانیان به جای مانده بود، مذهب مزدآپرستی نیز که عبارت بود از اعتقاد به خدای خوبی و بدی یا هرمزد و اهریمن و محترم داشتن مغ ها و نیاز دادن به آنها، تقدیس آتش و آب مخصوصاً رودها، دفن نکردن مردگان تا اینکه وحوش و طیور آنها را بدرند و بخورند، جای خود را یافت.

روی هم رفته می توان گفت که عصر اشکانیان یک عصر آزادی مذهب بود، خود شاهان اشکانی، با کاستن در نفوذ مغ ها که در مجلس مهستان دارای قدرت فراوان بودند، به مذهب قدیم روی آوردند و حتی به سوزاندن مرده، که از سنت های قدیم قوم پارت بود و مزدآپرستی آن را منع کرده بود، مبادرت می کردند. اما در نقاط گوناگون آن شاهنشاهی، اقوام تشکیل دهنده آن اجتماع عظیم، در مذهب آزادی داشتند تا به جایی که کوشش تبلیغ برای مذاهب گوناگون وجود داشت، و حتی برخی از دانشمندان به نفوذ فرهنگ هندی در ایران اشاره دارند: سوزاندن مردگان در آتش از کجا که تقلید پارتی ها از مقدونی ها و سلوکی ها نباشد زیرا از سوی دیگر می دانیم که اشکانیان و پارتی ها به آسانی سنتها و نظامات دیگر ملتها را می پذیرفتند و نیز می توان گفت که این پدیده مرده سوزانی از اثرات نفوذ هندیها بوده و معتقدات هندیها به ایران سرایت کرده بوده است.<sup>۳۶</sup>

این مطلب را مشیرالدوله هنگامی ارائه می کند که بازگشت به سوزاندن جسد در ایران اشکانی را برای تضعیف مغان و مذهب زرتشتی دانسته اند، در باب احتمال سرایت تمدن هندی به ایران نیز باید در نظر داشت که پس از شکست هخامنشیان از اسکندر، گروهی از ایرانیان به هند رفته تمدنی نوین را که بر مبنای تمدنهای ایرانی - هندی - یونانی استوار بود تأسیس کردند و با سلوکی ها روابط بسیار نزدیک دائر نمودند.

استاد حسین کریمان در اثر معروف خود ری باستان، هنگامی که می خواهد از گورستان ری سخن به میان بیاورد می نویسد:

(ری منتسب به زرتشت و شهر مقدس زرتشتیان است، به اعتقاد این فرقه دفن مرده در خاک، و یا انداختن آن در آب رودخانه و یا سوزاندن در آتش حرام است، چون عناصر چهارگانه را مقدس و آلودن آن را به لاشه مرده ناروا می دانستند. از اینرو جسد را در دخمه و یا در مکان بلندی می گذاردند تا طعمه حیوانات گردد و استخوان آن را پس از جدا شدن از گوشت و خشک شدن در استودان که بخش اول آن به معنای استخوان است و کل کلمه به معنای استخوان دان، می گذاردند و استودان از سنگ یا

آهنگ یا گل ساخته می‌شد، این کار طبق دستور وندیداد صورت‌پذیر بود.<sup>۳۷</sup>

آنگاه تمام بندهای ششگانه وندیداد را می‌آورد که در اینجا تنها دو بند آن را آورده‌ایم:  
بند ۴۴: ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بینم جسد مرده را باید  
به کجا حمل کنیم و در کجا جای دهیم؟

بند ۴۵: آهورامزدا پاسخ داد و گفت جسد را باید هرچه بیشتر در ارتفاعات و  
بلندیها جای داد، ای اِسپی تمّه زرتشت هرکس می‌داند که سگهای گوشخوار و  
پرندگان لاشخور همه وقت در بلندیها آمد و رفت دارند.<sup>۳۸</sup>

بنابراین ظهور زرتشت و ارائه بخشی از اوستا به‌نام وندیداد را باید آغاز اجرای این سنت  
آرامگاهی دانست.<sup>۳۹</sup> در کتاب مزدآپرستی می‌خوانیم:

زبان و سبک نویسندگی در وندیداد، با این فرض که همه کتاب از دوره اول عهد  
اشکانیان است، کاملاً سازگار است. یعنی اطلاعات مربوط به آداب دینی که می‌توان  
از وندیداد بیرون کشید درست به‌همین زمان ارتباط پیدا می‌کند. مثلاً در دوره  
هخامنشیان گذاشتن اجساد مردگان در دخمه‌ها فقط در میان مغان معمول بود و  
هرودت به‌این نکته اشاره دارد (کتاب اول بند ۱۴۰) در حالی که جسد شاهان  
هخامنشی به خاک سپرده می‌شد، اما بنا بر احکام وندیداد قرار دادن اجساد در دخمه‌ها  
برای همه زرتشتیان اجباری بود.<sup>۳۹</sup>

البته این مطلب را سند دیگری که بسیار معتبر است تأیید می‌کند و آن سند تربیت کوروش  
کزنفن است، که متن وصیت کوروش را برای دفن می‌آورد.<sup>۴۰</sup>

پس وقتی که مرا زمان مرگ در رسید جسد مرا نه در طلا و نه در نقره و نه در  
هیچ چیز دیگری دفن ننمایید. بلکه مرا فوراً به خاک بسپارید و آیا چه ازین سزاوارتر  
است که مرا به‌این مادر عمومی که تمام جانداران عالم را پرورش می‌دهند سپارند.<sup>۴۱</sup>

درباره سنت‌های آرامگاهی اشکانیان مطالب دیگری را نیز به‌آنچه گفته شده است بیفزاییم

دیوکونف می‌نویسد:

کندوکاوه‌ای باستان‌شناسی ثابت کرده است که اشکانیان به‌جای آنکه مردگان را  
طبق آیین زرتشت طعمه دادن و مرغان لاشخور کنند، آنان را با لوازم خانه به خاک  
می‌سپردند و این خود گواه بر آن است که زرتشتی‌گری کیش رسمی و دولتی آن  
دوران نبوده است و با گذشت زمان، سنتهای خاک‌سپاری زرتشتی در سالهای پایانی  
سده نخست و آغاز سده دوم، رسم سرزمین هیرکانیا (محملاً بر اثر ظهور شاخه  
جدید هیرکانی اشکانیان که با ارتبان سوم آغاز می‌گشته) رواج یافت، به‌این معنی که  
می‌گذاشتند نخست گوشت مردگان از استخوان جدا شود و سپس تنها استخوانها را

دفن می کردند. ظاهراً این روش مقدمه یا آغازی بوده است برای انتقال به تشریفات

ویژه زرتشتی به انتقالی که اندکی بعد صورت گرفت. ۴۲

آنچه مسلم است اینکه پرستش یا قابل احترام دانستن نیاکان، از مظاهر مهم مذهبی عقیدتی پارتها بوده است. در نسا واقع در شمال خراسان خرابه‌هایی از قصر و بنای آرامگاهی وابسته بدان یافته‌اند که در دورتادور ایوان آرامگاه شاهان پیکره‌های سفالین این نیاکان تاجدار را گذاشته‌اند. عکس این کاخ یا قلعه آرامگاهی را با تصویر خیالی نو ساخته آن آرامگاه را در کتاب اشکانیان می‌توان دید. ۴۳

در متن کتاب می‌خوانیم که آرامگاه شاهان و بزرگان اشکانی در قلعه‌ای واقع در جنوب شرقی نسا، شمال خراسان جای داده شده بوده است که اقامتگاه ایشان نیز بوده است و بخشی در اربیل. رومیان در عهد کاراکال به سال ۲۶۰ میلادی پس از تصرف شهر اربیل آرامگاه را ملوث و خراب کردند. ۴۴

استاد کریمان با استفاده از منابع دیگر این مطلب را این چنین ارائه می‌کند:

در روزگار شاهان اشکانی، ری گرچه پایتخت بوده، لکن ظاهراً استودانی مربوط به بزرگان این دودمان در آنجا شناخته نشده است. شاهان اشکانی نسبت به مذهب زرتشت بی‌قید بوده‌اند و به حفظ آن اعتنایی نداشتند. از این رو مرده‌های خود را در زمین دفن می‌کردند. دلیل این ادعا آنکه کاراکال، امپراتور روم در روزگار اردوان پنجم، گور شاهان اشکانی را بشکافت. استخوانهای آنها را به‌دور انداخت، نیلسون دوبار نیز در این باره آورده است که از کارهای ننگینی که کاراکال کرد یکی هم اینست که در اربل (اربیل) استخوانهای شاهان اشکانی را بیرون آورده دور انداخت. از این قضیه معلوم می‌شود که اشکانیان اموات خود را دفن می‌کردند اگر چه خبری هم هست که شاهان آخری اشکانی مردگان خود را می‌سوزاندند. ۴۵

آنچه درباره آرامگاههای سلوکی و اشکانی گفته شد روشنگر مطالب زیر است:

- نفوذ معماری یونان‌گرای عصر اسکندر را در پرستشگاه - آرامگاه کنگاور به‌خوبی می‌توان دید. ۴۶

- نفوذ هنر و معماری هخامنشی در پرستشگاه - آرامگاه بسیار بزرگ آنتیوخوس رول در نمرود باغ جنوب آناتولی هویدا است. ۴۷

- در ستهای آرامگاهی پارت به کار بردن گورهای خمره‌ای که در آن مرده را ایستاده دفن می‌کردند معمول بوده است. ۴۸

- نهادن مجسمه‌های سوفالین در گورهای اشکانی مربوط بوده است به اعتقادات ایشان به اهمیت پرستش نیاکان و قدرت ایشان پس از مرگ.

- نمونه تصویری آرامگاه اشکانی را در ص ۳۷۰ ری باستان می‌توان دید که از تاریخ ایران گیرشمن گرفته است، در این صفحه سه تصویر ارائه شده است اول یک تابوت تقریباً سالم و دست نخورده پارتی دوم یک تابوت شکسته برای نشان دادن شکل داخلی آن و سوم یک آرامگاه ساده، محل گذاردن تابوت یا تابوتها.<sup>۴۹</sup>

- تصویر خیالی یک تابوت منقوش و اعیانی را در ایران باستان ص ۲۷۱۷ می‌توان دید درین کتاب تابوتهای اشکانی این چنین توصیف شده است:

این تابوتهای کلی ولی صاف و صیقلی و به رنگ سبز روشن بوده شبیه کفش راحتی است به درازای یک تا دو متر، جسد را از دهانه باز تابوت داخل می‌کرده‌اند و با درب پهنی که همانند خود تابوت ترین شده بوده است دهانه آن را می‌بسته‌اند و با گل خاصی آن را به کلی مسدود می‌کرده‌اند و در بخش پایینی آن سوراخی برای خروج هوای فاسد و گاز تعبیه می‌کرده‌اند.

در نقاشی کردن روی تابوت و گذاردن مجسمه‌های گوناگون، هنر اشکانی در حد اعلای ترقی و پیشرفت بوده است. تصویر یک نمونه از این هیكلها را در ایران باستان می‌توان دید.<sup>۵۰</sup>

یک نمونه از این شکل‌های کوچک را بررسی می‌کنیم:

یکی از این مجسمه‌های بسیار عجیب هیکل یک نفر پارتی جنگجو را مجسم می‌سازد، این نظامی دراز کشیده و مشغول نوشیدن از جامیست که در دست چپ خود دارد، تمام هیکل او با زره پوشیده شده در سر دارای کلاه خود و در پا دارای زنگال است... و مجسمه‌های زنانه که بسیار ظریف حتی ظریف تر از مجسمه‌های آسوری ساخته شده‌اند.<sup>۵۱</sup>

نمونه دیگری از این تابوتها را به شماره ۲۲ در تصاویر کتاب پارتیان می‌توان دید، با نقاشیها و کنده کاریهای فراوان.<sup>۵۲</sup>

- برج گورستانی در پالمیر یکی از بناهای آرامگاهی بسیار معدود برجای مانده از عصر اشکانی است که در درون آن تالار آراسته‌ای است و یک پلکان که به بام برج می‌رود؛ با حفره‌هایی برای جای دادن تابوت، در هر طبقه چند برج دیگر نیز به همین خوبی حفظ شده است، در بیرون برج تاریخ ۱۱۳ م قید شده است.<sup>۵۲</sup>

- گورستانهای بسیار از عهد اشکانی به جای مانده و این خود دلیل آن است که در عصر اشکانی،

سوزاندن به روش یونان و هند و در معرض جانور قرار دادن به سبک زرتشتیان، در درجه دوم و سوم اهمیت قرار داشته و اقوام ساکن در امپراتوری اشکانی بیشتر به دفن مردگان راغب بوده‌اند. در پایان این فصل فهرستی از گورستانهای اشکانی را ارائه می‌کنیم:

- گورستان اشکانی چمشک در می‌چاکو، ملاوی لرستان. ۵۳
- گورستانهای پارتی در دره قشلاق خلخال با تصویرها. ۵۴
- گورستان زیرزمینی پالمیر که دالان آن برجای مانده است. ۵۵
- گورستان قصر البیاض در پالمیر. ۵۶
- گورستانهای باستانی سیراف. ۵۷
- گورهای یافته شده در دیوار دفاعی گرگان که اشکانی است.

پادشاهان و بزرگان دارای آرامگاههای اختصاصی بوده‌اند و در این میان به آرامگاههای مجلل نسا و اربل اشاره داشته‌ایم.

## فصل نهم

### آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر ساسانیان (بخش چهارم از مرحله دوم)

«تعالی گوید جسد این پادشاه نگون بخت (یزدگرد سوم) را به رود مرغاب افکندند و آب او را همی برد تا به جدولی که از یق (زریک) نام داشت به شاخه درختی گیر کرد. اسقف مسیحیان نسطوری این شهر که الیاس نام داشت آن جسد را از آب برگرفت و آن را شناخت و با احترام در طلیسانی مُشگ آلود پیچیده و در باغی در شهر مرو به خاک سپرد»\*

درباره آرامگاه پادشاهان ساسانی خبر بسیار محدود است چه اینان به رسم زرتشتیان سنت‌گرا جسد را در دخمه می‌گذارند و بنابراین آرامگاه‌سازی معمول گردید. درباره عبارت

\* تاریخ ساسانیان از دکتر جواد مشکور ص ۱۲۸۳.

بالا نیز مورخی دیگر چنین اظهار نظر می‌کند:

مورخ میکائیل می‌نویسد این سخن که جسد وی را زیر نظر کشیشی از رودخانه برگرفتند و قاتل او را کشتند و آن جسد را در استخر پارس به دخمه سپردند. افسانه‌ای است که از احساسات ملی مردم ایران نشأت گرفته است.<sup>۵۸</sup> یعنی این مورخ به این اعتبار که زرتشتیان بدن درگذشتگان را در گور به خاک نمی‌سپردند این روایت را کلاً رد می‌کند.

در وندیداد کتاب آسمانی زرتشتیان ترتیب عرضه کردن بدن مرده به ددان و مرغان هوا آمده است و طی دو بند از این کتاب دستور اکید صادر شده که باید این جسد را در جای بلندی قرار داد تا در دسترس ددان و مرغان هوا باشد، این دو بند را از آن جهت که ارائه وندیداد در عصر اشکانیان بوده و بر همین مبنا دو روش غالب دیگر، دفن و سوزاندن متروک یا متزلزل شد، در بخش مربوط به اشکانیان عیناً نقل کردیم و اکنون از آن جهت که در عصر ساسانیان که حکومت و حاکمیت زرتشتیان جریان داشت و بحث ما درباره آرامگاه و آرامگاه‌سازی بر همین اصل استوار شده چهار بند دیگر را نیز نقل می‌کنیم:

بند ۴۶: در این مکان است که مزدپرستان باید جسد را از پاها یا از مو به وسیله فلز، به وسیله سنگ یا سنگ‌ریزه در زمین محکم نمایند، والا ممکن است استخوان آنها به وسیله سگان گوشتخوار و پرندگان لاشخور در زمین کشیده شود و آبها و گیاهان آلوده گردند.

بند ۴۹: ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدنام استخوان جسد مرده باید به کجا برده شود و در کجا نگهداری شود.

بند ۵۰: اهورامزدا پاسخ داد و گفت: برای نگهداری استخوان مرده باید ظرف مخصوص ساخته شود و این ظرف از دسترس سگ، روباه و گرگ خارج و از آب باران به دور باشد.

بند ۵۱: مزدپرستان هرگاه مقدور باشد می‌توانند ظرف نگاه‌داری استخوان مرده را از سنگ یا از گل آهک و یا از گل تنها بسازند. هرگاه تهیه چنین ظرف مقدور نباشد می‌توانند جسد را در زمین روی لحاف و بالش خود بگذارند به‌حالتی که نگاه وی به سوی خورشید باشد و از روشنی آسمان بهره‌مند شود.<sup>۵۹</sup>

با توجه به آنچه در وندیداد آمده است اختلاف میان خاک‌سپاری در ایران باستان و پیش از آن و عصر زرتشتی‌گری آن‌قدر که ما تصور می‌کنیم نبوده است. در خاک‌سپاری بدن مرده را در خاک می‌گذاشتند تا حشرات و جانداران ریزتر از حشرات مواد آلی و فاسد شدنی آن را بخورند و استخوان بماند و این استخوان بود که به عنوان بازمانده جسد آدمی مورد توجه

بود و حتی سالها و مدتها بعد از درگذشت یک شخصیت تاریخی استخوانهایش را جابه‌جا کرده و می‌کنند که از آن جمله بوده است استخوان فردوسی و بوعلی سینا. بر مبنای آیین زرتشت این وظیفه پاکسازی محیط‌زیست به‌عهده مرغان گوشتخوار هوا و جانوران وحشی گذاشته شده است و دیدیم که بر بستن و ثابت نگه داشتن بدن مرده تأکید شده که جانوران نتوانند بدن یا بخشی از بدن مرده را به‌داخل آبادی بکشانند که هم باعث ترس و وحشت و ناراحتی زندگان را فراهم سازند و هم آن بخش از بدن را که باید بماند آسیب برسانند، از سوی دیگر تکه‌های بی‌آزار و پاک شده بدن مرده در جایی به‌عنوان یادگار وی محفوظ بماند. خاک‌سپاری از آغاز پیدایش تمدن معمول بوده، تنها در برخی از جوامع پیشرفته به‌روش مومیایی و غیره جسد را نگه می‌داشتند و روایتی نیز هست که جسد پادشاهان هخامنشی را در حوضی از عسل می‌گذاشتند و این نکته را می‌دانسته‌اند که در عسل هیچ چیز نمی‌گندد و تجزیه نمی‌شود و شدت تبخیر عسل نیز بسیار کند است.<sup>۶۰</sup>

اما هرودوت و مورخان دیگر یونانی که جریان بازدید اسکندر از آرامگاه کوروش را نوشته‌اند به‌این مطلب اشاره‌ای ندارند و احتمالاً این جسدها را به‌طرق مختلف، از جمله مومیایی سالم‌سازی کرده در گوشه‌ای می‌گذاشتند و چون مسئله زندگی پس از مرگ یا زنده شدن دوباره مطرح بوده این استخوانها را حفظ می‌کرده‌اند و به‌کارگیری استودان از همان زمانها معمول شده بوده است. در نقش رستم بر بدنه همان کوهی که آرامگاه داریوش و برخی شاهان دیگر هخامنشی را دربر گرفته استودانهای کوچک و معمولی می‌توان دید که از آن جمله است یک گروه هفت‌تایی استودان که برای نخستین بار مرحوم مصطفوی آنها را طی مقاله‌ای معرفی کرد.<sup>۶۱</sup>

اگر نوشته‌های گزنفون قابل اعتماد باشد، کوروش خود وصیت کرده بود که بدون استفاده از بستر زرین و سیمین و بدون تجمل وی را به‌خاک سپارند، عیناً روش مسلمانان از آغاز تا امروز و به‌همین دلیل وی را در محفظه بالاین آرامگاه به‌خاک سپردند و همانطور که گفتیم در این محفظه سوراخ بوجود آمد و ازین سوراخ حشرات به‌داخل محفظه نفوذ کرده و جز استخوانها، مواد آلی آن دو جسد را خورده و نابود کرده‌اند و به‌جای آن درخت انجیر کوهی روئید که بدان اشاره شد.

در اینجا لازم است اشاره‌ای نیز به‌سوزاندن داشته باشیم که هیچوقت در ایران معمول نبوده است، در حالی که یونانیان این سنت را داشتند و خاکستر بزرگان قوم را پس از سوزاندن

حفظ می‌کردند، یعنی در شیشه‌ای ریخته در کنار آرامگاهها می‌گذاشتند، رویه‌ای که هم‌اکنون در آمریکا و اروپا کم و بیش معمول است و من خود از گورستانی در هالیوود بازدید کرده‌ام. دیده‌ام که چندگرم خاکستر در شیشه ریخته شده، حامل نام هنرپیشه معروفی است که بدنش را آتش زده و سوزانده‌اند.

بدیهی است وضع آب و هوا و موقعیت جغرافیایی نیز همان گونه که در ایجاد و گسترش آیین‌های گوناگون مؤثر است، در نحوه خاک سپاری هم مؤثر خواهد بود. آب و هوای جنوب اروپا که مسکن نخستین آریاییها بوده در اثر هوای مرطوب و بارانی و تغییرات بسیار مداوم و ناگهانی، نمی‌توانسته است اندیشه وحدت و یکتاپرستی را به وجود بیاورد، درین میانه خورشید و باد و باران و ماه در یک سطح قرار داشته‌اند، درحالی که در سرزمین موعود و عربستان و تا حدودی ایران حرف اول را همیشه خورشید می‌زند و خورشید خود می‌تواند کلیدی باشد برای توجه به یکتاپرستی و اعتقاد به خدای واحد، همان گونه که ابراهیم راه خداشناسی را طی کرد و اهمیت و قدرت خورشید وی را به سوی حق رهنمون گردید.

برادران هندی ما که در آسیای مرکزی از ما جدا شدند، بدون توجه و اعتقاد به آیین مزدآپرستی به هند رفته و با خیل خدایان ودایی روبه‌رو شدند و به سادگی آن مذهب را پذیرفتند. مذهبی که از لحاظ اقلیمی و منطقه‌ای نیز مناسب می‌نمود. اعتقاد به خدایان متعدد و متنوع، یعنی در هردو مورد، اروپای جنوبی و سرزمین هند پرستش ارباب و انواع وجود داشت و به خصوص اعتقاد به تناسخ در هند مؤجد مسائل دیگر گردید. سوزاندن مرده‌ای که در ظهور بعدی مسلماً قالب دیگر خواهد داشت امری است ساده و بدون ضرر، به خصوص که در سرزمین هند به علت رطوبت، گاه از بین رفتن مواد آلی جسد به کندی صورت می‌گیرد و توصیه و ندیداد درباره‌ی دور نگه داشتن بدن مرده از باران نمی‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تفاوت کار در اینجا است که در هند خاکستر مرده سوخته را دیگر نگه‌داری نمی‌کنند، بلکه آن را معدوم می‌سازند، در صورت امکان به رود گنگ و در غیر این صورت به دریا می‌ریزند. گاندی وصیت کرده بود که خاکسترش را با هواپیما در سراسر خاک هند پخش کنند که این خود یک بدعت بود.

در عصر ساسانیان برخلاف دوران اشکانی تدفین به طریقه زرتشتی یک حکم و یک سنت محترم شمرده می‌شد از این رو قبرستانهای زرتشتی را اغلب به شکل مجموعه‌ای از استودانها



ملاحظه می‌کنیم درحالی که آرامگاه پادشاه (استودان اختصاصی) در نقاط دورافتاده است و تاکنون هم بنای آرامگاه معتبری را که بر گور این شاهان ساخته شده باشد سراغ نداریم. فرودسی از قول انوشیروان می‌گوید:<sup>۶۲</sup>

چو من بگذرم زین جهان فراخ      برآورد باید مرا خوب کاخ  
بجایی کزو دور باشد گذر      نسپرد برو گرس تیز پر  
دری دور بر چرخ ایوان بلند      به بالا برآورده چون ده کمند  
و در مجمل التواریخ می‌خوانیم:

نوشیروان عادل بر کوهی گویند گنبدی ساخته و او را به طلسم بر تخت نشانده. در این مورد به چند نکته جالب اشاره می‌کنیم: درحالی که می‌دانیم دخمه یا برج خاموشان باید درجایی باشد که کرکسان بر آن راه یاب باشند چرا انوشیروان خواسته است که در کاخ آرامگاهی وی کرکس تیزپر نپرد و در متن منقول از مجمل التواریخ: «گنبدی ساخته او را به طلسم بر تخت نشانده» آیا می‌توان چند استخوان بازمانده از سفره حیوانات را بر تخت نشانده؟ البته در هر دو مورد توصیه وندیداد عمل شده است که بقایای جسد را در بلندی می‌نهادند.

اکنون آرامگاههای عصر ساسانی را مرور می‌کنیم:

### ۱- آرامگاه و برجهای آرامگاهی ساسانی - اسلامی

استاد کریمان می‌نویسد:

گویا از میان شاهان ساسانی استخوان هرمز پسر یزدگرد دوم و سه تن از خاندان او در ری نهاده شده است.

سپس از ابن اثیر و طبری و مسعودی (در مروج الذهب) شاهد می‌آورد که در هیچ یک از سه روایت عربی منقول درباره مدفون شدن هرمز و سه تن از خاندان او در ری، مطلبی ارائه نشده است، اما استاد پس از نقل این روایات می‌پرسد:

آیا تواند بود که دخمه هرمز پسر یزدگرد دوم و خاندان وی را در کوه ری که بعدها به نام آرامگاه بی بی شهربانو دختر یزدگرد سوم شناخته باشند<sup>۶۳</sup>، و در جای دیگر درباب آرامگاه بی بی شهر بانو می‌نویسد:

چون در تاریخ حوادث ری، تا آنجا که عرصه تتبع بر نگارنده فراخ بوده نام

بانویی بدین صورت مشهود نیفتاده، تا احتمال خلط اسم برود، از این رو شاید بتوان گفت که: این محل دخمه‌ای از بزرگان زردشتی بوده است و برای آنکه مسلمانان آنجا را خراب نکنند، آن را به عروس ایرانی خاندان نبوت نسبت داده‌اند و به بنای آن نیز درافزوده‌اند. وجود دخمه گبرها در آن نزدیکی در شمال مزید این نظر است و چنانکه در صفحه ۳۷۹ اشارت رفت، تواند بود که آن محل دخمه فرزندان یزدگرد دوم، هرمزد و خانواده وی بوده است که در ری به دست فیروز کشته شده‌اند.<sup>۶۴</sup>

هر دو دانشمند (محمد تقی مصطفوی و حسین کریمان) اثر مهم دیگری را در ارتباط با مرقد بی‌بی شهربانو معرفی می‌کنند بدین شرح:

اثر تاریخی بسیار مهم و قابل توجه دیگر در مجاورت کارخانه سیمان، چهاربنای مکعب شکل سنگی و ساده است که در پشت کارخانه سیمان به مسافت چندصد متری مشرق آن قرار دارد. طول و عرض و ارتفاع هریک از این چهاربنای مکعب شکل استوار، در حدود چهارمتر است و وسط آنها مانند تنور یا چاه حفرة‌ای خالی وجود دارد، و به نظر نگارنده این ساختمانهای مرموز آرامگاههای ایرانیان صدراسلام است که دفن امواتشان مرحله تحولی را بین طرز دفن زرتشتیان با مراسم تدفین در آیین اسلام نشان می‌دهد و از نظر مطالعه در این قسمت بسیار قابل توجه می‌باشد و غیر از یکی از آنها که از وسط منهدم شده سه بنای دیگر کم و بیش صورت محفوظی دارد.<sup>۶۵</sup>

جز این اظهار نظر مرحوم مصطفوی که این بناها آرامگاه ایرانیان صدر اسلام است، هیچ اظهار نظر دیگری از سوی آن دو استاد نشده است در حالی که به احتمال قوی این بناهای سنگی ساده استودان‌های ساده‌ای بوده‌اند که در میان دخمه (برج خاموشان کوه بی‌بی شهربانو) و بنای آرامگاهی شهربانو قرار داشته‌اند، و اگر قبول کنیم که این بنا ساسانی است، و در عصر اسلام فقط عنوانش اصلاح شده و تغییر یافته است، به سادگی می‌توان گفت که پس از پاک شدن استخوانها در دخمه آنها را به این استودانها منتقل می‌کرده‌اند و از آنجا به بنای آرامگاهی، از همان قبیل که درباره آرامگاه خسرو انوشیروان بدان اشاره شده می‌برده‌اند. آنچه مسلم است اینست که این بناها از آرامگاههای پیش از اسلام نیستند، زیرا در عصر ساسانی بنایی که با آرامگاه به معنای عصر باستان و عصر حاضر جور دربیاید نداریم، چون که دفن کردن در خاک یا در تابوت پوشیده و مسدود، باید مرسوم باشد که آرامگاه به وجود

بیاید. از آن گذشته گوری که در میان این پایه‌ها احداث شد به هیچ وجه نمی‌تواند گور باشد و بر مبنای همه سستهای باستانی قدیم و جدید، بدن مرده مدفون شده باید پوشیده و پنهان باشد. استاد مصطفوی با ارائه این مطلب یعنی اشاره به قدمت و ساسانی بودن آرامگاه بی‌بی شهربانو معتقد است که بقعه بی‌بی شهربانو هم از نظر اینکه آرامگاه بی‌بی شهربانو همسر امام حسین است و هم از این نقطه نظر که منسوب به دختر آخرین شهریار ساسانی است مورد احترام است، یعنی به طور خلاصه تنها بقعه‌ای است که هم از نظر زوجۀ بسیار عزیز حضرت سیدالشهدا (ع) نزد تمام شیعیان، مخصوصاً ایرانیان محترم بوده و هم از نظر ارتباطی که با خانواده شهرباران بزرگ ساسانی به آن نسبت داده می‌شود، از لحاظ ایرانیان محل بسیار مقدسی به شمار می‌رود. از این حیث هم که با مطالعه آن تجلی مخصوص روح ایرانیان در حفظ سنن قدیمی خود، ضمن رعایت آداب و قواعد اسلامی به خوبی مشهود است، نمونه ممتاز و تقریباً منحصر به فردی به شمار می‌رود که جنبه قدمت و تاریخی آن نیز در نهایت اهمیت باقی و محفوظ مانده است.<sup>۶۶</sup>

دانشمند فرزانه دکتر پرویز ورجاوند در کتاب سرزمین قزوین وقتی سخن از آثار تاریخی ناحیه رودبار الموت است، آرامگاههای واقع در گورستان شاه کوه حسن آباد را معرفی می‌کند، که با سنگ خام، سنگ لاشه و ملاط ایجاد شده‌اند، قاعده این آرامگاهها که به نظر استاد از عهد ساسانیان برجای مانده است، چهاربر به بلندی حدود دومتر است، بر روی این پایه سنگی، یک گنبد سنگی به بلندی چهارمتر ساخته شده و کل بنا، فقط با یک در و یک پنجره با خارج ارتباط دارد. این بنای ساسانی که حتماً آتشکده نیست چه می‌تواند باشد، خود استاد ورجاوند نیز این بناها را تحت عنوان آرامگاه عرضه کرده است، از دوره ساسانی ولی چون از دوره ساسانی آرامگاهی بدان مفهوم که ما امروز داریم برجای نمانده، این بناها هم می‌تواند استودان باشند، متنها از نوعی دیگر نه از آن نوع سه مرحله‌ای، استودان بدون برج خاموشان. بدن مردگان را در لفافی پیچیده در این بناهای مستحکم، ولی دور افتاده می‌گذاشته‌اند و به همین دلیل در کف این بناها که مورد کندوکاو دزدان عتیقه قرار گرفته چیزی یافت نشده است. ازین دو آرامگاه واقع در رودبار یکی دارای گنبدی مخروطی و یکی دارای گنبدی گرد است که این دومی، ساسانی معرفی شده است<sup>۶۷</sup> استاد ورجاوند بنای آرامگاهی دیگری را هم در صوفی آباد سرپل ذهاب کرمانشاه ارائه می‌کند که بسیار با آن گنبد نخستین شاه کوه شباهت دارد، یعنی بنا سنگی است، سنگ لاشه، با گنبدی مخروطی، در

گورستان شاه کوه گنبدی دیگر نیز از این گروه وجود دارد که متأسفانه گنبدش فرو ریخته است.

در همین اثر تحقیقی مهم، برج دیگری به نام باراجین، واقع در ۱۲ کیلومتری شمال قزوین، معرفی شده است، استاد تاریخ این بنا را سده‌های چهارم یا پنجم می‌داند، آنگاه هنگام توصیف بنا، آن را از طول به دو بخش می‌کند بخش پایه که از خارج با نیم ستونهای سنگی تقویت شده و بخش بالاین، حدود یک متر به بالای برج مانده یک رده سنگ خارای تراش دار، که با دقت خاص تراش داده شده دورتادور برج قرار گرفته است، به نحوی که حدود ده سانتیمتر لبه آن از بدنه برج بیرون آمده است. بر روی این لبه سنگی شش رج آجر قرمز رنگ به ابعاد  $26 \times 26/5$  سانتیمتر چیده شده، سپس روی برج آخر با سنگ قلوه و لاشه با ابعاد کوچکتری از بدنه برج، حدود سی سانتیمتر دیوار برج بالا بره راه شده است. بار دیگر بر روی این قسمت، دو رج آجر چینی صورت پذیرفته و سپس آخرین قسمت بالای برج با کمک سنگ‌های لاشه و ملاط به بلندی نیم متر صورت گرفته است، با توجه به توضیحات استاد ورجاوند و دقت در تصویر می‌توان به این نتیجه رسید که در بالاترین قسمت برج یک محفظه خالی وجود داشته است. از سوی دیگر استاد درباره وضع داخل برج می‌نویسد: داخل برج را در سالهای اخیر عده‌ای به امید یافتن گنج کنده‌اند و داخل آن را مخدوش ساخته‌اند و مشکل می‌توان گفت که آیا در زیر آن سردابی بوده یا اینکه کف داخلی آن پائین تر از سطح خارجی بوده یا خیر. وسط برج در حال حاضر در طول آن خالی نیست بلکه آثار سنگی درهم گشته‌ای خودنمایی می‌نماید که در اصل می‌بایست پله مارپیچ سنگی داخل برج بوده باشد.<sup>۶۸</sup>

پس تا اینجا می‌توان گفت که در صحن برج آثار قبر یا سردابه‌ای برای نهادن تابوت وجود ندارد، اما پله‌ای از صحن برج تا بالای آن از داخل وجود داشته است که به کلی خراب شده و درهم ریخته و احتمالاً گنج یابان ابتدا کف را کنده و کاویده‌اند و چون چیزی گیرشان نیامده پله سنگی را هم از جا کنده و در پی یافتن گنج خراب کرده‌اند. آیا این پله کجا می‌رفته است؟ جز اینکه بگوییم در بالای برج محفظه‌ای به عنوان استودان وجود داشته و بر مبنای سستهای کهن گذاردن جسد در بالاترین نقطه (همانند اهرام و زیگورات و آرامگاه کوروش و به‌طوری که خواهیم دید گنبد کاووس) ساخته شده بوده است.

در جای دیگر می‌خوانیم که برای ورود به برج بیش از یک در ورودی وجود ندارد و در

سمت چپ این در اطراف چند نیم ستون سنگی مدور، تزییناتی مشاهده می‌شود که استاد پس از توضیح کامل در باب این تزیینات اشاره به طرح یک محراب می‌کند.<sup>۶۹</sup> محدود بودن در و پنجره دلیل بر این است که این بنا، آرامگاه از نوع اسلامی نبوده است و ارائه طرح محراب در خارج از بنا هم برای این منظور صورت گرفته که رهگذران را وادار به احترام بدان سازد و از تخریب بنا جلوگیری کند.

درباره این گونه برجهای آرامگاهی اگر سخنی از برجهای تارم در حوالی دریاچه سرسفيد رود گفته نشود، مطلب ناقص خواهد ماند چه این دو بنای آرامگاهی یعنی برج سنگی کوچک شمیران و برج سنگی بزرگ یا قلعه ساسان، از بناهای مهم عصر نخستین اسلام در ایران زمین است و آرامگاه بزرگ یا قلعه ساسان به علت سخت بودن راهش تقریباً سالم مانده است و فقط به گنبد آن آسیب رسیده و احتمال اینکه با وجود در ورودی و پلکان، این برج نیز در گذشته استودان بوده، ابتدا برای نگهداری استخوانها و پس از ظهور اسلام برای نگهداری جسد، بسیار است. با در نظر گرفتن وضع آب و هوای این منطقه و دورافتادگی آن احتمال پیدا شدن جسد سالم بسیار است، استاد ورجاوند می‌نویسد:

بنا بر گفته اهالی محل و متولی امامزاده قاسم در حدود ۷ سال پیش در داخل این آرامگاه، دزدان عتیقه دست به حفاری می‌زنند (وضع آشفته کف آرامگاه در حال حاضر مؤید این مطلب است) و در نتیجه دو جسد سالم و کامل مربوط به یک زن و یک مرد به دست می‌آید که داخل کفنی به رنگهای سفید و زرد پیچیده شده بودند این مطلب با توجه به آنچه که حدود پنجاه سال پیش از حفاریهای قلعه گبری در شهر ری به دست آمده انطباق دارد و می‌توان گفت که به دلیل کندن قبر در داخل سنگ کوه و کف برج و سپس مسدود ساختن آن به طور کامل، امکان سالم ماندن جسد که شاید با محلول خاصی نیز از متلاشی شدن آن جلوگیری می‌نموده‌اند وجود داشته است.<sup>۷۰</sup>

در برخی از کتابهای آرامگاهی بنای گور دختر و کعبه زرتشت را نیز در عداد دخمه‌ها یا استودانهای عصر هخامنشی به حساب می‌آورند که در این صورت می‌توان گفت برجهای مورد بحث تحت تأثیر استودانهای زرتشتی‌اند که پس از گذشت چند قرن تغییر قیافه داده به جای ساخته شدن با سنگهای بزرگ که جابه‌جائی آن بسیار سخت است، با سنگ و ملاط ساخته و پرداخته شده‌اند.<sup>۷۱</sup>

برگردیم به عصر ساسانیان و مسئله آرامگاه پادشاهان ساسانی. در کتابهای تاریخ عصر ساسانی کمتر جایی است که نامی از آرامگاه پادشاهان ساسانی به میان آمده باشد، علت آن نیز این بوده است که در دوران حکومت ساسانیان، دین زرتشتی با ستها و قانونهای جدید و سختگیر مانع می شده است که برای بزرگان آرامگاهی ساخته شود. اما استودانها بدون اینکه خود نامی داشته باشند و یا نام بزرگان مدفون در خود را داشته باشند موجود بوده اند، اگرچه شادروان علی سامی در جلد اول تمدن ساسانی آورده است که در کوههای تخت جمشید، استخر حاجی آباد و گرم آباد حفره هایی است که اندازه دهانه آنها از  $40 \times 30$  تا  $60 \times 40$  سانتیمتر است و جای استخوان مردگان در ادوار پیش از اسلام بوده، در بالا یا زیر این استودانها یا خطوط درشت پهلوی نام کسی که در آنجا مدفون گردیده نوشته شده است، عده این استودانها زیاد و بیش از صد است، در کتیبه ای دیگر واقع در کوه مقصود آباد، دنباله کوه رحمت، یعنی صفت تخت جمشید، شخص متوفی معرفی شده است که فقط نام پدرش گشوات برجای است. ۷۲

در مقاله شهرهای ساسانی دکتر دبتریش هوف، هنگامی که سخن از بیشاپور است می نویسد که بر مبنای کاوشهای هیأت فرانسوی در سال ۱۹۲۵ و در دنباله آن باستانشناسان ایرانی، می توان گفت که بیشاپور مجلل ترین شهر بین شهرهای ساسانی است، معروف بودن این شهر به علت چند سنگ نوشته و نقش برجسته و نیز وجود غاری است که امروز غار شاپور خوانده می شود و مجسمه سنگی بزرگتر از حد طبیعی شاپور در جلو آن گذارده شده، این مجسمه یک پیکره منحصر به فرد است و غار مذکور نیز به احتمال آرامگاه شاپور است. ۷۳

نمی دانیم که بر چه مبنایی دانشمند مذکور غار شاپور را آرامگاه شاپور می داند چه شاهان ساسانی هیچ یک دارای آرامگاه به آن صورت که در ذهن ماست نبوده اند. درباره غار شاپور نیز باید گفت که این غار یک پدیده آهکی طبیعی است که در حدود ۴۰۰ متر درازا دارد و به هیچوجه برای آرامگاه شدن صلاحیت ندارد، چه بسیار مرطوب است و برخلاف سنت آرامگاهی زرتشتی که توصیه می کند، بدنهای مرده را در جاهای بلند قرار دهد که گوشت و مواد فاسدشدنی آن توسط مرغان لاشخور و سگان وحشی خورده و پاک شود. آنچه معقول به نظر می رسد این است که این غار یک پناهگاه نظامی سیاسی بوده است و وجود مجسمه

شاپور در مدخل آن نیز دلیل بر آرامگاه بودن آن نیست.<sup>۷۳</sup>  
در همین مقاله درباره برج بیشاپور که بنایی است مشابه و قابل قیاس با کعبه زرتشت می‌نویسد:

(یک برج عظیم چهار گوشه به اندازه تقریبی ۲۰ x ۲۰ و بلندی ۴۰ متر در مرکز شهر یعنی در مرکز نقشه کلی و در منطقه تقاطع مشترک همه خطوط محورها قرار دارد که در این برج پلکانی مارپیچ بازدید کننده را به بخش بالاین هدایت می‌کرده است امروزه دیوارهای خارجی و پله‌ها خراب شده‌اند و فقط اطاق چهار گوشه، پلکانها به بلندی ۳۰ متر و پهنای ۹ متر شبیه یک ستون باریک باقیمانده است. کاربرد این برج تاکنون دقیقاً روشن نشده است به احتمال زیاد آن را باید در ارتباط با سعی و کوشش اردشیر که قدرت شاه - خدایی را معرفی می‌کرد جستجو نمود، سعی می‌شود این اثر عجیب و منحصر به فرد به عنوان مقر سمبولیک شاه در مرکز حکومتش قلمداد گردد که کنایه‌ای برای قرار دادن قانون آهورامزدا در مرکز دنیاست. به علاوه برج می‌بایستی کاربرد عملی هم داشته باشد به طوری که در هنگام ایجاد شهر به عنوان نقطه اندازه گیری و بعداً به عنوان برج مراقبت برای محاصره قلعه دختر، در کوهستان شمال غربی شهر به کار برده شده است.<sup>۷۴</sup>

در تصویری که از این بنا در ص ۱۹۴ همین کتاب ارائه شده، علاوه بر حالت کنونی برج مزبور، هنرمندی طرح بازسازی این برج را کشیده است. حال با کوچکترین توجه انسان بی‌اختیار متوجه شباهت این برج (پس از بازسازی) با کعبه زرتشت واقع در نقش رستم می‌شود و ما این بنا را در بخش هخامنشیان معرفی کرده‌ایم و از قرار نوشته شادروان علی سامی این بنا یک بنای آرامگاهی است، آرامگاه شاهی، استودان، محل نگه‌داری استخوانهای مانده از جسد شاهان.

یافتن دخمه یا برج خاموشان ویژه پادشاهان ساسانی، باید در آینده صورت گیرد، اضافه می‌شود که در مقاله بالا اصولاً اشاره‌ای به دخمه و استودان یا هر نوع بنای آرامگاهی دیگر در عصر ساسانیان نشده است. در کتاب احیای مجدد ایران تصویر نوسازی شده برجی را می‌بینیم که در پایکولی کردستان واقع بوده و به کلی ویران شده و از میان رفته است، این بنا همانند کعبه زرتشت چهاربر است و با سنگ سفید و سیاه ساخته شده است. نویسنده کتاب در زیر نویس

\* این پدیده طبیعی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی توسط منوچهر مهران، پدر کهنوردی ایران کشف شد و این بنده نویسنده نیز در نوروز ۱۳۳۱ دقیقاً از آن بازدید کردم، در آن هیچ اثری از کنده کاری و نوشته و گور یا استودان وجود نداشت.

عکس این برج را بنای یادبود نرسه (نرسی) ساسانی می‌داند و می‌دانیم که نرسی یکی از زرتشتی‌ترین پادشاهان ساسانی و در حقیقت احیاکننده این آیین بوده است. حال می‌پرسیم این برج چیست؟ آیا در زمان ساسانیان نیز برای تجلیل از یک پادشاه (همانطور که در آمریکا و اروپا اکنون معمول است) بنای یادبود می‌ساختند یا این بنا کاربرد دیگری داشته است.

نویسنده نقش برجسته چهره نرسی را که در چهار طرف بنا تعبیه شده بوده است دلیل بر این مدعا می‌داند و ظاهراً هنرمندی که تصویرنوسازی شده را کشیده توجه نداشته که این بنا باید در یا پنجره‌ای داشته باشد (همانند کعبه زرتشت که دری در بلندا دارد که دسترسی بدان برای غیرمتولیان ناممکن است).

با توجه به این نکته که در آن اعصار بنای یادبود برای کسی نمی‌ساختند بهتر است قبول کنیم که این هم خود یک بنای آرامگاهی، یک استودان سلطنتی است که در مغرب ایران ساخته شده، مغرب که در مجاورت روم قرار داشته و تحکیم سستهای زرتشتی را طلب می‌کرده است. این مسئله یعنی توجه به مغرب در طی چند قرن حکمرانی مذهبی ساسانیان بدان حد مورد توجه قرار گرفت که خسرو پرویز مقرر حکمرانی خود را به مغرب در محور مداین - کردستان قرار داد.

اُسکار رویتر\* در بررسی هنر ایران ابتدا تصور می‌کرد که این بنا یک بنای اشکانی است اما به مرور زمان و یافته شدن شواهد نوین، این دانشمند نیز تغییر عقیده داد و آن را یک بنای ساسانی دانست. از قرار نوشته بررسی هنر ایران، این بنا بتخانه نام داشته است و در اصل بنای یادبود پیروزی نرسی بر بهرام سوم بوده است. اُسکار رویتر نویسنده این گفتار به این نکته نیز اشاره کرده است که احتمالاً این بنا، یک بنای آرامگاهی است که تحت نفوذ بناهای آرامگاهی اشکانی ساخته شده که خود آن بناهای اشکانی نیز احتمالاً در اثر نفوذ معماری هلنی (یونانی) ساخته شده بوده‌اند.

نویسنده کوشش دارد که این بنا را غیر ساسانی قلمداد کند و برین مبنا آن را مشابه با بناهایی که در قلمرو شرقی جهان اسلام و هند برپای می‌دانسته‌اند می‌داند و دست‌کم کوچکترین اشاره‌ای به نکات مشترک این بنا با کعبه زرتشت و برجهای مشابه با کعبه زرتشت ندارد. اما آن را با برجی که خرابه‌های آن در خاک ممسنی مانده و بدان میل اژدر می‌گویند مقایسه

\* Oscar Revther



می‌کند، این بنای ویران شده از عهد ساسانیان مانده است.<sup>۷۵</sup>

شواهدی هست که استفاده از دخمه و استودان در عصر غلبه اسلام نیز معمول بوده است. نویسنده کتاب سیراف که محور تحقیقاتش بر روی آثار بناهای یافته شده در سیراف است، سیراف را با میمند مقایسه کرده است که خلاصه‌ای از آن را می‌آوریم: شهر میمند در دوره ساسانی بنا شده و با اینکه در عصرهای گوناگون پس از اسلام همیشه دچار گرفتاری و دردسر بوده، سنت‌ها و عادات و آداب و رسوم باستانی خود را حفظ کرده است و تا قرن ششم در مقابل تمدنهای برتر مقاومت کرده است... آنگاه از قول دانشمند باستان‌شناس علی اکبر سرافراز که در این جاها کندوکاوها و باستان‌شناسی به انجام رسانده است، درباره آرامگاه این مردم می‌نویسد: ساکنین دره میمند جسد را در فراز کوهستان و در فضای آزاد قرار می‌دادند و پس از متلاشی شدن جسد و ریختن گوشت آن استخوان باقیمانده را در استودانهای حاشیه کوهستان به‌دژ و دخمه منتقل و دفن می‌کردند... مردمان عصر تاریخی مسکون در این محل در سراسیمه کوهستان معروف به راهزن و در بین تخته‌سنگهای کوه، آرامگاههای خود را اغلب به‌صورت دخمه‌های مدور از سنگ ساخته و اشیایی درون قبر گذاشته و با خاک آن را پر کرده‌اند. این گورها بیشتر به استودان شبیه است تا به قبر. قطر این استودانهای مدور یک متر و گودی آن حدود ۷۰ سانتیمتر است، که در درون برخی از آنها اصلاً اسکلتی نیست و فقط چیزهایی در درون آنها چیده شده است از جمله ظرفهای سفالی یا سنگی، نویسنده پس از بحث مفصل نتیجه‌گیری می‌کند که تحول با مرور زمان و با فشار تدریجی کسانی که به اسلام گردیده بودند استودانها را مبدل به گورهای اسلامی کردند.<sup>۷۶</sup>

## ۲- آرامگاه شاهان ساسانی از قرار نوشته مجمل‌التواریخ: (عیناً نقل شده)

هیچ نمی‌دانیم که مؤلف مجهول مجمل‌التواریخ از کجا محل آرامگاه پادشاهان ساسانی را یافته اما آنچه مسلم است اینست که بیشتر آنها را به حدس و قیاس در محل کشته شدن یا حوالی آن محل دانسته است به شرح زیر:

اردشیر بابک به استخر مدفون است و هرمزد شاپور به پارس نهاده است. بهرام ابن هرمزد قومی به پارس گویند نهاده است و بعضی به‌شام، بهرام ابن بهرام معلوم نیست، نوسر<sup>\*</sup> ابن بهرام

\* باید نرسه (نرسی) باشد.

به پارس، بهرام بهرامیان به پارس، هرمزد بن نوسه گروهی به شام گویند و گروهی به پارس، شاپور بن هرمزد به طیسفون مدفون است، اردشیر بن هرمزد به زمین یعیسان، شاپور این شاپور معلوم نیست، بهرام بن شاپور به مداین، یزدجرد بهرام به طوس، بهرام گور گویند در شکارگاه به چاهی فرورفته چندانک پاک کردند از او اثری نیافتند و گویند به شیراز، یزدجرد ابن بهرام به شام و گویند به عراق، فیروز ابن یزدجرد به زمین هیاطله، بلاس ابن فیروز به مداین، نوشیروان عادل بر کوهی گویند گنبدی ساخته و او را به طلسم بر تخت نشانده هرمزد [...] روین ابن هرمزد به مداین مدفون است، قباد ابن شیرویه مداین، اردشیر ابن شیرو، به مداین شهر برار معلوم نیست، بوران دخت و آذر میدخت دختران پرویز به مداین، کسراهم به مداین، یزدجرد به ولایت مرو کشته شده و آنجا مدفون است.<sup>۷۷</sup> در این میان فقط انوشیروان است که گفته شد برای آرامگاه خود گنبدی ساخت و قصه‌ای نیز از دخمه وی موجود است.

پیش از اینکه دخمه انوشیروان را معرفی کنیم به نقل مطلبی از مجمل‌التواریخ می‌پردازیم که تا حدودی می‌تواند به مسئله استودان، دخمه و آرامگاه در عصر ساسانیان مربوط باشد و نقاط تاریک آن را روشن سازد.

### ۳- قصه دخمه به روایت پسر پادشاه حمیر

چون عبدالملک پسر مروان در سلسله امویان به خلافت نشست و خیال کشف شهر رویین افتاد که منسوب بوده است به اسکندر و به قولی حضرت سلیمان. چه در خزانه کتابی درین باره یافته بود. ازین روی وزیر خود را با چهار هزار سوار و یکساله برگ راه پیش پادشاه حمیر (از شبه جزیره عربستان) فرستاد و وی با پادشاه حمیر و پسرش که بعد جانشین وی شد ملاقات کرد و این پسر داستانی برای وزیر عبدالملک گفت که محتوای آن مورد نظر، است، از این روی که حکایت مربوط است به عصر ساسانیان و بخش بزرگی از عربستان نیز در عصر ساسانیان جزو قلمرو ایران بوده است.

پادشاه جوان داستان خود را چنین آغاز کرد:

چون از پدر پادشاهی با من افتاد و مدتی برآمد و کارها نظام گرفت مرا دیگر باره هوس بازرگانی خاست، ملک به وزیر سپردم و کشتی‌ها راست بکردم...

دنباله قصه را کوتاه شده ارائه می‌کنیم:

کشتیها دچار طوفان شده و وی با وضع معجزه آسایی نجات می‌یابد.\* مرغی بزرگ می‌آید و بر درخت (درخت بزرگی که پایش گردابی بوده و کشتیها را می‌بلعیده است) می‌نشیند و وی به امید نجات همان شب یا شبی دیگر دستار خود را گشوده در آن هنگام که مرغ خفته است بر پای مرغ استوار کرده و یک سر دستار را بر کمر خود محکم می‌کند، بامداد مرغ پرواز کرده او را به هوا می‌برد و پس از دیر زمانی که مرغ به هوای طعمه به زمینی فرود می‌آید وی خود را از مرغ جدا ساخته به زمین می‌افتد عاقبت به سرزمینی می‌رسد که مردم آن شهرستان سرهاشان چون سر اسب است و به شهری از آن سرزمین می‌رود. مردم آن دیار با وی مهربانی می‌کنند و رئیس شهر با وی دل خوش کرده زنی به او می‌دهند و رسم چنان بوده است در آن شهر که اگر یکی از زوجین بمیرند دیگری را با وی در دخمه عمیقی که برای این کار در دامن کوهی مهیاست و سر آن با سنگی عظیم پوشیده زنده به گور کنند و نان و آب سه روزه نیز با جسد مرده فرو گذارند و سر چاه را بدان سنگ بپوشند. از اتفاق بد زن مرد جهانگرد مرد و او را با نعش زن و آب و نان در آن حفره فرو می‌گذارند و سنگی بر سر چاه استوار می‌کنند. مرد مسافر دخمه وسیعی می‌بیند که پراز استخوانهای مردگان است. وی خود را نباخته آب و نانی را که دارد به کمال اقتصاد و صرفه جویی مصرف می‌کند و جای آسایش برای خود می‌سازد و کاردی تدارک دیده مترصد می‌شود تا هر زنده‌ای را که فرو گذارند کشته آب و نان او را متصرف شود. اینجاست که کتاب گوید از قول آن مرد که جایی برای خواب و راحت از استخوان مردگان خالی کردم.

#### و دنباله مطالب از مجمل التواریخ:

رخت بنهادم و بهردو روز هر کسی را که زنده در آنجا افکندند حالی بدان کارد بکشتمی و نان و آب سه روزه برگرفتمی تا یک روز زنی را که زن خواهر (خواهر زن) من بود زنده با شوهر مرده در آنجا افکندند و چون او مرا بدید باز شناخت و من به رضای وی با وی عقد بستم و او را بخواستم و هم بر آن قاعده می‌رفتم و مرا از وی فرزندان آمدند و بعد از آن در ایستادم و در گوشه چاه همه روزه نقیب می‌گرفتم بدان کارد تا آخر سوراخی بر کنار دریا کردم...

استاد بهار در پانویس کتاب این یادداشت را افزوده‌اند... در الف لیله حکایت زن

\* یادداشت روانشاد ملک الشعرا بهار: از اینجا ظاهراً ورقی یا بیشتر افتاده و ادامه آن بر اساس سندباد بحری تدارک شده است مجمل ۵۰۵.

گرفتن نیست و سبب نجات را چنین گوید:

روزی در آن تاریکی جس حرکتی و همی کردم و شبی دیدم آن را دنبال کردم  
حیوانی دیدم که به طمع مردگان در آن دخمه راه یافته بود پی او را برگرفتم سوراخی  
یافتم که از پشت کوه که دخمه زیر آن است به سبب حیوانات کنده شده است، آن  
سوراخ را بشکافتم و مدتی رنج بردم تا از آن بیرون آمدم...<sup>۷۸\*</sup>

نویسنده کتاب سیراف بر مبنای شایعه‌ای که در بین مردم سیراف دهان به دهان گردش کرده  
و به ما رسیده است دخمه‌های جدیدی را ارائه می‌کند که تا به حال نظیرش را در جایی ندیده و  
نشیده‌ایم، خلاصه مطلب ارائه شده این است: این نوع دخمه‌ها و مغاره‌ها را در محل به گویش  
محلّی سیراف خونه گوری (خانه گبری) می‌گویند زیرا معتقدند که گبرها (انسان‌های پیش از  
اسلام) را در این دخمه‌ها می‌گذاشتند و به همین دلیل به آن دخمه خونه گبری گویند... امروز در  
میان مردم سیراف چنین گفته می‌شود که در زمان قدیم پیرمردها و پیرزنها را که سنی از آنها  
گذشته بود و قدرت کار کردن نداشتند و حتی نمی‌توانستند بایستند و راه بروند به درون این  
دخمه‌های تاریک که اغلب در دامنه ارتفاعات و مسیر رودخانه‌های خشک شده ایجاد  
گردیده‌اند، می‌بردند و در آنجا می‌گذاشتند و می‌آمدند. فقط روزانه یک بار برای این پیران  
فرسوده غذا می‌بردند و آن انسانهای سالخورده بدبخت در همانجا می‌خوردند و در همانجا  
نیز کثافت می‌کردند و دچار بیماری‌های گوناگون می‌شدند و به‌زندگی رقت‌بار خود پایان  
می‌دادند و جسدشان در همانجا می‌ماند تا پوسیده شود یا طعمه ددان و لاشخوران پرنده  
گردد.<sup>۷۹</sup>

در باب تبدیل یک دخمه گبری به یک بنای اسلامی به نقل حکایتی می‌پردازیم که  
نظام‌الملک در سیاستنامه آورده است بدین شرح:

در شهر ری به‌روزگار فخرالدوله که صاحب عباد وزیر او بود گبری بود توانگر  
که او را بزرجمید گفتندی و برکوه طبرک ستودانی کرد از جهت خویش و امروز  
برجایست و اکنون آن را (دیده سپاه سالاران) خوانند، بر بالای گنبد فخرالدوله نهاده  
است و بسیار رنج و زر هزینه کرد بزرجمید تا آن ستودان به‌دو پوشش برسد آن  
کوه تمام کرد، و مردی بود که محتسبی کردی، او را با خراسان گفتندی. آن روز که

\* احتمال وجود چنین نظامی که زن یا شوهر را با همسر زنده در دخمه می‌انداختند، با توجه به ارتباط  
فرهنگی اقتصادی جنوب عربستان و هند و رسم سنتی سوزاندن زن با شوهر مرده، هست.

آن ستودان تمام شد، به بهانه‌ای بر آنجا شد و بانک نماز بکرد بلند و ستودان باطل گشت و بعد از آن ستودان را دیده سپاه سالاران نام کردند.<sup>۸۰</sup>

استاد کریمان بر مبنای پژوهشها و نوشته‌های شادروان مصطفوی برج نقاره‌خانه را که بنایی دیلمی - سلجوقی است همان ستودان برج امید می‌داند و یکی از دلایل وی وجود کاشیهای معروف به طلایی در حاشیه بالای برج بوده است که حدود ۶۰ سال پیش کنده و برده‌اند، این کاشیها به گفته نظام الملک که درباره بزرگوید نوشت: بسیار رنج و زر هزینه کرد، مطابقت دارد.

مؤلف کتاب سیراف نیز پس از اشاره به تخت کیقباد در سه کیلومتری مغرب اوشان که تصادفاً معلوم شد یک گورستان یا مجموعه استودانی زردشتی ساسانی است این بحث را این چنین ادامه می‌دهد:

با توجه به آنچه درباره دفن اموات پیش از اسلام در کوهستانها ذکر نمودیم معلوم می‌شود که ترتیب مقابر اسلامی در عهد دیلمیان و سلجوقیان در کوهستان کنار شهر ری و خارج آن نمونه‌ای از تأثیر آداب و سنن ایرانیان پیش از اسلام در قرون اولیه اسلام بوده است و بدین قرار مردم ایران یکباره عادت دفن زرتشتیان را ترک نکرده‌اند، بلکه تا مدتی اموات را در کوه دفن می‌کرده‌اند، منتهی چگونگی سپردن آنها و جهت مقبره مطابق آیین اسلام صورت می‌گرفته است و این طرز تدفین که برخی آداب پیش از اسلام را توأم با موازین اسلامی دربرداشته در کوههای مجاور شهری به‌خوبی نمودار است و بقعه بی‌بی شهربانو نمونه موجود و محفوظ آن است که جنبه تبرک هم دارد و مورد احترام عموم و زیارتگاه مردم صاحب اعتقاد است.<sup>۸۱</sup>

در پایان این بخش مربوط به آرامگاه ساسانیان روایتی را ارائه می‌کنیم که گرچه به‌ظاهر خیالی و افسانه‌ای است اما در آن مطالب و نکات مهمی نهفته است که جز به‌خواندن و اندیشه کردن آنها را درک نتوان کرد.

#### ۴- حکایت دخمه انوشیروان

«گویند مأمون خواست که بنای مداین و آن قصرها و کاخهای انوشیروان ببیند، حسن ابن سهل کاتب و احمد ابن خالد حول را با خود بیرد و آن کاخها و بناها می‌دیدند و تعجب می‌نمودند. بعد از آن گفت مرا باید که زیارت انوشیروان کنم گفتند: فلان جای مردی است پیرو او داند که دخمه انوشیروان کجاست. او را بیاوردند. چون پیش مأمون آمد به‌زبان عجم بر مأمون ثنا گفت، پس گفت: پدر من دخمه‌بان انوشیروان

بود و به میراث بهمن رسیده است و اندرزنامه او من دارم، گفته است که پادشاهی از پادشاهان عرب از خویشان پیغمبر مرا زیارت کند و نشان‌ها داده است و توبه آن کس می‌مانی. مأمون را عجب آمد و بفرمود تا او را سه روز مهمان داشتند. پس پیر را پیش خواند و گفت: دخمه انوشیروان بمانمای، پیر گفت: در کوهی است و از اینجا تا آنجا پنجاه فرسنگ است و چون آنجا روی دره‌ای است، بالای آن دوازده فرسنگ بر بالای آن کوهی است هفت فرسنگ و دخمه بر سر آن کوه است. خانه‌ای است از سنگ خاره تراشیده و کوشکی سیصدگزر، زمین اودرسیم گرفته. سقف آن به‌زر و گوه‌های قیمتی آراسته و تختی از زر و مروارید در پیشگاه نهاده و جامه‌های زربفت به‌جواهر آراسته بر آن تخت افکنده و شاهنشاه بر آن تخت است که به‌زندگانی داشت و تاج بر سر بالین آویخته و تن او را به‌داروها اندوده‌اند که هرگز تباه نگردد و متغیر نشود و در آن کوشک طلسم‌ها ساخته است که کس در آنجا نتواند رفت مگر آن پادشاه تازیان که او نشان داده است و من این نشانها هم در تو می‌بینم.

مأمون گفت: تو را رنجه باید شدن و راهنمایی کردن، پیر گفت: راه آن کوه ویران کرده‌اند تا کسی بر آنجا نتواند شد، تدبیر آن باید کرد تا آن راه آبادان کنی. مأمون فرمود تا آلت و استادان و کارگران و چوبها جمع کردند و بر شتران نهادند و مأمون و خاصگیانی چند و آن پیر رفتند. چون به‌پایان کوه رسیدند آن راهها بساختند. چون تمام شد مأمون با سه کس و خادمی جنبیتی در دست گرفته روان شدند و بیست تا جامه زربفت و چندمن کافور و مشک و عنبر با خود بردند و چون به‌نزدیک دخمه رسیدند، مأمون پیاده شد تا به‌در دخمه رسید. پیر گفت اگر تو آنی که او نشان داده است حلقه در بگیر و بجنبان، مأمون حلقه در گرفت و بجنباید. کلیدی از بالای دریفتاد. پیر گفت: درست شد که تو آنی که او نشان داده است. در بگشادند چند سوار دیدند با سلاح تمام به‌طلسم کرده، بر خود بجنبیدند و حمله کردند. پیر مأمون را گفت تازیانه از دست بیفکن، بینداخت، ایشان ساکت شدند. از آنجا درگذشتند به‌میان سرا رسیدند بر گوشه صفا چهار شیر بدیدند که آهنگ ایشان کردند. پیر گفت: آستین خود بر ایشان افشان، بیفشاند ایشان ساکن شدند. چون به‌دخمه رسیدند چهارپاره شمشیر نیز از بالای در آویخته بود، می‌آمد و می‌شد که کس رازهره نبود که بدان نزدیکی شدی. پیر گفت دستار از سر فروگیر گستاخ در آی. دستار از سر فرو گرفت. شمشیرها ساکن شدند درآمد و آن عجایب‌ها از بساط و فرش و آلت‌های زرین، و میان سراخشتهای زرین و سیمین افکنده و دیوارها به‌جواهر قیمتی مرصع کرده بدیدند و پنج غلام به‌طلسم با سلاح از دست راست تخت ایستاده و پنج از چپ و پنج از پیش و پنج از پس همه بر خویشتن

بجینیدند و آهنگ ایشان کردند.

پیر گفت: یا امیر آواز ده و بگوی که من کیستم. مأمون آواز داد و از هیبت بیهوش گشت و چنان پنداشت که او زنده است بعد از آن مأمون به سه جایگاه خدمت کرد و تواضع نمود و بر گوشه تخت رفت و نشست و حسن سهل و احمد خالد بر پای ایستادند. مأمون در روی شاهنشاه می‌نگریست و جامه‌های او را می‌دید بعضی تباه شده بود. مأمون جامه‌های نو بر وی افکند و تخت او پوشانید و کافور و مشک و عنبر بر آنجا پراکند و از هردو جانب سفیدی در محاسن انوشیروان درآمد بود و عصابه از دیبای بر سر وی بسته، چهار سطر از مروارید بر آنجا دوخته بر شکل کتابت. مأمون در وی می‌نگریست و این آیت می‌خواند که: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ)

بعد از آن پیر گفت: این نوشته که بر این عصابه است برخوان، برخواند یک سطر این بود: (گیتی که یزدان کرد مرا چه کوشش) دوم نوشته بود: (عمر تمام نیست مرا چه خواهش) سیوم (گیتی جاوید نیست مرا چه رامش) (چه شاید کرد که نشاید دانست) و هر دو دست بر سینه نهاده و انگشترین گوهری در وی نشانده که هزار روزن از او روشن بود. مأمون به تعجب به هر طرفی می‌نگریست، لوحی دید از زر به خطی روشن نوشته بود که پس از مرگ من به چندین سال پادشاهی از پادشاهان عرب بیاید و زیارت ما کند و ما را جامه نو پوشاند و خوش بوی گرداند. صفت او چنین بود و نام نسب او تا دم آخر چنین - نگاه کردند این خود صفت مأمون بود، هر چند در کالبد ما جان نباشد که عذر او خواهیم و او را مهمان داریم، اما این نوشته که در زیر زانوی من است پای مزد اوست، برگیرد و عذر ما بپذیرد. و دیگر آنکه سه کس با وی باشند: یکی ناقص بود با ما خیانت کند. پادشاه تازیان باید که سزای او بدهد.

مأمون چون آن لوح برخواند، دست در زیر زانوی او کرد. سنگی دید بر آنجا نوشته که در این کوه به فلان جایگاه ده گنج از زر و جواهر و سیم است بردارد و ما را معذور دارد. مأمون آن خط برداشت و زانو و دست او ببوسید. خدمت کرد و بازگشت. چون بیرون آمد خادم خواهش کرد تا زیارت کند. چون باز می‌گشت انگشتری انوشیروان بیرون کرد و پنهان داشت. چون در راه شدند مأمون با حسن و احمد گفت: بزرگوار پادشاهی که او بوده است دانا به همه چیز. اما این سخن مشکل است که گفته است ناقصی با من خیانت کند و سخن او دروغ نباشد. اندیشه کنید تا این چه تواند بود. گفتند: ناقص خادم است، ندانیم تا او چه کرده است. خادم را

پرسیدند و در وی بجستند، انگشتی انوشیروان با او یافتند. مأمون پیاده بازگشت و کنار تخت او بوسه داد و انگشتی در انگشت او کرد. چون نگاه کرد بر چهار گوشه تخت چهار سطر نوشته بود: (هر که را پادشاهی نیست کامرانی نیست، هر که را زن نیست کدخدایی نیست، هر که را فرزند نیست شادمانی نیست، هر که را این هر سه نیست بیماری نیست).

پس مأمون بیرون آمد و این آیت می خواند: وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور و چون به این گنجها رسید چنانکه نشان داده بود برگرفت و شتران و چهارپایان بر از زر و جواهر کرد. و گویند توانگری مأمون و فرزندان او و اسبالی که ساختند جمله از آن بود. و چون به مداین رسید فرمود تا خادم را مثله کردند و بر درختی درآویختند تا مردم عبرت گیرند و آن راه که بر آن کوه کرده بود فرمود تا خراب کردند و آن پیر عجمی را بسیار نواخت.<sup>۸۲</sup>

در اینجا حکایت دخمه انوشیروان به پایان می رسد و اگرچه نمی توان بدان تحقق داد اما از آن مطالب بسیار استدراک می شود.

حمید ایزدپناه مؤلف دانشمند آثار تاریخی لرستان در فصل دهم در جلد دوم کتاب، تحت عنوان: آیا غار یا دخمه محل دفن (؟) انوشیروان پادشاه ساسانی در لرستان است، پس از ارائه حکایت دخمه انوشیروان و اشعار فردوسی در این باره نتیجه می گیرد که در کوه گور در جنوب لرستان، در شصت فرسنگی تیسفون در کول کنی ماژین گور و به عبارت بهتر دخمه انوشیروان برجای مانده و به تفصیل درین باره و در باب سفرهای علمی برای کشف این دخمه توضیح می دهد که نقل آن درین مقدمه ضرور نیست.<sup>۸۳</sup>

سه بیت از اشعار فردوسی درباره دخمه انوشیروان را در صفحات گذشته نقل کردیم و اکنون در پایان این فصل بیتهای دیگر آن را نیز ارائه می کنیم:

|                               |                                                      |
|-------------------------------|------------------------------------------------------|
| نـبـشـتـه بـر و بـارگـاه مـرا | بـز رگـان و جـنـگـی سـپـاه مـرا                      |
| و زان پس برآرید درگاه را      | نـبـایـد کـه بـیـنـد کـسی شـاه را                    |
| دگرگون بود کار آن بارگاه      | نـبـایـد کـسی نـزـد مـا نـیـز رـاه                   |
| ز فرزند و از دوده ارجمند      | کـسی کـش ز مـرگ مـن آید گـزـنـد                      |
| بیا ساید از بزم و شادی دوماه  | کـه اـیـن بـاشـد آئـین پـس از مـرگ شـاه              |
| فراوان بر آن عهد هرکس گریست   | پـس از عـهـد یـکـسـال کـسـری بـز یـسـت <sup>۸۴</sup> |



## فصل دهم

### آرامگاه و آرامگاه‌سازی از آغاز عصر اسلامی تا دوره سلجوقی (بخش نخست از مرحله سوم)\*

(صاحب را چون مرگ در رسید به نمازگاه بردند،  
فخرالدوله و همگی اعیان دیلم پیشاپیش جنازه  
می‌رفتند و زاری می‌کردند مرقدش را با زنجیر از  
سقف خانه‌ای در آویختند و تختی در زیر آن  
نهادند...<sup>۱\*\*</sup>)

در آغاز این پیشگفتار به اهمیت بناهای آرامگاهی ایران اشاره شد و اکنون نظر یک  
دانشمند بزرگ در سطح جهانی را که با شادروان پوپ در تألیف کتاب بررسی هنر ایران  
همکاری داشته است ارائه می‌کنیم: این دانشمند یعنی ارنست دیز<sup>\*\*\*</sup> می‌نویسد:

در سراسر جهان اسلام، بناهای تاریخی برجای مانده در ایران را باید مهمترین  
مجموعه آثار تاریخی در جهان دانست و این اهمیت مرهون غنا و تنوع و عظمت  
خود بناهاست که براساس دو عامل مهم تکوین شده و استواری یافته است.  
یکی استعداد و نبوغ معماران ایرانی که ریشه‌های آن را باید در جهان پیش از  
درخشش اسلام جستجو کرد، دوم اختراع و به کارگیری آجر در آب و هوایی مساعد  
و غنای شگرف ایران زمین در تدارک مواد اولیه آجر. فراموش نکنیم که درین میان  
آرامگاهها دارای مقامی شایسته هستند، چه این بناها در میان همه بناهای تاریخی پس  
از مسجد در زمره مهمترین اند.<sup>۲</sup>

عامل سوم که، بدان می‌افزایم عشق، علاقه باطنی و ایمان پابرجای استادکاران سازنده بنا  
بوده است.

\* عصر اسلامی یک (از آغاز اسلام تا ترکسازی مغولان)

\*\* و پس از مدتی به اصفهان نقل کردند، مردم ری تا چند روز در دکانها هستند و به سوگ نشستند... از  
تاریخ گزیده ۴۲۵. محل آویختن جنازه کتابخانه صاحب بود و پس ازین به روضه صاحب معروف گردید.  
ری ۳۵۹.

\*\*\* Ernst Diez

برخلاف تصور اولیه هر محقق که تصور می‌کند باید آرامگاه‌سازی را در ادوار گوناگون و به اشکال مختلف مورد مطالعه قرار داد، با توجه به آنچه تا کنون گفته‌ایم به این نتیجه می‌رسیم که تفکیک اعصار آرامگاهی به سادگی امکان‌پذیر نیست و همانطور که تغییر روشهای حکومت و روی کار آمدن سلسله‌ها و نظامات جدید درین تغییرات مؤثرند، خود مسئله تطور و تکامل بناها نیز بر مبنای اعتقادهای سستی و جدید را نیز باید در مدنظر داشت، مثلاً از عصر کوروش تا عصر داریوش فاصله زمانی چندانی نیست اما چطور شد که مرده ریگ کوروش از اعصار زیگوراتها و اهرام به طور مشخص در آرامگاهش تجسم یافت، اما در عصر داریوش به کلی شکل و قیافه و ماهیت آرامگاهها عوض شد.

ظهور آیین زرتشتی و منع سوزاندن و به خاک سپردن بدن مرده‌ها به حدی در کار آرامگاه و آرامگاه‌سازی مؤثر بود که دامنه گذاردن مرده در دخمه به جای گور که از زمان اشکانیان آغاز شده بود تا قرنهای نخستین پس از اسلام ادامه یافت، بگذریم از اینکه به نحوی افسانه‌ای، دخمه انوشیروان که در تاریخ بناکتی آمده است، می‌تواند خود یک نوع ارائه کردن آرامگاه مجلل و مفصل شاهانه باشد که بعد زمانی آن از عصر خسرو انوشیروان است تا عصر مأمون عباسی. ما در فصول گذشته این تحقیق به دخمه‌ها و استودانها و آرامگاههای دست‌ساز حاوی بقایای جسد مردگان در عصر اسلامی اشاره کرده‌ایم و اکنون توجه شما را به این نکته معطوف می‌داریم که در تمام قرنهای حکمرانی اشکانیان و ساسانیان و چند قرن اول درخشش اسلام، این سنت مهم گذاشتن مرده در دخمه با قدرت جریان داشت و فقط نظامات سخت و بهداشتی اسلام بود که نه تنها موفق شد خاکسپاری ساده را که از عصر پیامبر برجای مانده بود همه گیر سازد، دست‌کم در ایران مسئله برج خاموشان یا دخمه و استودان را نیز منسوخ گرداند، به طوری که امروز فقط در شهر بمبئی یک برج خاموشان فعال وجود دارد که آن هم موجودیتش مورد اعتراض مردم بمبئی قرار گرفته است و دیر یا زود متروک و منسوخ خواهد شد.

نکته‌ای را که باید درین مقدمه بدان اشاره داشته باشیم مسأله سپردن بدن مرده است به طور موقت، که خوشبختانه در عصر حکومت جمهوری اسلامی ممنوع و منسوخ شده است. در عصر قاجاریه که این رویه ادامه داشت خود یکی از بهانه‌های استعمارگران برای سرکوفت و سرزنش مسلمانان شیعی ایران بود و ازین رویه انتقادهای سخت شد، و حتی در

عصر پهلوی‌ها نیز با وجود مخالفت گروهی از روحانیون ادامه داشت، البته بسیاری از سپردگان در گورهای موقت همان‌گونه می‌ماندند و این سنت نگهداری در سردابه‌ها و برجهای دورافتاده یک تبلور دخمه‌گذاری ساسانی و همزیستی با آئین شیعی ایران بوده است.

اکنون آرامگاه و آرامگاه‌سازی در عصر اسلامی متقدم را بررسی می‌کنیم.

آرامگاه‌سازی در صدر اسلام مرسوم نشد، پیامبر بزرگ اسلام با خاکسپاری مجلل مخالف بود همان‌گونه که با شیون و زاری فراوان نیز موافقت نداشت، این سنت شبیه‌سازی و ندیه یادگار اعضای پیش از اسلام ایران است و ایرانیان که همیشه از نفوذ مداخله بیگانگان و ظلم و ستم ایشان در عذاب بودند خاطره فداکاریهای دینی و ملی خود را زنده نگاه می‌داشتند. خاطره کشته شدن سهراب و قتل فجیع سیاوش و مبارزه و کشته شدن اسفندیار و پشتوتن و برادرش در راه حفظ ایران و گسترش آیین زردشتی، به‌سادگی و با اصالتی باور نکردنی به اسلام شیعی انتقال یافت. حفظ این خاطره‌ها در ذهن جامعه ایرانی برای اذعان به‌حضور خداوند و قدرشناسی از کسانی که خود را فدای منافع و تمنیات دینی و ملی خویش کرده‌اند طی قرن‌ها به‌شکل یک سنت دینی و ملی تکوین یافت و حفظ شد.

حضرت محمد(ص) را طبق وصیتش در خانه خودش به خاک سپردند وصیت رسول اکرم حاوی نکات مهمی بود، از جمله برجسته نبودن سطح گور از زمینهای اطراف و به خاک سپردن بدن مرده فقط با یک کفن سفید ساده در اولین فرصت.

دکتر هیلن براند که مقاله‌ی تحقیقی مهمی در باب آرامگاه دارد درین باره می‌نویسد:

بر مبنای سنتهای اسلامی جسد مرده را باید در گوری، همسطح زمین بلافاصله پس از مرگ بدون تشریفات فقط با کفنی سفید به خاک سپرد... اما این سخت‌گیریه‌ها با رویه عمومی کارهای تدفینی مرسوم بین اعراب آن زمان در تضاد بود، شیون بسیار برای مرده پاره کردن لباس، کندن موی و خراشیدن صورت و پاشیدن خاک و خاکستر بر روی عزاداران، عملی رایج در میان اعراب بود. اما پاره‌ای از این رسوم نیز انعکاسی از محیط ایران باستان را در خود داشت مثلاً آداب و شعائر رسمی شیون و زاری برای مرگ سیاوش به طرز شگفت‌آوری آینده آیین شیعه را پیشگویی کرده است...<sup>۳</sup>

در ارداویرافنامه که کتابی است مربوط به آیین زرتشتی، مشابه کمندی الهی دانته، موبدی به نام ارداویراف به جهان دیگر می‌رود از بهشت و دوزخ و برزخ و پل چینوت بازدید می‌کند و

به جایی می‌رسد که گناهکاران را مجازات می‌کنند و ملاحظه می‌کند که یکی از سخت‌ترین مجازات‌ها را نسبت به گروهی عملی می‌کنند که در مویه وزاری و موی سرکندن و لباس دریدن اقدام و افراط می‌کنند.<sup>۴</sup>

می‌دانیم که در آیین زرتشت جایی به نام آرامگاه وجود ندارد و بدن مرده باید در اختیار ددان و مرغان هوا قرار گیرد که گوشت‌های آن را بخورند و استخوان‌ها در جایی گردآوری و با احترام نگه‌داری شود و هرگز نباید آب و آتش و خاک با بدن انسان مرده آلوده گردد. بدیهی است روش خاک‌سپاری سستی اسلامی به مراتب از روش سستی زرتشتی، نهادن در دخمه، ساده‌تر و بهتر بوده است و بدین‌روی مورد استقبال ایرانیان قرار گرفته و عمومیت یافته است، چه به‌مرور زمان و با گذشت قرن‌ها و هزاره‌ها هرچه بر تعداد مردمان افزوده شد از تعداد ددان و مرغان هوا کاسته شده و بدن‌ها می‌مانده و اشکالاتی ایجاد می‌کرده است که تحولی و تغییری اساسی را می‌طلبیده است.

در اینجا لازم است اشاره‌ای به روش سستی زرتشتیان در عصر حاضر کرده شود در ایران، در کوه بی‌بی شهریانو از قدیم یک برج خاموشان وجود داشته است برای عرضه کردن بدن مرده به مرغان هوا که امروز این روش در ایران متروک شده است. اما در بمبئی هنوز برج خاموشان هست و آن عبارت است از محوطه‌ای کاملاً مسدود گرد، با دیوارهای بلند که فقط مرغان هوا بدان راه یابند، درین فضای دایره‌وار یک ردیف کامل محفظه سنگی گود شده برای مردان، یک ردیف کوچکتر برای زنان و یک ردیف کوچک برای بچه‌ها درست شده و در محوطه وسط این دایره، محفظه‌ای است که استخوان‌ها در آنجا جمع می‌شود، یعنی بارانهای موسمی سطح این دایره بزرگ را شست‌وشو می‌کند. جز چهار روحانی زرتشتی که به کمک نردبان جسد را به داخل محوطه می‌رسانند هیچ‌کس حق ندارد که از برج خاموشان بازدید کند. منطقه‌ای که این برج در آن قرار دارد در قلب شهر بمبئی در روی یک بلندی است با باغی بزرگ از درختان کاج که تقریباً هیچ مشرفی ندارد، مالکیت این منطقه متعلق است به پارسیان اما شهرداری بمبئی سالهاست که مدعی شده و وجود این دخمه را در چین محله مرغوب و سکونت‌ی زیان‌بار می‌داند. فعلاً در حدود چندصد کرس و عقاب هستند که می‌توانند روزانه سه چهار نفر مرده پارسی را بخورند، اما افتادن گوشت مرده‌ها در نقاط مختلف بمبئی مورد اعتراض مردم است و تصور می‌شود که ادامه این ترتیبات در آینده غیرممکن باشد.

سخن از تداوم و تطور و تکامل آرامگاهها بود و دیدیم که در عصر آغازین اسلام آرامگاهسازی در گستره تمدن و فرهنگ ایرانی با دو منع شدید روبهرو بود، نخست سیره پیامبر اکرم و منع هر نوع تجملگرایی، دوم منع اکید آیین زرتشتی که اصولاً تاسیس بنای آرامگاهی را غیر شرعی به حساب می‌آورد، اگرچه در گذشته بناهای آرامگاهی تنها بدون قبر، در جهان آن روز ایران زرتشتی و اسلامی وجود داشت، آرامگاههایی که در حقیقت استودانهای مجلل بود.

دکتر هیلن براند در باب تداوم سنت‌های آرامگاهی و تکامل فن آرامگاهسازی اسلامی چنین اظهار عقیده می‌کند:

همانگونه که انتظار می‌رفت مدفن خود پیامبر که در درون خانه‌ای واقع شده بود مورد احترام قرار داشت و به‌ویژه هنگامی که آن خانه، در عصر حکمرانی ولید بن عبدالملک از خلیفه‌های اموی به مسجدالنبی تبدیل شد، محرابی در آن ساخته شد که خود یادآور مکان قبر بود. در سده نخستین اسلام همان‌گونه که قابل پیش‌بینی بود، قبرهای دیگر از آن مقامات عالیه مذهبی چون اصحاب پیامبر یا اهل بیت مشخص شدند و برای اینکه محل خاک‌سپاری ایشان معلوم باشد آن را با فرو کردن چوبی عمودی مشخص می‌کردند، عملی که در خیلی از جوامع حتی هنوز هم معمول است و نمونه‌هایی از آن در آسیای مرکزی در عصر حاضر موجودیت و استمرار دارد. این عمل را این‌گونه توجیه می‌کردند که سایه از برکات بهشتی است و این سایه‌بانهای روی قبر می‌تواند تفسیری بر قرآن درین مورد بخصوص باشد.<sup>۵</sup>

شاید بتوان گفت که نصب سنگ‌های دراز نوشته دارد یا بدون نوشته نیز در این مورد باید بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گیرند. سنگهای افراشته و سنگهای خوابیده، که هریک مشخص خصوصیات ستی یکی از شاخه‌های فرعی اسلام است. البته نباید فراموش کرد که این سنگ‌افراشتهای بدون دستکاری، در بیشتر جاهای ایران یافته می‌شوند و احتمالاً قدمت آن به اعصار پیش از باستان می‌رسد که در دوره اسلامی نیز موجودیت خود را حفظ کرده با تزیینات و تراش‌کاریها عرضه شده‌اند.<sup>۶</sup>

سپس هیلن براند چنین ادامه می‌دهد:

بدین نحو منع اصلی، به‌گونه‌ای محسوس مورد تجاوز قرار گرفت، لکن این کار در زمینه‌های مذهبی، به‌صورتی معصومانه انجام پذیرفت و تنها مسئله گذشت زمان بود که این سایه‌بانهای کوچک پارچه‌ای روی قبرها را به‌شکل بناهای باشکوه آرامگاهی درآورد، به‌نوعی که در نزد دانشمندان غربی گورهای سایه‌بانی نام

گرفته‌اند. باز درین حال آن محدودیتی که پیغمبر فرموده بود با تمییه‌هایی که طعم مغالطه داشت، کنار گذاشته شد و چنین استدلال می‌شد که چون زمین بالای گور در معرض باد و باران قرار دارد، احداث سایه‌بانی جایز است. با گذشت زمان وسیله دیگری برای محترم ساختن آرامگاه پیدا شد محرابی بدان افزوده گردید و بدین ترتیب مدفنی (که اغلب یکی از مشاهیر غیردینی در آن به خاک سپرده شده بود نه شخص مذهبی) به عبادتگاهی مبدل می‌شد و این عمل را حدیث مستحکم، هر جا می‌تواند مسجد شود، صحنه‌گذاری می‌کرد. بسیاری از امامزاده‌ها امروز دارای محراب‌اند و نماز خواندن در صحن آرامگاه‌ها ثواب فراوان عاید نماز خوان می‌کند.<sup>۷</sup>

آغاز آرامگاه‌سازی اسلامی در ایران را نمی‌توان دقیقاً شناخت و ارائه کرد درحالی که خاک سپاری پیامبر اکرم (ص) در مدینه را می‌توان آغاز آرامگاه‌سازی اسلامی دانست، بحث درین که این اقدام تا چه حد مورد قبول و رضایت آن حضرت بوده است، در این مختصر ضرور نیست، زیرا می‌دانیم که این حرکت، آرامگاه‌سازی اسلامی به هر حال رشد کرد و به قولی: بی‌گمان آرامگاه به‌استثنای مسجد بیشتر از هر نوع بنای معماری در ایران در روزگار اسلام مورد توجه بوده و در بافت جامعه و فرهنگ ایرانی ریشه دوانیده و کمتر شهری درین کشور است که سهمی از چنین بناهایی نداشته باشد.<sup>۸</sup> اما این آغاز کی بود و آرامگاه‌سازی اسلامی کی شروع شد پرسشی است که نمی‌شود بدان جواب قطعی داد اگرچه در تاریخ آرامگاه و آرامگاه‌سازی ایران به آرامگاه چندتن از صحابه و تابعین برمی‌خوریم و چند امامزاده نیز که از لحاظ زمانی بر حضرت رضا (ع) تقدم دارند که آرامگاهشان در ایران است اما درین مختصر، آغاز آرامگاه‌سازی را تدفین هارون در خراسان می‌دانیم که خود زیربنای کوچکی بود برای آغاز تکوین بزرگترین بنای آرامگاهی اختصاصی شیعیان جهان مشهد رضا (ع).

هارون رشید (۱۴۸-۱۹۳) خلیفه عباسی در سال ۱۹۳ در خانه حمید بن قحطبه مرد و به خاک سپرده شد این خانه در سناباد نزدیک نوغان از توابع طوس قرار داشت. توسعه سناباد در سالهای پس از خاک سپاری حضرت رضا (ع) سبب شد که فاصله آن را از طوس میان ۲ تا ۴ فرسخ بنویسند. مأمون تا سال ۲۰۲ در مرو بوده است و در این سالها بر گور پدرش گنبد و بارگاهی بنا کرده است و همین که حضرت امام رضا (ع) در ۲۰۲ رحلت فرمود، به دستور مأمون آن حضرت را در همان چهار دیواری گنبددار هارون در محوطه بالاسر وی به خاک

سپردند، که این هردو نمایشگر نهایت درجه احترام مأمون نسبت به حضرت رضا(ع) است. در دانشنامه جهان اسلام می‌خوانیم: این قبه (آرامگاه هارون) که بعداً روضه امام شد تقریباً مربع است زیرا که اضلاع آن ده متر و چهل سانتیمتر در ده متر و شصت سانتیمتر است و گور هارون را در وسط قبه قرار داده‌اند. گل دیوار قبه گل چینه یادای است که عبارت است از گل رسیده و رزیده، مانند گلی که برای تنور و خمره تهیه می‌شود، و گفته‌اند در گل دیوار قبه برای استحکام بیشتر موی بز و شیر به کار برده‌اند. پهنای دیوار بیش از دو متر است به این جهت دیوار قبه سخت و محکم است و چنین به نظر می‌رسد که به اسلوب معماری آن عهد، سقف ضربی عرق چینی و فاقد گنبد بالا بلند بوده است.<sup>۹</sup>

نتیجه‌ای که تا اینجا گرفته می‌شود این است که این بنا یک بنای ساسانی و مشابه یا چهاردیوارهای آن عصر است که در ایران در دو نوع گونه‌گون برجای مانده است، نخست چهاردیوارهای کوچک که آذران یا آتشکده بوده‌اند و بسیاری از آنها در طی قرون مبدل به یک بنای اسلامی شده از خطر انهدام رسته‌اند، دوم سرسراها و طالارهای اقامتی، کاخهای سلطنتی که بهترین نمونه آن در فیروزآباد فارس برجای مانده است. بنابراین، این بنا که اکنون شکل و شمایلش را می‌توان از لابه‌لای دیوارها و زوایای رواق مقدس حضرت رضا(ع) تشخیص داد بنای واسطه می‌تواند باشد، واسطه میان آن بناهای غیرآرامگاهی ساسانی و بناهای آرامگاهی عصر غزنوی و شاید آل بویه، که بهترین نمونه آن رباط سنگ بست در راه مشهد به تربت جام است

در دانشنامه می‌خوانیم:

شهادت حضرت رضا(ع) در ۲۰۲ یعنی نه سال پس از مرگ هارون اتفاق افتاد. در سفری که مأمون از مرو با حضرت رضا عازم بغداد بود چون به سناباد رسید آن حضرت را مسموم کرد. جنازه را در بالا سرگور هارون نزدیک به ضلع غربی قبه مدفون ساختند. پس از اینکه خاک سناباد مدفن امام شد قبه هارونی رفته‌رفته به مشهد (محل شهادت) مشهور شد و شهری که در سده‌های بعد در اطراف مرقده به وجود آمد مشهد نام گرفت.<sup>۱۰</sup>

نکته قابل ذکر در اینجا این است که تا عصر هارون، احتمالاً دو عامل بازدارنده مانع از آن بود که بنای آرامگاهی ساخته شود اول منع ضمنی آن در بعض روایات و احادیث، دوم، بی‌توجهی و حتی مخالفت ایرانیان زرتشتی در باب ساختن آرامگاه، اما مأمون که یک نوآور و در بدعت‌گذاری با جرأت و شجاع بود، به ایران توجه فراوان داشت، زیرا می‌دانست که

خلافت را نه تنها خودش بلکه مؤسس سلسله‌اش نیز با همت و کمک ایرانیان به دست آورده است. مأمون برای پدر آرامگاهی ساخت و دستور داد که وی را در آن به خاک بسپارند، در آن عصر توجه به امامان شیعه، به ویژه حضرت رضا (ع) که مدتی نیز ولیعهد مأمون شده، قرار بود رهبری مسلمانان را از شاخه عباسیان تحویل بگیرد، بسیار قوی بود، به طوری که دعبل بن علی خزاعی شاعر عربی سرای معاصر با مأمون، شعری در رثای امام سروده و در دو بیت آن با اشاره به مرقد امام رضا (ع) او را بهترین مردم و هارون را بدترین مردم دانسته است و این در حالی بود که مأمون در اوج قدرت اداره جهان اسلام را برعهده داشت. در حقیقت این شروع آرامگاه‌سازی با جرأت و جسارت فوق‌العاده مأمون قرین بوده است و اگر این جرأت و جسارت نبود این آغاز را به این صورت نداشتیم.

در بنای جدید که پس از تخریب بنای نخستین ساخته شد، از بنای چهارطاقی قدیم، فقط دو متر حفظ شده است و بقیه بنا روی همان دیوار قرار دارد.

اولین جهانگردی که این بنا را دیده و آن را توصیف کرده است مقدسی (۳۴۵-۳۸۱) در احسن التقاسیم است، در این کتاب از حرم امام رضا (ع) به (مشهد) تعبیر کرده است و بنابراین، نظر اعتمادالسلطنه در مطلع الشمس، که گفته است مقدسی از مشهد ذکری ننموده بی‌اساس است.<sup>۱۰</sup>

دیلیمان به ویژه عضدالدوله به حرمین شریفین در بین‌النهرین و حرم مطهر حضرت رضا توجه داشتند و بقعه نخستین را به پاره‌ای تزیینات آراستند.<sup>۱۱</sup>

سبکتکین (۳۸۷-۳۶۶) که امیری ترک و متعصب و تابع خلیفه بغداد بود و با شیعیان و شیعی‌گری و امیران شیعی دیلمی، و هر نوع حرکتی که موجب تقویت ایران و ایرانیان گردد مخالف بود، در نیمه دوم قرن چهارم، این بنا را خراب کرد و تمام سقف و قسمت عمده دیوار بنا، به این ترتیب از بین رفت.

سبکتکین زیارت امام را نیز ممنوع ساخت اما از کار خود نتیجه‌ای نگرفت و چیزی از علاقه مردم به تربت پاک امام رضا (ع)، کاسته نشد، تا حدی که محمود پسرش، که همانند پدر ضد شیعیان بود، به اصرار دخترش ترکان زمرد مجبور شد بقعه را دوباره سازی کند و همانطور که ذکر شد، همان چهارطاقی را که قسمتی از آن هنوز برجای بود ساختند و به قول اعتمادالسلطنه در مطلع الشمس: «بارگاهی نیک پرداخت» منتها این بار دیوار آجری بود سقف را نیز با آجر ضریبی زدند.



تعمیرات و رفع خرابیهای آرامگاه حضرت رضا(ع) به همت حکمران خراسان، سوری بن مُعْتَر یا مُعْز مشهور به صاحب دیوان صورت گرفت. بیهقی نخست سوری را اینچنین معرفی می‌کند: «سوری مردی مشهور و ظالم بود چون دست او را گشاده کردند، بر خراسان اعیان و رؤسا را برکند و مالهای بی اندازه بستند و آسیب ستم او به ضعیفا رسید و از آنچه ستد از ده درم پنج سلطان را داد. آن اعیان مستأصل شدند.» سپس چند سطر بعد می‌نویسد:

سوری با ستمکاری مردی نیکو صدقه و نماز بود و آثارهای خوش وی را به طوس هست از آن جمله آنکه مشهد علی بن موسی الرضا علیه السلام که (...) بوبکر شهرد، کدخدای فائق الخادم خاصه آبادان کرده بود، سوری در آن زیارت‌های بسیار فرموده بود و مناره‌ای کرد و دیهی خرید فاخر و بر آن وقف کرد.<sup>۱۲</sup>

در اینجا دو مطلب قابل توجه ارائه می‌شود یکی مناره‌سازی آرامگاهی در ایران و دیگر وقف اموال بر مزار اولیاء الله و مرقدشان.

محمدرضا مخلصی در مقاله تحقیقی خود مناره‌ها پس از بحث مفصل درباره مناره و مناره‌سازی در اسلام در باب اولین مناره در معماری اسلام می‌نویسد:<sup>\*</sup>

شاید بتوان گفت که کهن‌ترین منار آجری موجود با تمام خصوصیاتش مناره ایاز یا ارسلان جاذب واقع در ۳۶ کیلومتری شهر مشهد می‌باشد. این بنا که به صورت میل آجری است، از آثار دوره سلطان محمود غزنوی (۴۲۱-۳۸۹) به حساب می‌آید.<sup>۱۳</sup>

عده‌ای این بنا را به ارسلان جاذب حکمران طوس در عصر غزنویان نسبت می‌دهند، برخی دیگر آن را به سلطان محمود غزنوی منتسب می‌دانند که به خاطر علاقه زیادی که به غلام خود ایاز داشته، به نام وی احداث کرده است. این منار در ابتدا به صورت منفرد ساخته نشده بود بلکه در قسمت جنوب شرقی آن، آثار دیواری که به منار تکیه داشت دیده می‌شود و این می‌رساند که منار به بنایی متصل بوده است.

اهمیت این بنا از آن جهت است که شاید یگانه اثر معماری دوره غزنوی در خاک ایران کنونی باشد. همزمان با این بنا می‌توان از مناره سلطان محمود غزنوی در غزنه نام برد که در سالهای ۳۸۸ تا ۴۱۲ ساخته و پرداخته شده است.<sup>۱۴</sup>

از مطلب بالا این نکته روشن می‌شود که نویسنده یا به وجود مناری در جوار مرقد حضرت

\* پروفیسور پوپ این بنا را نخستین آرامگاه گنبددار ایران می‌داند که ملکی بر آن وقف شده است.

رضا آگاهی نداشته و یا اینکه آن را مقدم بر بنای سنگ‌بست (آرامگاه ارسلان جاذب) نمی‌دانسته است. بنابراین اگر مناره جنب بارگاه رضوی را اولین مناره در ایران ندانیم، باید آن را دست‌کم نخستین منار آرامگاهی به حساب بیاوریم چون بر منار مجموعه سنگ‌بست تقدم دارد.

آرامگاه حضرت معصومه (ع) در قم نیز از نخستین آرامگاههای ساخته شده در ایران است و بر همین مبنا بدان اشاره‌ای خواهیم داشت (ضمناً باید دانست که نام آن حضرت فاطمه بوده است و قدیم‌ترین مدرکی که وی را معصومه نامیده، فرمانی است از جهان‌شاه قره قویونلو در سده نهم).<sup>۱۵</sup>

حضرت معصومه (ع) خواهر حضرت رضا (ع) و فرزند حضرت امام موسی کاظم (ع) ۱۸ ساله بود که در ۲۰۱ عازم خراسان شد و در ساوه بیمار گردید، از ساوه به قم آمد و ۱۷ روز بعد درین شهر رحلت فرمود، بدنش را در باغ بابلان که اکنون روضه اوست به خاک سپردند. آنچه درباره پی‌افکندن آرامگاه آن بزرگوار، که اکنون پس از آستان قدس رضوی بزرگترین بنای آرامگاهی شیعیان در داخل ایران است، می‌دانیم این است که اشعریان پس از فوت آن بزرگوار سایبانی از بوریاء بر سر تربت او برافراشتند، این سایبان برجای بود تا اینکه زنی زینب نام قبه‌ای بر سر تربت او نهاد.<sup>۱۶</sup> محل خاک‌سپاری آن حضرت باغ بابلان در کنار رودخانه قم بوده است، از آن موسی اشعری، حسن قمی آن را مقبره بابلان نامیده است یعنی این محل نیز پیش از آنکه آرامگاه حضرت معصومه گردد، آرامگاه بابلان بوده است. موسی بن خزر ج این باغ را پس از اینکه آرامگاه آن حضرت شد برای گورستان عمومی وقف کرد و این خود یک نقطه تحول در آرامگاه‌سازی محسوب می‌شود، چه تا آن زمان معمول نبود که باغی در وسط یا کنار شهر را گورستان کنند و احتمالاً، به علت پیروی از ستهای دیرین است گورستانها در خارج از شهر و در نقاط دورافتاده قرار داشته است.

سومین بنای آرامگاهی مهم ایران که باید در این جریان مورد مذاقه قرار گیرد، آرامگاه حضرت عبدالعظیم (ع) است در ری، نام کامل آن بزرگوار حضرت عبدالعظیم بن عبدالله است، از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) است که در حدود سال ۲۵۰ برای زیارت مرقده حضرت امام رضا (ع) عازم خراسان شد و چون بیمار بود، در این شهر در باغی واقع در خارج شهر ری، از سوی مغرب که از آن عبدالجبار فرزند عبدالوهاب بود منزل کرد و مدت کوتاهی پس از آن، در همین شهر و در همین باغ، درگذشت و وی را نزدیک یک درخت سیب در این

باغ به خاک سپردند. ازین روی بود که آرامگاهش به مشهد الشجره معروف گردید. به روایتی صاحب باغ خود مذهب تسنن داشت و در پی خوابی که دید. این باغ را برای دفن حضرت عبدالعظیم و دیگر شیعیان وقف کرد.<sup>۱۷</sup>

چهارمین آرامگاه مهم که در این تاریخچه باید مورد توجه قرار گیرد، آستانه اشرفیه است که نامش را به شهر گچان داده است یعنی آستانه فعلی شهرستانی همسایه لاهیجان. تاریخ بنای آرامگاه را در دست نداریم، رایینو محقق انگلیس تاریخ بنا را به دلایلی که قابل اعتماد نیست ۲۹۱ یا ۳۹۱ می‌داند، البته گنبد و ضریح و درهای نفیس این زیارتگاه همه در سده‌های بعد ساخته و پرداخته شده‌اند.<sup>۱۸</sup>

بررسی آرامگاههای اسلامی سده‌های نخست اسلامی، در ایران به منظور تنظیم و تحریر تاریخ آرامگاهها و سیر تطور و تکامل آن کاری است پیچیده و دشوار و در عین حال مهم، از این نقطه نظر که در حقیقت تاریخ آیین شیعی است و در طی این تاریخ مفصل، به یک نکته مهم برخورد می‌کنم و آن اینکه هر دو فرقه شیعی و سنی در طی سده‌های متمادی نسبت به اعتقادات همدیگر یک احترام متقابل داشتند. در کتاب النقض می‌خوانیم: در بیشتر بقاع که تربتهای سادات است سنیان خواب دیده‌اند چنانکه بیارکرب و ساوه و بناحق و باطان ری و برزقا و فارس و بصره و خوزستان، و از سوی دیگر توجه شیعیان به آرامگاههای عارفان سنی از جمله بایزید بسطامی.<sup>۱۹</sup>

نویسنده مقاله مقابر با توجه به نکات بالا نتیجه‌گیری می‌کند که رشد آیین شیعه و گسترش آرامگاه‌سازی و تزیین آرامگاه قدسین و دایر نگه داشتن آن، از اسبابهای مهم تکوین و رشد و گسترش آیین شیعه در این قلمرو مورد بحث ما بوده است:

روشن است که رشد آیین شیعه نقطه اوج در همه تحولات مربوط به آرامگاه‌سازی شیعی بود. در میان مکانهای مقدس، مقابر امامان شیعه و بستگان آنها در کربلا و نجف و مشهد و قم و سامره، کانونهای طبیعی اشتیاقات مردم شیعی گردید و طولی نکشید که این اشتیاق، بخش پیوسته و بنیادی مراسم عاشورا شد. همین که این مراسم و شعائر تکامل یافت و پیچیده‌تر و مجلل شد طبیعی بود که آرامگاهها نیز باید همگام با این مراسم تبدیل به آرامگاههای مجلل شوند، رشد سریع رسم زیارت قبور ائمه و خواندن نماز و ادعیه و اجرای حکم قرآن در این مکانهای مقدس و به خاک سپردن عزیزان درین جاها و اهدای هدایا و وقف کردن اموال غیر منقول برین زیارتگاهها و همه و همه عواملی بود که وجود آرامگاهها را در

آن اجتماعات ضروری می‌ساخت.<sup>۲۰</sup>

مسأله تعاون و توجه داشتن اغینا به فقرا، یک خصیصه قدیمی ذاتی برای ایرانیان است و شاید بتوان سرچشمه فیاض این روحیه را از ظهور و درخشش کوروش بزرگ پی‌گیری کرد که محبت و ملایمت را جانشین مرگ و خشونت ساخت، در آیین زرتشتی نیز این روحیه خیررسانی به‌شدت وجود داشت و در عصر ما اقلیت زرتشتی هند نمونه‌ای کامل از این روحیه را ارائه می‌کنند. البته امروز مسئله تعاون یک پدیده اجتماعی مهم انسانی اقتصادی است و مسئله تصدق و کمک بلاعوض مطرح نیست، اما تعاون باید آن‌چنان زیربنایی داشته باشد تا بتواند رشد کند و شکوفا شود. در آیین زرتشتی پنج روز آخر سال شمسی را روز از دنیا رفتگان می‌دانند و به‌اطعام آن عزیزان از دست رفته می‌پردازند که این خود یک مرحله از احسان و نیکوکاری است. در اسلام نیز این روحیه به‌شدت تحسین و تبلیغ می‌شود، اما در میان ملل گوناگون که اسلام آوردند هیچ قومی چون ایرانیان به‌مسئله تعاون و احسان و اطعام معتقد نبوده‌اند و نیستند، اعتقادی بنیادی و بسیار مستحکم.

حال باید محلی برای عرضه کردن این نیکوکاری و تعاون یافت این مکان البته می‌تواند مسجد باشد، اما مسجد خانه خداست و نمی‌توان در مسجد سفره برای اطعام مستمندان گسترده، امامزاده‌ها و مکانهای متبرک از جمله حسینیه و تکیه بهترین جا برای عرضه این نیکوکاری است، بسیاری از نیکوکاران به‌جای انداختن سفره آبادیها و املاک خود را به‌عنوان وقف در اختیار این مکانهای مقدس قرار می‌دادند. در حقیقت می‌توان گفت همان‌گونه که مسجد سنگر اسلام است، در آیین شیعه این مرقد‌های متبرک، پشتوانه‌ای استوار برای آیینی است که در ایران موجد وحدت و همزیستی و حسن سلوک و دفاع در برابر دشمنان خارجی شده است. فراموش نکنیم که در غیاب امامزاده‌ها، حسینیه‌ها و تکیه‌ها، همان نقش امامزاده‌ها را برعهده داشتند و در بسیاری نقاط علاوه بر امامزاده حسینیه‌ها و تکیه‌ها تأسیس و دایر می‌شدند.

برای خاندان عباسی، خلافت موهبتی بود که با همت و پشتکار ایرانیان، به‌خصوص مردم غیور خراسان به‌ایشان رسید و در این میان مأمون بیش از همه این قدر شناسی را داشت، زیرا علاوه بر کل سلسله، در مورد خود وی نیز این مسئله صادق بود و در حقیقت، پیروزی مأمون بر امین پیروزی دیگر ایرانیان بر اعراب مسلمان بود. سلسله طاهریان که سرسلسله‌اش طاهر ذوالیمینین، بنیانگذار خلافت مأمون نیز بود، در عصر این خلیفه تشکیل شد و این سلسله امیرانی خود مختار و ایرانی، در قلمرو خلیفه عباسی داشت. مقبره عبدالله بن طاهر در حظیره

نیشابور را می‌توان قدیم‌ترین آرامگاه امیران و شاهان ایرانی پس از اسلام دانست. در این گورستان عده‌ای از اجله‌ی سادات علوی و عشیره خود امیر عبدالله آسوده‌اند.<sup>۲۱</sup> دومین آرامگاه امیران و شاهان ایرانی که ارائه می‌شود، گور یعقوب لیث صفاری است، یعقوب که به‌راستی پایه‌گذار حکومت مستقل ایران در قلمرو مشرقی عباسیان است، در شوال ۲۶۵ درگذشت در زین‌الخبار در این باره می‌خوانیم:

«پس یعقوب فارس و اهواز بگرفت و قصد بغداد کرد و خواست که به بغداد رود و معتمد را از خلافت باز کند و موفق را بنشاند و موفق این حال با معتمد بگفت. و یعقوب اندر بیژنامه‌هایی (نامه‌ها) به‌سوی موفق همی نوشتی و موفق آن رقع‌ها معتمد را همی عرضه کردی، تا یعقوب به‌دیرالعاقول رسید نزدیک بغداد، بر منفذ آب فرات، و لشکر آنجا فرود آورد. موفق فرمود تا آب دجله بروی بگشادند و لشکر یعقوب بیشتر هلاک شدند و او هزیمت شده بازگشت و از آن ننگ او را زحیر گرفت و چون به‌جندی شاپور رسید از آن علت زحیر بمرد، و او هرگز از خصمان هزیمت نشده بود و مکر هیچ کس بر او روا نشده بود. مرگش اندر روز چهارشنبه دهم شوال سنه خمس و ستین و مایتن بود.<sup>۲۲</sup>»

استاد احمد اقتداری با پژوهشی دقیق و مستند به‌اثبات رسانده است که آرامگاه یعقوب در شهر جندی شاپور بوده و هست، که آثار آن در جنوب شرقی دزفول دیده می‌شود و باید در یکی از نقاط زیر باشد: شاه آباد دزفول، سیا منصور دزفول، چغاسور دزفول، چغاسرخ دزفول، چغامیش، کلایا در دزفول، و اگر بعد از کاوشهای بسیار اثری از گور یا سنگ گور یعقوب یا حکایتی و قرینه‌ای و نشانه‌ای از مدفن این سردار بزرگ تاریخ اسلام و اولین شهریار ایران پس از اسلام، درین پهن دشت به‌دست نیاید، قبول بقعه شابوالقاسم شاه آباد دزفول به‌نام و نشانه‌ی آرامگاه یعقوب لیث صفاری به‌طور سمبلیک دور از صواب نیست.<sup>۲۳</sup> اما امام شوشتری مقاله‌ای که در نشریه ایران‌شناسی نوشته تقریباً به‌اثبات رسانده است که گنبد و بارگاه شابوالقاسم در جنوب شرقی دزفول، آرامگاه یعقوب است. در این باره سخن را در همین جا به‌پایان می‌رسانیم و پژوهشگران را به‌مطالعه تحقیقات عالمانه استاد اقتداری توصیه می‌کنیم.<sup>۲۴</sup>

پیش از اینکه به‌عصر سامانیان و غزنویان برسیم این توجیه مستدل یک محقق غیرایرانی را درباره شکوفایی آرامگاه‌های عصر سامانیان و غزنویان ارائه می‌کنیم: روشن است که رسوم تدفین در ایران را نمی‌توان جدا از بقیه جهان اسلام مورد

بررسی قرار داد. منابع کتبی مقرر می‌دارد که در سراسر اسلام، از سده دوم هجری به بعد آرامگاههایی ساخته می‌شده است بنابراین کاملاً امکان دارد که ایرانیان مسلمان این اندیشه را از همکیشان خویش در مصر و سوریه و عراق گرفته باشند.<sup>۲۵</sup>

علت این توجیه دانشمند مزبور و احتمال شدید وارداتی بودن آرامگاه‌سازی در ایران، از آن لحاظ در مدنظر این دانشمند است که به‌تصور وی در سده‌های طولانی عصر اشکانی و ساسانی در ایران آرامگاه‌سازی متروک بود و به‌جای آرامگاه برج خاموشان و دخمه و استودانها به کار گرفته می‌شده درحالی که ما در طی این بحث دیدیم که دخمه‌ها و استودانها کم‌کم حالت آرامگاه به‌خود گرفت و شواهدی داریم که حتی تا سده گذشته در دخمه‌های واقع در جوار آرامگاهها مرده‌ها را می‌سپردند و در ایران اسلامی چندین برج آرامگاهی، با استودانهای ساخته شده در بالای این برجها سراغ داریم، ضمناً بسیاری از بناهای آرامگاهی و مساجد ایران بر الگوی آتشکده‌های ساسانی و آذران‌ها (چهار طاقی ساده) ساخته و پرداخته می‌شده است و یا اینکه آتشکده‌ها مبدل به مسجد و آرامگاه می‌شده است سپس دانشمند مزبور این چنین ادامه می‌دهد:

صرفنظر از این موضوع که این اندیشه چگونه به ایران رسید کمتر تردیدی وجود دارد که در این دیار رونق به‌سزایی یافت. در سده‌های دهم و یازدهم میلادی یعنی روزگاری که در آن معماری آرامگاهی نخستین شکوفایی را به‌خود دید تنها ناحیه‌ای که در آن تعداد آرامگاهها قابل مقایسه با ایران بود مصر معاصر خلافت فاطمیان می‌باشد. در این منطقه اخیر تطابق بین آیین تشییع و بناهای قدیمی را می‌توان ملاحظه نمود که هنوز روشن‌تر از آن عهد است، یعنی امروزه هم این تطابق وجود دارد.<sup>۲۶</sup>

فراموش نکنیم که ایران تحت نفوذ آیین زرتشت و نژاد ترک نیز قرار داشت.

سامانیان که از آسیای مرکزی برخاسته بودند، از نقطه‌نظر فرهنگ ایرانی عصری ممتاز را خلق و ارائه کردند و به‌جرات می‌توان گفت بانی اصلی و نخستین آرامگاه‌سازان در ایران (گذشته از آستانه‌ها و امامزاده‌ها) امیران سامانی بودند و در عصر ایشان بود که یکی از زیباترین بناهای آرامگاهی جهان اسلام ساخته و پرداخته شد: «آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا».

آرامگاه امیر اسماعیل در بخارا را اگر نخستین بنای مهم آرامگاهی اسلامی در گستره فرهنگی ایران بدانیم دومین بنا بنای گنبد کاووس است در گرگان که با اینکه از دو گونه و سبک آرامگاهی حکایت می‌کنند، یک نزدیکی و تشابه معنوی نیز باهم دارند. آرامگاه

امیراسماعیل در بخارا که تاریخ آن به پیش از سال ۹۴۳ می‌رسد فقط نسخه مجلل سبک متداول (آتشکده چهارطاقی) دوره ساسانی است، این اظهار نظر اغلب پژوهشگران در باب این آرامگاه است که ماقول هیلن براند را آورده‌ایم. این دانشمند درباره آرامگاه قابوس می‌نویسد:

در گنبد کاووس (مورخ ۱۰۰۶ م) که سر آغاز درست تعدادی مقبره برجی ایرانی است، روح آرامگاه‌سازی زرتشتی در قالب جدیدی خودنمایی می‌کند، فراموش نکنیم که در این بنا تاریخ یزدگردی نیز همراه و همگام تاریخ هجری ارائه شده است (و این خود می‌تواند یک هویت زرتشتی به‌بنا بدهد که داده است) طبق روایت الجنبی جسد شاه را در یک تابوت شیشه‌ای از سقف آویزان شده بود گذاشتند، درحالی که سر تابوت را متوجه تنها روزنی کرده بودند که در برابر آفتاب طالع قرار داشت. اگر بتوان این شرح را معتبر دانست، که اجتناب دقیق از به‌خاک سپردن جسد در خاک را ارائه می‌کند و دستورهای موکد آیین زرتشتی را به‌خاطر می‌آورد، هر آینه چنین خلجانی نیز در دین پدید می‌آید که انتخاب مصرانه ستیغ تپه‌ها برای محل تعداد زیادی از آرامگاههای اولیه نموداری از دخمه‌های زرتشتی است.<sup>۲۷</sup>

زیبایی و صلابت این دو بنا که هر دو در سبک خاص خود اولین شمرده می‌شوند یادآور این نکته است که آرامگاه‌سازی در این دوره مسیر خود را یافته و اولین‌ها را به‌نمایش گذاشته است، هر دو ایرانی و هر دو بر مبنای بناهای سستی ایران، و به‌طوری که خواهیم دید در آینده نیز هیچ بنای آرامگاهی خلق و ابداع نشد که از جذبه و شکوه این چنین توانا و دلپذیر بهره‌مند باشد و تحت تأثیر یکی از این دو بنا قرار نگرفته باشد.

اریک شرودر محقق معاصر بر مبنای بررسی همین بناهاست که می‌نویسد:

غزنویان وارثان فرهنگ و تمدن ساسانی در آسیای مرکزی، یکی از درخشانترین ادوار معماری ایران را خلق کردند عصری که از لحاظ مقایسه مشابه عصر اوگوست در رم، کنستانتین در قسطنطنیه و امیر تیمور در آسیای مرکزی بوده است. سپس از دو بنای غزنوی یاد می‌کند: برج یا مناره محمود و آرامگاه سبکتکین در غزنه.<sup>۲۸</sup>

درست است که نویسنده به معماری غزنوی ارج می‌نهد و آنان را می‌ستاید اما فراموش نکنیم که حق است این ویژگیها را به عصر سامانی نسبت دهیم که این هردو اثر، آرامگاه امیراسماعیل و گنبد کاووس متعلق بدان عصر است و بسیار آثار دیگر که با تشکیل حکومت ترکان در خراسان ویران گردید و ناپدید شد.

همین محقق، اریک شرودر می‌نویسد:

به‌کارگیری و استفاده وسیع از آجر در بناهای تاریخی به‌ویژه آرامگاهها را سلطان محمود، مدت کوتاهی پیش از مردن به‌ایرانیان ارائه کرد و سلجوقیان بودند که آن را تعمیم و گسترش دادند.<sup>۲۹</sup>

اما باید به‌خاطر داشته باشیم که آن دو بنای آرامگاهی، آرامگاه امیراسماعیل و گنبد کاووس هر دو آجری هستند و از هر لحاظ به‌بنای سنگ‌بست، که آن هم دارای زیربنای سامانی است اما متعلق به عصر غزنویان است برتری دارند. بنابراین به‌کار بردن آجر اگر پاداشی داشته باشد این پاداش از آن سامانیان است و به‌خصوص این بنای مورد بحث ما، نه آن بنای منسوب به محمود و عصر وی، اینکه نویسنده می‌نویسد که وی یعنی محمود غزنوی در سالهای آخر عمر آجرکاری را به‌ایرانیان ارائه کرد درست نیست. نویسنده اساساً به‌بنای سنگ‌بست در این استدراک خاص خودش اشاره ندارد، ولی اینکه می‌نویسد سلجوقیان آن را گسترش و تعمیم دادند درست است و به‌عبارت بهتر می‌توان گفت: در عصر سلجوقیان این هنر در معماری ایران ترویج و تکمیل گردید.

این محقق سیر تکاملی آجرکاری را در بناهای تاریخی ایران بعد از اسلام این‌چنین پی‌گیری می‌کند: گنبد قابوس، برج رادکان نیکا، مزار پیر علمدار و چهل دختران دامغان و چند بنای دیگر که اتفاقاً همه آرامگاه‌اند. تاریخ بنای این آرامگاهها به‌طوری که در کتاب بررسی هنر ایران پوپ آورده شده بدین قرار است:

گنبد قابوس ۱۰۰۶ م / ۳۹۷ برج زادگان نیکا ۱۲۸۱ م / ۶۸۰ مزار پیر علمدار ۱۰۲۶ م / ۴۱۸ چهل دختران دامغان ۱۰۵۶ م / ۲۸۴۴۸

در این فهرست اشاره به آن دو بنای آرامگاهی مهم: آرامگاه امیراسماعیل و رباط سنگ‌بست نشده و بلافاصله پس از گنبد قابوس، برج رادکان نیکارا که تاریخش ۶۸۰ (۱۲۸۱ م) است آورده با یک فاصله نزدیک به سیصد سال سپس مزار پیر علمدار ۴۱۸ (۱۰۲۶) و چهل دختران، نامی هم از برج لاجیم نیست. بررسی خود درباره آرامگاههای برجای مانده از روزگار سامانیان و غزنویان را در اینجا به‌پایان رسانده یادآوری می‌کنیم که دوران حکومت دیلمیان و سامانیان و البته صفاریان و طاهریان که هر یک به‌نوعی ایران‌دوست و طرفدار استقلال ایران، اما مسلمان بودن و مسلمان ماندن ایرانیان بودند، با روی کار آمدن ترکان: غزنویان، غزا و سرانجام سلجوقیان به‌پایان رسید. این پایان، پایان یکی از



درخشانترین عصرهای فرهنگی و تمدنی ایران زمین بود اگر ممتازترین آنها نباشد. روند تکاملی آرامگاه و آرامگاه‌سازی اسلامی ایران بدون ارائه فهرستی از این بناها به ترتیب تاریخ ساختمان، کامل نخواهد بود از این رو با انتخاب گروهی از این آرامگاههای قابل طرح و مهم این فهرست‌ها را ارائه می‌کنیم، برخی از این بناها دارای تاریخ بنایند که مشکلی را ایجاد نخواهند کرد و برخی فقط با سده یا عصر مشخص‌اند، در این صورت حق تقدم را به بناهای تاریخ‌دار می‌دهیم: به عنوان مثال آرامگاه عمیدالدین شمس‌الدوله در ابرقو یا تاریخ ۴۸۸ بر بنایی که ممکن است از سده پنجم و در سالهای نخستین ۴۰۰ باشد، اما فقط می‌دانیم که از سده پنجم است، تقدم دارد.

نکته دیگر اینکه حدود فاصل مشخصی بین بناهای آرامگاهی سلسله‌های نخستین: طاهری، صفاری، آل بویه، آل زیار، سامانی و غزنوی با بناهای عصر سلجوقی وجود ندارد از این رو کل بناهای سده پنجم و بناهای تاریخ‌دار نیمه اول این سده را پیش از آرامگاههای عصر سلجوقی ارائه می‌کنیم. یادآوری می‌شود که آرامگاه امیراسماعیل سامانی و برج گنبد کاووس، متعلق به روزگاران پیش از سلجوقی، الگو و نمونه بناهای سلجوقی نیز قرار گرفتند، از این رو تعیین تاریخ دقیق بناهای بدون نوشته به سختی امکان‌پذیر است، اگر غیرممکن نباشد.

جدول‌های نمایشی بناهای آرامگاهی ایران در عصر اسلامی از آغاز تا سلجوقیان:

### ۱- آرامگاه از آغاز اسلام تا پایان سده سوم

(ارائه نام آرامگاه و سنه و یا سده آن بر مبنای متن کتاب است با ذکر صفحه متن و در صورتی که در متن نباشد مهمترین مرجع ذکر می‌شود.)

□ بی‌بی شهربانو در کوه بی‌بی شهربانو، شهر ری. یک بنای ساسانی بویه‌ای سلجوقی ص ۶۸ درباره این بنا شادروان مصطفوی و استاد کریمان هردو نظر دارند که بنا از پیش از اسلام مانده است، کریمان نتیجه بررسیهای خود را این چنین ارائه می‌کند:

چون در تاریخ حوادث ری تا آنجا که عرصه تتبع بر نگارنده فراخ بوده، نام بانویی بدین صورت مشهود نیفتاده تا احتمال خلط اسم برود، ازین رو شاید بتوان گفت که این محل

\* همانند بدنه اصلی کتاب □ به جای آرامگاه به کار رفته است.

دخمه‌ای از بزرگان زرتشتی بوده است و برای آنکه مسلمانان آنجا را خراب نکنند. آن را به عروس ایرانی خاندان نبوت نسبت داده‌اند و به بنای آن نیز درافزودند. وجود دخمه‌گیرها در آن نزدیکی، در شمال آن مؤید این نظر است و چنانکه در صفحه ۳۷۹ [ری باستان] اشارت رفت، تواند بود که آن محمل دخمه فرزندان یزدگرد سوم (هرمزد و خاندان وی) که در ری به دست فیروز کشته شده‌اند بوده است، و برای محفوظ ماندن آن را به فرزندان یزدگرد نسبت داده‌اند، بلندی محل این بقعت نیز در کوه ری یادآور دستور وندیداد است.<sup>۳۰</sup>

□ سلمان پاک در مداین از سده اول سالهای ۳۵ تا ۳۶، ص ۳۰۵

□ شعياً در اصفهان از دوران اولیه اسلام. ص ۳۰۳

□ اويس قرنی در شمال غرب کرمانشاه، از سده اول تا عصر سلجوقی. ص ۲۴۲

□ فرازی منجم، ابواسحاق - منجم منصور عباسی، قلعه طبرک ری، سده دوم، ص ۳۷۵

□ جبلیه در کرمان، ساسانی - سلجوقی. ص ۲۶۴

□ هارون پایه وزیر بنای آستان قدس رضوی در سناباد طوس مشهد کنونی، آخر سده

دوم. ص ۹۹

□ حضرت معصومه (ع) در قم نخستین سالهای سده سوم. ص ۲۷۳

□ عبدالله طاهر، نیشابور، نیمه نخست سده سوم. ص ۳۶۰

□ حضرت عبدالعظیم (ع) در ری، نیمه دوم سده سوم. ص ۳۹۱

□ فضل بن شاذان در نیشابور، سده سوم. ص ۳۷۸

□ شیخ جنید بغدادی در بغداد، ایرانی الاصل سالهای پایانی سده سوم. ص ۳۳۷

□ یعقوب لیث سیستانی، جندی شاپور خوزستان، سده سوم. ص ۴۵۱

## ۲- آرامگاههای سده چهارم تاریخ‌دار از سال ۳۰۱ تا ۴۰۱

(ص به علامت صفحه ارجاع به متن کتاب است)

□ داعی صغیر، آمل از ۳۱۵. ص ۲۸۳

□ ابوجعفر کلینی در کلین از قرای فشافویه، ۳۲۹ ص ۲۱۸

□ ابن بابویه، ابوالحسن علی بن حسین، ۳۲۹ ق.م. ص ۲۱۴

□ عمادالدوله دیلمی، علی مؤسس سلسله آل بویه، استخر از سال ۳۳۴. ص ۳۶۷

□ فارابی، ابونصر - دمشق از سال ۳۳۹. ص ۳۷۲

- شیخ کبیر، شیراز از ۳۷۱ ص ۳۴۳
- ابن بابویه، ابو عبدالله حسین بن علی در ری از سال ۳۷۸. ص ۲۱۴
- حسن بن علی معروف به ابی احمد صغیر، شیراز از ۳۸۴. ص ۲۷۱
- فخرالدوله دیلمی در شهر ری اکنون ناپیدا از سال ۳۸۷. ص ۳۷۴
- محمد بن موسی کاظم و خواهرش در قوشه امام قزوین، احتمالاً آل بویه. ص ۳۱۹
- مرداوید زیاری در امین آباد شهر ری از سال ۳۲۳. ص ۴۰۷
- امیر اسماعیل سامانی در بخارا، تاریخ بنا ۳۹۵. ص ۲۳۵
- قابوس و شمشیر در گرگان (مرکز شهرستان گنبد) از سال ۳۹۷، ص ۳۸۰

### ۳- آرامگاههای سده چهارم بی تاریخ

(ص به علامت صفحه ارجاع به متن کتاب است)

- ارسلان جاذب، رباط سنگ بست در راه مشهد به تربت جام، از سده چهارم. ص ۲۲۵
- بابا توکل در بجنورد از سده چهارم. ص ۲۴۳
- باراجین، برج آرامگاهی در قزوین از سده چهارم یا پنجم. ص ۲۴۶
- برجی گلک در جزیره هرمز از سده چهارم. ص ۲۴۸
- رودکی در رودک تاجیکستان، از سده چهارم. ص ۲۹۰
- سمیران یا آرامگاه کوچک، در دهستان تارم کنار سد سفیدرود بنایی از قرن دهم میلادی (ایران یک) با گچ بریهای حاوی نقش گل و بوته، مشابه با گچ بریهای دوره آل بویه، از جمله گچ بریهای در مسجد حکیم اصفهان بنایی از سده چهارم. آق ۴۲۱.
- سقز، برج آرامگاهی در سقز کردستان مانده از سده چهارم ص ۳۰۶
- سنگی با کتیبه کوفی (که می توان آن را آرامگاه سوم سمیران نامید).
- این بنا را نیز استاد ورجاوند معرفی کرده اند، بنایی است نیمه ویرانه که بیش از دو بنای دیگر، سمیران و قلعه ساسان، آسیب دیده است، ظاهراً دو کلمه از کتیبه کوفی این بنا که در ۱۹۶۳ توسط ویلی مورد مطالعه قرار گرفت و معرفی شد بر جای مانده است، با خطی بسیار زیبا. از سده چهارم. ص ۳۰۶
- شاهزاده عبدالله در ساوه، سلجوقی. ص ۳۲۰
- شاهزاده عبدالله، در گودرز اراک، بنا از سده چهارم، ص ۳۲۰

- شیخ ابوبکر رازی یا ارموی، ارومیه در قبرستانی به نام خود وی، از سده چهارم. ص ۳۳۴
- شیخ ابوشجاع، در مزار شیخ منصور، شیراز، از سده چهارم. ص ۳۳۴
- شیخ احمد نساج در شیراز، کنار شهید ام‌کلثوم، سده چهارم. ص ۳۳۵
- شیخ رضی‌الدین علی در غزنین از سده چهارم. ص ۳۳۸
- شیخ کبیر در شیراز از سده چهارم. ص ۳۴۳
- شیخ مفید در کاظمین، از سده چهارم. ص ۳۴۵
- بزرگ یا قلعه ساسان.

برای معرفی این بنا برخی از نوشته‌های دانشمند بزرگ دکتر ورجاوند را می‌آوریم:

شیوه ساختمانی این دو برج آرامگاهی (آرامگاه کوچک سمیران و آرامگاه بزرگ سمیران یا قلعه ساسان) و از جمله به کار بردن مصالحی چون سنگ لاشه و ملاط گچ - ستونهای مدور واقع در گوشه‌ها و بر روی نمای بنا و همچنین تزئینات روی اضلاع خارجی آنها، می‌توان به این نتیجه رسید که بناهای مزبور، مربوط به آثار اولیه بعد از دوره ساسانی و دوران آل بویه می‌باشد و ازین رو حایز کمال اهمیت هستند.

شیوه ایجاد آرامگاه در بالای ارتفاعات و به‌خصوص بر روی صخره‌های سنگی، دنباله همان سنتی است که در دوران ساسانی رواج داشته و در دوره آل بویه با قبول اسلام با جزیی تغییر ادامه یافت. به این اعتبار که با وجود دفن اجساد، به علت احترامی که برای پاک نگه داشتن خاک قایل بودند آنها را به خاک نمی‌سپردند، بلکه داخل سنگ را گود می‌ساختند و جسد را نظیر دخمه‌های هخامنشی و استودانهای ساسانی درون آن قرار می‌دادند. نمونه آن گذشته از دو برج آرامگاهی مورد بحث در گورستان قلعه گبری ری نیز دیده می‌شود. بنایی از سده چهارم ص ۳۴۹

□ علمبردار آمل از سده چهارم ص ۲۱۰

#### ۴- آرامگاههای بی تاریخ (حدود سده پنج) که نمی‌توان آنها را به سلسله یا عصر خاصی منسوب دانست

- امامزاده قاسم در کنار دریاچه سد سفیدرود. احتمالاً از عصر آل بویه. آق ص ۲۳۴
- پنجه شاه، کاشان خیابان بابا افضل، آل بویه - سلجوقی - صفوی. ص ۲۵۴
- نقاره خانه برج آرامگاهی در شهر ری: آل بویه، سلجوقی. ص ۴۳۸
- سلطان عطابخش کاشان در راه اصفهان از آل بویه تا سده ۱۱. ص ۳۰۲

- حضرت عبدالعظیم در شهر ری آل بویه، صفوی، قاجاری. معماری ۷۶/۲
- امامزاده حمزه رضا در شیروان، به احتمال غزنوی. ص ۲۳۳
- برجی گلک در جزیره هرمز و سامانی - سلجوقی. ص ۲۴۸

#### ۵- آرامگاههای تاریخ دار نیمه اول سده پنجم، از سال ۴۰۱ تا ۴۵۱

- امامزاده عبدالله یا برج لاجیم در سوادکوه، یکی از سه آرامگاه قدیمی در کوهستانهای البرز که توسط حکمرانان محلی مازندران ساخته شده، این مطلب تأکید می شود با کتیبه ای پهلوی که در بالای کتیبه و پی بنا به یادگار مانده است از سال ۴۱۳. ص ۳۹۷
- پیر علمدار در دامغان از سال ۴۱۸. ص ۲۵۸
- ابوعلی مسکویه در امامزاده باقر، خواجهی اصفهان از ۴۲۰. ص ۲۱۹
- مشهدی سره در لنکای تنکابن از سال ۴۲۱. ص ۴۰۸
- شیخ ابواسحاق در کازرون از ۴۲۶. ص ۳۳۳
- دوازده امام یزد از سال ۴۲۹. ص ۲۸۵
- شمس الدوله در ابرقو از سال ۴۴۸. ص ۳۲۹
- چهل دختران در دامغان از ۴۴۸. ص ۲۶۷
- علی، گنبد علی در ابرقو از ۴۴۸. ص ۳۶۵

#### ۶- آرامگاههای برجای مانده از سده پنجم بی تاریخ

- ابن فورک ابوبکر محمد بن حسن، گورستان حیره نیشابور سده پنجم. ص ۲۱۶
- ابوسعید ابوالخیر در مهنه خراسان، از سده پنجم. ص ۲۱۹
- ابوالفتوح رازی، ری سده پنجم. ص ۲۱۷
- ابونصر ایرآبادی در طبس، از سده پنجم. ص ۲۲۰
- پیر در تاکستان، بنای سلجوقی مانده از سده پنجم. ص ۲۵۵
- پیر حمزه سبزپوش در ابرقو از سده پنجم. ص ۲۵۵
- حسین در ترمذ، مجموعه بناهای سلطان سعادت از سده پنجم. ص ۲۷۲
- خواجه عبدالله انصاری در هرات گازگاه از سده پنجم. ص ۲۸۰
- خواجه عزیزالله در تربت جام از سده پنجم. ص ۲۸۰

□ رادگان، برج آرامگاهی در کردکوی گرگان، از سده پنجم. ص ۲۸۷

□ ریست برجی در دو دانگه ساری، از سده پنجم ص ۲۸۸

□ شبلی برجی در دماوند، مانده از سده پنجم.

احمد کسروی مقاله‌ای در باب این بنا در مجله نوبهار، هفتگی شماره ۲۵ حوت ۱۳۰۱\* دارد که خواندنی است و به اختصار نقل می‌شود: در طرف شرقی دماوند گنبدی واقع است که آن را به اشکال گوناگون می‌خوانند: مقبره شیخ شبلی، گنبد طغرل و دخمه قدیمی که گنبدی است، هشت گوش و پهنای هر بر آن سه ذرع می‌شود... تاریخ بنای این گنبد را کسی سراغ ندارد، شاید از پیش از اسلام مانده است و با این وجود از استحکام کامل برخوردار است.

در درون گنبد چیزی پیدا نیست فقط در زیر آن آثار دخمه دیده می‌شود، پیش از ما مرحوم صنیع الدوله نیز از این بنا بازدید کرده است. پیرمردان محل به نقل از پدران خود می‌گفتند که در نخستین سالهای پادشاهی ناصرالدین شاه مأمور مخصوص از طرف دولت فرستاده شده بود، که زیر گنبد را حفر کردند تا چنانچه دینه یا چیز قیمتی دیگری پیدا شود در آورند، چون شروع به کندن کردند به دخمه رسیده وارد شدند معلوم گردید که آنجا مقبره زرتشتیها (گیرها) بوده است و مرده‌ها را دور تا دور روی سکوها نشانده‌اند. مثل مجمعی که حاضرین اطراف اطاق را تماماً اشغال کرده باشند. لیکن همین که روزنه باز شد و هوایی از خارج داخل دخمه گردید سکونشینان که استخوانی بیش نبودند همگی از هم پاشیده افتادند... این قصه را هم شنیدیم که چند سال قبل مرحوم مختار السلطنه به دماوند آمده و خرابی را که در موقع حفر به دخمه و اطراف گنبد وارد آمده بود تعمیر کرده، وی گفته است که اینجا مقبره شبلی معروف است و من از طرف پیرو مرشد خودم آمده‌ام که اینجا را تعمیر بکنم. ۳۱

□ ضیاءالدین ابوالمعالی در نیشابور از سده پنجم. ص ۳۵۳

□ سنگان بالا\* در خراسان، از سده پنجم. ص ۳۰۶

□ شاهزاده محمد در اراک، بنایی از سده پنجم. ص ۳۲۱

□ شاهزاده سید نورالدین در جنوب اردکان فارس، از سده پنجم. ص ۳۲۰

□ شاهزاده کبیر در ابهر زنجان، بنایی از سده ششم. ص ۳۲۱

\* نقل از کاروند کسروی به اهتمام استاد یحیی ذکا. ص ۴۱.

\* در لغت‌نامه سنجان و شاه سنجان.

- شیخ ابوالحسن جوری در بسطام، قلعه نو از سده پنجم. ص ۳۳۳
- شیخ زاهد در مزار شیخ حسن کیا در شیراز. ص ۳۳۹
- نازنین فرشته در آرامگاه شوهرش عمیدالدین شمس الدوله هزار اسب در ابرقو، از سده پنجم. ص ۴۳۲
- ناصر خسرو علوی شاعر نامدار از سده پنج، در یمگان خراسان از سده پنجم. ص ۴۳۳
- امامزاده یحیی در محلات از سده پنج و شش. معماری ۸۱/۲
- خجندیان در اصفهان از سده ۵۴ تا ۷. ص ۲۷۷
- امامزاده جعفر در خیابان امام خمینی دامغان از سده های ۵ تا ۱۰، ص ۲۳۲
- این فهرست را با افزودن سه بنای آرامگاهی دیگر که برای نخستین بار در کتاب سرزمین قزوین و به کوشش استاد ورجاوند معرفی شده اند، پایان می دهیم. علت آوردن این معرفی نامه به پایان بحث از آن نقطه نظر است که برخی از این بناها را دکتر ورجاوند ساسانی، برخی را ساسانی - آل بویه دانسته اما به احتمال قوی بناهای سنگی مزبور را می توان پلهای شایسته ای میان آتشکده های چهارطاقی و آرامگاههای آغازی عصر اسلامی دانست. چون در جای دیگر اشاره ای به قدمت آنها نشده، هر سه بنا را به بهانه مشکوک بودن در پایان قرار دادیم.
- حسن آباد - بنای آرامگاهی سنگی در ده حسن آباد در طرف راست جاده شاهرود قزوین، استاد درباره اش می نویسد:
- درباره زمان بنای این اثر اظهار نظر قطعی نمی توان نمود ولی با توجه به نوع مصالح و شکل پوشش آن می توان این اثر را مربوط به دوره ساسانی و یا آل بویه دانست. آق ۱۳۶
- های سنگی شاه کوه. در آن سوی شاهرود در دامنه شاه کوه، قبرستانی کهن وجود دارد با دو آرامگاه سنگی که یکی از آن دو نیمه ویران است، دکتر ورجاوند درباره این دو بنا می نویسد:
- دو بنای سنگی شاه کوه از نظر کلی و نحوه ساختمانی آنها، از جمله آثار منحصر به فرد ناحیه رودبار، بلکه کل سرزمین قزوین به شمار می روند و می توان آن دو را با آرامگاه سنگی حسن آباد (آن هم در همین منطقه) مقایسه نمود، با این فرق که این دو از نظر شیوه کار و هنر معماری معرف تکامل بیشتر و تکنیک پیشرفته تری می باشد. به طور کلی این آرامگاههای سنگی را می توان از جمله آثار بسیار کهن منطقه و به احتمال قوی مربوط به دوران ساسانی دانست.

□ سنگی صوفی در آبادی صوفی، سر پل ذهاب کرمانشاه نیز بنایی است مشابه آرامگاههای سنگی کنار شاهرود در قزوین و آن را نیز می توان از عصر آل بویه یا ساسانیان دانست. ۳۲

در ص ۱۹۴ نظری اجمالی... در مقاله مربوط شهرهای ساسانی، برج مرکزی (نیمه ویرانه) اردشیر حوزه در کنار طرح بازسازی شده آن ارائه شده است، درین طرح بازسازی شده محفظه بالاین برج به طور مشخص و مجزا دیده می شود و قابل قیاس است با برجهای نیمه ویرانه ای که استاد ورجاوند معرفی می کند.

#### ۷- آرامگاههای شاهان و امیران ایرانی، پیش از سلجوقیان

از قرار نوشته مجمل التواریخ صفحه ۴۶۴

اندر تربتهای ملوک و سلاطین: سامانیان بیشتر به ماوراءالنهر و خوزستان نهاده اند. سبکتگین به غزنین نهاده است، سلطان محمود به غزنین، محمد و مسعود و مودود هم آنجا مدفون اند.

#### ذکر مقابر آل بویه:

عمادالدوله در جمادی الاول سنه ثمان و ثمانین و ثلث مائه به شیراز بمرد و آنجا مدفون است، رکن الدوله بعضی گویند به ری مدفون است و بعضی گویند به کرمان (کرمان در متن) معزالدوله به بغداد بمرد و آنجا مدفون است.

عزالدوله در جنگ عرب کشته شد و موضع دفن معلوم نیست.

عضدالدوله، او را به بغداد وفات رسید بعضی گویند به عراق دفن گردید.

مؤیدالدوله بر گرگان فرمان یافت در شعبان سنه سبع و ثمانین (ثلثمایه؟).

فخرالدوله، در ری وفات یافت و همانجا مدفون است.

مجدالدوله، شاهنشاه به ری به گنبد شاهنشاه نهاده است.

شمس الدوله به ظاهر همدان مرد و هم آنجا مدفون است.

سلطان الدوله به شیراز مرد و آنجا مدفون است.



## فصل یازدهم

### آرامگاههای عصر سلجوقی

(بخش دوم از مرحله سوم)\*

تا اینجا خلق و تکوین و تکمیل و تطور آرامگاه سازی در گستره فرهنگی ایران را مورد بحث قرار داده به عصر سلجوقی، که به حق از اعصار بسیار مهم آرامگاه سازی در این گستره است، رسیده ایم.

اکنون پیش از اینکه وارد بحث اصلی شویم لازم است به نکته ای که کارشناسان غیرایرانی توجه داشته اند اشاره کنیم، آن نکته عبارت است از تأثیر روشهای خاک سپاری و آرامگاه سازی خاور و باختر (رومیان بیزانس و ترکان آسیای مرکزی) در آرامگاه سازی ایرانی.

هیلن براند که معتقد است که در سرزمین های اسلامی به ویژه در ایران یک نوع مقاومت در برابر پدیده آرامگاه وجود داشته است. در جهان اسلام منع آرامگاه سازی و اکتفا به دفن مردگان در گوری ساده به توصیه پیامبر و در ایران، بر مبنای مخالفت آیین سستی زرتشت به شست و شوی مرده و دفن وی در خاک یا سوزاندن وی که باعث آلودگی آب و خاک و آتش می شود.

هیلن براند چنین ادامه می دهد:

باید درباره دو مأخذ احتمالی دیگر آیین پرستش آرامگاه نیز توجه شود، در هر دو مورد نفوذ خارجی مطرح است در مقابل پدیده های داخلی که ممکن است مانند جهاد و اثرات آن خودجوش و داخلی باشند\*\*، و در ایجاد مقبولیت عام آرامگاهها نقش سازنده داشته باشد. یکی از این نظریه ها، نقش نفوذهایی را از سوی غرب پیش می کشد، خواه این نفوذ از راه آرامگاههای رومی، یعنی برجهای مقبره ای پالمیری باشد، و یا شهدای اولیه مسیحی، از فرقه های مختلف در ناحیه خاور نزدیک واقع در

\* عصر اسلامی یک (از آغاز اسلام تا ترک سازی مغولان)

\*\* وی معتقد است که ساختن آرامگاه شهیدان به خصوص در مرزها و نقاط نزدیک مرز دشمنان باعث تقویت روحیه جهادگران می شود.

غرب رودخانه فرات، که اکنون ما شاهد تعداد نسبتاً زیاد از این گونه بناها هستیم، بناهایی که در شکل و هدف، قرابت آشکاری با آرامگاههای ایرانی داشته، و در سده‌های نخستین اسلام نکات مشترک آنها با یکدیگر بسیار افزون‌تر بوده است. فبة الصخره یادآور این حقیقت است و شاهدی بر تأثیر چنین معماری در جهان اسلامی است، با وجود این باید پذیرفت که هر حلقه مفروضی، از سرمشق‌هایی که قبة الصخره یا هریک از الگوهای دیگر پیش از اسلام آن با آرامگاههای نخستین اسلامی ایران پیوند داده، بیشتر شامل حلقه‌های مفقوده است.<sup>۳۳</sup>

استاد اقتداری نیز از نفوذ و آثار پالمیریان در جزیره خارک مطالبی ارائه کرده می‌نویسد که بازرگانان پالمیری در سده‌های اول میلادی تا عصر اسلامی تجارت میان بین‌النهرین و هند را در دست داشته و مانند هر بازرگان دیگر خلیج مجبور بودند که در جزیره خارک توقف داشته باشند. علاوه بر پالمیرها مسیحیان دیگری نیز از بین‌النهرین شمالی به خارک آمده زندگی می‌کردند، که می‌توانستند حامل نفوذ فرهنگی همسایگان غربی ایران باشند استاد اقتداری یک آرامگاه پالمیری را نیز معرفی و توصیف کرده‌اند.<sup>۳۴</sup>\*

دکتر ورجاوند در کتاب مهم خود، سرزمین قزوین به این نکته اشاره دارند که برجهای خرقان تحت تأثیر نفوذ معماری آسیای مرکزی ساخته شده‌اند و علت اینکه این برجها و نیز برجهای تارم در نقاط خالی از سکنه ساخته شده و امروز تک و تنها در یک منطقه بدون آب و آبادی منزوی شده‌اند، این اعتقاد ترکان است که مرده‌ها را در نقاط دورافتاده و خالی از سکنه دفن می‌کرده‌اند در این باب هیلن براند، نیز این چنین اظهار نظر می‌کند:

فرضیه دیگر تأثیرات اساسی آثاری را از جهان دشتهای هموار واقع در شمال و شرق آسیای مرکزی به میان می‌آورد. با این حساب مردان ترک، نواد بیابان‌گرد، اندیشه آرامگاه را به سرزمین ایران آورده‌اند و نزدیکی جغرافیایی آنان به همان ناحیه‌ای که نخستین آرامگاههای اسلامی ایران یافت می‌شود، البته دلیلی نیرومند به سود این اندیشه است. در روزگار پیش از اسلام مردم ساکن بیابانهای آسیای مرکزی و شرقی، رسوم تدفینی کاملاً پیچیده‌ای را معمول می‌داشتند که پاره‌ای از آنها در زمانهای معاصر به جای مانده است... آرامگاهها را از مواد پردوام و بسیار بزرگ و هیولایی می‌ساختند و دورتادور آن را دیوار می‌کشیدند...<sup>(۳۵)</sup>

محقق مزبور در آخر نتیجه می‌گیرد که با وجود پذیرفتن نفوذ معماری ترکان بر

\* عین عبارت ترجمه است، می‌خواهد این نکته را برساند که نفوذ معماری مغرب را نیز باید در مدنظر داشت.

آرامگاه‌سازی ایران، باید در مدنظر داشت که برجهای آرامگاهی باقی مانده اولیه، پیش از روزگار سلجوقی را بیشتر پادشاهان ایرانی ساخته‌اند تا فرمانروایان ترک، آن وقت نتیجه دومی که ارائه می‌کند این است که ایرانیان مسلمان این اندیشه را باید از همکیشان خود در مصر و سوریه و عراق گرفته باشند. آنچه مسلم است این است که البته فرهنگ معماری و نظام آرامگاه‌سازی ایران تحت تأثیر سبکهای معماری همسایگان واقع شده و از آن آثار اقتباساتی نیز کرده است. اما آنچه در این مقدمه تابه‌حال نوشته شد این مطلب را تأیید می‌کند که هیچیک از عوامل اثرگذار خارجی قابل اعتنا نبوده‌اند. بهترین نمونه و مثال در این مورد دو بنای آرامگاهی امیراسماعیل سامانی و قابوس وشمگیر است. دو بنای هم عصر که باهم تفاوت‌های اساسی و بنیادی دارند.

آرامگاه امیراسماعیل در بخارا مربوط است به سال ۹۴۳/۳۳۳ م و آرامگاه قابوس در ۱۰۰۶/۳۹۷ ساخته شده است، آرامگاه امیراسماعیل ۶۴ سال پیش از آرامگاه قابوس ساخته شده است و در آن زمان میان بخارا و گرگان ارتباط وجود داشته و آمد و شد فراوان صورت می‌گرفته، پس چرا اثری از آن آرامگاه که در حاشیه و یا خارج از قلمرو ایران ساسانی و صدر اسلام قرار داشته، در گنبد قابوس مشاهده نمی‌شود. فراموش نکنیم. در سده‌های پیش از اسلام و نخستین سده‌های اسلامی آسیای مرکزی بیشتر زیر نفوذ بوداییان بوده است و زرتشتیان و این بنای آرامگاه سامانی نمونه کامل یک چهارطاقی (آتشکده) است و مسئله جالبتر اینکه، چند دهه بعد از پی‌افکندن آرامگاه امیراسماعیل در همین منطقه، آرامگاههای دیگر مشابه با آرامگاه امیراسماعیل ساخته شد، مانند آرامگاه میرسید بهرام در سده ۴، این بنا بسیار شبیه آرامگاه امیراسماعیل سامانی است، فقط گنبد آتشکده‌ای و کوتاه آن آرامگاه چند دهه بعد بزرگتر و بلند شده و شکل گنبد‌های اسلامی به‌خود گرفته است<sup>۳۶</sup>، در این مورد، ریشه‌یابی معماری آرامگاهی نیازمند بررسی و مطالعه بیشتر است.

هیلن براند کوشش دارد که این برجهای آرامگاهی را با خیمه و خرگاه ترکان آسیای مرکزی مقایسه کرده مرکز الهام را این خیمه و خرگاهها و آداب و رسوم ترکها بداند. عباس اقبال نیز با وی همصدا است.<sup>۳۷</sup>

تأثیر رسوم ترک‌نژادان که در بالا اجمالاً ذکر گردید، در روزگار کمی دیرتر تجلی می‌یابد، همانند مقابر واقع در خرقان مربوط به سالهای ۱۰۶۲ و ۱۰۹۳ م، در این مورد حتی یک دهکده هم نزدیک قبرها وجود ندارد. گزینش محل، که آنها را در دشتی هموار، تنها رها

ساخته است، به خوبی مورد توجه بودن فلات خرقان را به عنوان سرزمین چراگاه صحرانشینان نمودار می‌سازد: ساختمان اصلی این مقابر چنین می‌نماید که همان وجوه معمولی مواد بی‌دوامی است که در ساخت خیمه‌ها به کار می‌رفته در قالب آجر بازسازی شده است: ترکه‌بافی که طرحهای مشبک را به وجود می‌آورد و دنده‌های چوبین که چون چارچوبی برای سقف نم‌دین چادرها به کار می‌رود، الگویی برای آجرکاری این مقابر بوده است. برخی مانند رادکان شرقی مورخ ۱۲۸۱/۶۸۰ که در برابر دشت باز بی‌انتهایی نهاده شده باز هم توجهاتی روشن‌تر از خیمه شاهانه ترکی است. در مصالح آجری که دامن ساده مسطح آن درست از بالای زمین تا بام مخروطی شکل آن کشیده شده و دسته‌های تیرکها در فواصل منظم استخوان‌بندی همه ساختمان را تشکیل داده‌اند. حتی نسج بافته دیوارهای خارجی یورت در ترین آجرکاری ترین گردیده است.<sup>۳۸</sup>

هیلن براند مطلب دیگری را در باب آرامگاه ارائه می‌کند که مایه شگفتی است: همانطور که در بالا خاطر نشان شد وجود یک سردابه یا اطاقی در بالای آن در بسیاری از چنین مقابر، به طور تلقین کننده یک عمل متداول در میان چادر نشینان غیرمسلمان ترک‌نژاد در عملکردهای معماری ظهور یافته است. در موقع مرگ یک خان و یک فرد مشهور قبیله، نخست بدنش در مدت کوتاهی در چادرش در معرض دید عموم گذاشته می‌شد و فقط پس از آن، آن را دفن می‌کردند و یا به طریق دیگری به دفع آن می‌پرداختند. برجهای مقبره‌ای مانند رادکان شرقی، می‌توانند اتحاد این دو مرحله ممتاز را در یک بنای واحد توضیح دهند.<sup>۳۹</sup>

اظهار نظر این دانشمند، در این مورد نیز درخور شک و تردید است، اولین بنای آرامگاهی با سقف هرمی شکل در پهنه فرهنگی ایران آرامگاه قابوس است که می‌دانیم محفظه بالایی آن آرامگاه قابوس بوده است، وی را در گور نهادند بلکه تابوت شیشه‌ای وی را به سقف آن محفظه آویختند. تا اینجا آنچه قابل ذکر است اینکه این بنا سالها پیش از نفوذ ترکان به خراسان ساخته و پرداخته شده است و اگر بخواهیم هرمی شکل بودن آن را به بنایی آرامگاهی یا غیر آرامگاهی تشبیه کنیم نخست باید متوجه گنبدهای مخروطی زیگوراتی (مضرس یا دندانه‌ای) شویم که در زیگوراتهای باستان، چنانکه دیدیم در بالای بنا محفظه‌ای برای گذاردن تابوت یا جسد مومیایی شده، وجود داشت و این با تقلید کردن از چادر و خیمه صحرانشینان ترک جور در نمی‌آید، به ویژه هنگامی که می‌بینیم محقق مزبور برج رادکان را به عنوان مثال ذکر می‌کند، در برج رادکان چیزی از آن قبیل که هیلن براند می‌نویسد وجود

ندارد و از آن گذشته این بنا متعلق است به سال ۶۸۰/۱۲۸۰ ق<sup>ه</sup> یعنی ۶۲ سال پس از یورش چنگیز بر ایران.

واما اینکه می‌نویسد جسد مرده را مدتی نگه‌داری می‌کردند تا افراد قبیله بیایند و آن را برای آخرین بار ببینند، آیا نمی‌توان به‌طور قطع گفت که در این حال جسد را در صحن خیمه و خرگاه سلطنتی می‌نهادند که امکان مشاهده آن برای افراد قبیله باشد، نه در یک محفظه‌ای دیگر که معلوم نیست کجاست. این را هم باید به این فرضیه افزود که زرتشتیان هند یعنی پارسیان، پیش از اینکه جسد را به برج خاموشان انداخته طعمه مرغان هوا سازند، چند روز جنازه را در ساختمان خاص موجود در کنار برج خاموشان می‌گذارند و سپس در برج خاموشان قرار می‌دهند.

از اینکه معماری ایرانی به‌ویژه آرامگاه‌سازی در عصر سلجوقیان به‌اوج ترقی و پیشرفت رسید شکی نیست و البته در این مختصر، هدف ما معرفی این بخش از تمدن عالی و درخشان ایران پس از اسلام نیست، تنها یادآوری این نکته است که عصر سلجوقیان یک عصر سازندگی درخشان بود.

سلجوقیان در حقیقت موفق شدند که یک حکومت نمونه و ایده‌آل ایرانی اسلامی را خلق و ارائه کنند و در این میان نقش اصلی برعهده وزیر بزرگ آل سلجوق خواجه نظام‌الملک طوسی است که خود مردی دانشمند و دانش‌دوست بود و از وی نمونه‌هایی عالی از هنر و معماری عصر اعتلا بر جای مانده است، مسجد جامع‌های بازمانده از این عصر و پس از آن بناهای آرامگاهی و استفاده بسیار عاقلانه و مطلوب از آجرکاری گویای این مطلب است. خواجه نظام‌الملک علاوه بر بخش مهم مسجد جمعه اصفهان در شهرهای بزرگ ایران عصر سلجوقی مدرسه‌های معروف نظامیه را بنیاد نهاد که متأسفانه با هجوم و تخریب ظالمانه و وحشیانه مغول این بناها، به‌ویژه آنها که در خراسان بود از میان رفت.

پیش از آنکه فهرست بناهای سلجوقی را ارائه کنیم لازم است به ادعای هیلن‌براند که تا حدودی نیز مورد تأیید استاد عباس اقبال است اشاره‌ای مجدد داشته باشیم و آن اینکه اگر بنا بود بناهای آرامگاهی مخروطی تقلید از خیمه و خرگاه ترکان و مغولان بوده باشد، درباره بناهای پیش از هجوم ترکان چه باید گفت، استاد ورجاوند چند بنای از این قبیل را که البته با مصالح خشن ساخته شده معرفی کرده‌اند و ما دقیقاً به این بناها اشاره داشتیم که برجهای آرامگاهی به‌سبک اعصار پیش از اسلام بوده‌اند، حال تفاوتی ندارد که این بناها از عصر

ساسانی مانده باشد و یا در عصر اسلام یک\* ساخته شده باشد. با یادآوری این نکته که آرامگاه سازی با اهرام و زیگوراتها آغاز گردید، این اظهار نظر یکی از کارشناسان ممتاز تاریخ معماری ایران را ارائه می‌کنیم، استاد کریم پیرنیا طرحی را به عنوان بنای اولیه آستانه حضرت عبدالعظیم تدارک کرده‌اند که شادروان محمدتقی مصطفوی آن را در صفحه ۱۷۱ آثار تاریخی تهران به چاپ رسانده است، در این طرح گنبد اولیه حضرت عبدالعظیم یک گنبد مخروطی است که هیلن براند و عده‌ای از دانش پژوهان غربی آن را ایلخانی می‌دانند. حال با توجه به این بنا و برج شبلی و چند برج دیگر از نواحی کوهستانی اطراف دریای خزر، آیا نمی‌توان گفت که این آرامگاههای با گنبد مخروطی یادگار عصری بوده‌اند که این برجها را به عنوان استودان مورد استفاده قرار می‌داده‌اند، در بیشتر این بناهای برجی، این محفظه را در بلندای برجها می‌توان یافت، شاهد دیگر این ادعا آنکه پس از مغولان و با گسترش تدریجی آیین شیعی در ایران گنبدهای مخروطی جایگزین را به گنبدهای گرد داد، گنبدهایی که دیگر بهره‌برداری استودان از آن نمی‌شد. اکنون برای آشنایی بیشتر با روند پیدایش و تکامل این بناهای آرامگاهی فهرست آنها را بر مبنای زمان پیدایش ارائه می‌کنیم.

#### ۱- آرامگاههای تاریخ دار نیمه دوم سده پنجم از ۴۵۱ تا ۵۰۱

- قطران در تبریز آرامگاه شعرا\*\* بنایی از ۴۶۵. ص ۳۸۶
- سید طاووس در فهادان یزد از ۴۷۴. ص ۳۱۲
- خواجه نظام الملک طوسی در اصفهان، از ۴۸۵ به بعد. ص ۲۸۱
- امامزاده خواخاتون در توت آباد اراک، بنایی از ۴۸۵. ص ۲۳۳
- چهل دختران دامغان، از سال ۴۸۸. ص ۲۶۷
- خواجه عبدالله انصاری هرات گازرگاه سال ۴۸۱. ص ۲۸۰
- حمیدالدین شمس الدوله - در ابرقو مورخ ۴۸۸. ص ۳۲۹
- مهماندوست در دامغان بنایی از سال ۴۹۰. ص ۴۲۰

\* در این کتاب عصر اسلامی را در دو بخش بررسی کرده‌ایم، اسلام یک و اسلام دو پیش از حمله مغول و پس از حمله مغول.

\*\* همه جا آرامگاه شعرا به جای مقبره الشعرا در تبریز.

□ المظفر محمد بن ثابت خجندی، مسجد جامع ری از سال ۴۹۶. ص ۲۱۸

□ های خرقان، برجهای آرامگاهی - در یک کیلومتری آبادی حصار قوشه امام یا حصار ارمنی در خرقان قزوین. دو برج در فاصله ۲۹ متر از یکدیگر، برج شرقی قدیم تر از برج غربی است، اختلاف زمان ساخت آنها بر مبنای کتیبه‌هایشان ۲۶ سال است استاد ورجاوند درباره این دو برج می‌نویسند:

برجهای دوگانه را می‌توان به‌خصوص از نظر آجرکاری با برج شبلی دماوند که به‌نظر نگارنده اثری است از دوره آل بویه با تعمیرات و تزییناتی از دوره سلجوقی قابل مقایسه دانست. از آن گذشته می‌توان این دو برج را با بناهای آجری ارزنده و جالب دوره سامانی چون مقبره امیر اسماعیل در بخارا مورد بررسی قرار داد. ۴۱

تاریخ بنای برج قدیم‌تر را از این کتیبه که بر روی دیواره خود گنبد نوشته شده است، درمی‌یابیم: به تاریخ سنه ستین و اربعمائه (۴۶۰) ۴۲ و تاریخ بنای برج جدیدتر از این کتیبه که بر سردر بنا منقوش است برآورده می‌شود: ... عمل ابوالمعالی بن بکر الزنجانی - سنه سته و ثمانین و اربعمائه (۴۸۶)

در سطر بعد نامی ذکر شده که نام صاحب بقعه باید باشد و از قرار گفته استاد کریم پیرنیا آلسیزین تگین ترک است که نامش به کلی فراموش شده است و به‌جایش هردو آرامگاه منسوب شده است به محمد فرزند حضرت موسی کاظم (ع) و سیده خاتون فرزند امام موسی کاظم (ع)، یعنی دو خواهر و برادر با دو ضریح که یکی از ضریحها به کلی مفقود شده و یکی در اطاقی نگه‌داری می‌شود. علاوه بر صلابت و زیبایی و عظمت و ظرافت این بنا، آثار هنری به‌خصوص نقاشیهای زیبا از گل و پرند که در دیوارهای داخل بناها ارائه شده بسیار دیدنی و قابل مطالعه و بررسی است. ۴۳ ص ۴۴۴

## ۲- آرامگاههای سلجوقی بی تاریخ از نیمه اول سده پنجم تا آخر سده هفتم\*

□ ابراهیم خلیل در هویزه، بنای سلجوقی. ص ۲۱۳

□ ابودجانه در ریجاب کرمانشاهان، بنای سلجوقی. ص ۲۱۹

□ الراشد بالله در اصفهان. جی بنای سلجوقی. ص ۲۳۱

□ امامزاده اسحاق در گرگان سلجوقی. معماری ۸۲/۲

\* آرامگاههایی که تاریخ ندارند و کارشناسان آنها را سلجوقی می‌دانند.

- اینانج، برج آرامگاهی در ری بنای سلجوقی. ص ۲۴۲
- بی‌بی زبیده - سلجوقی، عصر برکیارق فرزند وی در ری. ص ۳۵۱
- پیرشمس‌الدین در خرم‌آباد شمال دهستان تشکن. بنای سلجوقی. ص ۲۵۷
- جبلیه کرمان، بنای سلجوقی. از یک بنیاد اصلی ساسانی. ص ۲۶۴
- خواجه اتابک در کرمان نزدیک مسجد بازار، سلجوقی. ص ۲۷۸
- دارالبطیخ در اصفهان آرامگاه خواجه نظام‌الملک، ملک‌شاه و چند نفر دیگر بنای سلجوقی. ص ۲۸۳
- سلطان خدابخش در کاشان بنای سلجوقی. ص ۳۰۱
- سلیمان و فضل و موسی در ساوه آوه، بنای سلجوقی. ص ۳۰۶
- سیدابراهیم در یزد، ابرقو سلجوقی به‌بعد. ص ۳۰۹
- شاهزاده عبدالله در ساوه نزدیک آوه، بنای سلجوقی. ص ۳۲۰
- شهرستان در کنار زاینده‌رود، مشرق اصفهان، سلجوقی. ص ۳۳۱
- مقام علی، در دزفول بنای سلجوقی. ص ۴۱۲
- مهدی خلیفه عباسی در ایلام، بنای سلجوقی. ص ۴۱۹
- نظام‌الدین در تربت حیدری، بنای سلجوقی. ص ۴۳۶
- یله‌گنبد در کیلومتر ۲۷ راه قزوین به‌رشت، سلجوقی. ص ۴۵۲
- \* امامزاده عبدالله و عییدالله در دماوند، سلجوقی مغول. معماری ۷۷/۲
- علویان، گنبد علویان در همدان، بنای سلجوقی ایلخانی. ص ۳۶۵
- امامزاده یحیی در ورامین، سلجوقی ایلخانی. ص ۲۳۴
- مالک، برج آرامگاهی در سقز بنای سلجوقی یا تیموری. ص ۳۹۸
- مقوو، بیرون شهر دزفول، بنای سلجوقی - صفوی. ص ۴۱۲
- شیخ احمدجامی، احمد‌زنده‌پیل در تربت جام، سلجوقی به‌بعد. ص ۳۳۴
- سیدابراهیم در سه راه یزد ابرقو، سلجوقی به‌بعد. ص ۳۰۹
- علاءالدوله امیرعلی - در یزد بنای سلجوقی. ص ۳۶۳
- برج ری که اکنون وجود ندارد، تا ۱۸۱۸ بوده است، اواخر سلجوقی ری ۴۵۸



□ سلیمان و فضل و موسی در آوه، ساوه سلجوقی - ایلخانی. ص ۳۰۶

### ۳- آرامگاههای تاریخدار مانده از سده ششم، سالهای ۵۰۱ تا ۶۰۱

□ پیر حمزه سبزپوش در ابرقو، بنایی از سال ۵۱۰. ص ۲۵۶

□ بایزید در بسطام، بنایی از ۵۱۴. ص ۲۴۷

□ سنایی غزنوی در غزنین از سال ۵۲۵. ص ۳۰۶

□ بوزان، اصفهان امامزاده کرار، بنایی از ۵۲۸. ص ۲۵۰

□ ابن ابی توبه، ابوالقاسم نصیرالدین وزیر سلطان سنجر ۵۳۰ ص ۲۱۴

□ آرامگاه طغرل در ری، برج طغرل.

استاد کریمان در باب تعمیر برج طغرل می نویسد: تعمیر این بنا به دستور ناصرالدین شاه به دست امین السلطان وزیر ابنیه صورت گرفت و به یادبود این بنا لوحه ای مرمری بر سر در آن نصب کردند که متن آن در تصویر روزنامه شرف در زیر عکس ثبت است. این تعمیر هرچند بنا را از خرابی نجات بخشید، لکن آثار قدمت و ظرافت کاریهای قدیم و بقیه کتیبه کوفی آن را از بین برد، بنایی از ۵۳۴. ص ۳۵۵

□ شهاب الدین ابو عبدالله، سنگ قبر در موزه سیاتل آمریکا مورخ ۵۳۴. ص ۱۶۶

□ طبرسی، ابوعلی در مشهد، بنایی از سال ۵۳۴. ص ۳۹۵

□ احمد ژنده پیل تربت جام از ۵۳۶. ص ۲۲۲

□ گنبد سرخ در مراغه، درباره این بنا دکتر هیلن براند نظری دارد که در مورد خیلی از بناهای تاریخی ایران صادق است: آراگامها تحت تأثیر محیط اطراف جنبه تقدسی کسب می کردند... و چه بسا که هویت به خاک خفته اصلی، فراموش می گردید و به شخصیت کسی که بیشتر نیازهای دینی محل را رفع می کرد تبدیل می شد و تغییر هویت می داد، بدین سان برج لاجیم واقع در لاجیم مازندران که به یادبود بانوی مجله ای احتمالاً از سلاله آل باوند بنا گردید، اکنون به نام امامزاده عبدالله شهرت دارد و در مراغه خاطره احمدیلی سرانجام دچار گمنامی شد و اکنون گور او خاطره هیچ کس را دربر ندارد و اسم او مدیون رنگ آجر بنای آن است که آن را گنبد سرخ می نامند بنایی از ۵۴۲ یا ۴۴۵۴۶، ص ۵۴۸

□ ابی سعد بن احمد گدوک، فقط سنگ آن در موزه متروپلیتن آمریکا، از ۵۴۵. ص ۲۲۵

□ سلطان سنجر در مرو بنایی از ۵۵۲. ص ۳۰۱

- سید اشرف‌الدین غزنوی در غزنه از سال ۵۵۷. ص ۳۰۹
- گنبد مدور در مراغه، بنایی از ۵۶۳. و یا ۵۶۲ معماری ۸۴/۲
- امامزاده احمد در اصفهان، بنایی از ۵۶۳. ص ۲۳۲
- سید حسن غزنوی در آزادوار جوین خراسان، از ۵۶۵. ص ۳۱۱
- امام طلحه در کوی سرخاب تبریز، از سال ۵۷۱-۳. ص ۲۳۴
- سه گنبد در ارومیه مانده از سال ۵۸۰. ص ۳۰۷
- مومنه خاتون، برج نخجوان، بنایی از ۵۸۲. ص ۴۱۹
- قتلغ اینانج در ری از سال ۵۹۲. ص ۳۸۲
- کبود، برج کبود در مراغه بنایی از ۵۹۳. ص ۳۸۸
- تکش در اورگنج آسیای مرکزی مانده از ۵۹۷. ص ۲۶۱
- فاریابی در آرامگاه شعرای تبریز از ۵۹۸. ص ۳۷۲
- شاهپور نیشابوری در کوی سرخاب از ۵۹۸. ص ۳۱۷

#### ۴- آرامگاههای مانده از سده ششم بی تاریخ

- حبقوق نبی در جنوب غربی تویسرکان، از اوایل سده ششم. ص ۲۷۰
- امامزاده عبدالله در فارسجین ضیاءآبا قزوین، از سده ششم. ص ۲۳۳
- امامزاده موسی بن جعفر در تویسرکان از سده ششم. معماری ۹۵/۲
- امامزاده یحیی در سبزوار در سده ششم. ص ۲۳۸
- بابا پیر در خوانسار از سده ششم. ص ۲۴۳
- باباطاهر در همدان از سده ششم. ص ۲۴۴
- بایزید در بسطام از سده ششم. ص ۲۴۷
- بی‌بی، گنبد بی‌بی در تفرش از سده ششم. ص ۲۵۱
- پیراحمد در ابهر بنایی از سده ششم. ص ۲۵۵
- پیر سبزپوش در ابرقو از سده ششم. ص ۲۵۷
- پیرمراد در یزد، سده ششم. ص ۲۵۹
- جبل سنگ در کرمان از سده ششم. ص ۲۶۴
- چهل دختران یزد از سده ششم. ص ۲۶۷

- حضرت رضا(ع) از سده ششم. ص ۹۹
- خواجه رشیدالدین وطواط در خیوه از سده ششم. ص ۳۷۹
- خواجه سعد در اصفهان از سده ششم یا هفتم. ص ۲۷۹
- سبز، گنبد سبز در قم از سده ششم. ص ۲۹۴
- سلطان سنجر در مرو از سده ششم. ص ۳۰۱
- سلطان علی بن محمد باقر، مشهادردهال کاشان در سده ششم. ص ۳۰۲
- سلطان قیس پاویس در دهستان کوهپایه قزوین، استاد ورجاوند در پایان بخش مربوط به این بنا می‌نویسند: بنای مقبره را با توجه به شکل طاق‌بندی و سقف آن در داخل و نمای قسمت ورودی آن می‌توان به سده ششم نسبت داد. ص ۴۵
- سلطان محمدتکش در خوارزم از سده ششم. ص ۳۰۳
- سهروردی، شیخ اشراق در بغداد از سده ششم. ص ۳۰۸
- سیدناصر در درچشم سبزوار از سده ششم. ص ۳۰۵
- شاهزاده کبیر در ابهر بنایی از سده ششم. ص ۳۲۱
- شعرا (مقبره الشعرا) در تبریز از سده ششم. ص ۳۲۷
- شهرستانی شافعی اشعری در نسا، سده ششم. ص ۳۳۱
- شیخ طبرسی در مشهد سده ششم. ص ۳۳۱
- شیخ محمد بن ناصر یزدی، در بیابان طبس در سده ششم. ص ۳۴۳
- علی بن جعفر صدیق، قم سده ششم. ص ۳۶۵
- عماد کاتب در دمشق از سده ششم. ص ۳۶۸
- عمادی تهرانی در شهریار از سده ششم. ص ۳۶۸
- عین‌القضات همدانی در همدان، از سده ششم. ص ۳۶۹
- غازی‌الدین خان در دهلی از سده ششم. ص ۳۷۰
- غزالی، احمد در قزوین از سده ششم. ص ۳۷۰
- غیاث‌الدین محمد غوری در هرات بنایی از سده ششم. ص ۳۷۱
- فخرالدین رازی، مانده از سده ششم در اورگنج. ص ۳۷۴
- فلکی شیروانی در شماخی از سده ششم. ص ۳۷۸
- قربان، برج آرامگاهی در همدان از سده ششم یا هفتم. ص ۳۸۳

- قطب‌الدین حیدر در تربت حیدریه، ۶۱۸. ص ۳۸۴
- کافر گنبد در دهستان کوه‌پایه قزوین، استاد ورجاوند درباره این بنا می‌نویسند: چنانچه عملیات خاکبرداری در این محل صورت گیرد احتمال می‌رود که در زیر بنا، آثار سردابی که محل اصلی مرقد باشد به دست آید. این بنا با توجه به شکل قوسهای خارج و طاقنماهای داخل و نحوه طاق‌بندی زیر گنبد می‌تواند مربوط به قرن ششم یا هفتم هجری باشد<sup>۴۷</sup> ص ۳۸۷
- شاهزاده کبیر در ابهر، از سده ششم. ص ۳۲۱
- مجیرالدین ییلقانی در آرامگاه شعرای تبریز یا در اصفهان، از سده ششم. ص ۴۰۰
- معین‌الدین چشتی در اجیمر هندوستان، از سده ششم. ص ۴۱۱
- میدانی نیشابوری در نیشابور از سده ششم. ص ۴۲۰
- نظامی گنجوی در گنجه آذربایجان، سده ششم. ص ۴۳۸
- های دوگانه دهستان رامند قزوین به نام امامزاده صالح و امامزاده سلیمان در انتهای ده نهاوند، استاد ورجاوند درباره این دو بنا می‌نویسند:
- دو بنای مزبور با توجه به وضع سرداب‌ها به آثار سده ششم شباهت دارند با این فرق که نقشه آنها نظیر برجهای شمالی در سده‌های چهارم و پنجم دایره شکل می‌باشد. آجرکاری این دو بنا با وجود سادگی و نداشتن هیچ‌گونه کار تزیینی از یک تکنیک تکامل یافته بی‌بهره نیست<sup>۴۸</sup> بناهایی از سده ششم.
- هفتادو دوتن در ساروق عراق از سده ششم. ص ۴۴۹
- بابا پیر از خوانسار، از قرن ۶ و ۷. ص ۲۴۳
- خواجه سعد در اصفهان از سده ۶ یا ۸. ص ۲۷۹
- خیابو، برج خیابو، آرامگاه سلطان حیدر صفوی. تاریخ اجرای کارهای اصلی ساختمانی این بنا روشن نیست، ظاهراً در سال ۸۹۳ که سلطان حیدر، پدر شاه اسماعیل به شهادت رسید وی را در این برج به خاک سپردند. سیدجمال ترابی طباطبایی، مؤلف کتاب آثار باستانی آذربایجان ج ۲، کاملاً متوجه این نکته شده است که بنا قدیمتر از عصر سلطان حیدر است و آن را با امامزاده جعفر اصفهان، مقبره چلبی اوغلو و... مقایسه می‌کند و آن را متعلق به سده‌های هفتم و هشتم می‌داند، در حالی که در کتاب بررسی هنر ایران در زیر تصویر صفحه ۳۴۳ در جلد هشتم، آن را برج آرامگاه در خیابو (مشکین شهر کنونی) می‌داند و سال ساخته شدن آن را با علامت سؤال اواخر قرن دوازدهم میلادی می‌نویسد که می‌توان آن را با سالهای

آخر ۵۰۰ (قرن ششم هجری) تطابق داد و بر این مبنای در سلسله مراتب سنواتی مانیز، این برج را در پایان این جدول آورده ایم. ص ۲۸۲

##### ۵- آرامگاههای تاریخ دار سده هفتم، ۶۰۱ تا ۷۰۱

- شیخ نجم الدین کبری در زمخشر از ۶۱۸. ص ۳۴۵
- بابا حسن در سرخاب تبریز، از سال ۶۱۰. ص ۲۴۳
- عطار، شیخ فریدالدین - نیشابور از ۶۱۸. ص ۳۶۳
- شاه چراغ از ۶۲۸ یا ۶۵۸ در شیراز. معماری ایلخانی ص ۳۱۸
- امامزاده عبدالله در شوشتر. از سال ۶۲۹. ص ۱۱۷
- لبنانی، رفیع الدین مسعود، لبنان اصفهان از سال ۶۳۰. ص ۳۹۷
- اوکنای قآن از سال ۶۳۱، این آرامگاه خارج از حدود گستره فرهنگی ایران است و از آن روی در این مجموعه آورده شده است که از نخستین آرامگاههای ساخته شده عصر ایلخانی شمرده می شود با اصالت مغولی که به تدریج با مرآوده هنری میان ایران و سرزمینهای شرقی امپراتوری چنگیز، به ایران کشیده شد و هنر و معماری ایران را تحت تأثیر قرار داد. آرامگاههایی که در این عصر در ایران ساخته می شد، سالها ادامه همان روال سلجوقی بود، در این سالها مغولان فقط خراب کننده بودند، اصولاً حد فاصلی میان دو عصر سلجوقی و ایلخانی وجود ندارد.

- معین الدین چشتی در اجمیر از سال ۶۳۳. ص ۴۱۱
- سبز، قبه سبز در کرمان، بنایی از ۶۴۰ که تا سال ۱۸۹۶ وجود داشته و در این سال در اثر زلزله به کلی مهندم شده است (از قرار نوشته سایکس. معماری ایلخانی) ص ۲۹۴
- شهریار بن زین الدین در شیراز، سنگ قبر وی در کناره شمالی شهر از ۶۴۱. ص ۳۳۱
- پیر حسین در حوالی باکو دبه چسبیده به خانقاه وی از ۶۴۱. ص ۲۵۶
- نزاری قهستانی در بیرجند، سال ۶۴۵. ص ۴۳۵
- چهار پادشاه (چهار اولیا) در لاهیجان، از سال ۶۴۷. ص ۲۶۷
- عبدالرحیم از آبادی یا اچابادی مرید بابامزید. م ۶۵۵. سرخاب ۳۵۹
- امامزاده یحیی در ورامین. از سال ۶۶۳ سلجوقی - ایلخانی ص ۲۳۴
- جزیره شاهی و آرامگاه منسوب به هولاگو از سال ۶۶۴. ص ۴۵۰

- بهاء‌الدین زکریا ملتانی در مُلتان پاکستان از سال ۶۶۶. ص ۲۵۱
- امامزاده جعفر در قم مزدی جان از سال ۶۶۷. ص ۲۳۳
- حبیب ابن موسی (آرامگاه شاه عباس بزرگ صفوی) در کاشان از ۶۶۸. ص ۲۷۰
- فریدالدین گنج شکر در مُلتان در سال ۶۶۳. ص ۳۷۷
- پیرحیران، یوسف دهخوارقانی در آذرشهر از سال ۶۷۰. ص ۲۵۷
- مولوی، جلال‌الدین بلخی در قونیه ۶۷۲. ص ۴۱۸
- صدرالدین محمد بن اسحاق قونیوی کنار جلال‌الدین مولوی در ۶۷۳. ص ۳۴۳
- شیخ عثمان مروندی در سیحون سند از ۶۷۳. ص ۳۴۲
- امامزاده احمد در اسدآباد همدان، محله سیدان از سال ۶۷۳. معماری ۹۵/۲
- علاء‌الدین، برج آرامگاهی در ورامین مانده از ۶۷۵ یا ۶۸۸. ص ۳۶۳
- شاه شمس‌الدین سبزواری، مُلتان در ۶۷۵. ص ۳۲۳
- سیداسحاق، سلطان سید - در ساوه از سال ۶۷۶. ص ۳۰۹
- شیخ یوسف سروستانی، در سروستان جنوب شیراز بنایی از ۶۸۰. ص ۳۴۵
- رادکان، میل یا برج آرامگاهی، رادکان شرقی در برابر رادکان غربی در ۶۸۰ (نظر هر تسفلد). ص ۲۸۷
- اوحدالدین بلیانی، کازرون، از سال ۶۸۳. ص ۲۴۱
- خواجه شمس‌الدین محمد جوینی، تبریز ۶۸۳. ص ۲۷۹
- حمیدالدین لوبکی در سنّام هند از ۶۸۳. ص ۲۱۴
- پرواز شاه، در شمال بمبئی از ۹۸۵. ص ۲۵۳
- مجدالدین اسعد رومی در مدرسه مجدرومی از ۶۸۶. ص ۳۹۹
- سرخپوش، سیدجمال‌الدین، در بهاولپور از ۶۹۰. ص ۲۹۷
- مخدوم جهانیان در ماتیرپتنا از ۶۹۰. ص ۴۰۶
- موسی مبرقع در قم، بنایی از ۶۹۱. ص ۴۱۷
- غازان، شب غازان در کنار شهر تبریز، متأسفانه از این بنا چیزی نمانده است اما نویسنده کتاب معماری ایلخانی معتقد است که اصل بنای مقبره به شکل برج، برجی شبیه برجهای مراغه یا گنبدی همانند آرامگاه سلطان سنجر بوده است، و ما می‌دانیم که این بناها هر دو، سلجوقی‌اند. بنابراین، بنای آرامگاه این ایلخان، اگرچه در عصر خود وی ساخته شده،

شدیداً تحت تأثیر معماری بومی سلجوقی قرار داشته است. و نقشه آن بر مبنای معماری اصیل ایرانی، عصر متأخر سلجوقی، توسط خود خواجه رشیدالدین طرح شده و معمار آن تاج‌الدین علیشاه بوده است، در معماری ایلخانی می‌خوانیم:

عملیات ساختمانی این بنا چندین سال ادامه یافت تا اینکه آشکار گشت که این ساختمان مجلل‌تر و با عظمت‌تر از مقبره سلطان سنجر سلجوقی در مرو خواهد شد که تا آن تاریخ بزرگترین بنای دنیا محسوب می‌گردید، چهارده هزار کارگر در ساختمان بنا شرکت داشتند، تاریخ آغاز بنا ۶۹۴ است. ۴۹ ص ۳۳۰

□ ابن حامد، افضل‌الدین محدث تبریزی از سال ۶۷۷. ص ۲۱۵

□ شیخ محمود سقله در ایوان منارجنبان اصفهان از سال ۶۹۵. ص ۳۴۴

□ کاشمر یا کشمار، برج یا منار آرامگاهی در پنجاه کیلومتری مغرب تربت حیدری از

۶۹۹. ص ۳۸۷

## ۶- آرامگاههای سلجوقی بی‌تاریخ در سده هفتم

چنگیز در سال ۱۲۱۹/۶۱۷ پس از فتح سراسر آسیای شرقی متوجه مغرب شد، وی جز خرابی کاری نکرد و جانشینان نخستین وی نیز آن‌قدرها به معماری توجه نداشتند. از این‌رو ما در این بررسی و فهرست آرابی سراسر سده هفتم را دنباله عصر سلجوقی و دیگر حکومت‌های پیش از حمله مغول به حساب آورده‌ایم. درحالی‌که بسیاری از بناهای سده هفتم را ممکن است در فهرست‌های دیگر، بنای ایلخانی یا مغولی جا داده باشند.

دونالد ویلبر از جمله آن کارشناسان نیست که کوشش می‌کند معماری ایلخانی را در برابر

معماری سلجوقی گسترده‌تر و وسیع‌تر ارائه کند اما خود وی در دیباچه کتابش می‌نویسد:

غالب بناهایی که در این دوره بنیاد یافت، ساخته دست مردم بومی این سرزمین است که در روزگار آرامش داخلی، بدون توجه به فرمانروایان زمان، آنها را بنا نهادند، ایلخانان ایران تا اواخر دوران فرمانروایی خود شخصاً به معماری عنایت چندانی نکردند، به عبارت دیگر، شخصاً برای ایجاد یا بنای ساختمان‌های جدید یا تعمیر و تغییر بناهای پیشین پیشقدم نگشتند، اقدام آنان محدود به صدور احکام و فرمان‌هایی بود که وزرای ایرانی آنان تهیه می‌کردند...»<sup>۵۰</sup>

با توجه به این پیچیدگی و ابهام در زمان‌بندی فهرست بناها، در این بخش نیز بناهای سده

هفتم را بر مبنای ترتیب الفبایی ارائه می‌کنیم:

- آخوند در کرمان، کوهبنان از سده هفتم. ص ۱۹۹
- آبش خاتون و اتابک ابوبکر و اتابک سعد. در شیراز از سده هفتم. ص ۲۱۴
- ابوالمعالی مظفر باغ نوشیراز سده هفت. ص ۲۱۸
- استرومردخای در همدان، بنایی از سده هفتم. ص ۲۲۶
- اشموئیل پیامبر در ساوه، بنایی از سده هفتم. ص ۲۲۷
- آلتوتمیش در دهلی از بناهای سده هفتم. ص ۲۳۱
- امام رافعی از بناهای سده هفتم در قزوین. ص ۲۳۴
- امامزاده اباذر در ۳ کیلومتری کرج به قزوین، از سده هفتم. ص ۲۳۲
- امامزاده محمود یا امامزاده بسطامی در بسطام، از سده هفتم. ص ۲۴۹
- پیربابا مسافر در شهداد کرمان، بنایی از سده هفتم. ص ۲۵۵
- پیرجاسوس در کرمان از سده هفتم. ص ۲۵۶
- پیرجان سوز (در متن جارسوز) در بردسیر کرمان، از سده هفتم. ص ۲۵۶
- پیرمراد، اراک سده هفتم و هشتم. معماری ۸۱/۲
- جوی برج در مراغه از سده هفتم. ص ۲۶۵
- چلبی، حسام‌الدین در قونیه جوار مولوی، سده هفتم. ص ۲۶۶
- چهل دختران سراب از سده هفتم. ص ۲۶۷
- چهل دختران در ثلاث سمنان، بنایی از سده هفتم. ص ۲۶۷
- چهل دختران در کاشان از سده هفتم. ص ۲۶۷
- خواجه امیرالدین هگلی وال، در سری‌نگر کشمیر از سده هفتم. ص ۲۷۸
- خواجه شمس‌الدین محمد در تبریز، سده هفتم. ص ۲۷۹
- خواجه عمید کججانی در اسکوی آذربایجان، سده هفتم. ص ۲۸۰
- دختر ارغون آقا در سجاس زنجان، سده هفتم. ص ۲۸۴
- ذوالفقار شروانی در سرخاب تبریز، سده هفت. ص ۲۸۶
- روزبهان در شیراز از سده هفت. ص ۲۹۰
- زکریا قزوینی در بغداد از سده هفت. ص ۲۹۱
- زکریا ملتانی در ملتان پاکستان از سده هفتم. ص ۲۹۱
- گنبد سبز، آرامگاه قراختانیان، کرمان سده هفتم. ص ۲۹۵



- سرخپوش در بهاولپور پاکستان از سده هفت. ص ۲۹۶
- سیف الدین باخرزی در فتح آباد بخارا، سده هفت. ص ۳۱۶
- سیف اسفرنکی در بخارا، سده هفت. ص ۳۱۶
- سید شرفشاه در طوالش اول گیل دولاب، سده هفت. ص ۳۱۲
- شاهزاده اسحاق، ساوه از سده هفتم. ص ۳۱۹
- شاهزاده قاسم در فین کاشان از سده هفتم. ص ۳۲۱
- شاه هادی در تاکستان از سده هفت. ص ۳۲۵
- شاه هادی در نراق کاشان از سده هفت. ص ۳۲۵
- شاهزاده یحیی در نراق کاشان از سده هفت. ص ۳۲۲
- شروانی، سید قوام الدین در تبریز. از سده هفت. ص ۳۲۷
- شاهزاده هارون در ده کیلومتری ساوه، از سده هفتم. ص ۳۲۱
- شاهزاده یحیی در نراق کاشان از سده هفت. ص ۳۲۲
- شمس الدین سجاسی در قید ارزنجان، سده هفت. ص ۳۲۹
- شیخ احمد خندان در بدایون هند از سده هفتم. ص ۳۳۴
- شیخ احمد فهادان در فهادان یزد از سده هفتم. ص ۹۲/۲
- شیخ بهاء الدین سمنانی در سمنان از سده هفتم. ص ۳۳۷
- شیخ فاضل بوریا بادی در تربت حیدریه بوریا باد، سده هفت. ص ۳۴۲
- شیخ یوسف سروستانی، سروستان از سده ۷ و ۸. ص ۳۴۵
- صلاح الدین نخجوانی بلغاری در تبریز از سده هفت. ص ۳۵۱
- عثمان مروندی، در سیحون سند میراث ۴۸۹/۲
- عراقی، فخرالدین - در دمشق، از سده هفت. ص ۳۶۱
- علامه قطب الدین محمود کازرونی در تبریز از سده هفت. ص ۳۶۴
- علی بن سهل، آثار آن در اصفهان از سده هفت مانده است. ص ۳۶۵
- عوض الخواص در کلخوران اردبیل، سده هفت. ص ۳۶۸
- فخر فارسی در قاهره، سده هفت. ص ۳۷۷
- فریدالدین گنج شکر در ملتان پاکستان، سده هفت. ص ۳۷۸
- فلک الدین در ده فلک الدین در شمال غربی خرم آباد، سده هفت. ص ۳۷۶

- قاسم (امامزاده) در کاشان از سده هفتم. ص ۳۸۰
- قاضی سراج‌الدین در قونیه، در جوار مولوی، سده هفت. ص ۳۸۱
- قاضی محی‌الدین در کوی سرخاب تبریز، سده هفت. ص ۳۸۲
- قربان، برج آرامگاهی در همدان از سده هفت. ص ۳۸۳
- قشم ابن عباس در سمرقند از سده هفت. ص ۳۸۴
- کورائیم اردبیل از سده هفت. معماری ۸۳/۲
- کمال‌الدین اسماعیل در اصفهان از سده هفتم. ص ۳۹۰
- مادر هولاکو در مراغه از سده هفتم. ص ۳۹۸
- مجدالدین بغدادی، دجله، سده هفتم. ص ۳۹۹
- محقق اول در حله عراق، سده هفت. ص ۴۰۱
- مولوی، جلال‌الدین در قونیه، سده هفت. ص ۴۱۸
- میدانک در راه چالوس نزدیک گچسار، سده هفت. ص ۴۲۰
- نجم‌الدین دایه در بغداد، سده هفت. ص ۴۳۴
- نجم‌الدین زرکوب در شیراز، سده هفت. ص ۴۳۴
- نخجوانی صلاح‌الدین - در تبریز از سده هفتم. ص ۴۳۴
- نصیرالدین طوسی، خواجه - در کاظمین، سده هفت. ص ۴۳۵
- نظام‌الدین اولیاء در دهلی، سده هفت. ص ۴۳۶
- هادی ابن علی (امامزاده) همدان پارک باباطاهر، سده هفت.
- هارونیه در طوس سده هفت. ص ۴۴۳
- امامزاده احمد در لواسان از سده ۷ یا ۸. ص ۲۳۲
- امامزاده سلطان مطهر در دماوند، بومهن سده ۷ یا ۸. ص ۳۰۴
- امامزاده صالح در تهران شمیران از سده ۷ و ۸. ص ۲۳۳
- امامزاده علی در سادات بویراحمدی از سده‌های ۷ و ۸. ص ۲۳۳
- امامزاده یحیی در صائین قلعه زنجان از سده‌های ۷ و ۸. ص ۲۳۴
- پیرمراد در مشهد میغان اراک از سده‌های ۷ و ۸. ص ۲۳۴
- شیخ محمد ابن اسماعیل در آذربایجان از سده‌های ۷ و ۸. ص ۲۴۳

- طیب شیرازی، نجم‌الدین در شیراز، از سده‌های ۷ و ۸. ص ۳۵۵
- قربان، برج آرامگاهی در همدان از سده‌های ۷ و ۸. ص ۳۸۳
- امامزاده عسگری در کیفان بجنورد از سده هفت تا صفویه ص ۲۳۳
- معین‌الدین چشتی در اجمیر هندوستان از سده هفت تا سده ۱۱. ص ۴۱۱

#### ۷- آرامگاه‌های پادشاهان و امیران سلجوقی

در مجمل‌التواریخ ص ۴۶۵ ذکر حفایر آل سلجوق:

- سلطان طغرل بیک به شهر ری وفات رسید و تربتش آنجا برجاست.
- الب ارسلان، او به جانب مرو مدفون است.
- سلطان محمود به همدان مرد و به اصفهان مدفون است پیش سلطان محمد.
- سلطان محمد بن ملک‌شاه به اصفهان.
- سلطان طغرل بن محمد به همدان در مدرسه طغرلیه.
- سلطان مسعود به همدان در مدرسه مدفون است.
- سلطان محمد ابن محمود در مدرسه سلطان طغرل.
- سلیمان هم به همدان مدفون است.
- سلطان طغرل بن ارسلان، به شهر ری در تربت سلطان طغرل بیک.
- ارسلان به همدان مدفون است.

## فصل دوازدهم

### آرامگاههای عصر ایلخانی، مغول و تیموریان

(بخش نخست از مرحله چهارم، عصر اسلامی دو\*)

(در دوره ایلخانی هنر معماری ایران راه کمال پیمود و غالب بناهایی که در این دوره بنیاد یافت، ساخته پنجه هنرمند بومیان کشور بود. بزرگی این بناها این نیاز را پیش آورد که معماران ورزیده از سراسر کشور به کار دعوت شوند و هر استاد فوت و فن هنر خود را بر دیگران عرضه داشت و پس از ساختمان بنا به دیار خود رفت. سبک عالی معماری دوران ایلخانان یادگار این اهتمام است.

#### دونالد ویلبر\*\*

خواجه نظام الملک طوسی، معمار اصلی طرح و اجرای نظامات سیاسی اجتماعی امپراتوری سلجوقی بود و تمدنی را پی افکند، که حاصلش سالها رفاه و آسایش مردم و ترقی علم و هنر در سایه عدالت و امنیت بود. آرامگاه سازی و به طور کلی معماری عصر سلجوقی نیز پیشرفت کلی کرد به طوری که آن را باید در تاریخ هنر ایران بزرگ یک اوج دانست و این اوج در حد خودش متوقف بود و خوارزمشاهیان چیزی بر این اعتلا نیفزودند، شاید چنین امکانی اصلاً وجود نداشت.

ویرانی از آن زمان آغاز شد که چنگیز در ۶۱۷ قشون خود را به سوی ایران به حرکت درآورد، چنگیز که نام اصلی وی تموچین است در همان سال بخارا را تصرف کرد و سوار بر اسب داخل مسجد بزرگ شهر شد، در آنجا مجلس عیش برپا کرد، اول کتب مقدسه، بعد شهر را به آتش کشید تا مدتی که اثری از تقدس دینی و گرایش به اسلام در مغولان وجود نداشت،

\* از ترک تازی مغولان تا ظهور شاه عباس

\*\* دانشمند معاصر از همکاران پروفیسور پوپ که از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۸ بارها به ایران سفر کرد و با استفاده از این فرصتهای مطالعاتی و دسترسی به عکسها و تجربیات پروفیسور پوپ، موفق شد کتاب معروف خود معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان را تألیف کند، این کتاب توسط استاد فقید عبدالله فریار به فارسی برگردانده و در ۱۳۴۶ و ۱۳۶۵ توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در تهران طبع و نشر شد.

این تخریب هم بدون درنگ ادامه یافت و می‌توان گفت یکی از علل برجای ماندن برخی از بناهای مذهبی در آن روزگار استحکام فوق‌العاده آنها بوده است. در برابر بناهای اشرافی و سلطنتی، و البته این مسئله را هم نباید فراموش کرد که سرداران مهاجم و جنگجویان بزرگ سراسر وجودشان از کینه نسبت به شاهان پیشین انباشته است، رفتار چنگیز و فرزندانش نسبت به جسد محمد خوارزمشاه، بهترین شاهد مثال است در این مورد، و در عصر پس از صفویه رفتار آغا محمدخان نسبت به کریم خان. چنگیزیان جسد سلطان محمد خوارزمشاه را پس از دوبار جابه‌جایی از گور درآورده آتش زدند.<sup>۱</sup>

از میان بناهای مانده و تخریب نشده مسجدها و آرامگاهها، با بناهای نشیمنی سلطنتی قابل قیاس نیستند و از این گروه بناهایی برجای مانده که ۱۱۹ باب آن را مؤلف معماری ایلخانی معرفی کرده است آرامگاهها مقام اول را دارند بدین قرار:

متفرقه ۱۳ و امامزاده ۱۹، مسجد ۳۳ و آرامگاه ۵۴ باب، اما بر مبنای بررسی و شمارش خود نویسنده کتاب سی و نه عدد از آثار مندرج در فهرست را مقبره‌ها تشکیل می‌دهند که وی درباره این سی و نه عدد می‌نویسد:

آنها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند، یک دسته آنها که شبستان مربع شکل گنبددار دارند و تعداد آنها دوازده است و دسته دیگر مقبره‌های برجی است. مقبره‌های برجی اشکال مدور و مربع و چند وجهی دارند و تفاوت آنها با شبستانهای گنبددار ارتفاع خیلی زیادتری است که نسبت به ابعاد کلی بنا دارند و اینها را می‌توان به ساختمانهای گنبددار و ساختمانهایی که گنبد چندوجهی خیمه‌وار و یا سقف مخروطی دارند تقسیم کرد.

در همه مقبره‌ها بر روی اطاق مقبره یک گنبد داخلی دیده می‌شود و جنبه دینی آنها از آنجا معلوم می‌شود، که بیش از نیمی از آنها محراب دارند. در این مقابر جسد یا در تابوتی سنگی و منقش که در مرکز اطاق قرار دارد دفن شده است و یا در دخمه طاق‌داری که در زیر اطاق قرار دارد و از گوشه‌ای از ساختمان می‌توان بدان راه یافت جای داده شده.<sup>۲</sup>

به این نکته اشاره شد که بناهای غیردینی بیشتر از میان رفته‌اند، دونالدویلبر نیز که فهرستی از بناهای معدوم شده دارد می‌نویسد که بناهای غیردینی قصرهای مجلل را از چوب می‌ساختند، اصولاً این قوم چادر نشین زمستان و تابستان زیر چادر بوده‌اند و حتی بیشتر محققان اظهار نظر می‌کنند که معماران برای ساختن آرامگاههای مخروطی شکل نیز از

خیمه‌های نوک‌تیز<sup>۳</sup> مغولی الهام گرفته‌اند، که ما بدان اشاره کردیم و گفتیم که هیلن براند نیز همین نظر را درباره بناهای سلجوقی دارد. عباس اقبال هم در این باره می‌نویسد:

بعضی از بناهایی که از عصر ایلخانان باقی مانده از دور هیئت چادرها یعنی یورتهای مخصوص ایلات را دارد و از این جهت بنای ظریفی که هنوز قسمت عمده آن در مراغه باقی است و به مقبره دختر هولاگو\* شهرت دارد از همه نمایان‌تر است.<sup>۴</sup>

هجوم مغولان نه فقط روند آرامگاه‌سازی را متوقف ساخت بلکه بسیاری از آرامگاههای ساخته شده را نیز این اقوام خونخوار وحشی معدوم کردند، که برخی از آنها در اثر استحکام فوق‌العاده قابل خراب شدن نبود و ماند.

در بدو امر چنین به نظر می‌رسد که با هجوم قومی چادر نشین و مخرب نباید دیگر بنایی در این عصر ساخته شود، در حالی که به جرات می‌توان گفت عصر ایلخانی از این نقطه نظر یکی از درخشان‌ترین اعصار تمدنی ایران است. با ایلغار مغول بسیاری از بنایان و معماران ممتاز ایران، در نتیجه عدم امنیت و عدالت در ایران، از منطقه کوچ کردند یا فراری شدند، به خصوص که در بدو امر به نظر می‌رسید این جنگجویان غیرمسلمان، دیگر اجازه نخواهند داد مسجدی ساخته شود. از لحاظ آرامگاه نیز باید متوجه بود که مغولان برای بزرگان خود آرامگاه نمی‌ساختند و بدنهای بزرگان خود را در جاهای دورافتاده به خاک می‌سپردند، در حقیقت آنها را سرب نیست می‌کردند. هم‌اکنون گور ایلخانان مسلمان نشده را نمی‌دانیم که در کجاست اما پس از مسلمان شدن غازان، که هم اسلام در جامعه مغولان تقویت شد و هم مدت سلطنت ایلخانان مسلمان از دوره ایلخانان نخستین طولانی‌تر شد، ایلخانان نیز به تقلید از شاهان پیشین ایران و تشویق وزیرانشان به بنای مقبره و گنبد مخصوص اقدام نمودند، تا حدی که برای نشان دادن تعلق خود به اسلام، به ساختن و تعمیر ابنیه اخیر دیگر نیز از قبیل مساجد و جوامع علمی و مدارس پرداخته و آثار مهمی از خود به یادگار گذاشتند.

اگرچه قبل از ایلخانان مسلمان ایلخانان دیگر هم کلیساها و معابد بودایی در ایران ساخته بوده‌اند که بعدها مسلمانان آنها را برانداخته و نام و نشانی از آنها به جا نگذاشته‌اند. به همین دلیل است که بیشتر ابنیه و آثاری که از دوره مغول باقی مانده از عهد غازان خان به بعد است. مرحوم اقبال پس از اشاره به مطلب آثار به جای مانده از ایلخانان را در سه گروه

\*- این بنا منسوب به مادر هولاگوست که آن را نیز آندره گدار باستان‌شناس فرانسوی رد کرده است. آثار ۲۸۷/۳

برمی‌شمارد: آبادیها، شهرها، ابنیه مذهبی و مقابر یعنی گنبد شنب غازان مقبره ابن ایلخان و دو گنبد سلطانیه مقبره اولجایتو و ابوسعید.<sup>۵</sup>

به این نکته نیز باید توجه داشت که فاتح مغولی هم همانند هر فاتح دیگر، به تاریخ و ثبت و ضبط وقایع عصر خودش که دربرگیرنده پهلوانیها و نبوغ نظامی و فرماندهی خود وی و اجدادش است، علاقه‌مند بوده است و به جرأت می‌توان گفت، با ظهور مغولان، تحول بزرگی در تاریخ‌نویسی ایرانی اسلامی به وجود آمد و درست است که این ویرانگران خونخوار بخش بزرگ میراث فرهنگی ما را از میان بردند، اما پس از تشکیل حکومت و مسلمان شدن، خود مبلغ و مروج همین فرهنگ شدند. علاوه بر کتابهای مهم تاریخ که از این دوره برجای ماند بناهای بزرگ مانند شنب غازان و ربع رشیدی و رصدخانه‌ای مهم ساخته شد. نقطه اوج معماری هنرمندانه عصر ایلخانی ساختن آرامگاه سلطانیه است، در وسط شهری که در مقابل صدها شهر خراب شده توسط مغولان، به دست ایشان پی افکنده شد. اما به علل گونه‌گون از جمله تنفر ذاتی مردم ایران از این مهمانان ناخوانده، شهر سلطانیه دوام نیاورد و با اینکه در یکی از بهترین جلگه‌های حاصلخیز ایران بنا شده بود، پس از افول ستاره اقبال مغولان، ویرانه شد و از میان رفت، فقط گنبد بزرگش با کاشیکاری بسیار زیبا و عظمت چشمگیر برجای مانده که چند قرن بعد، مدلی باشد برای معماران و بنایان اصفهانی در ساختن آن بناهای خاص و شکوهمند عصر صفوی.

به فرار یا مهاجرت هنرمندان ایرانی به شبه قاره اشاره کردیم و باید اضافه کنیم که سالهای سال آرامگاه‌سازی ایرانی در شبه قاره سرمشقی پربرکت بود و آثار مهمی را در آن سرزمین خلق کرد، که در همین فصل بدان اشاره خواهیم داشت اکنون نظر مرحوم اقبال را در باب نفوذ هنر و معماری ایران در مغرب ایران ارائه می‌کنیم:

استیلای مغول در آغاز نه تنها موجب ویرانی آبادیها و خرابی عمارات و ابنیه گردید، بلکه جمع کثیری از استادان صنایع مستظرفه و هنرمندان را از میان برد و از این مردم عده‌ای نیز مثل فضلا از ایران گریختند و به بلاد دیگر اسلامی از جمله به سرزمین روم و مصر مهاجرت نمودند و در پناه امرا و سلاطین آن نواحی، به بروز هنر و استادی خود پرداختند و همین مسئله، همچنان که ادبیات فارسی را در خارج ایران منتشر ساخت، صنایع ظریفه و سبک معماری خاص ایرانی را نیز در بلاد روم و مصر داخل نمود و یک عده از ابنیه مصر و شام و روم در آن ایام به دست ایرانیان مهاجر بنا شد.<sup>۶</sup>

البته این تأثیر متقابل بوده است و از سوی دیگر وقتی که عصر عمران و آبادی فرا رسید و ایلخانان با فرهنگ ایرانی آشنا شدند، به تشویق هنرمندان پرداختند، بار دیگر این هنرمندان از گوشه و کنار ایران سر بر آوردند و در شهرهای جدید ایلخانی ایران گرد آمدند، که سلطانیه مهمترین آن شهرها محسوب می‌گردید. اولجایتو واقعاً مرد عمران و آبادی بود و مانند برادرش غازان خان به ساختن عمارات بزرگ دست یازید که بزرگترین این عمارات آرامگاه خودش بود.

غازان خان نخستین ایلخان در ایران بود که رسماً برای خود آرامگاه ساخت و رسم سر به نیست کردن جسد ایلخانان و خانان مغولی را منسوخ ساخت. غازان خان که مسلمان شده بود می‌خواست پایش را جای پای پادشاهان مسلمان غیر مغول بگذارد. در حیات خویش مقبره‌ای جهت خود بنا ننماید و اوقافی جهت آن قرار دهد تا صلحا و زهاد و عباد از ممر آن زندگی کنند و او را پس از مرگ به ذکر خیر یاد نمایند. از این رو در محل شام تبریز که بعدها شنب غازان یا شاه غازان خوانده شد و در سه ربع فرسنگی جنوب تبریز واقع است قبه‌ای ساخت که از عجایب ابنیه اسلامی و بزرگترین و عظیم‌ترین قبه‌ای بوده است که تا آن تاریخ در ممالک اسلامی ساخته شده است. بنای قبه در سال ۷۰۲ پایان یافت، ضخامت دیوارها برابر با سی و سه آجر چسبیده به هم بود و هر کدام از آن آجرها نیز ده من وزن داشته است و ۱۴۰۰۰ عملة که ۱۳۰۰۰ نفر آنها مستمراً و ۱۰۰۰ نفر دیگر به عنوان کمک استخدام شده بودند، در ساختن آن شرکت کرده‌اند. بلندی قبه ۱۲۰ گز و طول دیوارها ۸۰ گز و کتیبه و شرفات قبه ۱۰ گز و طاس قبه ۴ گز و محیط آن ۱۵۳۰ گز بوده است و شکل دوازده ضلعی داشته و بر هر ضلع آن صورت برجی را نقش کرده بودند.

کتیبه‌ها در داخل و خارج قبه، به نقوش و خطوط بسیار نیکو مزین، و تنها سیصد من لاجورد در نقش سقف آن به کار رفته بوده و در اندرون قبه، هشتاد قندیل زرین و سیمین که وزن هریک از آنها به پانزده من می‌رسیده آویخته بودند که یکی از قندیل‌های طلای آن هزار مثقال وزن داشت. این آرامگاه در حقیقت مرکز و قلب این مجموعه بود و در اطراف بناهای بسیار از مسجد و مدرسه و دارالسیاده و رصدخانه و بیت‌الکتاب و بیت‌القانون... و حوضخانه و حمام و مقبره برای چند حافظ قرآن ساخته با موقوفات بسیار. و وقفنامه و شروط وقفنامه که در حبیب‌السیرج ۲ صفحه ۱۰۸ آمده است.<sup>۷</sup>

غازان خان خیال داشت که در سلطانیه کنونی نیز شهری بسازد که عمرش کفایت نکرد و



برادرش الجایتو آن را به انجام رساند. مغولان به این سرزمین قُنقور آلانگ می گفتند که آلانگ یا آلنگ به معنی چمن است و هم اکنون در شمال خراسان به مرغزار آلنگ می گویند. این محل را سرداران مغول خوب می شناختند که مرتعی بسیار خوب با آب و هوای مفرح و سرزمین دورود ابهر و زنجان است، که اولی به سوی قزوین و دومی به سوی میانه در جریان است تا به قزل اوزون پیوندند.

اولجایتو در ۷۰۴ ساختن این شهر را شروع کرد، گام نخستین این بود که دورتادور محوطه اصلی شهر بارویی مربع شکل کشیدند، دیواری که درازای آن سی هزار قدم بود و ضخامت دیوارهای آن به اندازه ای بود که چهار سوار پهلوی یکدیگر می توانستند روی آن حرکت کنند و در وسط آن، اولجایتو قلعه بزرگی ساخت که از جهت عظمت به شهری می ماند و در آن گنبدی جهت آرامگاه خود بنا کرد که همان گنبد معروف شاه خدا بنده یا سلطانیه است که بعد از وفات، وی را در آن به خاک سپردند، و آن از مهمترین بناها و از نمونه های عالی معماری عهد مغول است. سلطان خدا بنده در اطراف این آرامگاه به بنای هفت مسجد امر داد و یکی از آنها را خود به خرج خویش از مرمر و چینی ساخت و بناهای دیگر از دارالشفاء، داروخانه، دارالسیاده و خانقاه برپا شد و اولجایتو علاوه بر بنای قصری جهت اقامت خویش، مدرسه بزرگی نیز در آن شهر از روی گرده مدرسه مستنصریه بغداد پی افکند و از هر طرف مدرسین و علما و اهل بحث و درس را به آنجا خواند. در این باب متنی را از نفایس الفنون می آوریم:

اولجایتو جهت مرقد خود گنبدی بسی عالی با هشت منار بر سر آن ساخت و در حوالی آن ابواب خیر از جامع و خانقاه و مدارس و دارالسیاده که هرگز مثل آن در جهان کس ندیده و نشنیده بساخت، و بسیاری از املاک نفیسه بر آنجا وقف کرد. چنانچه حاصل آن در عهد دولت او به صد تومان می رسید و چون این جمله به تعلیم و ارشاد وزیر عالم و عادل صاحب سعید شهید، خواجه رشیدالدین طاب ثراه بود، نیابت تولیت بدو داد و در آنجا ده مدرس و بیست معبد و صد نفر از طلبة علم و بیست صوفی و دوازده حافظ قرآن و هشت مؤذن و چهار معلم تعیین فرمود و جهت هر مدرس هزار و پانصد دینار مرسوم کرد و جهت هر معبد هفتصد و پنجاه دینار و از آن هر طالب علم و صوفی و حافظ و مؤذن و معلم صد و بیست دینار. هر روز جهت آینده و رونده که در دارالضیافه آنجا صرف کنند سیصد دینار تعیین فرمود و مخارج دارالسیاده و دارالشفاء زیاده از صد هزار دینار.<sup>۸</sup>

اولجایتو نهایت کوشش را به خرج داد که این شهر بزرگترین شهر عالم اسلام گردد، اما از آنجا که مردم ایران این تعبیه‌ها را مصنوع دست و فکر خودخواهانه مغولان می‌دانستند، توجهی به این شهر جدیدالولاده نداشتند، در حالی که دولتمردان دربار ایلخان با وی کمال همکاری را داشتند، مثلاً خواجه رشیدالدین یک محله تمام از سلطانیه را که بر هزارخانه مشتمل بود به انضمام مدرسه و دارالشفاء و خانقاهی به خرج خود ساخت. اولجایتو در نقاط دیگر هم شهرهایی ساخت اما از سلطانیه که گل سرسبد بلاد اسلامی در آن عصر بود، امروز تنها آرامگاه وی، گنبد سلطانیه نیمه ویران برجای است و به قول مرحوم اقبال:

سلطانیه پس از اولجایتو و ابوسعید خان یکباره از اهمیت افتاد و بهمان سرعت که ایجاد شده بود رو به خرابی گذاشت و امیر تیمور نیز که در ویران کردن بلاد، مهارتی داشت و مثل آتیلا و چنگیز و دیگر سرکردگان تاتارنژاد، دشمن آبادی بود آنچه را که از سلطانیه برپا بود با خاک یکسان کرد و این شهر از آن تاریخ به بعد دیگر جایی نگرفت. اصولاً مردم ایران که با آن خرابیه‌ها مخالف بودند، اکنون نیز با این گونه آبادی که انگیزه آن میل دیکتاتور مآبانه این سلطانها بود موافقت نداشتند، شاهد مدعا این خبر تاریخی است: در اوایل عهد ابوسعید موقعی که به امر این پادشاه مبالغ خطیری در سلطانیه صرف بنای مسجدی شد و در حین عمل، طاقی که جهت مسجد به ارتفاع زیاد برپا شده بود خلل پذیرفت و مسجد ناتمام و متروک ماند، جمعی این پیشامد را بر آن حمل کردند که چون سلطان و وزیر او وجهی گزاف از عایدات مملکت را تنها برای تفتن و آرایش، نه در راه حق و اظهار اخلاص به او صرف کردند عمل ایشان حسن ختام نپذیرفت و اتمام نیافته راه زوال پیموده شاعری در همان عهد گفت:

جزای قبح عمل بین که روزگار هنوز تمام نشده طاقی همی کند ویران<sup>۹</sup>  
 اکنون از پایان این مقال می‌رسیم به ارائه فهرستی از بناهای ایلخانی یا مغولی که از لحاظ تعداد بزرگترین گروه است. اگر به طور کلی تعداد بناها را در نظر داشته باشیم، عصر صفوی با عصر ایلخانی می‌تواند رقابت کند اما در مورد آرامگاهها، عصر ایلخانی بزرگترین گروه را دربرگرفته و علت این امر یکی توجه مردم به عارفان و صالحان مردم دوست بود، و یکی هم آزادی یافتن بیشتر شیعه‌ها به علت تمایل برخی از ایلخانان مسلمان به آیین شیعه، از جمله اولجایتو

جدول نمایشی آرامگاهها در این عصر:

## ۱- آرامگاههای تاریخدار سده هشتم از ۷۰۱ تا ۸۰۳

- امامزاده علی بن جعفر در سالهای ۷۰۰ تا ۷۰۵، قم. ص ۲۳۳
- ربع رشیدی در تبریز از سال ۷۰۰، فقط آثار آرامگاه خواجه رشیدالدین. ص ۲۷۹
- شیخ محمود در آستارا نزدیک مرز ایران و روسیه ۷۰۰. ص ۳۴۴
- امامزاده ابوالفضل و یحیی در محلات بالا، فقط محراب از ۷۰۱-۷۰۸. معماری ایلخانی. ص ۲۳۲
- پیربکران لنجان اصفهان از ۷۰۳. ص ۲۵۵
- شیخ نورالدین بیمارستانی، کوی سرخاب تبریز از ۷۰۳. ص ۳۴۵
- شیخ عبدالصمد نطنزی، نطنز مجموعه شیخ عبدالصمد از ۷۰۴ تا ۷۷۰ آرامگاه و منار و خانقاه. ص ۳۴۰
- امامزاده قاسم در نور از سال ۷۰۶. معماری ۸۲/۲
- امامزاده یحیی در ورامین از ۷۰۷ به نظر دیولافوا برج سلجوقی است و محراب آن را دزدیده‌اند. ص ۲۳۴
- سلطانیه، آرامگاه سلطان محمد اولجایتو خدابنده از ۷۰۷. ص ۳۰۴
- غیاث‌الدین محمد، در هرات مسجد جامع از ۷۰۷. ص ۳۷۱
- ربیعہ خاتون از ۷۰۷ در اشترجان اصفهان. ص ۲۸۸
- امامزاده احمد بن قاسم در قم از ۷۰۸. ص ۲۲۲
- سیدجمال‌الدین مهدی، نقیب تبریزی. آرامگاه شعرا در تبریز از ۷۰۹. ص ۳۱۰
- امامزاده جعفر در اصفهان مانده از ۷۱۰. ص ۲۳۲
- چلبی اوغلو در سلطانیه از ۷۱۰. ص ۲۶۶
- بابابرکی در آذرشهر آذربایجان ۷۱۲. ص ۲۴۲
- بایزید بسطام از ۷۱۳ در بسطام. ص ۲۴۷
- بسطام، برج آرامگاهی از ۷۱۳، بسطام. ص ۲۴۹
- امامزاده کرار در بوزان اصفهان از ۷۱۳. ص ۲۳۴
- گار لادان اصفهان در ایوان زیرمنار جنبان، شیخ عمو در ۷۱۵. ص ۳۴۲
- غفاریه، برج آرامگاهی مراغه، از سال ۷۱۶. ص ۳۷۱
- حزقیال نبی نزدیک کوفه در سال ۷۱۶. ص ۲۷۰

- حسن کیخسرو و دخترش بی.بی. آرامگاه طاووس در ابرقوا از ۷۱۷. ص ۲۷۲
- میرخاتون، برج آرامگاهی سلماس، سابقاً میرخاتون حدود سال ۷۲۰. ص ۴۲۱
- نزاری قهستانی در قوارج بیرجند از ۷۲۰، بنای جدید از ۱۳۵۴ خ. ص ۴۳۵
- امامزاده ابراهیم در حومه شهر قم در یک مجموعه آرامگاهی از سال ۷۲۱. ص ۲۳۲
- امامزاده جعفر در اصفهان خیابان هاتف از سال ۷۲۵. ص ۲۳۳
- امامزاده محسن، همدان در چهارده کیلومتری مغرب آن از ۷۲۵. ص ۲۳۴
- حارث بن احمد در مشرق شهر قم از ۷۲۵. ص ۲۶۹
- سید رکن الدین در یزد از ۷۲۵. ص ۳۱۱
- امامزاده شاه حسین ورامین از ۷۲۸. ص ۲۳۲
- امامزاده ابراهیم در قم از سال ۱۳۳۰ م/ ۷۳۱. ص ۳۱۷ (شاه ابراهیم)
- تربت شیخ جام قسمتی از بنای زیارتگاه در تربت جام از ۷۳۰. ص ۲۶۱
- جوی برج مراغه بنایی از حدود ۷۳۰. ص ۲۶۵
- دو منار در دردشت و اطاق مقبره، اصفهان از ۷۳۰. ص ۲۸۶
- سبز، گنبد سبز قم در حدود ۲۹۴
- سیدون و سیدون گل سرخی در ابرقوا از ۷۳۰. ص ۳۱۶
- مرند، برج آرامگاهی از سال ۷۳۱. ص ۴۰۷
- حضرت رضا(ع)، اطاق مقبره ۷۳۵. ص ۱۰۳
- شیخ صفی الدین در اردبیل آغاز بنا ۷۳۵. ص ۳۴۰
- رکن الدین سمنانی در خانقاه خود در سمنان، از سال ۷۳۶. ص ۲۸۹
- علاءالدوله سمنانی در صوفی آباد سمنان از سال ۷۳۶. ص ۳۶۳
- ابن حسام خوافی، مولانا جمال‌الدین، هرات ۷۳۷. ص ۲۱۵
- اوحدی مراغه‌ای، رکن الدین، مراغه از ۷۳۸. ص ۲۴۱
- حمدالله مستوفی قزوین، ۷۴۰. ص ۲۷۴
- میرمحمد در خارگ، از ۷۴۰. ص ۴۳۰
- باباقاسم، اصفهان از سال ۷۴۱. ص ۲۴۵
- تاج الدین علیشاه در تبریز کنار ارک علیشاه، سال ۷۴۴. ص ۲۵۹
- ابن یمین، بنای نیمه ویران قدیم از ۷۴۵ در فریومد. ص ۲۱۶

- شاه قاسم انوار در لنگر فریمان (خراسان) از ۷۴۶. ص ۳۲۴
- شاهزاده قاسم در هرات از ۷۵۰. ص ۳۲۱
- مشیرز، اطاق گنبد در بردسیر کرمان از ۷۵۷ به بعد. ص ۴۱۰
- بابا لقمان، شیخ محمد بن محمد در سه کیلومتری شمال سرخس از ۷۵۷. ص ۲۴۵
- سلطان بخت آقا در دشت اصفهان از ۷۵۹. ص ۳۰۰
- امامزاده علی بن ابوالمعالی در قم از ۷۶۱. ص ۲۳۳
- گنبد سبز در قم از ۷۶۱. ص ۳۹۵
- خضر نبی در شوشتر بنایی از ۷۶۲. ص ۲۷۷
- خواجه سعد در اصفهان، حدود ۷۶۵. ایلخانان، حدود ۱۳۶۵ م، معماری ایلخانی  
ص ۲۷۹
- بهاءالدین محمد نقشبند، بخارا ۷۶۶. ص ۲۵۱
- سید شمس الدین در یزد بنایی از ۷۶۷، در جوار خانقاه وی. ص ۳۱۲
- بابا رکن الدین تخت فولاد اصفهان از ۷۶۹. ص ۲۴۴
- بردع، مقبره برجی در بردعه شمال رود ارس از ۷۷۲. ص ۲۴۸
- عماد فقیه کرمانی در کرمان از ۷۷۳. ص ۳۶۸
- روشن چراغ دهلی، در دهلی، حدود ۷۷۵. ص ۲۹۰
- امامزاده اسماعیل در قم حدود ۷۷۶. ص ۲۳۲
- اویس ایلکانی، تبریز ۷۷۶. ص ۲۴۲
- درویش امیر در کجور از سال ۷۸۰. ص ۲۸۴
- میر سید قوام الدین مرعشی در آمل از سال ۷۸۱. ص ۴۳۰
- امیر شمس الدین قره سنقر در غفاریه مراغه حدود ۷۸۲. ص ۲۳۷
- بابا اسماعیل در سرخاب تبریز، حدود ۷۸۳. ص ۲۴۳
- مخدوم جهانیان جهان گشت در بهاولپور پاکستان از ۷۸۵. ص ۴۰۶
- خواجه بهاءالدین نقشبندی بخاری در قصر عارفان بخارا، سال ۷۹۱. ص ۲۷۸
- خواجه جمال الحق در قم، از ۷۹۲. ص ۲۷۹
- امامزاده خواجه عمادالدین در قم دروازه کاشان، سال ۷۹۲. ص ۲۳۳
- شیخ کمالی در یزد، ۷۹۲. ص ۳۴۳

## ۲- آرامگاههای بی تاریخ برجای مانده از دوران اتابکان، ایلخانان و تیموریان:

- بی بی حکیمه خاتون در شهر کرد، از عصر اتابکان. ص ۲۵۱
- شاه چراغ شیراز از عصر اتابکان. ص ۳۱۸
- آبش خاتون در شیراز، ایلخانان. ص ۲۱۴
- امامزاده اطهر، در جزین رزن همدان مغول، ایلخانان. ص ۲۳۲
- امامزاده شعیب دوزال در اهر، ایلخانان. ص ۲۳۳
- امامزاده میر محمد در خارگ، ایلخانان. ص ۲۳۴
- امامزاده هود، در جزین همدان، ایلخانان. ص ۲۳۴
- حمدالله مستوفی در قزوین، ایلخانان. ص ۲۷۴
- زیارت در بجنورد، این بنا از بناهای آرامگاهی قابل بحث است. در معماری ایلخانی نوشته شده از این بنا تاکنون ذکر نشده است و در حقیقت این ساختمان حلقه دیگری در تکامل یک دگرگونی ساختمانی می باشد که عبارت است از تبدیل مقبره محصور دوره سلجوقی به مقبره کلاه فرنگی مانند دوره صفوی، کتیبه تاریخ دار در این بنا به دست نیامده و احتمال می رود که در حدود سال ۷۰۰/۱۳۰۰ (عصر ایلخانان) بنا شده باشد. در پنجاه کیلومتری مشرق بجنورد در جاده شمالی خراسان و مازندران ایلخانی ص ۱۴۲. ص ۲۹۲
- سید حمزه در تبریز محله سرخاب، ایلخانان. ص ۳۱۱
- سید علاءالدین در شیراز، از عصر ایلخانان. ص ۳۱۳
- صحن مسجد جامع شیراز، ایلخانان. ص ۳۴۹
- غازان خان، گنبد آرامگاهی در بسطام شاهرود، ایلخانان. ص ۳۷۰
- کبود، برج آرامگاهی در مراغه، منسوب به مادر هولاکو، ایلخانان. ص ۳۸۸
- امامزاده حسین در ورامین، مغول (ایلخانان). ص ۲۳۳
- امیر عبدالله، اصفهان منارجنبان بنای مغولی (ایلخانان). ص ۲۳۷
- اولجای خاتون دختر ارغون خان، نزدیک زنجان مغولی (ایلخانان). ص ۲۴۲
- امامزاده ابراهیم در قم، مغولی (ایلخانان). ص ۲۳۲
- سید علاءالدین در شیراز، مغولی (ایلخانان). ص ۳۱۳
- صدر جهان زنجان در قزوین، مغولی (ایلخانان). ص ۳۴۹
- گنبد دشتی در شمال اصفهان، بنای مغولی (ایلخانان). ص ۳۹۵

- مقام عباس در شوشتر، بنای مغولی - تیموری. ص ۲۱۲
- اُرخنجان، میل یا برج آرامگاهی در ۲۳ کیلومتری شمال مشهد، عصر تیموریان «به این بنا آهنگان هم گفته می شود، در فهرست ما هردو نام آمده است» ص ۲۱۰
- امامزادگان، در شمال کاشان، آران بنای تیموری. معماری ۹۲/۲
- امامزاده غلام رسول در چابهار بلوچستان، تیموریان. ص ۲۳۳
- امامزاده یحیی در سمنان انتهای بازار، تیموریان. ص ۲۳۴
- امامزاده یونس در لواسان، تیموریان. ص ۲۳۴
- پیر فراش در دزفول، تیموری. ص ۳۵۶
- شاهرخ میرزا در دامغان کنار امامزاده جعفر، تیموریان. ص ۳۱۸
- شهبهان، بقعه در محله شهبهان اصفهان، تیموریان. ص ۳۳۱
- شیخ عطار. در ۶ کیلومتری مشرق نیشابور، تیموریان. ص ۳۶۳

### ۳- آرامگاههای بی تاریخ سده هشتم

- ابوالوفا، گنبد آرامگاهی از سده هشتم بدون تاریخ. ص ۲۱۸
- ابولولو در کاشان، از سده هشتم به بعد. ص ۲۱۹
- امامزاده پلنگ آباد اشتهارد، در جاده کرج اشتهارد، سده هشتم. ص ۲۳۲
- ارس برج آرامگاهی در روستای فارلوجا، جاده اصلاندوز به خمارلو، سده هشت.

ص ۲۲۵

- امامزاده بیوک (موسی بن جعفر) در سراب، سده هشتم. معماری ۸۳/۲
- امامزاده سیدالسادات در گلپایگان، از سده هشتم. ص ۲۳۳
- امامزاده شاه بانو در سوادکوه، از سده هشتم. ص ۲۳۳
- امامزاده شاه سلیمان مسیر جاده کرج اشتهارد سده هشتم. آق ۹۳
- امامزاده قاسم، قم نزدیک دروازه قلعه، از سده هشتم. ص ۲۳۴
- امامزاده قاسم، یزد در جنوب شهر، سده هشتم (تیموری). معماری ۹۳/۲
- امامزاده محمود بسطام میرزا، بسطام آغاز سده هشتم معماری ایلخانی ۱۰۹
- امامزاده یحیی، در گنبد کاووس، سده هشتم. ص ۲۳۴
- گورکانیان (امیر تیمور) در سمرقند مجموعه گور امیر از سده هشتم. ص ۳۹۶

- امیر خسرو، دهلی در کنار نظام‌الدین اولیاء، سده هشتم. ص ۲۳۶
- امیر حسن دهلوی، دهلی نظام‌الدین، سده هشتم. ص ۲۳۶
- امین‌الدین جبرئیل در کلخوران، آرامگاه هفت برادران اردبیل، سده هشتم. ص ۲۳۹
- بی‌بی، گنبد آرامگاهی در تفرش، بنایی از سده هشتم. ص ۲۵۱
- بی‌بی فاطمه دختر شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مجموعه شیخ صفی سده هشت و نه. ص ۲۵۲
- بی‌مره در گناوه، سده هشتم. ص ۲۵۲
- پیر بکران در اصفهان، از سده هشتم. ص ۲۵۵
- پیر جاسوس در قلعه مشیز کرمان، آغاز سده هشتم. ص ۲۵۶
- پیر مرتضی، اردستان سده هشتم. ص ۲۵۹
- پیر نجم‌الدین در سمنان خیابان پیر نجم‌الدین، سده هشتم. ص ۲۵۹
- حارث بن احمد در قم از سده هشتم. ص ۲۶۹
- خواجه اصیل‌الدین در قم ابتدای جاده کاشان، سده هشتم. ص ۲۷۸
- چلبی اوغلو در سلطانیه از سده هشتم. ص ۲۶۶
- چهل دختران از سده هشتم در قم. ص ۲۶۷
- خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در تبریز، از سده هشتم. ص ۲۷۹
- خواجه شمس‌الدین محمد تبریزی، عصار، تبریز سده هشتم. ص ۲۷۹
- خواجه علی صفی‌الدین در قم دروازه کاشان، سده هشتم ایلخانی ۲۰۲. ص ۲۸۰
- درویش محمود در سمنان، موسی آباد از سده هشتم. ص ۲۸۵
- دمشق خواجه در تبریز در آرامگاهی که وی برای خواهرش بغداد خاتون ساخت سده هشتم. ص ۲۸۵
- چلبی اوغلو در سلطانیه از سده هشتم. ص ۲۶۶
- رکن جهان در یزد از سده هشتم. ص ۲۸۹
- رکن عالم در ملتان پاکستان، سده هشتم. ص ۲۸۹
- سبز، گنبد آرامگاهی در قم، دروازه کاشان، سده هشتم. ص ۲۹۴
- سبز، گنبد آرامگاهی شاهان تیموری در هرات از سده هشتم. ص ۲۹۴
- سلطان اويس ایلکانی نزدیک شاه گلی تبریز از سده هشتم. ص ۳۰۰
- سلطان بخت آقا دختر کیخسرو اینجو در اصفهان از سده هشتم. ص ۳۰۰



- سلطان حیدر ← آرامگاه شیخ حیدر
- سلطان محمود غازان، آثار در شب غازان تبریز از سده هشتم. ص ۳۰۴
- سلمان ساوجی در چرنداب تبریز، سده هشتم. ص ۳۰۵
- سهل بن علی در محله‌ای به نام خودش در یزد از سده هشتم. ص ۳۰۸
- سید رکن‌الدین در یزد از سده هشتم. ص ۳۱۱
- سید سربخش در قم از سده هشتم. ص ۳۱۲
- سید شمس‌الدین در یزد از سده هشتم. ص ۳۱۲
- سید علی کیا در نوشهر از سده‌های ۸ و ۹. ص ۳۱۳
- شاهرخ تیموری، در جوار امیر تیمور، گور امیر در سمرقند، سده هشتم. ص ۳۱۸
- شاهزاده ابراهیم در قم از سده هشتم. ص ۳۱۹
- شاهزاده احمد خاکفرح در شمال شرقی قم سده هشتم. ص ۳۱۹
- شاهزاده حسین در ابراهیم آباد اراک از سده هشتم. ص ۳۲۰
- شاهزاده محسن در فراهان اراک از سده ۸ و ۹. ص ۱۵۶
- شاهزاده محمد در بسطام شاهرود، سده هشتم. ص ۳۲۱
- شاه سیدرضا، چهار منار یزد بنایی از سده هشتم. ص ۳۲۲
- شاه محمد در طرحان لرستان، سده هشتم. ص ۳۲۴
- شاه فیروز در سیرجان از نیمه دوم سده هشتم. ص ۳۲۴
- شاه میر حمزه در شیراز از سده هشتم. ص ۳۲۵
- شمس تبریزی در ملتان هند، منسوب به شمس، از سده هشتم. ص ۳۲۹
- شیخ احمد فهادان در یزد، بنایی از سده هشتم. ص ۳۳۵.
- شیخ امین‌الدین بلیانی در شمال کازرون از سده هشتم. ص ۳۳۶
- شیخ برخ در قسم قریه کوشه، از سده هشتم. ص ۳۳۷
- شیخ بهاء‌الدین یعقوب تبریزی در شبستر از سده هشتم. ص ۳۳۷
- شیخ حیدر (سلطان حیدر) در مشکین شهر از سده هشتم ایلخانی. ص ۳۳۸
- شیخ جمال‌الدین علی حمزه اسفراینی، در اسفراین سده هشتم. ص ۳۳۷
- شیخ زاهدگیلانی در شیخ زاد محله لاهیجان، سده هشتم. ص ۳۳۹
- شیخ عبدالسلام کرمانی در ماهان (لنگر) از سده هشتم. ص ۳۴۱

- شیخ محمود شبستری در آرامگاه استادش بهاءالدین یعقوب، تبریز از سده هشتم. ص ۳۴۴
- شیخ نظام‌الدین محمود مزدقانی، درویش محمود در موسی‌آباد سمنان، سده هشتم. ص ۳۴۵
- شیخ یوسف سروستانی، مقبره در سروستان فارس از سده هشتم. ص ۳۴۵
- طیب و طاهر (مزار) کنار راه قم به سراجیه سده هشتم، معماری ۷۹/۲
- علاءالدوله سمنانی در صوفی‌آباد سمنان، کنار خانقاهش از سده هشتم. ص ۳۶۳
- علاءالدین سمنانی سده هشتم. ص ۳۶۳
- علامه حلّی، جمال‌الدین حسن، نجف از سده هشتم. ص ۳۶۴
- علی بن جعفر در قم از سده هشتم. ص ۳۶۵
- عماد فقیه کرمانی، کرمان، سده هشتم. ص ۳۶۸
- غازان خان در غازانیه تبریز، فقط آثارش به جای مانده است، سده هشتم. ص ۳۷۰
- فلک‌الدین در خرم‌آباد لرستان، سده هشتم. ص ۳۷۸
- فهادان، شیخ احمد - در یزد، بنایی از سده هشتم. ص ۳۷۸
- فیروزشاه تغلق از شاهان دهلی، دهلی مجموعه فیروزشاه از سده هشتم. ص ۳۷۸
- قطب‌الدین رازی یابویهی در دمشق، سده هشتم. ص ۳۸۸
- قوی، برج آرامگاهی با نامهای مشابه دیگر، جوی، گوی همه به معنی کبود در مراغه، از سده هشتم. ص ۳۸۶
- قیدار پیامبر در زنجان، از سده هشتم. ص ۳۸۶
- کاشانه، برج آرامگاهی در بسطام شاهرود، از سده هشتم. ص ۳۸۷
- کاشمر، منار یا برج آرامگاهی در کاشمر خراسان آغاز سده هشتم. ص ۳۸۷
- کمال خجندی، آرامگاه دو کمال در تبریز از سده هشتم. ص ۳۹۱
- کوه بُنان در کرمان از سده هشتم. ص ۳۹۳
- گورکانیان در سمرقند، مانده از سده هشتم. ص ۳۹۶
- گوهرشاد در جوار مسجد جامع هرات از سده هشتم. ص ۳۹۶
- مخدوم جهانیان جهانگشت در اوچ، بهاولپور پاکستان از سده هشتم. ص ۴۰۶
- مولا کمال در شهر دهاهند از سده هشتم. ص ۴۱۷

□ مهدی صالح در روستای ماژین ۱۲۵ کیلومتری خرم آباد لرستان، سده هشتم. ص ۴۱۹  
 □ میرخاتون در برجی که اکنون نیمه ویران است به نام برج سلماس، آن هم به احتمال، بنایی از سده هشتم. ص ۴۲۱

□ میرخواند، سید محمد فرزند امیر برهان الدین، هرات خانقاه اخلاصیه، سده هشتم. ص ۴۲۱

- میرسید علی همدانی، شاه همدان. تاخلی تاجیکستان، سده هشتم. ص ۴۲۹
- میر قوام الدین مرعشی در آمل، بنا از سده های ۸ و ۹. ص ۴۳۰
- نظام الدین یحیی غوری در تبریز، سده هشتم. ص ۴۳۶
- نورالدین ولی در کشمیر از سده هشتم. ص ۳۳۸
- نیشابوری، لطف الله - در اسفراین که امروز قدمگاه نام دارد، سده هشتم. ص ۳۳۹
- هولاکو خان مغول به احتمال کوه شاهر مقابل دهخوارخان، سده هشتم\*. ص ۴۵۰
- امامزاده جعفر در یزد محله عتیق از سده هشتم به بعد. ص ۲۳۳
- بابا رکن الدین، تخت فولاد اصفهان از سده های ۸ و ۱۱. ص ۲۴۴
- بی بی فاطمه دختر شیخ صفی الدین اردبیلی، سده های هشتم و نهم. ص ۲۵۲
- بی مره (بی بی مریم) در گناوه، سده های هشتم و نهم. ص ۲۵۲
- چهار امامزاده، قم حسن آباد از سده های ۸ و ۹. ص ۲۶۷
- سیدعلی کیا در شرق نوشهر، از سده های هشتم و نهم. ص ۳۱۳
- شاهزاده محسن در فراهان اراک، از سده هشتم و نهم. ص ۳۲۱
- شاه میر حمزه در شیراز، بنایی از سده هشتم به بعد. ص ۳۲۵
- شیخ زین الدین ابوبکر خوافی در هرات از سده هشتم و نهم. ص ۳۳۹
- میر قوام الدین مرعشی در آمل بنایی از سده های هشتم و نهم. ص ۴۵۰

#### ۴- آرامگاههای تاریخ دار سده نهم از ۸۰۱ تا ۹۰۱

- شیخ اسحاق مراغی در کوی سرخاب تبریز از سال ۸۰۵. ص ۳۳۵
- مغربی، محمد بن عزالدین - در آرامگاه شعرا، تبریز از سال ۸۱۶ ص ۴۱۲

- علامه میرسید شریف جرجانی در دارالشفای تبریز از سال ۸۱۶. ص ۳۶۴
- سید محمدرضا کیا، بقعه در نور شش کیلومتری کجور از ۸۲۰ معماری ۸۳/۲
- نسیمی شیرازی، در زرقان فارس از سال ۸۲۱. ص ۴۳۵
- شیخ داود در نصرآباد ابرقو مورخ ۸۲۵. ص ۳۳۸
- شاهزاده علی بلیمان در یزد از ۸۲۶. ص ۳۲۱
- عمادالدین محمود در شیراز، سال ۸۲۸. ص ۳۶۷
- نبی آقا موسوی در اسکوی آذربایجان از ۸۲۸. ص ۴۳۳
- گوهرشاد آغا همسر شاهرخ تیموری، هرات گازرگاه از ۸۳۹ در امامزاده معصوم  
گرگان. ص ۳۹۶
- احمد شاه ولی در اشطور، بیدر هند از ۸۴۰، میراث ۱۷۲
- خوارزمی، کمال الدین ۸۴۰ در آرامگاه ابوالوفا، خوارزم. ص ۲۸۱
- شاه نعمت الله ولی، ماهان کرمان در سال ۸۴۱. ص ۳۲۵
- پیرلیفی در سرخاب تبریز از ۸۴۱ ص ۲۵۸
- شاه علاءالدین در شهبهان اصفهان از سال ۸۵۰. ص ۳۲۴
- جمشید کیا در علمده نوشهر، از سال ۸۵۱ ص ۲۶۳
- سودایی ابیوردی در روستای سنگان خراسان از سال ۸۵۳. ص ۳۰۷
- طالب جاجرمی در شیراز نزدیک آرامگاه حافظ از ۸۵۴. ص ۳۵۳
- امیر شاهی سبزواری، ۸۵۷ یا ۸۵۹ در آرامگاه خانوادگی، سبزواری. ص ۲۳۷
- پیرچنداحسینی در شهرگوکی در دکن مورخ ۸۵۸. ص ۲۵۶
- محدث کازرونی در گازرگاه هرات، از ۸۲۸. ص ۴۰۱
- ناصرالدین کوسویی، هرات آرامگاه امام فخر رازی از سال ۸۲۸. ص ۴۳۲
- خدیجه خاتون در میبد - مهرجرد از ۸۳۱. ص ۲۷۷
- گازرگاه مرقد خواجه عبدالله انصاری در هرات، نوسازی توسط شاهرخ تیموری، ص  
۸۳۲. ص ۳۹۴
- درویش فخرالدین در بابل از سال ۸۳۳ ص ۲۸۵
- شیخ ابواسحاق شیرازی، در تکیه چهل تنان شیراز ۸۳۰ یا ۸۳۷. ص ۳۳۳
- تاج الدین محمود فقط سنگ گور وی که آن هم در آمریکاست با تاریخ ۸۶۰. ص ۲۵۹

- دختران تاج‌الملک در آرامگاه نصرآباد اصفهان از ۸۶۱. ص ۲۸۴
- طاهر و مطهر در دهکده هزارچال کجور از سال ۸۶۳. ص ۳۵۴
- قاضی‌زاده رومی در سمرقند از ۸۶۵ (سده نهم). ص ۳۸۱
- آذری طوسی، فخرالدین حمزه پسر سید علی ملک اسفراینی، در اسفراین از ۸۶۶. ص ۲۰۱
- غیاث‌الدین فضل‌الله رادکانی مانده از ۸۶۷، در هرات جنب مزار امیر حسینی. ص ۳۷۱
- پیر مرتضی در خانقاه خودش در اردستان در جوار پیرجمالی از ۸۷۰. ص ۲۵۹
- مظفرالدین جهان‌شاه آق قویونلو، در تبریز از سال ۸۷۲. ص ۴۱۰
- سلطان محمد طاهر در بابل از ۸۷۵. معماری ۸۲/۲ ص ۳۰۳
- پیرجمالی در خانقاه مرشدش پیرمرتضی در اردستان از ۸۷۹. ص ۲۵۶
- ملا علی قوشچی، زین‌الدین یا علاء‌الدین در اسلامبول از سال ۸۷۹. ص ۴۱۵
- خواجه عماد، میرعماد، در انتهای خیابان میرعماد در کاشان سال ۸۸۲. ص ۲۸۰
- امیر غیاث‌الدین ملک‌شاه در مشهد از سال ۸۸۵. ص ۲۳۸
- کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، هرات ۸۸۷. ص ۳۹۱
- شاه برهان در شهر آشتی، جنوب هند از ۸۸۸. ص ۳۱۷
- سید محمد سیاه‌پوش، تبریز کوچه علی سیاه‌پوش از ۸۹۲ معماری ۸۳/۲
- عبیدالله احرار، ناصرالدین سمرقندی، سمرقند از ۸۹۵. ص ۳۶۱
- قنبری نیشابوری در نیشابور از ۸۹۶. ص ۳۸۵
- لطفی هروی در هرات از ۸۹۶. ص ۳۹۷
- ولی‌قلندر خراسانی، شیراز، از سال ۸۹۶. ص ۴۴۲
- جامی، عبدالرحمان در هرات از ۸۹۸، مزاروی امروزه تخت‌مزار معروف است. ص ۲۶۳

##### ۵- آرامگاه‌های بی‌تاریخ سده نهم

- آقابالو زاهد در نور، سده نهم. ص ۲۳۳ شاه‌بالو
- ابو مسعود رازی در اصفهان از سده نهم. ص ۲۲۰
- ابونصر پارسا در سمرقند از سده نهم. ص ۲۲۰
- اطعمه، ابواسحاق اطعمه با سنگی از سده نهم در چهل تن شیراز. ص ۲۲۸
- امامزاده ابراهیم، در قم بیرون دروازه کاشان از سده نهم. ص ۲۳۲

- امامزاده زید قم در کنار چهل دختران از سده نهم. معماری ۷۸/۲
- امامزاده صالح در ساری قریه مرز رود از سده نهم معماری ۸۳/۲
- امامزاده صفورا در شمال شرقی قم در کنار امامزاده احمد سده نهم معماری ۸۳/۲
- امامزاده عبدالله اطرب در نکا روستای اطرب سده نهم. معماری ۸۳/۲
- امامزاده علی اکبر در جاده سازی گرگان روستای دارابکلاه، سده نهم. معماری ۸۳/۲
- امامزاده علی شکرناپ در جاده تهران - قزوین از سده نهم. معماری ۷۷/۲
- امامزاده عیسی بن کاظم در ساری قریه خارمیان سده نهم. معماری ۸۲/۲
- امامزاده یحیی در ساری، سده نهم. معماری ۸۲/۲
- امامزاده یونس در ساوه از سده نهم. معماری ۸۳/۲
- امیر تیمور، گورامیر، مجتمع آرامگاهی گور-امیر تیمور از سده نهم. ص ۲۳۶
- امیر سید کمال الدین در بهشهر از سده نهم. ص ۲۳۶
- اوزون حسن آق قویونلو در اصفهان از سده نهم. ص ۲۴۱
- اولجای خاتون دختر ارغون خان، زنجان از سده نهم. ص ۲۴۲
- ایوب انصاری در تکاب آذربایجان از سده نهم. ص ۲۴۳
- بی بی مریم در جزیره قشم از سده نهم بدون نوشته. ص ۲۵۲
- تومان آغا، در مجموعه آرامگاهی شاه زنده سمرقند، سده نهم. ص ۲۶۲
- خواجوی کرمانی در گورستان نزدیک دروازه قرآن شیراز، سده نهم. ص ۲۷۸
- خضر، بقعه در بندرعباس سده نهم به بعد. معماری ۹۶/۲
- خواجه ابوالوفا خوارزمی در خوارزم، از سده نهم. ص ۲۷۸
- خواجه تاج الدین در کاشان از سده نهم. ص ۲۷۸
- خواجه صابن الدین ترکه در هرات، سده نهم. ص ۲۷۹
- زکریا، بقعه در کلاردشت روستای شکرکوه، سده نهم. معماری ۸۳/۲
- زین الدین بابا، در تاشکند سده نهم. ص ۲۹۲
- سبز، گنبد سبز در کرمان، آرامگاه قراختائیان، سده نهم. ص ۲۹۴
- سنی فاطمه در یزد، از سده نهم. ص ۲۹۵
- سرست، گنبد - بابل روستای سرست از سده نهم. ص ۸۳/۲
- سلطان حیدر صفوی در اردبیل از سده نهم. ص ۳۰۰

- سلطان زین العابدین در مدنی کشمیر از سده نهم. ص ۳۰۰
- سلطان محمد شریف در قم در محله از سده نهم. ص ۳۰۳
- سلطان محمد طاهر در بابل از سده نهم. ص ۳۰۳
- سلطان محمود شاه در بندر آباد یزد، سده نهم. ص ۳۰۴
- سه سید در آمل از سده نهم. ص ۳۰۷
- سید واقف، نظنز از سده نهم. معماری ۹۲/۲
- شاهزاده احمد در کوهین تفرش، از سده نهم. ص ۳۱۹
- شاهزاده فاضل در یزد، از سده نهم. ص ۳۱۹
- شاهزاده فضل بن موسی در جهرم، سده نهم. معماری ۸۸/۲
- شاه عطا، دبی کوت بنگاله، از سده نهم. ص ۳۲۴
- شاه علاءالدین در آرامگاه شهشهان اصفهان، از سده نهم. ص ۳۲۴
- شاه نعمت الله ولی، در ماهان کرمان در خانقاه خودش که اکنون دارای گنبد و بارگاه است، سده نهم. ص ۳۲۵
- شاه ولی در تفت از سده نهم. ص ۳۲۵
- شریف الدین عبدالقهار سمرقندی در هرات از سده نهم. ص ۳۲۷
- شهدا، بقعه سلطان ابراهیم نزدیک ده بید، از سده نهم. ص ۳۳۱
- شیخ جنید نواده شیخ صفی الدین در اردبیل، از سده نهم. ص ۳۳۸
- شیخ نورالدین ولی در کشمیر، از سده نهم. ص ۳۴۵
- فیروز شاه در گلبرگه، سده نهم. میراث ۱۷۴
- مبارکشاه سید در دهلی، سده نهم. ص ۳۹۸
- معصوم در جنوب مراغه، از سده نهم. ص ۴۱۱
- محمد غوث در گوالیور از سده نهم. ص ۲۰۳
- ملاجمالی در هند، دهلی نزدیک قطب منار از سده نهم. ص ۴۱۳
- موسی مبرقع، قم پهلوی چهل دختران (اختران) از سده نهم. ص ۴۱۷
- ویس، محمد امین - در سری نگر کشمیر از سده نهم. ص ۴۴۲
- سادات لودی در دهلی سده های نهم و دهم. ص ۲۹۳
- سید ابوالاحمد در قم بیرون دروازه شمال شرقی قم، از سده نهم و دهم. ص ۳۰۹
- سلطان محمد شریف، قم در محله از سده نهم و دهم ۷۸/۲. ص ۳۰۳

## فصل سیزدهم

### آرامگاهها در پایان کار تیموریان تا ظهور شاه عباس

(بخش دوم از مرحله چهارم، عصر اسلامی دو)\*

(عظمت و صلابت بناهای سنتی ایران هخامنشی در طی قرن‌ها روبه‌کاهش گذاشت و این کاهش در دوران پادشاهی شاه طهماسب صفوی به بیشترین حد رسید و به‌ناگاه پس از وی در دوره فرمانداری شاه عباس شکوه و جلال خود را باز یافت و درخشیدن گرفت.

آرتور ابهام پوپ\*\*

پوپ از آن لحاظ به این مطلب اشاره دارد که در عصر شاه عباس مسجد امام (شاه سابق) و مسجد شیخ لطف‌الله و چهلستون و عالی قاپو و از همه مهمتر خود میدان نقش جهان ساخته شد، تعبیه‌های ساختمانی بسیار با عظمت بدون کوچکترین نقص و در حد اعلای زیبایی، اما آوردن این گفته در سرفصل این بخش از بررسی، که در پیش‌رو داریم از آن لحاظ است که واقعاً در تاریخ ایران، جز یک مورد استثناً از عصر شاه طهماسب به بعد آرامگاه مهمی ساخته نشد و آن یک مورد نیز مربوط می‌شود به آرامگاه نادر که خود ساخت و آنکه امروز می‌بینیم ساخته و پرداخته میراث‌خواران عصر پهلوی‌ها است، برای بهره‌مندی از عظمت تاریخی وی، والا به این بنا، آرامگاه نادر در این سلسله‌ای که ما مرتب کرده‌ایم جا دارد اما جایش اینجا نیست مربوط است به عصر پهلوی‌ها.

شاه اسماعیل را در آرامگاه اختصاصی‌اش در کنار آرامگاه جدش شیخ صفی‌الدین اردبیلی به خاک سپردند و این آخرین بنای آرامگاهی سلطنتی بود، در آخرین مجموعه آرامگاهی سرزمین ما، چرا چنین شد و چرا مثلاً شاه عباس همانند طغرل سلجوقی و سنجر و سلطان محمد خدابنده و تیمور گورکان و جدش شیخ صفی‌الدین برای خود آرامگاه انفرادی مجلل و پرشکوه نساخت و پس از وی حتی فتح‌علی شاه و ناصرالدین شاه نیز به ساختن آرامگاه برای خود نپرداختند. پروفیسور پوپ در ریشه‌یابی خود به این نتیجه می‌رسد:

\* از دوران ایلخانان تا ظهور شاه عباس

\*\* بررسی هنر ایران، مجلد سوم ص ۱۱۷۹ متن انگلیسی چاپ جدید.



انحطاط حاصله در معماری صفوی را در این عصر باید در خصوصیات اخلاقی و اجتماعی خود شاه طهماسب جستجو کرد و به نتیجه رسید، برخی از محققان وی را در خصوصیات اخلاقی نظیر لوئی چهاردهم فرانسه می‌دانند... وی تعلل و رفع خستگی کردن را از کار و فعالیت برتر می‌دانست و بسیاری از سرزمین‌های شیعه ایران را که می‌توانست با جنگ کوچکی به سرزمین صفوی ملحق سازد از دست داد. و قتش در حرم سرا و با زنان می‌گذشت و سلیقه هنری وی نیز یک سلیقه و درک زنانه بود... به مینیاتور و نقاشی، کتابسازی و تهیه فرش و پارچه بافی علاقه داشت تا آن حد که گاه خود را یک نقاش و خطاط و مینیاتوریست معرفی می‌کرد و وانمود می‌ساخت، به تصویرهای (ص ۲۳۳۴ و ۱۸۷۵) بررسی هنر ایران نگاه کنید جایی که عملکرد وی را به سادگی با عملکرد یک نقاش و طراح قالی یا نقاش مینیاتوریست می‌توان مقایسه کرد، در حقیقت در این عصر بناهای مهم ساخته شد... بناهایی که از لحاظ تزیینات و ریزه کاریها ممتاز بودند اما نه از لحاظ عظمت و شکوه معماری.<sup>۱۰</sup>

اما با توجه به آنچه در این مقدمه آورده شد و بازگویی این نکته که این سیر تحول در خاک سپاری و آرامگاه سازی، خود پی آمد رویدادهای سیاسی و اجتماعی نظامی مهم بوده است، یک نمونه کاملاً مشخص این حرکت تحولی است که در زمان جانشینان کوروش رخ داد و به ناگاه روش آرامگاه سازی سستی کشور انزان یا ایلام، که در سرزمین محدود خوزستان، بختیاری و لرستان قلمرو داشت، تغییر کرد و جهانی شد، آرامگاه کوروش را خوب می‌شناسیم، اما آنچه در زمان داریوش ارائه شد، چیزی نوظهور بود، شاید داریوش با پی گیری هدفهای خاص این تغییر را ضرور می‌دانست و در اجرای آن می‌کوشید. نمونه دیگر که چندان مورد تأیید نویسنده این سطور نیست، ورود ترکان و مغولان و تحول آرامگاه و آرامگاه سازی با توجه به خیمه های این کوچ نشینان است.

آنچه که باید به مطالب بالا افزوده شود این است که خاک سپاری و آرامگاه سازی در گستره فرهنگی و اجتماعی ایران، بیش از هر چیز تابع آیین ها و ستهای گوناگون حکمفرما بر این سرزمین بوده است. فراموش نکنیم که این هردو آیین ایران، زرتشتی و اسلام با بناهای آرامگاهی آنها برای شاهان و دولتمردان موافق نبوده اند... بر این دو عامل، عامل سومی را هم می‌توان افزود و آن نفوذ هلنیسم یا یونان گرایی بود، موجی که از مغرب به سوی ایران یورش برد و خزید و قرن‌ها نفوذ خود را حفظ کرد و با ستهای پیشین مقابله نمود.

آرامگاه سازی سستی ایران که ریشه آن در ایلام و سومر آبیاری شد و در عصر داریوش

به نهایت درجه عظمت رسید، با ورود مهاجمان یونانی سست شد و فرو ریخت و نه تنها سلوکی‌ها، اشکانیان نیز سنت آرامگاه‌سازی هخامنشی را ادامه ندادند، اینان دارای تعصب مذهبی نبودند و در مقابل هر سه طریق خاک‌سپاری، مرده سوزانی و دخمه‌گذاری بی تفاوت ماندند و البته در طی آن سده‌های حکومتگری ایشان، با تغییرات عقیدتی شاهان اشکانی، یک تغییر و تحول نامحسوس نیز در این سنت دیرین خلق گردید.

پادشاهان ساسانی که مطلق‌گرا بودند و اساس سیاست آنان آیینشان بود از خود آرامگاهی برجای نگذاشتند و تنها یادگار برجای مانده از ایشان در این مورد دخمه‌هاست به اشکال گوناگون.

اسلام، ژرف‌اندیشی و ساده‌گرایی پیشه کرد و دیدیم که پیامبر اکرم وصیت نمودند که بدون تشریفات و تأسیسات بدن مبارکشان در همان اطاق زندگیشان به خاک سپرده شود. آنچه مسلم است این است که سنت آرامگاه‌سازی ایران نه ریشه‌های اسلامی دارد و نه ضداسلامی است، خواسته‌های مردم در طی زمانهای طولانی در ارائه بناهایی متبلور شد که ظاهراً از دوران ساسانی برجای مانده بودند با مجوز اسلامی: آتشکده و دخمه (استودان) به عنوان آرامگاه.

در این مقدمه به تفصیل در این باره سخن گفته‌ایم که دو نوع بنای آرامگاهی برج‌مدور و چهارطاقی یادآور دخمه‌های استودانی و آتشکده است و شواهد بسیاری نیز از این قبیل ارائه کردیم که بارورترین نمونه آن برج گنبد کاووس و چهارطاق سامانی (آرامگاه امیراسماعیل) است. با ورود ترکان سلجوقی تحولی رخ داد که می‌توان آن را تحولی در ادامه سیر تکاملی آرامگاه‌سازی ایرانی دانست. این ترکان و پس از ایشان مغولان نه تعصب اسلامی داشتند و نه خون آغشته با ستگرایی ساسانی در رگهایشان روان بود، برپا شدن برج طغرل نمونه جالبی است که می‌توان در این مورد ارائه کرد.

اما سلجوقیان در تکوین و ارائه معماری اسلامی بیش از هر بنا به مسجدسازی توجه داشتند و شاید حضور خواجه نظام‌الملک که عاملی تعدیل‌کننده در سنت‌گرایی ترکان به حساب می‌آید، سبب شده که نیرو و قدرت سازندگی سلجوقیان متوجه مسجدسازی شود و ما می‌دانیم که مهمترین عصر مسجدسازی ایران همین عصر است.

در طی این روند مقدس مسجدسازی، ایوان و گنبد نیز ارائه شد اگرچه پایه و بنیاد مسجدهای کوچک نیز آتشکده‌های ساسانی بود اما مسجدهای عظیم و با صلابت با گنبدهای

آجری مستحکم، در آرامگاه‌سازی ایران اسلامی نیز اثرگذاری کرد و سلطان سنجر در آرامگاهی به خاک سپرده شد که گنبد آن بنا بر برخی روایات نه تنها در عصر خود، بلکه در دوره‌های بعدی نیز از بزرگترین گنبد‌های جهان اسلام به‌شمار آمده و می‌آید، و بدین روال و با ارائه آرامگاه امیراسماعیل سامانی، گنبد کاووس و آرامگاه سلطان سنجر در مرو، دورانی آغاز شد که می‌توان گفت درخشان‌ترین دوران آرامگاه‌سازی ایرانی اسلامی است، اما همان‌طور که گفته شد ارائه این بناها پشتوانه‌ای کفرآمیز داشت و آن علاقه پادشاهان ترک و مغول به آرامگاه‌های با عظمت بود.

در دوران اولجایتو، که مسلمان شده بود، این نهضت به اوج خود رسید و وی که مسلمانی متعصب بود، به‌ظاهر نه برای خود بلکه برای حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) چنان آرامگاهی ساخت که در سراسر تاریخ در نوع خود بی‌نظیر بود. اما مشاوران و وزیرانش با این ابتکار چندان موافق نبودند و کوشش داشتند که وی را از این تصمیم برحذر دارند. معروف است که وی سرانجام در خواب دید که آن حضرت به‌ترکی خیلی ساده به‌وی می‌گویند «منیم کی منده سنین کی سنده» یعنی مال من مال خودم و مال تو مال خودت\* شیعی‌گری سلطان محمد خدابنده دوامی نیافت اما از دوران وی به‌بعد نفوذ شیعیان بیشتر شد تا ظهور شاه اسماعیل صفوی و تشکیل یک حکومت شیعی مقتدر در ایران.

برای نتیجه‌گیری از این مقدمه در باب رکود آرامگاه‌سازی به‌مطلب دیگری توجه می‌کنیم، که چگونگی آن می‌تواند مورد علاقه و پرسش هر پژوهنده‌ای در این باب باشد و آن اینکه در صورت انحطاط آرامگاه‌سازی در عصر صفویه، ماهیت و فلسفه وجودی مجموعه آرامگاهی

---

\* این مطلب را از استاد عباس اقبال شنیده‌ام و در جایی نخوانده‌ام، نویسنده کتاب معماری ایلخانی (معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان) در این باره می‌نویسد: اولجایتو به‌قدری به‌مذهب شیعه دلبستگی داشت که دستور داد سکه به‌نام علی(ع) زده شود و به‌همه حکمرانان نامه‌هایی نوشت و فرمان داد که همه به‌آیین شیعه بگروند. در بغداد و اصفهان و شیراز سنی‌ها از اطاعت امر امتناع کردند، اولجایتو فرمان داد که قاضی‌های مسلمان آن شهرها را به‌نزد وی به‌اردوگاه تابستانی قراوغ بفرستند... قاضی شیراز را به‌میدان گشاده‌ای گذاشتند و سگهای وحشی را به‌جان او انداختند. وقتی سگها به‌جای حمله به‌آن مرد مقدس دور او را گرفتند و نوازشش کردند، اولجایتو یقین حاصل کرد که اشتباه کرده و فرمان داد که از مذهب تسنن پیروی گردد... اولجایتو پس از آن از آوردن بدن حضرت علی(ع) و حضرت حسین(ع) به‌سلطانیه منصرف شد و تصمیم گرفت آرامگاه بزرگ را به‌خود اختصاص دهد ص ۲۶، شاید وی که نمی‌خواست با ساختن آرامگاه مجلل برای خود مسلمانان را از خود برنجانند این مسئله، ساختن آرامگاه برای حضرت علی(ع) را عنوان کرد و اقدام نمود و پس از پایان آن را به‌خود اختصاص داد.

شیخ صفی‌الدین چیست و چرا جز شاه اسماعیل هیچ پادشاه صفوی دیگری در این مجموعه به خاک سپرده نشده است.

برای پاسخگویی به این پرسش نخست باید توجه داشت که گذشته از شاهان و دولتمردان سیاسی نظامی، برای عارفان و قدّیسین و اولاد و احفاد امامان نیز آرامگاه ساخته می‌شد، اما در عصر سلجوقیان و ایلخانان و تیموریان بیشترین آرامگاهها را عارفان به خود اختصاص دادند شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز از همین عارفان بود و وی سالها پیش از آغاز انحطاط آرامگاه‌سازی، در اردبیل به رحمت خدا رفت و در خانقاه خودش، در جوار همسرش بی‌بی فاطمه دختر شیخ زاهد گیلانی به خاک سپرده شد. بی‌بی فاطمه را در مسجدی قدیم، از سدهٔ هفتم به خاک سپردند. سال وفات وی ۷۳۵ است و پس از آن طی سالهای ۸۹۷ تا ۹۰۶ این مجموعه ساخته شد و راه تکامل پیمود. ۹۰۶ سال آغازین پادشاهی شاه اسماعیل صفوی است.

پیش از اینکه به معرفی بناهای آرامگاهی این عصر پردازیم به این نکته اشاره می‌کنیم که ساختن آرامگاه برای قدسین در آیین اسلام، دست‌کم در آیین شیعه دارای منع مستحکمی نیست و اکنون بنیادهای سستی این آیین پویا و شکوفا چنان با سنت‌های آرامگاه‌سازی برای امامان پیوند یافته که این پیوند خود مجوز بنای آرامگاه برای این عزیزان اکثراً شهید است و این آرامگاه‌سازی خود بهترین گام برای زنده نگهداشتن نام این شهیدان شمرده می‌شود. پیدایش آرامگاه حضرت رضا و تحت‌الشعاع قرار دادن آرامگاه هارون که بر وی از لحاظ زمان تقدم داشت در تاریخ اسلام شیعی بسیار مهم و پر معنا است، و در حقیقت جواز ساختن آرامگاه برای امامان و امام‌زادگان و دیگر قدّیسین از این زمان صادر گردید و به همین دلیل بود که از آن همه آرامگاه سرداران ترک و مغول که در ایران پیش از صفوی ساخته شد، چند بنای سالم به ما رسیده و بیشتر آن بناهای مستحکم ویران یا نیم ویران شده‌اند و این در حالی است که بناهای زیارتی مشهد و قم و شهر ری، باشکوه و عظمت بی‌نظیر خود برپای ایستاده، و روزبه‌روز بر شکوه و عظمتشان افزوده می‌شود.

صفویه قبول کردند خود تاحدی که سلطنت می‌کنند قدّیس قابل احترام نیستند یا دست‌کم در مقابل امامان و امام‌زادگان و دیگر روحانیون شیعی دارای عظمت معنوی و روحانی نیستند. به عبارت دیگر سلطانهای صفوی همانند پادشاهان شیعی بویه‌ای ترجیح می‌دادند که در کنار یکی از اعضای خاندان عصمت و طهارت به خاک سپرده شوند. اینان شیخ صفی‌الدین

را نیز از قدسین طراز اول محسوب می‌داشتند اما نه در قیاس با امامان و امام‌زادگان. با یادآوری این نکته که وجود این زیارتگاههای مقدس و محترم برای ملت ایران در طی سده‌های متمادی یک نیاز بوده است و اکنون نیز هست، و هزاران مرکز جمعیت از برکت وجود این آرامگاهها تکوین و تشکیل شده، پی‌گیری بررسی آرامگاههای این دوران را از بررسی بزرگان در خاک خفته اردبیل، مجموعه شیخ صفی‌الدین آغاز می‌کنیم.

آرامگاههای موجود در این مجموعه عبارت‌اند از آرامگاه شیخ صفی باگنبد خاص به نام الله‌الله، گنبد آرامگاهی شاه اسماعیل صفوی و حرمخانه باگنبد آجری بزرگ شامل هفت آرامگاه:

- ۱- دختر شیخ زاهد، بی‌بی فاطمه همسر شیخ صفی‌الدین، در گذشته در ۷۳۵ هجده روز پس از مرگ شوهرش. ص ۲۵۰ (ارجاع به صفحه متن)
  - ۲- دختر شیخ صفی با صندوق منبت‌کاری. ص ۲۸۲
  - ۳- سید موسی پسر سید حیدر در گذشته در ۷۹۲. آذ ۱۸۱/۲
  - ۴- سلطان بایزید پسر خواجه حسین صفوی در گذشته در ۹۰۸. آذ ۱۸۱/۲
  - ۵- سلام‌الله فرزند خلیل‌الله صفوی در گذشته در ۹۰۹. آذ ۱۸۱/۲
  - ۶- مرشد قلی فرزند الله قلی آقاایشیک آقاسی از نزدیکان خاندان صفوی (تاریخ ذکر نشده)
  - ۷- دو قبر در راهرو و دو قبر در هشتی (بدون ذکر نام صاحب قبر)
- آخرین مجموعه آرامگاهی در این مکان، شهیدگاه یا حیاط مقابر است در محوطه جنوبی بقعه که در آن شهیدان جنگ شیخ حیدر پدر شاه اسماعیل با فرخ سیر، شروانشاه، دفن شده‌اند. در سال ۹۰۵ شاه اسماعیل پس از غلبه بر فرخ سیر بدن این شهیدان را به اردبیل آورد و به خاک سپرد.<sup>۱۱</sup>

بنابر این آخرین نفری که در کل مجموعه به خاک سپرده شده، شاه اسماعیل است در سال ۹۳۰ و پیش از وی و در سالهای نخستین پادشاهی وی فقط دو تن در سالهای ۹۰۸ و ۹۰۹ در اینجا به خاک رفته‌اند که نامهایشان را آوردیم شخصیت‌های دیگری نیز در این مجموعه دفن شده‌اند که آرامگاهشان تاریخ مشخصی ندارد از آن جمله است: مقبره مادر شاه طهماسب اول متصل به حرم شیخ صفی «در محلی که به پنجه حضرت علی (ع) منسوب بوده است». این آرامگاه در حرم شیخ صفی‌الدین اردبیلی است.<sup>۱۲</sup>

۸- در اطاتی واقع در ضلع جنوبی صحن، سنگ قبری است متعلق به خان احمدیگ با

تاریخ ۹۹۴، ظاهراً آخرین شخصیت مهم مدفون در این مجموعه.<sup>۱۳</sup>

۹- متصل به دیوار گنبد الله الله (آرامگاه شیخ صفی الدین) آرامگاه کوچکی وجود دارد، با گنبدی کوتاه که آن را اخیراً برچیده‌اند، ظاهراً این بنا آرامگاه حلیمه خاتون ملقب به تاج خاتون (اسم اصلی او مارتا) و عالمشاه بیگم دختر اوزون حسن آق قویونلو و مادر شاه اسماعیل است. که نویسنده کتاب آثار باستانی آذربایجان این روایت را تکذیب و باطل می‌سازد.<sup>۱۴</sup>

۱۰- در داخل حرم شیخ صفی الدین آرامگاه سه نفر دیگر از سلاله شیخ صفی در کنار قبر شیخ صفی الدین. در گنبد الله الله به خاک سپرده شده‌اند که عبارت‌اند از: صدرالدین موسی فرزند وی و بانی بقعه، شیخ ابراهیم معروف به شیخ شاه فرزند خواجه علی و سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل صفوی که در جنگ شهید شد.<sup>۱۵</sup>

پیشرفت و شکوفایی عرفان در ایران اسلامی با هجوم وحشیانه مغولان و تنگ شدن عرصه بر مردم بی‌گناه به حد اعلای خود رسید، کشته شدن عارفان بزرگ و هجرت بسیاری از ایشان به دورترین نقاط گستره فرهنگی ایران، جهانی نوین را ارائه کرد که در آن صوفیان و عارفان نقش مهمی را برعهده داشتند. عارفان در هر جا که می‌ماندند، به راهنمایی مردم سرگرم می‌شدند، خانقاهی برای خود ترتیب می‌دادند که محل زندگی، بیتوته و ارشاد مردم فراری و بی‌سر و سامان می‌گردید. بدن ایشان را نیز پس از مرگ در همان خانقاه یا در اطافی کنار خانقاه به خاک می‌سپردند. در عصر حکمرانی مغولان قدرت و نفوذ حکام این عارفان و صوفیان افزون شد و کارشان به جایی رسید که حتی ایلخانان مغول از ایشان حساب می‌بردند و در سرزمین شبه‌قاره نیز قدرت صوفیان به حد اعلای خود رسید. میرسید علی همدانی از همدان به سوی هند رفت و وقتی به کشمیر رسید، عده پیروان همراهش از ۸۰۰ نفر بیشتر بود و اطلاق لقب شاه بر وی دلیل بر نفوذ و قدرت سیاسی فوق‌العاده وی است. در ایران نیز به بسیاری از این عارفان لقب شاه داده می‌شد.

ظهور شیخ صفی الدین و استقرار وی در اردبیل در تاریخ پیش از صفویه ایران یک نقطه عطف بود و قدرت و نفوذ این سلاله تا به آنجا رسید که سرانجام حاکمیت یافت. شاه اسماعیل به فعالیت نیم‌بند سلسله‌های کوچک پایان داد و ایران را برای مقابله با قدرتهای بزرگ همسایه آماده ساخت و این اوج تصوف ایرانی بود با پشتوانه‌ای مستحکم، مجموعه آرامگاهی شیخ صفی الدین اردبیلی.

اما شاهان صفوی پس از اشغال کرسی سلطنت، ملتفت شدند که دیگر با اندرزهای عارفانه و ریاضتهای صوفیانه، نمی‌توان کشوری پهناور را اداره کرد، به‌خصوص که بیشتر صوفیان مایل به تسنن بودند و قدرت پویا شدن برای احراز خصیصه‌های سیاسی و نظامی را نداشتند. شاه اسماعیل که به‌عنوان یک پادشاه شیعی به تخت نشست در طول حیات خود توجه خاص به امامان شیعی داشت و به امامزادگان احترام می‌ورزید و ارادت داشت. این توجه در عصر شاه طهماسب افزون شد و نفوذ و قدرت تصوف رو به کاستی نهاد. پادشاهان صفوی بیشتر مایل بودند که یک سردار مجاهد اسلام باشند تا یک صوفی بردبار.

مورخ معروف و استاد بزرگوارم نصرالله فلسفی در آغاز کتاب معروفش شاه عباس، در مبحث شاه اسماعیل دوم می‌نویسد که وی، شاه اسماعیل دوم از حسینعلی خان روملو که منصب خلیفه‌الخلافتی داشت و نایب شاه بود و در مملکت شخص دوم محسوب می‌شد دلخوش نبود، و مصمم به کشتن وی گردید، اما از متابعان بی‌شمار وی که همان عارفان و صوفیان قزوین و اطراف قزوین بودند بیم داشت، چه به فرمان وی بود که هنگام اعلام ولیعهدی شاه اسماعیل دوم، ۱۲ هزار صوفی از جان گذشته در قزوین جمع شدند، اما شاه اسماعیل دوم سرانجام خلیفه‌الخلافت را معزول و تبعید کرد و کشت و بر صوفیان نیز به بهانه اختلاف کوچکی که بین ایشان و داروغه قزوین پیش آمد خشم گرفت و سران قزلباش را مأمور کشتن ایشان کرد و در یک روز ۱۲۰۰ تن از ایشان را به قتل آورد.<sup>۱۶</sup>

پس می‌توان گفت، با ظهور صفویه کم‌کم آرامگاه‌سازی صوفیانه در قلمرو صفویه به پایان خود رسید تا آن حد که شاه عباس به روایتی وصیت کرد که وی را در جایی دورافتاده و گمنام به خاک بسپرنند و به روایت دیگر که اکنون مورد قبول است در کاشان و در جوار حضرت حبیب بن موسی دفن کنند، در حالی که وی با داشتن آن همه امکانات مالی و آن همه هنرمند و صنعتگر، می‌توانست بزرگترین آرامگاهها را برای خود بسازد.

صفویه با مهارت، صوفی‌گری موروثی خود را به شیعی‌گری مبدل کردند، صوفی بردبار شیعی پویا شد. بدین روال دوران آرامگاه‌سازی برای صوفیان به پایان رسید و عصر امامزادگان فرا رسید و بسیاری از امامزاده‌های موجود در ایران در عصر صفویه موجودیت فراموش شده خود را بازیافتند. به‌طوری که دیدیم از تمام شاهان صفوی فقط شاه اسماعیل، در گنبدی جداگانه در کنار جدش شیخ صفی‌الدین به خاک سپرده شد و این برای همه شاهان صفوی امکان‌پذیر بود که با هیچ‌یک بدان مبادرت نکردند، یعنی این شاهان که رهبری جهان

شیعه را برعهده داشتند ترجیح دادند که در کنار امامان و امامزادگان به خاک سپرده شوند، نه اجداد بسیار معروف و سرشناس خود.<sup>۱۶</sup> بدیهی است این شاهان متتهای توجه را به این مجموعه آرامگاهی داشتند و برای تکمیل و تزیین این ساختمانها هزینه‌های بسیار کردند. توجه شاهان صفوی به آستانه‌های شیعی در کربلا و نجف و کاظمین و دیگر نقاط عراق و مشهد و شیراز و قم و اصفهان و جاهای دیگر ایران، خود موضوع تحقیق دیگری است در باب آستانه‌ها و امامزاده‌ها، که امید است در آینده صورت پذیر گردد، آنچه که در این مجموعه از امامزاده‌ها و آستانه‌ها آورده شده عبارت بوده از آن بناهای آرامگاهی که قدمتی بیش از چند قرن داشته و از نظر معماری نیز متعلق به عصرهای پیش از صفوی بوده‌اند و البته بسیاری از این بناها که در این کتاب بدان اشاره شده در آن تحقیق بعدی معرفی می‌شوند.

هیلن براند پیش از آنکه به بخش پایانی مقاله مقابر برسد می‌گوید: آرامگاههای دوره صفوی و روزگار پس از آن، در دنباله آن معماری آرامگاهی دوره قرون وسطایی، سیر قهقهرایی پیمودند. در این هنگام مقابر غیرمذهبی به‌طور قطع جای خود را به قبور مقدسین دادند.

جایگاه طبیعی چنین آرامگاهها که اغلب بزرگ و مجلل بوده بناهای فرعی و صحنهای مجاور و باغهای وسیعی را شامل می‌شد که برای نمونه از مجموعه اردبیل نام می‌بریم که چندین آرامگاه را شامل می‌شود. این عصر بقاع بزرگ مذهبی ایران را به‌خود دید که بیش و کم به‌هیت ظاهری قطعی خود رسیدند... مجموعه ماهان و تربت جام دو نمونه از این گونه بناهاست... بناهای مذهبی شیعی در عتبات و مشهد و قم نمونه‌های بزرگتر این نوع بناهای آرامگاهی است.<sup>۱۷</sup>

ملاحظه می‌شود که این دانشمند علت امر را پی‌جویی نمی‌کند، شاید به این سبب که وی به معماری و ساختمانهای آرامگاهی فقط از نظر شکل ظاهری و معماری توجه دارد و به تحولات تاریخی و اجتماعی و نقش آن در ستهای خاکسپاری و زیارت بقاع و آرامگاه‌سازی توجه چندانی ندارد. این دانشمند در پایان مقال می‌نویسد:

بدین‌سان سنت غرورآمیز آرامگاهی قرون وسطایی ایران پس از ظهور سلسله صفوی دچار انحطاط جبران‌ناپذیری گردید، این موضوع تأسف بار است، لیکن

\* شاه طهماسب را در شاهزاده حسین به امانت گذاشتند تا به مشهد ببرند و این نقل و انتقال تا پایان پادشاهی اسماعیل دوم ادامه یافت. شاه عباس ۴۶۴.



اندیشه اینکه این سنت ایرانی در هندوستان دوره مغول (بابری) بر اثر پیدایش تعدادی آرامگاههای بزرگ بی نظیر که آزادانه در محوطه‌های باغ مانند قرار گرفته و در عراق عثمانی که در آنجا بقاع شیعی نجف و کربلا و سامره دارای گنبدیهای طلا و ایوانهای بلند نظیر آنچه در ایران است، هستند این تأسف تخفیف می‌یابد...»

نویسنده پس از اشاره به نفوذ معماری آرامگاه‌سازی ایرانی به‌ویژه برجهای سلجوقی در آناتولی مقاله خود را چنین به پایان می‌رساند:

در سراسر جهان اسلام هیچ سنت بناهای آرامگاهی را نمی‌توان یافت که از چنین عمر درازی و چنان مقبولیت ریشه‌دار عامی در قرون وسطی و چنین سطح عالی پابرجایی در تعالی معماری برخوردار بوده باشد.<sup>۱۸</sup>

همان‌طور که پیش از این گفته شد هیچ‌یک از این عصرهای آرامگاه‌سازی ایرانی را نمی‌توان دقیقاً از عصرهای پیش و پس از آن جدا کرد و خواهی نخواهی بین آنها مرز معینی نیست، ولی ما در این بررسی تحولات آرامگاه‌سازی، فقط تا آخر سده دهم را که مصادف است با آغاز قدرت شاه عباس، در مدنظر داریم و معرفی آرامگاههای پس از آن و بررسی تحولات مربوط بدان را به تحقیقی دیگر محول می‌سازیم.

جدول نمایشی آرامگاهها در این عصر:

#### ۱- آرامگاههای پس از ایلخانان تا آغاز عصر صفوی

- ابولولو در جاده فین کاشان، پیش از صفوی. ص ۲۱۷
- امامزاده ابوالحسن در بروجرد از عصر قراقوینلوها. معماری ۹۶/۲
- امامزاده تکیه کلهر در کاشان میدان کهنه، پیش از صفویان. معماری ۸۰/۲
- امامزاده زید، گذر قبرستان دَرِ باغ کاشان پیش از صفویان. معماری ۹۱/۲
- امامزاده ضیاءالدین در کاشان دروازه عطا پیش از صفویان. معماری ۹۱/۲
- امامزاده کلهر در کاشان پشت مدرسه سلطانی پیش از صفویان، معماری ۹۱/۲
- امامزاده کوی کریچه، کاشان کوی کریچه پیش از صفویان، معماری ۹۱/۲
- امامزاده میدان کهنه کاشان میدان کهنه، پیش از صفویان، معماری ۹۱/۲
- بی‌بی شرف خاتون در آبادی قزوین ساوه، پیش از صفویان. ص ۲۵۲
- پیر محمد در رودسر، پیش از صفویان. ص ۲۵۸

## ۲- آرامگاههای سده دهم، ۹۰۱ تا ۱۰۰۱، عصر نخستین صفوی

- گنبد سرخ در مشهد از ۹۰۴. ص ۳۹۵
- دوانی، جلال الدین، در دوان فارس از ۹۰۸. ص ۲۸۵
- افضل کرمانی در هرات مجاور گازرگاه از ۹۱۰. ص ۲۳۰
- سیدالسادات در بیدر هند، از سال ۹۱۰. ص ۳۰۹
- سیدمحمد در اراک، مشهد میغان. سده های ۷ و ۸ و ۹. معماری ۸۱/۲
- آرامگاه دو کمال (بهزاد و کمال خجندی) تبریز، از ۹۱۴. ص ۳۸۶
- روزبهان نسوی، فریدالدین در مصلاهی شیراز از سال ۹۱۸. ص ۲۹۰
- هارون ولایت در اصفهان از سال ۹۱۸. ص ۴۴۳
- آکاشاه در رود برده سنگر رشت از سال ۹۲۰. ص ۲۰۹
- ابن حسام قهستانی در خوسف خراسان از سال ۹۲۰. ص ۲۱۵
- آصفی هروی، گازرگاه هرات ۹۲۳. ص ۲۰۳
- کمال الدین ادریس مورخ ایرانی مقیم دربار عثمانی م ۹۲۶. ص ۳۹۱
- قاضی اختیار در تربت حیدریه از سال ۹۲۸. ص ۳۸۱
- ابراهیم لودی در دهلی متأثر از معماری ایرانی از سال ۹۳۲. ص ۲۱۳
- زرنندیان در یزد از سال ۹۳۴. ص ۲۹۱
- خواندمیر، خواجه غیاث الدین، دهلی بارگاه نظام الدین، از سال ۹۳۷. ص ۲۸۱
- فخرالدین علی در هرات از سال ۹۳۹. ص ۳۷۴
- لسانی شیرازی، مولانا وجیه الدین، تبریز کوی سرخاب از ۹۴۱. ص ۳۹۷
- پیر قطب الدین در آستارا از ۹۴۲. ص ۲۵۸
- امام ضامن، محمدعلی مشهدی، دهلی قطب منار از ۹۴۴. ص ۲۳۴
- خواجه قطب الدین بختیار کاکي، دهلی ۹۴۸. ص ۲۸۰
- علاء الدین نور تاج دهلی از ۹۴۸. ص ۳۶۴
- زید بن علی در خرم آباد لرستان از سال ۹۵۰. معماری ۹۷/۲. ص ۲۹۲
- امامزاده حمزه در سوریان بوانات از سال ۹۵۳. معماری ۸۷/۲
- پیر پینه دوز در اصفهان از سال ۹۵۵. ص ۷۴
- شیخ یوسف گردیزی از عارفان سده پنج و شش آرامگاه از ۹۵۵. ص ۳۴۶

- عاشق بخارایی مولانا کمال الدین، بخارا در جوارا حمد خسرویه از ۹۵۸. ص ۲۰۲
- بایزید خلخال و فضل نواده اش در قزوین از ۹۶۷. (سال فوت خلخال) ص ۲۴۷
- پیر مسگران در احمدنگر هند از ۹۶۷. ص ۲۵۹
- آشیخ نیکه در رزن تترستاق مازندران، احتمالاً ۹۶۴. ص ۲۰۳
- اتکه خان در جوار مرقد نظام الدین اولیا، دهلی ۹۶۹. ص ۳۲۱
- سیدخلیل در یزد از ۹۶۹. به بعد ص ۳۱۱
- عون ابن علی در فومن، اسوله از ۹۶۹. ص ۳۶۸
- خان شهید در احمدنگر هند، ۹۷۰. ص ۲۷۶
- شیخ زین الدین در یزد - ندوشن، ۹۷۷. ص ۳۳۹
- سلیم چشتی در فتحپور سیکری نزدیک آگرای هند از ۹۷۹. ص ۳۰۵
- سیدگل سرخ در یزد از ۹۷۹. ص ۳۱۴
- سلطان محمد عابد در کاخک گناباد از ۹۸۰. ص ۳۰۳
- میرزا محمدقلی تکلومیلی هروی، مشهد ۹۸۵. ص ۴۲۶
- علی برید در بیدردکن مانده از ۹۸۷. ص ۳۴۸
- خواجگی درویش در بارگاه نظام الدین اولیا، دهلی از ۹۹۰. ص ۲۷۷
- سید ناصرالدین، تهران از ۹۹۳. ص ۳۱۶
- شاه فتح الله شیرازی در سری نگر کشمیر از ۹۹۵. ص ۳۲۴
- سید پرنور در هرزویل منجیل مانده از ۹۹۸. ص ۳۱۰
- سید محمود مرنندی در هرزویل منجیل مانده از ۹۹۸. ص ۳۱۵
- شاهزاده علی ابن عبدالله، یزد ۹۹۸. ص ۳۲۱
- باباولی در دیلمان گیلان از ۹۹۹. ص ۲۴۶
- ملافتح الله کاشانی، کاشان از ۹۹۹. ص ۴۱۴

### ۳- آرامگاههای بی تاریخ سده دهم

- امامزاده باوره، قم روستای باوره، سده دهم. و پیش از آن. معماری ۸۰/۲
- امامزاده ندید تهران بازار سده دهم. معماری ۷۶/۲
- امامزاده ضیاء الدین در کاشان دروازه عطا، معماری ۹۱/۲

- امامزاده محمد محروق در شمال نیشابور سده دهم. معماری ۸۹/۲
- امامزاده میر نشانه در کاشان گذر سرسوک از سده دهم. معماری ۹۱/۲
- امیراویس در اردستان از سده دهم. ص ۲۳۵
- اهلی شیرازی در مزار حافظ شیراز سده دهم. ص ۲۴۲
- باباافضل کاشانی در روستای مرق کاشان از سده دهم. معماری ۹۲/۲. ص ۲۴۳
- بابا یادگار، در کرمانشاه روستای بان زرده از سده دهم. ص ۲۴۶
- بی بی سکینه در جاده کرج اشتهارد، از سده دهم. ص ۲۵۲
- خان شهید در احمدنگر هند از سده دهم. ص ۲۷۶
- خواجگی درویش در دهلی درگاه نظام الدین اولیاء، سده دهم ص ۲۷۷
- خواندمیر، خواجه غیاث الدین مورخ نامور، درگاه نظام الدین اولیاء، سده دهم. ص ۲۸۱
- درویش رستم در زانوس کجور، مازندران از سده دهم. ص ۲۸۵
- روزبهان نسوی در مصلاى شیراز از سده دهم. ص ۲۹۰
- زید بن علی در خرم آباد لرستان از سده دهم. ص ۲۹۲
- سلطان شهاب الدین اهری، اهر در شمال آذربایجان از سده دهم. ص ۳۰۲
- سلطان علی مشهدی، مشهد از سده دهم. ص ۳۰۲
- سید نصرالدین در یزد از سده دهم. ص ۳۱۶
- شاه اسماعیل اول صفوی، اردبیل، سده دهم. ص ۳۱۷
- شاه خلیل الله در یزد از سده دهم. ص ۳۱۸
- شایلان در کاشان، بازار بزرگ. در سده دهم. ص ۳۲۶
- شیخ ابوالقاسم در تربت حیدریه از سده دهم. ص ۳۳۴
- شیخ حیدر در گدکن از سده دهم. ص ۳۳۸
- شیخ زین الدین علی در یزد از سده دهم. ص ۳۳۹
- علاءالدین نورتاج در مهرولی دهلی از سده دهم. ص ۳۶۴
- علامه دوانی در دوان فارس از سده دهم. ص ۳۶۴
- عیسی خان دهلی سده دهم. ص ۳۶۹
- غزالی مشهدی در احمدآباد گجرات، سرگنج از سده دهم. ص ۳۷۰
- قاسم بن موسی، کاشان از سده دهم. ص ۳۸۱

- قاضی شرف‌الدین در شاهزاده حسین قزوین، سده دهم. ص ۳۸۱
- قاضی مجدالدین در کوی سرخاب تبریز، سده دهم. ص ۳۸۱
- قطب‌الدین حیدر در تربت حیدریه سده دهم. ص ۳۸۴
- قفال چاچی در تاشکند، از سده دهم. ص ۳۸۴
- کاشفی ملاحسین واعظ در سبزوار از سده دهم. ص ۳۸۷
- کلامی بخاری در بلخ از سده دهم. ص ۳۹۰
- کمال‌الدین بهزاد در تبریز آرامگاه شعرا سده دهم. ص ۳۹۱
- گردیزی جمال‌الدین نقش پارسی؟ میراث ص ۳۹۴
- لامعی برسوی در بروسه آناطولی از سده دهم. ص ۳۹۷
- مجدالدین کوزه‌کنانی تبریز، آرامگاه شعرا از سده دهم. ص ۳۹۹
- محتشم کاشانی در کربلا از سده دهم. ص ۴۰۰
- ابوالهادی قزوینی، قزوین از سده دهم. ص ۲۱۸
- مولانا جمالی در دهلی در آرامگاه قطب‌الدین کافی، سده دهم. ص ۴۱۸
- مولانا قضایی هروی در آرامگاه احمد خضرویه بلخ از سده دهم. ص ۴۱۸
- میرحسین معمایی در هرات از سده دهم. ص ۴۲۰
- میرعلی حسینی هروی در فتح‌آباد بخارا، سده دهم. ص ۴۲۹
- میر مرتضی شریعتمداری شیرازی، مشهد سده دهم. ص ۴۳۰
- میر معزالدین فیضی، کربلا سده دهم. ص ۴۳۰
- شاه‌زنده در جنوب شرقی قم از سده دهم. ص ۳۲۲
- وفائی، شیخ زین‌الدین در آگره سده دهم. ص ۴۴۱
- یاری هروی در هرات از سده دهم. ص ۴۵۰
- امامزاده زید تهران بازار. سده دهم. قاجاریه ۷۶/۲

#### ۴- آرامگاه‌های عصر صفویان که دارای تاریخ معینی نیستند

- ابوالعلی در تفرش، صفوی. ص ۲۱۷
- اسماعیل آقا قلعه‌سی، ارومیه قریه اسماعیل آقا، صفوی. معماری ۸۴/۲
- امام رضا در ارجان بهبهان، صفوی. ص ۴۴

- امامزاده ابراهیم در اصفهان محله مستهلک، صفوی. معماری ۹۱/۲
- امامزاده اسحاق در هرنند اصفهان، صفوی. معماری ۹۱/۲
- امامزاده اسماعیل در شنات ابهر صفوی. معماری ۹۴/۲
- امامزاده اسماعیل در قزوین، خیابان شهدا، صفوی. معماری ۹۴/۲
- امامزاده اسماعیل نویران در نویران ساوه، صفوی. معماری ۸۲/۲
- امامزاده اشرف در محله زاوگان سمنان و صفوی. معماری ۹۵/۲
- امامزاده جعفر در ارّجان بهبهان، صفوی. معماری ۸۵/۲
- امامزاده جعفر در نور، حومه کجور بنای صفوی. معماری ۸۳/۲
- امامزاده جعفر ورامین در پیشوا بنای صفوی. معماری ۷۷/۲
- امامزاده حسن در کرج، بنای صفوی. معماری ۷۷/۲
- امامزاده سید ابوجعفر در رشت محله استاد سرا، صفوی. معماری ۸۱/۲
- امامزاده سید محمد در نیشابور، بنای صفوی. معماری ۸۷/۲
- امامزاده سید منصور بن موسی در زرنند ساوه، صفوی. معماری ۸۱/۲
- امامزاده شاه قاسم، در ساغند یزد، صفوی. معماری ۹۳/۲
- شهاب‌الدین اهری در اهر اوایل دوران صفوی. معماری ۸۳/۲
- امامزاده شهرضا در شهرضا (قمشه) صفوی. معماری ۹۰/۲
- امامزاده عبدالقهار در شمال غربی کرج، صفوی. معماری ۷۷/۲
- امامزاده عبدالله در بافق، صفوی. - قاجار معماری ۹۳/۲
- امامزاده عطاءالله در مراغه، صفوی. معماری ۸۴/۲
- امامزاده علوی در سمنان، محله زادگان، صفوی. - قاجار معماری ۹۵/۲
- امامزاده فاطمه بنت شجاع در ساوه، صفوی. معماری ۸۱/۲
- امامزاده فضل‌الرضا در محلات، صفوی. معماری ۸۰/۲
- امامزاده قاسم در تهران شمیران صفوی و پس از آن معماری ۷۷/۲
- امامزاده قاسم فرزند امام علی‌التقی (ع) در راه کاشان - اراک، صفوی. معماری ۹۰/۲
- امامزاده نوح بن موسی در نویران ساوه، صفوی. معماری ۸۱/۲
- امامزاده هاشم در آبهلی، گردنه امامزاده قاسم در راه پلور، صفوی. معماری ۷۷/۲
- امامزاده یحیی، همدان بلوار عارف معماری ۹۴/۲

- امین الدین جبرئیل در کلخوران اردبیل، صفوی. ص ۲۳۹
- بی بی گزیده در دزفول، صفوی. ص ۲۵۲
- بابا مسافر در قم، باغشاه در شمال شرقی شهر، صفوی. ص ۲۴۶
- بی بی شاه زینب در راه کاشان به قم، صفوی. معماری ۹۲/۲
- پنجه شاه در کاشان خیابان بابا افضل، صفوی. معماری ۹۱/۲
- پرداوود کاشان پایین تر از قصر، صفوی. معماری ۹۲/۲
- پیر عباس در شوش سه راهی جاده اهواز، صفوی. معماری ۸۶/۲
- پریرزاد در اسطهبانات، صفوی. ص ۲۵۴
- چهار پادشاهان در لاهیجان، صفوی. معماری ۸۲/۲
- حبیب بن موسی در کاشان پشت مشهد، صفوی. معماری ۹۱/۲
- حلیمه خاتون قم، دستجرد، صفوی. ص ۲۷۲
- (گنبد) خشتی در مشهد خیابان طبرسی، صفوی. ص ۳۹۵
- درویش امیر، بقعه در نوشهر - لاشک کجور، صفوی. معماری ۸۳/۲
- ساریه خاتون در قم روستای دوکوهک، صفوی. ص ۲۹۳
- سبز، گنبد سبز در مشهد گورجکیم مؤمن، صفوی. معماری ۸۹/۲
- سلطان شیخ احمد در بلده نور، صفوی. معماری ۸۲/۲
- سلطان میراحمد در کاشان، صفوی. ص ۳۰۴
- سکینه خاتون در قم سه کیلومتری شرق زالون آباد، صفوی. معماری ۷۹/۲
- سید حمزه در ساوه، صفوی. معماری ۸۱/۲
- سید دانیال در خلخال آبادی خانقاه، صفوی. معماری ۸۳/۲
- سید شمس الدین بر سر راه داراب به فسا، صفوی. معماری ۸۷/۲
- سید علاء الدین در شیراز میدان آستانه، صفوی. معماری ۸۷/۲
- سید معز الدین، یزد، صفوی. ص ۳۱۵
- سید محمد اوسط در جوشقان کاشان، صفوی. - زندیه معماری ۹۲/۲
- سید محمد بازار در شوشتر، صفوی. ص ۳۱۴
- سید محمد ماهرو، شوشتر، صفوی. ص ۳۱۵
- سید محمد کاشی، در کازرون، صفوی. ص ۳۱۴

- سید محمود سیداحمد در ابرقو آبادی مهرآباد، صفوی. ص ۳۱۵
- شاه ابراهیم در قم روستای شاه ابراهیم، صفوی. معماری ۷۹/۲
- شاه ابوالقاسم در ۱۲ کیلومتری دزفول، صفوی. معماری ۸۵/۲
- شاهزاده ابراهیم در قم روستای دستجرد، صفوی. ص ۳۱۹
- شاهزاده ابراهیم و محمد در ۱۵ کیلومتری جنوب شهرضا، صفوی. معماری ۹۰/۲
- شاهزاده اسحاق و ایوب در ایبانه نظنز، صفوی. ص ۳۱۹
- شاهزاده اسماعیل در برز نظنز، صفوی. معماری ۹۰/۲
- شاهزاده اسماعیل در کاشان آبادی بیدگل، صفوی. معماری ۹۲/۲
- شاهزاده حسین در همدان نزدیک میدان امام خمینی معماری ۹۵/۲
- شاهزاده حسین در کرمان آبادی جوپار ۱۸ کیلومتری ماهان، صفوی. معماری ۸۸/۲
- شاهزاده حسین در جهرم، صفوی. معماری ۸۷/۲
- شاهزاده سلیمان در قم قریه روانج، صفوی. معماری ۷۹/۲
- شاهزاده طاهر در تق رود خلیجستان قم. ص ۳۲۰
- شاهزاده عبدالله در بیدگل کاشان، صفوی. ص ۳۲۰
- شاهزاده موسی در محلات بنای صفوی - قاجار معماری ۸۰/۲
- شاهزاده هادی در کاشان بین آران و بیدگل، صفوی. ص ۳۲۱
- شاهزاده هلال بن علی در کاشان بین آران و بیدگل، صفوی. ص ۳۲۲
- شاه زنده قم از سده دهم. ص ۳۲۰
- شاه سلطان حسین مجاور شهر اردهان کاشان، صفوی. ص ۳۲۲
- شاه سید علی اکبر در ۵ کیلومتری شمال شهرضا، صفوی. معماری ۹۰/۲
- شریف کاشانی، ملافتح الله در کاشان، صفوی. ص ۳۲۷
- شیخ صفی الدین در اردبیل، صفوی. معماری ۸۳/۲
- شیخ عبدالله در طرشت تهران، صفوی. ص ۳۳۹
- صاحب الامر، بقعه، تبریز میدان صاحب آباد، صفوی - قاجاری معماری ۸۳/۲
- عبدالخیر در ۲۵ کیلومتری مغرب قروه، صفوی. ص ۳۵۹
- علی بن مهریار اهواز نزدیک پل چهارم، صفوی. - سده چهاردهم. معماری ۸۵/۲
- عمه کبرا و عمه صفرا در اشتهارد، صفوی معماری ۷۷/۲



- عون علی در سرخاب تبریز، صفوی - قاجاری. ص ۳۶۹
- قاضی صفی‌الدین اصفهان، صفوی. ص ۳۸۱
- گل‌گنبد، در بیجاپور هند، صفوی. ص ۳۹۵
- معصومه در قم دامنه کوهی در شمال غربی کوهک، صفوی. معماری ۷۹/۲
- ملاحسن کاشی در سلطانیه زنجان، صفوی. ص ۴۱۳
- میرحیدر در جیرفت، آبادی دولت آباد، صفوی. ص ۴۲۱
- های اسماعیل آقا قلعه سی ← آرامگاه اسماعیل آقا قلعه‌سی ص ۴۴۳

## فصل چهاردهم

### نظری به شبه‌قاره و چین

#### ۱- آرامگاه‌های اسلامی - ایرانی شبه قاره

«معماری در هند مسلمان هنگامی شکل گرفت که معماران ایرانی به آن سرزمین رفتند و پدیده گنبد و سردر را به شبه‌قاره بردند... با ظهور و اوج‌گیری بابرین همه‌چیز از جمله معماری و آرامگاه‌سازی به قالب ایرانی ریخته شد "Perseanization" و نتیجه این اعتلا و الهام، ساخته شدن تاج محل بود که در حقیقت یک بنای صفوی است و هرکس، که برای زیارت آن به آگره برود تصور می‌کند که به اصفهان و تبریز آمده است.»

پرسی براون\* ۱۹۰

از آنجا که در کتاب معتبر میراث ایران فصل مهمی را با سرفصل ایران و هندوستان پس از فتوحات محمود، به نفوذ هنر ایرانی در شبه‌قاره اختصاص داده و در طی آن از گروهی از بناهای آرامگاهی که میراث مشترک ایران و شبه‌قاره است یاد کرده، ضرور بود که در پایان

این مقدمه اشاره ای نیز به این بناهای آرامگاهی که زیباترین بنای آرامگاهی غیر مذهبی یعنی تاج محل را نیز شامل است، داشته باشیم. نویسنده مقاله هرمان گوتز.\* بیست و چهار سال از عمر خود را در شبه قاره گذرانده و در این مدت علاوه بر مدیریت موزه های آن سامان به تحقیق در باب هند و روابطش با همسایگان سرگرم بوده است.<sup>۲۰</sup>

وی مقاله خود را با این جمله آغاز می کند:

در طی تاریخ ثابت شده است که نفوذ ایران بر هندوستان قوی تر از نفوذ هندوستان بر کشورهای قاره ایران بوده است.

سپس این چنین ادامه می دهد:<sup>\*\*</sup>

آرامگاه سازی در شبه قاره هند معمول نبود چون مرده ها را می سوزاندند و نیازی به آرامگاه نبود. فاتحان مسلمان در طی حکمرانی خود بر این سرزمین با مرده سوزانی موافقت نداشتند اما جلو اجرای این سنت بسیار مستحکم و جافتاده را هم نمی توانستند بگیرند، حتی از رسم ساتی یعنی سوزاندن زن شوهر مرده با شوهر تازه در گذشته نیز نمی توانستند جلوگیری کنند و این رسم ناپسند به مقیاسی بسیار محدود هنوز هم ادامه دارد.

نخستین بنای آرامگاهی هند متعلق به غزنویان، با سبک و روش سلجوقی است اما دوران آرامگاه سازی به سبک سلجوقیان به طور واقع را باید از آغاز پادشاهی سلطان محمد غوری م ۵۹۶ (تاریخ درگذشت) تا پایان پادشاهی سلطان ایلتوتمیش ۶۳۳ دانست، و ادامه غیر خلاقه آن تا عصر علاءالدین خلجی (۶۹۵-۷۱۵) فیروز شاه تغلق، (۷۵۲-۷۹۰) و اسکندر لودی م ۹۰۸.

مشکل اساسی در احداث آرامگاههای بزرگ در شبه قاره مواد و مصالح ساختمانی بود، بسیاری از بناها از جمله آرامگاه سلطان قاری پسر ایلتوتمیش حکمران بنگال م ۶۲۸ با مصالح به دست آمده از خرابه های معابد هندی ساخته شد. اما این تدبیر نمی توانست پردوام باشد چه از یک سو تعداد بتخانه ها محدود بود و از سوی دیگر سلطانهای مسلمان هند ناچار بودند با هندوها مدارا کنند و از خراب کردن معبد ها دست نگه دارند.

به تدریج استفاده از سنگ در ساختن بناهای اسلامی هند آغاز شد و سبکی که بدان سامانی - تغلق گفته می شود خلق شد، سامانی از آن لحاظ که الگوی این بناها آرامگاه امیر اسماعیل

\* Herman Goetz

سامانی بوده است.

دردکن که از ایران به دور بود و در مقابل دولت تجاوزگر هندو، ویجایانگر می‌بایستی مقاومت کند وضع با هند شمالی متفاوت بود. زیرا در این منطقه مهاجران ایرانی و ترکستانی با آغوش باز پذیرفته می‌شدند، از این روی هنر برهمنی چنان از هنر ایرانی الهام گرفت که باید آن را شاخه مستعمراتی هنر ایران دانست. فقط آرامگاه کوچک مؤسس سلسله یعنی حسن ظفرخان به سبک تغلق و سنن آن بنا شده ولی از آن به بعد تمام مقابر سلطانها و اشراف در گلبرگه و اشطور نزدیک بیدر، از نوع ایرانی اواخر قرن هشتم هجری است، یعنی گلبرگه دو طبقه که درگاههای آن تیغه شده و گنبدش کمی از نیم‌دایره بیشتر و نوک‌دار است. زیباترین این آرامگاهها، آرامگاه فیروزشاه تغلق (م ۸۵۲) در گلبرگه و مقبره احمدشاه ولی (م ۸۴۰) در اشطور است.<sup>۲۱</sup>

در شمال هند در ناحیه ماندو آرامگاههای هوشنگ و محمود خلجی و آرباخان انشعاب ظریفی از آرامگاه سامانی محسوب می‌شوند.<sup>۲۲</sup> فیروز شاه تغلق م ۷۹۰، به ساختمان کردن علاقه فراوان داشت، اما در هزینه کردن بسیار هوشیارانه عمل می‌کرد. از این رو اصل بنای آرامگاهش برجای است ولی نقاشیها و تزیینات درونی دیواری از این جهت که با مواد ارزان تدارک شده بود از بین رفته است، این بنا را می‌توان با گنبد جبلیه کرمان مقایسه کرد، گوتز معتقد است که این بنا تقلیدی است از گنبد جبلیه.<sup>۲۳</sup>

آرامگاههای سادات لودی (۹۳۱-۸۵۵) در دهلی، و چند آرامگاه مشابه با این آرامگاهها، مکتب خاص خود را دارند، یعنی همانند بناهای گلبرگه و بیدر در چهار سمت دارای درگاههای تیغه شده هلالی هستند و می‌توان گفت که الگوی اصلی این بناها، گنبد و بارگاه محمد خدا بنده در سلطانیه است.

در ملتان که در پنجاب پاکستان واقع شده است، چهار آرامگاه معروف سبک ایران وجود دارد که بر روی خرابه‌های شاه بهارالحق، شمس‌الدین، شادناشا و شاه رکن عالم ساخته شده است. همه این بناها کاشی معرق دارند و تاریخ ساختمان آنها سده‌های هفتم و هشتم هجری است، چند آرامگاه دیگر نیز در این منطقه وجود دارد که تحت تأثیر معماری و آرامگاه‌سازی ایرانی ساخته شده‌اند.<sup>۲۴</sup>

درباره بناهای کشمیر که از عصر اسلامی برجای مانده، گوتز معتقد است که اگرچه این بناها تحت تأثیر مسجد و آرامگاه سلطان زین‌العابدین، که در مدنی قرار دارد و آرامگاه مادر

سلطان که در خودسری نگر است و بر پی های معابد هندویی برپا شده، اما الگوی بناهای آرامگاهی کشمیر نیز، همان بنای بسیار مهم و اساسی سامانی در آسیای مرکزی است. آرامگاه زین العابدین نخستین بنای کشمیر است که به اسلوب ایرانی با کاشیهای معرق زینت یافت.

شیر شاه سوری که رقیب همایون بود پس از اینکه همایون را از هند گریزند، همایون به ایران پناهنده گردید. شیر شاه، خود متوجه مصر شد و در بناهای خود الگوی مصری را برگزید. شاید این یک حرکت سیاسی ظریف بوده است که پاسخی باشد بر ملاقات و پناهنده شدن همایون به شاه طهماسب صفوی.<sup>۲۵</sup>

در دکن دولت امپراتوری بهمنیان متعرض شد و رقیبش دولت ویجایانگر نیز از هم پاشید، به جای این دو حکومت دولتهایی با سلطان نشینهای کوچک تأسیس گردید و جوی مساعد برای فعالیتهای هنری ایجاد شد، در این مورد نیز عنصر قالب که ایرانی بود، در هنر و معماری جنوب اثر هنری قاطع اعمال کرد که بهترین نمونه آن گل گنبذ در بیجاپورست، این بنا که در ۱۰۶۶ ساخته شد، در معماری جهان گستر ایرانی - هندی یک شاهکار است با گنبذی که تا آن تاریخ از لحاظ بلندی و جلال بی نظیر یا کم نظیر بود. گوئز معتقد است که البته ظاهر گنبذ و بنای آرامگاهی شناسنامه استانبولی دارد، اما اسکلت و چهارطاقی آرامگاه و طرح کلی آن، آرامگاه اسماعیل سامانی را در خود متبلور ساخته است. صرف نظر از گل گنبذ در شهر بیجاپور بناهای مذهبی تاریخی دیگری نیز هست که همه از معماری ایرانی، سبک سلجوقی متأثرند. با تشکیل سلسله بابری روال معماری آرامگاه سازی ایرانی شبه قاره وارد پرشکوه ترین ادوار تاریخ خود شد، باید به یاد داشته باشیم که تیموریان هند نیز مانند ایلخانان ایران و تیموریان ایران از انگیزه مخالفت ذاتی با آرامگاه سازی تهی بودند و همانند سلجوقیان ایران، مغولان و تیموریان، نه در آیین اسلام به اندازه ایرانیان پای برجا بودند و نه سستهای ضد خاکسپاری در وجدان مغولشان مرکوز بود.

بناهای نخستین عصر بابریان، بابر و همایون آنچه ساخته شد، توسط شیر شاه دشمن قسم خورده ایشان خراب شد. اما همایون پس از بازگشت از ایران با دست پر آمد و بسیاری از معماران و نقاشان و خطاطان و دیگر نخبگان فرهنگ و هنر را با خود به هند آورد، و این هنرمندان بودند که با همکاری هنرمندان بومی و کارگران بسیار ارزان، بلکه رایگان، توانستند بنای زیبا و بزرگ آرامگاه همایون را تحت نظر حمیده بانو همسرش پی افکنند. حمیده و همایون در سفر ایران هم بناهای قزوین را دیدند و هم مجموعه شیخ صفی الدین در اردبیل را

زیارت کردند و البته از آرامگاه شیخ جام و بناهای وابسته بدان نیز بازدید کردند، چه حمیده بانو خود از فرزندزادگان شیخ بود و همایون در روی تخته سنگی که تا چندی پیش در تربت جام موجودیت داشته، یک رباعی به خط خود نوشته و خود را به عنوان آواره‌ای سرگردان معرفی کرده است. اما بنای آرامگاه همایون با مقایسه با مجموعه‌های شیخ جام و شیخ صفی‌الدین و دیگر بناهای آرامگاهی، چیز تازه‌ای بود که با بناهای آرامگاهی ایران شباهت چندان نداشت، درحالی که گوئز می‌نویسد:

و این سبک دوم مغول (بابری) در روزهای اول خود تقریباً ایرانی خالص است... آرامگاه همایون با باغی به سبک چهار باغ اصفهان، آرامگاه همایون در کوی دین پناه، محوطه میان نظام‌الدین و قلعه کهنه دهلی، زیباترین و ایرانی‌ترین بنای آرامگاهی هند است، البته پس از تاج محل. در این منطقه چند بنای آرامگاهی دیگر نیز ساخته شده: آرامگاه بایرام خان نایب‌السلطنه و اتقی خان برادر امپراتور اکبر و آرامگاه بسیار زیبای عیسی خان.<sup>۲۶</sup>

دوران حکمرانی اکبر از این لحاظ اهمیت دارد که وی برخلاف همه پادشاهان شبه‌قاره از یک تسامح مذهبی نوظهور و بی‌سابقه پیروی می‌کرد، و این مایه رنجش مسلمانان شده بود، تا حدی که شاهزاده سلیم ولیعهدش، که بعدها با لقب جهانگیر جانشین وی شد، طغیان کرد و بر پدر شورید و برای غنی‌سازی نهضتی که خود رهبری آن را برعهده داشت، به فرهنگ و هنر ایرانی توجه یافت و به قول محققان فرنگی، یک رنسانس از هنر ایرانی به وجود آورد. اگرچه خود وی پس از جلوس به تخت پادشاهی تا حدودی سیاست نزدیکی به هندوان را پیشه کرد و نیرو بخشید.

عصر جهانگیر و بزرگی دیگری نیز داشت و آن حضور میرزا غیاث تهرانی اعتمادالدوله و پسرش آصف خان و دخترش نورجهان در دربار و دستگاه حکومتی جهانگیر بود، خاندانی که در تمام دوره پادشاهی جهانگیر و عصر زمامداری شاه جهان، دربار هند را تحت تسلط داشتند.

گوئز با تأیید و تأکید این مطلب ادامه می‌دهد:

نمی‌توان به آسانی گفت تا چه حد سبک معماری و بنایی زمان شاه عباس کبیر در ایجاد معماری جدید هند یعنی ساختمانهای سنگ مرمر سفید، مزین به سنگهای قیمتی مؤثر بوده است. ذوق شخصی ملکه نور جهان و سبک ساختمان با مرمر سفید که معماری گجرات و مالوه را به یاد می‌اندازد، و حتی نفوذ فرنگی‌ها را در این مورد باید

در مدنظر داشت. در این دوران بناهای آرامگاهی مهمی خلق و ارائه شد که از آن جمله است بنای معروف، چن صدخیمه، آرامگاه میرزا عزیز پسر اتقی خان از سال ۱۰۳۲ که در محله نظام‌الدین به‌طور آزمایشی آغاز شده بود و مملو است از نفوذ هنری ایرانی: ستونهای ایرانی، سرستونهای آویزدار و ضربی‌های پنج و پنجره‌های مشبک ایرانی و طرحهای زیبای دیگر که همه از روی طرحهای آرامگاه شیخ صفی و آستان قدس رضوی و مسجد امام (شاه) اصفهان الگوبرداری شده‌اند.<sup>۲۷</sup>

در این زمان به‌علت بهبودی روابط ایران و شبه‌قاره و افزایش نفوذ هنری فرهنگی ایران در آن امپراتوری آرامگاههایی ساخته شد که در همه آنها اثری از نفوذ ایران دیده می‌شود و به عبارت دیگر، همه نمونه‌های عالی این سبک لطیف ایرانی هستند، به چند باب از آنها اشاره می‌کنیم:

آرامگاه فهیم خان معروف به میله‌گنبد نزدیک آرامگاه همایون از ۱۰۳۴  
آرامگاه آصف خان، ابوالحسن آصف‌الدوله در لاهور از ۱۰۵۱ و آرامگاه زیب‌النسا مخفی، در تاوانکوت.

آرامگاههای علی مردان ۱۰۶۷ و دایی آتکه ۱۰۸۱ در لاهور و آرامگاه علامیرافضل خان شیرازی معروف به چینی کاروضه در آگره ۱۰۴۹

نویسنده هنگام اقامت در هند بارها به زیارت تاج محل رفته و بنا بر توصیه صاحب‌نظران در شبی مهتاب در اوایل پاییز از این بنای عظیم و رؤیایی عکس برداشته‌ام و نتیجه مطالعات خود را نیز در مقاله‌ای که در هنر و مردم شماره ۸۱ به چاپ رسید ارائه کرده‌ام اما از آنجا که سردلبران باید در حیث دیگران گفته شود. اظهارنظر دانشمند باستان‌شناس و شرق‌شناس آلمانی گوتز را درباره این بنا نقل می‌کنم:

«معروفترین ساختمان سبک ایران در هندوستان بنای معروف تاج محل (روضه ممتاز محل) در آگره می‌باشد، این بنا آرامگاه ارجمند بانو بیگم برادرزاده (در متن به اشتباه خواهرزاده آمده است) نورجهان و شوهرش شاه جهان می‌باشد که از عالی‌ترین هنر و ذوق دوران صفوی سرچشمه گرفته و به‌وسیله دو معمار ایرانی مقیم پنجاب نادرالعصر استاد احمد معمار لاهوری و برادرش استاد حمید لاهوری ساخته شده است.

در دو طرف آن مسجد و تالار و دروازه‌ای به سبک ایران و خارج از ساختمان، دو مقبره کوچکتر به همان سبک برای ندیمه‌های ملکه ساخته شده است. تاج محل، جز در به کار بردن

مرمرهای عالی مکران که روحیه شاداب و پرزرق و برق ایران را به صورت روحیه خواب آلود و بی حال هنر دوره های بعدی مغول (بابری) درآورده است، تقلید کلی از سبک صفوی است و انحرافات بسیار کمی نسبت به سنت معماری صفوی دارد، چهار آلاچیق راجپوتی در اطراف گنبد و تفاوت نسبت گنبد به بدنه آن (که در دکن هم عادی بود) و همچنین تفاوت نسبت مناره ها (که شاید از گنبد مقبره محمود خلجی در ماندو اقتباس شده) اختلاف عمده تاج محل با یک بنای صفوی است... این بنا که یکی از عجایب جهان شناخته شده به عنوان نمونه کلاسیک و مظهر تمدن بابری هند معرفی شده، کمتر دارای اختصاصات مغولی (مقصود گورکانی یا تیموری هند یا بابری) می باشد. در حقیقت می توان گفت که این بنا مظهر هنر ایرانی در سرزمین شبه قاره و به قول رنه گروسه:

روح ایرانی در پیکر هند است.<sup>۲۸</sup>

اورنگ زیب جانشین شاه جهان که مانع شد پدرش برای خود نیز یک آرامگاه مجلل بسازد. برای زن خود بی بی رابعه دورانی در اورنگ آباد آرامگاهی ساخت که می توان آن را سایه کم رنگی از تاج محل دانست. در حالی که این بنا با اختلاط سبکهای گوناگون هویت مبهمی به خود گرفته است می تواند به عنوان آخرین بنای آرامگاهی ایران در هند شناخته شود، اگرچه بنای آرامگاهی صفدر جنگ در دهلی را که چند دهه پس از آن ساخته شده، باید آخرین بنا بدانیم. تاریخ این بنا ۱۱۱۳ است، بنای تاج در حسین آباد لکهنو نیز تقلیدی است از بنای اصلی تاج. در پایان این گفتار درباره بنای تاج، ویژگی دیگر تاج را هم یادآوری می کنیم، آنچه نه تنها در شبه قاره بلکه در سراسر جهان نظیری برای آن نمی توان یافت، و آن خطاطی و کتیبه نویسی امانت خان شیرازی است، کتیبه ای که به سبک سحرآمیزی فاصله مکانی را که گاه نوشته کتیبه ها را محو و ناخوانا جلوه گر می سازد، از میان برده است و خواننده ای که در کف بنا ایستاده، حروف زیرین کتیبه را نیز با حروف زیرین مساوی می بیند. یک شاهکار هنری بر مبنای علم. امانت خان همانند معمار اصلی بنا عیسی خان بزرگترین حقوق را در ارائه این کتیبه ها دریافت می داشته است. این مطلب در کتابی خطی که حاوی تاریخچه و اختصاصات ساختمان بنای تاج می باشد و نسخه ای از آن در اختیار این جانب، دست آمده، در این سند کل هزینه بنا روز به روز درج شده است و من در نگارش مقاله تاج محل خودم در هنر و مردم از آن بهره وری داشته ام.

## ۲- آرامگاههای اسلامی - ایرانی در چین و ترکستان شرقی\*

نفوذ معماری ایرانی - اسلامی در آرامگاهسازی شرقی را نمی توان نادیده گرفت، چه ایرانیان از روزگاران باستان با همسایه های شرقی خود ارتباطهایی داشته اند و در تاریخ ساسانیان این ارتباط مبحث مهمی است<sup>۲۹</sup>. پس از سقوط سلسله ساسانی و عزیمت یزدگرد سوم به سوی خاور این ارتباط وارد مرحله نوینی شد و حتی چند تن از شاهزادگان ساسانی در قلمرو حکمرانان ترکستان شرقی و چین به تخت نشسته. ارتباط هنری همگام با ارتباط سیاسی اقتصادی از این به بعد رو به گسترش نهاد، در مقدمه شاهنامه منشور از نقاشان چینی سخن به میان آمده است که کتاب کلیله و دمنه را در عصر سامانی مصور می سازند.

اما گسترش واقعی روابط ایران و چین از عصر مغولان آغاز شد و برای نخستین بار متون تاریخی مهمی به فارسی درباره چین و مغولستان و ترکستان نوشته شد.

بازرگانی میان چین و جهان اسلام نیز از عوامل زیربنایی اثرات هنر و معماری اسلامی به معماری چین، در ساخت و ساز آرامگاههای اسلامی چین است. مسلمانان که به دفن ساده اموات معتقد بودند از مشاهده همین وضع در چین خشنود شدند و با این همه بناهای مهمی از این قبیل در چین خلق شد. ستهای خاکسپاری مردگان در آیین اسلام با آنچه در ایران زرتشتی رواج داشت متفاوت بود اما در چین چنین نبود.<sup>۳۰</sup>

بررسی روابط ایران و چین به ویژه از نقطه نظر معماری و آرامگاهسازی در تاریخ روابط دو کشور فصلی است جدید که بدان پرداخته نشده است و نیاز به بررسیهای جدی دارد. در این مورد بر مبنای کتابی نو پرداخته<sup>۳۱</sup> اشاراتی به نقاط مشترک آرامگاههای اسلامی و معماری آرامگاهی ایران خواهیم داشت، در این کتاب درباره ماهیت آرامگاههای اسلامی آمده است که اغلب آرامگاههای اسلامی چین خانوادگی یا خصوصی و یک نفره اند و گاهی نیز به آرامگاههایی برمی خوریم که افراد فرقه های گوناگون در آنها دفن شده اند در حالی که هر فرقه برای خود آرامگاه خاص دارد.<sup>۳۲</sup>

آرامگاههای اسلامی در سین کیانگ، مرکز ترکستان شرقی که نزدیکترین شهر بزرگ چینی به آسیای مرکزی و غربی در جهان اسلام است، از نظر معماری دارای ویژگی خاص خود هستند و از جمله این ویژگیها وجود گنبد است که در بیشتر آنها وجود دارد.

\* درباره آسیای میانه و قفقاز مبحث جداگانه ای ارائه نشده و در متن گنجانده شده است.



گنبد های آرامگاهی چین تنها تفاوتی که با گنبد های ایرانی دارد، موجودیت بنای کوچکی است، که در نوک گنبد تعبیه شده و فقط حالت تزئینی دارد. اگرچه در ظاهر گنبد پلکان واره ای هم برای رسیدن به این چهار دیواری استوانه ای گنبد دار وجود دارد، اما در طرحی که ارائه شده به خوبی مشخص است که حتی این پدیده، نقش هواکش را هم نمی تواند برعهده داشته باشد.<sup>۳۳</sup>

قدیمترین بنای آرامگاهی اسلامی چین آرامگاهی است در کانتون که با ملاحظه تصویر آن<sup>۳۴</sup> انسان بی اختیار به یاد آرامگاه امیر اسماعیل سامانی می افتد، بنایی که نمونه و سرمشق هزاران بنای مذهبی در جهان اسلام شد و خود از لحاظ معماری از آتشکده های ساسانی معروف به چارطاقی تقلید شده است.

این بنای ساده عبارت است از یک چهارطاقی بزرگ با گنبد پخ و کوتاه که در وسط قرار دارد، گنبد بسیار شبیه گنبد سامانی است با این تفاوت که در نوک آن باز هم آن چهارطاقی گنبد دار تزئینی تعبیه شده است و دور تا دور چهارطاقی اصلی بنا روی دیوار کنگره های سه بر تعبیه شده که یاد آور درهای آسیای مرکزی است.<sup>۳۵</sup>

مرکز مهمترین و گسترده ترین بنای آرامگاهی چین مجموعه آرامگاهی آفاق خواجه، در کاشغر سین کیانگ است، در ده کیلومتری شهر کاشغر، این بنا عبارت است از یک بنای چهارگوش که چهار سر در ایوان دار در چهار بر آن قرار دارد و در دو طرف این سردرها، چهار درگاه بزرگ با چهار پنجره ساخته شده است در چهار گوشه بنا، چهار مناره افراشته شده که مناره ها به اسلوب بناهای اسلامی شبه قاره از یک سویه دیوار بنا چسبیده اند، به طوری که حالت لوله ای گلدسته ها حفظ شده است. اثرات جنبی معماری شبه قاره و آسیای مرکزی به روی این بنای چینی کاملاً هویدا است، در حالی که اصل بنا با کاشیهای سبز و آبی و زرد یاد آور بناهای گنبد دار ایران و مزار شریف بلخ در افغانستان است.

گلدسته ها به یک محفظه با چهار پنجره خاتمه می یابند و زائده ای شبیه این پایانه را در انتهای گنبد و حتی در دو طرف سردرها (در اندازه کوچکتر) می توان یافت، این زائده زیبا در برخی بناهای آسیای مرکزی نیز دیده می شود. پنجره های چهارگانه مناره ها با پوششهای مشبک زیبا با نقشهای هندسی زیبا همه از نقوش مشابه در بناهای ایرانی - اسلامی اقتباس شده.<sup>۳۶</sup>

بنای قابل ذکر دیگر که کاملاً هویت اسلامی ایرانی دارد، آرامگاه یوسف خدایارخان، یا

یوسف خاص حاجب است که طبق برخی روایات مهمترین مبلغ دین اسلام در چین و مبارزه با بوداییان بوده و در سال ۴۳۸ در کاشغر از دنیا رفته است.<sup>۳۷</sup> این آرامگاه نیز با گنبد کاشیکاری شده و بلندتر از گنبد آفاق خواجه، نشان دهنده این حقیقت است که پس از آن بنا ساخته شده، با سردرهای بلند، همانند سردر بناهای آرامگاهی هند و با غرفه‌ها و حجره‌های آجرچینی شده و مسدود که در دو سوی بلندای آن همانند گنبد و مناره‌ها به آن بنای چارطاقی کوچک تزینی افزوده شده است. از خصوصیات این آرامگاه که خود یادآور آرامگاه سامانی بخارا است. دیوارهای آجری بسیار بلند با آجر چینی پاکیزه و زیباست، نقش کاشیها نقوش هندسی مستقیم است.<sup>۳۸</sup>

سومین آرامگاه گنبددار که باید پس از معرفی دو مجموعه آرامگاهی آفاق خواجه و یوسف خدایارخان بدان اشاره شود آرامگاه طغرل تیمورخان فرزندزاده چنگیز در نسل هفتم است که سردار مجاهد اسلام بوده و آرامگاهش در پنج کیلومتری شهر خویانگ قرار دارد، تاریخ فوت یوسف و بنای آرامگاه ۱۳۲۵ م است.

بنا آجری است با گنبد زیبای کاشیکاری، بنایی مشابه با ساختمانهای آرامگاهی آسیای مرکزی، در این آرامگاه همانند برخی آرامگاههای چینی پدر و مادر و فرزندان صاحب مقبره نیز در گورهای جداگانه که از گور خود وی کوچکتر است به خاک سپرده شده‌اند.<sup>۳۹</sup> آنچه گفته شده اشاره‌ای بود به حد شرقی پیشرفت معماری و سنت آرامگاه‌سازی ایران و البته در صورتی که وقت اجازه بدهد و منابع به حد کافی در دسترس قرار گیرد در این باب می‌توان بیش از این نوشت و رساله‌ای جالب و غرورآمیز فراهم ساخت.

## پیوست

### مزارات

برای هریک از سه گروه شیعی و سنی و صوفی که در گستره فرهنگی ایران زندگی می‌کرده‌اند نگره‌داری و ارائه احوال گذشتگان به نحوی مهم و حیاتی بوده است، شیعیان از لحاظ حفظ سلسله‌گرامی پیامبر و علی (ع) در ایران زمین و سرزمینهای پیوسته بدان، اهل سنت از جهت نگره‌داری زنجیره سنت که مبدأ و منشأ آن رسول اکرم و خلفای راشدین بوده‌اند و صوفیان از

نقطه نظر نگه‌داری سلسله و حفظ آداب طریقت، به بیان بهتر هیچ یک از سه گروه مزبور حاضر نبوده‌اند که ارتباطشان با گذشته بریده شود.

بر مبنای آنچه گفته شد طی این ۱۴ سده عصر اسلام در ایران و دیگر جاها در پهنه فرهنگی ایران اسلامی، صدها کتاب در باب هزاران قدیس به‌ویژه اقطاب عارفین نوشته و تدوین و تکثیر شده است. در شبه قاره نیز کتابها و رساله‌های بسیار در این باب نوشته شده که بررسی کل این کتابها در تهیه این تألیف امکان نداشت، از سویی نیز محتوای کتابها تقریباً تکراری است و مربوط به شبه قاره، اگر چه به زبان فارسی است. کوشش شده است که عارفان و دولتمردان پارسی‌گوی و پارسی‌نویس که آثاری مهم از ایشان برجای مانده یا آرامگاهشان دارای نوشته فارسی است در این فهرست گنجانده شوند. و بناهای آرامگاهی نیز در صورتی که نفوذ معماری ایرانی به‌ویژه الگوهای آرامگاهی در آن قابل رویت و توجیه باشد معرفی شده و برای کسانی که خواهان اطلاعات بیشتر باشند ارجاع داده شده است. دوست دانشمند استاد احمد منزوی به‌اهمیت مزارات در تحقیقی که بدان سرگرم هستم اشاره کرده برخی از آنها را جوانمردانه در اختیارم قرار دادند که عیناً نقل می‌شود:

مزارات رساله در مدفن امامزادگان معصوم در عراق و خراسان و مازندران و آذربایجان از نورالدین محمد فرزند ابوالقاسم حبیب‌الله واعظ خطیب مدرس اصفهانی به‌روزگار عباس یکم صفوی در یک مقدمه در نسب صفویان، نسب امامزاده‌ها و خاکجایشان. نشریه ۸/۱۲۵ فهرستواره ۲/۸۷.

مزارات امامان و امامزادگان. قاسم انوار، معین‌الدین علی فرزند نصیر ۷۵۷-۸۳۷. ذریعه ۸۶۱/۹. فهرستواره ۲/۸۷.

مزارات بخارا در تاریخ بخارا و مناقب مزارات بخارا. فهرستواره ۲/۸۷.

مزارات تبریز. حشری ← روضة‌الاعظماء. فهرستواره ۲/۸۷.

مزارات تبریز. کربلایی ← روضات‌الجنات. فهرستواره ۲/۸۷.

مزارات هرات پنج اثر: از اثیرالدین کاشانی، از هروی سیاوشانی، از عبیدالله یا عبدالله فرزند سعید، از معین‌الدین محمد هروی از معین‌الدین محمد با عنوان روضات‌الجنات فی اوصاف مدینه‌الهرات و نسخه عکسی از یک نشریه محفوظ در استانبول فهرستواره ۲/۸۸. مزار شریف. رساله در بیان ظهور مزار شریف حضرت علی در شمال افغانستان.

فهرستواره ۲/۸۸.

مزارنامه قهستان. ابن حسام حسامی. فهرستواره ۲/۸۸.

منظرالاولیاء تبریزی. محمدکاظم معروف به اسرار علی شاه، به نام ناصرالدینشاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) مزارات تبریز و توابع در یک حدیقه و ۵ روضه و یک بوستان، حدیقه حالات عارفان قدیم و پنج روضه درباب آرامگاههای امامزادگان، اولیا، پادشاهان وزیران فحول شعرا و مشایخ شاه نعمت اللهی. قم اشکوری ۸۷/۱۰. فهرستواره ۹۵/۲

مزارات تبریز. محمدکاظم - منظرالاولیاء. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات خراسان. کاظم مدیر شانه چی. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات سمرقند. فهرستواره ۸۷/F

مزارات شهر کابل. محمد ابراهیم خلیل. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات شیراز. جنید شیرازی: شدالازار، تذکره هزار مزار از پسرش

مزارات شیراز. دشتکی شیرازی. اصیل الدین م ۸۸۳ قب، گورستان شیراز و کسانی که در

آنجا خفته اند. فهرستواره ۸۷/۲

مزارات کرمان: تذکره الاولیاء. محرابی کرمانی سعید. فهرستواره ۸۸/۲

مزارات کرمان. به دستور سید محمد هاشمی به کوشش حسین کوهی کرمانی. فهرستواره

۸۸/۲

مزارات هرات: مقصد (مرصد) الاقبال السلطانیه و مرصد (مقصد) اعمال الخاقانیه از

اصیل الدین عیدالله حسینی دشتکی شیرازی ۸۸۳۳ به دستور غیاث الدین ابوالفتح سلطان

ابوسعید گورکانی (۸۵۵-۸۷۳) در یک مقدمه و سه باب و یک خاتمه، حاوی سرگذشت

۲۰۹ تن از عارفان در سه مرحله، آنان که پیش از امیر تیمور می زیسته اند و یادشان در کتابها

آمده است، عارفان پیش از وی که یادشان در جایی نیامده است و آنان که پس از او

می زیسته اند. فهرستواره ۹۲/۵

وسيلة الشفاعات هروی. جلال الدین عبدالجلیل (سده ۱۰) فرزند محمدصافی

(عبدالجمیل یا عبدالحمید) همان مقصد الاقبال اصیل الدین دشتکی است با اندک کاستن و

افزودگی، افزودن در گذشتگان در هرات پس از ۸۶۴ تا عصر نویسنده در یک مقدمه و سه

باب مقدمه در باب فواید رفتن به مزارات اولیا و علما و... و سه باب درباره مرآد جمعی از

اکابر و اولیای که در قبه الاسلام هرات و توابع مدفون اند از قدیم و ابتدای فتح اسلام تا آخر عصر

امیر تیمور دوم یا سوم در ذکر جماعت مدفون شده در هرات بعد از مرگ امیر تیمور.

فهرستواره ۹۸/۲

مزارات هرات (رساله) از فکری سلجوقی. فهرستواره ۹۸/۲

# پی‌نوشتها

## یادداشت‌های مرحله اول

### عصر کهن پیش از مادها

#### فصلهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵

- ۱- معماری ایران (دوره اسلامی) مجموعه مقالات به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران ۱۳۶۶، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۱، پیشگفتار.
- ۲- همان کتاب، مقاله مساجد از مهندس کریم پیرنیا که نوشته‌اند: در میان اندامهای درون شهری هر شهر و روستا، نیايشگاه همیشه جای ویژه خود را داشته و دارد و از اندامهای دیگر نمایان‌تر، و چشمگیرتر است و از این روست که همه جا در دل آبادی جای گرفته. در ابیانه هنوز کوی میانی روستا را که کهن‌ترین مسجد در آن جای دارد، پر دله، پیرامون دل یا مرکز می‌گویند. ص ۱ و پانویس ۱، ص ۷.
- ۳- همان کتاب، مقاله آرامگاهها (در اصل مقابر) از ربرت هیلن براند، ترجمه کرامت‌الله افسر، ص ۲۳.
- ۴- تاریخ تمدن ویل دورانت (ویلیام) گاهواره تمدن، جلد اول، ترجمه احمد آرام، تهران. ۱۳۳۷، ص ۹۸، که مثالهایی نیز در این مورد آورده است.
- ۵ و ۶- همان کتاب، ص ۹۹.
- ۷- پیرامید از ریشه پی‌رموس به معنی بلندی، ویل دورانت ۲۲۴، Pi-re-mus - Pyramid.
- ۸- انسیکلوپدی بریتانیکا، ج ۱۸، ص ۸۹۴، چاپ ۱۹۷۸.
- ۹- تاریخ تمدن ویل دورانت، جلد اول، ص ۲۲۷.
- ۱۰- اهرام مصر گورهایی بوده که رفته‌رفته از صورت ابتدایی خود ترقی کرده و به این شکل در آمده

- است. ویل دورانت ۲۲۴-۲۲۵.
- ۱۱ و ۱۲- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۳۶۱.
- ۱۳- سرلئونارد وولئی. Sir Leonard Woolley دانشمند باستان‌شناس بریتانیایی نویسنده کشفیات اور Ur Excavation وی در سالهای ۱۸۵۴ تا ۱۹۳۲ موفق شد زیگورات اور Ur را کشف کند.
- ۱۴ و ۱۵- تاریخ مهندسی، مهدی فرشاد، بنیاد نیشابور، ص ۱۴۰.
- ۱۶- همان کتاب، ص ۱۴۲.
- ۱۷- بریتانیکا، ج ۲۴، ص ۹۶۶.
- ۱۸- تاریخ تمدن ویل دورانت، ص ۳۳۷.
- ۱۹- همان کتاب، ص ۳۶۱.
- ۲۰ و ۲۱- آثار و بناهای تاریخی خوزستان، تألیف احمد اقتداری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (آثار ملی) تهران ۱۳۵۳، بخش اول، ص ۱۱۶ و ۱۱۴.
- ۲۲- همان کتاب، ص ۱۱۲.
- ۲۳- تاریخ ایلام از پی‌یر آمیه، ترجمه شیرین بیانی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۱۵ و ۱۶ و تصویر ناپیر آسو ملکه ایلام آثار و بناهای تاریخی خوزستان، ص ۱۱۱.
- ۲۴- آثار و بناهای تاریخی خوزستان، ص ۱۱۹-۱۴۵.
- ۲۵- همان کتاب، ص ۱۶۴.
- ۲۶- آثار باستانی شهرهای سواحل و بنادر خلیج فارس از احمد اقتداری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۹۶.
- ۲۷- همان کتاب، ص ۸۷.
- ۲۸- نظری اجمالی به‌شهرنشینی و شهرسازی در ایران به‌کوشش محمدیوسف کیانی در چهار جلد (در این مجموعه جلد اول به‌علامت شهرها). مقاله دوم از عزت‌الله نگهبان: شهرنشینی و شهرسازی از هزاره چهارم تا هزاره اول ق م، تپه سیلک ص ۲۵.
- ۲۹- همان کتاب، ص ۲۷ و نیز آرتور ایهام پوپ بررسی هنر ایران ج ۱. مقاله راجرز وارن\*، ص ۱۵۱.
- ۳۰- نظری اجمالی به‌شهرنشینی ص ۲۹.
- ۳۱- همان کتاب، ص ۳۱.
- ۳۲- سرزمین قزوین، دکتر پرویز ورجاوند، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۴۹ ص ۱۵.
- ۳۳- همان کتاب، ص ۲۱.
- ۳۴- بررسی هنر ایران، ج ۱. مقاله به‌قلم فردریک ویلسن\*\* تحت عنوان: تمدنهای اولیه استراباد (تورنگ تپه) ص ۱۶۳.

\* M.Rogers Warren

\*\* Frederick Wulsin

- ۳۵- نظری اجمالی... شهر سوخته، از دکتر منصور سجادی، ص ۵۱.
- ۳۶- فصلنامه باستان‌شناسی و تاریخ ۱۷ (آبان ۷۴).
- ۳۷- تاریخ بلعی از ابوعلی محمد بن محمد بلعی، تصحیح و اهتمام ملک‌الشعراى بهار، پروین گنابادی ص ۱۰۲.
- ۳۸- همان کتاب، ص ۱۰۸.
- ۳۹- آثار و بناهای تاریخی خوزستان، ص ۹۳.
- ۴۰- قصه دانیال نبی در تورات فارسی باب پنجم.
- ۴۱- آثار و بناهای تاریخی خوزستان، ص ۹۶.
- ۴۲- مجمل‌التواریخ والقصص تألیف در سال ۵۲۰ از نویسنده‌ای نامعلوم، به تصحیح ملک‌الشعراى بهار، تهران ۱۳۱۸، کلاله خاور، ص ۴۴۵.
- ۴۳- لغت‌نامه دهخدا (در این مجموعه ل) جزوه ۱۵۵ / ص ۲۳۰.
- ۴۴- فرهنگ ایران باستان، استاد پورداد، ص ۱۶۰، ل ۱۵۰ / ۲۰۳.
- ۴۵- قاموس‌الاعلام، ل ۱۵۰ / ۲۰۳.
- ۴۶- تاریخ‌گزیده، حمدالله مستوفی، ص ۵۲، ل ۱۵۰ / ۲۰۳.
- ۴۷- فارس‌نامه ابن بلخی، ص ۵۳، ل ۱۵۰ / ۲۰۴.
- ۴۸- از آستارا تا استارباد، دکتر منوچهر ستوده، (در این مجموعه آ س) انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۳، ص ۹۴ و ل ۱۵۵ / ۲۰۳.
- ۴۹- فرهنگ جغرافیایی ایران (در این مجموعه فج) ج ۹ / ۲۱۳.
- ۵۰- ایران باستان مشیرالدوله پیرنیا، ص ۳۹۵.
- ۵۱- مجمل‌التواریخ، ۴۳۰ تا ۴۳۶.
- ۵۲- اقلیم پارس، سید محمدتقی مصطفوی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی صص ۸-۱۰ (در این مجموعه آق).
- ۵۳- مازندران و استراباد، رابینو ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی (در این مجموعه مازندران)، ص ۹۴.
- ۵۴- تاریخ طبری ترجمه و تحقیق دکتر محمد جواد مشکور، ص ۱۰.
- ۵۵- مازندران و استراباد، ص ۸۹.
- ۵۶- همان کتاب، ص ۹۰.
- ۵۷- آثار باستانی شهرهای سواحل و بنادر خلیج فارس، احمد اقتداری، ص ۶۶۰.
- ۵۸- شاهنامه مهل چاپ تهران، جیبی، ص ۱۶.
- ۵۹- همان کتاب، ص ۱۸.
- ۶۰- همان کتاب، صص ۲۱ و ۲۴ و ۳۳ و ۵۷.
- ۶۱- همان کتاب، ص ۱۰۶.

۶۲- همان کتاب، صص ۱۹۱، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۳۳ و ۲۴۳.

۶۳- همان کتاب، ص ۹۵.

۶۴- همان کتاب، جلد ۴ ص ۳۶۲.

۶۵- مجمل‌التواریخ، صفحه‌های ۴۶۱ و ۴۶۴.

## یادداشت‌های مرحله دوم از عصر مادها تا ظهور اسلام فصلهای ۶ و ۷ و ۸ و ۹

۱- اقلیم فارس، محمدتقی مصطفوی، ص ۳۷۱.

۲- همان کتاب، ص ۸ و ۱۳۹ و ۴۴۰ و ایران باستان ۲۲۱.

۳- ایران باستان، حسن پیرنیا، ص ۲۲۱.

۴- همان کتاب، ص ۲۲۱.

۵- همان کتاب، ص ۳۶۸.

۶ و ۷- ایران باستان ص ۲۲۱.

۸- همان کتاب، ص ۲۲۰.

۹- انسیکلوپدی بریتانیکا ۷۸۵/۲۲، تاریخ باستانی ایران هرتسفلد - حکمت، ص ۳۳.

۱۰- آثار باستانی آذربایجان، ج ۲، سیدجمال ترابی طباطبائی، ص ۵۸۳.

۱۱- نظری اجمالی... محمد یوسف کیانی، ص ۷۸.

۱۲ و ۱۳- آثار باستانی آذربایجان، ج ۲، ص ۴۴۵ و ص ۵۹۸.

۱۴- همان کتاب، ص ۴۴۵ و نیز نظری اجمالی... مقاله شهرهای اشکانی از محمد یوسف کیانی، ص

۱۱۶.

۱۵- ایران باستان ۳۶۹.

۱۶- همان کتاب، ص ۱۵۶۳.

۱۷- اقلیم فارس، ص ۱۰ نقل به‌اختصار.

۱۸- ایران باستان، ۱۵۶۵.

۱۹- همان کتاب، ص ۱۸۷۰ و ص ۱۹۳۵.

۲۰- اقلیم فارس، ص ۳۳۲.

۲۱- همان کتاب، ص ۳۷ و ایران باستان ۱۶۰۱.

۲۲- اقلیم فارس، ص ۳۸.



- ۲۳- تمدن ساسانی، علی سامی، ص ۴۰.
- ۲۴- اقلیم پارس، ص ۳۷ و پانویس ۱.
- ۲۵- ابدیت ایران، ص ۹۹.
- ۲۶- ایران باستان ص ۱۶۰۱، اظهارنظر مرحوم مشیرالدوله درباره شکل آرامگاه داریوش که تقلید از صلیب یونانی است قابل تردید می باشد و نیز اقلیم پارس ص ۳۸ و تمدن هخامنشی از علی سامی، ص ۱۸۷.
- ۲۷- می دانیم که آرامگاه صخره‌ای از عصر مادها برجای مانده و به خوبی می توانسته است که سرمشق هخامنشیان قرار گیرد و اصولاً در مصر آرامگاه صخره‌ای وجود ندارد که داریوش در سفر جنگی کمبوجیه آن را ببیند و تقلید کند و آرامگاه خود را بدان شکل بسازد.
- ۲۸- اقلیم پارس، ص ۳۹.
- ۲۹- ایران باستان، ص ۲۶۸۸.
- ۳۰- و ۳۱- همان کتاب، ص ۲۷۰۰.
- ۳۲- اشکانیان از م.م. دیاکونو و، ترجمه کریم کشاورز، ص ۱۱۹.
- ۳۳- پارتیان از مالکولم کالج ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۲۰۰ زیرنویس شماره ۲۹.
- ۳۴- اشکانیان، ۱۲۴.
- ۳۵- ایران باستان، ۲۶۸۸ و پارتیان تصویر شماره ۳۱ و شرح آن.
- ۳۶- ایران باستان، ۲۶۹۱.
- ۳۷ و ۳۸ و ۳۹- ری باستان، ۳۶۶ و ۳۶۷.
- ۴۱- همان کتاب، ص ۳۶۸ و مزدآپرستی در ایران قدیم، ص ۱۲۱.
- ۴۲- ری باستان ۳۶۹ و تاریخ کوروش، کزنفون ۳۲۱.
- ۴۳- اشکانیان، ۱۲۶.
- ۴۴- اشکانیان، ۶۴ و پانویس ۱۳۴ در ص ۱۴۷.
- ۴۵- ری باستان، ۳۶۹.
- ۴۶- ایران باستان، ۲۷۲۲.
- ۴۷- پارتیان، ۱۲۹.
- ۴۸- آثار باستانی آذربایجان، ج ۲، ص ۶۳۶ و آثار باستانی سواحل از احمد اقتداری، ص ۱۴۵.
- ۴۹- ری باستان، ص ۳۷۰.
- ۴۹ و ۵۰- ایران باستان، ص ۲۷۱۲ و ص ۲۷۱۷.
- ۵۱ و ۵۲- پارتیان تصویر شماره ۲۲ و شرح آن در ص ۱۹۹ و پانویس شماره ۲۶ در ص ۱۹۹.
- ۵۳- آثار تاریخی لرستان، حمید ایزدپناه، ج ۲ ص ۲۸.
- ۵۴- آثار باستانی آذربایجان، ج ۲، ص ۵۲۰.
- ۵۵ و ۵۶- پارتیان ص ۲۰۱ شماره ۳۷ و ص ۲۰۰ شماره ۳۳.

- ۵۷- سیراف، غلامرضا معمولی به‌تصویرهای ۶۶ و ۶۷ و مقاله شهرهای اشکانی محمدیوسف کیانی در نظر اجمالی... ص ۱۰۵.
- ۵۸- تاریخ ساسانیان مشکور، ص ۱۲۸۳.
- ۵۹- ری باستان، ص ۳۶۷.
- ۶۰- از گفته‌های استاد شادروان نصرالله فلسفی استاد تاریخ در دانشگاه تهران، سال ۱۳۲۱.
- ۶۱- ری باستان، ص ۳۶۸.
- ۶۲- شاهنامه مهل - ریاحی، ص ۱۹۷۵.
- ۶۳ و ۶۴ ری باستان ص ۳۷۹ و ص ۴۰۴.
- ۶۵- همان کتاب، ۳۷۴.
- ۶۶- آثار تاریخی طهران، سید محمد تقی مصطفوی، ص ۱۳۷.
- ۶۷- سرزمین قزوین از دکتر پرویز ورجاوند، ص ۲۴۶.
- ۶۸ و ۶۹- همان کتاب، ص ۲۸۵.
- ۷۰- همان کتاب، ص ۴۲۷.
- ۷۱- سیراف ص ۱۷۰.
- ۷۲- تمدن ساسانی، ج ۱، علی سامی، ص ۷۰.
- ۷۳- نظری اجمالی... مقاله شهرهای ساسانی از دیتیش هوف. ترجمه محمدرحیم صراف، ص ۱۸۱.
- ۷۴- همان کتاب، ص ۱۷۸.
- ۷۵- بررسی هنر ایران، آرتولد ابهام پوپ در این هنر، ۵۶۸/۲ و تجدید چاپ ایران ۱۰۷.
- ۷۶- سیراف، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.
- ۷۷- مجمل‌التواریخ، ص ۴۶۳ و پانویس (۵).
- ۷۸- همان کتاب، ۵۰۶.
- ۷۹- سیراف، ص ۱۷۳.
- ۸۰- سیرالملوک ص ۱۶۹ و ری ص ۴۷۷.
- ۸۱- سیراف ص ۱۳۶.
- ۸۲- کوتا شده از تاریخ بناکتی، ص ۱۶۰.
- ۸۳- آثار تاریخی لرستان ۵۴۷/۲ صفحه.
- ۸۴- شاهنامه فردوسی مهل - ریاحی ۱۹۷۵/۵.

## یادداشت‌های مرحله سوم آرامگاه‌های عصر اسلامی یک فصل‌های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲

- ۱- بر مبنای مجمل فصیحی ج ۲ ص ۹۵ صاحب در ری مرد و در اصفهان به خاک سپرده شده. ری ۳۶۰
- ۲- بررسی هنر ایران زیر نظر پروفیسور آرتور اپهام پوپ ۹۱۶/۳.
- ۳- معماری ایران به کوشش محمد یوسف کیانی ج اول ص ۲۳ مقاله هیلن براند ترجمه کرامت‌الله افسر.
- ۴- ارداویرافنامه: کتاب به پهلوی که توسط بهرام پژدو ترجمه منظوم شده است.
- ۵- معماری ۲ هیلن براند ص ۳۴.
- ۶- آثار باستانی آذربایجان سیدجمال ترابی، ج ۲، ص ۵۸۲، ۶۴۵، ۶۴۹.
- ۷- معماری ایران مقاله هیلن براند با عنوان آرامگاه‌ها (مقابر) ص ۱۵ و نیز همان کتاب، پیشگفتار که این نظر را تأیید می‌کند: در سراسر جهان اسلام سنت ایجاد بناهای آرامگاهی را همانند ایران نمی‌توان یافت که یک چنین عمر دراز و مقبولیت ریشه‌دار و پابرجایی و نقش بسیار در تعالی معماری برخوردار بوده باشد.
- ۸- همان کتاب، ص ۲۳.
- ۹- دانشنامه ایران و اسلام، ص ۸۹.
- ۱۰- همان کتاب، ص ۱۰۰.
- ۱۱- بررسی هنر ایران، ج ۳، ص ۱۲۰۲.
- ۱۲- تاریخ بیهقی، ص ۴۱۳.
- ۱۳- معماری ایران به کوشش محمد یوسف کیانی مقاله محمدرضا مخلصی ص ۲۷۸ و آثار تاریخی خراسان، عبدالحمید مولوی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۶
- ۱۴- معماری ایران، ص ۲۷۸
- ۱۵- دائرةالمعارف بزرگ، ج ۱، ص ۳۵۸
- ۱۶- همان کتاب، ص ۳۵۳
- ۱۷- همان کتاب، ص ۳۵۱ و ری باستان ۳۸۸
- ۱۸- از آستارا تا استارآباد، دکتر منوچهر ستوده، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۲، ص ۱۷۹
- ۱۹- ری باستان، ص ۳۸۸ و النقص ص ۶۲۹
- ۲۰- معماری ایران به کوشش محمدیوسف کنعانی مقاله هیلن براند، ص ۳۵
- ۲۱- آثار تاریخی خراسان، ص ۱۲۹
- ۲۲- آثار تاریخی شهرها و جزایر خلیج فارس از احمد اقتداری، ص ۹۲۴ و زین‌الخبار گردیزی، ص

- ۲۳ و ۲۴- آثار تاریخی خوزستان، احمد اقتداری، ص ۳۴۵ و ص ۸۲۴ و نیز نظری اجمالی... محمد یوسف کیانی ص ۱۸۳ که جندی شاپور را پایتخت و محل خاک‌سپاری یعقوب می‌داند.
- ۲۵ و ۲۶- معماری ایران مقاله هیلن براند، ص ۲۷.
- ۲۷- معماری ایران، مقاله هیلن براند ۲۷ و بررسی هنر ایران، پوپ ج ۳، ص ۹۷.
- ۲۸- بررسی هنر ایران پوپ، اریک شرودر، ج ۳، ص ۹۸۴.
- ۲۹- همان کتاب، ج ۳، ص ۹۸۴.
- ۳۰- ری باستان ص ۴۱۴ و متن بندهای وندید ص ۳۶۷ همان کتاب.
- ۳۱- کاروند کسروی به‌اهتمام استاد یحیی ذکاهی ۴۱.
- ۳۲- سرزمین قزوین ص ۲۴۳ و ۲۴۵ و ۲۴۷.
- ۳۳- معماری ایران، مقاله هیلن براند ص ۳۶.
- ۳۴- آثار باستانی شهرها و... احمد اقتداری، ص ۸۶۰.
- ۳۵- معماری ایران مقاله هیلن براند، ص ۳۷.
- ۳۶- سیمرغ، ویژه‌نامه آسیای مرکزی، ص ۱۷۴.
- ۳۷- تاریخ مغول، عباس اقبال، ص ۵۶۴.
- ۳۸- معماری ایران، مقاله هیلن براند، ص ۳۸.
- ۳۹- بررسی هنر ایران پوپ، ج ۸ ص ۳۴۷ و معماری اسلامی، ایران یک از آنتونی هات ص ۴۶.
- ۴۰ و ۴۱- سرزمین قزوین ص ۳۱۵ و ۳۲۷.
- ۴۲- همان کتاب، ص ۳۳۲.
- ۴۳- سرزمین قزوین، ۳۱۵.
- ۴۴- مقاله آرامگاهها (مقابر)، از هیلن براند، معماری ایران ۲، ص ۲۸.
- ۴۵- سرزمین قزوین ۱۶۱.
- ۴۶- آرامگاه شاعران.
- ۴۷- همان کتاب، ۱۵۵.
- ۴۸- سرزمین قزوین، ص ۳۸۱.
- ۴۹- معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان از دنالدویلبر ۱۳۵.
- ۵۰- همان کتاب،، دیباچه صفحه یازده.

یادداشت‌های مرحله چهارم  
آرامگاه‌های عصر اسلامی دو  
فصلهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵

- ۱- تاریخ مغول، عباس اقبال، ص ۲۹ و ۳۹.
  - ۲ و ۳- معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی در این مجموعه معماری ایلخانی، ص ۳۸.
  - ۴- تاریخ مغول ۵۶۴.
  - ۵- همان کتاب، ۵۶۳.
  - ۶- همان کتاب، ۵۶۴.
  - ۷- همان کتاب، ۳۰۵.
  - ۸- همان کتاب، ۳۱۱ که خود از نفایس الضون ص ۲۹۵ و ۲۹۶ آورده است.
  - ۹- همان کتاب، ص ۵۶۶.
  - ۱۰- بررسی هنر ایران، زیر نظر پروفیسور آرتواپهام پوپ ۱۱۷۹/۳.
  - ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵- آثار باستانی آذربایجان از سید جمال ترابی طباطبائی، ج ۲ صص: ۱۸۵، ۱۴۸، ۱۳۵، ۱۴۹ و ۱۶۲.
  - ۱۶- شاه عباس از نصرالله فلسفی، ص ۴۴.
  - ۱۷ و ۱۸- مقاله هیلن براند ص ۳۵، معماری به کوشش محمد یوسف کیانی.
  - ۱۹- معماری هند از پرسى براون، به انگلیسی ص ۸ چاپ.
  - ۲۰- میراث ایران، مجموعه مقالات زیر نظر آربری، ص ۱۴۹.
  - ۲۱- همان کتاب، ص ۱۷۲ و ۱۷۶.
  - ۲۲- همان کتاب، ص ۱۷۵.
  - ۲۳- همان کتاب، ص ۱۷۶.
  - ۲۴- همان کتاب، ص ۱۸۰.
  - ۲۵ و ۲۶ و ۲۷- همان کتاب، ص ۱۸۱ و ۱۹۰/۱۹۱ و ۱۹۶/۱۹۵.
  - ۲۸- تاج محل مقاله اینجانب در هنر و مردم شماره ۸۱ و میراث ایران ۱۹۶.
- در تهیه این بخش از کتابهای دیگری نیز استفاده کرده‌ام که در فهرست منابع معرفی خواهند شد و اسامی آنها از این قرار است.
- مغولان بزرگ به انگلیسی.
- هند از سری تمدنهای شرقی به زبان فرانسه.
- تاج محل به انگلیسی.

شهرهای مغول در هند به‌انگلیسی.

آثارالصنادید سر سید احمدخان به‌اردو.

۲۹- خطای نامه، مقدمه کتاب از ایرج افشار که حاوی نکات مهمی از روابط ایران و چین است، ص ۳.

۳۰- همان کتاب، ص ۴۸۰ درباره سنگ آرامگاه شاهزاده خانم ایرانی دختر انوشیروان و همسر یک سردار چینی، معلوم می‌شود که این دختر را برخلاف سنت‌های زرتشتی و برهمنای سنت‌های چینی به‌خاک سپرده‌اند.

۳۱- معماری اسلامی در چین از لیوجی پینگ ترجمه مریم خرم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بهار ۱۳۷۳. در این کتاب که از مراجع مهم اینجانب در این بررسی بود. متأسفانه نویسنده کتاب توجهی به گسترش و عمق فرهنگ ایرانی در آسیای مرکزی نداشته و مترجم نیز اطلاعاتش در حدی نبوده که بتواند خود استدراک و استنتاج کند. به‌هرحال ترجمه و طبع و نشر کتاب برای کسانی که خواهان درک گسترش و عمق تمدن ایرانی در مشرق زمین‌اند قابل استفاده است.

۳۲- معماری اسلامی در چین، ص ۲۳۷.

۳۳- همان کتاب، ص ۲۶۹ و ۲۷۳ و نیز کتاب بناهای تاریخی آسیای مرکزی به‌روسی، تصویر ۳۵ بنایی از قرن دهم میلاد با زائده‌ای شش گوش در روی گنبد که هدف از تعبیه آن جابه‌جا کردن هوا و در حکم هواکش یا بادگیر بوده و در چین که ظاهراً گرما شدید نیست فقط ظاهر بنا بر جای مانده است و کاربردی ندارد.

۳۴- معماری اسلامی در چین تصویر ۵۶/۳ و نیز خطای نامه ص ۵۱۱.

۳۵- بناهای تاریخی آسیای مرکزی تصویرهای ۱ و ۸۰.

۳۶- همان کتاب، تصویرهای ۳ و ۴ و ۳۵ (که بادگیر یا هواکش است) و ۴۳ و ۸۰.

۳۷- معماری اسلامی در چین ص ۲۷۰ و تصویر ص ۲۵۴ که کاملاً ایرانی است.

۳۸- همان کتاب، ص ۲۶۳ و ۲۶۵.

۳۹- همان کتاب، ص ۲۶۶.



## بخش دوم

آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی

معرفی نامه و فرهنگ  
(فرهنگنامه)







در آغاز کلام این نشانه را به جای آرامگاه به کار برده ایم  
به عنوان مثال □ در بوزان = آرامگاه در بوزان



این نشانه نیز به جای مرجع به کار رفته است

و \* بدان معناست که نویسنده خود مطلب را دیده و بررسی کرده است

## آ

### آرامگاههای آغاز شده با آ از آباده‌ای تا ابافتح

- |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>مخصوص حاملین عصای سلطنت. در ناحیه‌ای<br/>میان ماد و آشور.<br/>○ ایب ۴۶۸.<br/>□ آخوند، در کرمان - کوه بنان، قرن هفتم.<br/>○ معماری ۸۸/۲.<br/>□ آخوند اصفهانی، ملاعلی محمد ← آرامگاه<br/>نجم‌الملک.<br/>□ آخوند پلی. پلوی، آقامحمد صادق اردستانی<br/>معاصر و معاند با مجلسی دوم که به کوشش وی<br/>از اصفهان تبعید شد، آرامگاهش ابتدا در آخر پل<br/>خواجو بود، در عصر پهلوی استخوانهایش را<br/>به تخت فولاد بردند.<br/>○ ل ۲۷۹۷.</p> | <p>□ آباده‌ای، حاجی محمد جعفر م ۱۲۸۰،<br/>اصفهان تخت فولاد، تکیه حاجی محمد جعفر<br/>○ ل ۲۷۹۸ + آ ص ۵۹۵ و ۸۵۳.<br/>□ آبش خاتون ← آرامگاه آبش خاتون.<br/>□ آتش اصفهانی، میرزا حسن (۱۲۸۶-۱۳۴۹)<br/>اصفهان تکیه سرآب، نزدیک تخت فولاد.<br/>○ د ب ۹۷ + ز ۲۱.<br/>□ آجودان مخصوص، یا حاملین عصای<br/>سلطنت، از قرار نوشته هرودت وقتی آپراداتاس<br/>سردار وفادار کورش کشته شد و همسرش پان‌ته‌آ<br/>خود را در فراق وی کشت، کورش دستور داد که<br/>بدن هر دو را در گوری مشترک گذارده بر روی<br/>سنگ آن به زبان سریانی بنویسند: آرامگاه آجودان</p> |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

فوت در تفلیس، خاکسپاری در قبرستان مسلمانان.

○ چهره‌ها ۴۶+ تا صف ۵۳۵+ د ۷۰+ از صبا ۳۴۲+ رج ۵۵/۳.

□ آخوند عقدائی، ملا اسماعیل عالم معروف (۱۱۸۸-۱۲۳۰)، یزد در جوار مسجد خود وی.

○ ی ۱۹۷.

□ آخوند کاشانی، ملا محمد باقر، حکیم و فیلسوف اصفهانی. م ۱۳۳۳، اصفهان تکیه ملک‌التجار.

○ ل ۲۷۹۹.

□ آخوند کرباسی، م ۱۱۵۰ از علمای بزرگ عصر خود، یزد قبرستان جوهر.

○ ی ۳۶۲.

□ آخوند مازندرانی، ملا عبدالله از ارکان سه‌گانه مشروطیت. م ۱۳۳۰، نجف.

○ رج ۲۷۶/۲.

□ آخوند ملا احمد مدرس، روحانی و فقیه. م ۱۲۹۶ دوازده ربیع ثانی، امامزاده جمال تبریز.

○ رج ۲۷۶/۲.

□ آخوند ملاعلی، فرزند محمدباقر، پدر و پسر هردو از روحانیان بزرگ ارومیه، در ۱۲۶۵، عسکرخان سرتیپ برسر مزارشان در ارومیه آرامگاهی ساخت که هنگام احداث خیابان پهلوی سابق خراب شد.

○ ر ۲۳۵.

□ آخوند ملاعلی دربندی ← آرامگاه آقادربندی.

□ آخوند ملا قربانعلی زنجانى، روحانی مبارز، مخالف مشروطیت به‌دستور وی مردم سعدالسلطنه حکمران زنجان را کشتند. سرانجام مشروطه‌خواهان وی را شکست دادند و با

□ آخوند حاجی رجب، فرهنگی دانش‌پژوه و آزادیخواه مبارز با قدرت استعماری روسیه، م ۱۳۱۴ گرگان، آبادی بلخان.

○ ز ۲۴.

□ آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم، زاده شده در ۱۲۷۷، به‌عنوان جانشین میرزای شیرازی یکی از بزرگترین رهبران جهان تشیع بود و مجلس درس وی از لحاظ تعداد شرکت‌کننده تا آن زمان سابقه نداشت و گه‌گاه به ۲۲۰۰ نفر می‌رسید. این بزرگوار و دو همکارش حاج میرزا حسین تهرانی و ملاعبدالله مازندرانی از مدافعان مشروطیت بودند. مرحوم آخوند خراسانی هنگامی که دید مشروطیت در ایران به‌خطر افتاده عازم ایران شد، اما در همان روزهای نخست در خاک ایران به‌رحمت خدا رفت عمال استعمار وی را مسموم کردند. ذی‌حجه ۱۳۲۹، مدفون در نجف.

○ دب ۱۵۰.

□ آخوند دربندی، ← آرامگاه، آقا دربندی.

□ آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۲۲۸-۱۲۹۵) پسر میرزا محمد تقی خامنه‌ای متفکر و تجددخواه و نویسنده معروف آذربایجان. آخوندزاده از عناصر مرموزی است که در قرن نوزدهم در منطقه آسیای غربی و قفقاز ظهور کرد با شخصیت‌های گوناگون: سرهنگ ارتش تزاری، منشی نایب‌السلطنه قفقاز، آزادیخواه و ادیب، شاعر و نقاد، نمایشنامه‌نویس و فرماسونر طرفدار آیین باب. وی از خاندانی روحانی برخاست اما عنوان آخوندزاده را از جای دیگر یافت، روسهای سفید و سرخ هردو برای وی احترام قایل بودند و وی را آخوند خطاب می‌کردند ولی وی خود را همیشه آخوندزاده می‌دانست. تولد در شکلی و

وساطت آخوند خراسانی به عراق تبعید شد، درگذشت ۱۳۳۹، نجف.

○ رج ۱۷۹/۶.

□ **آخوند ملا محمد کاشانی**، فقیه، حکیم، عارف و مدرس بزرگ فلسفه در اصفهان، معاصر با جهانگیرخان قشقایی. وی در ادبیات و حکمت و ریاضیات نیز تخصص داشت. در اصفهان مرد و در تخت فولاد به خاک رفت.

○ د ب ۱۵۸.

□ **آخوند نوری**، ملاعلی، شاعر و فقیه اصفهانی.

م ۱۲۴۶ نجف.

○ رج ۱۳۱/۶.

□ **آذربایجانی، میرزا رضی**، خوشنویس متقدم در عصر قاجارها، نجف.

○ خوش ۲۱۵.

□ **آذربیکدلی**، لطفعلی بیک شاملو (۱۱۳۴-۱۱۹۵) شاعر و تذکره‌نویس معروف ابتدا به‌واله و نکهت متخلص بود، پس از سفرهای بسیار در قم مقیم شد و در همان شهر مرد و به خاک سپرده شد. اثر مهم وی آتشکده آذر است.

○ د ب ۲۲۵.

□ **آذر تبریزی، سید ابوالقاسم**، شاعر و آزادخواه آذربایجان. (۱۲۵۰-۱۳۱۱). آرامگاه سید حمزه تبریز مقبره الشعرا.

○ فک مولفان ۲۲۳.

□ **آذری طوسی**، نورالدین حمزه پسر علی ملک اسفراینی (۷۸۴-۸۶۶) شاعر و عارف و نویسنده، متولد در اسفراین با آثار مهم از جمله بهمن‌نامه که به نام احمدشاه بهمنی نوشت. وی ملک الشعرای دربار بهمنیان بود و صله‌های فراوان گرفت، مدتی بعد از ایشان اجازه بازگشت یافت و سی سال آخر

عمرش را در اسفراین گذراند و پس از فوت در همان‌جا به خاک سپرده شد.

○ د ب ۲۶۷ + ل + ۵۸۰ دان ۶۹.

□ **آراگل تبریزی**، مورخ ارمنی قرن دهم، تبریز، کلیسای مریم مقدس.

○ آذ ۱۹۰.

□ **آرتیمانی**، رضی‌الدین، شاعر معاصر شاه عباس صفوی، در دامنه کوهسار توپسرکان معروف به همینه. آغاز ساختمان آرامگاه جدید ۱۳۵۴ خ.

○ کارنامه ۶۵۹ و ۶۶۵ + معماری ۹۵/۲.

□ **آرزو**، سراج‌الدین علی خان اکبرآبادی ملقب به استعداد خان، شاعر و عارف و دانشمند هندی پارسی‌گوی پارسی‌نویس (۱۰۹۹-۱۱۶۹). آرزو در لکهنو درگذشت و بنا بر وصیت خودش، جنازه‌اش را در لکهنو به امانت نهادند و چندی بعد آن را به دهلی برده در خانه شخصی وی در وکیل‌آباد در نزدیکی رود جمنا به خاک سپردند.

○ د ب ۲۹۵.

□ **آزاد، ابوالکلام**، محی‌الدین احمد (۱۸۸۸-۱۹۵۸) دانشمند، محقق، سیاست‌پیشه، خطیب، روزنامه‌نگار، ادیب در زبانهای فارسی و اردو، هم‌رمز گاندی و نهرو و نخستین وزیر آموزش و پرورش هندوستان پس از استقلال، کوشا برای احیای اسلام در جهان. وی در ۷۰ سالگی درگذشت و آرامگاهش در دهلی کهنه نزدیک مسجد جامع واقع است.

○ د ب ۳۱۵ + د ۱۱۲.

□ **آزاد بلگرامی**، میرغلامعلی فرزند نوح حسینی واسطی (۱۱۱۶-۱۲۰۰)، شاعر و مورخ و عارف مشهور هند، نویسنده کتابهای متعدد از جمله

مآثر الکلام و سرو آزاد و خزانه عامره. وی از سال ۱۱۷۸ به‌اورنگ آباد رفت و تا پایان عمر در آن دیار بسر برد و پس از وفات وی را در گورستان معروف روضه یا خلدآباد به‌خاک سپردند.

○ د ب ۳۱۸، + دان ۸۲ + د ۱۱۲ + جنب آرامگاه حسن دهلوی

□ آزادبیک ← آرامگاه آزادخان.

□ آزادخان افغان، شهرت آزادبیک سلیمان خلیل غلیجایی سپاهی و سیاست‌پیشه افغانی یکی از مدعیان حکومت در ایران، همکار نادر و رقیب کریم‌خان که سرانجام تسلیم کریم‌خان شد و تا آخر عمر در شیراز نزد وی زیست. م ۱۱۹۵ وی وصیت کرده بود که پیکرش را در شیراز به‌امانت بسپارند و در موقع مناسب به کابل برده دفن کنند که این موقع مناسب هیچ وقت پیش نیامد.

○ د ب ۳۲۳ + دان ۸۵ + د ۱۱۲.

□ آزادکابلی، میر محمدعلی فرزند قاضی میر محمد (۱۲۵۸-۱۳۲۳) شاعر معاصر افغانی. کابل گورستان شهدای صالحی.

○ د ب ۳۲۳.

□ آزرده دهلوی، یا کشمیری، صدرالدین خان پسر لطف‌الله کشمیری (۱۲۰۴-۱۲۸۵)، مفتی، شاعر، نویسنده و دانشمند معاصر که متهم به صدور فتوای جهاد بر ضد انگلیسها در شورش ۱۸۵۷ شد و به‌زندان گسیل شد و سرانجام پس از ابتلای به تنگدستی به‌دهلی رفت و تا آخر عمر در آن شهر زیست و در صحن آرامگاه شاه‌چراغ به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۳۲۷ دان ۸۶.

□ آشتیانی، حاج میرزا محمدحسن، یا میرزا حسن

(۱۲۴۸-۱۳۱۹) از فقیهان بزرگ و برجسته شیعه امامی، در نجف به‌ادامه تحصیل پرداخت و تا زمانی که شیخ مرتضی انصاری حیات داشت در نجف بود تا سال ۱۲۸۲ که به‌تهران آمد. وی قهرمان لغو امتیاز تنباکو است و برخی معتقدند که حتی نقش وی در این راه، از نقش میرزای شیرازی مهم‌تر و اساسی‌تر بوده است. وی پس از سفر حج در ۱۳۱۱ و زیارت عتبات به‌تهران آمد و در تهران درگذشت و در نجف، آرامگاه شیخ جعفر شوشتری به‌خاک سپرده شد.

○ دان ۹۷ + د ب ۴۲۷.

□ آشتیانی، شیخ مرتضی ← آرامگاه شیخ مرتضی

□ آشتیانی، میرزا احمد، (۱۳۰۰-۱۳۹۵) چهارمین و کوچکترین فرزند حاج میرزا حسن، فیلسوف و فقیه عصر ناصری و مظفری، و شارح آثار شیخ مرتضی انصاری. وی علاوه بر احاطه بر علوم عقلی و نقلی در روشهای قدیم از جمله ریاضی و پزشکی نیز استادی داشت و بیشتر عمر طولانی‌اش به تدریس گذشت، آثار مهمی نیز از وی برجای مانده است. آشتیانی در تهران درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم به‌خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۰۹.

□ آشتیانی، میرزامهدی (۱۳۰۶-۱۳۷۲) وی

فرزند میرزا جعفر، برادرزاده و داماد حاج میرزا حسن و لقبش میرزا کوچک بوده است. میرزا مهدی فقیه، حکیم، عارف و دانشمندی نامدار بود و از محضر بسیاری از بزرگان علوم معقول و منقول عصر خود کسب فیض کرده بود و آثار مهمی نیز از وی برجای مانده است در ۶۴ سالگی فوت کرد و در قم، حرم حضرت معصومه، رواق

بالاسر به خاک سپرده شد.

○ ز ۳۷+ د ب ۴۰۹.

□ آشفته تهرانی، مفسر، شاعر و فقیه معاصر. م  
۱۳۵۶، ایوان طلای رضوی.

○ د ب ۴۱۱.

□ آشیخ نیکه، در دهکده رزن تترستاق نور، بنای  
هشت گوش با گنبد مخروطی و کتیبه‌های بدون  
تاریخ در صندوق چوبی‌اش، احتمالاً حدود ۹۶۸  
ه.ق.

○ آس ۳/۳۲۳.

□ آصف تاج‌بخش، محمدقلی (۱۲۶۳-۱۳۴۷ خ)  
از نوادگان اللهیارخان آصف‌الدوله (دولتمرد  
معروف عصر فتحعلی‌شاه - ناصرالدین شاه)،  
پزشک و فرهنگی عصر پهلوی نماینده مجلس،  
درگذشت در تهران، مدفون در نجف آرامگاه  
خانوادگی.

○ ز ۴۱.

□ آصف خان ← آرامگاه آصف‌الدوله، ابوالحسن  
خان.

□ آصفی هروی، آصف فرزند نعمت‌الله قهستانی  
شاعر که پدرش وزیر سلطان ابوسعید تیموری  
بوده است. م ۹۲۳، با ماده تاریخ «زیرات آمده در  
روز دوم»، گازرگاه هرات.

○ دان ۱۰۲+ د ب ۴۳۲.

□ آصف‌الدوله، محمد یحیی علی‌خان بهادر،  
فرمانروای آرد در هند. م ۱۲۱۲، امام باره  
(حسینیه) لکهنو.

○ د ب ۴۲۷.

□ آصف‌الدوله، آصف خان، ابوالحسن برادرزن  
جهانگیر بابری، در لاهور متصل به صحن آرامگاه  
نورجهان خواهرش و جهانگیر پادشاه. بنایی

هشت‌گوش مانده از عصر بابریان با گنبد ظریفی  
که با سنگ و کاشی توسط هنرمندان ایرانی  
طراحی شده است. در زمان سلطه سیک‌ها  
سنگهای نمای خارجی آن کنده شد.

○ د ۱۶۲+ د ب ۴۱۸ + تاریخ فوت زهی افسوس  
آصف خان. ت راشدی + شهرهای بابری هند با  
تصویرهای خوب + د ب ۴۱۹.

□ آغاباجی، دختر ابراهیم خلیل خان جوانشیر و  
همسر فتحعلی‌شاه که فقط یک شب در نزد وی  
بود و این شعر از زبان آغاباجی یادگار آن است:

«یارم گجه گلدی گجه غالدی گجه گنتی

عمرم گجه گلدی گجه غالدی گجه گنتی  
یعنی یارم یک شب آمد و یک شب ماند و یک  
شب رفت، عمرم یک شب آمد و یک شب ماند و  
یک شب رفت» م ۱۲۴۸ ق.م.

○ رج ۱۲.

□ آغابریکت ← آرامگاه آقابریکت.

□ آغا بزرگ تهرانی ← آرامگاه شیخ آقا بزرگ  
تهرانی.

□ آغامحمدخان قاجار ← آرامگاه آقا محمدخان  
قاجار.

□ آفخرا ← آرامگاه سید فخرالدین

□ آقا، جناب آقا ← آرامگاه مستوفی، حسن  
مستوفی الممالک.

□ آقا ابراهیم ← آرامگاه امین‌السلطان

□ آقا احمد آل آقا، فرزند آقا محمدعلی  
(۱۱۹۱-۱۲۳۵) فقیه، اصولی، ریاضیدان،

فیلسوف، عارف، شاعر و عالم که پس از تحصیل  
در قم و عتبات به هند رفت و از شهرهای مهم آن  
روز هند بازدید کرد. سفر وی در هند پنج سال  
طول کشید و پس از بازگشت از هند مقیم

- آس ۱۲۴/۲.
- **آقا پیرجنگی**، بقعه آقا پیرجنگی در دهکده بازکیا گوراب لاهیجان. در داخل بنا گچ‌بری و مقرنس‌کاریهای ظریف و ازاره کاشیهای گلدار ارائه شده است با کتیبه‌ای به خط محمدتقی ابروانی ۱۲۷۹ در حاشیه میان دو گوشواره.
- آس ۱۴۵/۲.
- **آقا پیرسنبل**، در دهکده پلکومی، بنای قدیمی را خراب کرده به جای آن بنای جدید ساخته‌اند.
- آس ۲۹۸.
- **آقا جمال خوانساری**، پسر آقاحسین، م ۱۱۲۱، در آرامگاهی که شاه سلیمان صفوی برای او و پدرش ساخته بود.
- د ب ۴۵۸ + ل ۲۷۹۹.
- **آقا جوهر**، معتمدالحرم از زمان فتحعلی شاه (۱۲۱۸-۱۳۰۵) تهران، حضرت عبدالعظیم.
- رج ۷۲/۶.
- **آقاحسن نقاش**، اهل هرات، نقاش روضه حضرت رضا و شعری که اشاره به خود وی است و در روی ضریح نوشته شده است:
- «حسن به گرد درت گشته بر طریق طواف  
تو کعبه‌وار همه حاجتش روا کرده»
- گل ۳۲.
- **آقاحسین بروجردی**، نماینده مردم بروجرد در مجلس تاجگذاری نادر. بروجرد م ۱۱۶۹.
- ت نفیسی.
- **آقاحسین خوانساری**، (۱۰۹۹-۱۰۱۶) قبةالعلماء، در تخت پولاد اصفهان از عصر صفوی، حاوی قبور عده‌ای از علمای آن عصر از جمله آقاحسین خوانساری.
- آص ۸۴۶ فک مولفان ۸۶۱/۲.
- کرمانشاه شد و در آنجا وفات یافت و به خاک سپرده شد، در سر قبر آقای آن شهر.
- مکارم ۹۹۴/۳ + دب ۵۲۰ + کرمانشاه - ۱۵۷.
- **آقا باقر سعدالسلطنه** ← آرامگاه سعدالسلطنه.
- **آقا بالاخان سردار**، محمدعلی ملقب به سردار و امیر تومان و معین نظام و وکیل الدوله و سرانجام سردار آفتم و معروف به آقابالاخان، از کودکی و نوجوانی وی داستانهای ناشایست نقل شده. محمدعلی در دستگاه کامران میرزا نایب‌السلطنه پسر سوم ناصرالدین شاه و وزیر جنگ وی ترقی کرد و تقریباً مباشر کلیه رفتارهای ناشایست ناصرالدین شاه توسط کامران میرزا، وی بوده است، از قبیل اهانت به سید جمال‌الدین و کشتار مردم در واقعه تنباکو و محاکمه و زجر دادن میرزا رضا و غیره، وی را سرانجام آزادیخواهان رشت در ۱۳۲۷ در باغ حکومتی گیلان کشتند و جنازه‌اش را بعدها در قبرستان خواهر امام رشت خاک کردند.
- بیداری ۳۱۳/۲ + دب ۴۵۲.
- **آقابوکت**، در مسجد سلیمان - لالی، شاه آباد سادات.
- معماری ۸۵/۲.
- **آقا بزرگ تهرانی** ← آرامگاه شیخ آقا بزرگ تهرانی.
- **آقا بزرگ ساوجی**، از عالمان تهران در قرن ۱۳، قم.
- دت ۱۲۳.
- **آقای بی گوهرخانم**، بقعه آقای بی گوهر خانم نزدیک بازکیا گوراب لاهیجان، خواهر سید جمال‌الدین اشرف. بنای ساده چوبی با صندوق چوبی بدون تزیینات.

□ آقاحسین شیرازی، فرزند علی رضا خان در آرامگاه قائم مقام، تبریز مورخ ۲۱ شوال ۱۲۴۹. ○ آذ ۴۳۳.

□ آقاحسین لواسانی، خوشنویس در عصر شاه عباس ملقب به ذوفنون، اصفهان تخت پولاد آرامگاه میرفندرسکی. ○ خوش ۱۶۷.

□ آقا حشر کشمیری، بزرگترین نمایشنامه نویس اردو زبان. م ۱۳۵۴، کلکته قبرستان میان صاحب. ○ د ب ۴۳۹.

□ آقاخان ← آرامگاه آقا خان محلاتی.

□ آقاخان کرمانی، میرزا، نویسنده و مبارز آزادیخواه طرفدار سید جمال الدین، مدفون در قبرستان نزدیک دارالحکومه تبریز، و این هم جریان کشته شدن وی در ۱۳۱۴: میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی و خیبرالملک سه تن از نویسندگان آزادیخواه طرفدار سید جمال الدین اسدآبادی متهم بودند که در قتل ناصرالدین شاه دست داشته اند... دولت ایران این سه نفر را از دولت عثمانی به شرط اعدام نکردن تحویل گرفت، اما محمدعلی میرزا ولیعهد و حکمران آذربایجان با آنان چه کرد؟... در تاریخ بیداری می خوانیم: دو ساعت از شب رفته در خانه اختصاصی خودش زیر درخت نسترن یکی یکی بیچاره ها را آورده سر بریدند در صورتی که خودش هم در بالاخانه تماشا می کرده سرها را بریده بعد پوست آنها را کنده پر از کاه نموده همان شب به توسط حسینعلی خان به تهران فرستاده بود...

میرزا صالح وزیر اکرم سرها و تنها را جمع کرد و در قبرستان سید حمزه تبریز به خاک سپرد. میرزا

صالح نایب الحکومه و معاون محمدعلی میرزا بوده است.

○ تا بیداری ۱۴ + تاضف ۵۹۷.

□ آقاخان محلاتی، آقاخان عنوان امامان بخش عمده ای از اسماعیلیان نزاری است که از عصر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰) بر ایشان اطلاق شده است، البته با حذف محلاتی که در متون ایرانی هنوز هم ذکر می شود. نخستین آقاخان محمدحسن حسینی یا حسنعلی شاه (۱۲۱۹-۱۲۹۸) بوده است که جد وی میرزا یا سید ابوالحسن خان معروف به سیدکهنکی بوده است، حسنعلی شاه که از ایران با رنجش فرار کرده بود، در هند با حمایت بریتانیا به امامت اسماعیلیه رسید. آقاخان اول را پس از درگذشت باشکوه تشیع و در باغ حسن آباد محله مدکائون بمبئی در سردابه ای که با تربت سیدالشهدا تبرک یافته بود به خاک سپردند.

○ د ب ۴۶۳ + دان ۱۱۲ + د ۱۸۲.

□ آقاخان دوم، علیشاه پسر حسنعلی شاه (۱۲۴۶-۱۳۰۲) فوت در پونا در ۵۵ سالگی، مدفون در نجف اشرف بر مبنای وصیت خودش.

○ د ب ۴۶۳ + دان ۲۱۲ + د ۱۸۲.

□ آقاخان سوم، پسر سلطان محمدشاه پسر علیشاه (۱۲۹۴-۱۳۷۴) در ۱۳۰۳ جانشین پدر شد، فارسی و عربی و انگلیسی و علوم متداول آن روز را آموخت و با لیاقت و استعداد خاص خود موفق شد که در میان دولتمردان بریتانیای کبیر و حکومت های وابسته مقام مهمی بیابد و در رهبری جامعه بزرگ هند به سوی دموکراسی هدایت شده نیز نقش مهمی را برعهده داشته باشد. در اسب دوانی و شرط بندی روی آن و قمار



و ازدواج با زنان زیبا مهارت داشت. وی ثروتی کلان به هم زد و جامعه اسماعیلی هند و پاکستان را نیز به غنا و ثروت رساند و همین جامعه بود که چندبار وی را با طلا و جواهر و الماس وزن کرد. وی در شهر ورسوا در مصر فوت کرد و در آسوان به خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۶۳ + دان ۱۱۳ + د ۱۸۲.

□ **آقاخان نوری**، نصرالله خان معروف به میرزا آقاخان نوری، م ۱۲۸۱ در پنجاه و نه سالگی در تهران. وی را در مدرسه شیخ عبدالحسین شیخ العراقین که از ثلث میرزاتقی خان امیرکبیر و توسط شیخ عبدالحسین ساخته شده بود، دفن کردند، میرزا آقا خان اصرار داشت که مدرسه را به نام وی کنند و بر همین مبنا بود که آن را مدرسه صدر نامیدند، (سیاستگران ۵۸) نعشش را از تبعدگاه قم به کربلا بردند و در جایی خارج از حرم دفن کردند که پس از بزرگ شدن کربلا و توسعه معابر به کلی خراب شد و از بین رفت.

○ ر ج ۳۷۹/۴ + دان ۱۱۱ + د ب ۴۶۷، امامزاده عبدالله شهر ری، ری ۴۰۱.

□ **آقاداتی** نمایشی، هنرمند معاصر از پیشگامان تأثیر جدید در ایران. م ۱۳۰۴ خ، رشت در جوار آرامگاه میرزا کوچک خان.

○ ز ۱۹۷/۳ + چهره‌ها ۱۴۶.

□ **آقا دربندی**، آخوند ملاآقا فرزند عابدین معروف به فاضل دربندی حائری، فقیه، اصولی، رجالی، محدث، متکلم و واعظ شیعی امامی بسیار متعصب در باب عزاداری امام حسین (ع) و مبارز با بابی‌ها. وقتی به تهران آمد بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت و ناصرالدین شاه به دیدنش رفت، در تهران درگذشت و در کربلا

به خاک سپرده شد ۱۲۸۶.

○ د ب ۴۶۷.

□ **آقازاده خراسانی**، فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، مجتهد آزادیخواه مقیم مشهد که در جریان مذهب‌زدایی عصر پهلوی علم مخالفت برافراشت. وی را سرانجام در زندان مسموم کردند. تهران ۱۳۵۶. حضرت عبدالمعظم، آرامگاه ناصرالدین شاه.

○ ز ۴۸۰.

□ **آقازین العابدین اشرف‌الکتاب اصفهانی**، خوش‌نویس. م ۱۳۰۰، اصفهان.

○ خوش معاصر ۶۵.

□ **آقاسی**، حاج میرزا عباس پسر میرزا مسلم (۱۱۹۸-۱۲۶۵) معروف به حاجی میرزا آقاسی از طایفه بیات ایروان که از ۱۲۵۱ تا ۱۲۶۴ صدر اعظم ایران بود. وی از شاگردان ملا عبدالصمد همدانی معروف به فخرالدین، صوفی بزرگ آن دوران بود که به معلمی و سپس وزارت محمدشاه قاجار رسید و پس از مرگ محمدشاه خلع و در حضرت عبدالمعظم متحصن شد. ناصرالدین شاه او را به عتبات فرستاد و وی در ۱۲ رمضان ۱۲۶۵ درگذشت و در کربلا به خاک سپرده شد.

○ دان ۱۱۵ + ر ج ۲/۲۰۹ + د ب ۴۷۴.

□ **آقاسید ابوالقاسم**، امام جمعه ← آرامگاه امام جمعه دوم تهران.

□ **آقاسید امیرکیا**، بقعه آقا سیدامیرکیا در دهکده ولم، لشت‌نشا با کتیبه‌ای دال بر اینکه بنا از خواجه جانباز بن شرف‌الدوله است، در تاریخ ۸۲۸.

○ آس ۴۳۵.

□ **آقا سیدصادق** ← آرامگاه طباطبایی.

معتقدند که آب بارانی که از این بنا جمع شود شفاست و از آن استفاده می‌کنند.

○ آس ۱۶۱/۲.

□ آقا شیخ بالوزاهد، در نور، قرن نهم، بنای ایلخانی.

○ معماری ۸۲/۲.

□ آقا شیخ هادی نجم‌آبادی، تهران خیابان آقا شیخ هادی.

○ آط ۴ و ۴۳۷.

□ آقا صادق تفرشی، سراینده احتمالی شاهنامه نادری، ری باغ طوطی.

○ شاهنامه آخرش ۱۱۵.

□ آقا عبدالرضا یا عبدالرزاق، نزدیک دهکده پردنگون بیرون بشم کلارستاق با صندوق کنده‌کاری شده قدیمی، در روی درب قدیمی آن نوشته‌ای تاریخدان در باب تاریخچه ساختمان و تزئین مقبره وجود دارد پارس ائیل ۱۳۲۰.

○ آس ۱۲۱/۳.

□ آقا عبدالله آل آقا، فرزند آقا محمد جعفر، م ۱۲۸۹. عالم و فقیه مقیم کرمانشاه که در همان شهر نیز درگذشت و در جوار جد خود به خاک رفت و به‌قولی در کربلا دفن شد.

○ د ب ۵۲۱.

□ آقا علی حکیم‌الاهی، معروف به استادالاساتید فرزند ملاعبدالله مدرس زنوزی از علمای بزرگ تهران با جثه‌ای کوچک، بسیار دانشمند و مطلع، فوت در شب شنبه ۱۷ ذی قعدة ۱۳۰۷ در تهران مدفون در حضرت عبدالعظیم.

○ رج ۳۷۹/۲.

□ آقا محمد ییدآبادی گیلانی، م ۱۱۹۷، اصفهان تکیه آقا حسین خوانساری.

□ آقاسید عبدالله بهبهانی، از بانیان و پیشروان مشروطیت که روز جمعه ۸ رجب ۱۳۲۸/۲۴ تیر ۱۲۸۹ در آغاز شب، طبق طرح و نقشه‌ای که با نظر سران دموکرات تدارک شده بود، حیدر عموغلی و رجب سرابی و چند نفر دیگر وارد اطاق نشیمن وی در طبقه دوم شده با سه گلوله پیاپی او را کشتند. مجلس تعطیل شد و بازار بسته ماند و حالت بهت و ناراحتی بر همه جا سایه افکند و چند هزار نفر مسلح در اطراف خانه بهبهانی جمع شدند. بهبهانی با اعتدالیون موافق بود اما با دموکراتها اختلاف داشت و روایاتی در مورد دخالت داشتن تقی‌زاده در این قتل نیز هست، به‌همین دلیل سید عبدالرزاق گراورساز خواهرزاده تقی‌زاده را در چهارراه مخبرالدوله کشتند. جنازه سیدعبدالله را با تشریفات مفصل به‌نجف بردند و در آرامگاه خانوادگی وی به‌خاک سپردند.

○ رهبر ۲۰۱.

□ آقاسید علی آقا، یزدی طباطبایی م ۱۳۵۰ صاحب کتاب رسائل مظفری.

○ تاریخچه ۷۸.

□ آقاسید محمدامام جمعه، عموی دکتر حسن امامی و آخرین امام جمعه تهران، م ۱۳۲۲، سر قبر آقا جنوب تهران.

○ رجال ناصری ۲۵۹.

□ آقا سید محمد طباطبایی ← آرامگاه طباطبایی.

□ آقاسید مرتضی خوشنویس، م ۱۳۰۸ خ، حضرت عبدالعظیم.

○ خوش معاصر ۸۰.

□ آقاشیخ ابوالوجیه، در کله بر لاهیجان، بقعه آقا شیخ ابوالوجیه با کتیبه‌ای مورخ ۹۴۸. دهاتیان

○ ل ۲۸۰۰.

□ آقا محمد جعفر آل آقا، فرزند آقا محمد علی (۱۱۷۸-۱۲۵۴) فقیه و اصولی، وی پس از سفرهای علمی به کرمانشاه بازگشت و به جای پدر نشست و پس از فوت نزد پدر در سر قبر آقا به خاک سپرده شد.

○ د ب ۵۲۰.

□ آقا محمد خان قاجار، (۱۱۵۱-۱۲۱۱) رئیس ایل و بنیانگذار و نخستین پادشاه از سلسله قاجار (۱۲۱۰-۱۲۱۱) پسر بزرگ محمد حسن خان قوآنلو که در استرآباد زاده شد، مادرش نیز دختر اسکندر خان قوآنلو بود. وی بسیار سنگدل و کینه جو و خسیس و آزمند بود، رفتارش با لطفعلی خان زند بی‌شرمانه و بسیار ظالمانه بود. مقتول در ۲۱ ذی حجه ۱۲۱۱ در شوشا. نعشش ابتدا در شوشا به خاک سپرده شد اما در سال بعد، ۲۰ جمادی ۱۲۱۲ به تهران حمل و در حضرت عبدالعظیم امانت گذاشته شد و سرانجام در ۲۶ جمادی اول ۱۲۱۲ به نجف حمل و در پشت ضریح دفن شد.

○ د ب ۴۷۹ + رج ۲۵۵/۳

□ آقا محمد رحیم نایب‌الصدور، فرزند علی افشار ارموی عارف (ربانی). م ۱۲۸۷، مقبره معماریاشی ارومیه.

○ ت همانی.

□ آقا محمد علی آل آقا، فرزند آقا محمد باقر بهبهانی کرمانشاهی (۱۱۴۴-۱۲۱۶) فقیه، اصولی، مفسر، متکلم و ادیب که پس از سفرهایی چند، مقیم کرمانشاه شد و به تدریس و ترویج احکام دین پرداخت. عده‌ای از عالمان بزرگ قرن سیزدهم از جمله شیخ جعفر کاشف‌الغطا از

شاگردان وی بودند. آرامگاه وی در کرمانشاه، سر قبر آقا زیارتگاه معروفی است.

○ کرمانشاه ۱۵۸ + د ب ۵۲۰.

□ آقا محمد کاظم ← آرامگاه واله.

□ آقا محمود آل آقا، فرزند آقا محمد علی (۱۱۹۹-۱۲۶۹). عالم، فقیه، عارف و شاعر ابتدا شاگرد پدر و برادرانش در کرمانشاه و سپس ادامه تحصیل و کسب دانش در دیگر شهرها. وی سرانجام مقیم تهران شد و در تهران درگذشت اما جنازه‌اش را به عتبات بردند و در کربلا دفن کردند.

○ د ب ۵۲۰.

□ آقا ملک خوشنویس ← آرامگاه امیرشاهی سبزواری.

□ آقا میرسید محمد ترک، اهل خوی از علما و فقهای اصفهان. م ۱۲۹۶، تخت پولاد بالای تکیه شهنشاهی.

○ ل ۲۷۹۸.

□ آقا نجفی اول، آقا نجفی اصفهانی (۱۲۳۴-۱۳۰۱) شیخ محمد باقر فرزند میرزا عبدالرحیم ایوانکی تهرانی مسجد شاهی، فقیه و اصولی امامی، معروف به حسن اخلاق و پرهیزگاری. صاحب قدرت و نفوذ سیاسی اجتماعی به حدی که قدرت حکومت اصفهان را محدود ساخت و در امور شرعی به حدی رسید که حکم شرعی اجرا کرد و عده‌ای از بابیان را کشت. سرانجام از اصفهان پنهانی خارج شد و به نجف رفت و در آن مکان درگذشت و در آرامگاه جدش شیخ جعفر کاشف‌الغطا به خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۸۱ + رج ۳۲۶/۳.

□ آقا نجفی دوم، شیخ محمد تقی رازی، (۱۲۶۲-۱۳۳۲) پسر شیخ محمد باقر از

دانشمندان بزرگ روزگار خود بود و جد وی شیخ محمد تقی رازی نویسنده المسترشدین، مقام اجتهاد داشت، اصل خاندان از ایوانکی است، درگذشت در هفتادسالگی در اصفهان و مدفون در جوار مرقه امامزاده احمد نواده امام محمدباقر. در اصفهان.

○ د ب ۴۸۱ + ر ج ۳/۳۲۶ + آ ص ۴۸۱.

□ آقاجنی قوچانی، سیدمحمد حسن فرزند سید محمد نجفی (۱۲۹۵-۱۳۶۳) وی در یک خانواده روحانی به دنیا آمد و برای ادامه تحصیل به عتبات رفت و پس از مدتی سیاحت و تحصیل، در سی سالگی به اجتهاد رسید و در ۱۳۳۸ به ایران بازگشت و پس از توقیف کوتاه در مشهد، به قوچان رفت و تا آخر عمر در آن شهر به فقاقت و حاکمیت شرع روزگار گذراند و به اداره حوزه دینی پرداخت. وی در ۶۸ سالگی در قوچان به رحمت خدا رفت و در حسینیه خود به خاک سپرده شد. آرامگاه او زیارتگاه مردم قوچان است.

○ د ب ۴۸۲.

□ آقا نورالله ← آرامگاه حاج آقا نورالله  
□ آکاشاه، بقعه آکاشاه، آشیخ علی بن آکاشاه، در دهکده رودبرده سنگر با نوشته ای به تاریخ ۹۲۰، سال اتمام آرامگاه. محل تفرج مردم سنگر در روز سیزده فروردین.

○ آ س ۳۱۶.

□ آل آقا، آقا احمد ← آرامگاه آقا احمد آل آقا.  
□ آل آقا، آقا عبدالله ← آرامگاه آقابنده آل آقا.  
□ آل آقا، آقا محمدجعفر ← آرامگاه آقا محمد جعفر آل آقا.

□ آل آقا، آقا محمدعلی ← آرامگاه آقا محمدعلی آل آقا،

□ آل آقا، آقا محمود ← آرامگاه آقا محمود آل آقا.

□ آل احمد، جلال (۱۳۰۲-۱۳۴۸ خ) نویسنده و نقاد نظریه پرداز سیاسی اجتماعی معاصر که با پشتکاری بی نظیر به جنگ غریزدگی رفت و این پدیده را خطرناک و زیانبار دانست. شهر ری مسجد فیروزآبادی.

○ د ب ۵۵۶\*.

□ آل ثابت، سیدحسین پسر سیدسعید معروف به نایب التولیه عرب، متولی حضرت عباس (ع) که در عصر ناصرالدین شاه به ایران کوچید وی شوهر دوم خانم اشرف السلطنه بیوه اعتمادالسلطنه بود، م ۱۳۳۵ که در حرم حضرت رضا (ع) به خاک سپرده شد.

○ ر ج ۳/۱۳۴۲.

□ آل قزوینی، آرامگاه خانوادگی در نجف اشرف.

○ د ب ۹۶/۲.

□ آلیسون، چارلز، وزیر مختار انگلستان در ایران از ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۲ که در ایران مرد و در کلیسای طاطاوس تهران، دهلیز ورودی به خاک سپرده شد.

○ انگلر ۶۱ + آ ط ۸۹ با تصویر.

□ آمنه بیگم، دختر مجلسی و همسر ملا محمد صالح مازندرانی، زنی حقوقدان و متعهد. اصفهان آرامگاه مجلسی

○ تا ۶۴۱/۳.

□ آوانس خان ماسیان، مساعدالسلطنه (۱۲۴۳-۱۳۱۰ خ)، این مرد سخت کوش در تهران

متولد شد و پس از پایان تحصیل در پاریس به ایران بازگشت و از مترجمان خاصه ناصرالدین

عراقی) (۱۳۰۸-۱۳۸۷) از شاگردان آخوند خراسانی و علامه یزدی و علمای بزرگ دیگر، مدتی ساکن نجف بود و در آن شهر مسجد شیخ مرتضی را ساخت، در ۱۳۶۸ به عزم سفر مشهد به ایران آمد و به درخواست هوادارانش مقیم اراک شد. فوت در تهران بیمارستان فیروزآبادی، مدفون در مسجد بالا سر قم.

○ ز ۱۱۲.

□ **آیت‌الله ارباب**، حاج میرزا محمد فرزند محمدتقی از مجتهدان بزرگ حوزه قم از شاگردان آخوند خراسانی و آیت‌الله کفایی مقیم قم، وی تا پیش از ورود آیت‌الله حائری ریاستی بزرگ و مرجعیتی تمام پیدا کرد، م ۱۳۴۱، مدفون در گورستان شیخان قم. از وی آثار منظومی نیز برجای مانده است.

○ ز ۱۲۴.

□ **آیت‌الله اردبیلی**، سیدیونس، فرزند سید محمدتقی که در ۱۲۹۶ در اردبیل زاده شد، از شاگردان آخوند خراسانی و آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی. وی پس از مدتی زندگی در اردبیل در ۱۳۱۴ خ به مشهد رفت و ۲۵ روز پس از ورود وی فاجعه گوهرشاد اتفاق افتاد و وی یکی از روحانیون بزرگی بود که در رویداد گوهرشاد توسط پلیس رضا شاهی دستگیر و زندانی شد و یکی از ۲۴ نفری بود که تحت الحفظ به تهران منتقل و پس از مدتی آزاد شد اما تحت نظر قرار گرفت و سرانجام در شهریور ۱۳۲۰ خ آزاد شد. آیت‌الله اردبیلی در ۱۳۶۱ به مشهد و در ۱۳۷۶ به کربلا رفت و در ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۷۷ در نجف درگذشت و در مشهد مقدس به خاک سپرده شد.

○ ز ۱۲۹.

شاه شد. آوانس به مأموریت‌های سیاسی چندی رفت که از آن جمله بود شرکت در جشن هشتادمین سال تولد ملکه ویکتوریا در لندن. آخرین مأموریت وی سفارت توکیو بود. در سال ۱۳۱۰ خ وی را از تهران فراخواندند و وی در خاربین منچوری مرد. جنازه اش را به سیبری بردند و در آنجا بر مبنای رسوم اسلامی تطهیر و تشییع کرده به ایران فرستادند. مدفون در قبرستان ارامنه ده ونک تهران. وی آثار مهمی از خود به یادگار گذاشته از جمله ترجمه مهم آثار شکسپیر است به ارمینی و ترجمه ایران و ایرانیان بنجامین فرانکلین از انگلیسی به فارسی، بنجامین نخستین سفیر آمریکا در ایران بوده است.

○ یادگار شماره ۶ + ز ۵۴.

□ **آهنگ شرفشاهی** ← آرامگاه پیر شرفشاه.

□ **آهنگان**، برج آهنگان در بیست کیلومتری شمال مشهد، از گروه آرامگاه‌های شمال خراسان. برج رادکان شرقی برج کاشمر و برج کلات نادری. بنای آجری از داخل هشت‌گوش و از خارج مدور، نمای خارجی دارای تزئیناتی است اما در داخل آرایشی ندارد. احتمالاً آرامگاه گوهرتاج خواهر یا یکی از بستگان گوهرشاد همسر شاهرخ. سنگ قبر دارای کتیبه است ولی کتیبه خوانده نمی‌شود. بنای تیموری و یا مغولی و بدون شک گور یک زن.

○ آثار ۳۱۰/۲.

□ **آهی، مجید**، (۱۲۶۵-۱۳۲۵) فرزند میرزا ابوالقاسم خان آهی منشی اول سفارت روس، دولتمرد عصر پهلوی.

○ رج ۱۸۸/۵

□ **آیت‌الله اراکی نجفی**، عبدالبنی (آیت‌الله

اقامتگاه وی شهر قم بود. پس از فوت، از وی تجلیل کامل به عمل آمد و در رواق حضرت معصومه به خاک سپرده شد. از وی آثار منظومی هم برجای مانده است.

○ ز ۲/۲۵۰.

□ **آیت‌الله تنکابنی**، محمدرضا فرزند شیخ محمد واعظ، در ۱۲۸۳ زاده شد وی مقیم تهران بود و در ۱۳۵۸ خ در تهران به ابدیت پیوست و در نجف به خاک سپرده شد، در جوار حضرت علی(ع).

○ ز ۲/۲۹۳.

□ **آیت‌الله تهرانی**، حاج شیخ عباس (۱۳۰۹-۱۳۸۵) از شاگردان و یاران آیت‌الله حائری از سال ۱۳۳۹ در اراک بود و پس از بازگشت و انتقال به قم این رویه را تا آخر عمر ادامه داد، از وی دیوان شعری نیز در معارف‌الاهیه و اخلاق برجای مانده است. آرامگاه وی در قم نزدیک قبر آیت‌الله حائری است.

○ ز ۲/۳۰۲.

□ **آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی**، مرجع تقلید شیعیان جهان که در شهر قم به سبب سکنه قلبی درگذشت، بلافاصله عزای ملی اعلام شد و اصناف و کسبه دست از کار کشیده به عزاداری پرداختند، دوایر دولتی و بانکها نیز یکروز تعطیل شد. شاه طی تلگرافی درگذشت آیت‌الله بروجردی را به آیت‌الله حکیم تسلیت گفت و در روز دوازدهم فروردین در مجلس فاتحه با شکوهی که بدین مناسبت ترتیب یافته بود، شاه، نخست‌وزیر و وزیران شرکت کردند و نخست جلسه مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۰ خ بدین مناسبت تعطیل شد. وی را بر مبنای وصیت در

□ **آیت‌الله استرآبادی**، سیدمحمد - فرزند حاج سید نصرالله (۱۲۹۵-۱۳۶۵) از شاگردان آخوند خراسانی و طباطبایی یزدی، از سال ۱۳۳۰ مقیم تهران و امام مسجد جمعه بازار بود. مدفون در قم یکی از حجره‌های غربی صحن عتیق.

○ ز ۱۴۴.

□ **آیت‌الله اصفهانی** ← آرامگاه ابوالحسن اصفهانی.

□ **آیت‌الله امامت**، سیدفخرالدین فرزند سید محمد مهدی که در ۱۲۹۲ در کاشان متولد شد و پس از شاگردی نزد دو عموی روحانی‌اش وعده‌ای از عالمان بزرگ عصر، از جمله حاج ملامحمدحسین نظنزی به قم رفت و در مدرسه سلطانیه به تدریس و تألیف و وعظ و خطابه پرداخت و در ۱۳۹۲ به رحمت خدا رفت و در آرامگاه اختصاصی خود واقع در فلکه کمال‌الملک کاشان به خاک سپرده شد.

○ ز ۲۵۱.

□ **آیت‌الله ایروانی** ← آرامگاه ایروانی، علی‌آقا.

□ **آیت‌الله بادکوبه‌ای**، سیدحسن فرزند سید رضا متولد ۱۲۹۳، شاگرد آخوند خراسانی مقیم نجف تا آخر عمر، م ۲۸ شوال ۱۳۵۸، نجف در کنار مرقده علی(ع).

○ ز ۱/۳.

□ **آیت‌الله بروجردی** ← آرامگاه آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی.

□ **آیت‌الله تبریزی**، میرزا صادق (۱۲۷۴-۱۳۵۱) در تبریز زاده شد، از سال ۱۲۸۸ مقیم نجف بود و در ۱۳۱۱ به تبریز بازگشت و ریاست تامه یافت و به تدریس و ارشاد عامه پرداخت، وی برای نجات شیخ محمدتقی بافقی کوشش فراوان کرد. آخرین

□ آیت‌الله عراقی ← آرامگاه آیت‌الله اراکی نجفی.

□ آیت‌الله کفایی ← آرامگاه کفایی.

□ آیتی، عبدالحسین، دانشمند و روحانی معروف که ابتدا بهایی شد و سپس از آن مجمع روی گرداند و افشاگری کرد. فوت در تهران ۱۳۳۲ خ مدفون در قم.

○ ز ۶۴.

مسجد اعظم قم که خود ساخته بود به خاک سپردند.

○ روزشمار ۱۲۱.

□ آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای، سیدمحمد، متولد تبریز در سال ۱۳۱۰ از ۱۳۳۰ مقیم نجف و از ۱۳۳۹ مقیم قم. م ۱۳۷۲ قم، مدفون در قم. ○ ز ۸۲/۳.

□ آیت‌الله حکیم ← آرامگاه محسن حکیم.

□ آیت‌الله دامغانی ← آرامگاه دامغانی.

## الف

### از آرامگاه ابافتح تا آرامگاه باب

□ ابراهیم جوهری، شاعر مرثیه‌گوی صاحب

طوفان‌الیکا، معروف به کتاب جوهری. م ۱۲۵۳، گورستان آب‌بخشان اصفهان.

○ ل ۲۷۹۵.

□ ابراهیم حکیمی ← آرامگاه حکیمی، ابراهیم.

□ ابراهیم خان ظهیرالدوله، برادر و سپهسالار نادر، پس از انجام چند مأموریت مهم به قفقاز اعزام شد که با یاغیان داغستان جنگ کند، اما در این منطقه کشت و کشتار بسیار کرد و در جنگی خود وی نیز کشته شد. سرداران همراهش جسد وی را در نقطه‌ای از داغستان به خاک سپردند، اما مخالفان روز بعد جنازه وی را به درختی بسته آتش زدند، م ۱۱۵۱.

○ د ۹.

□ ابراهیم خان معاون‌الدوله ← آرامگاه معاون‌الدوله.

□ ابافتح، بقعه ابافتح در کازرون محله بازار.

○ معماری ۸۷/۲.

□ ابراهیم ← آرامگاه ابراهیم خلیل.

□ ابراهیم ادهم، شام.

○ د ۹.

□ ابراهیم تیموری یا گورکانی، میرزا، فرزند علاءالدوله که خود پسر بایسنقر تیموری بود. میرزا ابراهیم از شاهزادگان شجاع این خاندان بوده است، اما رقیبان سرسختی نیز داشته است، از جمله ابوالقاسم بابرکه پدرش علاءالدوله را هم نابینا کرده بود. ابراهیم با کمک پدر با این رقیبان از جمله ابوسعید بهادرخان مقابله کرد و سرانجام در راه دامغان به مشهد بیمار شد و در ۶ شوال ۸۶۳ مرد. بدنش را به هرات بردند و در مدرسه گوهرشاد بیگم به خاک سپردند.

○ د ۷.

□ **ابراهیم خلیل**، در سوسنگرد هویزه، سلجوقی، منسوب به ابراهیم خلیل (ع).

○ معماری ۸۵/۲ + ابراهیم خلیل پیامبر معروف که در ۱۷۵ سالگی مرد و در غاری نزدیک حبرون به خاک سپرده شد.

+ د ۶ + عهد عتیق.

□ **ابراهیم خواص**، صوفی معروف که ذکرش در کشف‌المحجوب و تذکرةالاولیاء آمده است. ری، زیر حصار طبرک.

○ ری ۴۳۰ + آ ط ۵ + در مسجد جامع مرو و در ری دفن شد. + د ۵۰۹/۲

□ **ابراهیم سلطان**، پسر شاه جمشید امیر دیباج و نوه دختری شاه طهماسب که در عصر شاه عباس در اصفهان فوت کرد. هارون ولایت اصفهان.

○ نام گیل ۹.

□ **ابراهیم شاه افشار**، برادرزاده نادر و پسر ابراهیم خان ظهیرالدوله که نادر لقب وی را پس از مرگ به ابراهیم خان فرزندش داد. وی نیز پس از قتل نادر توسط محمدخان قرخلو، درگیر کشمکش‌های جانشینی شد و سرانجام به امر برادرش عادلشاه و شاهرخ جانشین نادر روانه مشهد شد اما وی را در راه مشهد کشتند و در مشهد به خاک سپردند.

○ د ۹.

□ **ابراهیم شریعتمداری**، حاج میرزا، بانی مدرسه شریعتمدار در سبزوار که مدرسه به کلی خراب شده و مقبره وی در کنار خیابان مانده است.

○ آخ ۴۶۹.

□ **ابراهیم شیخ**، شیخ ابراهیم فرزند شیخ عبدالله زاهد گیلانی، عم شیخ محمدعلی حزین گیلانی و شاگرد پدر خود در خوشنویسی و شاعری. وی

حاشیه‌ای نیز بر کتاب علامه حلی به نام رافع‌الخلاف و حاشیه‌ای بر کشف نوشته و در شاعری نیز اشعاری در مدح و رثای امامان به یادگار گذاشته است. فوت در لاهیجان ۱۱۱۹ مدفون در لاهیجان.

○ خوش ۸.

□ **ابراهیم عادلشاه**، ابراهیم روضه در بیجاپور. ○ معماری هند روبه‌روی صفحه ۵۱ تصویر + ابراهیم اول چهارمین نفر از این خاندان بود که در ۹۴۱ به حکومت رسید و تا ۹۶۵ در مسند قدرت باقی ماند. مؤسس سلسله عادلشاهیان یوسف و آخرین نفر سکندر بن علی بود که در ۱۰۹۷ عزل و در ۱۱۰۰ مقتول شد. قلمرو این سلسله در ۱۰۹۷ به تصرف اورنگ زیب درآمد + نخ ۲۳۹.

□ **ابراهیم فخرانی**، روزنامه‌نگار، محقق و نویسنده معاصر و از یاران میرزا کوچک‌خان. در تهران مرد اما بدنش را در اواخر ۱۳۷۰ از بهشت‌زهره به گیلان منتقل و در سلیمان گوراب کنار میرزا کوچک‌خان به خاک سپردند. از فخرانی کتاب مهم سردار جنگل درباره نهضت میرزا کوچک خان به یادگار مانده است.

○ کیهان ۱۱ دی ۱۳۷۰.

□ **ابراهیم گواهان**، در حظیره باباحسن، کوی سرخاب تبریز.

○ کوی سرخاب ۱۲۷.

□ **ابراهیم گیلانی**، پسر شیخ عبدالله زاهد گیلانی، دانشمند و شاعر و خوشنویس قرن ۱۲. فوت در ۱۱۱۹ در لاهیجان و مدفون در همان شهر.

○ د ب ۵۳۱/۲.

□ **ابراهیم لودی**، سلطان هند که در جنگ پانی‌پت بابابر کشته شد، ۷ رجب ۹۳۲ وی را در



همان نقطه که جنگ شد در شهر پانی‌پت به خاک سپردند.

○ د ب ۵۳۳/۲.

□ **ابراهیم میرزا**، سلطان ابوالفتح فرزند بهرام میرزا، برادرزاده شاه طهماسب که در زمان وی حکمران خراسان بود اما از خوشنویسی و نقاشی و تذهیب و تصویرسازی و زرافشان و صحافی و خیاطی و درودگری و نقاری و خاتم‌سازی و سازسازی و سازنوازی بهره فراوان داشت. شاه اسماعیل دوم بیرحمانه این مرد هنرمند را همراه با یازده شاهزاده دیگر کشت و سپس به دلجویی از همسر و دخترش پرداخت. همسر وی پس از مدتی کوتاه جان سپرد. بدن هردو نفر را در امامزاده حسین قزوین دفن کردند و پس از پایان کار اسماعیل دوم، با موافقت محمد خدابنده، گوهرشاد خانم دختر ابراهیم میرزا جنازه هردو را به مشهد برد و در جوار حضرت رضا دفن کرد، م ۹۸۴.

○ خوش ۱۳.

□ **آبش خاتون**، ابش خاتون یا خاتون قیامت، بنای غیرمستحکم نیمه منهدم از سده هفتم که در شیراز بیرون دروازه قصابخانه برجای مانده است. در سال ۶۸۵ آبش خاتون دختر اتابک سعد که در تبریز تبعید بود، مرد و بدنش را دخترش کردوچین به شیراز آورد و در آن محل به خاک سپرد.

○ د ۱۲ + ۱ ق ۶۹ + ایلخانی ۷۶ + معماری ۸۷/۲.

□ **ابن ابی توبه**، ابوالقاسم نصیرالدین فرزند مظفر مروزی (۴۶۶-۵۳۰) شاعر و دانشمند، وزیر سلطان سنجر (۵۲۱-۵۲۶) وی را در دژ پاتکر بر

لب جیحون بر بند کشیدند و در همان دژ کشته به خاک سپردند.

○ د ب ۶۳۳/۲.

□ **ابن ابی صادق**، ابوالقاسم فرزند عبدالرحمان نیشابوری، پزشک و کالبدشناس، شارح آثار بقراط و جالینوس و ملقب به بقراط دوم، (۳۸۵-۴۷۰)، وی آخر عمر را در روستای ییلاقی آنبر و دستانه در ۱۲ فرسنگی مشهد بسر برد و در همان‌جا فوت کرد و به خاک رفت.

○ د ب ۴۷۱/۲ + ت همایی.

□ **ابن ابی طیب**، فقیه و محدث، معارض و معاصر با سلطان محمود غزنوی معروف به پیر حاجات سبزواری.

○ جغ ۶۲۸ + آخ ۴۴۸ با تصویرها

□ **ابن بابویه**، ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، فقیه و محدث شیعی و مرجع مردم قم و اطراف آن. بابویه و یا بابویه که نام جد بزرگ اوست یک نام کهن ایرانی است، ابن بابویه علاوه برداشتن مقام علمی مردی بازرگان و صاحب مکتب بوده است. اگرچه لقب صدوق متعلق به فرزندش محمد بن علی بوده، وی را نیز با این لقب خوانده‌اند. وی تألیفات بسیار داشته و فرزندش با خط خود فهرستی از صد کتاب وی تدارک کرده است. م ۳۲۹، قم.

○ د ب ۶۱/۳ + ی ۴۲۶ + د ۱۶.

□ **ابن بابویه** ابو عبدالله حسین بن علی بن حسین بن موسی قمی زنده ۹۸۸/۳۷۸ م فقیه و محدث و متکلم شیعی، پدر ابن بابویه بزرگ و برادر شیخ صدوق با حافظه‌ای بسیار خوب. مدفون در ابن بابویه.

○ د ب ۶۲/۳

□ **ابن حامد**، افضل الدین فرزند محمد تبریزی محدث. خاقانی شروانی در رثای او قطعه‌ای دارد م ۶۷۷.

○ کوی سرخاب ۲۲۳.

□ **ابن حسام خوافی**، مولانا جمال‌الدین محمد فرزند حسام، شاعر سده‌های ۷ و ۸ که در شهر هرات می‌زیست و از شاعران دربار ملک شمس‌الدین کرت بوده و او را ستوده. م ۷۳۷، هرات.

○ د ب ۳/۳۵۶.

□ **ابن حسام قهستانی**، یا خوسفی، شمس‌الدین محمد بن حسام‌الدین از شاعران معروف شیعی در سده نهم، زاده شده در حدود ۷۸۲ در خوسف قهستان که اکنون جزو بیرجند است. وی از خاندانی که همه از عالمان دین بودند برخاست و به شاعری روی آورد. آرامگاهش در کشتزاری در قصبه خوسف واقع شده که در ۹۲۰ در زمان حکمرانی مقصود بیگ مهردار، بقعه و صحنی برای آن ساخته‌اند.

○ د ب ۳/۳۵۶ + چون مقیم هرات بود به هروی معروف است. د ۱۸ + در بیرجند جغ ۶۲۳

□ **ابن حسام هروی** ← آرامگاه ابن حسام خوافی.

□ **ابن خاتون**، شمس‌الدین محمد بن سدیدالدین عالم و سیاستمدار دوران قطب شاهیه حیدرآباد دکن. این خاندان اصلاً اهل جبل عامل و شمس‌الدین آخرین فرد از افراد سرشناس معرفی شده می‌باشد، که ضمناً خواهرزاده شیخ بهایی هم بوده است. آثار مهمی از وی در حیدرآباد دکن برجای مانده است، وی از مشهد به حیدرآباد رفت و از حیدرآباد به عنوان سفیر به ایران اعزام شد. م ۱۰۵۹، حیدرآباد دکن. مزارش در حیدرآباد

زیارتگاه بوده است.

○ د ب ۳۹۵.

□ **ابن سینا، آرامگاه قدیم**، تا اواخر قرن ۱۳

چهارطاقی کوچکی بر روی قبر آن دو (ابوعلی سینا و ابوسعید دخدوک) قرار داشته است و چون چارطاقی مزبور روبه خرابی می‌رفته، یکی از شاهزاده خانمهای دانش دوست قاجاریه به نام نگارخانم دختر شاهزاده عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه در صدد تجدید بنا و تعمیر آن برآمده است. به دستور این شاهزاده خانم به جای چارطاقی، گنبدی آجری ساختند و دو سنگ قبر، یکی روی قبر ابن سینا و دیگری روی قبر ابوسعید دخدوک نهادند که پس از ساخته شدن آرامگاه جدید سنگها را در راهرو آن بنا نهادند.

○ کارنامه ۸۴.

□ **ابن سینا، آرامگاه نوین**، در سال ۱۳۲۴ خ

انجمن آثار ملی مصمم شد که بنای جدیدی بر گور ابن سینا بسازد و طرح و نقشه آن را به مسابقه گذاشت. طرح پیشنهادی مهندس هوشنگ سیحون مورد قبول قرار گرفت و آندره گدار مدیرکل باستان‌شناسی و مهندس فروغی آن را پسندیدند. قرار شده بود که طرح بر مبنای آرامگاه قابوس یا گنبد کاووس در گرگان، که یکی از عالی‌ترین بناهای بعد از اسلام است تهیه شود. ابتدا ابعاد گنبد جدید را که از لحاظ اصول همان گنبد کاووس است همان ابعاد گنبد اصلی قرار دادند، اما در عمل معلوم شد که باید ابعاد را نصف کنند. بنای گنبد قابوس متعلق به سال ۲۷۵ است که عصر ابن سینا است و خود وی نیز مدتی از زندگی خود را در گرگان به سر برده و با قابوس زندگی و مؤانست داشته است.

- کارنامه ۸۹+ تان ۱۰ + ف ۱۷ + ج ۱۳۰۲.
- **ابن شاذان**، متکلم و فقیه امامی م ۲۶۰، در نیشابور.
- د ب ۵۱/۴.
- **ابن شاهین**، ابو حفص عمر ملقب به واعظ، محدث و رجال اهل خراسان (۲۹۷-۳۸۵) در بغداد مرد و در کنار قبر احمد بن حنبل به خاک سپرده شد.
- د ب ۶۲/۴.
- **ابن شرفشاه**، سید رکن الدین حسین استرآبادی حکیم، متکلم و نحوی سده هشتم که در مراغه به خدمت خواجه نصیرالدین رسید. فوت در موصل خاک سپاری در تبریز.
- د ب ۸۰/۴ + ز ۸۲/۳.
- **ابن شهر آشوب**، ابو جعفر محمد بن علی اهل مازندران (۴۸۹-۵۸۸) مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی در حلب درگذشت و در جبل الجوشن در نزدیکی محل مشهور به مشهدالحسین به خاک سپرده شد.
- د ب ۹۱/۴.
- **ابن صالح**، نجم الدین یا کمال الدین ابوالفتوح احمد بن محمد، اهل همدان ریاضیدان و پزشک که در بغداد تحصیل کرد، سالهای آخر عمرش در دمشق گذشت و در همان جا مرد و در مقابر صوفیه کنار رود بانپاس به خاک رفت.
- د ب ۱۱۷/۴.
- **ابن صالح بیضاوی**، شیخ نجم الدین عبدالرحمن، شیراز مجاور مسجد عتیق.
- شیرازنامه ۱۲۱.
- **ابن علی**، در شهر شوش گورستان عبدالله بن علی.
- معماری ۸۶/۲.
- **ابن علی**، در همدان پارک بابا طاهر.
- معماری ۹۴/۲.
- **ابن فورک**، ابوبکر محمد بن حسن اصفهانی متکلم، فقیه، ادیب و واعظ اشعری در سده پنجم. گورستان حیره نیشابور که به قولی زیارتگاه عام بوده است.
- د ب ۴۲۰/۴.
- **ابن مسکویه** ← آرامگاه ابوعلی مسکویه.
- **ابن یمین**، امیر فخرالدین محمود طغرایی مستوفی فریومدی. زاده شده در ۶۸۵، پدرش نیز شاعر و مستوفی بود. ابن یمین در جنگ زاوه که در ۷۴۳ میان سربداران و آل کرت رخ داد زیان فراوان دید و دیوانش از بین رفت و پس از آن مقداری از آن شعرها را توانست گرد آورد، حدود ۱۵ هزار بیت که دیوان وی است. وی مدح و مرثیه اهل بیت را گفته و پس از انوری بزرگترین قطعه سرای ایران است. روز شنبه هشتم جمادی آخر ۷۶۹ درگذشت و در آرامگاه پدرش در فریومد که در ۷۴۵ ساخته شده بود به خاک سپرده شد. انجمن آثار ملی این بنا را که نیم ویران شده بود خراب کرده و به جایش یک برج دوازده ترک ساخت ۱۳۵۴ خ.
- شاعری گفته است است:
- بود از تاریخ هجرت هفتصد با شصت و نه  
روز شنبه هشتم ماه جمادالآخرین  
گفت رضوان حور رابرخیز و استقبال کن  
خیمه بر صحرای جنت می زند ابن یمین.
- تان ۴ + ج ۷۵۸ + کارنامه ۵۸۸.
- **ابوالحسن اصفهانی**، آسید ابوالحسن، آیت الله اصفهانی مرجع تقلید و مرد بزرگ روحانیت، در

۸۵ سالگی، در ۱۳ آبان ۱۳۲۵ به رحمت خدا رفت و در نجف مدفون شد. دولت ایران از وی تجلیل کرد.

○ ز ۱۹۹ + ابوالحسن صدراصفهانی ۵ آبان ۱۳۲۵ نجف یا ق ۱۴۶/۸.

□ **ابوالحسن بیهقی**، از دانشمندان سده چهارم خراسان متولد در قریه ششتمند، ۳۳ ک تا سبزوار، آرامگاه جدید توسط انجمن آثار ملی در ۱۳۳۰ خ. بر روی آرامگاه خرابه قدیم ساخته شد. ○ کارنامه ۶۰.

□ **ابوالحسن جلوه**، میرزا ← آرامگاه جلوه، میرزا ابوالحسن.

□ **ابوالحسن جوری**، آرامگاه شیخ ابوالحسن جوری.

□ **ابوالحسن خرقانی** ← آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی.

□ **ابوالحسن صبا** ← آرامگاه صبا، ابوالحسن.

□ **ابوالحسن یغمایی** ← آرامگاه یغمایی.

□ **ابوالعلی، تفرشی صفویه**.

○ معماری ۸۱/۲.

□ **ابوالفتح خان**، پسر کریم خان زند، م ۱۲۰۱ در سی و دو سالگی در شیراز کشته شد، صید مراد خان زند وی را به چوب بست که محل جواهرات پدر را نشان دهد... چند روز بعد آن جوان نورسته جهان را بدرود گفت مدفون در حرم شاه چراغ، زاویه غربی.

□ **ابوالفتح میرزا سالارالدوله** ← آرامگاه سالارالدوله

□ **ابوالفتح میرزا مویدالدوله**، پسر بزرگ سلطان مراد میرزا حسام السلطنه و شوهر افسرالدوله دختر ناصرالدین شاه که نجیب هم بوده است.

خواهر وی نیز همسر کامران میرزا نایب السلطنه بود از این رو تمام مدت عمرش را به منصب حکمرانی نقاط مختلف ایران سپری کرد. م ۱۳۳۰. ادوارد براون دانش او را می ستاید و می نویسد وقتی میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی بدرشت آمدند از ایشان به گرمی پذیرایی کرد ولی وقتی شنید که مورد بی لطفی شاه قرار گرفته اند ایشان را بیرون کرد. وی را پس از مرگ در قم، آرامگاه محمدشاه به خاک سپردند.

○ رج ۵۱.

□ **ابوالفتوح رازی**، شیخ جمال الدین حسین بن علی، متولد ۴۶۷ یا ۴۸۰ صاحب تفسیر بزرگ روضة الجنان فی تفسیر القرآن، در ری مرد و به خاک رفت.

○ ری ۴۲۹ + در مشرق حرم جنب مقبره امامزاده حمزه. + تاریخچه ۵۷.

□ **ابوالفوارس**، عباس بن شهریار از باوندی های طبرستان ← آرامگاه لاجیم.

□ **ابوالقاسم بابر**، فرزند بایسنقر بن شاه رخ تیموری در مدرسه بالاسر زیر گنبد شمال شرقی مشهد بازار بزرگ.

○ هنر و مردم ۷۶/آذر و دی ۱۳۴۷.

□ **ابوالقاسم (مجتهد) زنجان**، میرزا، م ۱۲۹۲. زنجان آرامگاه اختصاصی.

○ رج ۱۵/۵.

□ **ابوالقاسم سلطان الحکما**، معلم دارالفنون. م ۱۳۲۲، امامزاده قریه کلاک کرج.

○ رج ۵۸ + یا ق ۱۴۷.

□ **ابوالقاسم شیرازی**، خوشنویس نامدار. م ۱۳۰۹، شیراز حرم شاه چراغ.

○ خوش ۳۳.

□ **ابوالکلام آزاد** ← آرامگاه آزاد، ابوالکلام.

□ **ابوالمحجن ثقفی**، از جنگجویان صدر اسلام، تویسرکان.

○ ل ۷۹۶.

□ **ابوالمظفر محمد بن ثابت خجندی**، فرزند محمد از گروه خجندیان اصفهان، دومین نفر در سلسله، از پیشوایان نامدار شافعیان در سال ۴۹۶ در سفر ری هنگام فرود آمدن از منبر به دست یک مرد شیعی کشته شد. پیکر وی را در مسجد جامع ری به خاک سپردند.

○ د ب ۶۹۴ + ری ۴۴۴ و ری ۴۰۹/۲.

□ **ابوالعالی مظفر**، نواده شیخ روزبهان (سده هفتم) در باغ نو شیراز، ملک سعید قطب الدین هرمز بر سر قبرش گنبد عالی ساخته است.

○ شیرازنامه ۱۳۳.

□ **ابوالوفا**، گنبد ابوالوفا غرب شهر کوهدهشت لرستان، قرن ۸.

○ معماری ۹۷/۲.

□ **ابوالوفا شیرازی**، صوفی معاصر با شاه نعمت الله ولی، در خارج شهر شیراز.

○ ل ۹۱۹.

□ **ابوالوفا محمد بن عبدالعزیز**، از ادیبان قرن سوم، آرامگاه باباطاهر عریان در همدان.

○ کارنامه ۴۶۱.

□ **ابوالهادی یزدی**، خوشنویس قزوینی م ۱۰۱۶، امامزاده حسین قزوین.

○ خوش ۳۶.

□ **ابوبکر تایبادی**، بنایی قدیم از عصر سلجوقی در تایباد.

○ سیما ۲۴ تیر ۱۳۷۲.

□ **ابوبکر سعد بن زنگی** ← آرامگاه اتابک ابوبکر.

□ **ابوتراب اصفهانی**، خوشنویس قرن ۱۱. م

۱۰۷۲، اصفهان مسجد لنبان در جوار خواجه صابن الدین تُرکه.

○ خوش ۲۶.

□ **ابوجعفر طوسی**، محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ الطایفه و به قول علامه حلی رئیس الطایفه. از رجال بزرگ فقه و اصول و کلام و ادب است که جمیع فضایل بدو بازگردد و مصنف در همه علوم اسلامی، پیرایشگر عقاید در اصول و فروع و جامع کمالات در علم و عمل. متولد ۳۸۵، در ۴۰۸ به عتبات رفت در بغداد ساکن شد، در ۴۴۸ فتنه‌ای در بغداد حادث شد، زد و خورد میان شیعه و سنی که خانه و کتابخانه و منبر وی نیز در آن آشوب از میان رفت، از این رو از بغداد به مشهد امیرالمؤمنین رفت و در ۴۶۰ در ۷۵ سالگی رحلت کرد و در نجف در جوار مرقد مولای خود به خاک سپرده شد.

○ ل ۳۹۱.

□ **ابوجعفر کلینی رازی**، محمد بن یعقوب، زاده شده در کلین واقع در ری فقیه و محدث معروف شیعی صاحب کتاب کافی که یکی از کتب اربعه شیعی است و کتابهای دیگر، در سال ۳۲۹ در بغداد جان سپرد. آرامگاهش در کلین از قرای فشافویه است.

○ ل ۳۹۱ + ری ۴۰۵/۲.

□ **ابوحیان توحیدی**، علی بن احمد، ادیب و فیلسوف سده چهارم، مدفون در شیراز جنب مزار شیخ کبیر.

○ ل ۴۴۵ + هزار مزار ۹۶.

□ **ابودجانه انصاری**، از صحابه رسول اکرم (ص)، اسکوی آذربایجان.

- آذ ۵۸.
- **ابودجانه در کرمانشاه** - ریجاب سلجوقی.
- معماری ۸۴/۲.
- **ابوسعید**، آخرین ایلخان مقتدر ایران، م ۷۳۶ در شیروان، سلطانیه، در مقبره‌ای که خود ساخته بود.
- تاغ ۳۶۵.
- **ابوسعید ابوالخیر**، (ابوخیر) عارف بزرگ سده پنجم و صاحب اصلی اثر مهم اسرارالتوحید، زاده شده در شهرک مَهَنَه، در ۲۰۰ کیلومتری جنوب عشق‌آباد، اینک در محل بدان نه مانه و مزار شیخ را مانه بابا گویند.
- تان ۱ و (۴۶) + هنر و مردم ۴۹/۵۷ + بنایی از قرن ۵ سیمرخ ۱۷۸.
- **ابوسعید دُخْدوک**، ادیب و دانشمند از دوستان ابوعلی سینا که در مقبره وی دفن شده بود و اکنون نیز استخوان وی را همراه سنگ قبرش و سنگ اصلی ابوعلی سینا به آرامگاه نوین منتقل کرده‌اند.
- کارنامه ۸۵.
- **ابوسعید و ابوظهر**، در جاده قزوین تاکستان.
- معماری ۹۲/۲.
- **ابوطاهر قمی**، وزیر سلطان سنجر، مشهد در جوار حرم.
- ل ۵۵۶.
- **ابوعبدالرحمان عبدالله**، پسر جعفر آزرکانی، شیخ زاهد، آزرکان دهی است نزدیک شیراز.
- شیرازنامه ۱۰۱.
- **ابوعبیده جراح**، سردار صدر اسلام، دمشق.
- ل ۶۲۱.
- **ابوعلافی**، سراج‌الدین مکرم، شیراز مصلّا.
- شیرازنامه ۱۲۷.
- **ابوعلی حمزه**، پسر عبدالعزیز بن سلام دیلمی، شاگرد شیخ مفید. م ۴۴۸، در خسروشاه تبریز.
- آذ ۵۷۶.
- **ابوعلی سینا** ← آرامگاه ابن سینا.
- **ابوعلی طبرسی** ← آرامگاه طبرسی.
- **ابوعلی مسکویه**، یا مشکویه، احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه، جد او یعقوب خازن ری بود. مسکویه عالم به علوم متداول عصر بود بویژه در حکمت و پزشکی. وی، ابتدا در دستگاه ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله بود سپس به خدمت ابن عمید داخل شد و سرانجام به خازنی و ندیمی عضدالدوله رسید. وی معاصر با ابوعلی سینا بود و قصه‌هایی درباره روابط این دو دانشمند هست. اثر مهم وی تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم در تاریخ است که در سال ۳۷۲ به فارسی ترجمه شده و خواجه نصیرالدین با تصرفاتی بدان اخلاق ناصری نام داده است، اثر دیگر وی جاودان خرد است و آثار مهم دیگری هم داشته است. ابن مسکویه تا ۴۲۰ یا ۴۲۱ حیات داشته و پس از فوت ابتدا در امامزاده باقر در خواجه‌جوی قدیم اصفهان و اکنون در تخت فولاد به خاک سپرده شده است.
- ل ۶۸۱ و آص ۱۲۶.
- **ابوعلی هزاراسب** ← آرامگاه عمیدالدین شمس‌الدوله
- **ابوعماره حمزه**، معروف به زیّات قاری، استاد ابوالحسن کسایی. م ۱۵۶.
- کرمانشاه ۱۴۳.
- **ابولؤلؤ**، ملقب به بابا شجاع در دروازه فین کاشان. وی قبل از فوت در چهل حصاران کاشان

زندگی می‌کرد. (تاکاشان ۵۶۰) بابا لؤلؤ در کاشان از قرن هشتم به بعد، حرم چهار ضلعی با گنبد حرمی دوپوش دوازده ترک.

○ آ ط ۳۷۸ + پیش از صفویه، معماری ۹۱/۲ و ۱۱۵ + د ۳۴.

□ **ابومسعود رازی**، احمد بن فرات بن خالد، محدث معروف مقیم اصفهان، م ۲۵۸، مدفون در گورستان مردبان اصفهان، اکنون محله در شیخ. ○ آ ص ۸۰۵ + بنا از قرن نهم است، معماری ۹۰/۲.

□ **ابومسلم خراسانی صاحب الدعوه**، صاحب حبیب السیر در شرح سلطنت تیمور در حوادث سال ۷۸۳ می‌آورد: در نواحی نیشابور به مزار ابومسلم مروزی ... ابومسلم در بغداد، مداین آن روز، در سال ۱۳۲ کشته شد. ل ۸۳۹ + او را به دستور خلیفه در یکی از روزهای ماه شعبان کشته و پیکرش را در دجله انداختند، بلاذری. ○ د ب ۲۴۱ + د ۳۵.

□ **ابوموسی اشعری**، سردار اسلام و از یاران حضرت علی (ع) که سرانجام در جریان حکمیت میان حضرت علی (ع) و معاویه فریب خورد و خلافت را به معاویه منتقل کرد. م ۴۴، کوفه. ○ ل ۸۷۶ + د ۳۵.

□ **ابونصر پارسا**، خواجه ابونصر پارسا، محمدفرزند محمد حافظی بخاری، پدرش از عارفان بزرگ و جانشین خواجه بهاءالدین نقشبند است. لقب پارسا را نیز خواجه بهاءالدین به ابونصر داده است. آرامگاه وی در سمرقند با کاشیهای سبز و آجر ساخته شده و به گور امیر ماندگی دارد. ابونصر در سفر مکه که با پدر همراه بود ظاهراً با شاه نعمت‌الله ولی ملاقات کرده است.

ماده تاریخ وفات او «سیر خدا» است.

○ د ب ۳۱۷/۶.

□ **ابونصر زاهد ایرآبادی**، شیخ، قرن پنجم در ایرآباد طیس. ○ مر ۱۳۹.

□ **ابونعیم**، فقیه و محدث معروف، اصفهان خواجو. ○ ل ۹۱۳ + آ ص ۲۴.

□ **ابی سعدبن احمد گدوک**، م ۵۴۵ سنگ قبر با نوشته در موزه متروپولیتن آمریکا. ○ ی ۹۱۴ و تصویر ۱۳۱۳.

□ **اتابک**، اتابک اعظم آرامگاه امین السلطان، میرزا علی اصغر خان.

□ **اتابک ابوبکر سعدبن زنگی**، ابوبکر پسر سعد، معروفترین اتابک از اتابکان فارس، سلطانی عادل که دائماً با وضو و ذکر می‌بود و هرگز شراب نخورد... خلایق در عهد او مرفه‌الحال بودند و راهبا ایمن بود و ظالمان را قهر می‌کرد و مظلومان را نصرت می‌داد. سعدی که در عهد وی می‌زیست تخلص خود را از نام وی گرفت. از این اتابک آثار مهمی در شیراز برجای مانده است. درگذشت ۶۵۸، او را در رباط آبش نزد پدر به خاک سپردند.

○ هزارمزار ۲۶۶.

□ **اتابک سعدبن زنگی**، چهارمین امیر از امیران فارس، اتابکان سلفری که چون به کمک خوارزمشاه رفت پسرش ابوبکر شیراز را تصرف کرد، اما پس از رسیدن سعد مردم شیراز به وی کمک کردند و پدر و پسر مدتی باهم سلطنت داشتند. م ۶۲۸. مدفون در رباط آبش. ○ هزار مزار ۲۶۳.

□ **اتابک عظاملک جوینی**، دولتمرد و دانشمند

عصر ایلخانان مغول در تبریز.

○ ل ۱۷۴۲.

□ **اتابکی احمد**، پسر اتابک اعظم م ۱۳۱۶ خ، قم، مقبره خانوادگی در صحن اتابک.

○ ر ج ۷۶.

□ **اتابکی**، سید عبدالله خان شاعر متخلص به امیر فرزند میرعبدالباقی، زاده شده در ۱۲۸۴. منشی عین الدوله و امین السلطان. م ۱۳۳۲، ابن بابویه ری.

○ ر ج ۱۴۵/۶.

□ **آنکه خان**، ملقب به اعظم خان از دولتمردان عصر اکبر که در ۹۶۹ ادهم خان وی را کشته است و بعدها پسرش کوکلتاس خان این مقبره را برای وی در جوار مرقد نظام الدین اولیاء ساخته است.

○ نقش پارسی ۴۸.

□ **انیرالدین اخسیکتی**، اهل اخسیکت یا اخسیکت فرغانه بوده است و عمر خود را در شعر و شاعری و مداخلی امیران صاحب جاه گذرانده که از آن جمله بوده اند: پادشاهان قهستان، سلجوقیان عراق، رئیس همدان سید فخرالدین علاءالدوله عربشاه و اتابک ایلدگز و قزل ارسلان. وی سرانجام در خلخال درگذشته که سال آن دقیقاً معلوم نیست از ۵۶۳ تا ۵۸۰، شعر وی دشوار است و دیوانش ۶۵۰۰ بیت دارد.

○ تان ۱۰۷ + مقبره الشعراى تبریز، کارنامه ۶۸۸.

□ **اجداد و احفاد صفوی**، شیخ صدرالدین و جنید وحیدر در آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی.

○ انجمن ۱۶.

□ **احتساب الملک**، تقی خان فرزند عبدالعلی خان ادیب الملک، وزیر مختار ایران در سویس م

۱۳۰۶. پاریس.

○ ر ج ۲۲۵.

□ **احتشام السلطنه**، میرزا محمودخان علامیر فرزند علاءالدوله اول و برادر علاءالدوله دوم که برخلاف ایشان از رجال بزرگ طرفدار آزادی و مشروطه در ایران بوده است: احتشام السلطنه به حکمرانی نقاط مختلف رسیده و مهمترین شغل وی ریاست مجلس اول بود که چون مستبدان در آن اکثریت داشتند. وی را به بهانه حکمرانی کردستان از ریاست برداشتند، احتشام السلطنه بخش بزرگی از زندگی خود را در اروپا گذراند. ابتدا خانه وی در ضلع شمال میدان توپخانه (امام خمینی) بود و وی بعدها به شمیران رفت و منطقه‌ای را که امروز محمودیه نام دارد آباد کرد و در آن سکنی گزید. فوت ۵ بهمن ۱۳۱۴، وی را در باغچه علی جان حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند.

○ خاطرات احتشام السلطنه + رهبر ۶۰۷ + رجال ۱۸.

□ **احرار** ← آرامگاه عبیدالله احرار

□ **احسانی** ← آرامگاه احمد احسائی

□ **احسان طبری**، از مدیران سازمان کمونیستی ایران، حزب توده، نظریه پرداز و متفکر که پس از چندبار فرار از ایران و محکومیت‌های سخت در عصر پهلوی، پس از انقلاب به ایران آمد و سرانجام دستگیر و زندانی شد. ظاهراً پس از دستگیری تغییر فکری ژرفی در روحیات وی پدیدار شد و با نوشتن کتاب کژراهه کمونیسم را محکوم کرد و حزب توده را ندانم به کار و خائن خواند... م ۱۳۶۹، تهران بهشت زهرا. وی در کتاب کژراهه می نویسد:



«انقلاب اسلامی پایه محکم یک رستاخیز فرهنگی عمیقی است که به کلی چهره انسان و جامعه را دگرگون می‌کند و از بیخ و بن، از پایه، از تربیت کودکی شالوده و بنیاد شخصیت دینی و معنوی نوینی براساس ایمان و تقوا می‌ریزد، این انقلابی است در خصال و سجایا و ژرفای جان انسان.»

○ کژراهه ۲۴.

□ احمد بن اسحاق، قم نزدیک رودخانه و پل علیخانی. قرن اخیر.

○ معماری ۷۸/۲.

□ احمد بن اسحاق، محدث از خواص حضرت امام حسن عسکری. بنای قدیم با تعمیرات توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در اول جاده سرپل زهاب کرمانشاه.

○ کارنامه ۷۷۹ + معماری ۸۴/۲ + کرمانشاه ۱۴۴.

□ احمد بن زین العابدین، علوی حسینی عاملی اصفهانی. فقیه بزرگ قرن ۱۱ اصفهان تکیه آقارزی.

○ دان ۱۲۴۸.

□ احمد بن قاسم، تا این اواخر بیرون دروازه کوهستان قم.

○ شهرها ۱۵۱/۲۴.

□ احمد احسانی، شیخ (۱۱۶۶-۱۲۴۱) از علمای بزرگ شیعی و مؤسس فرقه شیخیه که به ایران هم آمد و در سفر حج مرد و در مدینه به خاک سپرده شد.

○ د ۶۳.

□ احمد اخگر، فرهنگی و سیاستمدار عصر پهلوی. م ۱۳۴۸، تهران امامزاده عبدالله.

○ ز ۹۹.

□ احمدخان ساعدالملک، میرزا، تنها پسر میرزا تقی‌خان از زن اولش متولد ۱۲۵۴، هنگام مرگ پدر ۱۴ ساله بود و تا ۱۲۷۵ که میرزا آقاخان عزل شد به‌وی کارای رجوع نگردید، در این سال سرتیپ شد و سال بعد لقب ساعدالملک گرفت. آخرین سمت وی ریاست قشون آذربایجان بود. فوت در طی سالهای ۱۲۸۰ و ۱۲۸۵، مدفون در آرامگاه پدرش کربلا.

○ رج ۹۴.

□ احمد ژنده پیل، شیخ جام، شیخ احمدجام، شیخ جامی، در ۴۴۰ در نامق زاده و در ۵۳۶ در جام جان سپرد. بنای آرامگاه کنونی یک بنای ایلخانی است. کاشیکاری مرقد به فرمان شاه عباس صورت گرفت.

○ آخ ۴۴ + اطاق را ملک غیاث‌الدین کرت در ۷۲۰ ساخت، آخرین تعمیر در ۱۳۴۹ خ انجام شد.

○ معماری ایلخانی با تصویر ۱۷۴ و ۱۸۶ + معماری ۸۹/۲ + آثار ۱۳۱/۳.

□ احمدشاه قاجار، (۱۳۱۴-۱۳۴۸) پسر دوم محمدعلی شاه که در ۱۲ سالگی جانشین پدر شد و تحت قیمومیت دو نایب‌السلطنه عضدالملک قاجار و ابوالقاسم ناصرالملک (از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲) سلطنت داشت و آغاز پادشاهی او هشت روز پیش از آغاز جنگ اول جهانی بود. وی ۱۲ سال پادشاهی مستقل داشت که پس از کودتای ۱۲۹۹ تقریباً از وی سلب اختیارات شد زیرا در هنگام اقامت رسمی در انگلستان از تأیید قرارداد ۱۹۱۹ که ایران را تحت حمایت انگلستان قرار می‌داد سر باز زد و سرانجام مجلس شورای ملی

در جلسه نهم آبان ۱۳۰۴ با تمهیداتی که مخالف و مغایر با قانون اساسی او و سلسله‌اش را از سلطنت خلع کرد و اختیارات اداره مملکت را به سردار سپه که نخست‌وزیر بود داد. احمدشاه تا آخر عمر این انعزال را غیرقانونی می‌دانست و حتی حاضر نشد در مقابل دریافت یک میلیون لیره استعفای کتبی بدهد. وی دارای نقاط ضعف بسیار بود اما محسناتی نیز داشت. احمدشاه در ۲۶ رمضان ۱۳۴۸ در بیمارستان نویی پاریس به بیماری ورم کلیه درگذشت و جسدش را به کربلا، آرامگاه پدرش برده دفن کردند.

○ رج ۸۵ + ز ۸۵.

□ احمد قوام ← آرامگاه قوام السلطنه.

□ احمدیلی در مراغه، چون دارای هیچ‌گونه جنبه تقدس نبوده کم‌کم فراموش شده و نامش را از خاصیت ظاهری برج گرفته است: گنبد سرخ. ○ معماری ۲۹.

□ احیاءالملک، دکتر محمدشیر فرزند علینقی صنع الممالک متولد ۱۲۴۳ خ تهران طب را در دارالفنون و پاریس خواند و از ۱۳۰۷ پزشکی ویژه ناصرالدین شاه شد. هنگام تیر خوردن ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم، وی همراهش بود. پس از مرگ شاه وی حکیم خاصه اتابک میرزا علی اصغر خان شد و پس از آن طبیب خاصه حاج علی قلیخان سردار اسعد. دکتر شیخ در ۱۳۱۷ خ مرد و در امامزاده عبدالله مقبره سعدالدوله به خاک سپرده شد. کتاب طب الناظرین از او است.

○ ز ۹۸.

□ اخسیکتی ← آرامگاه اثیرالدین اخسیکتی.

□ اخگر احمد ← آرامگاه احمد اخگر

□ اخنجان، میل اخنجان ۳۲ کیلومتری شمال مشهد تیموری ۷۴۱.

○ معماری ۹۲/۲.

□ اخوان ثالث، مهدی، طوس در جوار آرامگاه فردوسی، اولین شاهنامه‌شناس که این مزیت را یافت که در جوار فردوسی بیارامد. اخوان ثالث کتابی تحت عنوان آخر شاهنامه دارد، اما تدفین وی در خاک طوس فقط به پاس ارائه این کتاب نبوده است.\*

□ اخوی خیرالدین، عارف مدفون در حوالی گنبد و دوله عرب معاصر با آق‌قویونلوها که جامی در تبریز از او دیدن کرده است

○ کوی سرخاب ۲۱۹.

□ اخوی فرج زنجانی، زنجان.

○ جک ۳۷۶/۲.

□ ادهم خان، دولتمرد عصر لودی‌های شبه قاره م ۱۵۶۱ م.

○ معماری هند ۲۹ تصویر ۱۲ الف.

□ ادیب الممالک فراهانی، (۱۲۷۷-۱۳۳۵)، میرزا محمد صادق امیری فرزند حاج میرزا حسین و نواده میرزا معصوم محیط برادر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام. متولد در گازران اراک که به کمک حسنعلی خان امیر نظام ترقی کرد و سراسر عمرش به شاعری و روزنامه‌نگاری و انتقاد شدید از فساد طبقه حاکم گذشت. وی مسافرت‌های بسیار کرد و از سوی مظفرالدین شاه در ۱۳۱۴ ادیب الممالک لقب گرفت و در ۱۳۱۶ نایب‌رئیس مدرسه لقمانیه تبریز شد. آخرین مقام وی کارمند عدلیه در یزد بود و در همان شهر سکنه کرد و در ۵۸ سالگی در تهران درگذشت، وی هنگام مرگ فرزندی نداشت. مدفون در باغچه آرامگاه

فصل خان و نواب) زندگی کرد و چهل و سه سال به تدریس گذراند. وی در مشهد جان سپرد و در حرم رضوی، دارالحفاظ بیوتات به خاک سپرده شد.

○ رج ۲/۲۳۷ + از صبا ۲/۱۹ + ز ۱۰۵.

□ **اراکي، آقاشيخ ضياءالدين**، م ۱۳۶۱، نجف در حجره متصل به دالان صحن از درب سلطانی.

○ ز ۱۱۱.

□ **اراکي، آيت الله عبدالنبي** ← آرامگاه آيت الله اراکي.

□ **اواني، دکتر تقی**، از پایه گذاران و نظریه پردازان معروف حزب توده دارای دکترای فیزیک از آلمان که سرانجام توسط عمال نظمیه رضاشاه جلب و زندانی و در زندان زجرکش شد، ۱۴ بهمن ۱۳۱۷ مدفون در امامزاده عبدالله شهر ری.

○ محاکمه ۲۰.

□ **ارباب کیخسرو**، (۱۲۵۳-۱۳۱۹ خ) دولتمرد و فرهنگی معروف عصر متأخر قاجار و پهلوی اول، فرزند شاهرخ، معلم مدارس کرمان و نواده ملاگشتاسپ منجم که معاصر و معاشر با آقامحمدخان قاجار بود. وی نیز نخست به کار معلمی سرگرم شد و چون در نهضت مشروطه فعال بود در دوره دوم مجلس شورای ملی به جای ارباب جمشید وکیل زرتشتیان شد ۱۲۸۸ خ، و تا دوره دوازدهم مرتب به نمایندگی انتخاب می شد، وی مورد توجه و احترام مدرس بود و رضاشاه نیز برای استحکام بخشیدن به پایه های سلطنت خود از وجود وی استفاده های سرشار برد. هنگام جنگ اول از مهاجران بود و پس از جنگ از مخالفان قرار داد ۱۹۱۹. در طی جنگ دوم پسرش گوینده رادیو برلن بود و احتمالاً گفتارهای

طباطبایی در حجره میرزا ابوالحسن قائم مقامی. تعمیر و نوسازی آرامگاه وی در ۲۹ آذر ۱۳۵۰ به پایان رسید. ادیب الممالک عضو فراموشخانه (فراماسون) نیز شد اما از آن کناره گرفت و در ۵۰۰ بیت اسرار این مجمع را فاش کرد.

○ از صبا ۲/۱۲۷ + رهبر ۲۲۰ + کارنامه ۷۱۷.

□ **ادیب پیشاوری**، سیداحمد رضوی معروف به شاه بابا که سلسله نسب خود را به شیخ شهاب الدین سهروردی می رساند. در ۱۲۶۰ در نواحی شمالی ایالت سرحد، پیشاور پاکستان زاده شد. در نوجوانی پدر و عمویش در ستیز با قدرت متجاوز انگلیس کشته شدند و وی به کابل و تربت رفت و از آنجا به مشهد آمد و در آن شهر مقیم شد. مدتی نیز در خدمت حاج ملاهادی سبزواری بسر برد و در این زمان بود که به حکیم هندی معروف شد. وی در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و تا پایان عمر سوم صفر ۱۳۲۹، در خانه یحیی خان قراگوزلو ماند. از خصوصیات کم نظیر ادیب ستایش آلمان در اشعار خود است که شاید ریشه آن بر مبنای تنفر از انگلیس در دوران کودکی وی تکوین یافته بوده است.

○ از صبا ۲/۳۱۷ + رج ۷۷.

□ **ادیب عنقا**، شاعر و عارف قرن ۱۳ و ۱۴، مدفون در سمت غربی ابن بابویه.

○ فک مؤلفان ۲۱۱.

□ **ادیب نیشابوری**، شیخ عبدالجواد ادیب فرزند ملاعباس (۱۲۸۱-۱۳۴۴) در یک خانواده کشاورز اهل نیشابور به دنیا آمد. وی با اینکه آبله به چشمان وی آسیب کلی رسانده بود در ۱۲۹۷ به مشهد رفت و ادامه تحصیل داد و تا آخر عمر در حالی که مجرد بود در حجره مدرسه ها (خیرات خان،

آرامگاهش در کنار آرامگاه داریوش اول و دوم هخامنشی است در نقش رستم.

○ ۱ ق ۳۸ + د ۹۰.

□ ارس، در روستای فارلوجا کنار رود ارس

○ معماری ۸۴/۲.

□ ارسلان جاذب، سردار معروف عصر غزنویان و حامی صمیم فردوسی، در رباط سنگ بست، در ۳۷ کیلومتری مشهد به تربت جام بنایی از قرن چهارم معروف به اباز.

○ آخ ۷ + جغ ۶۲۸ + هنر ۲۶۰/۸ + معماری ایران ۱۰۱ + ایران یک ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ + معماری ۸۹/۲.

□ ارسلان جاذب، گلشن آزادی.

○ فم ۳۶۲.

□ ارشدالدوله، (ارشودند) از سرداران بختیاری، بنایی آجری در کنار کانال تقسیم آب در دزفول صفی آباد.

○ د ش ۳۲۳.

□ ارغون خان ← آرامگاه رادکان، برج رادکان.

□ ارغون خان مغول، سجاس زنجان در محل آویزه یا انجرو.

○ معماری ایلخانی ۲۰۵.

□ ارموی، سراج الدین محمود از فحول علمای عهد مغول، متولد ارومیه در سال ۵۹۴ که در سال ۶۸۲ در جوار مرقد حضرت مولانا جلال الدین فوت کرد و به خاک سپرده شد.

○ ر ۲۳۲.

□ ارموی، صفی الدین، فرزند عبدالمؤمن فاخر، شاعر و نویسنده و عالم موسیقی. متولد ارومیه فوت در هشتادسالگی، در بغداد، ۱۸ صفر ۶۹۳، مدفون در بغداد.

وی باعث خشم رضا شاه و بهره گیری سیاست استعماری انگلستان از این خشم شد و دست رضاشاه و عمالش را به خون مردی آلوده ساخت که مورد احترام و اعتماد همه مردم ایران بود. در ۱۱ تیر ۱۳۱۹ توسط عمال نظمیه رضاشاهی به قتل رسید و در گورستان زرتشتیان به خاک سپرده شد.

○ ز ۱۲۰ + مقدمه یادداشتها.

□ ارجان، یا مقبره ای از دوران ایلامی جدید در ارجان بهبهان.

○ شهرها ۲۸۷/۲.

□ ارداقی علی اکبر، (۱۲۶۱-۱۳۳۶) پسر شیخ محمدتقی که در ارداق قزوین زاده شد. برادر قاضی ارداقی از شهدای مشروطیت. علی اکبر ارداقی را نیز دادگاه باغشاه بهرشت تبعید کرد و چون حکمران رشت آقابالاخان سردار دانست که وی آرام ننشسته است، دستور دستگیری وی را داد و او را به زندان انداخت و از زندان نیز وی را به خارج از ایران تبعید کردند. ارداقی پس از بازگشت به ایران عضو کمیته مجازات شد اما وی را اعدام نکردند و چندسالی نیز کارمند دولت بود، و سرانجام در تهران جان سپرده و در قم به خاک سپرده شد، هفتم دی ماه ۱۳۳۶.

○ ز ۱۲۷.

□ اردبیلی، حاجی محمدعلی، جانشین احمد تبریزی قطب سلسله ذّهیه م ۱۳۴۳ خ، مدفون در آرامگاه احمد تبریزی شیراز.

○ ر ج ۳۰/۶.

□ اردبیلی سیدیونس ← آرامگاه آیت الله اردبیلی.   
 □ اردشیر درازدست هخامنشی، اردشیر اول (۴۶۴-۴۲۴ ق. م) پسر و جانشین خشایارشا.

○ تاغ ۵۰۶.

□ **ارومی**، میرزاسلم، از عرفای قرن ۱۳ / م ۱۲۶۰ تبریز سیدحمزه در جوار مرشدش مجذوب علشاه.

○ رج ۲۶۲.

□ **استر و مُردخای**، در همدان. بنایی از قرن هفتم. استر ملکه ایران، همسر خشایارشا و مُردخای عمومی او است اصل بنا از یازده قرن پیش است و توسط کلیمایان همدان ساخته شده، با صندوق منبت‌کاری از قرن هشتم و کتیبه‌ای به خط عبری که بانی آن بانویی به نام جمال ستام بوده است.

○ د ۱۲۸ + جغ ۱۳۰۴ + ایران قدیم تصویر ترسیم شده + معماری ۹۴/۲.

□ **اسدالله خان غالب دهلوی**، شاعر پارسی و اردوسرای هند. از پیشگامان نهضت ادبی احیای سبک اصیل شاعری به زبان پارسی، دولتمرد و منتقد و لغت‌شناس که مورد بغض و کینه عمال استعماری بریتانیا قرار گرفت و در بیماری و نداری و گرسنگی مرد. مدفون دربارگاه نظام‌الدین اولیا دهلوی نو. در سال ۱۳۴۷/۱۹۶۸ م. جشن صدمین سال درگذشت وی در دهلی برگزار شد و عده‌ای از دانشمندان، از جمله شادروان دکتر لطفعلی صورتگر از ایران در آن شرکت کردند. در این سال بنای جدید آرامگاه وی را نیز در دهلی نو، بارگاه نظام‌الدین گشودند.

○ ج ۷۹۴ + د ۳۴.

□ **اسدی طوسی**، ابونصر علی بن احمد م ۴۶۵، تبریز مقبره الشعراء، مؤلف گرشاسپ‌نامه و لغت فرس (بهروایتی).

○ آذ ۴۰۱ + کارنامه ۶۸۸ + کوی سرخاب ۲۳۶. □ **اسرار** - آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری.

□ **اسفندیاری**، حاج محتشم‌السلطنه حسن (۱۲۴۵-۱۳۲۳ خ) فرزند میرزا محمدخان صدیق در نوزده سالگی وارد کار شد و در طی هشت سال منشأ خدمات بسیار شد و مشاغل گوناگونی یافت، مهمترین و طولانیترین شغل وی وکالت و ریاست مجلس در عصر رضاشاه بود. یک بار نیز از سوی رضاشاه به آلمان رفت و با هیتلر ملاقات کرد و مذاکراتی صورت داد. اسفندیاری دارای تحصیلات قدیمه بود از این رو به‌وی آخوند اعیان لقب داده بودند. فوتش در تهران رخ داد و در حضرت عبدالعظیم به خاک رفت.

○ ز ۱۶۱.

□ **اسکندر چلاوی**، در حوالی شیروود گلیجان تنکابن. اسکندر چلاوی، کیاسکندر معاصر با تیمور بود و پس از اینکه تیمور وارد مازندران شد وی مخالفان خود را با دست تیمور کشت، آنگاه خود قیام کرد و کشته شد و در این مکان به خاک رفت.

○ آس ۴۵/۳.

□ **اسماعیل حیرت تهرانی**، میرزا، (۱۲۵۴-۱۳۱۶) مترجم و نویسنده معروف که تاریخ سرجان ملکم را به فارسی برگرداند. چاپ اول کتاب در شوال ۱۲۹۹ در بمبئی طبع و نشر شد به خط نستعلیق بسیار خوب از محمدعلی کشکول فرزند میرزا اسماعیل شیرازی که شاید در نوع خود، اولین کتاب چاپی فارسی مصور باشد. تصویرهای شاهان و مناظر و بقاع تاریخی را روی کاغذ حساس قهوه‌ای کمرنگ عکاسی ظاهر و چاپ کرده به کتاب چسبانده‌اند، وی در بمبئی وفات یافت و در قبرستان ایرانیان این شهر به خاک سپرده شد.

- فک مؤلفان ۵۸۶.
- **اسماعیل سامانی** - آرامگاه امیراسماعیل.
- **اسماعیل شیخ**، در سمرقند.
- سمریه ۱۷۷.
- **اشتری**، احمد، دولتمرد متاخر عصر قاجار، م ۱۳۲۴ خ، در صفایه شهر ری.
- وی یکی از قاضیهای دادگاه باغشاه در عصر محمدعلی میرزا بود که به طور فرمایشی عده‌ای از بهترین فرزندان آزادی طلب را به اعدام محکوم کرد.
- رج ۲۲/۵.
- **اشراقی**، محمدتقی، مجتهد و مدرس بزرگ، معاصر با آیت الله حائری. م ۱۳۶۸، مدفون در مسجد بالاسر قم.
- ز ۱۸۳.
- **اشرف**، فرزند امام موسی کاظم (ع) در آستانه اشرفیه گیلان.
- آس ۱۷۹/۲.
- **اشرف**، دختر حاج مشکوة السلطنه، ادیب و شاعر معاصر، قاسم آباد گیلان.\*
- **اشرف الدین گیلانی**، یا قزوینی فرزند سیداحمد حسینی قزوینی مدیر روزنامه نسیم شمال که اولین شماره آن نه ماه پیش از بمباران مجلس انتشار یافت خود در این باره گوید:
- در هزار و سیصد و بیست و چهار چون که شد مشروطه این شهر و دیار کردم ایسجاد این نسیم نغز را عطر بخشیدم زیویش مغز را اشرف الدین سراسر زندگی را با سختی گذراند و در آغاز عصر دیکتاتوری وی را به تیمارستان بردند و در همان جا هم مرد و جنازه‌اش را هم ندادند و
- در گورستانی گمنام احتمالاً امامزاده حسن مدفون کردند. ذی حجه ۱۳۵۲.
- از صبا ۶۴/۲.
- **اشرف السلطنه**، همسر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه و نایب التولیه عرب. م ۱۳۳۴، حرم مطهر امام رضا، مشهد.
- رج ۳۴۱/۳.
- **اشرف الکتاب اصفهانی**، آقا زین العابدین، خوشنویس. م ۱۳۰۰ اصفهان.
- خوش معاصر ۶۵.
- **اشرف زاده**، میرزا محمودخان روزنامه نگار که روز ۲۰ رمضان ۱۳۳۳ در یک فرسختی صحنه کرمانشاه توسط عده‌ای راهزن کشته شد. جنازه‌اش را با استقبال شایان مردم کرمانشاه به آن شهر بردند و در اطای در سر قبر آقا به امانت گذاشتند و سپس در همان جا به خاک سپردند.
- تاج ۷۲/۴.
- **اشعیای نبی**، در مجاورت امامزاده اسماعیل اصفهان.
- ل ۲۷۹۵ + کاتولیک. ۱۴۱.
- **اشکانی گوراب**، دژ گوراب در ملایر، ○ دش ۱۱۵۶
- **اشکانیان**، قسمتی از آن در جنوب شرقی نسا (شمال خراسان امروز) در قلعه‌ای عظیم و منفرد که اقامتگاه ایشان نیز بوده است و بخشی نیز در اربل رومیان در عهد کاراکال، به سال ۲۱۶ م پس از تصرف شهر، آرامگاه را ملوث و خراب کردند.
- اشکانیان ۶۴ و ۱۴۷ + تجدید حیات ایرانیان ۳۱
- **اشموئیل پیغمبر**، ساوه - خرقان، سده هفتم.
- معماری ۸۰/۲ + کاتولیک ۱۱۲.

□ **اطاق گنبد در مشیز کرمان** ← آرامگاه پیرجاسوس.

□ **اطعمه**، ابواسحاق احمد، شاعری که اشعارش بیشتر درباره خوراکیهاست و حالت لغز و طنز دارد. شیراز، چهل تن با سنگی از قرن نهم.  
○ تان (۵۲) + اق ۳۸۵ + فک مؤلفان ۱۳۰.

□ **اعتصام الملک** ← آرامگاه میرزا خانلرخان  
□ **اعتصام الملک**، میرزا یوسف آشتیانی، ابتدا لقبش اعتصام دفتر بود، فرزند میرزا ابراهیم آشتیانی و پدر پروین اعتصامی. در ۱۲۹۴ در تبریز زاده شد. مستوفی و کارمند دولت، دو دوره وکیل مجلس، مؤسس مجله بهار، اولین مترجم بینوایان هوگو به فارسی و آثار دیگر. در ۱۲ دی ۱۳۱۶ به رحمت خدا رفت و در قم آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد.

○ ز ۲۰۳ + از صبا ۱۱۳/۲.  
□ **اعتصامی پروین** ← آرامگاه پروین اعتصامی.  
□ **اعتضادالاطبا** ← آرامگاه میرزا عبدالباقی.  
□ **اعتمادالدوله**، میرزا غیاث الدین تهرانی که توسط دخترش ملکه نورجهان برگزیده وی در آگرای هند ساخته شد، قرن ۱۱.

○ هنر اسلامی ۱۰۸ + معماری هند روبه روی ص ۱۰۴ و تصویر ۷۹ و ۸۰ الف.

□ **اعتمادالدوله میرزا یحیی خان**، در باغ خودش در بیرون شهر همدان.

○ رجا ۲۱.

□ **اعتمادالسلطنه**، میرزا شاه حسن ملقب به کمال الدین، بنایی که با کار و کوشش به وزارت شاه اسماعیل رسید. احیا و تعمیر مسجدعلی در اصفهان به همت او انجام گرفت. مقتول توسط محمد شاهقلی در ۹۲۹، مدفون در کربلا.

□ **اصطهباناتی**، احمد - شیخ المحققین م ۱۳۵۴، شهر ری امامزاده عبدالله.

○ ز ۱۸۹.

□ **اصفہانی آقا نورالله** ← آرامگاه حاج آقا نورالله.  
□ **اصفہانی**، آیت الله ← آرامگاه ابوالحسن اصفہانی.

□ **اصفہانی**، ابوالحسن ← آرامگاه ابوالحسن اصفہانی.

□ **اصفہانی**، ابوتراب ← آرامگاه ابوتراب اصفہانی.

□ **اصفہانی**، میرزا حبیب، در قریه بن چهارمحال زاده شد و در اصفهان و بغداد تحصیل کرد. در تهران به افترای هجوکردن محمدخان سپهسالار صدر اعظم مغضوب شد و به ناچار به اسلامبول گریخت. در شاعری ابتدا تخلص دستان داشت اما در اواخر عمر، اشعارش بدون تخلص بود. میرزا حبیب مترجم کتاب حاجی بابا به زبان فارسی است. وی همانند شیخ احمد روحی و یارانش در صف مقدم آزادیخواهی جای داشت. در آخر عمر از اسلامبول به بروسه رفت که با استحمام در آبهای گرم معدنی بهبود یابد اما نتیجه مطلوب حاصل نشد و سرانجام در سال ۱۳۱۵ رخت به سرای دیگر کشیده در حوالی بروسه فوت کرد و در گورستانی در پای کوه اولوداغ به خاک سپرده شد.

○ از صبا ۳۹۵ + رج ۳۱۴ + چهره ها ۵۰.

□ **اصفہانی**، میرزا غلامرضا، خوشنویس معاصر با میرزا محمد رضا کلهر. م ۱۳۰۷، صفایه شهر ری، ابن بابویه.

○ خوش معاصر ۲۷ + خوش ۵۵۱.

□ **اصفہانی**، نورالله ← آرامگاه حاج آقا نورالله.

○ آص ۷۱۵.

□ **اعتماد السلطنه محمد حسن خان**، پسر چهارم حاج علی خان مقدم مراغه‌ای حاجب‌الدوله (فرشباشی ناصرالدین شاه مأمور اجرای حکم اعدام امیرکبیر در ۱۲۶۸) محمد حسن خان در ۲۱ شعبان ۱۲۵۹ در تهران متولد شد و در ۱۸ شعبان ۱۳۱۳ فوت کرد. اولین سمت وی نوکری امیر قاسم خان پسر سوگلی ناصرالدین شاه و جیران بوده است. در ۱۲ سالگی در سال ۱۲۸۸ پس از احراز مقامات گوناگون و مشاغل مختلف رییس کل دارالطبابعه و دارالترجمه و ملقب به صنیع‌الدوله شد، اعتماد السلطنه گذشته از انتشار روزنامه ایران سلطانی و ایران، در طی این بخش از عمر خود موفق به کارهای مهم فرهنگی در کشور شد. شغل اصلی وی خواندن روزنامه برای شاه بود، به قول خودش نقالی، چه شاه از خبر خوشش نمی‌آمد داستان و نوول دوست داشت. کار مهم دیگر وی تدوین خاطرات است که به دست زنش اشرف السلطنه نوشته شد و یکی از مهمترین و سنگین‌ترین منابع تاریخ قاجاریه است. مدفون در وادی السلام نجف.

○ رج ۳/۳۳۰ + سیاستگر ۱۶۹.

□ **اعتماد السلطنه محمد باقر خان**، نوه حاجی علی خان فرشباشی متصدی قتل امیر کبیر و برادرزاده محمد حسن خان اعتماد السلطنه (فرهنگی‌ترین رجل عصر قاجارها) محمد باقر خان جانشین عمویش که در همان سال قتل ناصرالدین شاه فوت کرد شد اما نتوانست دستگاه عریض و طویل عمو را بچرخاند. محمد باقر مانند پدرش ابتدا غلام بچه درباری بود و سرانجام به مقام ارجمند پیشخدمت مخصوص رسید، محمد باقر

خان در ۱۸۹۱ به نیابت اداره باغات و عمارات دولتی و در ۱۸۹۶ به ریاست دارالتألیف و در ۱۹۰۴ به ریاست نظمیة ایران رسید.  
○ فرجال ۲۸.

□ **اعلم‌الدوله**، دکتر خلیل خان ثقفی، پسر حاج میرزا عبدالباقی اعتضادالاطبا (که بر کلیات قانون ابن‌سینا تعلیقاتی نوشته و در حواشی کتاب مزبور به طبع رسیده است) در سوم ربیع ثانی ۱۳۶۲ در نودسالگی در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری به خاک سپرده شد.

وی طبیب حضور مظفرالدین شاه و از عوامل به‌امضارساندن فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه بوده است و در این رابطه پس از مرگ این شاه برای وی گرفتاریهایی نیز به وجود آمد. کار مهم علمی و فرهنگی وی کتاب صدویک حکایت است و به قول مرحوم قزوینی اگر با آن عمر طولانی و آن همه نزدیکی به دربار و رجال ایران، می‌خواست قصه‌های زمان خودش را بنویسد، صد جلد کتاب نظیر روضة الصفا یا حبیب‌السیر می‌شد. وی برادر بزرگتر دکتر عبدالحمیدخان متین‌السلطنه بوده است.

○ ز ۲۱۷ + آرامگاه سعدالدوله. رج ۴۸۸ + یا ق ۱۷۶/۸.

□ **افتخارالحکماء اسماعیل**، متولد طالقان پس از تحصیل در باب پزشکی سنتی و ریاضی قدیم و سفر به سن‌پترزبورگ مقیم سبزوار شد و حدود شصت سال در این شهر صبحها طبابت و عصرها تدریس می‌کرد. در ۱۳۴۵ یا ۱۳۴۸ جان سپرد و در سبزوار در آرامگاهی که خود ساخته بود، چسبیده به آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری، به خاک سپرده شد.



○ ز ۲۲۳.

□ **افضل الدین کاشانی**، بابا افضل فیلسوف و شاعر در قریه مرق نیاسر در سی کیلومتری جنوب کاشان زاده شد. به وی بابا بیات هم خطاب شده است (ل ۲۷۹۶) در ۷۰۷ جان سپرد و در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

○ تان (۱۴) + معماری ایلخانی با تصویر ۲۰۳ + آ ط ۳۲۸ + د ۳۵۷.

□ **افضل کرمانی**، دانشمند و مورخ معاصر با شاه اسماعیل صفوی. م ۹۱۰، مجاور با آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات.

○ ل ۲۱۲۰.

□ **اقبال آشتیانی**، عباس، دانشمند و تاریخ نگار عصر پهلوی، از دارالفنون فارغ التحصیل شد و پس از پایان درس معلم همان مدرسه شد. وی تحصیلات خود را در فرانسه ادامه داد و پس از بازگشت، استاد دانشگاه در رشته های تاریخ و جغرافیا و ادبیات شد آخرین سمت وی رابزنی فرهنگی ایران در رم بود. از وی آثار مهمی برجای مانده است، فهرست در مقدمه تاریخ مغول. فوت در ۲۱ بهمن ۱۳۳۴ در رم. جنازه اش را به تهران آوردند و در آرامگاه ابوالفتح رازی در شهر ری به خاک سپردند.

○ د ۱۸۲ + ز ۲۴۳ + مجموعه اقبال.

□ **اقبال لاهوری**، علامه محمد، (۱۲۹۶-۱۳۵۷)، اهل سیالکوت پاکستان، شاعر، متفکر، معلم و اصلاح طلب بزرگ مسلمان. در بحبوحه نهضت های استقلال طلبانه مردم شبه قاره وی سفری به اروپا کرد و در آلمان دکترای فلسفه گرفت. اقبال طرفدار احیای فکر دینی در اسلام بود و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد. اقبال به راهی رفت که

پیش از او سید جمال الدین رفته بود، منتها معتقد بود که بدون حصول معنویت نمی توان به اتحاد و یگانگی اسلامی رسید، امروزه اقبال شناسی یک رشته مهم ادبی سیاسی اجتماعی است و در پاکستان از اهمیت خاص برخوردار است. اشعار اقبال به دو زبان فارسی و اردو سروده شد و این سراینده بی نظیر بدون اینکه به ایران سفر کرده باشد و بدون اینکه بتواند به فارسی سخن بگوید، این آثار مهم را از خود به یادگار گذاشت. وی در ۱۹ صفر ۱۳۵۷ فوت کرد و در لاهور در کنار مسجد پادشاهی به خاک سپرده شد.

○ یا ق ۲۳۳ + اریاتال گالچ شماره مخصوص اقبال + د ۱۸۲ + میراث ۵۰۳/۲.

□ **اکبر، فتح الله**، (۱۲۳۴-۱۳۱۷ خ) فرزند میرزا محمدعلی خان گیلانی برادرزاده اکبرخان بیگلریگی ثروتمند معروف و اجاره دار گمرکات، وی با بیوه عمو ازدواج کرد و مدارج ترقی را تا ریاست وزرا پیمود. اکبر از طرفداران سیاست بریتانیا در ایران بود و خط مشی سیاسی اش از کانالهای خاص استعماری می گذشت وی لقب های متعدد گرفت که از آن جمله بود سردار منصور، سپه دار رشتی و سپه دار اعظم. وی دوبار نیز نماینده مجلس شد، دوره های دوم و پنجم و سرانجام در تهران مرد و در این بابویه به خاک رفت.

○ ز ۲۴۶ + ایران در جنگ، ۱۸.

□ **اکبر شاه بایری**، با سبکی متأثر از معماری ایرانی در نزدیکی آگرای هند در باغی مجلل در سکندره هفت کیلومتری آگرا که کنیه های آن در سال ۱۰۲۲ با همکاری عبدالحق بن قاسم شیرازی تدارک شده است.

- مغولان بزرگ ۱۲۴ + شهرهای بایری (مغولی)  
 ۳۳ هردو کتاب به انگلیسی. + معماری هند  
 روبه روی صفحه ۱۰۰ تصویر ۷۵ + ۱ و ۱۸۷.
- **اکبر و اشعار فارسی**، در قصبه سکندره که به قول  
 شادروان علی اصغر حکمت، بهترین نمونه برای  
 ظهور آثار پارسی در مقابر سلاطین هند است. اکبر  
 متولد ۹۵۰ که از ۹۶۳ تا ۱۰۱۴ پادشاهی کرد پس  
 از فوت در آگره در این آرامگاه مجلل به خاک  
 سپرده شد، در دیواره و سنگ گور وی اشعار  
 نغزی به خط عبدالحق شیرازی نوشته شده است.
- نقش پارسی ۹۹.
- **اکمل الدین مظفر برازی**، نزدیک حظیره بابا  
 فرید در کوی سرخاب تبریز محدث، مفتی،  
 مفسر، فقیه و لطیفه گو، کتابی در دست است که او  
 نوشته، درگذشت ششم محرم الحرام ۸۰۸.
- کوی سرخاب ۱۹۸.
- **آلتو تمیش**، ایلو تمیش سومین پادشاه از ترکان  
 ممالیک که در شعبان ۶۳۳ در دهلی به تخت  
 نشست. مشوق زبان و ادب فارسی.
- معماری هند روبروی ص ۱۳ تصویر ۸ + نخ  
 ۴۲۲.
- **الجبایتو** - آرامگاه سلطانیه.
- **الراشد بالله**، (راشد) خلیفه عباسی که در ۵۷۰  
 در اصفهان مرده است.
- آص ۸۵۴ + بنای سلجوقی. معماری ۹۱/۲.
- **المنج بیگ**، در آرامگاه امیر تیمور، گورامیر  
 سمرقند.
- سیمرخ ۱۴۰.
- **الله وردی خان**، سردار عصر شاه عباس و بانی  
 سی و سه پل. مشهد زیرگنبد الله وردی خان پایین  
 پای حضرت ثامن الائمه.
- ل ۲۷۹۰.
- **الباس**، شاید مدفن صمصام الدین محمود از  
 اتابکان لر کوچک در منطقه چگنی در کنار  
 حیات الغیب.
- آل ۲۶۴.
- **امام بخاری**، صاحب صحاح بخاری. تاشکند.
- سیما دوم تیر ۱۳۷۲.
- **امام جمعه** در حظیره، بابا حسن کوی سرخاب  
 تبریز.
- کوی سرخاب ۱۲۷.
- **امام جمعه دوم تهران**، میرسید ابوالقاسم،  
 اولین نفر میرمحمد مهدی بوده است که در عصر  
 فتحعلی شاه امام جمعه تهران شد. این خانواده از  
 زمان صفویه در اصفهان ریاست روحانی  
 داشته اند. جد مجدایشان میرعبدالواسع  
 داماد مجلسی بود و امام جمعه اصفهان در عصر  
 صفویه. میرابوالقاسم ابتدا امام جمعه اصفهان  
 بود، چون به مناسبتی به تهران آمد عمش،  
 میرمهدی که فرزند نداشت او را به فرزندی  
 پذیرفت و بدین روال وی دومین امام جمعه شد.  
 مدفون در سر قبر آقا. این بنا را ناصرالدین شاه  
 برای میرسید ابوالقاسم ساخت و پس از وی  
 آرامگاه این خانواده شد.
- رجال ناصری ۲۴۹.
- **امام جمعه سوم تهران**، میرزا زین العابدین  
 (اصلاً اصفهانی) تهران سر قبر آقا، مقبره پدرش.
- رج ۴۸/۲ + ابتدا داماد دوستعلی خان  
 معیرالممالک شد و پس از فوت همسرش،  
 زهراخانم دختر معیر، با ضیاء السلطنه دختر  
 ناصرالدین شاه عروسی کرد. پدر سیدجواد  
 ظهیرالاسلام دولتمرد عصر پهلوی دوم.

- رج ۴۸/۲ + رجال ناصری ۲۵۰
- امام جمعه‌های تهران، سر قبر آقا در جنوب تهران، بنا از دوران ناصرالدین شاه با گنبد دپوش کاشیکاری و حرم و رواق و ایوان آئینه‌کاری و تزئینات گچ‌بری، در وسط یک باغ که در دهه‌های اخیر از وسعت آن کاسته شده و با اصل بنا نامناسب شده است.
- آط ۴۳۷ + معماری ۷۴
- امام جمعه خویی، حاج میرزا یحیی خوشنویس و مجتهد و وکیل مجلس. م ۱۳۲۴، نجف.
- ز ۲۵۶ + د ۲۳۴
- امام حَفَده، عمده‌الدین ابومنصور عارف و فقیه م ۵۷۳، مقبره یا امامزاده منسوب به حلیمه‌خاتون خواهر حضرت رضا(ع) معروف به خانم امامزاده.
- آذ ۱۱۸
- امامزاده اباذر در جاده کرج<sup>(۱)</sup>، قزوین از سده هفتم.
- معماری ۹۴/۲
- امامزاده ابراهیم، بنای معمولی در قم، از سال ۷۳۰.
- معماری ایلخانی ۱۹۲.
- امامزاده ابوالفضل و یحیی در محلات بالا، محراب آن که تاریخ ۷۰۸-۷۰۱ را دارد بر جای مانده است، بعدها بنا را طوری تعمیر کرده‌اند که بنای اصلی دیده نمی‌شود، بین دلیجان و خمین.
- معماری ایلخانی ۱۴۴.
- امامزاده احمد در اصفهان، در این امامزاده سنگ سیاه‌رنگی است که می‌گویند سلطان محمود از هندوستان آورده است با کتیبه‌ای مورخ ۵۶۳.
- آص ۷۴۲ + تصویر رنگی د ب ۶۸۹/۶
- امامزاده احمد در لواسان تهران، از سده هفت یا هشت،
- معماری ۸۳/۳.
- امامزاده احمدین قاسم در قم، از ۷۰۸.
- معماری ایلخانی ۱۵۰.
- امامزاده ازهر، در درجزین همدان، بنایی از دوران ایلخانی، برج با گنبد مخروطی شکل.
- معماری ایلخانی ۲۰۴ با تصویر.
- امامزاده اسحاق یا امامزاده ساوه، فرزند موسی کاظم(ع) در ساوه.
- معماری ایلخانی ۱۲۴ با تصویر.
- امامزاده اسماعیل در قم، بنایی از دوره ایلخانان سال ۷۷۶.
- معماری ایلخانی ۲۰۲.
- امامزاده اطهر در درجزین همدان، بنای مغولی.
- معماری ۹۵/۲.
- امامزاده پلنگ آباد، اشتها در کنار جاده کرج اشتها در مانده از سده هشتم.
- معماری ۷۷/۲.
- امامزاده پیر - آرامگاه پیر.
- امامزاده جعفر در اصفهان، بنایی از سال ۷۱۰ برای سید جعفر شمس‌الدین میان میدان امام (شاه) و مسجد جمعه اصفهان.
- معماری ایلخانی ۱۷۳ + هنر ۳۵۴/۸.
- امامزاده جعفر، در دامغان خیابان امام از سده ۱ - در بخش امامزاده‌ها تنها امامزاده‌هایی را آورده‌ایم که از لحاظ معماری بنای قابل‌توجهی دارند، از آغاز تا عصر شاه‌عباس صفوی.

- پنج تا ده.  
 ○ معماری ۹۵/۲.  
 □ امامزاده جعفر در قم، مانده از ۶۶۷.  
 ○ معماری ۷۹/۲.  
 □ امامزاده جعفر در یزد، محله عتیق از سده هشت به بعد.  
 ○ معماری ۹۲/۲.  
 □ امامزاده حسین در قزوین، از سده نهم - صفوی.  
 ○ معماری ۹۴/۲.  
 □ امامزاده حسین در ورامین، بنای مغولی.  
 ○ معماری ۷۷/۲ + معماری ایلخانی ۱۹۰، شاه حسین، محراب سالم است با تاریخ ۷۲۸.  
 □ امامزاده حمزه رضا در شیروان، بنای غزنوی.  
 ○ معماری ۸۰/۲.  
 □ امامزاده حوا خاتون، در توت آباد اراک مانده از ۴۸۵.  
 ○ معماری ۸۰/۲.  
 □ امامزاده خواجه عمادالدین در قم، از ۷۹۲ نزدیک دروازه کاشان، بر بنای کتیبه سه برادر در این محل به خاک سپرده شده اند.  
 ○ معماری ایلخانی ۲۰۲.  
 □ امامزاده ربیعہ خاتون، در اشترجان اصفهان مانده از ۷۰۸.  
 ○ معماری ایلخانی ۱۵۰.  
 □ امامزاده ساوه - آرامگاه امامزاده اسحاق.  
 □ امامزاده سیدالسادات در گلپایگان، از سده هشتم.  
 ○ معماری ۹۰/۲.  
 □ امامزاده شاه بالو در سوادکوه، مازندران از سده هشت.  
 ○ معماری ۸۳/۲.  
 □ امامزاده شاه حسین - امامزاده حسین در قزوین.  
 □ امامزاده شعیب، در دوزال اهر بنای ایلخانی.  
 ○ معماری ۸۳/۲.  
 □ امامزاده صالح در تهران، شمیران از سده هفتم و هشتم.  
 ○ معماری ۷۷/۲.  
 □ امامزاده عبدالله، برج آرامگاهی دماوند، بنایی از عصر مغول حدود سده هشتم که از یک بدنه استوانه و یک کلاهک مخروطی درست شده که بعدها با کاشیهای سبز پوشانده شده است. بنا آجری است با تزئینات داخلی و کتیبه.  
 ○ معماری ایلخانی + ۱۴۳ ایران یک تصویر ۱۵.  
 □ امامزاده عبدالله در فارسجین ضیاءآباد قزوین، مانده از سده ششم.  
 ○ معماری ۹۴/۲.  
 □ امامزاده عسکری در کیغان بجنورد، از سده هفتم.  
 ○ معماری ۸۷/۲.  
 □ امامزاده علی در سادات، بویراحمدی از سده های ۷ و ۸.  
 ○ معماری ۹۶/۲.  
 □ امامزاده علی بن ابوالمعالی، در قم از ۷۶۱.  
 ○ معماری ایلخانی ۱۹۹.  
 □ امامزاده علی بن جعفر در قم، از سالهای ۷۰۰ تا ۷۰۵.  
 ○ معماری ایلخانی ۱۴۴.  
 □ امامزاده غلام رسول در چاهبهار بلوچستان، تیموری.  
 ○ معماری ۹۷/۲.

- امامزاده قاسم در کنار دریاچه سد سفیدرود، احتمالاً از عصر آل بویه.  
○ آق ۴۱۵.
- امامزاده قاسم در قم، نزدیک دروازه قلعه مانده از سده هشتم.  
○ معماری ۷۸/۲.
- امامزاده کرار در بوزان اصفهان، مقبره زیارتی یک مجموعه حاوی مسجد و آرامگاه زیارتگاه با کتیبه‌ای حاوی نام امامزاده شاهزاده ابراهیم ولد امام جعفر صادق. مانده از ۷۳۰.  
○ معماری ایلخانی ۱۶۱.
- امامزاده محسن، در ۱۴ کیلومتری مغرب همدان از ۷۲۵  
○ معماری ۹۵/۲.
- امامزاده میرمحمد در جزیره خارک، بنای ایلخانی با گنبد مخروطی تحت نفوذ معماری عراق جنوبی با تزیینات و کاشیکاری نام استاد هنرمند باقی است ولی تاریخ بنا مفقود شده احتمالاً بنا از سده هشتم برجای مانده است.  
○ معماری ایلخانی ۱۹۸ میرمحمد.
- امامزاده موسی بن جعفر در تویسرکان، از سده ششم.  
○ معماری ۹۵/۲.
- هادی ابن علی در همدان گلگشت باباطاهر، از سده هفتم.  
○ معماری ۹۴/۲.
- امامزاده هود در خورین همدان، که بدان امامزاده صفیه خاتون هم گفته می‌شود اثری از دوران ایلخانی.  
○ آق ۳۰۴ + در رزن همدان بنای مغولی، معماری ۹۵/۲ + معماری ایلخانی ۲۰۴.
- امامزاده یحیی در زنجان، از سده‌های ۷ و ۸.  
○ معماری ۹۶/۲.
- امامزاده یحیی در سبزوار، از سده ششم.  
○ آخ ۴۰۸.
- امامزاده یحیی در سمنان، انتهای بازار بنای تیموری.  
○ معماری ۹۵/۲.
- امامزاده یحیی در گنبد کاووس، مانده از سده هشتم.  
○ معماری ۸۳/۲.
- امامزاده یحیی در ورامین، بنای ایلخانی سلجوقی که دیولافوا آن را در ۱۸۸۱/۱۲۹۳ دیده و معرفی کرده است ضمناً از محرابی سخن می‌گوید که امروز نیست، ظاهراً یک ملاک ثروتمند آن را به پاریس برده و فروخته است.  
○ معماری ایلخانی + ۱۲۱ هنر ۴۰۰/۸.
- امامزاده یونس در لواسان بزرگ تهران، بنای تیموری.  
○ معماری ۷۷/۳.
- امام رافعی، ابوالقاسم عبدالکریم، فرزند احمد عالم حدیث و تفسیر، در قزوین.  
○ نادر ۴۹۸.
- امامزاده ضامن، امام محمدعلی مشهدی، معروف به سیدحسین پای منار، از آن لحاظ که در کنار قطب منار دهللی ساخته شده است. این شاعر عارف در زمان سکندر شاه لودی از مشهد به هند آمد و مقیم شد و این آرامگاه در حیات وی به سال ۹۴۴ ساخته شده و بر سر در آن کتیبه‌ای به فارسی نوشته شده است.  
○ نقش پارسی ۸۱.
- امام طلحه برادر امام هفده طوسی، معاصر

غزالی و از شاگردان وی که در واقعه غز به آذربایجان گریخت. م ۵۷۱ تا ۵۷۳ مزار وی در حوالی کوه عرب واقع است.

○ کوی سرخاب ۱۷۷.

□ امام محمد فرزند اسماعیل بخاری، صاحب صحیح بخاری، سمرقند.

○ قندیه ۱۳۰.

□ امام ناصرالدین، مشهور به خان سید امام در سمرقند

○ سمریه ۱۷۵

□ امان الله میرزا ضیاء الدوله، پسر جهانگیر میرزا، پسر سیف الله میرزا پسر چهل و دوم فتحعلی شاه جدّ خاندان جهانبانی که به عنوان اعتراض به روسهای اشغالگر و همکاری انگلستان، در محرم ۱۳۳۰ خودکشی کرد. تبریز سید حمزه.

○ ر ج ۱۶۵ + پدر سبهد امان الله میرزا جهانبانی رهبر ۳۱۹/۲.

□ امیته بن عمر و این امیه از صحابه یا تابعین، در سرخاب تبریز

○ کوی سرخاب ۹۵

□ امید، قاضی معروف معاصر، م ۱۳۳۲ خ. امامزاده قاسم تهران.

○ ز ۲۶۶.

□ امیر ارغون - آرامگاه رادکان، میل رادکان.

□ امیر اسماعیل سامانی، اسماعیل سامانی. در بخارا بنایی از سال ۳۹۵. تنها عمارت به جامانده از سامانیان.

○ ابدیت ۱۴۴/۲ با تصویر + در ۹۰۷ م ساخته شده بیش از هر بنای دیگر عصر اسلامی، ساسانی است با تصویر. تأثیر هنر ساسانی ۹۶ + هنر ایران ۲۶۴/۸ + هنر و مردم ۳۷/۵۷ + ۱۷۲ + معماری

ایران ۸۱/۲.

□ امیر اشرف، اختیارالدین، اولین تلگرافچی ایران که در ۹۴ سالگی در لنگرود مرد و به خاک رفت.

○ سیما ۷۳/۵/۱۰.

□ امیراکرم، چراغعلی خان پسرعموی رضاشاه و معاون دربار وی. م ۱۳۰۹ خ تهران حضرت عبدالعظیم.

○ ظهور ۲۹.

□ امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در مزار شریف، سنگ قبری با کتیبه: هذا قبراسدالله ۱ خ رسول الله علی ولی الله.

○ س ۴۴۹. البته آرامگاه اصلی در نجف است. \* □ امیرالمؤمنین، بقعه منسوب به امیرالمؤمنین در غرب آبادی دویرون یا کوشکک گنوند لرستان، ظاهراً یادگاری از آثار برجای مانده از اعصار کهن.

○ د ش ۷۵۹.

□ امیراویس، در کنار جاده اردستان زواره فقط سنگ از قرن دهم.

○ آص ۱۲۸ + د ت ۳۴.

□ امیراویس، امیرمحلّی اردستان در عصر صفوی که در طی جنگی با نیروی شاه صفوی کشته شد. دو قطعه سنگ افقی و عمودی به روی تپه‌ای در مغرب اردستان.

○ شهرها ۲۴۴/۴.

□ امیربنده، در گیلان کلاچای قاجاریه.

○ معماری ۸۲/۲.

□ امیر توکل کامبوزیا، محقق معاصر، م ۱۳۵۳ خ در کتابخانه‌اش کلاته کامبوزیا ۴ کیلومتری زاهدان.

○ سیما ۷۳/۸/۹.

□ **امیر تیمور گورکانی یا تیمور لنگ**، (۷۳۶-۸۰۷) در کش زاده شد. نسب وی از سوی مادر به چنگیزیان می‌رسید از این رو به‌وی گورکان و گورکانی لقب دادند چه در ترکی گورکان یعنی داماد، وی فاتح آسیا لقب گرفت اما لقب واقعی وی صاحبقران بود. از ۷۷۱، امیر تیمور در فتوحات خود سلسله‌ای چندی را برانداخت و شهرهای مهمی را از صفحه روزگار محو کرد. در دوران جانشینی وی در ایران هنر شکوفایی یافت و تیموریان از این لحاظ در تاریخ ایران درخشش خاص دارند، همان گونه که در هند نیز شاخه‌ای دیگر از ایشان درخشش یافتند. وی در عمر خود بیش از ۳۵ لشکرکشی کرد و تاج ۲۷ سلطان را بر سر نهاد. امیر تیمور در آخر عمر متوجه چین شد و برای اجرای برنامه‌های خود از سمرقند بیرون رفت اما در شهر اترار مرد، بدنش را به سمرقند بردند و در آرامگاهش که بعدها به گور امیر معروف شد به خاک سپردند.

○ د ۲۵۲ + سیمرخ ۱۵۰ + هنر ۸/۱۴۰ + معماری ایران ۱۹۴.

□ **امیر چوپان**، سردار معروف ابوسعید ایلخانی که توسط ابوسعید به قتل رسیده بود، قبرستان بقیع مجاور قبر امام حسن (ع) و خلیفه سوم. ○ بحث حافظ ۳۰ + همراه با جنازه جلادخان.

تاغ ۲۳۹

□ **امیر حاضر**، بقعه امیر حاضر در چندصد متری قریه کهک دزفول. بنایی ساده با ضریحی ارزان که ضلع غربی آن دارای چهار طاقهای زیباست.

○ د ش ۳۵۲ + معماری ۸۵/۲.

□ **امیر حسن دهلوی** ← آرامگاه حسن دهلوی.

□ **امیرخان سردار**، شاهزاده وجیه‌الله میرزا پسر عضدالدوله قاجار و برادر عین‌الدوله از رجال معروف عصر ناصری که ابتدا لقبش سیف‌الملک بود. وی از سوی ناصرالدین شاه مأمور دفع ترکمانان شد و در عصر مظفرالدین شاه در رأس هیأتی برای تبریک به جلوس نیکلا امپراتور روسیه به آن صفحات رفت. م ۱۳۲۲، حضرت عبدالعظیم.

○ د ۲۵۲.

□ **امیر خسرو دهلوی**، (۶۵۱-۷۲۵) مشهورترین شاعر پارسی‌گوی هند، پدرش از ترکان جغتایی بود و خود وی در فتنه مغول از بلخ به دهلی گریخت و در خدمت شمس‌الدین آلتمش ملقب به امیرسیف‌الدین محمود شمس‌شاهی شد. وی شاعری عارف و موسیقیدان و پیرو سبک سعدی و از ارادتمندان نظام‌الدین اولیاء بود. از وی آثار مهمی برجای مانده از جمله هشت بهشت به تقلید از خمسه نظامی و پنج گنج، خسرو در دهلی فوت کرد و در نظام‌الدین در آرامگاهی که بعدها همایون‌شاه‌برگورش ساخت و حامل اشعار پارسی بسیار است به خاک سپرده شد.

○ د ۲۵۲ + نقش پارسی ۵۹.

□ **امیرخیزی**، اسماعیل، آزادینخواه و نویسنده آذربایجانی. م ۱۳۴۴، شهر ری مسجد فیروز آبادی\*.

□ **امیرزاده**، بنایی از سال ۷۸۸ در شاه‌زنده سمرقند با تصویر.

○ سیمرخ ۱۴۷.

□ **امیرسید کمال الدین**، در بهشهر روستای کوهستان، قرن نهم.

○ معماری ایلخانی ۸۳.

□ **امیرشاهی**، امیر آقا ملک با تخلص شاهی معروف به امیر شاهی سبزواری، پسر ملک جمال‌الدین از اعظم امیران سربداری، امیرشاهی، در سبزواری می‌زیست، بایستقر میرزا وی را به هرات خواند و برخی از املاک او را که ضبط شده بود به وی داد. امیر شاهی خوشنویس و شاعر و موسیقیدان بود و عود می‌نواخت و نقاش و مذهب نیز بود. م ۸۵۷ یا ۸۵۹ در سن بیش از هفتاد. جسدش را طبق وصیت به سبزواری آورده در آرامگاه خانوادگی در بیرون شهر سبزواری به خاک سپردند. وی مدتی حکمران استرآباد بود ← آرامگاه شاهی.

○ خوش ۷۷.

□ **امیر شمس‌الدین قره سنقر** نایب‌السلطنه مصر حاکم مراغه. م ۷۸۲ ← آرامگاه غفاریه.

□ **امیر شوکت‌الملک**، محمدابراهیم خان، حرم مطهر رضوی. پدر اسدالله خان علم، آرامگاه خانوادگی ایشان در ایوان طلای حرم مطهر دیواره دست راست قرار داشت که پس از انقلاب آن را به جای دیگری انتقال دادند.

○ رج ۶/۲۰۶\*

□ **امیر صفی قلی خان دنبلی**، سپهسالار شاه عباس دوم که در تسخیر قلعه قندهار ناموفق بود و در کاشان منزوی شد، آستانه حضرت معصومه آرامگاه شاه صفی صفوی ۱۱۱۶.

○ تا کاشان ۳۲۴.

□ **امیر طهماسبی**، عبدالله امیرلشکر (سرلشکر) فرزند محمدحسن معروف به حاجی خان. وی از افسران قدیمی قزاقخانه و از خادمان رضاخان پهلوی در نیل به سلطنت ایران بود. هنگام کودتای رضاخان وی امیر تومان و رئیس گارد احمدشاه

بود، اما پس از کودتا خود را در اختیار پهلوی قرار داد و به حکمرانی آذربایجان رسید اما روی هم رفته کمتر از آنچه انتظار داشت سردار سپه در حقش به انجام رساند و نظر به سوابق و علو درجه، دیکتاتور ایران نخواست او را بیش از حد ترقی دهد و سرانجام مغضوب شد، اما رضاشاه منتظر فرصت بود تا اینکه امیر طهماسبی روز ۱۴ فروردین ۱۳۰۷ در حین بازدید از جاده میان بروجرد - خرم‌آباد، در نزدیکی تپه رازان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در بروجرد جان داد و در همان شهر به خاک سپرده شد. سردار سپه در مجلس یادبود او مشارکت داشت. از وی تألیفاتی برجای مانده که از آن جمله است: تاریخ شاهنشاهی پهلوی.

○ ز ۱۷۹.

□ **امیر عبدالغفار**، جد سادات طباطبایی تبریز، در دو منار سرخاب. طباطبای از آن لحاظ که جدشان ابراهیم پسر اسماعیل دیباج، گرفتگی در زبان داشته و وقتی پدر او را مخیر می‌کند که بین قبا و پیرهن، یکی را بخرد می‌گوید طباطبای یعنی قبا. کوی سرخاب ۱۶۵.

□ **امیر عبدالله**، منارجنبان اصفهان بنای مغولی.

○ معماری ۹۱/۲.

□ **امیرعلی اکبرخان حسام‌الدوله**، امیر تومان حاکم سیستان. م ۱۳۳۳، مشهد مقبره خاص امیران قائن. وی فرزند ارشد امیر قائنات امیر علم‌خان بود.

○ رج ۲/۴۳۴.

□ **امیرعلی شیرنواپی**، (۸۴۴-۹۰۶) معروف به فانی نویسنده و شاعر ترکی‌گوی و فارسی‌سرای، رفیق و همدرس سلطان حسین بایقرا و وزیر وی و دوست عبدالرحمان جامی که



اکثر کارهایش به ترکی جغتایی است. دیوان اشعار فارسی وی ۶۰۰ بیت است نوایی تخلص ترکی و فانی تخلص فارسی وی است. از وی آثار فراوان مانده از جمله کتابی درباب برتری ترکی بر فارسی.

○ د ۱۷۶۵.

□ **امیرغیاث‌الدین بیک دنبلی**، جد ضربی‌های کاشان، معاصر با شاه‌عباس، قم حضرت معصومه بقعه شاه صفی.

○ تا کاشان ۳۲۶.

□ **امیرغیاث‌الدین ملک‌شاه**، در بنایی که امروز به‌عنوان مسجدشاه معروفیت دارد، در محله چهارباغ مشهد با کتیبه‌ای حاوی نام امیرملکشاه و سنه ۸۸۵.

○ هنر و مردم ۸۱ / آذر و دی ۱۳۴۷.

□ **امیرکبیر** ← آرامگاه میرسیدعلی همدانی.

□ **امیرکبیر، میرزا تقی خان فراهانی**، پس از شهادت او را در پشت مشهد کاشان به‌خاک سپردند و پس از چندی به‌امیر ناصرالدین شاه به‌عبتای نقل دادند بنای یادبود و اقدام برای بازسازی خانه امیرکبیر در مهران هزاوه و تدارک مجسمه امیرکبیر از روی تابلو قلمی چهره وی، کار حسن مهران که در عصر خود وی ساخته شده است.

○ کارنامه ۷۴۵ + د ۲۵۲ + رج ۳۱۸.

□ **امیرگن**، بقعه امیرگن در شمس‌آباد دزفول که بدان امیر کاشان هم گفته می‌شود، در درون بقعه آثار نقاشی‌های ظریف و جالبی دیده می‌شود که با تعمیرات آسیب دیده‌اند.

○ د ش ۳۳۶.

□ **امیرگونه گُرد زعفرانلو**، پسر محمد حسین خان

ایلخانی، از امیران بزرگ خراسان که در لشکرکشی فتحعلی شاه به‌خراسان از شاه‌رخ حمایت کرد. م ۱۲۳۴، رواق حضرت رضا(ع).

○ رج ۵۳/۶.

□ **امیرمبارزالدین آل مظفر**، معاصر با حافظ. میبند مدرسه مظفریه.

○ بحث حافظ ۱۶۱ + د ب ۱۴۴/۲.

□ **امیرنظام**، حسنعلی خان گروسی (۱۲۳۷-۱۳۱۷) ملقب به‌سالار عسکر و سالار لشکر و امیرنظام که از رجال خوشنام و لایق و هنرمند عصر قاجاریه است و از هشتادسال عمر شصت و چهارسال آن در خدمات گوناگون گذشت. فقط حاج میرزا آقاسی بود که وی را از مقام خود برکنار کرد و حکومت گروس را به‌یکی از محارم خود سپرد. حسنعلی خان برای روشنگری سیاستمداران اروپایی، سفری نیز به‌اروپا کرد و به‌شهرهای لندن و تورن و پاریس و برلن و بروکسل رفت و ضمن تقدیم هدایای ناصرالدین شاه، به‌سلاطین اروپا، دولتمردان آن قاره را نیز در مورد میرزا آقاخان که در همان سال معزول و مغضوب شده بود بااطلاع ساخت. آخرین سمت وی حکمرانی کرمان بود. وی را برابر وصیتش در بارگاه شاه نعمت‌الله به‌خاک سپردند و این رباعی را که خود او گفته روی گورش نوشته:

«ای آنکه به‌رنج بینوایی مرده  
در حالت وصل از جدایی مرده  
با این‌همه آب تشنه لب رفته به‌خاک  
اندر سرگنج از گدایی مرده»

○ رج ۳۵۹ + خوش معاصر ۵۴ + رج ۶۷ - د ۲۵۳.

□ **امیره تی تی**، در قرن دهم نواحی رودبار و منجیل مقر حکمرانی خاندان حاتمی بوده و به منطقه کوهدم، اطلاق می شده است. امیره تی تی دختر سلطان محمدخان حاتمی بوده که در ۹۴۵ در نبرد با خان احمدخان حکمران لاهیجان کشته شد به این بنادر محل مزار سید پر نور گفته می شود.

○ آق ۴۰۸.

□ **امیری، محمدصادق** - آرامگاه ادیب الممالک فراهانی.

□ **(بانو) امین، نصرت**، مجتهد و دانشمند معاصر فوت در سالهای اخیر در اصفهان تحت فولاد ○ مجله انگلیسی محجوبه. آوریل ۱۹۹۳ با تصویر.

□ **امین الدوله**، میرزا علی خان (۱۲۶۰-۱۳۲۲) پسر حاج میرزا محمدخان سینک که از مردم مازندران مقیم سینک لواسان بوده است. میرزا علی خان از ۱۵ سالگی همراه پدرش که مامور تصفیه امور معوقه میان ایران و عثمانی شده بود، به بغداد رفت و مشغول کار شد. امین الدوله لقبهای متعدد یافت: منشی حضور، امین الملک و امین الدوله و تا مقام صدارت بالا رفت وی نه تنها خوشنام ترین مرد خاندان امینی است، بلکه از خوشنام ترین مردان حکومتگر ایران در قرن ۱۴ نیز محسوب می شود، وی کوشش بسیار کرد که پسرش محسن خان را برکشد و ترقی دهد و حتی دختر شاه را برایش گرفت اما محسن خان نتوانست جانشین پدر شود و در حقیقت بعد از علی خان، بزرگ این خاندان، خانم فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه و مادر دکتر امینی بود. امین الدوله را پس از مرگ در تکیه مجاور بقعه آقا

سید محمدرضا در لشت نشا به خاک سپردند.  
○ آس ۴۲۷ + رهبر ۸۹ + رج ۳۵۴/۲ + د ۲۵۴.  
□ **امین الدوله اصفهانی عبدالله خان**، شعبان ۱۲۶۳ کربلا.

○ رجا ۱۲۶ + د ۲۵۴.

□ **امین الدوله فرخ خان** - آرامگاه امین الملک.  
□ **امین الدین جبرئیل**، پدر شیخ صفی الدین، در دهکده کلخوران در حومه اردبیل، احتمالاً از اوایل قرن یازدهم، عصر شاه عباس با کاشیکاری و گچ بری. در محوطه آن مقبره های تاریخی دیگر و یک امامزاده به نام سید حمزه وجود دارد.  
○ آذ ۱۹۷/۲ + آثار ۲-۴/۲۹۱.

□ **امین الدین، شمس الدوله**، گنبد عالی فهرج یزد.  
○ سیما شهریور ۱۳۶۸، سیر و سفر.  
□ **امین الدین کازرونی**، وزیر اتابک تکه در مدرسه وی، شیراز نزدیک مسجد عتیق. م ۵۶۷.  
○ تاما ۱۹۶.

□ **امین السلطان اول**، آقا ابراهیم پسر زال ارمنی از اهالی سلماس که در دستگاه امیرسلیمان خان اعتضادالسلطنه ترقی کرد، مسلمان شد و زن مسلمان گرفت و آقا ابراهیم از این زن به دنیا آمد. امین السلطان اول مدارج ترقی را به سرعت پیمود و سرپرستی چندین اداره را بر عهده گرفت و تا حدی مورد اعتماد شاه قرار گرفت که هنگام کسالت وی امین اقدس را برای عیادتش می فرستاد. امین السلطان در سفر ۱۳۰۰ ناصرالدین شاه به مشهد در قریه داورزن مرد و در دارالسعادة قم دفن شد.

○ رج ۲ + سیاستگر ۱۴۲/۲.

□ **امین السلطان دوم**، میرزا علی اصرخان اتابک، صدر اعظم مقتدر ناصرالدین شاه که در ۲۵

شکوفایی مشروطیت امین‌الضرب وکیل تهران شد و نیابت ریاست را برعهده داشت و آخرین سمت وی در عصر رضاشاه ریاست اطاق بازرگانی تهران بود.

حاج محمدحسین شب ۲۵ آذر ۱۳۱۱ به‌سکته قلبی درگذشت و در قم صحن امین‌السلطان دفن شد.

○ ز ۲۹۰ + رج ۴۳۰.

□ **امین‌الملک**، فرخ‌خان پسر میرزامهدی، ابتدا نامش ابوطالب بود پس از دخول در دستگاه فتحعلی‌شاه، فرخ‌بیک و فرخ‌خان نام گرفت و لقبهای امین‌الملک و وزیر حضور و بالاخره امین‌الدوله یافت. اولین سمت وی غلام بچگی شاه و اولین مأموریت دولتی وی رفع اختلاف میان فضلعلی‌خان حکمران مازندران و مردم ساری بود که به‌عزل حکمران انجامید. فرخ‌خان در دستگاه دولت بویژه هنگام صدارت میرزا آقاخان نوری ترقی کرد و در مأموریت پاریس، از سوی میرزا آقاخان معاهده‌ای را با انگلستان امضا کرد که نظیر و تالی معاهده ترکمانچای و مایه شکست و خذلان ناصرالدین شاه شد، از این‌رو فرخ‌خان را می‌توان از بدنام‌ترین رجال عصر قاجاریه دانست. فرخ‌خان در ۱۸ صفر ۱۲۸۸ مرد و در آرامگاه خانوادگی در صحن کهنه‌قم به‌خاک رفت.

○ ر جا ۱۵۱ + رج ۸۰/۳ سیاستگر ۳۰.

□ **امین خلوت**، میرزا هاشم خان کاشی برادر فرخ‌خان امین‌الدوله که پس از فوت فرخ‌خان امین‌الدوله شد (۱۲۶۴-۱۳۴۲). قم در مقبره فرخ‌خان امین‌الدوله به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۲۱۵/۳.

سالگی، رمضان ۱۳۰۰ و ارث تمام مناصب پدر شد و تا روز قتل شاه صدراعظم بود. اتابک در دوران مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه نیز به‌صدارت رسید، اما عمرش کفاف نداد که به‌صدارت احمدشاه برسد و توسط عباس آقا نامی در جلوس مجلس کشته شد. ۲۲ رجب ۱۳۲۵ مدفون در قم آرامگاه اختصاصی.

○ رج ۳۸۷/۲ + د ۲۵۴ + سیاستگر ۱۴۲/۲.

□ **امین‌السلطنه**، حاج محمدعلی خان، ابتدا داماد امین‌السلطان اول و بعد مظفرالدین شاه، رئیس صندوق سلطنتی. م ۱۳۴۰ در نودسالگی تهران، مقبره اتابک در قم.

○ رج ۴۱۹/۳.

□ **امین‌الضرب حاج محمدحسن**، تاجر بزرگ تهران و مسئول ضرب سکه‌های ناصرالدین شاهی بود که یک بار هم مخالفانش توانستند او را متهم به سوءاستفاده کنند ولی وی به‌خوبی از عهده رفع و رجوع نواقص برآمده روسفید شد. امین‌الضرب اول، در سال ۱۳۱۶، سه سال بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه در ۶۳ سالگی مرد و در نسجف جنب‌گلدسته حضرت‌امیرالمؤمنین علی(ع) به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۳۶۲/۳ + ز ۲۹۱.

□ **امین‌الضرب حاج محمدحسین**، فرزند حاج محمدحسن که در اروپا تحصیل کرد و پس از آمدن به ایران جانشین پدر شد. امین‌الضرب در جریان مشروطیت از ارکان آن نهضت شد و کمکهای مالی وی، موتور فعال انقلاب را به‌حرکت درآورد. امین‌الضرب پیش از انقلاب دوستی بی‌شائبه‌ای با سید جمال‌الدین داشت و پدر و پسر هر دو از ارادتمندان سید بودند. پس از

□ **انصاری، خواجه عبدالله** ← آرامگاه خواجه عبدالله انصاری.

□ **انصاری، شیخ مرتضی** - از بزرگترین علمای جهان تشیع، م ۱۲۸۱ در ۶۷ سالگی نجف. ○ رج ۶/۲۶۱ + د ۲۷۳.

□ **انصاری اصفهانی**، میرزاعلی متولد ۱۲۴۸ اصفهان، فاضل، ادیب و شاعر. م ۱۳۰۵ در ۵۷ سالگی، اصفهان، نجف. ○ رج ۶/۱۵۵.

□ **انوار** ← آرامگاه شاه قاسم.

□ **انوری**، بلخی شاعر معروف مدفون در بلخ و یا مقبره الشعرای تبریز. ○ کارنامه ۶۹۲.

□ **انوشیروان**، دراشکفت (غار) کولکنی در منطقه مازن لرستان (آل ۵۴۴) در تیسفون یا پیرامون آن. ○ آناهیتا ۲۰۶.

□ **انوشیروان** از قرار خواسته خودش، در شاهنامه فردوسی:

«چومن بگذرم زین جهان فراخ  
برآورد باید مرا خوب کاخ  
به جایی کزو دور باشد گذر

نسپرد برو کرس تیزپر  
دری دوربر چرخ ایوان بلند  
به بالا برآورده چون ده کمند»  
○ ش ۸/۲۵۶ + ری ۳۷۸.

□ **انوشیروان**، از قرار نوشته مجمل التواریخ. انوشیروان عادل بر کوهی گویند گنبدی ساخته و او را به طلسم بر تخت نشانده.

○ مجمل ۴۶۴ + ری ۳۷۸.

□ **(قبر) انوشیروان**، آياغار یا دخمه محل دفن

انوشیروان در لرستان است. حمید ایزدپناه.  
○ فم ۴/۲۱۷.

□ **اوترام**، ژنرال اوترام انگلیسی که در جریان جنگهای ملی میان نیروهای انگلیسی و دلیران تنگستان کشته شد کتیبه روی گور را به خط عبری نوشتند که کسی نتواند بخواند، نقل از روزنامه جنوب چاپ بوشهر، در این نوشته ایرانیان را که مدافع کشور خود بوده و در برابر مهاجمان انگلیسی مقاومت و جانبازی کردند وحشی خوانده اند\*

□ **اوحالدین بلیانی**، در بلیان یک فرسخی کازرون.  
○ ل ۲/۴۷۹.

□ **اوحدی مراغه‌ای**، (۶۷۳-۷۳۷) لنجان.  
○ فک مؤلفان ۷۰۳.

□ **اوحدی مراغه‌ای اصفهانی**، رکن الدین اول تخلص صافی دوست داشت. شاعر عرفانی قرن هشتم. م ۷۳۸، آرامگاهش در مراغه با سنگ قبر مورخ ۷۳۸. بنای آرامگاه روبه‌خرابی بود که در ۱۳۵۴ انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) ساختن آرامگاه را آغاز کرد.  
○ کارنامه ۶۶۶ + د ۲۹۲.

□ **اورنگ زیب، بابری** پسرشاه جهان، اورنگ آباد دکن بقعه‌ای مشابه با تاج محل\*  
□ **اوزون حسن آق قویونلو**، اصفهان، خواجه دروازه حسن آباد بنایی از قرن نهم.  
○ تاما ۱۸۰.

□ **اوکتهای قآن**، حکمران مغول پسر چنگیز که در سال ۶۳۱ در یورت اردو بالغ در شمال مغولستان و دامنه جبال قرا قروم، در اثر افراط در نوشیدن شراب مرد. این شهر بعدها قرا قروم نام گرفت.

خسارا که از گنج‌نامه همدان آورده شده بود پوشاندند و روی آن صفحه فلزی قرار دادند که در بالای آن نوشته شده: ایرج میرزا جلال‌الملک تولد ۱۲۹۰، درگذشت ۱۳۴۴ در دو صفحه فلزی برابر هم با غزل ویژه‌ای که خود بدین منظور سروده بود با این آغاز:

«ای نکویان که در این دنیا بید  
بیا از این پس که به دنیا آید  
این که در خاک نهفته است منم  
ایرجم ایرج شیرین سخنم»

جمعاً ده بیت.

○ کارنامه ۷۳۸ + ز ۳۱۲ + رج ۱۷۴ + د ۳۳۷ +  
چهره‌ها ۸۱.

□ **ایروانی**، علی آقا، آیت‌الله ایروانی (۱۳۰۱-۱۳۵۴) از مجتهدان نامدار با تألیفات مهم. مدفون در حجره کازرونی، نجف.

○ ز ۳۱۹.

□ **ایزد گشسب گلپایگانی**، شیخ اسدالله معروف به ناصرعلی شاه. م ۱۳۶۶ اصفهان تخت فولاد.

○ ز ۳۲۱.

□ **ایلتوتمیش** ← آرامگاه آلتوتمیش.

□ **اینانج**، حکمران ری در عصر سلجوقیان، مشابه و معاصر بابر طغرل که اکنون نیمه ویران است.  
○ معماری ایلخانی ۱۴۰ + برج نقاره‌خانه از عصر آل بویه یا سلجوقیان + معماری ۷۷/۲ و ۱۰۵ ایلخانی تصویری که پیش از خراب شدن گرفته شده است.

□ (منسوب به)، **ایوب پیامبر**، در دهکده بن‌لنگای تنکابن. تاریخ خود بنا معلوم نیست ولی در حیاط آن سنگ قبرهای دویست ساله دیده می‌شود.  
○ آس ۸۷/۳.

○ تاغ ۱۴۹.

□ **اولجایتو**، آرامگاه سلطان محمد خداپسند ← آرامگاه سلطانیه.

□ **اولجای خاتون**، دختر ارغون خان و صومعه چسبیده به آن در کوهی مجاور شهر زنجان.  
○ س ۲۴۱.

□ **اولیا سمیع**، خطاط و خوشنویس قرن ۱۳. فوت در شیراز سال ۱۳۰۱ مدفون در عتبات.

○ خوش ۶۲۴ + رج ۲۰۴/۶.

□ **اویس ایلکانی** ← آرامگاه سلطان اویس.

□ **اویس قرن**، منسوب به وی در شوسترکه به کلی خراب شده و از بین رفته است.  
○ د ش ۷۴۶.

□ **اویس قرن**، اویس‌القرن در شمال غرب کرمانشاه، قرن اول تا عصر سلجوقی.  
○ معماری ۸۴/۲.

□ **اهلی شیرازی**، م ۹۴۲، شیراز در پایین آرامگاه حافظ.

○ ۱ ق ۵۳ + تان ۷۴.

□ **ایجی**، قاضی عضدالدین (۷۰۱-۷۵۶)، دانشمند معروف که به مقام قاضی القضاتی ایران رسید و سرانجام در زندان امیر مبارزالدین فوت کرد و در ایچ شبانکاره به خاک رفت.  
○ تاغ ۵۱۰.

□ **ایرج پسر فریدون**، وسلم و تور برادرانش که توسط منوچهر کشته شدند. در ساری که در زمان ظهیرالدین مرعشی به سه گنبد معروف بوده است.  
○ مازندرانس ۸۹ + د ۳۳۷.

□ **ایرج میرزا**، وی در آرامگاه ظهیرالدوله دفن بود و در سال ۱۳۵۲ خ برای تهیه سنگ قبر مناسب و بنای آرامگاه برای وی اقدام شد. گور را با سنگ

- **ایوب انصاری**، در دوازده کیلومتری نکاب، از نیمه دوم سده نهم.  
○ معماری ۸۴/۲.
- (بقعه)، **ایوب انصاری** در نکاب.  
فم ۲۲۱/۴.

## ب

### از آرامگاه باب تا آرامگاه پادشاهان اشکانی

- **باب**، سید محمدعلی شیرازی، باب که رجال عصر قاجاریه با وی برخورد های گونه گون داشتند. وی توسط حاجی میرزا آقاسی دستگیر و زندانی شد و پس از آن چون در نقاط مختلف ایران به طرفداری از وی، متابعتش آرام نمی نشستند به توصیه امیرکبیر و موافقت ناصرالدین شاه، وی را در تبریز محاکمه و اعدام کردند. داستان اعدام وی و خوردن تیر به طناب دار و فرار وی و دستگیری مجدد و اعدام وی را دقیقاً نوشته اند و در پایان مقال آمده است که جسد آن دوتن (نفر دوم ملاحسین یار وفادار وی) را که سوراخ سوراخ شده بود به وسط برج میدان انداختند تا خوراک سیاع و طیور شدند و یا میان خندق کنار میدان انداختند. اما بنابر ادعای بابیان و بهاییان بدن وی را به فلسطین برده در آرامگاهش، در جبل کرمل به خاک سپردند. بدیهی است چنین اقدامی در آن عصر بسیار مشکل و تقریباً محال بوده و جای شک در آن است م ۱۲۶۵.
- رج ۲/۲۰۳ + تابها ۲۳۱
- **بابا احمد**، در بهبهان - کار ندمی.  
○ معماری ۸۶/۲.
- **بابا اسماعیل**، در دو منار سرخاب تبریز. خانقاه
- و آرامگاه خواجه سعدالدین ساوجی از فرزندان شیخ احمد جام که در سال ۷۳۸ فوت و در این محل به خاک سپرده شده است. کوی سرخاب تبریز.  
○ کوی سرخاب ۲۲۸ + آذ ۴۰۱.
- **بابا افضل** - آرامگاه افضل الدین کاشانی.
- **بابا بزرگی**، در دهکده نیگجه در آذرشهر آذربایجان، با سنگ قبری که نام عارف پیر بایزید ابن بابا بیدل بر آن منقوش است با تاریخ ۷۱۲.  
○ آذ ۵۱۳.
- **بابا بیات** - آرامگاه بابا افضل.
- **بابا پیر**، آرامگاه یکی از سرداران مسلمان که در جنگ نهاوند کشته شد.  
○ جغ ۱۳۲۵ + احتمالاً آرامگاه باباپیر در خوانسار.
- **باباپیر**، در خوانسار، مانده از سده ۶ و ۷.  
○ معماری ۹۱/۲.
- **بابا توکل**، شاعر قرن چهارم در بجنورد.  
○ جغ ۶۲۳.
- **بابا حزقیل**، پدر دانیال پیغمبر در محله مسجد جامع دزفول.  
○ دش ۳۷۱.
- **بابا حسن**، حظیره بابا حسن نهیدی از عارفان

مدفون در آرامگاه شاعران (مقبره الشعرا) که در ۶۱۰ مرده است.

○ آذ ۴۰۰ + کوی سرخاب ۱۲۷.

□ **بابا حسن**، در لوندویل آستارا، بقعه باباحسن از شاگردان شیخ زاهد گیلانی.

○ آس ۲۲.

□ **باباودین**، ردن یا نورالدین در کوچه‌ای به همین نام در ارونق تبریز.

○ آذ ۹۳.

□ **باباارکن‌الدین**، تخت فولاد اصفهان. بابارکن‌الدین مسعود بن عبدالله بیضاوی فارسی عارف مشهور مقتول در ۷۶۹،

○ آص ۱۲۶ و ۸۴۷ + ل ۲۷۹۶ + د ۳۴ + سده یازدهم هرم پنج‌ضلعی و گنبد دوش‌هرمی ۱۲ ترک. آط ۲۷۶ + قاجاریه. معماری ۹۱/۲ + بانی گنبد شاه عباس صفوی است د ۳۵۷ + آثار ۳۰۲/۴ + یادگار ۲/ص ۴۳.

□ **بابازید**، خرم‌آباد روستای بابازید.

○ معماری ۹۷/۲ و ۱۲۳.

□ **بابازید مولانا محمد**، از عارفان مدفون در آرامگاه شاعران. مقبره الشعرا تبریز.

○ آذ ۴۰۰ + در حظیره بابازید کوی سرخاب ۱۳۴

□ **باباشاه مسافر نقشبندی**، از مشاهیر متصوفه سده ۱۲، اهل آسیای مرکزی که بالاخره در اورنگ

آباد هند مقیم شد و در همان مکان به رحمت خدا رفت ۱۱۱۰. آرامگاه در محل باصفایی به نام

پانچکی یعنی آسیای بادی واقع شده که آن را آصف‌جاه اول ساخته است.

○ نقش پارسی ۱۱۷.

□ **بابا شجاع** ← آرامگاه ابولؤلؤ در کاشان.

□ **باباشیخعلی**، عارف صاحب کرامت در عصر

زندیان، در پای کوهی که بر فراز آن آرامگاه سیدواقف ساخته شده درافوشته نطز، بنای آجری ساده.\*

□ **باباطاهر**، آرامگاه قدیم. باباطاهر عریان از عارفان قرن پنجم است و داستان ملاقات وی با طغرل سلجوقی در راحت‌الصدور چاپ محمد اقبال ۹۸ و ۹۹ آمده است، بنای آرامگاه قدیم عبارت بوده است از برج نیمه ویرانی در روی تپه‌ای که اکنون آرامگاه نوین بر فراز آن دیده می‌شود، در مقابل این بنای قدیمی که از قرن ششم برجای مانده است، بنایی مرکب از چند اطاقک معمولی قرار داشت که محل سکونت درویشهای فرصت‌طلب بود. در عصر رضاشاه تصمیم گرفته شد که بنای آرامگاه بازسازی شود. این بنا را خراب کردند و در طی این عملیات بود که یک‌لوحه کاشی فیروزه‌رنگ مربوط به سده هفتم کشف شد که اکنون در موزه ایران باستان است.

○ کارنامه ۴۴۲.

□ **بابا طاهر آرامگاه دوم**، در عصر رضاشاه، به علت اینکه بنای سابق در حال فروریختن بود و محوطه آرامگاه نیز آلوده و نامناسب می‌نمود، بنای جدیدی مرکب از گنبد و بنای آجری چهارگوش ساختند که متأسفانه به پایان نرسید و ناتمام ماند تصویر آرامگاههای پیشین و نوشته جدید سنگ مزار در کارنامه.

○ کارنامه ۴۴۶ + د ۳۵۷.

□ **باباطاهر**، آرامگاه نوین، چندسال پیش از جشن هزاره ابن سینا (۱۳۲۹ خ) انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) کوشش بسیار به عمل آورد که بنای دوره رضاشاه را به صورت آبرومندی به پایان برساند، اما بنابر تقاضای مردم

همدان و پیشنهاد مقامات انجمن، بنای جدیدی را به روی همان تپه اولی که بنای دوم را رویش ساخته بودند پی افکنده آرامگاه جدیدی بر مبنای طرحی که از سوی مهندس سیحون و مهندس فروغی، با الهام از برج آرامگاهی ابوعلی سینا، تدارک شده بود ساخته شد.

○ کارنامه ۴۴۷ + ۲۵۷.

□ **باباطاهر**، شخصیت‌های مهم مدفون در جوار باباطاهر:

۱- محمد بن عبدالعزیز، ابوالوفا ادیب نامی قرن سوم. کاشی مزار وی از قرن هفتم اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

۲- ابوالفتح اسعد ملقب به مجدالدین مدرس نظامیه بغداد. م ۵۲۷.

۳- حاجی میرزا علی نقی کوثر از دانشمندان قرن ۱۳ حکیم و پزشک.

۴- چندتن از معاریف نیمه قرن ۱۴، سید تقی قلندر از عرفا، سیدصفا و مفتون کبریایی از ادبا و چند نفر دیگر.

○ کارنامه ۴۶۱.

□ **باباطاهر**، ابراهیم صفایی.

○ نم ۳۷۲.

□ **باباطاهر**، در محله‌ای به همین نام در جنوب شهر خرم‌آباد که به اعتقاد مردم آرامگاه باباطاهر است و ظاهراً تا چندی پیش نیز کتیبه‌ای حاوی چند دوبیتی منسوب به باباطاهر در این بقعه وجود داشته که امروز وجود ندارد.

○ آل ۱۴۴ + در مغرب قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد + معماری ۹۷/۲.

□ **باباطاهر عربان** - آرامگاه باباطاهر.

□ **باباعلمدار**، بقعه باباعلمدار در محله خواجهی

اصفهان.

○ آص ۲۲۲.

□ **باباعلی**، بقعه باباعلی در دهکده باباعلی، آستارا. از شاگردان شیخ زاهد گیلانی.

○ آص ۲۳.

□ **بابا فرج**، در حظیره باباحسن، کوی سرخاب تبریز.

○ کوی سرخاب ۱۲۷ + هنر ۴۱۷/۸ + آثار ۴۱۷/۲.

□ **بابا فرید** - آرامگاه فریدالدین گنج شکر.

□ **بابا قاسم**، بنایی زیبا از قرن هشتم در اصفهان خیابان هاتف کوچه بابا قاسم، مجاور مدرسه‌ای بدین نام، در معماری ایلخانی امامزاده بابا قاسم، که درست نیست (معماری ایلخانی ۱۹۵) در این بنا نوشته‌ای است که تاریخ آرامگاه را ۷۴۱ ثبت می‌کند، گنبد کاشیکاری شده و هرمی شکل است.

○ ل ۲۷۹۶ + د ۳۵۷ + آص ۷۸۵ + معماری ۹۰/۲ + هنر ۴۱۷/۸ + آینده ۹۴/۱۴ + آثار ۲۲۵/۴ + آص ۴۳۳.

□ **بابا کوهی**، ابو عبدالله محمدنواده باکویه، از شعرا و عرفای شیراز. م ۴۴۳، در نقطه‌ای مرتفع از کوهستان شمال شیراز، بنایی مشتمل بر چند اطاق و مهتابی، از آثار مؤیدالدوله طهماسب میرزانوه فحتعلی‌شاه که در ۱۲۷۵ ساخته شده است و پس از آن هم مرتب ترمیم یافته است.

○ ق ۱۵۲ + معماری ۸۶/۲ + تان ۲ و (۲۱).

□ **بابا لقمان**، آرامگاه لقمان بابا سرخس ۱۴۰ + در سه کیلومتری شمال آن، بنایی از ۷۵۷.

○ معماری ۸۸/۲ + ایران یک ۱۸۴.

□ **بابالؤلؤ** - آرامگاه ابولؤلؤ.



□ **بابا مرزی**، بقعه بابا مرزی کنار رودخانه‌ای بدین

نام در آستارا.

○ آس ۲۳.

□ **باباماسافر**، قم در شمال شرقی شهر، باغشاه، صفویه.

○ معماری ۷۸/۲.

□ **بابانوش**، اصفهان مسجد مقصود بیک.

○ ل ۲۷۹۶.

□ **باباولی**، مدفن قادر پیغمبر، بقعه باباولی در دهکده‌ای بدین نام در دیلمان. بنای چهارگوش و دری که در ۱۳۴۸ خ دزدیده شده با نقاشیهای آیینی در دیواره اطاق و ایوان و سقف ایوان و صندوق با کتیبه فارسی و تاریخ ۹۹۹.

○ آس ۲۵/۲.

□ **باباولی**، بقعه باباولی در جمعه بازار رشت که آرامگاه میرمحمدشاه است. رابینواز فرمانی نام می‌برد در باب رقبات وقفی این بزرگوار مورخ ۱۰۴۳، واقع در محله آفخرای رشت.

○ آس ۲۵۸.

□ **بابا یادگار**، کرمانشاه، بان زرده، قرن دهم.

○ معماری ۸۴/۲.

□ **بابا یوسف**، بقعه بابایوسف در دزفول، در گورستان مجاری پیر روین که در تذکرةالاخیار شرح آن آمده است.

○ د ش ۲۹۱.

□ **باب‌الدشتی** ← آرامگاه میرمجدالدین.

□ **بابر**، اولین سلطان تیموری هند کابل بر لب آب جوی.

○ تاریخ کوه نور ۱۲.

□ **بابک**، پدر اردشیر اول ساسانی در بقعه‌ای به نام پیرمراد داراب فارس.

○ آق ۴۲۲.

□ **باراجین**، برج باراجین در ۱۲ کیلومتری شمال قزوین، در روی بلندی به طوری که از قزوین به خوبی دیده می‌شود، بنا هشت ضلعی است و با سنگ لاشه ساخته شده و متأسفانه گنج‌داران آن قدر در داخل آن کندوکاو کرده‌اند که هیچ اثری از گور و محراب دیده نمی‌شود و مدتها نیز این برج را که از سده چهارم یا پنجم مانده است به عنوان برج دیده‌بانی مورد بهره‌وری قرار می‌داده‌اند.

○ آق ۲۸۰ با تصویرها.

□ **بازن فن مینوتولی**، نماینده و سفیر دولت پروس در دربار ناصرالدین شاه، وی که شیفته جهانگردی و کسب دانش بود، در سفر به فارس مبتلا به طاعون شد و مرد. شیراز پشت باغ تخت نزدیک حافظیه.

○ درویشی ۲۱ + ت سامی.

□ **باز** ← آرامگاه گنبدباز.

□ **باستانی ارجان**، گنجینه ارجان.

○ شهرها ۲۸۷/۳.

□ **باستانی رودبار قصران**، دخمه قدیمی در رودبار قصران: در نزدیکی آبادی اوشان جایی که دو رود آهار و شعبه جاجرود به هم می‌رسند، سکوی بزرگی از سنگ دیده می‌شود که بدان تخت کیقباد می‌گویند از وسط این سکو می‌توان به محوطه‌ای وارد شد که از حجره‌ها و دخمه‌های متعدد تشکیل شده است.

○ آط ۱۱۲.

□ **باستی، نورعلی**، زاده شده در ۱۲۷۱ خ فرزند حاج ملا محمد عالم، فاضل، عارف، فرهنگی و معلم و خطاط. م ۱۳۴۲ خ، اصفهان تخت فولاد

تکیه ناصرعلی نزدیک مقبره فیض.

ز ۱۱/۲.

□ **باسکرویل**، باسکرویل معلم آمریکایی مدرسه آمریکایی تبریز دوست و آموزگار شادروان دکتر رضازاده شفق بود که به کمک ستارخان و ملیون تبریز شتافت و در یکی از جنگهای خیابانی کشته شد، جنازه او را با تفنگش به آمریکا فرستادند و از قراری که دکتر شفق اظهار می کرد در آمریکا از وی تجلیل شد و بدنش را در گورستان آرلینگتون به خاک سپردند، اما مدتی بعد از این کرده پشیمان شده آن را به جای دیگر انتقال دادند.

○ ت دکتر شفق.

□ **باقی**، **شیخ محمدتقی**، روحانی مظلومی که در یکی از سالهای پادشاهی رضاخان سردار سپه مورد بی مهری وی قرار گرفت و سالها در زندان و تبعید بسر برد و آرزویش سقوط رضاشاه بود و با برآورده شدن این آرزو در اواخر شهریور ۱۳۲۰ به رحمت خدا رفت و در آرامگاه آیت الله حائری در قم به خاک سپرده شد. و اما داستان مظلومیت وی: در نوروز ۱۳۰۶ ملکه تاج الملوک و بستگان و دوستانش رفته بودند قم و در اطاقی که پنجره ای شیشه ای داشته و محتوای آن از خارج قابل رویت بوده، با لباسهای نامناسب و کوتاه می ماندند. مردم کنجکاو متوجه این نکته شده جمع می شوند و خطر آشوب و بلوا حس می شود، شیخ محمدتقی که از نزدیکان آیت الله حائری بوده ایشان را با احترام به خانه نایب التولیه می رسانند... غافل از اینکه فردی از خبرچینان داستان را با آب و تاب به رضاشاه خبر می دهد و وی با لباس کار و چکمه پوش به قم آمده وارد صحن می شود و باقی را کتک می زند و به دستور

وی پیرمرد را به تهران برده زندانی می کنند.

○ ز ۱۹ + گوهرشاد ۳۰ + تاب ۲۸۲/۴.

□ **باقرخان** ← آرامگاه سالار ملی.

□ **بامداد رفیع**، رفیع الملک متولد در مشهد. شاعر و تاریخ نگار فوت ۱۴ مرداد ۱۳۱۹ در ۸۲ سالگی. امامزاده عبدالله شهر ری. پدر مهدی بامداد.

○ ز ۲۳/۲ + رج ۱۰۳/۵.

□ **بامداد محمدعلی**، متولد ۱۲۶۳ خ دولتمرد عصر پهلوی دانشمند و آزادیخواه. م ۱۳۳۰ خ امامزاده عبدالله.

○ ز ۱۱/۲.

□ **باهو** ← آرامگاه شاه باهوی حق.

□ **بایزید بسطامی**، عارف معروف در قریه بسطام در شش کیلومتری شمال شهر شاهرود، در حوالی این قریه دو گروه ساختمانی وجود دارد یکی خود آرامگاه است با سردر و گنبد هرمی شکل و یکی مسجد و آرامگاه برجی کنار آن. آرامگاه احتمالاً کمی بعد از فوت بایزید در قرن ششم ساخته شده بود. در دیوار آن تاریخ ۱۱۲۰/۵۱۴ هنوز قابل بازیابی و خواندن است. آثاری نیز در اطراف بنا دیده می شود. از جمله بقایای دیواری از دوران سلجوقی و یک مناره از همان عهد تصویر در ایران یک ۱۰۱

○ هنر ۳۹۴/۸ + د ت ۳۵ + جغ ۷۵۸ + معماری ایرانی ۸۹ + معماری ایلخانی ۱۳۸ + عکس آلبوم تصویر شماره ۱۹.

□ **بایسنقر میرزا گورکانی** تیموری، مسجد گوهرشاد مشهد.

○ تا ۳۷۲/۶.

□ **بجستانی**، حائری، سیدمیرزا هادی (۱۲۹۷-)

۱۳۶۸) عالم روحانی از شاگردان میرزا محمد تقی شیرازی در شمال صحن کربلا، ایوان مروارید.

○ ز ۳۴/۲.

□ **بختی آغا** ← آرامگاه دومنار در دردشت اصفهان در فهرست اعلام بخت آقا.

○ معماری ایلخانی ۱۸۱.

□ **بدر جهان بیگم**، دختر سید محمدخان که عمه پدرش سید محمدخان موسوی دختر شاه عباس اول بوده است م ۱۰۷۲

○ آثار ۳۱/۱-۲.

□ **بدیع الزمانی**، مهی سندی عبدالحمید متولد ۱۲۸۳ خ، دانشمند و روحانی عصر پهلوی.

م ۱۳۵۶ خ، تهران، بهشت زهرا.

○ ز ۳۹/۲.

□ **براء بن مالک انصاری**، بقعه براء بن مالک قدیمترین مزارات شوشتر. وی از صحابه حضرت محمد (ص) بوده است، براء هنگام جنگ برای تصرف شوشتر در این شهر کشته شده و به خاک سپرده شده، عمارت فعلی از ۱۳۲۰ است.

○ د ش ۶۸۳ + معماری ۸۵/۲.

□ **بوج ارس**، برج ارس در روستای قارلوجا جاده خمارلو - اصلاندوز قرن هشتم.

○ معماری ۸۴/۲.

□ **برج اسود**، معروف به جوهر، از اولیاء الله در جزیره قشم با بنایی کهنه و نیم ویرانه با چهار لوحه چوبین نوشته دار که در داخل نصب شده و حاوی تاریخ بناست (۱۲۴۴) در داخل بنا برخی گچبریها و تزیینات دیده می شود.

○ آش ۷۹۴.

□ **برجی ملک** در جزیره هرمز، احتمالاً بنایی از عصر سامانی یا سلجوقی برخی ویژگیهای آن با

شیوه معماری گنبدکاووس قابل مقایسه است.

○ آش ۷۰۶.

□ **بُودَع**، مقبره برجی بردع یا بردعه، شهر بردعه در زمان سلجوقیان و ایلخانان شهری مهم و اقامتگاه سلاطین ایلخانی بود، در شمال رود ارس در ناحیه قراباغ. خانیکف محقق روسی از آن در ۱۸۵۷ دیدن کرده است و کتیبه بالای سردر جنوبی آن را خوانده است با تاریخ شوال ۷۷۲ قمری ۱۳۲۳ و در بالای سردر جنوبی: عمل احمد بن ایوب الحافظ نخجوانی.

○ معماری ایلخانی ۱۷۱ + آرامگاه شروانشاه. د ب ۷۰۷/۶.

□ **بردای دروغی**، یا گشومات غاصب که در ۵۲۲ ق م. به دست داریوش و گروهش کشته شد. در سیکایو آتیش در ناحیه سکاوند، ۱۵ کیلومتری هرسین که به نامهای اسحاق وند، ده نو و فرهاد تاش خوانده شده است.

○ ۱ ق ۳۳۲.

□ **برغانی**، حاج ملا محمد تقی قزوینی برغانی متولد ۱۱۸۳، مجتهدی که در ۸۰ سالگی به سال ۱۲۶۳ به اشاره برادرزاده و عروسش قره العین کشته و در محراب مسجد شاهزاده حسین قزوین به خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۰۴ + باب کیست ۱۸.

□ **برغانی حاج ملا محمد تقی** ← آرامگاه شهید ثالث.

□ **بُورقار** سلجوقی در اصفهان.

○ ل ۲۷۹۸.

□ **بروجردی**، حاج آقا حسین ← آرامگاه آیت الله بروجردی.

□ **بروجردی**، حاج شیخ عبدالرحیم متولد

۱۲۲۴. از ۱۲۵۸ مقیم مشهد شد و از ۱۲۶۶ به تولیت آستانه رسید، فوت ۱۳۰۹، آستان قدس رضوی.

○ یاق ۲۶۴.

□ **بروجردی**، حاج شیخ علی اصغر بروجردی و گروهی از مجاهدان مشروطیت و سربازان سیلاخوری تهران، در کوچه نزدیک چهارراه امیرکبیر و سیروس.

○ آ ط ۴.

□ **برومند نورعلی** (۱۲۸۵-۱۳۵۵) فرزند میرزا عبدالوهاب خان، نورعلی از کودکی موسیقی را دوست داشت و در نوجوانی شاگرد درویش خان بود. او را برای تحصیل پزشکی به آلمان فرستادند ولی در سال آخر تحصیل طب نابینا شد و به ایران بازگشت و پس از آن تمام زندگی خود را وقف موسیقی کرد و آثار مهمی از خود برجای گذاشت. وی اولین استاد گروه موسیقی دانشگاه بود. آرامگاه ظهیرالدوله.

○ مردان موسیقی ۴۴۸.

□ **برهان الدین ساغرچی**، سمرقند.

○ سیمرغ ۱۶۲.

□ **(درگاه) بزرگ مخدوم جهانیان**، مرقد پیری به نام شیخ یحیی مانیری ملقب به مخدوم (جهانیان) جهان گشت م ۶۹۰، معروف است که محمدتغلق و سکندر لودی و بابر به زیارت آن درگاه رفته اند. در عصر جهانگیر در کنار این بنا مسجدی ساخته شده که کتیبه ای حاوی یک قطعه شعر فارسی دارد، این آرامگاه در قریه مانیر شریف در شهر پتنا است.

○ نقش پارسی ۱۰۲.

□ **بزرگ یا قلعه ساسان**، در کنار دریاچه سد

سفیدرود و جنوب تپه امامزاده قاسم در منطقه سمیران طارم، با برجی مستحکم و زیبا و برازنده، هشت ضلعی که از برج کوچک سالم تر مانده است، با تزیینات داخلی و خارجی. احتمال می رود در داخل این برجها، گورهای سنگی و استودانهای ساسانی وجود داشته است، چندی پیش دو جسد سالم در برج بزرگ پیدا شده است با کتیبه ای به خط کوفی.

○ آ ق ۴۲۷.

□ **بزرگ نیا، محمد** (۱۳۲۰-۱۳۴۷) فرزند حاج عبدالحسین تهرانی، شاعر متخلص به دانش و نماینده مردم خراسان در دوره چهارم مجلس شورای ملی. آرامگاه ظهیرالدوله شمیران

○ سخنوران نامی ۱۳۳۷/۲.

□ **بزرگان**، گورخانه رجال تاریخی و دخمه گبرها در ری، آرامگاههای: مرداویش زیاری، فخرالدوله دیلمی، طغرل سلجوقی، اینانج حاکم ری، استودان بزرگ امید و دخمه گبرها یا قلعه گبرها.

○ ری ۳۸۲ و ۴۵۱ و ری ۲۲۰/۲.

□ **بسطام**، برج آرامگاهی بسطام مشابه با برج علاءالدین در ورامین که آسیب دیده و در حال خراب شدن است.

○ معماری ایلخانی ۱۳۸ و تصویر + هنر ۳۴۹/۸.

□ **بسطامی**، امامزاده محمود، قرن هفتم بسطام.

○ هنر ایران ۳۵/۵ + هنر ۳۵۰/۸.

□ **بشرویه ای**، ملاحسین از اصحاب باب بن دیوار مقبره طبرسی مازندران یا جنب ضریح شیخ طبرسی.

○ رج ۳۸۳.

□ **بقیع**، بقیع الغرقد یا البقیع قدیم ترین گورستان اسلامی در جنوب شرقی مدینه به فاصله کمی از

اصفهان سود فراوان برد و سرانجام در اثر اختلاف با مشیرالملک منشی دیگر ظل السلطان، از ایران به مصر رفت و سالها در بدری کشید و سرانجام به اصفهان مراجعت و در این شهر با خواری مرد. اصفهان تخت فولاد.

○ ج ۱/۲.

□ **بوالعلا**، بقعه بوالعلا در خیابان عسجدی معروف به خیابان ابوالعلا که امروز نوسازی شده و نامش و شرح احوال و شأن نزولش همه در تذکره دزفول آمده است.

○ د ۳۷۸

□ **بوعلی دقاق**، در بیرون شهر نسا.

○ هنر و مردم ۵۹/۳۰ شهریور ۱۳۴۶.

□ **بوزان** ← آرامگاه امامزاده کرار.

□ **بهاء، بهاءالله**، میرزااحسینعلی نوری (۱۲۳۳-۱۳۱۰) مؤسس آیین جدید بهایی. وی باب را ندید، اما خود را خلیفه و جانشین او می دانست و در این مرحله رقیب و مخالف وی برادرش صبح ازل بود. پس از واقعه سوء قصد به ناصرالدین شاه که بابی ها از ایران رانده شدند، بهاء و برادرش نیز به عراق و اسلامبول رفتند، چند سال بعد دولت انگلیس بها را تحت حمایت خود گرفت و به عکا در فلسطین برد، در حالی که صبح ازل را به قبرس فرستادند. کتاب مهم بهاء اقدس نام دارد و اثر دیگر وی ایقان است. بهاییان وی را جمال مبارک و جمال قدم می خوانند. بهاءالله در عکا مرد و در آرامگاه خاص خودش دفن شد.

○ د ۴۷۵ + ر ج ۴۳۵.

□ **بهاءالدوله ابونصر فیروز**، (۴۰۳-۳۶۱) فرزند

عضدالدوله که پس از قتل صمصامالدوله بر فارس و خوزستان مسلط شد. وی در کشمکشهای میان

مرقد حضرت محمد(ص). اولین شخص مهمی که در بقیع مدفون شد عثمان بن مظعون بود که در سال پنجم درگذشت و از این زمانه این گورستان ویژه مسلمانان ساکن مدینه شد. حضرت فاطمه(ع) ابراهیم فرزند محمد، زوجه های آن حضرت و ائمه بقیع: امام حسن(ع)، امام زین العابدین(ع)، امام محمدباقر(ع)، امام جعفر صادق(ع) در آنجا به خاک سپرده شده اند.

○ د ۴۳۵.

□ **بكتاش**، در اصفهان گورستانی که فقط نام آن مانده

○ آ ص ۱۹

□ **بکر بن أعین**، در جنوب دامغان، قاجاریه.

○ معماری ۹۶/۲.

□ **بلبل شاه**، سید عبدالرحمان، این صوفی بزرگ سه سال آخر عمر را در سری نگر کشمیر بسر برد و در همان جا فوت کرد وی خانقاهی به نام بلبل لنگر در مرکز کشمیر تأسیس کرد. آرامگاهش در کنار رود جهم در شهر سری نگر زیارتگاه خاص و عام از هندو و مسلمان است م ۷۲۷. با این ماده تاریخ:

«سال تاریخ وصل بلبل شاه

بلبل قدس گفت خاص الاله»

○ هنر و مردم ۱۱۲/۶۹ و ۱۱۳ بهمن و اسفند ۱۳۵۰ + نقش پارسی.

□ **بمانعلی**، ملا، صاحب حمله حیدری، پشت دیوار مسجد جامع کرمان که ابتدا آتشکده بوده است.

○ ت صوتی.

□ **بنان الملک** مستوفی، میرزارضا حکیم، منشی ظل السلطان که در تخریب بناهای صفوی در

خلیفه عباسی و معاندان وی از خلیفه طرفداری می‌کرد. وی سرانجام پس از ۱۴ سال حکومت در ۴۲ سالگی در آرجان درگذشت و در نجف در جوار حرم حضرت علی(ع) و پدرش عضدالدوله به خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۳۱.

□ **بهاءالدین زکریا مُلتانی**، (۵۶۲-۶۶۶) از نوادگان شیخ بهاءالدین زکریای سهروردی. بهاءالدین از خاندان قریش بود و مدتی در بخارا به یادگیری علوم قدیمه پرداخت. سپس به بغداد رفت و از دست شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی خرقه خلافت پوشید. در مُلتان به‌وی خیرالاعصار لقب دادند و منصب شیخ‌الاسلامی یافت. کتاب‌الاوراد او را مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به چاپ رسانده است. فخرالدین عراقی داماد او بوده است و قصایدی در مدح وی دارد.

○ میراث ۴۳۶/۲.

□ **بهاءالدین محمد نقشبند**، مؤسس طریقه نقشبندی ۷۶۶ در روستایی واقع در شمال بخارا به نام قصر عارفان.

○ تان ۴.

□ **بهاءالدین یعقوب تبریزی**، در شبستر آذربایجان در مقبره شیخ محمود شبستری.

○ آ ذ ۵۳۰.

□ **بهار، محمدتقی** ← آرامگاه ملک‌الشعرا بهار.

□ **بهبهانی**، سیدمحمد، پسر سیدعبدالله که در تهران مرجعیت داشت، زاده شده در ۱۲۵۲ خ که در آبانماه ۱۳۴۲ در ۹۲ سالگی مرد. نجف در مقبره پدرش. وی از مخالفان سرسخت دکتر مصدق و از عوامل سقوط وی بود.

○ رج ۲۸۹/۲.

□ **بهبهانی** ← آرامگاه آقا سید عبدالله.

□ **بهجت**، میرزا جعفر متخلص به بهجت زاده متولد شده در ۱۲۳۱ اصفهان، م ۱۲۹۶ در شیراز دارالسلام.

○ رج ۶/۶۴.

□ **بهجت‌السلطنه**، دختر قوام‌الدوله و همسر مشیرالسلطنه ← آرامگاه مشیرالسلطنه.

□ **بهزاد** ← آرامگاه کمال‌الدین بهزاد.

□ **بهمن**، اصفهان.

○ ل ۲۷۹۸.

□ **بهمنیار، احمد**، متخلص به دهقان، از مریدان حاج محمدکریم خان ابراهیمی رئیس فرقه شیخیه که استاد دانشکده ادبیات در زبان عربی بود، فوت در تهران ۲۱ آبان ۱۳۳۴. بنابر وصیت به کربلای معلّا برده شد.

○ ز ۱۲۶۲.

□ **بی‌بی**، گنبد بی‌بی در تفرش بنایی از سده هشتم.

○ معماری ۸۱/۲.

□ **بی‌بی حکیمه خاتون**، در شهر کرد که از عصر اتابکان برجای مانده است.

○ معماری ۹۷/۲.

□ **بی‌بی دختران**، در محله میدان شاه (سابق) شیراز یا سه باغ، تیموری.

○ معماری ۸۷/۲.

□ **بی‌بی زبیده**، فاطمه دختر حضرت امام حسین(ع) همسر حضرت قاسم بن الحسن که به زبیده خاتون و بی‌بی زبیده معروف است، واقع در شهر ری نزدیک کارخانه گلیسرین. احتمالاً مقبره زبیده دختر عم و همسر ملک‌شاه که مادر بُرکیارق سلجوقی است.

□ **بی‌بی عایشه ملک خاتون**، آرامگاه طاووس در ابرقو، آرامگاه حسن کیخسرو، پدرش.

○ ۱ ق ۵.

□ **بی‌بی فاطمه**، دختر شیخ زاهد گیلانی و همسر شیخ صفی‌الدین. م ۷۲۴، مجموعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل.

○ آذ ۱۸۱.

□ **بی‌بی فاطمه زن امیر چخماق**، یزد در حوالی میدان امیر چخماق.

○ ی ۳۲۱.

□ **بی‌بی گزیده خاتون**، در دزفول، بقعه بی‌بی گزیده خاتون، بقعه کوچکی در جوار پیر روبن و نقشهای مشابه با نقاشیهای عصر صفوی.

○ د ش ۴۰۹.

□ **بی‌بی مریم**، زیارتگاه بی‌بی مریم در جزیره قشم، نزدیک آبادی گوسه در قبرستان قریه نوریان بنا دارای گچبری و فاقد نوشته است، سده نهم.

○ معماری ۹۶/۲ + آش ۸۰۱.

□ **بی‌بی هاجر خاتون**، در کرمان - ماهان.

○ معماری ۸۸/۲.

□ **بیدآبادی** ← آرامگاه حاج میرزا محمدجعفر.

□ **بیدل**، در نزدیکی پورانا قلعه (دژ کهنه) دهلی. میرزا عبدالقادر بیدل شاعر پارسی‌گوی افغانی تبار هند بوده است. آرامگاه به همت نجیب‌الله خان سفیر کبیر افغانستان در دهلی بنا شد و بر سنگ قبر او تاریخ وفات وی ۱۱۳۳ نقل شده. تاریخ ساختمان آرامگاه ۱۳۷۴ است.

○ نقش پارسی ۱۲۰ + ج ۷۹۴.

□ **بیلقانی** ← آرامگاه مجیرالدین.

□ **بی‌مروه**، در شرق محله بابا علی‌شاه گناوه، احتمالاً بی‌بی مریم با گنبدی از گل و گچ مشابه با

○ ری ۴۱۶ + آط ۲۴۳ + تاریخ بنا ۱۲۷۶ معماری ۷۶/۲.

□ **بی‌بی سکینه**، در سنقرآباد ساوجبلاغ، قرن دهم. ○ معماری ۷۷/۲ + بی‌بی سکینه، در سمت چپ جاده کرج اشتهازد؛ تصویر.

آق ۸۱.

□ **بی‌بی شرف خاتون**، سازه روستای فردین، پیش از صفویه.

○ معماری ۸۰/۲.

□ **بی‌بی شهربانو**، در دامنه جنوبی کوهسار امین‌آباد شهر ری با گنبد مینایی منسوب به حضرت شهربانو دختر یزدگرد سوم آخرین شهربار ساسانی و زوجه حضرت امام حسین(ع) بنایی است بسیار قدیمی، ساسانی، بویه‌ای سلجوقی، حرم و اطاق جنوبی ساسانی. بنای چهارگوش جنوب شرقی ساخته شده با سنگ و آجر بویه‌ای است، صندوق منبت حاری احادیث نبوی و القاب بی‌بی شهربانو مورخ ۸۸۸، که بانی آن استاد محمد پسر صفرشاه حداد قمی بوده است. در منبت‌کاری شده زیبایی هم از دوران شاه طهماسب برجای مانده است که بانی آن احمد ارغ بیک‌گو و سازنده آن هدایت‌الله پسر فضل بوده: گچبری‌ها و نقاشیهای مربوط به سنن و آیینهای مذهبی در این مجموعه برجای مانده که بسیار قابل اعتناست. به نظر استاد مصطفوی تنها بنای برجای مانده از روزگار آبادانی شهر ری همین است، برخی آثار از عصر قاجاریه نیز در گوشه و کنار این مکان مقدس دیده می‌شود.

○ آط ۱۸۴ و ۱۳۰ + انتساب به شهربانو دختر یزدگرد مشکوک است. یا ق ۸۵/۸ + ری ۴۰۳ + معماری ۷۶/۲.

آرامگاههای خضر و الیاس در جنوب ایران. مورد توجه و علاقه زنان گناوه. بر مبنای سنگ نوشته‌های کوفی داخل آرامگاه از قرن ۸ یا ۹. آتش ۴۸.

□ بیهقی، (ابن فندق) در ششمین سبزواری. ○ راهنما ۳۲۳/۱۶. □ بیهقی - آرامگاه ابوالحسن بیهقی.

## پ

### از آرامگاه پادشاهان اشکانی تا آرامگاه تاج‌الدین علیشاه

□ پادشاهان اشکانی - آرامگاه اشکانیان.

□ پادشاهان ساسانی

○ مجمل ۴۶۳.

□ پادشاهان و امیران صفاری، در جاسک سیستان که در ۱۳۱۳ به دست احتشام‌الوزاره، اسعدالدوله و سلیمان میرزا از ایران جدا شد.

○ رج ۳۸۶/۲.

□ پادشاهان هخامنشی، به شکل صلیب و تأثیر آیین مهرپرستی است.

○ سهم ۲۴۰ + ۱ ق ۳۷.

□ پای چنار - آرامگاه نظام‌الملک نوری

□ (مستر) پتی گروی انگلیسی، در بیرون دروازه قلعه اهرم فارس، در اکتبر ۱۳۳۴/۱۹۱۵ در کشمکشهای میان متجاوزان انگلیسی و دلیران تنگستانی، عده‌ای انگلیسی از جمله ماژور فردریک اکونور اسیر شدند و این اسرا مدت یک سال در قلعه اهرم زندانی بودند و در نهایت سختی روزگار می‌گذرانند، پتی گرو و خانمش هم از این گروه بودند که شوهر از شنیدن خبر شکست انگلستان در جنوب عراق و وضع مصیبت‌بار هموطنانش در آن خطه سخته کرد و

مرد و به خاک سپرده شد.

○ ایران در جنگ ۸۰.

□ پرواز شاه، در قصبه کمبایت در شمال بمبئی که حاوی سنگهای متعدد قبور است، از جمله زین‌الدین علی بن سلار یزدی که در ۶۸۵ مرده است و غزلی از خود وی در آن آرامگاه کنده‌کاری شده است.

○ نقش پارسی ۵۶.

□ پرویز سلماسی، قطب سلسله ذهبیه. م ۱۳۳۶، خوی.

○ فک مولفان ۱۶۰/۲.

□ پروین اعتصامی، فرزند یوسف اعتصامی،

اعتصام‌الملک ادیب و روزنامه‌نگار معاصر. پروین در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ در تبریز، در خانواده‌ای فرهنگی چشم‌به‌جهان‌گشود و علاوه بر فارسی و عربی انگلیسی هم آموخت. شاه پهلوی از وی دعوت کرد که به‌عنوان ندیمه وارد دربار شود ولی او نپذیرفت. پروین شاعری متعهد بود که در تمام نوشته‌هایش از آزادی و انصاف سخن می‌گوید و مدافع حقوق زنان است. پروین در ۱۶ فروردین ۱۳۲۰ جهان را بدرود گفت و مرگش ایران را به‌عزا



نشانند. وی را در قم آرامگاه سرکشیک به خاک سپرده در روی سنگش شعری را نوشتند که خود وی سروده بود با این آغاز:

«این که خاک سیاهش بالین است  
اختر چرخ فلک پروین است»

○ د ۵۴۰ + ز ۲۰۶.

□ **پریزاد خانم**، مورخ ۱۰۴۹ فقط کاشی حاوی این نام که صفوی است، در امامزاده یحیی تهران نگهداری می‌شود.

○ آ ط ۴۴.

□ **پسر الباجیتو**، ایلخان مغول، بسطام.

○ انجمن ۲۱.

□ **پسران حضرت علی (ع)**، پانزده نفر.

○ آ ذ ۱۰۹.

□ **پسران سلطان اویس جلایر**، دمشقیه تبریز.

○ آ ذ ۳۹۸.

□ **پسیان** - آرامگاه کلنل محمدتقی خان.

□ **پلاسید** (سید بزرگ) جد سادات آخوند محله که در عصر شاه اسماعیل به اینجا آمده است. در سادات محله رامسر با در ورودی و صندوق ظریف و پرکار.

○ آ س ۳/۳۵.

□ **پلوی آخوند ملامحمدصادق** - آرامگاه آخوند پلی.

□ **پنجه شاه**، بقعه پنجه شاه کاشان، خیابان بابائفضل بنای آل بویه، سلجوقی و صفوی.

○ معماری ۹۱/۲.

□ **پوپ**، **پروفسور آرنولد ابهام**، در سال ۱۳۱۴ خ. پروفسور پوپ طی ملاقاتی طولانی با دکتر صدیق، خواهش کرد که ترتیبی داده شود تا وی و همسرش پس از مرگ در ایران به خاک سپرده

شوند. مطلب را دکتر صدیق دنبال کرد و موافقت محمدرضا شاه را گرفت و به این ترتیب وی را پس از مرگ در شیراز، در اصفهان در آرامگاهی که در کنار پل خواجهو برایش ساخته شده بود دفن کردند. ۸ شهریور ۱۳۴۸ خ، نقشه بنا را مهندس سیحون با الهام از اسلوب معماری قرن پنجم هجری و با نظر خود پوپ تهیه کرد. با تصویر و نامه پوپ و اشعار سروده شده توسط استاد همایی که در حاشیه گنبدها نوشته شد.

○ کارنامه ۴۲۱ + آ ص ۸۶۳ با تصویر.

□ **پوپ**، **بانو دکتر فیلیس آکرم**، همسر پروفسور پوپ که در چهارم بهمن ۱۳۵۵ فوت کرد، اصفهان در جوار شوهرش.

○ کارنامه ۸۱۴.

□ **پهلوان ابراهیم یزدی**، در قم.

○ رج ۵.

□ **پهلوان اکبر خراسانی**، م ۱۳۲۲ گورستان آب انبار قاسم خان در راه شهر ری به تهران.

○ رج ۹۱/۵.

□ **پهلوان محمود قتالی** در خیوه.

○ تان ۸۱ + هنر و مردم ۲۸ مرداد ۱۳۴۶ با تصویر.

□ **پیر**، امامزاده پیر در کلخوران اردبیل با سنگی نوشته‌دار در یک مسجد، مورخ ۱۰۴۱.

○ آ ذ ۲۳۷/۲.

□ **پیر**، مقبره پیر سیدروح‌الله پسر سیدجعفر مولوی دارابی. م ۱۲۸۸ تبریز.

○ آ ذ ۱۲۵ و ۶۷۰.

□ **پیر**، در گذر سر پیر که جزو محله سبزه مشهد و معروف به پیر است و مردم اعتقادی کامل به وی دارند، از بقاع متبرکه استرabad.

○ گرگان‌نامه ۹۱.

□ **پیر، بقعه پیر** در تاکستان قزوین در یک مجموعه گورستانی، بنا چهارگوشه است و فلاندن در ۱۸۴۱ نخستین کس بود که طرحی از آن کشید بنا و تزیینات در ورودی بر مبنای سبک سلجوقی است. بنای آجری ساده، با گنبدی گرد و محفظه داخلی آن اکنون انبار سنگهای گورهای است که از قبرستان گردآوری شده است. از جمله در نقوش تزیینی داخل بنا نگاره‌های مکرر صلیب شکسته جلب توجه می‌کند.

○ آق ۳۸۵ + آ ط ۳۷۶ + معماری ۹۲/۲ + آرامگاه تاکستان، برج تاکستان بنایی چهارگوش با گنبد مانده از سده ۱۱ م. در حال خراب شدن. ایران یک ۹۶.

□ **پیر، (مقبره)** در جنب حسینی با تاریخ ۱۳۱۳، ناین.

○ شهرها ۲۴۲/۲.

□ **پیرابوعلی،** حوضی در کنار روستای شاه مهنه در گز، پیرابوعلی مرشد و استاد شیخ ابوسعید ابوالخیر است.

○ آینده ۱۷۸/۱۱.

□ **پیر اوم،** یا امامزاده میرارم، آرامگاه پیرچل گزو در جنوب شهر خورموج تنگستان با گنبد گلی.

○ آش ۲۲۷.

□ **پیراحمد کندی،** ماکو.

○ د س ۳۶۶.

□ **پیراحمد در ایهر،** سده ششم.

○ معماری ۹۴/۲.

□ **پیر اسحاق (اساق)** در جاده دزفول هفت‌تپه، یک‌کیلومتر بعد از خسروآباد، بر روی در ورودی آن نوشته شده اسحاق و اسماعیل، در درون هم

دو قبر وجود دارد، اما بدیهی است که قبر اسحاق و اسماعیل در اینجا نیست.

○ د ش ۳۲۰ + معماری ۸۵/۲.

□ **پیران ویسه،** مزار، در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی قلعه فرود و ۳۰ کیلومتری گناباد.

○ د س ۸۱۵.

□ **پیرباب،** نام وی عمر و از فرغانه بوده از مشایخ بزرگ آن صفحات و لقب باب را نیز در آنجا به‌وی داده‌اند، چه در آن دیار مشایخ بزرگ را باب خوانند. تاریخ بنا معلوم نیست و بر گورش یک بیت فارسی نوشته‌اند.

○ کوی سرخاب ۱۷۶.

□ **پیربابا مسافر،** در کرمان - شهداد، قرن هفتم.

○ معماری ۸۸/۲.

□ **پیر بایزید** فرزند بابا بیدلی - آرامگاه بابابرکی.

□ **پیر بکوان،** در آبادی پیربکران، سی‌کیلومتری جنوب غربی لنجان. بکران از علما و مشایخ عرفای ایران در عصر الجایتو بود که در این محل خانقاه و منزل او قرار داشته است، با نوشته مورخ ۷۰۳.

○ آ ص ۸۴۹ + انجمن ۲۲ + معماری ۹۱/۲ و

۱۱۱ + ایران یک ۱۶۲ + آثار ۲۱۷/۴ + آثار ایران ۲۹/۱-۲.

□ **پیربکران واشترجان،** لطف‌الله هنرفر.

○ فم ۲۲۳/۴.

□ **پیربلدی،** در محله دکان شمس شوشتر، ساختمان به کلی خراب شده و به‌عقیده مردم، پیربلدی همان کس بوده که لشکر اسلام را به‌شهر راهنمایی کرده، این محل امروز زباله‌دان شهر است.

○ د س ۷۴۶.

- **پیرجلودار**، در فومن بنایی ساده و جنگلی.  
○ آس ۱۶۲.
- **پیرجمالی**، شاگرد پیر مرتضی عالم ربانی ۸۷۹.  
اردستان خانقاه پیر مرتضی.
- شهرها ۲۴۳/۴ + معماری ۹۰/۲ + آص ۸۸۶.
- **پیر چل گزو** یا امامزاده میرام یا پیرام با سنگ  
گور و دو آشدان.  
○ آش ۲۲۷.
- **پیرچنداحسینی**، در شهر گوکی دکن، نام وی  
جلال الدین محمود است و با احمد اول و احمد  
دوم بهمنی معاصر بوده است. در ۸۵۸ جان  
سپرده و ماده تاریخ او رخ چندا می باشد در این  
درگاه کتیبه های فارسی هست.  
○ نقش پارسی ۷۲.
- **پیر حاجات** ← ابن ابی طیب.
- **پیرحبش**، بقعه پیرحبش، در کوی میرزکیان  
دزفول با گنبدی کوچک، صاحب بقعه پیری  
کامل العیار و رهبر صدق رفتار و ..  
○ د ش ۳۷۲.
- **پیرحسین**، مقبره پیرحسین در هفت کیلومتری  
جنوب بادکوبه بنایی از ۶۴۱ عصر پادشاه محلی  
به نام ابوالمظفر فربرز پسر گرشاسپ، شیروانشاه  
فربرز سوم.  
○ معماری ایلخانی ۱۱۶.
- **پیرحسین**، فرزند استاد حسن ← آرامگاه  
سیدمعزالدین
- **پیرحمزه سبزویش**، در ابرقو از سده پنجم، با  
محرابی زیبا گچبری شده و قابل قیاس با پیر  
بکران در سده ششم.
- آثار ایران ۱-۵۴/۱ + هنر ۳۹۱/۸ + اق ۵ +  
تاریخ بنا ۵۱۰، معماری ۹۳/۲ + آثار ۲۲۷/۳.
- **پیرلسگر**، در کنار مریاباد در راه حسن آباد  
به یزد، بنای هشت گوش با گنبد شلجمی مورد  
احترام مسلمانان و زرتشتیان.  
○ ی ۷۲.
- **پیربناب**، در جنوب شیراز، قاجاریه.  
○ معماری ۸۷/۲.
- **پیرپالان دوز**، مشهد پایین خیابان. در شمال  
مجموعه حرم مطهر، صفوی، مدفن محمدعارف  
عباسی از سلسله ذهبیه.  
○ د ت ۳۶ + در مشهد بالا خیابان، صفوی ۹۸۵  
+ د س ۷۲۴ + جغ ۶۳۵  
معماری ۸۸/۲.
- **پیر پالان دوز**، (مقبره پیر پالان دوز) افسر،  
کرامت الله.  
○ فم ۲۲۴/۴.
- **پیر پینه دوز**، بنایی محقر که آن را مسجد پیر  
پینه دوز یا مسجد جوباره می نامند، فقط بخشی از  
سردر آن که از عصر صفوی است برجای مانده با  
تاریخ کتیبه ۹۵۵ و کاتب آن شیخ محمدین خالد  
معلم، در محله جوباره اصفهان.  
○ آثار ۴/۲۶۰ + گنجینه ۲۷۶ + آص ۵۹۰.
- **پیرجابر ممقانی**، در ممقان آذرشهر با سنگ  
نوشته از سده های ۱۱ یا ۱۲.  
○ آذ ۵۰۵.
- **پیرجاسوس**، جانسوز در کرمان بنایی از سده  
هفتم.  
○ هنر ۸/۳۳۴ + در معماری ایلخانی. اطاق گنبد  
واقع در مشیز بردسیر ۴۳ کیلومتری  
جنوب غربی کرمان. ایلخانی ۱۰۲ + معماری  
۸۸/۲ و ۱۲۵ و ۱۲۷
- **پیرجان سوز**، ← آرامگاه پیر جاسوس.

□ **پیرحیدر**، قبر پیرحیدر. در شرق محله لولویان اسکو، با سنگ نوشته‌ای از ۱۰۳۸.

○ آذ ۵۶۱.

□ **پیرحیران**، خواجه یوسف دهنخوارقانی عارف، متوفی ۶۷۰. آذرشهر

○ آذ ۴۷۱.

□ **پیردالو**، بقعه پیردالو با گنبدی مضرس در حومه شوشتر با نوشته‌های کنده کاری شده که قابل خواندن نیست.

○ د ش ۵۶۷.

□ **پیرداوود**، در کاشان، محله پایین قمصر. صفویه.

○ معماری ۹۲/۲.

□ **پیررجب**، مزار پیررجب در روستای سپس ارونق آذربایجان.

○ آذ ۵۲۶.

□ **پیرروبن**، در دزفول محله روبن تیموری - صفوی.

○ معماری ۸۵/۲.

□ **پیرزاده**، حاج محمدعلی - عارفی که بیشتر نقاط جهان را گشت و سفرنامه‌ای هم نوشت. م ۱۳۲۱، صفایه شهر ری.

○ رج ۴۱۵/۲.

□ **پیرزاهد**، بقعه پیرزاهد در سیاه‌رود آلیان فومن، آرامگاه منسوب به شیخ زاهد گیلانی که معروف است هنگام رفتن به آذربایجان با شیخ صفی، دراین آبادی مرده و به خاک رفته است، آرامگاه واقعی در شیخزاهد محله یا شیخزاد محله لاهیجان است.

○ آس ۱۶۵.

□ **پیرزنگی**، بقعه پیرزنگی در پشت خیابان

پهلوی (سابق) دزفول که بنا را نوسازی کرده و از بین برده‌اند. پیرزنگی از صلحا و عرفای نامدار اهل زنگبار بوده است.

○ د ش ۳۷۷.

□ **پیر سبزپوش**، در ابرقو، قرن ششم.

○ معماری ۸۷/۲.

□ **پیرسله به‌سر**، بقعه پیر سله به‌سر. سله در دزفولی یعنی زنبیل و این اشاره بدان است که روی گنبد لک‌لک‌ها لانه‌سازی با چوب و علف کرده و به گنبدشکل زنبیل داده‌اند، بنای نسبتاً قدیمی با خرابه‌های اطراف.

○ د ش ۳۳۲.

□ **پیر سلیمان‌شاه جوهری**، نزدیک مزار پیر سیفی در سرخاب تبریز، جهان‌شاه آق قویونلو از مریدان وی بوده است. م ۸۴۶.

○ کوی سرخاب ۲۲۳.

□ **پیرشاه ابوالقاسم**، در سمت راست جاده شوشتر به دزفول با جاده‌ای قدیم در آبادی شاه‌آباد، با گنبد بلند و تزیینات و کتیبه‌های داخلی، شاید گور یعقوب لیث صفاری.

○ د ش ۳۳۶.

□ **پیرشجاع**، بقعه پیرشجاع. در شوش معروف به قدمگاه امیرالمؤمنین با تصویر

○ د ش ۱۰۴ + معماری ۸۵/۲.

□ **پیر شرفشاه** - آرامگاه سید شرفشاه.

□ **پیر شمس‌الدین**، خرم‌آباد، شمال دهستان تشکن. سلجوقی.

○ معماری ۹۷/۲.

□ **پیرعباس**، در شوش - سه‌راهی جاده اهواز. صفویه.

○ معماری ۸۶/۲ با گذشته‌ای کهن آش ۱۰۱.

- **پیر علمدار**، سمنان - خیابان حکیم الهی.  
قاجاریه.
- معماری ۹۵/۲.
- **پیر علمدار**، عارف و عالم معروف با کتیبه  
مورخ ۴۱۸ در دامغان.
- هنر ۲۳۹/۸ + معماری ایران ۸۷/۲ + ابدیت  
۱۴۷/۲. معماری ۹۵/۲.
- **پیر علی**، بقعه پیر علی در محله پیر علی  
لاهیجان، با گنبد که در داخل آن ابیاتی از محتشم  
کاشانی با تاریخ ۱۲۳۵ نوشته شده. تکیه‌ای  
به همین نام نزدیک آن است.
- آس ۹۴/۲.
- **پیر عماد الدین**، صوفی بزرگ از خلفای شیخ  
زین الدین ابوبکر خوافی که خانقاهی در محله  
چهارمنار تبریز داشته است قرن نهم.
- کوی سرخاب ۳۱۸.
- **پیر غلام حسن کهویی هامی**، از عارفان بزرگ  
کشمیر از گروه نقشبديه در ۱۲۴۹ در کهویی هامی  
کشمیر زاده شد وی برادر غلام احمد و نویسنده  
تاریخ حسن است که به چاپ رسیده و حاوی  
شرح احوال صوفیه و علما و شعرای کشمیر نیز  
هست و تألیفات دیگری نیز دارد. غلام حسن در  
۶۵ سالگی فوت کرد و در آرامگاه میربی بی  
خاتون به خاک سپرده شد. م ۱۳۱۶.
- هنر و مردم ۱۱۲/۸۶ و ۱۱۳ بهمن و اسفند  
۱۳۵۰.
- **پیر فتح**، بقعه پیر فتح در مغرب شهر شوشتر با  
گنبدی کوچک.
- د ش ۷۱۱.
- **پیر فراش**، بقعه پیر فراش در دزفول نزدیک  
آبادی قلعه چیتی در آبادی فراش بنایی چهاربر با
- گنبدی آجری و بلند.
- د ش ۳۲۴ + بنای تیموری در روستای  
پیر فراش دزفول.
- معماری ۸۵/۲.
- **پیر قطب الدین**، آستارا دهکده باغچه سرا ۹۴۲.
- معماری ۸۱/۲ + تاریخ ۹۳۰. آس ۲۱.
- **پیر کبیر**، در آذرشهر در سده دهم.
- معماری ۸۳/۲.
- **پیر گراو یا مقام عباس**، بقعه پیر گراو. گراو در  
لهجه شوشتری به معنای آب باریک است و این  
آرامگاه سنگی، در یک گور سنگی در یک غار  
طبیعی کنده شده و نزدیک آن یک آرامگاه  
اسلامی به نام مقام عباس هست.
- د ش ۵۴۷.
- **پیر گوری**، بقعه پیر گوری در بیرون شهر  
شوشتر، گور به معنای گبر است و این گور و چند  
گور دیگر بر سنگ کنده شده، و فاقد هرگونه اثر  
مکتوب و زینتی است.
- د ش ۵۴۵.
- **پیر لول**، در آذرشهر
- آگاهنامه حفظ آثار باستانی ۳ اسفند ۱۳۵۴.
- **پیر لیفی**، در سرخاب تبریز، در مجاورت مزار  
وی مزار دیگری است با کتیبه به نام احمد حکیم  
روحي تاریخ ۷۴۲.
- کوی سرخاب ۲۲۱.
- **پیر محمد در رودسر**، پیش از صفویه.
- معماری ۸۲/۲.
- **پیر محمد مشهور به پیرممد**، در سرخاب حوالی  
مزار باباحسن که خرقه از وی به باباحسن رسیده  
است، تاریخ وفات وی معلوم نیست.
- کوی سرخاب ۱۷۷.

- پیرمراد، اراک مشهد میقان، قرن ۸ و ۷.  
○ معماری ۸۱/۲.
- پیرمراد، در اصطهبانات، صفویه.  
○ معماری ۸۷/۲.
- پیرمراد، در یزد - توان پشت سده ۶ و ۷.  
○ معماری ۹۳/۲.
- پیرمرتضی، عارف ربانی که در قرن هشتم در اردستان ظهور کرد و سلسله‌ای بوجود آورد (مورخ ۸۷۰) که مرکز و مولد آن خانقاه، پیر مرتضی بود که آرامگاه وی نیز هست. همسر وی و شاگردش پیرجمالی، م ۸۷۹ نیز در همین محل دفن شده‌اند.
- شهرها ۲۴۳/۴ + در محله فهره مورخ ۱۰۲۹، معماری ۹۰/۲ + آص ۸۸۶.
- آرامگاه پیرمرتضی علی ← آرامگاه پیرمرتضی
- پیرمسگران، سیدابراهیم شاه، م ۹۶۷، در شهر احمدنجر با کتیبه فارسی حاوی تاریخ وفات وی.
- نقش پارسی ۸۵.
- پیرموسی، مزار پیرموسی در دهکده‌ای بدان نام در شرق بازار کوچصفهان، با چهار ارسی
- قدیمی در ضلع شرقی.  
○ آس ۳۱۷.
- پیرنابین، میرعبدالوهاب جد نخاندان پیرنیا. در مصلاى نابین که پس از مرگش به فرمان محمدشاه ساخته شد.  
○ رهبر ۹۹ و ۶۲۵.
- پیرنجم‌الدین، سمنان خیابان پیرنجم‌الدین، بنایی از سده هشتم.  
○ معماری ۹۵/۲.
- پیرونظر، بقعه پیرونظر نزدیک مسجدجامع دزفول در کوچه پیرونظر با بنایی جدید. آرامگاه پیری منزوی که با خواهرش زندگی می‌کرده است و نظر کرده و کمر بسته حضرت امیر بوده است.  
○ دش ۳۷۰.
- پیرنیا ابوالحسن ← آرامگاه معاضدالسلطنه.
- پیرنیا میرزا نصرالله خان ← آرامگاه مشیرالدوله.
- پیرنیا حسن، ← آرامگاه مشیرالدوله
- پیرنیا حسین، آرامگاه مؤمن‌الملک.

## ت

### از آرامگاه تاج‌الدین علیشاه تا آرامگاه ثقة‌الاسلام شهید

- تاج‌الدین علیشاه، وزیر سلطان محمد خداپنده اولجایتو رقیب خواجه رشیدالدین فضل‌الله م ۷۲۴، تبریز.  
○ تاغ ۳۲۹.
- تاج‌الدین محمود، که در بندرآباد یزد بوده و سنگ آن از این مکان به امریکا رفته است با نوشته‌ها و نقشهای قدیمی.  
○ ی ۸۶۰ تصویر.
- تاج محل ← آرامگاه شاه جهان و بانو ممتاز محل همسر وی، در شهر آگرای هند که پس از

وفات این بانو در ۱۰۴۰ به فرمان شاه جهان ساخته شد و در طی ۲۲ سال کار مداوم ۲۰۰۰۰ کارگر و متخصص ساخته و پرداخته شد. بر مبنای یک نسخه خطی که در اختیار اینجانب است و حاوی تمام خصوصیات بناست، از جمله نام پدیدآورندگان این بنا، در وهله نخست این سه نفرند:

استاد عیسی نقشه‌نویس اهل شیراز.

امانت‌خان طفرانویس اهل شیراز.

محمد حنیف میر عمارت اهل قندهار.

که این سه نفر بهترین حقوق را می‌گرفته‌اند و ضمناً دریافتی همه کارگران نیز در این نسخه قید شده است.

تاج‌محل را تجسم روح ایرانی در پیکر هند (رنه گروسه هنرشناس فرانسوی) دانسته‌اند و بدون شک در میان تمام بناهایی که در خارج از ایران ساخته شده و به نوعی یادآور فرهنگ و تمدن ایرانی به معنای وسیع آن است، هیچ بنایی را با تاج‌محل نمی‌توان مقایسه کرد. تاج‌محل یکی از زیباترین بناهای جهان و نیز عالی‌ترین نمونه معماری اسلامی در شبه‌قاره است. طراحی بنا توسط استاد عیسی انجام گرفت و طرح و اجرا زیر نظر شورایی از بهترین معماران امپراطوری قرار داده شد. بلندی گنبد ۲۴/۵ متر است و آرامگاهها در سردابه زیر صحن اصلی است که در صحن نیز درست در روی سنگهای اصلی سنگهایی برای نشان دادن جای آرامگاه نصب کرده‌اند. نویسنده کتیبه‌ها امانت‌خان است که به‌درستی خطی شایسته آن معماری و آذین‌بندی باشکوه ارائه می‌کند، تاریخ کتیبه سردر ۱۰۴۸ است.

○ د. ۵۹۱ + معماری هند از پرسى براون ۱۱۶ به انگلیسی + هند، رنه گروسه + هند سرزمین اشراق، وحید مازندرانی + تاج‌محل از دیوید کارل به انگلیسی + مغولان (بابریان) بزرگ از بامبر گاسکنی به انگلیسی.

□ تاج محل ترجمه مسعود رجب‌نیا.

○ فم ۲۳۹/۴.

(□) تاج محل از مهدی غروی.

○ هنر و مردم ۸۱/۴۸ تیر ۱۳۴۸.

□ تاجستان - آرامگاه پیر.

□ تبریزی احمد، رهبر سلسله ذهبیه شیراز، آرامگاه اختصاصی.

○ رج ۳/۳۰ + پدرجد وحید الاولیا که ۴۴ سال پیشوای ذهبیه بوده است م ۱۳۷۵. ز ۲۵۲/۲۰.

□ تبریزی، صادق (آیت‌الله) فرزند میرزاحمد متولد تبریز ۱۲۷۴، مجتهد معروف مقیم قم، فوت ۶ ذی قعدة ۱۳۵۱، رواق حضرت معصومه. ○ ز ۲/۲۵۰.

□ تبریزی، علی، جواهر قلم، خوشنویس مقیم هند درگذشت ۱۰۹۴ اورنگ‌آباد. مدفون در شاه جهان آباد.

○ خوش ۴۴۲.

□ تبریزی میرزا رضا (حجت‌الاسلام)، فرزند آقا میرزا صادق، تبریز ۱۳۲۰: آثار.

○ ز ۲/۲۵۳.

□ تبریزی، میرزاحسن (حاج) ۱۲۶۷، مجتهد بزرگ تبریز از ۱۳۱۲ تا هنگام مرگ ۱۳۵۲، قم، وادی السلام آرامگاه پدرش.

○ ز ۲/۲۵۴.

□ تبریزی شیرازی، میرزا لطفعلی ملقب به صدرالافاضل، متخلص به دانش فرزند

امین السفرا محمدکاظم، متولد شیراز ۱۹ رمضان ۱۲۶۸ که در ششم شعبان ۱۳۵۰ از دنیا رفت و در ابن بابویه به خاک سپرده شد: آثار.

○ ز ۲/۲۵۵.

□ **تبریزی عدالت**، علی اصغر، تبریز ۱۲۸۰ خ، سخنران و فرهنگی معاصر. م ۱۳۵۲ تبریز.

○ ز ۲/۲۵۶.

□ **تپتی آهار**، در هفت تپه، ایلامی

○ شهرها ۳۸.

□ **تخت کیقباد** ← آرامگاه باستانی رودبار قصران.

□ **تخت مزار** ← آرامگاه جامی عبدالرحمان

□ **تربت شیخ جام** از ۷۳۰.

○ معماری ایلخانی ۱۸۶.

□ **قرخان خاتون** ← آرامگاه سبز، آرامگاه قراختاییان.

□ **توکان خاتون**، مادر سلطان محمد خوارزمشاه که مسبب اصلی هجوم مغولان به ایران بود.

م ۶۳۰، شهر قراقرم. چنگیز این زن و زنان اسیر شده دیگر از خاندان خوارزمشاه را در سفر همراه می برد و مجبورشان می کرد که هنگام کوچ، دسته جمعی بر مرگ سلطان محمد زاری و شیون کنند.

○ تاغ ۴۸.

□ **توکه**، شیخ افضل الدین محمد معروف به افضل ترکه، از خاندان معروف ترکه، مقیم اصفهان معاصر با شاه طهماسب و شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده، قاضی، شاعر، روحانی و دولتمرد عصر صفوی، در بازگشت از خراسان، در ۹۹۱ در راه تهران بیمار شد و مرد و در حضرت معصومه به خاک رفت.

○ تان ۴۴۸ و ۲۷۴.

□ **تقوی ونکی**، سید محمد، فرزند محمدحسن اهل ونک سمیرم، مجتهد و از مخالفان مشروطه، فوت ۲۸ رمضان ۱۳۵۲ در تهران، مدفون در قم رواق موسی مبرقع.

○ ز ۲/۳۷۵.

□ **تقی الدین محمد**، سید، خوشنویس و موسیقیدان و خوشخوان از خاندان سیدشریف قزوینی و قاضی جهان سیفی. مقیم هند بود و پدر وی تحت حمایت اکبرشاه بود و عزت و احترام داشت، وی در جوانی درگذشت و بدنش را به همدان آورده در آرامگاه سادات بنی حسن به خاک سپردند.

○ خوش ۱۱۱.

□ **تکش**، ۵۹۷ در کهنه اور گنج با تصویر.

○ سیمرغ ۱۸۷.

□ **تگودار**، سلطان احمد ایلخان مغول در قراتایچیلغای.

○ معماری ایلخانی ۲۰۵.

□ **تل عاشقان و تل مقربان**، مزار تل عاشقان و تل مقربان در سمرقند، مزار جمعی از عارفان از جمله خواجه عیدی درون و سیدامیر عیدی.

○ قندیه ۴۵ و ۷۸ + سمریه ۱۸۹.

□ **تل مقربان** ← آرامگاه تل عاشقان.

□ **تنگابنی**، حاج شیخ محمدحسن، روحانی متعهد و فقیه بزرگ، درگذشت ۱۳۲۸ در ۲۴ مرداد، شهر ری آرامگاه ناصرالدین شاه.

○ تاریخچه ۷۸.

□ **تنگابنی**، حجت الاسلام محمدحسن، متولد ۱۲۸۵، استاد فقه و اصول. تهران. م ۱۳۶۸، شهر ری مقبره ناصرالدین شاه.

○ ز ۲/۲۹۲ + تاریخچه ۷۸.



- ◻ **تنکابنی محمدرضا** ← آرامگاه آیت‌الله تنکابنی.
- ◻ **تنکابنی، میرزا طاهر**، فرزند فرج‌الله زاده شده در ۱۲۴۲ خ کلاردشت، عالم و مدرس معروف، نماینده مجلس در دوره چهارم از مخالفان دیکتاتوری رضاخان. فوت ۱۴ آذر ۱۳۲۰، شهر ری ابن بابویه نزدیک آرامگاه ابوالحسن نجلوه. ◯ ز ۳۹۴/۲.
- ◻ **توحیدی، ابوحیان** ← آرامگاه ابوحیان توحیدی.
- ◻ **تومان آغا**، در شاه زنده سمرقند. قرن نهم.
- ◯ **سیمرخ ۱۵۸ +** شاه زنده در رساله قنديه ثمریه.
- ◻ **تویسرکانی**، میرزا اسماعیل خان، نویسنده و شاعر و فرهنگی عصر قاجار و دوست و همکار جلال‌الدین میرزا قاجار، درگذشته و مدفون در تویسرکان، آذر ۱۳۱۰. وی مؤلف فرازستان است که در ۱۳۱۱ در بمبئی چاپ شده است. ◯ تافض ۵۵۹.
- ◻ **تویسرکانی**، یدالله (مایلی)، فرزند ابوالقاسم با تخلص مجنون، متولد در جویستان تویسرکان، فرهنگی مبارزه م ۱۳۲۹ خ، آرامگاه علایی حضرت عبدالعظیم. ◯ ز ۳۰۰/۲.
- ◻ **تهرانی** ← آرامگاه شیخ آقابزرگ.
- ◻ **تهرانی**، آیت‌الله حاج شیخ عباس ← آرامگاه آیت‌الله تهرانی.
- ◻ **تهرانی**، حسین، زاده شده در ۱۲۹۰ خ فرزند میرزا اسماعیل که با وجود مخالفت پدر و تنگدستی توانست مرد اول ضرب در موسیقی ملی شود. از مؤسسان انجمن موسیقی ملی.
- آرامگاه ظهیرالدوله.
- ◯ **مردان موسیقی ۱۶۲.**
- ◻ **تهمورث** (منسوب به وی) اصفهان.
- ◯ **ل ۲۷۹۹.**
- ◻ **تیپوسلطان و پدرش حیدرعلی**، که در جنگ با انگلیس‌ها و متحدشان نظام حیدرآباد شهیدشد ۱۷۹۹، سرین‌گاپاتان پایتخت تیپوسلطان در جنوب هند. عکس در دموکراسی و آزادی در هند (این کتاب بدون صفحه شمار است).
- ◻ **تی‌تی خانم**، عمه شاه عباس بزرگ. در دهکده شکاکم لاهیجان.
- ◯ **آس ۱۷۸/۲.**
- ◻ **تی‌تی، امیره**، دختر امیرسلطان محمدخان ← آرامگاه سیدمحمود مرندي.
- ◻ **تیمورتاش**، عبدالحسین خان، سردار معظم خراسانی روز نهم مهر ۱۳۱۲ در زندان مرد، امامزاده عبدالله شهر ری.
- ◯ **رج ۲۴۳/۲ +** زندگی پرماجرا ۵۱۹ + ◯ **۳۲۶/۲.**
- ◻ **تیمورلنگ** ← آرامگاه امیرتیمورگورکان
- ◻ **تیمور میرزا حسام السلطنه**، ۱۲۲۵ پسر پنجم حسینعلی میرزا فرمانفرما که ۲۸ سال در عراق اقامت داشت و پس از بازگشت به کوشش زنش مورد علاقه ناصرالدین شاه قرار گرفت. نویسنده کتابی در باب شکار، فوت در تهران، آرامگاه در نجف.
- ◯ **رج ۴۸/۵ +** حسام‌الدوله نوه فتحعلی شاه. رجال ناصری ۱۸۷

## ث

## از آرامگاه ثقة الاسلام شهيد تا آرامگاه جابر

- ثقة الاسلام شهيد، ميرزا علی آقا از محققان و روحانیون بزرگ و پیشوایان آذربایجان در انقلابات آزادیخواهانه مردم، که توسط روسها در عاشورای ۱۳۳۱، در محل کنونی تالار سخنرانی دانشسرای پسران به شهادت رسید. قبرستان سُرخاب تبریز
- آرامگاه اختصاصی.
- رهبر ۲/۲۲۶ + آذ ۳۹۲ + دت ۳۶ + کوی سرخاب ۱۲۰ + رج ۲/۳۷۳
- ثقفی، دکتر خلیل خان ← آرامگاه اعلم الدوله.
- ثقفی، عبدالحمید ← آرامگاه متین السلطنه

## ج

## از آرامگاه جابر تا آرامگاه چال حصاری تهرانی

- جابر، بقعه جابر در کنار جاده‌ای که از عباس دشت می‌گذرد در دزفول. احتمالاً و از قرار اعتقاد مردم، آرامگاه پسرزاده جابر بن عبدالله انصاری از صحابه پیامبر.
- د ش ۳۲۸.
- جابر، در بدره واقعه در ایلام به شکل آرامگاه دانیال نبی در شوش، مردم آن را مقبره جابر بن عبدالله انصاری می‌دانند که احتمال آن ضعیف است و شاید هم مقبره جابر بن حیّان شیمیدان معروف ایرانی است. به هر حال هیچ یک از این دو حدس حتمی نیست.
- آل ۴۸۵.
- جاکو دیزه، قبرستان جاکو دیزه آرامگاه عده‌ای از علما از جمله مولانا شمس الدین بریانگر و مولانا منصور زاهد و شیخ ابوالقاسم سمرقندی و
- فرزندان حضرت امام حسن (ع).
- قنديه ۳۲.
- جاماسب حکیم، در آبادی کرده از بلوک خفر فارس.
- ۱ ق ۸۶ + بحث حافظ ۳۴ + معماری ۲/۹۷.
- جامی، ابونصر احمد، خواجه معین الدین محمد از ادبای عصر ملوک کُرت در گذشته در ۷۸۳.
- آرامگاه شیخ احمد جام.
- تان ۲۱۹.
- جامی، ضیاء الدین فرزند ابونصر، ادیب و دانشمند. م ۷۹۷ تبریز مدفون در جام نزد پدرش.
- تان ۲۱۹.
- جامی عبدالرحمن، نورالدین ابوالبرکات بزرگترین دانشمند و شاعر ایران در سده نهم، خانواده‌اش از اصفهان به خرجرد خراسان کوچیده

در آن دیار ساکن شدند. نسبت جامی از یکسو به امام محمد شیبانی و از سوی به شیخ الاسلام جام می‌رسد. عبدالرحمن در ۲۳ شعبان ۸۱۷ در خرجرد جام متولد شد، نخستین حامی وی ابوالقاسم بابر و پس از وی ابوسعید و سپس سلطان حسین بایقرا و وزیر معروفش امیرعلی شیرنوازی بوده است که تا آخر عمر در جوار این دو امیر با عزت می‌زیسته و با پادشاهان و امیران دیگر عصر نیز رابطه داشته است. جامی در ۱۸ محرم ۸۹۸ در هرات مرد و در جوار سعدالدین کاشغری به خاک رفت و مزارش اکنون به تخت مزار معروف است.

○ تان ۲۸۵.

□ **جبل سنگ**، گنبد جلیه کرمان بنای سنگی با سقف گنبدی هیچ اطلاع و آمار دقیقی درباره سازنده و تاریخ ساخت آن نداریم، احتمالاً متعلق است به نیمه دوم و اواخر سده دوازدهم میلادی، بنایی که هیچ‌وقت کاملاً ساختمانش به پایان نرسیده است. مصالح آن سنگ است و آجر و در سالهای اخیر تعمیر شده است.

○ ایران یک ۴۳ تصویر ۱۱ + احتمالاً گنبد جلیه.\*

□ **جلیه**، گنبد جلیه آتشکده‌ای از دوران ساسانی که در عصر سلجوقیان بازسازی و به شکل امروز درآمده. یک بنای سنگی عظیم هشت‌بر در کرمان.

○ جن ۹۴۸.

□ **جلیه** (گنبد جلیه)، موسوی، سیداحمد.

○ نم ۲۲۸/۴.

□ **جرجانی**، علامه میر شریف م ۸۱۶، بقعه دارالشفای شیراز.

○ اق ۴۸۰.

□ **جزایری**، شوشتری نجفی (۱۳۰۷-۱۳۶۴) عالم روحانی شاگرد میرزا محمدحسین نایینی. تهران ابن بابویه.

○ ز ۱۰/۳.

□ **جعفر بن ابراهیم حسینی**، تاج‌الدین نقیب‌النقبا. م ۷۰۳ در دارالسیاده شیراز.

○ شیرازنامه ۱۵۷.

□ **جعفرخان زند**، پسر صادق خان زند، شیراز پایین پای حضرت شاه چراغ (ع) نزدیک پدرش صادق خان، برادر کریم خان.

○ رج ۲۳۷.

□ **جفیتن گیسور**، مقبره جفیتن گیسور. زمانی، عباس در بررسیهای تاریخی.

○ نم ۲۲۵/۴.

□ **جلاله**، در تنگه بابا عباس، شش کیلومتری جنوب غربی خرم‌آباد.

○ آل ۱۴۹.

□ **جسالی**، سیدابراهیم افسح‌الملک (۱۲۸۳-۱۳۴۵)، از یاران امین‌السلطان اتابک اعظم که قصیده‌ای هم در مدح رضاشاه سروده است. یزد، حرم امامزاده جعفر.

○ ز ۱۴/۳.

□ **جلوه**، میرزا ابوالحسن طباطبایی زواره‌ای نایینی، حکیم معروف و عارف وارسته گوشه‌گیر، پسر میرزا سید محمد مظهر و پسرعموی سیدحسن مجمر، متولد در احمدآباد گجرات. دیوان اشعار وی به چاپ رسیده است. جلوه سالها در مدرسه دارالشفای روبه‌روی جلوخان مسجد شاه ساکن بود و دو حجره تودرتو داشت، اولی محل درس و دومی کتابخانه و خوابگاه، زندگیش از

- عایدات املاک موروثی می‌گذشت. فوت در ششم ذی‌قعدة ۱۳۱۴، مدفون در این بابویه. میرزا احمدخان بدر، نصیرالدوله و شاهزاده سلطان حسین میرزا مشیرالدوله مقبره‌ای برایش ساختند. جلوه مردی گوشه‌نشین مرتب و تمیز و شیرین‌سخن و خوش‌بیان و مدرسی عالی‌مقام بود.
- رج ۴۰.
- جلیلی، ولی‌الله، روحانی فرهنگی که تمام عمر خود را وقف خدمت به‌اسفه، آبادی زادگاهش در خواف، و عشق به‌شهید مدرس کرد. فوت هشتم اردیبهشت ۱۳۳۶، اسفه.
- ز ۲۰/۳.
- جم، محمود، ملقب به‌مدیرالملک (۱۲۶۴-۱۳۴۸خ) در تبریز متولد شد و درس خواند و نخستین شغلش مترجمی یک دکتر فرانسوی به‌نام کوپن بود که در دربار و دستگاه ولیمهد خدمت می‌کرد. جم با کمک وثوق‌الدوله به‌وزارت دارایی رفت و هنگامی که وثوق‌الدوله قرار داد ۱۹۱۹ را ارائه کرد جم از پادوهای وی بود. وی به‌عضویت کمیته آهن نیز رسید و سرانجام از همکاران صمیمی سیدضیا و رضاشاه شد. پس از کودتا به‌وزارت خارجه رسید و تا آخر عمر همیشه مقامات عالی‌ه داشت. آخرین سمت وی سناتور انتصابی کرمان بود. در نوزدهم مرداد ۱۳۴۸ در تهران به‌رحمت خدا رفت و در این بابویه به‌خاک سپرده شد و جم فراماسون و یکی از پایه‌گذاران سلسله پهلوی بود و از لحاظ ارتباط با سفارت انگلیس فردی نظیر قوام‌الملک شیرازی بود.
- ز ۲۱/۳+بازیگران عصرپهلوی ج ۲۳۴
- جم نظام‌الدین، ۱۶۵۰م در تاتای سند.
- معماری هند ۱۱۵ تصویر ۹۰ ب.
- جمشیدکیا، بقعه، در نوشهر، علمده بنایی از ۸۵۱.
- معماری ۸۳/۲
- جمال‌الدین محمدگردیزی - آرامگاه گردیزی، جمال‌الدین محمد.
- جمالی دهلوی، شاعر پارسی‌گوی هند. دهلی نظام‌الدین.
- ج ۷۹۳ + نقش پارسی ۸۲.
- جناب علی، بقعه جناب علی در آبادی شلگهی، بقعه جناب علی با بنایی ساده گنبدی به‌شکل گلابی، بنا کتیبه یا تزیینات ندارد و نمی‌دانیم این جناب علی کیست.
- د ش ۳۴۹.
- جناح، محمدعلی، قائد اعظم، رهبر پاکستان، کراچی\*.
- جنید - آرامگاه شیخ جنید یا سلطان جنید.
- جوانمرد قصاب، از جوانمردان ری، در ری ابتدای جاده تهران به‌شهر ری.
- ری ۴۲۶.
- جوزانیان، مزار جوزانیان از جمله امام سلیمان دارانی و تربت بابا صاحب.
- قندیه ۳۱.
- جوهری، ابراهیم پسر محمدباقر اصفهانی، نویسنده طوفان‌البکاء، معروف به‌جوهری.
- م ۱۲۵۳، مدفون درگورستان آب‌بخشان اصفهان.
- آ ص ۱۲۴.
- جوی برج در مراغه، به‌این بنا در محل، خوی برج می‌گویند. مؤلف معماری ایلخانی معتقد است که درست آن جوی برج است، برج آبی که

- جهانگیرخان قشقایی.
- جهانگیرخان قشقایی، یکی از بزرگترین حکیمان و فقهای ایران. م ۱۳۲۸ اصفهان تخت فولاد.
- رج ۲۸۴ + ل ۲۷۹۸.
- جهانگیر خان ← آرامگاه سوراسرافیل.
- جهانگیر میرزا، قاجار پسر سوم عباس میرزا از نویسندگان قرن سیزدهم، مؤلف تاریخ نو. وی در ۱۲۶۹ از ناصرالدین شاه اجازه خواست که به مکه برود اما در خوی به رحمت خدا رفت و جنازه اش را به قم بردند و در عمارتی که خود وی در قم ساخته بود به خاک سپردند.
- تا ضف ۴۸۶ + رج ۲۸۴.
- در آن صورت باید گوی برج و قوی برج باشد، گذار تاریخ آن را ۱۳۳۰ م می داند، مشابه با گنبد غفاریه.
- معماری ایلخانی ۱۸۷ + مقاله بناهای تاریخی مراغه به زبان فرانسه؛ تصویرهای ۱۸ و ۱۹-۱۰ + گنبد کبود. هنر ۳۴۳/۸.
- جهان آراینگم، دخترشاه جهان که شاعر و عارف بود و پس از وفات مادر به پرستاری پدر پرداخت، در دهلی بارگاه نظام الدین اولیاء ۱۰۹۲.
- ۲۵۲ + معماری هند ۱۰۲.
- جهانگیر، بابری ۱۶۲۹ م در شاه دره لاهور.
- معماری هند ۱۰۲ تصویر ۷۸.
- جهانگیر خان حکیم الهی ← آرامگاه

## چ

## از آرامگاه چال حصارى طهرانى تا آرامگاه حائرى تهرانى

- سیمرخ ۱۷۳.
- چلبی اوغلو، زنجان - سلطانیه قرن هشتم.
- معماری ۹۳ + دت ۳۶ + هنر ۳۵۴/۸.
- چلبی، حسام الدین، حسن بن محمد معروف به آخی ترک از بزرگان مشایخ ارومیه که مولانا جلال الدین از وی به نام حسام الدین یاد می کند. وی اصلاً اهل ارومیه بوده اما در سال ۶۸۴ در ۶۲ سالگی در جوار مرقد مولانا در قونیه فوت کرد و به خاک رفت.
- ر ۲۳۱.
- (گورستان) چملان یا چلمان، در اصفهان که صی ها را در آن دفن می کردند و گورهای انفرادی
- چال حصارى طهرانى، شیخ محمدرضا فرزند حاج آخوند متولد ۱۲۸۹، در آخر عمر مقیم قم که در آن شهر در ۲۰ ذی حجه مرد و در همان شهر به خاک رفت ۱۳۷۳.
- ز ۴۲/۳.
- چپش پیش، یا کوروش اول، جد کوروش بزرگ واقع در محلی معروف به پل دختر حسین آباد جنوب غربی جُره فارس، مشابه با آرامگاه کوروش که ارتفاع آن ۴/۵ متر است در مقابل ده متر بلندی آرامگاه کوروش.
- ا ق ۳۷۱ با تصویر.
- چشم ایوب، از قرنهای ۸-۱۰، بخارا با تصویر.

- به شکل خمیره داشتند، یعنی مرده را ایستاده به خاک می سپردند.  
○ آص ۱۷.
- چنگیز مغول. این خون آشام کبیر در سال ۶۲۴ از مرکز مغولستان به ولایت شمالی تبت رفت و پس از پیروزی و کشتار هزاران نفر در این نقطه مرد و به خاک رفت.
- تاغ ۶۸.
- چهار امامزاده، قم، حسن آباد در شمال شهر از سده های ۸ و ۹.
- معماری ۷۸/۲.
- چهار امامزاده، در قبرستان کهک قم، قاجاریه.
- معماری ۷۹/۲.
- چهار پادشاه، بقعه چهار پادشاه در لاهیجان، مرقد سید خرم کیا یا سید خورکیا، مقتول در ۶۴۷، وی سید زیدی بود و چون چند شهید دیگر زیدی از جمله سیدرضی را هم در کنار وی به خاک سپردند این نام را یافت، با کنده کاریها و تزیینات عالی.
- آص ۹۸/۲\*.
- چهار پادشاهان، در لاهیجان، صفویه. ○ معماری ۸۲/۲.
- چهار سولی، آیت الله (۱۲۳۵-۱۳۱۸) نجف.
- رج ۲۵۵/۶.
- چهل تن، در شمال حافظیه شیراز، سنگ اصلی و سنگ چهل عارف دیگر که به همت فرهاد میرزا والی فارس نصب شده، به طور نامشخص.
- اق ۵۴.
- چهل تنان، در شیراز، قاجاریه.
- معماری ۸۶/۲.
- چهل دختر، دامغان جنب امامزاده جعفر قرن پنجم.
- معماری ۹۵/۲.
- چهل دختر شهید، در شمال دهکده سرلنگای تنکابن خرابه هایی از آن دیده می شود. در این زیارتگاه درخت نارنج چهارصد ساله ای نیز برجای مانده است.
- آص ۸۳/۳.
- چهل دختران، نزدیک بقعه شاه زید در قبرستان قدیمی محله خواجه، اصفهان
- آص ۲۲۲ + ایران یک ۹۷.
- چهل دختران، در دامغان، تاریخ بنا ۴۸۸.
- هنر ۳۴۵/۸.
- چهل دختران، سراب سده ۷.
- آذ ۵۷۶/۲.
- چهل دختران، در سمنان - محلات ثلاث در قرن هفتم.
- معماری ۹۶/۲.
- چهل دختران، بقعه چهل دختران، قم از قرن هشتم هجری در متن چهل دختران.
- معماری ۷۸/۲.
- چهل دختران، در محله سلطان میراحمد کاشان. قرن هفتم.
- آگاهینامه آثار تاریخی آذر ۱۳۵۵.
- چهل دختران، در یزد، توران پشت، قرن ۶ و ۷.
- معماری ۹۳/۲.

## ح

## از آرامگاه حائری تهرانی تا آرامگاه خاتون آبادی

□ **حائری تهرانی**، حاج شیخ عباس، م ۱۳۷۰  
حضرت عبدالعظیم مقبره اختصاصی.  
○ ز ۹۶/۳.

□ **حائری سمنانی**، آیت الله محمد صالح  
(۱۲۹۷-۱۳۹۷) فرزند میرزا فضل الله، از شاگردان  
آخوند خراسانی و میرزا حسین خلیل تهرانی که  
در جوانی به درجه اجتهاد رسید، در بازگشت  
به ایران در تهران و بابل و سمنان اقامت گزید، در  
حقیقت از بابل به سمنان تبعید شده بود و در همان  
اولین سال وفات یافت و در مشهد رضوی به خاک  
سپرده شد.

○ ز ۶۸/۳، در این مرجع از همین بزرگوار یک بار  
هم تحت عنوان مازندرانی، زندگینامه ارائه شده  
است.

□ **حائری مازندرانی**، شیخ محمد فرزند شیخ  
زین العابدین روحانی و قاضی عصر قاجار و  
پهلوی م ۱۳۵۰ قم، یکی از اطاغای قبرستان نو.  
○ ز ۷۱/۳.

□ **حائری مازندرانی** ← آرامگاه آیت الله حائری  
سمنانی.

□ **حاج آقا نورالله**، اصفهانی پسر شیخ محمد باقر  
و برادر شیخ محمد تقی، آقاجفی دوم که اصلشان  
از ایوانکی ری است، مقیم اصفهان. هردو برادر  
صاحب نفوذ و اقتدر، تعدیل کننده فشار  
استبدادی حکام اصفهان از جمله ظل السلطان،  
آقانورالله پس از فوت برادرش آقاجفی صاحب

اقتدار فراوان شد و در جریان مهاجرت از تهران  
هنگام جنگ جهانی اول و پیش از آن در حصول  
مشروطیت نقش بسیار مهمی داشت. با حکومت  
مطلقه رضا شاه نیز مخالفت می کرد و سرانجام در  
حالی که به دعوت حکومت برای مذاکره به قم  
رفته بود در ششم دی ماه ۱۳۰۶ توسط عمال  
نظمیه رضاشاه مسموم شد.

○ ز ۱۹۸ + تا ب ۴/۱۸۱.

□ **حاج بختیار**، در چوار ایلام.

○ جغ ۳۷۴.

□ **حاج سید رضا فیروز آبادی**، عالم روحانی  
معاصر، وکیل مردم شهر ری در مجلس ۱۴ و بانی  
بیمارستان بزرگ و مسجد فیروز آبادی در شهر ری  
م ۱۳۴۴ خ. مسجد فیروز آبادی بین امامزاده عبدالله  
و حضرت عبدالعظیم.

○ رج ۹۸/۵\*

□ **حاج سید محمد رشتی** ← آرامگاه رشتی.

□ **حاج شیخ هادی هادوی بیرجندی**، از  
مجتهدان بزرگ متولد ۱۲۷۷ شاعر و حکیم که  
دیوانش چاپ شده. مدفون در قبرستان عمومی  
بیرجند. آغاز نوسازی و تعمیرات ۱۳۵۴.

○ کارنامه ۶۵۸.

□ **حاج عطاءالله**، پسر حاجی محمد جعفر آبادی  
مجتهد معروف، از عالمان سده سیزدهم، عطاءالله  
مردی عارف و مجاور نجف اشرف بود که در  
طاعون همه گیر نجف فوت کرد و در وادی السلام

به خاک سپرده شد.

○ آص ۵۹۶.

□ حاج محتشم السلطنه اسفندیاری ← آرامگاه اسفندیاری.

□ حاج محمدقلی خان آصف الدوله، پسر الله یارخان دولتمرد عصر قاجاریه م ۱۲۹۲ قم.

○ رجا ۶۳ + ر ج ۳/۳۶۷

□ حاج ملا عبدالله قندهاری، متولد ۱۲۲۷ فرزند مولانا نجم الله از علمای بزرگ قندهار و مبارزان خداستعمار که از افغانستان اخراج و مقیم مشهد شد و در شب جمعه اول جمادی ۱۳۱۲ به رحمت خدا رفت، مدفون در دارالضیافه مشهد.

○ یا ق ۲۶۶.

□ حاج ملاهادی سبزواری، (۱۲۸۹-۱۲۱۲) فیلسوف ملقب و متخلص به اسرار، فقیه و شاعر معروف. بنای آرامگاه توسط میرزا یوسف مستوفی الممالک پس از فوت آن مرحوم در ۱۲۸۹ ساخته شد.

○ آخ ۴۲۳-۴۳۰ + تعمیر آرامگاه از ۱۳۵۵ خ آغاز شد. کارنامه ۶۴۱ + معماری ۸۹/۲ + جغ ۶۲۸.

□ حاج میرزا آقاسی ← آرامگاه آقاسی حاج میرزا.

□ حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار بانی مدرسه ای بدین نام در سبزواری که مدرسه را با ادامه خیابان ازین برده اند، اما آرامگاه مانده است.

○ آخ ۴۷۰.

□ حاج میرزا ابوالفضل تهرانی، صاحب کتاب شفاء الصدور (۱۲۷۳-۱۳۱۶) ری.

○ تاریخچه ۷۷.

□ حاج میرزا ابوالقاسم مجتهد، جنب امامزاده میرنشانه درگذر سه سوک کاشان.

○ تا کاشان ۴۳۹ و ۵۶۰.

□ حاج میرزا ابوالقاسم، نوری رازی، صاحب کتاب مطارح الانظار، (۱۲۷۳-۱۳۱۶) شهر ری آرامگاه ابوالفتح رازی.

○ تاریخچه ۷۷.

□ حاج میرزا محمدتقی ← آرامگاه نوری اصفهانی.

□ حاج میرزا محمدجعفر بیدآبادی، از علمای عصر قاجاریه مدفون در تخت فولاد اصفهان با کتیبه مورخ ۱۳۱۶.

○ آص ۸۵۳.

□ حاجی مبارک، زرخرید و خواجه باشی ناصرالدین شاه که به سبب بی احترامی نسبت به یحیی خان آجودان شاه، سرش از تنش جدا شده بود، کنار حوض سلطان در راه تهران قم، صبح همراهان شاه هرچند خواستند دو سگ را که کنار قبر او مانده بودند با خود ببرند سگها نیامدند، زیرا سگهای شکاری متعلق به آغامبارک یعنی کاکای اعدام شده به دستور شاه بودند.

○ ر ج ۳/۱۹۶.

□ حاجی میرزا آقاسی ← آرامگاه آقاسی، حاج میرزا.

□ حاجی میرزا علی اکبرخان، قائم مقام از اولاد قائم مقام، دولتمرد عصر قاجاریه در آرامگاه قائم مقام امامزاده حمزه شهر ری.

○ تاریخچه ۷۷.

□ حادق، نورالله - پزشک نوگرای عصر پهلوی. تهران بهشت زهرا.

○ ز ۵۱/۳.

□ حارث بن احمد، زین العابدین، قم خاک فرج در شرق شهر با کاشیکاری، بنایی از قرن هشتم.



○ معماری ایلخانی ۱۷۹ + قرن دهم. معماری ۷۸/۲.

□ **حارث بن امیه**، در حوالی مزار باباحسن در سرخاب تبریز، حارث از صحابه پیامبر و ظاهراً در آخر عمر ساکن آذربایجان شد. (فتح آذربایجان در سال ۲۲ و سال فوت وی سال ۲۵ بوده است). ○ کوی سرخاب ۱۷۴.

□ **حالدی قزلیچی**، محمدسعید، شاعر و ادیب گُرد، قاضی عالی‌مقام فرزند علامه ملا علی قزلیچی، متولد دهم محرم ۱۳۲۲ در بوکان، م ۱۳۴۲ خ در کرمانشاه و مدفون در همان شهر. ○ ز ۵۴/۳.

□ **حافظ**، خواجه شمس‌الدین محمد. در زمان کریم خان زند، طاقی با چهار ستون بر روی گور آن بزرگوار ساخته شد که در ۱۳۱۰ خ آن را خراب کردند و در ۱۳۱۴ بنای جدیدی ساختند با بیست ستون که ۱۶ ستون آن نظیر چهارستون اصلی موجود تهیه شد، این ایوان که بیست ستون در دوطرف دارد، طولش ۵۶ متر است با برخی تزیینات و اشعار حافظ که دورتادور نوشته شده است. بنای اصلی به شکل چتر دارای هشت ستون سنگی یکپارچه است با نقاشیهای بسیار زیبای زیر سقف. نقشه بنا را آندره گدار تهیه کرد. بانی عمارت علی ریاضی رییس فرهنگ وقت بود.

○ ف ۱۷ + ۱ ق ۵۲ با تصویرها ۱۰۰-۱۰۳ + تان (۵۸) (۵۹) (۶۰) + تصویر جنج ۸۶۰ + کارنامه ۷۴۷ + ایران قدیم ۱۲۰.

□ **حافظ**، از قرار توصیف جهانگردان.

○ مسافر ۲۹۳ + بافت شیراز ۱۷۳ + عکس آلبوم ۱۲۷ + تصویر کمپفر ۳۶۳ + معماری ۸۷/۲.

□ **حافظ**، زیارتگاه رندان.

○ معین ۳۳۵.

□ **حافظ ابونعیم**، احمد بن عبدالله مردیانی اصفهانی (۳۳۰ یا ۳۳۴-۴۳۰) عالم و محدث بزرگ، نیای مجلسی، مدفون در گورستان مردیان محله شیخ مسعود، معروف به بقعه حافظ، رجال اصفهان.

○ آ ص ۲۶.

□ **حافظ حسن زال**، در کوی سرخاب تبریز، پایین‌پای بابامزید. وی از عارفان صاحب کرامت و مورد احترام تبریز بوده است، معاصر با ابوحفص شهاب‌الدین عمر سهروردی.

○ کوی سرخاب ۱۸۳.

□ **حب حیدر**، میرزا محمدعلی، زاده شده در ۱۲۹۵ پیشواوی سلسله ذهبیه، فوت ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۶ در ۸۷ سالگی. شیراز خانقاه ذهبیه.

○ ز ۷۵/۳.

□ **حبقوق نبی**، توپسرکان ۱۲ کیلومتری جنوب غربی توپسرکان اوایل قرن ششم.

○ معماری ۹۵/۲.

□ **حبیب بن موسی**، در کاشان، کوی پشت مشهد، صفویه.

○ معماری ۹۱/۲.

□ **حجاب**، میرفتحعلی شیرازی، فرزند محمد جعفر که پدر و پسر هر دو هنرمند بوده‌اند. حجاب از شاگردان وصال بوده و یک سال در هند مقیم بوده است. (۱۲۶۶-۱۲۶۸ م ۱۲۶۹) شیراز بقعه شاه چراغ.

○ رج ۱۷۶/۶.

□ **حزقیال نبی** و مناره کوفه ذواکفل، نزدیک

نوشته شده است.

○ ج ۵۰۹.

□ **حسام السلطنه**، محمدتقی میرزا، پسر هفتم فتحعلیشاه (۱۲۷۸-۱۲۰۶)، مشهد توحیدخانه مبارکه.

○ رج ۳/۳۱۲.

□ **حسن بن علی**، معروف به ابی احمد صغیر و شیخ زاهد. م ۳۸۴ مدفون در داخل قبه شیخ کبیر در شیراز.

○ شیرازنانه ۱۰.

□ **حسن بن علی ناصرکبیر**، آمل گنبد کبود

○ مازندرانس ۷۳.

□ **حسن بن کیخسرو** ← آرامگاه حسن کیخسرو.

□ **حسن اسفندیاری** ← آرامگاه اسفندیاری حاج محتشم السلطنه.

□ **حسن بگ دشت**، بقعه حسن بگ دشت، قبر مشتاقعلی درویش لاهیجانی نیز در آن است و در ایوان آن نقشهای مربوط به صحرای کربلا ارائه شده است.

○ آس ۸۵/۲.

□ **حسن خان سور**، ۱۵۳۵ م در ساسرام هند.

○ معماری هند ۸۶ تصویر ۶۰ ب.

□ **حسن دهلوی**، حسن سجزی یا امیرحسن دهلوی (۷۳۸-۶۵۲) شاعر معروف معاصر با قطب الدین مبارک شاه و پدر قطب الدین علاءالدین خلجی، آرامگاهش در قصبه خلدآباد معروف به روضه در دومیلی شمال ایستگاه راه آهن دولت آباد واقع شده، عالمگیر نیز در همین مکان به خاک سپرده شده است و از زمان

وی به مناسبت لقب خلد مکانی وی، موسوم به خلدآباد شد. سنگ آرامگاه وی را با کتیبه‌ای

کوفه، بنا بر نوشته حمدالله مستوفی توسط اولجایتو ساخته شده است، این عنوانها را هرتسفلد ارائه کرده و اگر به تاریخ فوت اولجایتو ۱۳۱۶/۷۱۶ توجه کنیم ملتفت خواهیم شد که بنا هم از همان زمانهاست، این بنا بویژه مناره آن، ترکیبی است از شیوه به کار رفته در بناهای ایرانی و بناهای همعصر آن در بغداد.

○ معماری ایلخانی ۱۶۶.

□ **حزقیل** ← آرامگاه بابا حزقیل.

□ **حزنی کویانی**، حسین - روزنامه نگار کرد مقتول در ۱۳۶۷ توسط عمال انگلیس در بغداد، مدفون در اردبیل.

○ ز ۳/۸۷.

□ **حزین**، (شیخ علی) - محمدعلی بن ابی طالب گیلانی در ۱۱۰۳ در اصفهان زاده شد، در عصر نادر به هند رفت و در آنجا تذکراهی در شرح حال شعرای معاصر خود ترتیب داد و در ۱۱۸۵ در بنارس رخت به سرای دیگر کشید و در همان شهر، در گورستان مخصوص شیعیان در دومیلی بنارس هند به خاک سپرده شد.

○ نقش پارسی ۱۲۲.

□ **حسام الدین محمد صالح**، فرزند احمد سروری مازندرانی اصفهانی عالم روحانی و داماد ملا محمد تقی مجلسی م ۱۰۸۱ مدفون در قبه مجلسی اصفهان.

○ فک مؤلفان ۲/۵۲۴.

□ **حسام الدین امین**، در جندونگ سوماترا. بر روی سنگ این آرامگاه یک غزل کامل سعدی با این مطلع:

«بسیار سالها به سر خاک ما رود  
کاین آب چشم آید و باد صبارود»

فارسی در سالهای اخیر نصب کرده‌اند.

○ نقش پارسی ۶۴.

□ حسن سجزی ← آرامگاه حسن دهلوی.

□ حسن شرخایی، مولانا، عارف شهید در تبریز

در مجاورت آرامگاه شاعران (مقبرة الشعرا) که به‌صورت تل خاکی درآمده است.

○ آذ ۴۰۲.

□ حسن صباح، پیشوای اسماعیلیان. حسن صباح

از سال ۴۸۰ که قلعه الموت را با تدبیری خاص گرفت تا سال ۵۱۸ پای از قلعه بیرون نگذاشت و در ربیع الاول آن سال بیمار شد و به فاصله کوتاهی مرد، وی را در همان قلعه الموت به خاک سپردند اما امروز اثری از گور وی عیان نیست.\*

□ حسن علی خان امیرنظام ← آرامگاه امیرنظام گروسی.

□ حسن کیخسرو، و دخترش بی بی عایشه، معروف به مقبره طاووس در ابرقو، تاریخ وفات حسن ۷۱۸ و دخترش ۷۰۷ است و بنا نیز در همان زمان با گچ‌برها و نقاشی‌ها و کتیبه‌های کوفی ساخته شده است.

○ ا ق ۵ + از قرن هشتم معماری ایلخانی با تصاویر ۱۶۷ + آثار ایران ۱-۶۸/۱ + معماری ۲/۹۳ + آثار ایران ۴/۲۲۸.

□ حسین در تومد، از سده پنجم

○ سیمرغ ۱۸۴.

□ حسین بن محمد، معروف به‌بازیار و شیخ زاهد ۳۹۹، شیراز رباط شیخ کبیر.

○ شیرازنامه ۹۸.

□ حسینعلی خان معیرالممالک، جد خاندان معیری، کربلا ۱۲۷۴.

□ حسینقلی، ملا، فرزند رمضان شوندی در جزین

همدان ۱۳۳۹، پدرش چوپان بود و وی از عرفا و فقهای نامدار شد. م ۱۳۱۱ کربلا در یکی از حجره‌های صحن مطهر.

○ رج ۹۴/۶.

□ حسینقلی خان دینلی، بیگلریگی آذربایجان م ۱۳۱۳ سامره، با سنگ قبری حاوی قصیده‌ای از ملک الشعرای صبا.

○ رج ۴۴۷.

□ حسینقلی خان قاجار قوانلو، پدر فتحعلی‌شاه و پسر محمدحسن خان قاجار مقتول در فندرسک ۱۱۸۹، گورش ابتدا در گرگان بود، مادر فتحعلی‌شاه در سفر زیارتی خود به نجف استخوان حسینقلی‌خان و پدرش محمدحسن خان را همراه برد و در نجف به خاک سپرد، حسینقلی‌خان هنگام مرگ فقط ۲۷ سال داشت.

○ رج ۴۴۶.

□ حسینقلی خان مافی، ← آرامگاه نظام السلطنه اول.

□ حسینی، در مجموعه ساختمانهای سلطان سعادت ترمذ با تصویر.

○ سیمرغ ۱۸۴.

□ حسینی، جلال‌الدین ← آرامگاه مؤیدالاسلام.

□ حسینی، سیدحسین ← آرامگاه شمس‌العرفا.

□ حسینی اصفهانی، حاج میرسید علی جناب، زاده شده در ۱۲۸۷ عالم و روزنامه‌نگار معاصر.

فوت ۲۹ اسفند ۱۳۰۹. امامزاده عبدالله شهر ری.

○ ز ۱۰۳.

□ حسینی تبریزی، سیدمحمود، زاده شده در ۱۳۲۰ تبریز، دانشمند معاصر. مشهد یکی از حجره‌های صحن عتیق.

○ ز ۱۰۵/۳.

□ **حسینی حائری مرعشی شهرستانی**، سیدعلی اکبر (۱۲۸۰-۱۳۶۴) فوت در کربلا، خاک سپاری در کربلا.

○ ز ۱۰۶/۳.

□ **حسینی ذرکه‌ای**، آیت‌الله سید عزیرالله، فوت ۵ محرم ۱۳۷۰ تهران، مدفون در نجف صحن حضرت علی(ع).

○ ز ۱۰۷/۳.

□ **حسینی قزوینی**، (شیرازی) از شاعران عصر قاجار م ۱۲۴۹ یا ۱۲۵۰ آستانه احمدیه نزدیک آرامگاه پیر طریقت خود.

○ تاضف ۱۰۵.

□ **حشمت**، دکتر حشمت، همسنگر و هم‌رمز میرزا کوچک خان، گورستان چله‌خانه، شهادت در ۱۱ شعبان ۱۳۲۷ رشت. اعدام وی ناجوانمردانه به دستور تیمورتاش حکمران گیلان صورت گرفت و با اینکه برای وی قرآن مُهر شده و امان‌نامه فرستاده بودند. ظاهراً تیمورتاش دستور وثوق‌الدوله درباره لغو اعدام را پس از اعدام اعلام داشته بوده است. دوفتری که هردو منفور و بدنام بودند، در این جنایت شریک‌اند.

○ سردار جنگل ۱۸۱ + با کتیبه و شعر و شرح شهادت وی مورخ ۱۲۹۸ خ آس ۲۶۷.

□ **حضرت آقا**، لقب قطبهای درویشهای گنابادی، بیدخت گناباد.

○ جغ ۸۳۴.

□ **حضرت ایشان**، خوانند محمودخواجه، از عارفان بزرگ آسیای مرکزی و شبه‌قاره مقیم لاهور که مورد توجه و علاقه شاه جهان بود، به حدی که هنگام تاجگذاری یک صد هزار اشرفی به عنوان نذر به حضرت ایشان داده شد بلکه نیز مرید

ایشان بود، مقبره این بزرگوار در بیگم پوره لاهور است، درگذشت اول شعبان ۱۰۱۳.

○ میراث ۴۵۱/۲.

□ **حضرت شیخ**، در نور مازندران، منسوب به شیخ احمد نایب امام حسن عسکری(ع).

○ د ت ۳۷.

□ **حضرت عبدالعظیم**، در ری از عصر آل‌بویه، صفوی و قاجار

○ معماری ۷۶/۲.

□ **حضرت معصومه(ع)**، اولین بنا، نخستین سالهای سده سوم.

○ د ب ۳۵۳.

□ **حکمت**، رضا ← آرامگاه سردار فاخر حکمت.

□ **حکمت**، نظام‌الدین، (۱۲۶۲-۱۳۱۰) دولتمرد فرهنگی عصر پهلوی که در شب دوم بهمن به علت سکنه مرد. حضرت عبدالعظیم.

○ ز ۱۱۹/۳.

□ **حکمرانان پشتکوه لورستان**، (ایلام کنونی) از جمله اسماعیل خان فرزند شاهوردی خان و حسن خان پسر اسدالله خان در کشیکخانه نجف اشرف.

○ آل ۵۰/۲.

□ **حکیم**، میرزا محمود، پسر دؤم وصال، شاعر و خوشنویس و هنرمند که در ۱۲۷۴ در وبای همه‌گیر شیراز مرد، حرم سیدمیراحمد نزدیک گور پدرش.

○ رج ۲۵۹/۶.

□ **حکیم ابوحامد**، شاعر، بیرجند.

○ جغ ۶۲۳.

□ **حکیم الهی**، میرزا شمس‌الدین پسر میرزا جعفر حکیم الهی لواسانی، شاگرد حاج ملاهادی

□ **حلیمه خاتون**، خواهر حضرت رضا (ع) و عده‌ای دیگر تبریز محله چرنداب.

○ آذ ۱۱۸.

□ **حمدالله مستوفی**، قزوین بنایی قدیم به شکل مخروط از قرن هشتم، آجری، حاوی کتیبه و کنده‌کاری.

○ تان (۴۰) + معماری ایلخانی با تصویر ۱۹۵ + آط ۴۳۹ + بنا از قرن دهم که در ۱۳۱۸ خ تعمیر شده است، آثار ایران ۱۳۹/۳.

□ **حمزه رضا**، در کوشک سرای چالوس، بنایی قدیمی با صندوق چوبین کنده‌کاری شده، در شمال بنا خاتون رضا خواهر حمزه رضا به خاک سپرده شده است.

○ آس ۱۱۶/۳.

□ **حمزه قاری**، سرپل زهاب کرمانشاه، تصویر.

○ کرمانشاه - ۹۰.

□ **حیات اللغیب**، احتمالاً مدفن ابوالقاسم محمد بن احمد از فرزندانگان امام موسی کاظم (ع) در دهکده قالبی ۵۰ کیلومتری جنوب باختری خرم‌آباد، با تصویر و این کتابت: امامزاده حیات اللغیب، در ۱۲۴۳ به اتمام رسید.

○ آل ۲۶۳ + معماری ۹۷/۲.

□ **حیدرخان عمواعلی**، اصلاً اهل ارومیه و متولد ۱۲۹۸ است که خانواده‌اش در ۱۳۰۹ به قفقاز

کوچیدند. تاری وردی پدر بزرگ حیدر رئیس این گروه کوچنده بود، از این رو نام فامیلی حیدرخان تاری وردی اوف بود. حیدر پس از اینکه در قفقاز در رشته برق تحصیلاتی کرد و هنگام بازگشت به ایران این تخصص را داشت و در ایران به عنوان مهندس برق در کارخانه‌های برق مشهد و تهران به کار پرداخت. حیدرخان را می‌توان بزرگترین

سبزواری م ۱۳۳۶ در هفتاد و چهار سالگی، ری صفایه نزدیک ابن بابویه.

○ رج ۱۵۲/۲ + دت ۳۷.

□ **حکیم الهی**، **میرزا علی نقی**، حکیم الممالک و مشیرالکتاب زاده شده در ۱۲۹۳ حکیم و نویسنده و عارف م ۱۳۴۴، صفایه نزدیک حضرت عبدالعظیم.

○ ز ۱۲۲/۳ پسر حاج آقا اسماعیل جدیدالاسلام. رج ۵۰۵/۲.

□ **حکیم الملک** - آرامگاه حکیمی، ابراهیم.

□ **حکیم ترمذی**، قرن ۹-۶ مجموعه آرامگاهها و قبر خودش با تصویرها.

○ سیمرغ ۱۸۵.

□ **حکیم صبوری رشتی**، سید محمد مشیرالاطبا شاعر که در ۱۳۱۳ در اثر سقوط از درشکه مرد، وادی السلام نجف.

○ فک مؤلفان ۷۱/۲.

□ **حکیم محمدهؤمن**، فرزند محمد زمان حسین تنکابنی، از اطبای زمان شاه سلیمان، محله دارالبیخ اصفهان.

○ فک مؤلفان ۱۶۵/۵.

□ **حکیمی**، **ابراهیم**، آرامگاه حکیم الملک دولتمرد فراماسونر عصر پهلوی تهران. م ۱۳۳۷ خ ۹۱ ساله ابن بابویه.

○ رج ۱۰.

□ **حلیمه خاتون**، قم روستای لنگرود در جنوب شرقی قم، قاجاریه.

○ معماری ۷۹/۲.

□ **حلیمه خاتون**، در قم روستای دستجرد صفوی.

○ معماری ۸۰/۲.

چهره ترورستی ایران دانست. وی تا هنگام شکوفایی حکومت سردار سپه در هر تروری که در ایران رخ می‌داد سهمی داشت. در دوران قیام میرزا کوچک خان حیدرخان نیز با وی همکار و دوست بود اما این اتحاد به سبب اختلاف سلیقه دو رهبر که یکی ملی‌گرای مذهبی بود و دیگری کمونیست طرفدار حکومت شوروی، به جدال انجامید و حیدرخان توسط طرفداران میرزا در رشت محله پسیخان کشته و در قبرستان آن محله دفن شد.

○ چکیده انقلاب، حیدرخان عمو اوغلی از رحیم

رضازاده ملک + رج ۴۶۸.

□ حیدر صفوی ← آرامگاه سلطان حیدر.

□ حیرت، میرزا اسماعیل ← آرامگاه اسماعیل

حیرت، میرزا.

○ رج ۱۳۱.

□ حیرت سجادی، سید محمد باقر رکن‌الاسلام

۱۳۲۸ شاعر و نویسنده معاصر، م ۱۳۲۸ خ.

سنندج مقبره شیخان.

ز ۱۲۲/۲.

□ حیرت قاجار ← آرامگاه شیخ‌الرئیس افسر.

## خ

### از آرامگاه خاتون آبادی تا آرامگاه دایی نمایشی

□ خاتون آبادی، تکیه خاتون آبادی. محمد اسماعیل عالم معروف معاصر با شاه سلطان حسین. تخت فولاد اصفهان مورخ ۱۱۱۶.

○ آص ۸۵۴ + ل ۲۰۰۰.

□ خاتون آبادی، سید حسن اصفهانی (۱۲۰۷-۱۲۶۳). خاتون آباد اصفهان.

○ فک مؤلفان ۵۲۸/۲۰.

□ خاتون رضا، خواهر حضرت رضا(ع) ← آرامگاه حمزه رضا.

□ خارگ، بنای قدیمی نیم ویرانه در جزیره خارگ منسوب به محمد بن بکر با تصویر.

○ آش ۸۵۱.

□ خاقانی شروانی، ابوبدیل افضل‌الدین پسر ابوالحسن علی، معروف به شروانی، یکی از

معروفترین شاعران درجه دوم ایران است و در ۵۲۵ در شروان زاده شد پدرش نجار و مادرش ترسای نسطوری بود که اسیر مسلمانان شده بود، خاقانی به دربار خاقان منوچهر شروانشاه راه یافت، در حدود ۵۵۰ و تخلص خود را از حقایقی به خاقانی برگرداند. در عصر پسر منوچهر، ابوالمظفر اخستان، وقتی خواست برای بار سوم به حج برود امیر مخالفت کرد و او از شروان فرار کرد که به حج برود اما دستگیر و زندانی شد که به شفاعت سفیر روم آزاد شد. خاقانی در ۵۸۲ و به قولی ۵۹۵ در تبریز مرد و در محله سرخاب تبریز آرامگاه شاعران به خاک سپرده شد.

○ تان ۱۰۳ + کارنامه ۶۹۲ + کوی سرخاب ۲۹۱

+ آذ ۴۱/۲.

- **خالدی مفتی زاده**، ملا محمد رشید، سنندج ۱۳۲۳، فوت در بیروت ۱۳۴۳ خ مدفون در باب الصغیر دمشق جنب مزار شیخ شریف یعقوبی. ○ ز ۱۳۸.
- **خالصی زاده**، محمد بن مهدی (۱۳۰۸-۱۳۸۳)، کاظمین یکی از حجره‌های غربی صحن کاظمین. ○ فک مؤلفان ۴۴۹/۵.
- **خالقی، روح‌الله**، فرزند میرزا عبدالله‌خان زاده شده در ۱۲۸۵ خ از شاگردان صمیمی و مخلص علینقی وزیری در کلپ موزیکال که خود پس از هشت سال به‌استادی آن نیز رسید. خالقی از دانشسرای عالی تا مرحله کارشناسی تحصیل کرد و در ۱۳۱۴ خ وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و ضمناً در یکی از دانشگاه‌های پاریس به تحصیل علم همگرایی با مکاتبه سرگرم شد. در ۱۳۲۳ انجمن موسیقی ملی را تأسیس کرد و در ۱۳۲۸ هنرستان موسیقی ملی را تأسیس کرد. ولی در این مرحله کارهای کلنل وزیری را بیان کرد. خالقی مسافرتهاى چندی نیز به فرانسه و شوروی و هند کرد و عضو انجمن ایران و شوروی و مدیر مجله پیام نوین گردید. از او دو جلد کتاب سرگذشت موسیقی و چند اثر دیگر برجای مانده است و در موسیقی نیز آثار پرازشی از وی در دست است. مدفون در آرامگاه ظهیرالدوله شمیران ○ چهره‌ها ۱۰۲ + مردان موسیقی ۴۷.
- **خان باباخان سردار**، محمدحسن خان ایروانی، فوت به‌مرض وبا در ۱۲۷۱، تهران تجریش. ○ رجا ۱۷۰.
- **خان باباخان سردار ایروانی**، حسن خان ساری اصلان ذی‌حجه ۱۲۷۱ در کرمان سخته کرد، مدفون در نجف رواق حضرت علی(ع)، مقبره
- اختصاصی. ○ رج ۳۳۲.
- **خانباغی**، در قریه‌ای بدین نام در کیلومتر ۴۱ جاده امر کلپیر. بنای هشت‌ضلعی از قرن ۷ و ۸. ○ آذ ۴۷۸/۲.
- **خان خاتان**، پسر بایرام خان دولتمرد عصر بابران، دهلی. ○ آخ ۱۰۸.
- **خان خیه**، در میدان توپخانه تهران در سال ۱۲۷۱ جاسوسان انگلیسی در نزد محمدامین خان خیه، دست به تحریکاتی زدند که به‌لشکرکشی وی به‌مرو منجر شد. خان با ارتشی مرکب از چهل هزار نفر اورگنجی و خیه‌ای و ترکمان به‌سوی ایران حمله‌ور شد اما در حوالی سرخس از نیروهای ایران شکست خورد و خان با سی و دو نفر از محارم و عموزادگان به‌قتل رسید، نعش آنها را به تهران آوردند ناصرالدین‌شاه به‌پاس خدمات اجداد خان خیه به‌سلاطین ایران، امر کرد ایشان را در محلی که بعدها جایگاه نصب چوبه دار شد، ضلع جنوب غربی میدان توپخانه به‌خاک سپردند و گنبدی هم روی آن ساختند. ○ دست پنهان ۱۰۶.
- **خان شهید**، یا غالب خان در احمدنگر هند. غالب خان در ۹۷۰ کشته شد و در مرقد وی غزلی از کاتبی نیشابوری نوشته شده است. ○ نقش پارسی\*.
- **خاندان وصال** ← آرامگاه وصال، خاندان.
- **خانم**، مقبره خانم. قبر بی‌بی فاطمه دختر شیخ زاهد همسر شیخ صفی در مجموعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل. ○ آذ ۸۷/۲.

□ خانم فخرالدوله ← آرامگاه فخرالدوله.

□ خان ملک ساسانی، احمدخان،

(۱۲۶۰-۱۳۴۶ خ) پسر میرزا محمد حسین

ملک الکتاب فراهانی دخترزاده عبدالعلی خان

ادیب الملک، کارمند وزارت خارجه، فوت

۱۳۴۶ خ در فرانسه، دفن در سوهانک شمیران.

○ رج ۲۲/۵.

□ خانوادگی شاهان استندار، بر دامن تپه‌ای به نام

گورستان در دهکده کمر از کمر رود نور با هفت.

آرامگاه نیمه ویرانه که از سوی گنج‌یابان مورد

آسیب قرار گرفته است.

○ آس ۲۷۷/۳۰.

□ خبیرالملک، میرزا حسن خان، نویسنده

آزادپخواه که در ۱۳۱۴ توسط محمدعلی میرزا

کشته شد. تبریز قبرستان نزدیک دارالحکومه

تبریز.

○ تا صف ۵۹۵. رج ۳۳۶

□ خجندی ← آرامگاه ابوالمظفر محمدبن ثابت.

□ خجندیان، در فلفلچی بیرون دروازه سیداحمد

خان اصفهان محله کران گورستان امیر حمزه،

معروف به آرامگاه خواجه صدر، آل خجند

خانواده‌ای عالم که در قرنهای ۵-۷ در اصفهان

ساکن بوده‌اند.

○ د ب ۶۹۷.

□ خدیجه خاتون، قسم نزدیک قلعه روستای

موسی آباد، قرن اخیر.

○ معماری ۷۹/۲.

□ خدیجه خاتون، در میبد - مهرجرد تاریخ بنا

۸۳۱.

○ معماری ۹۳/۲.

□ خدیجه خاتون، طایقان ۵ فرسنگی جنوب قم،

نزدیک جاده. قاجاریه.

○ معماری ۷۸/۲.

□ خرقان ← آرامگاههای خرقان.

□ خرقانی ← آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی.

□ خزل خان ← آرامگاه شیخ خزل.

□ خسرو انوشیروان ← آرامگاه انوشیروان.

□ خشایارشا، نقش رستم چسبیده به آرامگاه

داریوش، بلندتر از سه آرامگاه دیگر یعنی

آرامگاههای داریوش اول و اردشیر اول و اردشیر

دوم.

○ اق ۳۸.

□ خضر در گورستان شهر خرم‌آباد

○ آل ۲۰۶.

□ خضر پیامبر، در آبادان و در خانقاه وی که ابن

بطوطه از آن یاد می‌کند.

○ د ب ۲۱.

□ خضربی، بقعه خدر یا خضر در ابتدای جاده

شوشتر به اهواز که بدان خواجه خضر هم

می‌گویند، بقعه در قبرستانی واقع شده با

نوشته‌های گوناگون از جمله تاریخ ۷۶۲ و بانی بنا

خواجه صدرالدین محمود.

○ آس ۵۴۸.

□ خلیل بن ملا ابراهیم طهرانی، حاج میرزا، پدر

حاج میرزا حسین مجتهد معروف مرجع تقلید و از

اطبای عصر مقیم کربلا و سپس نجف. م ۱۲۸۰

مدفون در خانه خود در نجف.

○ یا ق ۱۷۸/۸.

□ خواجگی درویش، در مدخل آرامگاه انکه خان

در کنار آرامگاه نظام‌الدین اولیاء، بر سنگ گور این

عارف شهید اشعار فارسی کنده شده است که بیت

آخر آن این است.



«سال تاریخش از خرد گفتا

عمر درویش بی‌بقا آمد»

سال ۹۹۰.

○ نقش پارسی ۸۹.

□ **خواجهی کرمانی**، محمد - شیراز در طرف راست دروازه قران به مسافت کمی از دامنه کوه که در اطراف آن بناهای دیگر نیز هست، خواجه در ۷۵۳ وفات یافت و بنا از قرن نهم است.

○ ا ق ۵۱ + کارنامه ۵۸۲ + شیراز تنگ‌الله و اکبر. با بنایی مختصر. شاهنامه آخرش ۸۷ + قاجاریه معماری ۸۶/۲ + لوحه سنگی مدفن خواجه از قرن هشتم است. از سعدی تا جامی ۲۵۰.

□ **خواجه آودیک ارمنی**، بانی کلیسای حضرت مریم در جلفای اصفهان، در همان کلیسا فوت و مدفون شد ۱۶۲۹/۱۰۸۸.

○ آص ۸۴۵.

□ **خواجه آودیک**، کلیسای وانگ.

○ فم ۲۳۲/۴.

□ **خواجه اباصلت**، هرثمه بن اعین خادم حضرت رضا(ع) در هفت کیلومتری مشهد کنار جاده نیشابور، با گنبد و گلدسته و کاشیکاری.

○ د س ۸۲۴ + د ت ۳۸ + معماری ۸۸/۲ و ۱۳۶.

□ **خواجه ابوالوفا خوارزمی**، از بزرگان مشایخ سده نهم. م ۸۳۵ در خوارزم که در این شهر نیز به خاک سپرده شد.

○ تان ۳۲۱.

□ **خواجه ابونصر پارسا** - آرامگاه ابونصر پارسا.

□ **خواجه ابویوسف همدانی**، در سمرقند.

○ قنده ۳۳.

□ **خواجه اتابک در کرمان**، نزدیک مسجد بازار،

بنای سلجوقی.

○ معماری ۸۸/۲ + کارنامه ۷۸۴.

□ **خواجه اصیل‌الدین** در قم، دروازه کاشان، سده هشتم.

○ معماری ۷۷/۲.

□ **خواجه امیرالدین پکلی وال**، صوفی بزرگ کشمیر از دسته نقشبندیه مؤلف کتاب تحفه نقشبندیه. م ۱۲۸۲، گورستان شیخ بهاء‌الدین گنج بخش در شهر سری‌نگر کشمیر.

○ هنر و مردم ۸۴ بهمن و اسفند ۱۳۵۰.

□ **خواجه باقی‌الله**، درگاه - در شهر دهلی در کنار روضه قدم شریف. بر دروازه جنوبی این درگاه یک قطعه شعر حاوی تاریخ وفات وی نقش شده است، خواجه باقی‌الله از مشایخ سلسله نقشبندیه است که در ۹۷۲ متولد و در ۱۰۱۳ جان سپرده است.

○ نقش پارسی ۹۷ + فک مؤلفان ۸۸/۲.

□ **خواجه بهاء‌الدین نقشبندی بخاری**، از احفاد امام حسن عسکری(ع)، عارف شاعر، زاده شده در ۷۲۸، طریقه نقشبندیه به نام اوست درگذشته در ۷۹۱، قصر عارفان بخارا.

○ تان ۲۲۰.

□ **خواجه پطرس**، در کلیسای بتلهم جلفا، خواجه پطرس از بزرگان آرامنه عصر شاه عباس بود و در سال ۱۰۷۷ ارمنی برابر با ۱۸۴۹/۱۰۳۶ برای جاودان کردن نام خود و پدرش ولی‌جان و مادرش شوشان و خانواده‌اش این کلیسا را ساخت. این نخستین کلیسای آرامنه در جلفا بوده است.

○ هنر و مردم ۱۰۹ آبان ۱۳۵۰.

□ **خواجه تاج‌الدین**، در کاشان قرن نهم.

○ معماری ایلخانی ۲۰۲.

□ **خواجه جمال الحق**، و دو برادر دیگرش

خواجه عمادالدین محمود و خواجه صفی الدین  
در قم مورخ ۷۹۲ هـ امامزاده خواجه عمادالدین.

○ معماری ایلخانی ۲۰۲.

□ **خواجه حافظ** هـ آرامگاه حافظ.

□ **خواجه حبیب الله حبّی**، فرزند شمس الدین،  
صوفی معروف متولد ۹۶۳ در نوشهره سری نگر  
کشمیر که در ۱۰۱۵ در کشمیر فوت کرد. مزارش  
در نوشهره سری نگر است.

○ هنر و مردم ۷۸ / بهمن و اسفند ۱۳۵۰.

□ **خواجه حسن**، بقعه خواجه حسن، قم روستای  
راهجرد.

○ معماری ۷۹/۲.

□ **خواجه خضر**، بقعه خواجه خضر در گرگان  
بیرون دروازه مازندران.

○ گرگان نامه ۶۱.

□ **خواجه ربیع**، بنای صفوی با کتیبه از علیرضا  
عباسی ۱۰۲۶، خواجه ربیع از تابعین است،  
مشهد.

○ د ت ۳۸ + مسافر ۵۲۵ + مورخ ۱۰۲۶. هنر  
۴۸۷/۸ + جغ ۶۳۵ + صفوی د ت ۳۸ + آ ط  
۳۷۹ + معماری ۸۸/۲.

□ **خواجه ربیع**، مزار خواجه ربیع. مولوی،  
عبدالحمید.

○ قم ۲۲۶/۴.

□ **خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی**، که در  
۱۷ جمادی الاول ۷۱۸ به فرمان سلطان ابوسعید  
کشته شد، و در مسجدی در ربیع رشیدی. یک قرن  
بعد میرانشاه پسر امیر تیمور که از اسب زمین  
خورد، به تصوّر اینکه وی یهودی بوده است  
جنازه اش را از گور خارج و در گورستان یهودیان

به خاک سپردند.

○ تاغ ۳۲۸.

□ **خواجه سعد**، در اصفهان حومه شرقی، شامل  
یک اطاق چهارگوش اطاق گنبد یا آرامگاه و اطاق  
دراز که احتمالاً مسجد بوده است و اطاقهای  
دیگر. این بنا یکی از صدها بنای خشتی این عصر  
است که باقی مانده، تاریخ بنا را ابتدا قرن دوازدهم  
میلادی می دانستند (قرن ششم) ولی امروز آن را  
از قرن چهاردهم می دانند.

○ معماری ایلخانی با تصویر ۱۹۹.

□ **خواجه شمس الدین محمد جوینی**، صاحب  
دیوان. تبریز جنب مسجد جامع عبدالغفار، در  
سردابی تودرتو معروف به پدی لر، هفت تنان، یا  
مقبره شمس الدین. وی که مدت ۲۲ سال  
(۶۶۱-۶۸۳) در زمان هولاکو و پسرانش آباقا و  
تگودار وزیر اعظم بوده، در ۶۸۳ به امر ارغون با  
چهار پسرش کشته شد و ظاهراً این محلّ مقبره  
خانوادگی ایشان بوده است.

○ آ ذ ۴۶۵/۲ + مقابر صاحب دیوان و اولاد در  
چرنداب تبریز. تاغ ۲۳۵.

□ **خواجه صابن الدین ثوکه**، از مشاهیر حکمای  
صوفی سده نهم، م ۸۳۰ هرات.

○ تان ۲۷۴.

□ **خواجه صدر** هـ آرامگاه خجندیان.

□ **خواجه ضیاء الدین محمد**، (عمادالدین  
مسمود) در بازارچه سربلک یزد زیر گنبدی که  
امروز انبار یک نجاری است با دو سنگ قبر و  
کتیبه ها و تاریخ سوم شعبان ۸۵۸.

○ ی ۳۵۸.

□ **خواجه عبدالرحیم از آبادی**، ا ج آبادی  
تبریزی، از عارفان مدفون در مقبره الشعراى تبریز.

○ آذ ۴۰۰.

□ **خواجه عبدالله انصاری**، پیر هرات  
(۳۷۶-۴۸۱) در گازرگاه هرات، مورخ ۸۳۲.  
○ هنر ۴۲۵/۸ + تان (۸۵) + فک مؤلفان  
۹۹۸/۳.

□ **خواجه عبيدالله احرار** - آرامگاه احرار.

□ **خواجه عزیزالله**، سازنده مسجد خواجه  
عزیزالله در تربت جام، هردو بنا مسجد و بقعه از  
قرن پنجم.

○ آخ ۱۰۱.

□ **خواجه علی سیاهپوش**، نواده شیخ صفی و جد  
شاه اسماعیل. م ۸۳۰ مدفون در قدس خلیل.

○ آذ ۲۹/۲.

□ **خواجه علی صفی**، قم دروازه کاشان، قرن  
هشتم.

○ معماری ۷۸/۲.

□ **خواجه عماد معروف به میرعماد**، با سنگ و این  
نوشته: وفات یافت جناب سعید مغفور خواجه  
عمادالدین محمود بن شبلی شروانی ۸۸۲، در  
انتهای جنوبی خیابان میرعماد در کاشان.  
○ تاکاشان ۵۳۴.

□ **خواجه عمادالدین**، امامزاده - قم، باغ سبز  
دروازه کاشان مورخ ۷۹۲.

○ معماری ایلخانان با تصاویر ۲۰۲.

□ **خواجه عمید کججانی**، از نوادگان حضرت  
سجاد(ع)، معاصر با اباقا خان آبادی کججان در  
اسکوی آذربایجان.

○ آذ ۵۹۷.

□ **خواجه قطب الدین بختیار کاکسی**، دهلی از  
صوفیان بزرگ که در ربیع الاول سال ۶۳۵ وفات  
کرده است. آغاز ساختمان آرامگاه بختیار کاکسی

سال ۹۴۸ است که خلیل الله خان از امرای شیرشاه  
چار دیواری برای آن ساخت و پس از آن مردان  
دیگری دامن همت به کمر زده بنا را تکمیل  
کرده اند تا عصر فرخ سیر.

○ نقش پارسی ۵۴.

□ **خواجه محمد اعظم نقشبندی**، صوفی بزرگ، م  
۱۱۷۹، در مزار کلان سری نگر کشمیر.

○ هنر و مردم ۱۱۲/۸۲ و ۱۱۳ بهمن و اسفند.  
۱۳۵۰.

□ **خواجه محمدپارسا**، جلال الدین محمد فرزند  
محمود حافظی بخاری از اصحاب بزرگ  
خواجه بهاءالدین نقشبند. از اولاد جعفر طیار و  
پیشوای نقشبندیه مقیم بخارا. فوت در سفر حج  
سال ۸۲۲، در مدینه ۱۹ ذی حجه ۸۲۲، مدفون در  
جوار گور عباس عموی پیامبر مدینه.

○ تان ۲۸۰.

□ **خواجه مراد راوی**، از نزدیکان حضرت امام  
رضا(ع) در دوفرسخی جنوب شرقی مشهد.

○ دت ۳۸ + معماری ۸۸/۲.

□ **خواجه معین الدین چشتی**، درگاه شریف عارف  
بزرگ قرن هفتم در شهر اجمیر راجپوتانا. چشتی  
نخستین کسی بود که مبادی تصوف اسلامی را  
به هند آورد، معاصر با شهاب الدین غوری که  
سلطنت اسلامی را در شمال هند تأسیس کرد. در  
کتیبه سردر بزرگ آرامگاه، که شاه جهان ساخته  
تاریخ بنا ۱۰۶۵ ذکر شده است.

○ نقش پارسی ۵۳.

□ **خواجه مؤید مهنوی**، از نوادگان شیخ ابوسعید  
ابوالخیر از مشایخ زمان خود که در نیمه سده نهم  
در گذشته و در آرامگاه جدش به خاک سپرده شده

وی شاعری زبردست بوده است.

○ تان ۳۲۲.

□ **خواجه مهدی بن محمد حنفیه**، زابل - دریاچه هامون.

○ معماری ۹۷/۲.

□ **خواجه نصیرالدین طوسی**، آرامگاه نصیرالدین، خواجه

□ **خواجه نظام الملک طوسی و سلجوقیان**، جمع‌آینج سنگ همه بدون تاریخ جز یکی که از قرن دهم و منسوب به اوست، اصفهان محله دارالبطیخ. در کدکن خراسان نیز قبری منسوب به وی هست - آرامگاه نظام الملک.

○ آص ۷۸۹.

□ **خوارزمی**، کمال الدین حسین، فقیه و متکلم که ابتدا تکفیر و محاکمه و سپس تبرئه شد و در ۸۴۰ توسط ازبک‌ها به قتل رسید، خوارزم آرامگاه ابوالوفا. ○ فک مؤلفان ۷۲۳.

□ **خواندمیر**، خواجه غیاث الدین شیرازی (۸۸۱-۹۳۷) تاریخ‌نویس عصر تیموریان، دهلی در جوار نظام الدین اولیاء و امیر خسرو. ○ فک مؤلفان ۷۴۰/۴.

□ **خوانساری**، آیت الله محمد تقی، م ۱۳۷۱ در همدان، قم مسجد بالاسر کنار درب قبله. ○ ز ۱۵۶/۳.

□ **خوانساری ابوتراب**، عبدعلی، زاده شده در ۱۲۷۱، مقیم عراق م ۱۳۴۶ مدفون در وادی السلام نجف. ○ ز ۱۵۶/۳.

□ **خواهر امام**، بقعه خواهر امام، در شهر رشت بنایی معمولی با گنبد که سقف اصلی است. به دور گنبد کتیبه‌ای است که به امر ابونصر میرزا

حسام السلطنه نوشته شده است ۱۳۰۶، ضریح چوبی را در ۱۳۴۳ خورشیدی آهنی کرده‌اند.

○ آس ۲۹۳ + در رشت محله خواهر امام مورخ ۱۲۷۲، معماری ۸۱/۲.

□ **خویی**، حاج میرزا عبدالله، نایب التولیه آستان قدس در عصر فتحعلی شاه، که به تحریک سالار پسر آصف الدوله اللهیارخان در ۱۲۶۴ کشته شد. حرم امام رضا(ع).

○ رج ۲۹۲/۲.

□ **خوینی قزوینی**، شیخ عبدالکریم م ۱۲۵۰ ناین، قم گورستان شیخان. ○ ز ۱۶۱/۳.

□ **خوشنویسان**، خوشنویس باشی. محمد حسین، م ۱۳۲۸ خ، باغچه علیجان ری. ○ خوش معاصر ۸۷.

□ **خیابانی شیخ محمد**، در گوشه‌ای از دبیرستان ثقة الاسلام تبریز، گورستان سرخاب که بدان گورستان مقبره الشعرا نیز گویند. در دوره رضاشاه مبدل به مدرسه شد و کاشی ۶۰×۱۵۰ سانتیمتری آرامگاه ثقة الاسلام را نیز در گوشه جنوب شرقی آن نصب کرده‌اند.

○ دو مبارز ۳۱۳.

□ **خیام**، آرامگاه حکیم عمر خیام. در محوطه امامزاده محمد محروق نیشابور، در سال ۵۳۰ که نظامی عروضی از گور خیام بازدید کرده و آن را غرقه در گل یافته در این مکان بوده است. از ۱۳۱۳ خ مقارن با جشن هزاره فردوسی بنای کوچکی بر آن ساختند و گنبد مخروطی کاشیکاری مشبک فعلی، در سال ۱۳۵۲ خ به کوشش انجمن آثار ملی ساخته شد. در روی این بنا همانند بنای اولی قطعاتی از رباعیات خیام

نوشته شده است.

○ ف ۲۰ + تان (۲۲) + جغ ۶۴۱ + وقتی رضاشاه را برای افتتاح و ملاحظه آن بنای کوچک بر گور خیام بردند خشمناک شد و وقیحانه آن را به آلت مردان تشبیه کرد، مرحوم حسن نبوی که خود حضور داشت این مطلب را گفت \* + کارنامه ۲۸۱ با تصویرها و شرح معضل.  
 □ (سابق) خیام را از محوطه امامزاده محروق به میدانی در جلو دبیرستان خیام در نیشابور انتقال

دادند این آرامگاه در عصر رضاشاه در سال ۱۳۱۳ مقارن با هزاره فردوسی ساخته شد اما مورد قبول رضاشاه نبود \*  
 ○ کارنامه ۳۰۰.  
 □ (جدید) خیام، یک شاهکار جهانی، مجله ژاپنی جاپان آرشی تکت در شماره ژانویه ۱۹۶۳ این بنا را معرفی و مورد ستایش قرار داده است.  
 ○ کارنامه ۳۰۷ + معماری ۸۹/۲.  
 □ خیابو، برج خیابو - آرامگاه سلطان حیدر.

## د

### از آرامگاه دایی نمایشی تا آرامگاه ذبیحی شاعر

□ دایی نمایشی - آرامگاه آقا دایی نمایشی.

□ دادا گنج بخش - آرامگاه هجویری.

□ داداش بیگ، صاحب منصب قزاق در عصر ناصرالدین شاه و پدر رضا خان میرنج، در غرفه اختصاصی خانوادگی سعادت، در صحن کهنه جنب مرقد حضرت عبدالعظیم که معروف است به صحن طوطی و در مقابل مقبره ناصرالدین شاه قرار دارد. تا چندی پیش سنگ قبر وی موجود بوده است: قبر یاور داداش بیگ پسر مراد علی الشنی که در تاریخ ۱۲۹۵ قمری دار فانی را وداع گفته. علت اعطای این امتیاز به داداش بیگ روابط خادم مخدومی موجود میان حاج سید یوسف مستوفی مزدنویس لشکر مازندران و پدر حاج ساعد سلطان سعادت کارمند قدیمی وزارت خارجه بوده است.

○ ز ۴۲۴/۲.

□ دادگر، حسین، معروف و ملقب به دادگر (۱۲۶۰-۱۳۴۹) خ در تهران متولد شد، پدرش میرزا عبدالکریم و پدر بزرگش حاج علی تاجر بود اما دادگر خردسال به تحصیلات قدیم روی آورد و طلبه شد و در ۱۲۸۶ در وزارت عدلیه شغلی یافت، دادگر مراحل ترقی را با سرعت و پشتکار پیمود و تا مقام معاونت وزارت داخله پیش رفت و در جریان کودتای سیدضیا، به علت همکاری با وی در روزنامه رعد، به کفالت وزارت داخله رسید. دادگر نیز از جمله کسانی بود که در هموار کردن جاده دیکتاتوری سردار سپه نقش عمده ای داشتند و به همین علت در عصر رضاشاه به وکالت مجلس و وزارت و ریاست مجلس رسید و هنگامی که مغضوب شد به خارج از ایران فرستاده شد و در خارج با اینکه از وی برای همکاری با آلمانهای نازی بر ضد رضاشاه دعوت شد،

□ **دانش اصفهانی**، میرحسین خان، استامبول ۱۲۹۶، روزنامه نویس و ادیب م ۱۳۲۳ خ آنکارا، قبرستان ایرانیان استامبول.

○ ز ۱۷۹/۳ + فروردین ۱۳۲۲ در اسکودار + فک مؤلفان ۷۳۶/۲ + یا ق ۱۸۰/۸.

□ **دانیال پیغمبر**، دانیال نبی، مقبره منسوب به دانیال نبی در شوش، با گنبدی مرتفع و دو مناره که در سال ۱۳۳۰ به دستور حاج شیخ جعفر مجتهد توسط ملاحسین معمار ساخته شد. در داخل بنا ضریح برنجی قرار دارد با اشعار فارسی بدون تاریخ. سابقاً تصویر این بنا روی اسکناسهای پنج ریالی بود.

○ ف ۲۰ + جغ ۶۸۳ + بقعه دانیال نبی، د ش ۹۳ تصویر ۳۰۵ + بنایی از ۱۲۸۷، معماری ۸۶/۲.

□ **دانیال نبی**، بنایی است در نزدیک سلمان شهر مازندران که درب قدیمش را به سرقت برده اند.

○ آس ۹۳/۳.

□ **داوود برادر طغول سلجوقی**، در مرو. به روایتی طغول را نیز که در ری مرد به این محل آوردند، آرامگاه طغول برجی است به نام وی در ری.

○ ری ۴۶۱ + تصویر هنر ۳۴۶/۸.

□ **داوود رش**، یکی از افراد خاندان شجاع الدین خورشید سرسلسله اتابکان لرستان، اطراف آرامگاه قبرستانی است با سنگ قبری به تاریخ ۱۱۱۸ در کوهدشت لرستان.

○ آل ۳۷۶.

□ **داور، علی اکبر** - وزیر دارایی رضاشاه و عامل اعطای امتیاز نفت به امریکاییها که منجر به خودکشی وی شد. ۲۱ بهمن ۱۳۱۵، ابتدا قرار بود برای وی تشییع جنازه مفصل گرفته شود ولی به امر رضاشاه بسیار مختصر شد، تهران صفایه.

همکاری نکرد. دادگر پس از سقوط رضاشاه به ایران آمد و مقامات عالی یافت و سناتور شد و سرانجام در تهران مرد و در قم به خاک سپرده شد. ○ ز ۱۶۴/۳ + رج ۹۳/۶.

□ **دارالبطیخ**، دالبتی. آرامگاه منسوب به ملکشاه سلجوقی و خواجه نظام الملک و عده ای دیگر که بدان تربت نظام و مدرسه ملکشاه و تکیه پاچنار هم می گویند، اصفهان، سلجوقی.

○ آص ۷۸۹ + معماری ۹۱/۲.

□ **داریوش** - آرامگاه داریوش بزرگ.

□ **داریوش بزرگ**، در نقش رستم: با سنگ نبشته میخی مفصل شامل اندرزه ها و فهرست کشورهای تابعه، در داخل آن ته جسد قرار داشته و در بیرون آن کنده کاری جالبی از شاه در حال نیایش وجود دارد. با تصاویر.

○ ا ق ۳۷.

□ **داریوش دوم هخامنشی**، در نقش رستم. پهلوی آرامگاه اردشیر اول و داریوش اول و خشایارشا، نفر چهارمین از راست به چپ.

○ ا ق ۳۸.

□ **داعی**، بقعه داعی در شهر دزفول در محله داعیان، قطب العارفین سیدعبدالله داعی م ۱۲۵۶ با کتیبه و گچبری و سنگ گور و گنبدی کوچک.

○ د ش ۴۰۰ + محله کرباسیون معماری ۸۵/۲. □ **داعی صغیر**، از علویان طبرستان که در ۳۱۵ در آمل کشته شد. آمل محله علی آباد.

○ مازندرانس ۲۳۷.

□ **دامغانی**، نعمت الله (۱۲۹۱-۱۳۶۱) تا درجه آیت الله ترقی کرد، مدرس مقیم نجف، جنب مدفن حضرت علی (ع).

○ ز ۱۷۵/۳.

بشیر طالقانی، حاجی بشیر خود با موسیقی آشنایی داشت و درویش را برای آموختن این فن به دارالفنون فرستاد. نخستین سازی که درویش خان انتخاب کرد و با آن آشنایی یافت طبل کوچک بود. درویش ابتدا در دسته موسیقی ملیجک مشغول کار شد و سپس به دستگاه شعاع السلطنه راه یافت و سرانجام با وساطت خانم سفیر روس خود را از قیومیت شعاع السلطنه رها نمود و مدرسه موسیقی درست کرد. درویش در کار موسیقی ایرانی از پیشگامان است و ابداعات مهم در این راه کرده و شاگردان معروف داشته است. این نایغه موسیقی سرانجام در اثر تصادف درشگاهش با اتومبیل در دوم آذر ۱۳۰۵ کشته شد و در آرامگاه ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. از وی آثار مهمی از جمله بیداد همایون و پیش درآمد ماهر برجای مانده است.

○ سرگذشت ۳۲۳+ز ۲۱۲/۳+مردان موسیقی ۲۷.  
 □ **درویش الیاس**، در تنگه شونادشت (شاهان دشت) امیری لاریجان با صندوق‌کننده کاری شده و مسجد مجاور.  
 ○ آس ۲۴۵/۳.

□ **درویش امیر**، بر بالای بازوی فرعی کوهی در اراضی ناسنگ لاشک کجور، بنای هشت ضلعی آجری که داخل آن سفیدکاری شده و یادگارهایی بر آن نوشته‌اند که قدیمترین آن از ۷۸۰ است.  
 ○ آس ۲۰۹/۳.

□ **درویش تاج‌الدین**، حسن ولی در دهکده نیاک بالا لاریجان، بنایی است هشت گوش با گنبد کلاه درویشی و در کنده کاری شده تاریخدار ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ و ۱۳۴۴.  
 ○ آس ۴۲۳/۳.

○ رج ۴۲۸/۲ + تاضف ۲۱۷ + ز ۱۸۲/۳.  
 □ **داوری**، محمد - سومین فرزند وصال ۱۲۳۸ شیراز م ۱۲۸۲ شاه چراغ.

○ رج ۱۸۸/۳.  
 □ **دختر ارغون آغا**، در سلماس، مانده از سده هفتم.  
 ○ هنر ۳۴۴/۸.  
 □ **دختر شیخ صفی** یا صندوق‌منبت‌کاری.  
 ○ آذ ۸۵/۲.

□ **دختران تاج‌الملک**، به نام فاطمه سلطان و خدیجه سلطان در آرامگاه نصرآباد، این دو بانو در سال ۸۶۱ درگذشته‌اند.  
 ○ آثار ایران ۲۳۳/۴.

□ **دخدوک**، ابوسعید ← آرامگاه ابوسعید دخدوک.

□ **درب امام**، در اصفهان. مرقد امامزاده ابراهیم بطحا و امامزاده زین‌العابدین که توسط جهان‌شاه آق‌قویونلو و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی ساخته شده است.

○ آثار ایران ۲۳۴/۴ و آثار ایران ۵۵/۱-۲ + امامزاده‌های درب امام آس ۷۶۵.

□ **در بُن علی**، در قم مزرعه ناوه مداخل روستای آب‌رجس.

○ معماری ۸۰/۲.  
 □ **درچه‌ای**، آیت‌الله سید محمد باقر (۱۲۶۴-۱۳۴۲) از ۱۳۳۸ مرجع تقلید بود تا ۱۳۴۲ که در حمام درچه فوت کرد. اصفهان تخت فولاد.

○ ز ۲۰۳/۳ + رج ۳۰۳/۳  
 □ **درویش**، درویش خان، موسیقیدان و نوازنده معروف (۱۲۵۱-۱۳۰۵) فرزند حاجی

□ **درویش خان** ← آرامگاه درویش.

□ **درویش رستم**، و درویش شهرآگیم در دهکده اتاق‌سرای زانوس کجور. بنای هشت‌ضلعی آجری که بر در قدیمی آن نوشته‌هایی با تاریخ ۹۰۴ و ۹۷۸ هست.

○ آس ۲۲۲/۳.

□ **درویش طالقانی**، **عبدالمجید**، استاد خط شکسته. م ۱۱۸۵، اصفهان تخت فولاد در مقابل تکیه میر.

○ ل ۱۷۹۸ + مرگ در ۳۵ سالگی خوش ۲۵۳ + رج ۳۰۱/۲.

□ **درویش فخرالدین**، بابل مورخ ۸۳۳ در کنار جاده آمل به بابل، قرن نهم تاریخ روی صندوق ۸۳۳، وی از سادات مرعشی بوده است.

○ دت ۳۹ + معماری ۸۳/۲.

□ **درویش محمود**، در سمنان روستای مؤمن آمد قرن هشتم.

○ معماری ۹۵/۲.

□ **دُری**، ضیاء‌الدین (۱۲۹۳-۱۳۷۵) روحانی و فرهنگی معاصر در تهران مرد و در عتبات دفن شد.

○ ز ۲۱۳/۳.

□ **دستغیب شیرازی**، سیدمحمد باقر (۱۲۶۲-۱۳۳۶) روحانی و ادیب و نماینده بندرعباس در دوره ۴ و ۵، امامزاده میرمحمد شیراز.

○ ز ۲۱۷/۳.

□ **دشی کردستانی**، ملاعبدالله (مفتی) در دشه کردستان از قزاقی اورامان متولد شد ۱۲۷۳، عالم و فرهنگی از ۱۳۲۵ مقیم تهران، وفات ۲۵ ربیع ثانی ۱۳۴۲ در سنج، مدفون در بالای تپه شیخ محمدصادق.

○ ز ۲۲۴/۳.

□ **دکتر تقی ارانی** ← آرامگاه ارانی.

□ **دکتر حشمت** ← آرامگاه حشمت.

□ **دکتر محمدخان کفری** ← آرامگاه کرمانشاهی

□ **دماوند** ← آرامگاه امامزاده عبدالله.

□ **دمشق خواجه**، پسر امیر چوپان دولتمرد و سردار بزرگ ایلخانان که خواهرش بغداد خاتون دختر امیر چوپان همسر ابوسعید آخرین ایلخان مقتدر بود، بنا را دمشق خواجه برای بغداد خاتون ساخت. این هر سه نفر در آن عصر وحشت و کینه‌جویی کشته شدند. در کنار مهران‌رود تبریز، آرامگاه دمشقیه به خاک سپرده شدند.

○ آذ ۳۹۸

□ **دمشقیه** ← آرامگاه دمشق خواجه و پسران سلطان اویس جلایر.

○ آذ ۳۹۸.

□ **دنبلی**، احمدخان، دولتمرد کرد در قرن ۱۳ سامره مقبره‌ای که خود ساخته بود.

○ رج ۸۰.

□ **دنبلی** ← آرامگاه جعفرقلی‌خان.

□ **دنبلی نجفقلی خان**، متخلص به مفتون صاحب تاریخ مآثر سلطانیه و....، ۱۱۹۹م، هنگام استحمام در گرمابه، نعش او را به نجف بردند و در حرم حضرت علی(ع) به خاک سپردند.

○ رج ۳۳۴/۴.

□ **دوازده امام**، یزد ۴۲۹.

○ هنر ۲۷۴/۸ + حرم چهارضلعی با پوشش گنبدی + آط ۳۷۹. معماری ۹۲/۲.

□ **دوانی جلال‌الدین محمد**، فرزند. سعدالدین اسعد دوانی معروف به علامه دوانی معروفترین دانشمند قرن نهم، اهل دوان نزدیک کازرون، (۸۳۰-۹۰۸) آرامگاهش در دوان در جوار گور



- شیخ علی دوانی، زیارتگاه است.  
 ○ تا ن ۲۶.  
 □ دوکمال (بهزاد و کمال و خجندی)، از ۹۱۴.  
 ○ کارنامه ۶۳۹.  
 □ دولت آبادی، حاج میرزا یحیی، فقیه و روحانی طرفدار حکومت مشروطه، متهم به ازلی بودن م ۱۳۲۶ خ در ۶۹ سالگی در تهران. شهر ری ابن بابویه.  
 ○ رج ۲۹۱ + باب کیست ۲۴۸ + ایران در جنگ ۲۴۳ + آ ط ۶ + فوت ۲۴ شوال ۱۳۶۶. یا ق ۲۵۹.  
 □ دولتشاه - آرامگاه محمدعلی میرزا دولتشاه  
 □ دومنار، در دردشت اصفهان، با قبری به نام بختی آغا که احتمالاً از قرن دوازدهم میلادی است. قابل قیاس با امامزاده جعفر و امامزاده بابا
- قاسم اصفهان.  
 ○ معماری ایلخانی ۱۸۱.  
 □ دهقان، شیخ نورالله، مؤسس و معلم مدرسه صارمیه در اصفهان عالم و روحانی و روزنامه‌نگار. م ۱۳۳۱ خ تحت فولاد اصفهان.  
 ○ ز ۲۴۳/۳.  
 □ دهقان، اسماعیل - از آزادیخواهان گیلان و یاران میرزا کوچک خان که در هشتم تیر ۱۳۲۵ در تهران فوت کرد، امامزاده قاسم.  
 ○ نام گیل ۴۴.  
 □ دهقان سامانی، شاعر (۱۲۴۰-۱۳۲۶)، در آبادی سامان مغرب اصفهان کنار زاینده‌رود.  
 ○ فک مؤلفان ۱۹۷.

## ذ

## از آرامگاه ذبیحی شاعر تا آرامگاه رادکان

- ذبیحی شاعر، متوفی ۱۱۶۰، یکی از صفه‌های میدان امام (شاه سابق) یزد اشعاری از این شاعر در قطعه سنگی کنده و بر دیوار مدرسه‌ای واقع در همین میدان نصب شده است.  
 ○ ی ۷۵۸ و ۷۰۴/۲.  
 □ ذره، ابوالقاسم سجادی سیاستمدار و آزادیخواه طرفدار سیاستهای چپ در ایران. م ۱۳۱۷ خ. مسکو قبرستان عمومی.  
 ○ ز ۲۶۳/۳.  
 □ ذوالریاستین شیرازی، (۱۲۹۰-۱۳۱۶ خ)
- میرزا عبدالحق مونس علی‌شاه شاعر و عالم ربّانی، کرمانشاه آرامگاه اختصاصی که خود ساخته بود.  
 ○ ز ۲۶۵/۳.  
 □ ذوالفقار شروانی، سیدقوام‌الدین حسین ملقب به ملک‌الشعرا از شاعران قرن هفتم، مشهور از نقطه‌نظر سرودن شعر مصنوع. مقبره‌الشعرا تبریز.  
 ○ کوی سرخاب ۳۶۳.

## د

۲۷

## از آرامگاه رادکان تا آرامگاه زاهدشیر

□ **رادکان**، میل یا برج رادکان که بدان رادکان شرقی در مقابل رادکان غربی می‌گویند. به احتمال آرامگاه امیر ارغون خان است. در هشت کیلومتری شمال مشهد که از عصر تیموریان مانده است. اولین مطالعه جدی درباره این آرامگاه بر مبنای کتیبه‌هایش را ماکس اُفن پرشم آلمانی انجام داد و تاریخ آغازی بنا را ششصد و اند دانست. هرتسفلد تاریخ بنا را ۶۸۰ فرض کرد و آرامگاه امیر ارغون دانست. این بنا الگوی برج کاشمر بوده است.

○ معماری ۸۹/۲ و ۱۳۴ + ایران یک ۴۶ +  
تصویرهای ۱۳-۱۶ و طرح بنا و منابع. معماری  
ایلخانی ۱۰۷ + هنر ۳۴۷/۸.

□ **رادکان غربی**، در نزدیکی بندرگز (در گرگان) در مقابل میل رادکان شرقی در نزدیکی قوچان و شمال مشهد.

○ آثار ایران ۲۷۴/۳.

□ **رادکان غربی و برج تاریخی آن**

○ فم ۲۲۵/۵.

□ **رازی**، محمد زکریا، دانشمند بزرگ ایرانی در فرنگ رازس فرزند ابوبکر (۲۵۱-۳۱۳) از بزرگترین دانشمندان ایرانی، بزرگترین طبیب بالینی اسلام، فیزیکدان، شیمیدان و کیمیاگر، ریس بیمارستان در ری و بغداد. درگذشته در ری درباره آرامگاه و گور این مرد بزرگ هیچ اطلاع درستی نداریم. دانشمند ارجمند استاد کریمان

ری‌شناس معاصر در این باره می‌نویسد:  
چون به شرحی که گذشت احتمالاً این بیمارستان از شهر دور و به‌آتشکده نزدیک بوده است گویا ظاهراً محل خانه محمد زکریای رازی را نیز که سالها در این بیمارستان به کار اشتغال داشت و کوچکترین اشارتی در ذکر بناهای داخلی شهر ری در باب آن به‌نظر نمی‌رسد، می‌توان در همان حدودها پنداشت و اگر چنین باشد روزی در میان آن همه آثار غیرمکشوف باستانی پهنه جنوبی و جنوب شرقی ری در حدود ده خیر و فیروزآباد کنونی تا تپه میل و چال ترخان و مدفن محمدبن حسین شیبانی و دیگر شهرهای آن حدود نشانه‌ای از گور محمد زکریا به‌دست آید.

○ د ۱۰۵۶ + ری ۳۶۸/۲.

□ **راشد**، یا الراشد بالله خلیفه عباسی در محله جی اصفهان نزدیک پل شهرستان. حاوی دوامامزاده ابراهیم و حسن بن زید، بنای صفوی.  
○ د ت ۳۹.

□ **راه نجات**، ابراهیم (۱۲۶۸-۱۳۳۰خ) روزنامه‌نگار و آزادیخواه مبارز تخت فولاد اصفهان.

○ ز ۲۹۳/۳.

□ **ریس الطلاب**، حاج میرزا زین‌العابدین، برادر حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار (۱۲۴۵-۱۳۳۵) در ۹۰ سالگی در نجف مرد و در همان‌جا دفن شد.

○ رج ۱۱۴/۶.

□ **رئیس المجاهدین**، میرزا حسن فرزند میرزا مسعود شیخ الاسلام قزوینی، واقع در جاده کرج به قزوین، در سی کیلومتری قزوین که متأسفانه به امامزاده بی غیرت معروف شده در حالی که میرزا حسن از بزرگترین قهرمانان غیرت و شرف در عصر مشروطیت بوده است. متوفی ۱۳۳۶.

○ تواریخ مشروطیت + آق ۱۳۲ و مقاله از د. توکل، کیهان مرداد ۱۳۴۷ + تاریخ سنگ مزار ۱۳۳۳ و نیز آرامگاه همسر وی آسیه. د ت ۳۹ + چون متهم در قتل پدر بوده، به وی امامزاده بی غیرت لقب دادند. ر ج ۳۳۴ + بنای قاجاری. معماری ۷۷/۲.

□ **ربیعہ خاتون**، مورخ ۷۰۸ در آشترجان اصفهان. ○ معماری ایلخانی با تصویر ۱۵۰.

□ **رحیم خان زند**، پسر بزرگ کریم خان زند که در ۱۸ سالگی مرد ۱۱۹۱، در محل کنونی هنرستان فارس، مجاور بقعه حضرت علی بن حمزه با تخلص مصراع.

○ ر ج ۵۰۷.

□ **رزم آوا**، حاجعلی، که در پنجاه سالگی در مجلس ترحیم آیت الله میرزا محمد فیض، توسط خلیل طهماسبی روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ هنگام نخست وزیری کشته شد. شهر ری باغ طوطی.

○ روز شمار ۳۱۹/۲.

□ **رستم خان سوقمن**، انسی گلپیان. م ۱۸۴۳ در آرامگاه زیر برج ناقوس کلیسای وانگ در جلفا، رستم خان برادر منوچهر خان معتمدالدوله گرجی بوده است. رستم خان را در ۱۲۵۸ هنگام حکومت برادرش در اصفهان کشتند.

○ آ ص ۸۴۰.

□ **ریسکت**، برج رسکت در دودانگه ساری، قرن

پنجم.

○ معماری ایلخانی ۱۹۳ + آثار ۱-۱۱۸، آثار ایران ۲۷۵/۲.

□ **رشتی**، حجت الاسلام حاجی سید محمد باقر رشتی شفتی بیدآبادی، بانی مسجد سید در محله بیدآباد، بنایی آجری از بقعه و رواق مزین به گچ بریا و کاشیکاری و نقاشی و کتیبه هایی چند از سده سیزدهم.

○ آ ص ۷۹۲.

□ **رشدیه**، میرزا حسن، فرهنگی و اصلاح طلب بزرگ، فوت ۲۱ آذر ۱۳۲۳ قم، قبرستان حاج شیخ عبدالکریم.

○ ز ۳۲۵/۳.

□ **رشیدالدین و طواط**، محمد بن محمد عمری بلخی، شاعر و نویسنده و محقق ایرانی. ۹۲ سال زندگی کرد و در سال ۵۷۳ در خیوه مرد و به خاک سپرده شد. دیوان و چند اثر فارسی و عربی از او به جا مانده است.

○ تان ۹۲ + ت راشدی

□ **رشید یاسمی**، غلامرضا، (۱۲۷۴-۱۳۳۰ خ) فرزند محمد ولی خان، استاد تاریخ دانشگاه و نویسنده و شاعر و مترجم آثاری چون ایران در زمان ساسانیان و تاریخ قرن هیجدهم و انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون. آرامگاه ظهیرالدوله، شمیران.

○ ر ج ۱۵۲۸/۳.

□ **رضاقلی خان**، پسر امیر گونه خان کُرد زعفرانلو، فوت در تبریز، انتقال جسد به مشهد و تدفین در حرم مطهر.

○ ر ج ۲۸/۲.

□ **رضاقلی مافی** ← آرامگاه نظام السلطنه دوم

- **رضاقلی میرزا قاجار**، نایب‌الایاله پسر بزرگ حسینعلی میرزا فرمانفرما، تولد ۱۲۲۰ در شیراز از نویسندگان عصر قاجار، م ۱۲۷۹ در کرمانشاه مدفون در نجف  
○ تا ضف ۳۷۳.
- **رضوی قسیمی**، سیدمحمدتقی، زاده شده در ۱۲۸۷ روحانی فرهنگی مقیم قم. قم گورستان شیخان.  
○ ز ۳۳۳/۳.
- **رضی، میرزا محمد**، پسر میرزا شفیع سرخابی تبریزی ادیب خوشنویس م ۱۱۵۸ در ۶۵ سالگی، نجف.  
○ رج ۴۲/۲ + تا ضف ۳۴۲.
- **رضی‌الدین آرتیمانی** ← آرامگاه آرتیمانی.
- **رضی‌الدین محمدحسین شیرازی**، از عرفای قرن ۱۱ و ۱۲ اصفهان، تخت فولاد تکیه آقارزی.  
○ ل ۲۸۰۰.
- **رفعت سمنانی**، حاج محمدصادق شاعر عصر قاجاریه م ۱۳۵۰، حضرت عبدالعظیم.  
○ تا ضف ۲۱۵.
- **رفیع**، آیت‌الله حاج نورالدین - متولد ۱۳۱۸ در رشت پس از پایان تحصیل مقیم تهران. م ۱۳۸۶، نجف آرامگاه خانوادگی در صحن مطهر.  
○ ز ۳۳۷/۳.
- **رفیع، بامداد** ← آرامگاه بامداد، رفیع.
- **رقیه بانو**، خواهر مکرم حضرت رضا(ع).  
○ نطنز ۱۴۹.
- **رکنا**، مسعود رکن‌الدین کاشانی، خوشنویس و طبیب دربار صفویه و پادشاهان بابری هند، قرن یازدهم م ۱۰۶۶ کاشان.  
○ خوش ۹۰۲.
- **رکن‌الدین سمنانی**، در صوفی‌آباد سمنان در ۷۳۶.
- معماری ایلخانی ۱۶۸.
- **رکن‌السلطنه**، محمدرضا میرزا، پسر پنجم ناصرالدین شاه متولد ۱۳۰۱ تهران که در کودکی یک چشمش به واسطه آتش‌بازی کور شده بود از نقاشی و موسیقی سر رشته داشت. م ۱۳۳۰ در نیس، مدفون در نیس.  
○ رج ۲۳۶/۶.
- **رکن‌الملک**، میرزا سلیمان خان متخلص به‌خلف، نایب‌الحکومه اصفهان. م ۱۳۲۳، مدفون در اطاتی، در مسجد رکن‌الملک. تخت فولاد اصفهان.  
○ آص ۶۲۵ + ل ۲۰۰۰.
- **رکن جهان**، خواجه حمیدالملک رکن‌الدین صاین هروی. شاعر و دولتمرد عصر آل مظفر و ملازم شاه شجاع. م ۷۶۵، مدفون در یزد.  
○ تان ۲۰۸.
- **رکن عالم**، م ۱۳۲۰ ملتان هند.
- معماری هند ۲۹ تصویر ۲۲ الف.
- **روین**، بقعه روین یا پیر روین یا زیارت سلطان سیدعلی، دزفول در کنار رودخانه با کاشیکاری و گنبدی آجری و ۱۴ مجلس نقاش مذهبی و تزیینات دیگر.  
○ د ش ۴۰۱.
- **روح‌القدس**، سلطان‌العلمای خراسانی. روح‌القدس مخالف سرسخت محمدعلی شاه و استبداد وی. محمدعلی شاه وی را پس از شکنجه‌های شدید نیمه‌جان در چاه انبار دولتی (زندان) انداخت. وفات شب چهارشنبه ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۶.

○ رج ۴۴/۲.

□ روحی - آرامگاه شیخ احمد روحی.

□ رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد - م ۳۲۹ در قریه پنج رودک تاجیکستان. بنای جدید آن در ۱۹۵۸ با حضور نماینده ایران گشوده شد.

○ تان ۲۱ و (۵) + تصویر سیمرغ ۱۵۴.

□ رودلف ساعت ساز، رودلف استاد ساعت ساز سوئسی که توسط فرنگیهای آن عصر با گنبد و بارگاه در دامنه کوه صفه اصفهان ساخته شد، اکنون آثار آن برجای است از جمله سنگ قبر وی با نوشته که احتمالاً جدیدتر است.

○ آینده ۳۸/۱۱ + مقتول به امر شاه صفی

○ آص ۸۴۶.

□ روزبهان، ابومحمد بقلی گیلانی (۵۲۲-۶۰۶) عارف معروف، ساکن شیراز، آرامگاه وی در سال ۱۳۵۱ خ توسط انجمن آثار ملی در شیراز محله درب شیخ ساخته شد.

○ کارنامه ۵۱۱ + ف ۶۲ + معماری ۸۷/۲ + إ ق ۷۰.

فخرالدین عراقی در عشاق نامه درباره او گوید:

پیر شیراز شیخ روزبهان

آن به صبر و صفا فرید جهان

اولیا را نگین خاتم بود

عالم جان و جان عالم بود

شاه عشاق و عارفان بود او

سرور جمله واصلان بود او

چون به ایوان عاشقی برشد

روز به بود و روز به تر شد

سأله با جمال جان افروز

روز شب کرده بود و شبها روز

○ کارنامه ۵۱۲.

□ روزبهان نسوی، فریدالدین، م ۹۱۸ در مصلای

شیراز.

○ شیرازنامه ۱۲۲.

□ روزبهان، آرامگاههای کسان دیگر در این آرامگاه.

○ کارنامه ۵۱۶.

□ روسو، ژاکوب، عموی ژان ژاک روسو متفکر معروف اروپا در قرن ۱۸ که به اصفهان آمد و تا هنگام مرگ، ۲۹ مارس ۱۷۵۳ مدت ۴۸ سال در اصفهان مقیم بود. وی حرفه ساعت سازی را خوب می دانست و اکنون گورش با سنگی زیبا در قبرستان آرامنه در جلفای اصفهان وجود دارد، وی از مردم ژنو بود.

○ آثار ۴/۳۴۲.

□ روسیهای کشته شده، در واقعه گری بایدف، کلیسای طاطاوس در کوچه آرامنه تهران با تصویر.

○ آط ۸۸.

□ روشن چراغ دهلی، نصیرالدین عارف معروف، در دهی که به امر فیروز شاه تغلق بر فراز قبر او درگاهی ساخته اند. با کتیبه ای به خط ثلث، در تاریخ ۷۷۵. تاریخ وفات وی ۷۴۷ است.

○ نقش پارسی ۶۹ + آثار صنایع ۳۶ و ۵۳.

□ رهنما، غلامحسین - فرزند ملاباشی، حاج میرزا محمد، زاده شده در ۱۲۹۷ شیراز، پس از تحصیل در دارالفنون نزد عبدالغفار خان نجم الدوله به تکمیل معلومات پرداخت، تا به جایی که عضو آکادمی علوم فرانسه شد در ۱۲ خرداد ۱۳۲۵ خ مرد. شهر ری ایوان مقبره ناصرالدین شاه.

○ رج ۱۷۳/۶ + روزشمار ۲۷۸.

□ وهی معیری، محمد حسین (۱۲۸۸-۱۳۴۷)

- فرزند مؤید خلوت. شاعر متخلص بهرمی با اثری چون سایه عمر، آرامگاه ظهیرالدوله.  
○ سخنوران نامی ۱۶۱۶/۳.
- ریاضی، آیت الله ابراهیم - زاده شده در ۱۲۷۷ خ، روحانی بزرگ اهل نجف آباد، پس از پایان تحصیل در قم و اصفهان به نجف آباد رفت و آثار عمرانی فرهنگی بسیار از خود به جای گذاشت م مؤید خلوت. شاعر متخلص بهرمی با اثری چون سایه عمر، آرامگاه ظهیرالدوله.  
○ سخنوران نامی ۱۶۱۶/۳.
- ریاضی، سید محمدعلی یزدی، متولد ۱۲۹۰ خ روحانی فرهنگی و شاعر، فوت ۲۹ اسفند ۱۳۶۱. تهران. ابن بابویه.  
○ ز ۳۵۴/۳.

## ز

## از آرامگاه زاهدشیر تا آرامگاه ژنده پیل

- زاهدشیر، در ده کیلومتری مشرق خرم آباد.  
○ معماری ۹۷/۲.
- زبیده خاتون، دختر عم و زن ملک شاه سلجوقی که در بحرانهای جانشینی ملک شاه وی را به دستور مؤیدالملک محبوس و خفه ساختند، به احتمال قوی زیارتگاه بی بی زبیده متعلق به این بانو است نه دختر حضرت امام حسین (ع).  
○ ری ۴۱۶.
- زبیده خاتون، دختر بُرکیارق سلجوقی و همسر سلطان مسعود سلجوقی.  
○ د ۱+۷۲ احتمالاً بی بی زبیده مدفون در ری.
- زوکوب - آرامگاه نجم الدین.  
□ زوندیان، بقعه ای منسوب به امامزاده نصرالله با ضریحی تاریخ دار، ۹۳۴.
- ی ۶۷.
- زکریا قزوینی، (۶۰۰-۶۸۲)، عمادالدین زکریا فرزند محمود، نویسنده عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات و آثارالبلا، و اخبارالمعباد، قاضی شهرهای حله و واسط که در مأموریت دومی مرده و در بغداد به خاک سپرده شده.  
○ تاغ ۵۰۴.
- زکریا ملتانی، بهاء الدین معروف به بهاء الحق (۵۷۸-۶۶۱) از مشایخ صوفیه و از خلفای مشهور شیخ شهاب الدین سهروردی، متولد ملتان که در مراجعت از مکه به خدمت سهروردی رسید و در هند طریقه سهروردیه را وی تأسیس کرد، زکریا ملتانی به هیچ کس اجازه نمی داد دست او را ببوسد. فخرالدین عراقی و امیرحسین هروی از مریدان او بودند. آرامگاهش در ملتان زیارتگاه است.  
○ د ۴۷۴.
- زَمَخْشَری - آرامگاه شیخ نجم الدین کبری.  
□ زنجانی، آیت الله سیداحمد، زاده شده در ۱۳۰۸ زنجان مقیم قم وفات ۲۹ رمضان ۱۳۹۳، قم حرم مطهر حضرت معصومه (ع)، آثار.

- ز ۳/۳۶۴. □ زین‌الدین بابا، قرن نهم تجدید در قرن ۱۳ با تصویر، در تاشکند.
- سیمغ ۱۸۲. □ زنوزی، آیت‌الله میرزا رضی، زاده شده ۱۲۹۴ تبریز پس از تحصیل در قم مقیم شد. م ۱۳۷۰ تبریز، قم مسجد بالاسر.
- ز ۳/۳۶۸. □ زین‌العابدین موائه‌ای، حاج، نویسنده سفرنامه ابراهیم بیگ م ۱۳۲۸، استانبول.
- چهره‌ها ۶۸۴ + تا صف ۶۱۴. □ زیارت، معماری ایلخانی حدود سال ۷۰۰ در ۵۰ کیلومتری مشرق بجنورد که برای اولین بار در این کتاب معرفی می‌شود.
- زینت‌النساء بیگم، یکی از دختران شاه اسماعیل سوم، در محله امامزاده اسماعیل نزدیک مسجد جمعه اصفهان، در رواق همان امامزاده، با سنگ قبری مورخ ۱۱۹۶. □ ایلخانی ۱۴۲ با تصویر.
- آثار ایران ۳۱۶/۴. □ زید بن علی، امامزاده زید بن علی، نقشه سیاحتی لرستان + خرم‌آباد محله زید بن علی مورخ ۹۵۰. معماری ۱۹۷ جغ ۱۷۵.

## ژ

## از آرامگاه ژنده‌پیل تا آرامگاه سادات در اصفهان

- ژنده پیل ← آرامگاه احمد ژنده پیل.
- ژول ریشار فرانسوی، عکاس که در ۱۲۶۰، عصر ناصرالدین شاه به ایران آمد و در دارالفنون زبان فرانسه تدریس می‌کرد (۱۳۰۸-۱۲۳۱) ریشار در یک پیشامد ناموسی کشته شد و وی را در گورستان انبار قاسم‌خان، محلی بین تهران و ری، جاده قدیم شهرری به خاک سپردند.
- تا سین ۲۴۶ + رج ۱۰۴/۴. □ ژول ریشار فرانسوی، عکاس که در ۱۲۶۰، عصر ناصرالدین شاه به ایران آمد و در دارالفنون زبان فرانسه تدریس می‌کرد (۱۳۰۸-۱۲۳۱) ریشار

## س

## از آرامگاه سادات تا آرامگاه شایب‌الحسن

- سادات، در گوشه شمال غربی مسجد حکیم اصفهان.
- سادات، درافروشته نطنز، در چهارکیلومتری جنوب شرقی آن.\*
- آص ۶۰۹. □ سادات، بقعه سادات در بلندترین نقطه شوشتر

ساختمان قدیمی شبیه عمارات عهد صفوی که همه کتیبه‌هایش فروریخته.

○ د ش ۷۳۹.

□ **سادات قل هوانه**، در یزد، غرب مسجد جامع ۹۶۵.

○ معماری ۹۲/۲.

□ **سادات لودی**، در دهلی سده‌های ۹ و ۱۰.

○ میراث ۸۰.

□ **ساریه خاتون**، قم روستای دوکوهک، صفویه.

○ معماری ۷۹/۲.

□ **سازی اسلامی**، در ایران را باید دنباله معماری آتشکده‌های ایران ساسانی دانست، مقبره مشهور اسماعیل سامانی نسخه مجلل آتشکده چارطاقی دوره ساسانی است، گنبد علی در ابرقو بعضی از دخمه‌های زرتشتی را به یاد می‌آورد و گنبد قابوس که آغاز پراهمیت ساختمان این نوع بناهاست نیز از سبک معماری ایران ساسانی زرتشتی حکایت دارد.

○ معماری ۲۷.

□ **سازی را ایرانیان**، یا از رومیان که در آسیای غربی صاحب نفوذ بودند اقتباس کردند یا اینکه این رسم را ترکان آسیای مرکزی به ایران آوردند.

○ معماری ۲۶.

□ **ساسانیان دوری**، از میان شاهان ساسانی استخوان هرمز پسر یزدگرد دوم و سه تن از خاندان او در ری نهاده شده است. ابن اثیر.

○ ری ۳۷۸.

□ **ساعداالملک**، میرزا عبدالرحیم خان قائم مقام از سادات طباطبایی آذربایجان، متولد ۱۲۴۴ در تبریز و از همراهان ناصرالدین شاه به اروپا و عضو دارالشورای کبری. م ۱۳۱۹ در تهران، قم صحن

امین السلطان.

○ ج ۱۴۵/۵.

□ **ساعداالملک**، **احمدخان**، آرامگاه احمدخان ساعداالملک.

□ **ساعدا مراغه‌ای**، محمد، از سیاستمداران عصر پهلوی دوم که در رویداد آذربایجان نخست‌وزیر بود و نقش مهمی داشت اما پس از این رویداد دیگر در صحنه سیاست درخششی نیافت. م ۱۳۵۲، وی را بر مبنای وصیتش در گورستان عمومی به خاک سپردند بی‌نام و نشان.

○ روزشمار ۲۷۹/۲.

□ **سالار**، حسن خان پسر اللهیار آصف‌الدوله که در عصر محمد شاه طغیان کرد و میرزا تقی خان امیرکبیر فتنه‌اش را خواباند و خود و دو پسرش را اعدام کرد، مشهد خواجه ربیع.

○ ر ج ۲۱۳.

□ **سالارالدوله**، ابوالفتح میرزا پسر مظفرالدین شاه. زاده شده در ۱۲۹۸. در ۱۳۱۵ حکمران کرمانشاه و از همان آغاز کار دست تعدی و تجاوز به سوی مردم دراز کرد به حدی که وی را از آن شغل معزول کردند، مظفرالدین شاه در تلگرافی به محمدعلی میرزا ولیعهد به وی گوشزد می‌کند که: تصور نکن من پسر شاه هستم سالارالدوله را ملاحظه کردی که در کرمانشاه خواست حرکت خلافی بکند قدری دست‌اندازی به املاک مردم کرد فوری او را عزل کردم. با همه اینها وی سالها حکمران نواحی مختلف غرب و جنوب غربی کشور بود و سرانجام در اوایل سال ۱۳۲۵ بر علیه برادر خود محمدعلی شاه قیام کرد، اما قیامش با کاردانی اتابک شکست خورد و خودش به کنسولگری انگلیس در کرمانشاه پناه برد. تاریخ



□ سامانی واقع در بخارا از قرن چهارم، نسخه مجلل سبک متداول آتشکده چهارطاقی ساسانی است و آرامگاه قدیمی حومه ابرقو که در نقطه‌ای دورافتاده قرار دارد و از قرن چهارم است، یادآور دخمه‌های زرتشتی یا برجهای خاموشان عصر پیش از اسلام است.

○ مقاله دکتر ربرت هیلن براند. معماری ۳۳ + اشاره به آرامگاه امیر اسماعیل سامانی است.\*

□ ساوجی، حاج میرزا فضل‌الله در عصر فتح‌ملی‌شاه از ادبا و فضلا و خوشنویسان و از مشاهیر اطبا بود. م ۱۲۷۵ تهران، نجف دارالسلام. ○ رج ۴/۳۹۴.

□ سبز، قم دروازه کاشان سده هشتم. ○ معماری ۸۷/۲.

□ سبز، قبه سبز کرمان، آرامگاه قراختایان. پیرنیا محمد کریم. ○ فم ۴/۲۲۸.

□ سبز (گنبد سبز) درافوخته نظنز آرامگاه سید واقف به‌طوری‌که مردم برزیان می‌آوردند: گنبد سبز. □ سبز (گنبد سبز) در هرات، مقاله از عبدالله احرار.

○ فم ۳۶۸ □ سبز، گنبدسبز، یا مقبره سلاطین تیموری در هرات. مقاله از گویا اعتمادی سرور.

○ کابل ۶۳/۱۲/۳.

□ سبزپوش، بقعه سبزپوش در بهبهان، صفویه. ○ معماری ۸۶/۲.

□ سبزپوش، یا سوزپوش دو پیرون، در گتوند با حیاط بدون گور، چه مردم متعقدند که این زمین مرده را نمی‌پذیرد. بنایی مشابهه ابنیه اواخر عصر صفوی.

زندگی سالارالدوله مملو از قیامها و جنگها برای رسیدن به مقام سلطنت بوده است. از سال ۱۳۰۳ خورشیدی وی به‌مصر رفت و سالهای آخر عمر را در اسکندریه سپری ساخت و در ۱۳۳۸ خ مرد و در همان شهر به‌خاک سپرده شد. وی لباس شاهنشاه ایران را تا آخر عمر داشت و گه‌گاه می‌پوشید.

○ رج ۴۸ + وی را به‌عبثات آورده در نجف به‌خاک سپردند. ت معیری.

□ سالار ملی، باقرخان، وی در حین جنگ جهانی اول با چند مجاهد دیگر عازم قلمرو عثمانی شد اما در یک روستایی نزدیک قصر شیرین، وی و همراهانش را گردان شبانه گردن زدند و جسد هاشان را در چاه ریختند محرم ۱۳۳۵.

○ رهبر ۴۱۲ + جنگجو و مجاهد معروف همکار صمیم و یار وفادار ستارخان در قیام آذربایجان در برابر محمدعلی شاه قاجار. رج ۱۸۰.

□ سالور، در قریه اوین تهران نزدیک درکه بر روی یک تپه، امامزاده‌ای به‌نام عزیز قرار دارد که در مجاورتش دو آرامگاه نوبنیاد پی افکنده شده است. از دو برادر به‌نامهای حسینعلی میرزا عمادالسلطنه م ۱۳۱۱ خ و قهرمان میرزاعین‌السلطنه م ۱۳۲۴، هردو فرزندان عبدالصمد میرزا عزالدوله فرزند محمدشاه. بر روی سنگ قبرها اشعار زیبایی نویسانده شده است.

○ آط ۲۲۶.

□ سام خان، پسر بزرگ رضاقلی‌خان زعفرانلو، حکمران قوچان در عصر عباس میرزا م ۱۳۱۲، حرم پاک رضوی.

○ رج ۶/۱۱۷.

○ د ش ۷۵۸.

□ **سبزپوشان**، در سینه کوه و جنوب شرقی شیراز قرار گرفته است در وسط یک درختزار غاری است دست‌ساز و سنگی با این نوشته: تاریخ شهادت امامزاده سید اسحاق بن موسی بن جعفر سنه ۲۰۵.

○ ا ق ۳۸۶.

□ **سبزواری** ← آرامگاه حاج ملاهادی.

□ **سبزواری**، حاج میرزا حسین، شاگرد حاج ملاهادی. م ۱۳۵۲، در مزار حاج ملاهادی به خاک سپرده شد.

○ یا ق ۲۶۵.

□ **سبزواری**، ملا محمد جعفر پسر ملا محمد باقر معروف به شیخ الاسلام از علما و فقهای بزرگ اصفهان. سده سیزدهم.

○ آ ص ۶۰۹.

□ **سبزواری**، حاج میرزا ابراهیم مجتهد سبزواری ← آرامگاه حاج میرزا ابراهیم شریعتمداری.

□ **سپهد قرنی**، قم آرامگاه شیخ فضل الله نوری.

○ اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۱۵.

□ **سپهدار تنکابنی**، خلعتبری ← آرامگاه سپهسالار تنکابنی.

□ **سپهر**، میرزا محمد تقی ← آرامگاه محمد تقی سپهر.

□ **سپهسالار**، در طبس روستای چهارده، قاجاریه..

○ معماری ۸۹/۲ و نقشه ۱۲۵.

□ **سپهسالار تنکابنی**، محمدولی خان، سپهدار اعظم از سرداران وفادار به محمدعلی شاه که مأمور دفع غائله ستارخان در آذربایجان شد و در آنجا به حقانیت مشروطه خواهان پی برد و از آن به بعد از دولتمردان طرفدار مشروطیت شد. روز

۲۷ تیرماه ۱۳۰۵ باغ بیلاقی خود در دزاشیب خودکشی کرد و بنا بر وصیت خودش در امامزاده صالح تجریش به خاک سپرده شد.

○ تاب ۱۳۸/۴ + رهبر ۳۱۰ + رج ۱۶/۴

□ **سپهسالار قزوینی**، میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم ناصرالدین شاه و شوهر عمه وی، بانی مدرسه و مسجد سپهسالار در جوار اقامتگاهش کاخ بهارستان که به دولت واگذار شد. چون سپهسالار فرزند نداشت، بعدها در عصر رضاشاه ارباب کیخسرو از سوی مجلس مبلغی را به وارشان وی داد. (خاطرات و یادداشت‌های ارباب کیخسرو) وی در مشهد با قهوه فجر مسموم و کشته شد و در دارالسیاده آستان قدس به خاک سپرده شد.

○ رج ۴۲۲ + سیاستگر ۵۹.

□ **ستارخان** ← آرامگاه سردار ملی.

□ **ستی فاطمه**، در محله چهارسو کوچک اصفهان، مرقد فاطمه صغری دختر امام موسی کاظم، از قرار گفته مردم اصفهان. بنا صفوی است و در زمان فتحعلی شاه تعمیر شد، با کتیبه‌ای به تاریخ ۱۲۴۲

○ آ ص ۷۷۲.

□ **ستی فاطمه**، از همراهان حضرت معصومه (ع).

○ شهرها ۲۴۵ + ستی فاطمه یا فاطمه خاتون بنایی از قرن نهم بدون هیچ اثری از کتیبه و کاشی + ی ۳۳۲ در میدان امیر چخماق یزد قرن نهم معماری ۹۲/۲ شهرها ۲۴۵.

□ **ستی فاطمه و شاهزادگان**، در اصفهان.

○ معماری ۹۱/۲ و ۱۳۰.

□ **ستی فاطمه**، در محله کهوی شوشتر با کتیبه‌ای از ۱۲۹۱.

○ دش ۷۴۲.

□ **ستیه**، یا بیت‌النور. قم میدان میرسراج، قاجاریه.

○ معماری ۷۸/۲.

□ **سخنیار**، حسین، (۱۳۴۷-۱۳۰۸ خ) فرزند حاج محمد جواد کوپایی. ادیب و شاعر مشهور به حسین مسرور. آرامگاه ظهیرالدوله شمیران.

○ سخنوران نامی ۳۲۷۵/۵.

□ **سدیدالسلطنه کبابی**، احمدخان، دولتمرد دانشمند عصر قاجار و پهلوی. م ۱۳۲۰ خ.

○ بندرعباس، ۲۱.

□ **سرباز گمنام**، در تبریز محوطه ارک علیشاه.\*

□ **سرباز گمنام**، نخست ستون یادبود سرباز گمنام در این نقطه برپای شد و به تدریج مبدل به یک آبادی شد با ۱۷ نفر نفوس در ده پیر، بخش مرکزی خرم‌آباد\*.

□ **سرخ** - آرامگاه گنبد سرخ.

□ **سرخپوش**، سید جلال‌الدین (۵۹۵-۶۹۰) اهل بخارا عارف بزرگ و یکی از چهاریار (سه نفر دیگر: بهاء‌الدین زکریا، فریدالدین گنج‌شکر و سید عثمان مرونندی) از سادات علوی و از فرزندان‌دگان امام محمدتقی(ع) که بسیاری از مردم شمال پاکستان را به اسلام دعوت کرد. وی خرقة خلافت را از پدر خود گرفت. آرامگاهش در بهاولپور است که والی بهاولپور ساخت.

○ میراث ۴۶۹/۲.

□ **سردار اسعد بختیاری**، **علی قلی خان**، لقب سردار اسعد را اول برادر بزرگ علی‌قلی اسفندیار خان داشت که هردو پسران حسین قلی خان ایلخانی از تیره هفت لنگ بختیاری بودند. ایلخانی در ۲۷ رجب ۱۲۹۹ توسط ظل‌السلطان

حکمران اصفهان کشته شد. پس از این کشتار ظل‌السلطان این دو برادر پسران بزرگ ایلخانی یعنی اسفندیار خان و علی قلی خان را نیز به زندان انداخت و برادران دیگر سر به کوه و بیابان گذاشته آواره شدند. مدت حبس حاجی علی‌قلی خان سه سال طول کشید و پس از آن به تهران رفت و خود را به‌امین‌السلطان نزدیک کرد و فرمانده یک نیروی محافظ امین‌السلطان شد. علی‌قلی خان پس از سقوط امین‌السلطان به اروپا رفت. با آغاز نهضت مشروطه و سپس استبدادکوچک محمدعلی میرزا، سردار اسعد به‌اشاره وزارت خارجه انگلستان به ایران بازگشت و به‌فرماندهی نیروی آزادی‌طلب بختیاری رسید و موفق شد که با کمک سپهدار تنکابنی مشروطه را دوباره برقرار سازد و خود به مقامات عالی برسد، تا اینکه در هفتم محرم ۱۳۳۶ در ۶۳ سالگی در اصفهان مرد و در تخت پولاد به خاک سپرده شد.

○ رج ۴۴۸/۲ + دوم آبان ۱۲۹۶ با تشییع جنازه رسمی روزشمار ۸۷ + رهبر ۲۵۷.

□ **سردار اسعد**، **جعفر قلی خان**، پسرعلی قلی خان، سردار اسعد دوم یا سوم از سرداران بزرگ عصر رضاشاه که پیش از درخشش رضاخان نیز فرماندهی داشت و سردار سپه زیر دست او بود. وی از طرفداران رضاخان بود و به‌کرسی دیکتاتوری نشاندن رضاخان کمک بسیار کرد و در عصر وی به وزارت رسید، اما ناگهان در اواخر سال ۱۳۱۲ مغضوب شد و به زندان نظیمه رفت و در اوایل فروردین ۱۳۱۳ در زندان کشته و در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. پس از سقوط حکومت رضاشاه محاکمه قاتلان وی در شهربانی به‌انجام رسید و دراین باب افشاگری

بسیار شد.

○ آرزو ۱۰۶ + محاکمه ۷۴ + رهبر ۲۸۲ + رج ۲۴۵.

□ **سردار الفخیم** ← آرامگاه آقا بالاخان سردار.

□ **سرداران زند**، ابوالفتح خان و صادق خان و جعفرخان در حرم شاه چراغ شیراز.

○ رج ۱۶۲/۳.

مقاله اسماعیل اشرف قم ۳۷۰.

□ **سردار فاخر حکمت**، رضا فرزند حسام‌الدین

مشارالدوله شیرازی، پدر و پدربزرگ وی هردو

طبيب بودند و رضا که در ۱۲۷۲ خ در تهران

متولد شد پس از مدتی تحصیل در تهران به شیراز

رفت و در کار کشاورزی دستیار پدر شد. پدرش

هنگام مشروطه طلبی در فارس به این نهضت

گرایید و رضا هم از همان دوران کودکی به آزادی و

آزادگی علاقه مند شد و بخش عمده‌ای از زندگی

وی صرف براندازی نفوذ انگلیس از جنوب ایران

گردید و چون به مبارزه پارلمانی عقیده داشت در

این راه کوشید و سالها وکیل و رئیس مجلس بود.

نقاط ضعف وی یکی مرگ مرحوم مستوفی

درخانه اش و یکی علاقه مندی وی به قمار بود... اما

آنچه دشمنانش به خصوص توده ایها درباره وی

می گفتند همه نعل وارونه بود و او با جایی یا

مقامی در خارج بستگی نداشت. سردار فاخر در

آبان ۱۳۵۶ بر اثر زمین خوردگی و خونریزی مغزی

درگذشت و در آرامگاه خانوادگی خود در قم

به خاک سپرده شد.

○ رهبر ۶۳۷/۲.

□ **سردار محمد کریم خان فیروز کوهی**،

منتظم الدوله در انتهای جنوبی بنای دبستان

فیروزکوهی در خیابان آشیخ هادی تهران، این مرد

خیرخواه این دبستان جدید را خود ساخت و

به مردم تهران اهدا کرد. م ۱۳۱۶ خ وی از

دولتمردان عصر قاجاریه و پهلوی، بود.

○ آط ۴۳۵.

□ **سردار محبی**، عبدالحسین خان برادر

میرزا کریم خان همرمز میرزا کوچک خان که از وی

گسست و به بادکوبه رفت و در آنجا مرحوم و

به خاک سپرده شد.

○ یا ق ۲۳۲ + معلوم نشد کجا دفن شد. رج

۱۳۵/۶.

□ **سردار صلی**، ستارخان مجاهد معروف در

انقلاب مشروطیت و در قیام آذربایجان برابر

محمدعلی شاه در سال ۱۳۲۶. قیام وی عامل

اصلی سقوط پادشاه قاجار بود و پس از خلع

محمدعلی وی را به تهران آوردند و در پارک اتابک

منزل دادند اما در سال ۱۳۲۹، هنگام خلع سلاح

مجاهدان به وی تیراندازی شد و پایش از کار افتاد

و در ۴۵ سالگی در تهران مرد، دوم آبان ۱۲۹۳.

آرامگاهش تا سال ۱۳۲۴ خ در باغ طوطی شاه

عبدالعظیم، وضع فقیرانه‌ای داشت. در این سال بر

سر قبرش آرامگاهی موقت ساختند که دو سال

بعد سیاه‌دلان آن را با خاک یکسان کردند. بعدها

به همت امیر خیزی و دیگران سنگی برای گور

وی تدارک شد.

○ دو مبارز ۱۹۴+۲۸ ذی حجه ۱۳۳۲. رهبر

۲۵+۴۱۰ آبان. روزشمار ۷۲ + رج ۶۵/۲ + د

۱۲۶۴.

□ **سردار صوید** ← آرامگاه فتح‌الله خان مقدم

مراغه‌ای.

□ **سرقبر آقا** ← آرامگاه امام جمعه‌های تهران.

□ **سرگنج**، آرامگاه پادشاهان و مشایخ در احمد

آباد گجرات.

○ ثان ۴۱۵.

□ **سرمدکاشی**، شاعر مجذوب و آشفته حال، ندیم و همنشین داراشکوه که توسط قاضی لاهور به فرمان اورنگ زیب اعدام شد. آرامگاه وی نزدیک دروازه شرقی مسجد جامع دهلی در شاه جهان آباد موجود است با این رباعی که بر گور او نقر شده است:

«شاه سرمد به عهد عالمگیر

چون سفر ساخته به خلد برین

گفت تاریخ اکبر مسکین

لحد مرقد شهید سرمد این»

۱۸ ربیع ثانی ۱۰۷۰

○ نقش پارسی ۱۱۵ + فک مؤلفان ۳۲۶/۲.

□ **سروری**، شیخ مصلح الدین مصطفی فرزند شعبان، از ادیبان بزرگ خاک عثمانی و از مشاهیر زمان که مدتی آموزگار سلطان مصطفی پسر سلطان سلیم بود و پس از اینکه مصطفی در ۹۶۰ کشته شد، وی منزوی گردید و پس از فوت در پشت مسجد کوچکی که در محله قاسم پاشای استامبول ساخته بود به خاک سپرده شد، وی در زبانهای فارسی و ترکی آثار مهمی به جای گذاشت.

○ ثان ۳۹۲.

□ **سرهنگ حسینی شقاقی** ← آرامگاه شقاقی.

□ **سری نایینی**، بدیع الزمان نوربخش، شاعر نایبای قائن (۱۳۶۵-۱۳۱۹) مدفون در آرامگاه ایرج میرزا پایین پای او با شعری که خود بدین منظور سروده:

«من که خاک است کنون ماوایم

سری ام سری نایینایم

به وجود آمدم از مادر کور

کور و کر رفتم و خفتم در گور

شاعری شد به جهان پیشه من

هنر شعر بد اندیشه من

نه مرا محرم اسراری بود

نه مرا مونس و غمخواری بود

عاقبت رخت زدنیاستم

و ز غم کوری و کری رستم»

○ کارنامه ۷۴۱

□ **سعادت، نوری حسین**، نویسنده و محقق

معاصر (۱۲۸۵-۱۳۵۵). تهران، بهشت زهرا.

○ رجا مقدمه.

□ **سعدین زنگی** ← آرامگاه اتابک ابوبکر.

□ **سعدالدوله میرزا جوادخان**، دولتمرد در عصر

مشروطیت، تهران ۱۳۰۸ خ. امامزاده عبدالله

آرامگاه شخصی.

○ رهبر ۳۷۰/۲.

□ **سعدالسلطنه**، آقا باقر پسر دایی اتابک مقبره

اختصاصی که خود در قم ساخته بود.

○ رج ۱۸۴ + وی در رخداد قیام ملاقربانعلی

زنجان حکمران زنجان بود و کشته شد. رج

۱۸۱.

□ **سعدی در طول تاریخ**، اولین کسی که آرامگاه

سعدی را دیده و در سفرنامه خود آن را معرفی

کرده، ابن بطوطه است که پنجاه و هفت سال پس

از درگذشت سعدی از شیراز دیدن کرده و آرامگاه

را زیارت کرده است. در عصر قاجاریه ویلیام

فرانکلین سیاح انگلیسی در ۱۷۸۶ به شیراز آمده و

می نویسد که آرامگاه در حال خرابی است و

حسینعلی میرزا پسر پنجم شاه حکمران فارس

قول داده که آن را تعمیر کند. لردکرزن از تعمیر

اسلوب عمارت چهلستون با کاشیکاریها و تزیینات جالب از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ خ توسط انجمن آثار ملی ساخته شد.

○ ۱ ق ۵۵ + ۲۱ ف + ۱۶۷ تان ۱۶۷ + هزار مزار ۴۷۷ + جغ ۸۶۰ + معماری ۸۱/۲.

□ سعدی، از قرار توصیف جهانگردان اروپایی.

○ مسافر ۲۹۷.

□ سعدی، انجمن آثار ملی ۱۳۳۰

○ فک ۵۹.

□ سعدی قدیم و جدید، قدیم مورخ ۱۱۸۷ که کریم خان ساخت و جدید که در ۱۳۲۷ توسط انجمن آثار ملی ساخته شد.

○ تصویرها: قدیم ص ۵۵۰ و جدید ص ۴۴، سیر فرهنگ + کارنامه ۱۶۳ + آرامگاه جدید. اگر چه هم بزرگتر و هم پرخرج تر از آرامگاه پیشین است بسیار عاریه به نظر می آید شاید بهتر بود که بنایی که کریم خان ساخته بود. تجدید ساختمان می شد... عقیده پرویز رجبی درباره آرامگاه سعدی در زیرنویس ترجمه سفرنامه نیپور چاپ ۱۳۵۴ + خراب کردن آرامگاه قدیم اشتباه بود.

□ سعیدالسلطنه، فتح الله خان - زاده شده در ۱۲۸۸ تبریز پسر سوم میرزا رفیع نظام العلما، فوت تهران ۱۳۰۵ خ دزآشوب.

○ ر ج ۱۷۴/۵.

□ سفدکلان، در شهر سمرقند، مزار سفدکلان.

○ قندیه ۱۳۰.

□ سکاوند، (دخمه سکاوند) در ده نو جنوب کرمانشاه در روی سقف دخمه سنگی مجسمه یک انسان بزرگ و چند انسان کوچک کنده کاری شده است.

○ هنر و مردم ۱۲/۷۶ بهمن ۱۳۴۷.

شدن آرامگاه توسط کریم خان خبر می دهد، واسکات وارینگ در ۱۸۰۲ و سرجان ملکم در ۱۸۱۰ از آرامگاه دیدن کرده و حاضر شده اند که به خرج خود بنا را تعمیر کنند، اما اقدام اساسی برای اصلاح وضع ناهنجار آرامگاه از خرداد ۱۳۲۳ به همت انجمن آثار ملی آغاز شد که متأسفانه اولین گام در خراب کردن عمارت اصیل و سنتی پیشین بود.

○ کارنامه ۱۶۷\*.

□ سعدی، سعدیه، سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین در سال ۶۹۱ یا ۶۹۴ درگذشت وی را در خانقاهش که در گوشه شمال شرقی شیراز در دامنه کوه پهنڈز یا فهندژ قرار داشته به خاک سپردند، آرامگاه سعدی از همان زمانها زیارتگاه ارادتمندان شیخ بوده است که متأسفانه در سال ۹۹۸ به دست حکمران جاهل و بی ادب شیراز یعقوب ذوالقدر به کلی منهدم شد، شاه عباس از این حرکت ذوالقدر به قدری ناراحت شد که حکم قتل وی و تجدید بنای عمارت را یک جا صادر کرد که حکم قتل اجرا شد ولی ساختن عمارت به تعویق افتاد. کریم خان زند عمارت آجری زیبایی مناسب با شأن و مقام شیخ پی افکند که در فارسنامه شرح آن آمده است. در سال ۱۳۰۳ میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان عمارت را تعمیر کرد، اما در عصر قاجارها وضع عمارت و باغ مجاور آن به قدری حالت رقت باری داشته که برخی از خارجیان مصمم به ترمیم آن شده اند.

○ کارنامه ۱۶۵.

□ سعدی شیرازی، سعدیه، بنای قدیم آن از زمان کریم خان مانده که توسط فتحعلی صاحب دیوان و قوام الملک تعمیر شده بود و بنای جدید بر

دربارش یک مرکز فرهنگی بود و شاعرانی نامدار چون حافظ و سلمان ساوجی و عبیدزاکانی و خواجه محمد عصار که با او هم‌عصر بوده وی را ستوده‌اند. وی را پس از مرگ در اثر سل یا صداع در گورستان کهنه شادباد در شش کیلومتری جنوب شرقی تبریز و دوکیلومتری شاه‌گلی یا ایل‌گلی به‌خاک سپردند.

○ د ۳۱۳ + آذ ۶۲۸.

□ **سلطان اویس ایلکانی**، مقاله از جعفر سلطان‌القزائی.

○ یغما ۵۲۸۳ و قم ۳۷۱.

□ **سلطان اویس میرزا**، معتمدالدوله، م ۱۳۱۰ آرامگاه خانوادگی، در سمت شرقی صحن کاظمین از بناهای پدرش حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله.

○ رج ۷۵/۲.

□ **سلطان بخت آقا**، دخترکیخسرو اینجو، متوفی ۷۵۹ جنب دو مناره دردشت اصفهان.

○ آص ۴۲۴.

□ **سلطان جلال‌الدین**، خوارزمشاه در دیاربکر، وقتی صاحب آمد (دیاربکر) از قتل ناهنجار سلطان جلال‌الدین آگاه شد دستور داد که استخوانهای وی را آورده در محلی مدفون سازند. ○ تاغ ۱۳۹.

□ **سلطان جنید** ← آرامگاه شیخ جنید.

□ **سلطان حسام‌الدین فرقد**، در قله کوه سلطان داغی اسکو در آذربایجان با گورستان قدیمی.

○ آذ ۲۰۷.

□ **سلطان حسین میرزا**، خلیل‌الله خلیلی.

○ قم ۱۴۰/۲.

□ **سلطان حیدر**، شیخ حیدر، شیخ حیدر پسر

□ **سکندره** ← آرامگاه اکبرشاه بابر.

□ **سکینه خاتون**، در قم سی کیلومتری جنوب شرق روستای رالون آباد، قاجاریه.

○ معماری ۷۹/۲.

□ **سلاطین ایلامی دو هفت تپه**، در سال ۱۳۴۴ خ توسط هیأت‌های حفاری علمی ایران، این آرامگاه کشف شد که مجموعه‌ای است شامل هفت‌گور در پوششی از گِلِ آخرا با ملحقات و طاق ضربی، احتمالاً از هزارهٔ دوم پیش از میلاد.

○ د ش ۱۲۰.

□ **سلاطین ساسانی**، در نقش رستم همجوار با آرامگاه شاهان هخامنشی.

○ انجمن ۲۳.

□ **سلاطین سیت و سکایی**، در نقده بین ارومیه و مهاباد.

○ د س ۳۶۸.

□ **سلطان ابراهیم**، در چهارده کیلومتری ده بیدآباد.

○ معماری ۸۷/۲.

□ **سلطان ابراهیم** ← آرامگاه شهدا.

□ **سلطان الحکما**، حاج میرزا ابوالقاسم نایینی (۱۲۲۳-۱۳۲۲) عالم و روحانی معروف عصر ناصری ساکن در قریه کلاک و مدفون در امامزاده همین قریه در نیم‌فرسنگی کرج.

○ فک مؤلفان ۲۶۰.

□ **سلطان اویس ایلکانی** یا جلایر، معزالدین اویس (۷۳۹-۷۷۶) که به‌وی شیخ اویس هم‌گفته می‌شود. دومین امیر از آل جلایر پسر و جانشین شیخ حسین از بطن دلشاد خاتون که در طی بیست سال حکمرانی از ۷۵۷ تا ۷۷۶ بسیاری از بلاد مغرب و شمال غربی ایران را تصرف کرد و

شیخ جنید و پدر شاه اسماعیل صفوی است که در ۸۶۰ جانشین پدر شد و دختر اوزون حسن را به زنی گرفت و در ۸۹۳ در جنگ با فرخ یسار شهید شد، بنای آجری با تزیینات کاشی از آخر قرن نهم، به روایتی بدن شیخ حیدر از این مکان به مقبره شیخ صفی الدین منتقل شده است. آرامگاه وی در حومه خیابو (مشگین شهر)، بر سر راه شمالی اردبیل و تبریز واقع شده و عبارت است از برج استوانه به بلندی ۱۸/۵ متر که احتمالاً توسط فرزندش شاه اسماعیل ساخته شده.

○ آذر ۶۱۴ و آذ ۲۲۸/۲ + د ۳۹ + معماری ایلخانی با تصویر ۱۸۸ + معماری ۸۳/۲ سده هشتم.

□ **سلطان خدا بخش**، کاشان دروازه اصفهان بنایی از عصر سلجوقی.

○ معماری ۹۱/۲.

□ **سلطان خلیل نوه امیر تیمور**، که جانشین وی شد و چون در مقابل شاه رخ مقاومت نکرده و تسلیم شد، به حکمرانی عراق و آذربایجان رسید. مدفون در شهر ری سال ۸۱۲.

○ ری ۲۲۵/۲.

□ **سلطان داوود میرزا**، پسر سید محمد متولی آستان قدس که مدتی به سلطنت رسید و دو پسرش را به هندوستان فرستاد. سرانجام خود وی هم به هند رفت و در مرشد آباد سکونت کرد و در ۱۲۰۳ به سالگی مرد و همان جا دفن شد.

○ ر ج ۱۱۹/۶.

□ **سلطان زین العابدین**، بنایی با قاعده مربع و گنبد مخروطی با تاریخ، ۸۰۹. معماری ۴۷۳ میراث ایران.

□ **سلطان سلیم**، آل عثمان شاعر پارسی گوی و جنگجوی معروف که در ۷ شوال ۹۲۶، در حالی که خود را برای جنگ با متحدان اروپایی، اتریش و انگلستان و فرانسه آماده می ساخت فوت کرد، پیکرش را به استانبول آورده در روی تپه ای در شمال غربی آن شهر به خاک سپردند. پسرش سلیمان در این محل مسجدی به نام وی ساخت که در ۹۲۹ به پایان رسید. وی در شعر پارسی سلیم و سلیمی تخلص می کرد و دیوانش شامل دوهزار بیت است به فارسی که اولین بار در ۱۳۰۶ در قسطنطنیه و سپس در ۱۹۰۴ به امر ویلهلم دوم در برلین به چاپ رسید.

○ تان ۴۷۷ + د ۱۳۲۹.

□ **سلطان سلیمان خان قانونی**، فرمانفرمای امپراتوری آل عثمان و شاعر پارسی گوی. وی در شب ۲۱ صفر ۹۷۴ در میدان جنگ با اتریش که سیزدهمین و آخرین جنگ با اتریش بود درگذشت و در مسجد سلیمانیه استانبول به خاک سپرده شد.

○ تان ۴۸۱.

□ **سلطان سنجر سلجوقی**، سلطان ناصرالدین و معزالدین ابوالحارث احمد، زاده شده در ۴۷۲ تا ۴۷۹ پسر ملک شاه سلجوقی که چون در سنجار به دنیا آمد سنجر نام گرفت. سنجر تا برادرش بُرکیارق زنده بود داعیه ای نداشت، اما پس از مرگ وی قیام کرد و موفق شد در آسیای مرکزی در طی جنگهای متعدد از جمله نبرد با آتیز خوارزمشاه پیروز شود، اما در سال ۵۴۸ از غزها شکست خورد و همراه با زوجه اش ترکان خاتون اسیر شد. غزها وی را در قفسی انداخته همراه خود می بردند و وی به خاطر اسارت همسرش، از



کاشان، بنای سلجوقی از سده شش.  
 ○ معماری ۹۱/۲.  
 □ **سلطان علی اویهی**، اوبه از توابع هرات، شاعر متصوف و خوشنویسی که از مریدان خواجه عبیدالله احرار بود و در خانقاه وی در صدو ده سالگی درگذشته و به خاک رفته است.  
 ○ تان ۶۲۱.  
 □ **سلطان علی گنابادی** ← آرامگاه گنابادی.  
 □ **سلطان علی مشهدی**، فرزند محمد (۸۴۳-۹۲۶) خوشنویسی که در حیات خویش از شهرت و عزت و احترام بسیار برخوردار بود و به القاب زبده الخطاطین، قبله الکتاب و سلطان الخطاطین ملقب بوده و آثار فراوان از وی برجای مانده است. سلطان علی در دربار سلطان حسین بایقرا به عزت زندگی می‌کرد، ولی همین که شاهی بیگ اوزبک بر خراسان مستولی شد. وی از هرات به مشهد آمد و منزوی گردید و سرانجام در ۸۵ سالگی رخت به‌سرای دیگر کشید و به‌قول صاحب گلستان هنر: در محاذی میان پای مزار حضرت امام رضا که از بیرون متصل به‌گنبد امیرعلی شیر نوایی و مدرسه شاه‌رخساری است نزدیک پنجره فولاد به‌خاک سپرده شد و به‌قول یکی از شاگردانش محمدابریشمی:  
 آن کو قلم زدی قلمش خط جانفزا  
 در حرف او کشیده قلم کاتب قضا  
 جان یافتی قلم چو رسیدی به‌خط او  
 آخر ولی شدش قلم دست خاک پا  
 ○ خوش ۲۴۱ + فک مؤلفان ۳۴۸/۲.  
 □ **سلطان غازی**، ناصرالدین محمد از ممالیک دهلی م ۱۲۳۱ م. با سبکی ناشناخته.  
 ○ معماری هند ۱۳ تصویر ۷ الف.

فرصتهای گوناگون برای فرار استفاده نکرد، تا اینکه پس از مردن همسر از چنگ غزها گریخت و به‌مرو آمد، اما دیگر سلطنت او رونقی نداشت و وی از شدت اندوه وفات یافت ۲۵ ربیع اول ۵۵۲، سنجر پادشاهی ادب‌دوست و فرهنگ‌پرور بود و شاعران بزرگی از جمله انوری و امیر معزی او را ستوده‌اند. آرامگاه وی در مرو است با گنبدی عظیم که به‌عقیده برخی بزرگترین گنبد جهان است.  
 ○ س ۴۲۷ + از قرن ششم در مرو کهنه سیمرغ ۱۸۸ + آذ ۴۳۴ + معماری ۳۷ + تاض ۴۱۷.  
 □ **سلطان سیدحسین**، از سرداران شاه اسماعیل صفوی که در قرن دهم موفق شد امیرویس، حکمران محلی اردستان را شکست بدهد و قدرت صفویه را در آن منطقه مسلط سازد.  
 ○ شهرها ۲۵۰/۴.  
 □ **سلطان شاه‌نظر** در گرمسار - ارادان.  
 ○ معماری ۹۶/۲.  
 □ **سلطان شهاب‌الدین**، بقعه سلطان شهاب‌الدین در اهر آذربایجان بنای چهارضلعی بلند با پوشش و پایه‌های دو مناره بر دو جانب آن از سده دهم.  
 ○ آط ۲۷۶.  
 □ **سلطان شهاب‌الدین غوری**، کابل از یارمحمدخان ترکی.  
 ○ فم ۳۷۱.  
 □ **سلطان شیخ احمد**، در نور - بلده بنای صفوی.  
 ○ معماری ۸۲/۲ و ۱۱۴.  
 □ **سلطان عطابخش**، کاشان در راه اصفهان از عصر آل‌بویه، سده ۱۱.  
 ○ معماری ۹۱/۲.  
 □ **سلطان علی بن محمد باقر (ع)**، در مشهد اردها

□ **سلطان محمد سلجوقی**، فرزند ملکشاه، اصفهان.

○ ل ۲۷۹۸.

□ **سلطان محمد شریف**، قم - در محله، قرن ۹ و ۱۰.

○ معماری ۷۸/۲.

□ **سلطان محمد طاهر**، در بابل بنای ۸ ضلعی با گنبد هرمی شکل، از قرن نهم.

○ آ ط ۳۷۶.

□ **سلطان محمد عابد**، در گناباد - کاخک از ۹۸۰.

○ معماری ۸۹/۲

□ **سلطان محمد عابد**، (مزار) زمانی عباس.

○ قم ۲۲۴/۴.

□ **سلطان محمد فاتح**، هفتمین پادشاه از آل عثمان، ادیب و ادب‌پرور که به فارسی شعر می‌گفته و این بیت منسوب به اوست، که آن را هنگام مشاهده ویرانه کاخهای امپراتوران روم شرقی سروده:

«بوم نوبت می‌زند بر طارم افراسیاب»

پرده‌داری می‌کند در قصر قیصر عنکبوت»

در ۴ ربیع اول ۸۸۶ در حوالی اسکودار مرد و در مسجد فاتح که خود در قسطنطنیه ساخته بود به خاک سپرده شد.

○ تان ۸۰۱.

□ **سلطان محمدکیا**، در سُمام گیلان مجموعه خانواده خود وی، که والی لاهیجان بوده و پسر و دخترش که پری سلطان نام داشت با تاریخ ۹۰۸.

○ د ت ۴۰.

□ **سلطان محمد نور**، خوشنویس معاصر سلطان حسین بایقرا و کاتب در دستگاه امیرعلی شیرنوازی، بخارا.

□ **سلطان غریب بنده**، مزار سلطان غریب بند. در افواه مردم غریبنده در چهار راه رضوان ده تالش. دولاب، سیدامیر فرزند موسی بن جعفر.

○ آس ۸۹.

□ **سلطان قیس یا سلطان ویس**، در نیاق قزوین، بنایی ساخته از سنگ لاشه فاقد هرگونه نوشته یا تزئین، احتمالاً از سده ششم.

○ آق ۱۶۱.

□ **سلطان محمد**، نقاش عصر صفوی سرپرست تدارک نقاشیهای شاهنامه شاه طهماسبی. تبریز، باغ شمال نزدیک گور بهزاد.

○ گل ۱۳۷.

□ **سلطان محمد تکش**، علاءالدین، از خوارزمشاهیان که از ۵۶۸ تا ۵۹۶ سلطنت کرد. پس از مدتی کشمکش با برادرش سلطان شاه، خراسان قلمرو تکش و خراسان قلمرو سلطان شاه شد و تکش پس از فوت برادر خراسان را نیز تصرف کرد. تکش در سال ۵۹۶ مرد و در اورگنج مرکز خوارزم به خاک سپرده شد. مغولان پس از تصرف و تخریب شهر این آرامگاه و دژ و اخجک را نیز خراب کردند.

○ تاغ ۴۷ + د ۱۷۵۶.

□ **سلطان محمد خدا بنده** ← آرامگاه سلطانیه.

□ **سلطان محمد خوارزمشاه**، وی در سال ۶۱۷ از مازندران به جزیره آبسکون رفت و در آن جزیره مرد و به خاک سپرده شد، چندی بعد پسرش سلطان جلال‌الدین، جسد پدر را به قلعه اردهن برد و به خاک سپرد. پس از قتل سلطان جلال‌الدین اوگدای پسر چنگیز، بقایای جسد سلطان محمد را از گور به‌در آورد و سوزاند.

○ تاغ ۴۰.

- خوش ۲۷۲.
- **سلطان محمود**، بیرون روستای لنگرود جنوب شرقی قم، قرن اخیر.
- معماری ۷۹/۲.
- **سلطان محمود شاه**، در بندر آباد یزد قرن نهم.
- معماری ۹۳/۲۰
- **سلطان محمود غازان**، (۶۷۰-۷۰۳) پادشاه از سلسله ایلخانیان پسر ارغون خان که در ۶۹۴ در تبریز تاجگذاری کرد و خود را محمود خواند و به دین اسلام گرایید و چون سرداران مغول با این تغییر مذهب مخالف بودند، عده‌ای از ایشان را به قتل رساند. غازان چند بار به سوی غرب لشکرکشی کرد که در آخرین نبرد شکست خورد و مصمم بود با پاپ برضد ممالیک متحد شود، اما با قیام برادرش آلافرنگ مواجه شد و از غصه مرد. غازان مردی فرهنگ‌دوست و طرفدار عمران و آبادی بود و از وی آثار مهم برجای مانده است آرامگاه وی به نام شام غازان یا شنب غازان حاوی آرامگاه، مسجد، مدرسه، خانقاه، دارالسیاده، رصدخانه، دارالشفاء، بیت‌الکتاب و بیت قانون بوده است.
- آذ ۴۳۳ + د ۱۷۹۵ + معماری ایلخانی ۲۰۵.
- **سلطان محمود غزنوی**، در غزنه.
- س ۳۷۳.
- **سلطان محمود غزنوی**، کی‌مزار، مقاله به زبان اردو از محمدعبدالله جغتایی.
- قم ۳۷۱.
- **سلطان مطهر**، در دماوند، بومهن سده هفت یا هشت.
- معماری ۷۷/۲
- **سلطان مطهر**، در مقاله دژ گلخندان و بقعه
- سلطان مطهر از حسن قراخانی
- قم ۲۲۴/۴.
- **سلطان موصلیه**، از ملازمان حضرت معصومه، قم.
- شهرها ۲۴۵.
- **سلطان میراحمد**، در کاشان کوی سلطان میراحمد صفوی.
- معماری ۹۱/۲.
- **سلطان ویس** ← آرامگاه سلطان قیس.
- **سلطانیه**، سرزمین سلطانیه که مغولان بدان قنغور آلانگ می‌گفتند از ابتدا مورد توجه مغولان بود و غازان می‌خواست در آن حدود شهری بسازد، مرگ امانش نداد، اما اولجایتو برادر و جانشینش این برنامه را پیگیری کرد و در ۷۰۴ بنای سلطانیه آغاز شد و آن‌قدر در عمران و آبادی آن کوشش به عمل آمد که در آن زمان، پس از تبریز دومین شهر ایران شد. اولجایتو که خود را محمد خدابنده نامیده بود در ۲۸ رمضان ۷۱۶ مرد و در آرامگاهی که خود ساخته بود دفن شد. سلطان محمد چند سلطانیه دیگر نیز در ایران ساخت اما آن آبادیها نیز مانند خود سلطانیه برجای نماند.
- تاغ ۳۰۹ و ۳۲۴ + عباس اقبال ۱۶۵ + هنر ۳۸۱/۸ + معماری ۹۹/۲ + بلندی گنبد ۵۴ و قطر ۴۸. معماری ۱۷۲ + معماری ایلخانی تصویر ۱۵۱.
- **سلطانیه و گنبد آن**، عباس اقبال.
- ایرانشهر ۳۹۳/۲ + قم ۳۵۴.
- **سلطانیه**، آرامگاه سلطان محمد خدابنده از صادق صمیمی.
- باستان‌شناسی ۳۸۱/۱.
- **سلطانیه، گنبد سلطانیه**، از محمد تقی

مصطفوی.

○ فم ۳۵۵.

□ **سلطانیه، تاریخیچه گنبد،** نشریه دانشکده ادبیات تبریز.

○ فم ۳۵۵.

□ **سلطانیه، کلیاتی** درباره معماری گنبد سلطانیه.

احمد اصغریان جدی

○ فم ۲۲۰.

□ **سلطنت خانم،** دختر بدیع الملک میرزا

عمادالدوله، نوه محمدعلی میرزا دولتشاه. این

خانم که ملقب به محترم السلطنه بود. در خواب

دیده بود که باید در جوار سیدملک خاتون به خاک

سپرده شود، از این رو مصمم می شود که آن بنا را

تعمیر کند و این امر خیر را در صفر ۱۳۰۹ شروع

کرد پس از خاتمه عملیات، آرامگاهی نیز برای خود

می سازد که پس از فوت در آن به خاک سپرده می شد.

○ آ ط ۲۴۰.

□ **سلماس،** برج سلماس - آرامگاه میرخاتون.

□ **سلمان،** سلمان پاک - آرامگاه سلمان فارسی.

□ **سلمان ساوجی،** خواجه جمال الدین فرزند

علاءالدین محمد، پدرش مستوفی دیوان مغول

بود و پس از برافتادن اساس سلطنت مغولان

به دربار شاهان جلایری درآمد. وی مداح خاصه

شیخ حسن ابلکان و زوجه اش دلشاد خاتون بود.

در آخر عمر در ساوه گوشه نشینی اختیار کرد و در

۱۲ صفر ۷۷۸ درگذشت و در چرنداب تبریز

نزدیک گور تاج الدین کرکهری به خاک سپرده شد.

○ تا ن ۲۰۲ + کوی سرخاب.

□ **سلمان فارسی (پاک)،** اصلاً اصفهانی یا

رامهرمزی بود و مسلمانان وی را خریداری کرده

آزاد کردند. در جهان اسلام در آن آغاز شکوفایی،

سلمان نقش بسیار مهمی داشت و وی را از

مؤسسان اهل صفه شمرده اند. پیامبر اکرم با وی

مشورت می فرمودند و پیروزی مسلمانان در غزوه

خندق مرهون راهنمایی و کوشش وی است.

سلمان در آخر عمر حکمران مداین شد ولی از

مستمری بیت المال استفاده نمی کرد و زندگی اش

از زنبیل بافی می گذشت وی در سال ۳۵ یا ۳۶ در

مدائن رخت به سرای دیگر کشید و در آرامگاهی

که به سلمان پاک مشهور است به خاک سپرده شد.

○ د ۱۳۲۷ + ۹۸.

□ **سلیم، محمدقلی -** که در عصر جهانگیرشاه

جهان از ایران به هند رفته و ملازم نواب اسلام

خان وزیر اعظم شد. م ۱۰۵۷ مدفون در آرامگاه

شاعران (مزارالشعرا) سری نگر کشمیر.

○ نقش پارسی ۹۵.

□ **سلیم تهرانی،** فرزند محمد صالح از دانشمندان

ایرانی مقیم کشمیر که سنگ گورش در موزه

سری نگر با تاریخ فوت وی ۱۰۷۴ موجود است.

○ نقش پارسی ۹۶.

□ **سلیم چشتی،** فتحپوری شیخ - مراد و مرشد

اکبر از فرزندان زادگان صوفی معروف شیخ

فریدالدین گنج شکر. اکبر تولد شاهزاده سلیم را که

بعدها جهانگیر لقب گرفت، از دعای او می دانست

و او را به نام وی موسوم ساخت. م ۹۷۹ در

فتحپور سیکری، آرامگاه او در روی یک تل هنوز

هم زیارتگاه بزرگی است و در کنار مسجد معروف

فتحپور قرار دارد. بر سنگ مزار وی شعری تحت

عنوان تاریخ وفات شیخ الاسلام سلیم چشتی

منقور است.

○ نقش پارسی ۹۰ + معماری هند ۹۹ تصویرهای

۷۳ و ۷۸ + ج ۷۹۴.

□ سلیمان بن علی، در بندر گناوه

○ معماری ۹۶/۲.

□ سلیمان داراب، بقعه سلیمان داراب در موازی

رشت، نام کامل وی بر مبنای کتیبه صندوق:

سلیمان بن حمزه دارابی رشتی است. صندوق

به فرمان سلطان سرفراز چپک ساخته و در ۹۵۳

نصب شده است.

○ آس ۳۰۰.

□ سلیمان داراب، بقعه سلیمان داراب در مغرب

رشت از سعید نفیسی.

○ فم ۳۶۸.

□ سلیمان دوم صفوی، که چهل روز در خراسان

پادشاهی کرد م ۱۱۶۹ مدفون در حرم مطهر

حضرت رضا(ع)، مشهد.

○ رج ۱۲۶/۲.

□ سلیمان و فضل و موسی، ساوه - آوه، بنای

سلجوقی - ایلخانی.

○ معماری ۸۰/۲.

□ سلیمی تونی سبزواری، مولانا تاج‌الدین حسن

از شاعران سده نهم، م ۸۵۴ در راه تون به‌مشهد.

بدن او را به سبزواری بردند و به خاک سپردند.

○ تان ۳۰۲.

□ سماعی حبیب‌الله، فرزند سماع حضور، نوازنده

بنام سنتور، فوت در جوانی ۲۰ تیرماه ۱۳۲۵.

آرامگاه ظهیرالدوله.

○ مردان موسیقی ۳۰۱.

□ سمنانی - آرامگاه شیخ رکن‌الدین.

□ سمیران، برج سمیران در نزدیک دریاچه

سپیدرود، بنایی از عصر بویه‌ایها که نظایر آن در

اطراف سلسله البرز دیده می‌شود.

○ ایران یک ۶۲ + در این منطقه دو آرامگاه

هست بزرگ و کوچک، عنوان دیگر آن برج بزرگ

قلعه ساسان است - آرامگاه‌های سنگی سمیران

یا شمیران.

□ سمیعی، حسین - علاء‌الوزاره، دولتمرد

عصر پهلوی (۱۲۸۴-۱۳۳۱ خ)، ابن بابویه.

○ فک مؤلفان ۵۷۰/۲.

□ سنائی غزنوی، مجدالدین ابوالمجد محدود بن

آدم، بزرگترین شاعر در قلمرو غزنویان که در ۴۳۷

در غزنین زاده شد و با ابراهیم شاه و بهرامشاه

معاصر بود. ابتدا درباری بود و سپس معتزل و

منزوی شد و سرانجام در ۱۱ شعبان ۵۲۵ در

غزنین درگذشت و به خاک سپرده شد. مزارش در

آن شهر معروف است. سنایی بزرگترین شاعر

متصوف و قانونگذار این فن است، از وی آثار

مهمی برجای مانده است.

○ تان ۷۷ + تصویر نان (۳۱) + فم ۳۷۳.

□ سنتی زرتشتیان، برج خاموشان، دخمه.

○ ایران قدیم ۱۱۹.

□ سنجر سلجوقی - آرامگاه سلطان سنجر.

□ سنقر، بنایی از سده چهارم بنای ساده آجری.

○ ایران یک ۱۹۰.

□ سنگان بالا، در خراسان بنای آجری با گنبدی با

زیربنای مربع - آرامگاه شاه سنجان.

○ آثار ایران ۹۸/۳.

□ سنگ بست، رباط سنگ بست - آرامگاه

ارسلان جاذب.

□ سنگی اوشان - آرامگاه باستانی در رودبار

قصران.

□ سنگی باکتابه کوفی، روی تپه‌ای در شمال

شرقی سمیران در تارم، مشابه با دو آرامگاه بزرگ

و کوچک در همین منطقه، در این بنا کتیبه‌ای

به خط کوفی در زیر سقف وجود داشته که فقط دو کلمه از آن باقی مانده است.

○ آق ۴۲۹.

□ سنگی حسن آباد و آرامگاههای سنگی قبرستان شاه کوه، که احتمالاً یک بنای بدون هویت ساسانی است در قزوین.

○ آق ۲۴۵.

□ سنگی شاه کوه ← آرامگاه سنگی حسن آباد قزوین.

□ سوار غیب، بقعه سوار غیب در جاده دزفول - صفی آباد با آثار قبری قدیمی و قبرستان اطراف.

○ د ش ۳۲۱.

□ سودایی ایبوردی، مولانا - شاعر م ۸۵۳ مدفون در روستای سنگان خراسان.

○ تان ۳۰۰.

□ سوزنی سمرقندی، شمس الدین ابوبکر محمد فرزند علی که نسبش به سلمان فارسی می رسد، چون شغلش سوزنگری بوده به سوزنی معروف شده. مداح و معاصر با خاندان آل برهان از خانیه خراسان بزرگ که از دور مدایحی نیز برای سنجر و آیتز می گفته است و بیشتر مقیم بنخارا بوده است. در آخر کار مداحی را کنار گذاشته و به عرفان و تصوف گرایش یافته. سوزنی در ۵۶۹ در ۸۰ سالگی به جهان دیگر رفت و در سمرقند به خاک سپرده شد.

○ تان ۹۸.

□ سه خواهران، قم مزرعه ریز راه میان ده راهجرد.

○ معماری ۷۹/۲.

□ سه سید، آمل، قرن نهم.

○ معماری ۸۲/۲ + فج ۲۵/۳.

□ سه شهید مشروطیت، صور اسرافیل،

ملک المتکلمین و قاضی ارداقی تهران خیابان مخصوص.

○ آ ط ۴۳۸/۵.

□ سه گنبد، واقع در ارومیه که در ردیف مزارهای مراغه قرار می گیرد که متأسفانه بدان آسیب فراوان رسیده است و از سه برج فقط یک برج مانده، از دو برج دیگر فقط آثاری برجای است. بر نمای سه گنبد سه کتیبه به خط کوفی دیده می شود: در بالای در، بالای طاقنماها در چهارچوب مستطیل که در آخرین کتیبه، تاریخ بنا را می خوانیم شهر محرم سال ۵۸۰.

○ آثار ایران ۳/۳۱۵ + ایران یک ۱۲۹ + آثار

۱-۱۳۷/۱ + معماری ۸۴/۲ و ۱۲۶.

□ سنگی صوفی آباد، سرپل زهاب کرمانشاه، آل بویه، ساسانی.

○ آق ۲۴۸.

□ شها، میرزا محمد - شاعر فرزند رضاقلی خان همام. م ۱۳۳۸ مدفون در اصفهان.

○ ر ج ۶/۲۰۰.

□ سهام الملک، شاهزاده مهدیقلی میرزا پسر بیست و دوم حاجی محمد ولی میرزا پسر چهارم فتحعلی شاه، جانشین میرزا علی خان امین الدوله در اداره پست، ناصرالدین شاه وی را در ۱۳۰۲ به خراسان فرستاد که جلو تعدیات عبدالوهاب خان آصف الدوله را بگیرد. اما کاری از پیش نبرد زیرا آصف الدوله با امین السلطان زد و بند داشت. سهام الملک دو سال از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ متولی حرم رضوی بود و در همان سال ۱۳۲۲ مرد و در جوار حضرت علی بن موسی الرضا (ع) دفن شد.

○ ر ج ۴/۱۷۸.

□ سهراب، که توسط پدرش رستم کشته شد.

سازی در محلی موسوم به قصر نور.

○ مازندرانس ۹۰.

□ **سهراب**، در سرخاب تبریز نزدیک مزار باباحسن. وی نیز از صحابه بوده و اولین کسی است که در گورستان سرخاب به خاک سپرده شده نام این گورستان هم ابتدا سهراب بوده و سپس سرخاب شده چون در جوار کوه سرخ قرار داشته است.

○ کوی سرخاب ۱۷۴.

□ **سهراب**، در سرخاب جوار بابا حسن تبریز. اصل کلمه سهراب نیز سرخاب است به معنی دارنده آب و تاب سرخ... که به تدریج سهراب شده است.

○ کوی سرخاب ۴.

□ **سهروردی**، **شیخ شهاب الدین ابوالفتح**، معروف به شیخ اشراق، شهاب مقتول، شهاب الدین سهروردی و شیخ مقتول مؤسس حکمت اشراق، از حکمای بزرگ در سده ششم. وی از حکیمان و متفکران بزرگ جهان اسلام است که در ۵۸۷ به سن ۳۶ یا ۳۸ سالگی به اصرار فقیهان و به امر صلاح الدین ایوبی کشته شد. از شیخ اشراق به زبان عربی و فارسی آثار مهمی برجای مانده است. وی در سهرورد زنجان به دنیا آمد و در مراغه درس خواند، سهرورد را اکنون درست نمی دانیم کجاست شاید در جاده زنجان به همدان، جنوب سلطانیه. آرامگاه وی در بغداد مجاور آرامگاه شیخ عبدالقادر گیلانی است.

○ تان ۱۱۰ + د ۱۳۸۴ + هنر و مردم ۳۰ شهریور ۱۳۴۶ + تان (۳۸).

□ **سهل بن علی**، از سده هشتم یزد محله سهل بن علی، آیتی آن را از سلمان خراسانی دانسته که

درست نیست، سهل بن علی امامزاده است.

○ ی ۳۲۲ + معماری ۹۲/۲.

□ **سهل بن علی**، اراک، روستای آستانه، صفویه. ○ معماری ۸۱/۲.

□ **سیاقی هروی**، میرزا محمود، اهل هرات شاعر صوفی مشرب. م ۹۷۱ مدفون در ناحیه میتن کلان از توابع هندوان در ناحیه شهر سبز در آسیای مرکزی. ○ تان ۵۹۹.

□ **سیبویه**، ابویسر عمرو بن عثمان بن قنبر، سده دوم. عالم معروف ایرانی در نحو زبان عربی که کتابش نخستین و معتبرترین کتاب در نحو است به نام الکتاب. از زندگی او اطلاع چندانی نداریم وی معاصر و معاشر با برمکیان بوده است. او در ساوه یا شیراز درگذشته آرامگاهش را در سنگ سیاه شیراز می دانند. او را در مقابل کسایی که در نحو پیشوای کوفیان است پیشوای بصریان می دانند.

○ ا ق ۷۰ + هزارمزار ۱۳۷ + کارنامه ۵۵۵ + آرامگاه منسوب به وی در سیراف، گور با نوشته، آ ش ۳۹۲ + آرامگاه سیبویه و برادرش در سیراف، سیراف ۵۳ + د ۱۳۹۶.

□ (مشهور به) **سیت فاطمه**، ستی فاطمه. این آرامگاه در ابتدای شهر اصفهان، جاده تهران قرار دارد و قبر سه تن از نوه های دختری شاه عباس در آن است. اینان فرزندان شاهزاده خانم زبیده بیگم و عیسی خان صفوی اند و در سال ۱۰۴۱ مرده اند و آرامگاه یک نوه زبیده خاتون هم در اینجاست و تاریخ این بنا ۱۰۷۲ است. کتیبه بنای سیت فاطمه با ذکر نام شاه عباس ۱۰۴۱ است. اسم این سه نفر سیدعلی خان، محمد معصوم میرزا و محمدخان

- است تاریخ سنگ این آخری نیز ۱۰۷۲ است.  
 ○ آثار ایران ۳۰۷/۴.  
 □ سید، حجت الاسلام رشتی در اصفهان، مسجد سید، قاجاریه.  
 ○ معماری ۹۰/۲.  
 □ سید ابراهیم، در سهراب یزد به ابرقو سلجوقی به بعد.  
 ○ معماری ۹۳/۲.  
 □ سید بن طاووس، (۵۸۹-۶۴۴)، رضی الدین علوی حلی از عالمان و مؤلفان طایفه امامیه، از ۶۶۱ نقیب علویان مقیم، متوفی در بغداد مدفون.  
 در کاظمین یا نجف یا مکه.  
 ○ ناغ ۵۰۱ فک مؤلفان ۴/۴۱۳.  
 □ سید ابوالاحمد، در قم بیرون دروازه شمال شرقی، سده نهم و دهم.  
 ○ معماری ۸۲/۲.  
 □ سید ابوالرضا، ساوه نزدیک بازار.  
 ○ معماری ۸۰/۲.  
 □ سید ابوالحسن رضا، قم محله رضا آباد از قرن اخیر.  
 ○ معماری ۷۸/۲.  
 □ سید ابوجعفر، مزار سید ابوجعفر و تکیه آن با کتیبه‌ای از تخته مزار به تاریخ ۱۰۰۹ آرامگاه سید ابوجعفر عموی پیامبر.  
 ○ آس ۲۶۲.  
 □ سید احمد، در هفت تپه بقعه سید احمد تفاح با برخی تزیینات و گنبد سه متری کاشیکاری شده با تصویر.  
 ○ معماری ۸۷/۲ + د ش ۱۴۶.  
 □ (سلطان) سید اسحاق، ساوه مورخ ۶۷۶.  
 ○ معماری ۸۰/۲.  
 □ سید اسماعیل، بقعه سید اسماعیل در تهران، امامزاده سید اسماعیل.  
 ○ آط ۱۵.  
 □ سید اشرف الدین ← آرامگاه اشرف الدین گیلانی.  
 □ سید اشرف الدین، حسن فرزند محمد حسین غزنوی، معاصر با بهرامشاه و سنجر در قرن ششم. وی شاعر و فاضل و دانشمند بوده است و در ۵۵۷ در غزنین در گذشته است مزارش در غزنین معروف است.  
 ○ تان ۷۲.  
 □ سید السادات، در شهر بیدر هند، در محل چشمه سید السادات که یکی از اولیا بوده است و بر مبنای کتیبه‌ای که در آن محل افراشته‌اند، نام صاحب روضه و پادشاه معاصر وی محمود شاه بهمنی و هنرمند نویسنده کتیبه، درویش حسینی مشهدی معروف به سقاخان و تاریخ بنا ۹۱۰. در این کتیبه که به فارسی است خوانده می‌شود: این قدیس بزرگ سید محمد حنیف جیلانی در عصر سلطنت شاه احمد به هند آمده و تاج را چند سال بعد بر سر محمود شاه گذاشته است.  
 ○ نقش پارسی ۷۷.  
 □ سید الطایفه ← آرامگاه شیخ جنید بغدادی.  
 □ سید المحققین، عبدالعلی طباطبایی وکیل مجلس. م ۱۳۱۵ خ مدفون در قم. زیر نویس اولین عکس در پایان کتاب.  
 ○ رج مجلد ۵.  
 □ سید امیرکیا ملاطی، در کلاردشت سردار دیلمی از سادات ملاطی که در ۷۷۳ قیام کرد. تاریخ طبرستان.  
 ○ آس ۱۳۵/۳.



□ سید برکت، مرشد امیر تیمور گورکانی، آرامگاه امیر تیمور، گور امیر در سمرقند.

○ سیمرغ ۱۴۰.

□ سید پرهان الدین - آرامگاه محقق ترمذی.

□ سید پرنور، نزدیک دروازه سنگی هرزویل. منجیل از قرن دهم. در ۹۹۸ برای آرامگاه امیره تی تی با کتیبه و درکنده کاری شده ساخته شد.

○ معماری ۹۴/۲

□ سید پنهون (پنهان)، بر مبنای نوشته جامع مفیدی آرامگاه سید تاج الدین جعفر که لقب سید پنهان داشته است. در محله فهادان یزد.

○ ی ۳۲۶.

□ سید تاج الدین غریب، در شیراز، دروازه کازرون پیش از قاجاریه.

○ معماری ۸۷/۲.

□ سید جلال الدین مهدی، نقیب تبریزی حسنی. عارف و دانشمند که مزارش نزدیک مزار شیخ حسن بلغاری است و نسبش به امام مجتبی (ع) می‌رسد. م ۷۰۹ در هنگام سلطنت محمد خدا بنده، مقبرة الشعرا.

○ کوی سرخاب ۲۱۶.

□ سید جمال الدین اسدآبادی، فرزند صفدر، متولد در ۱۲۵۴ اسدآباد، متفکر آزادیخواه آزادمنش، خطیب، روزنامه‌نویس و سیاستگر معروف، طرفدار اتحاد اسلام و مخالف با غربگرایی که قسمت اعظم جهان تمدن را سیاحت کرد و همه جا عمال استعمار و استثمار در تعقیبش بودند. وی عضو چند محفل فراماسونی نیز شد ولی بدان اعتقاد نداشت. معاصر با ناصرالدین شاه و مخالف وی، از مریدان میرزای شیرازی و صاحب تألیفات چند و مدیر

روزنامه عروة الوثقی. وی از مشوقان میرزارضای کرمانی در کشتن ناصرالدین شاه بود که سرانجام در شصت سالگی (۱۳۱۴) به مرض سرطان فک مرد یا کشته شد و در گورستان شیخ لرمزار لقی استانبول دفن شد و با وجود مخالفت و اعتراض ایران افغانها بقایای او را به افغانستان بردند.

○ تا ق ۱۵۰ + در مزار یحیی افندی جنب شیخ لرمزار لقی. سیاستگر ۲۲۲ + ایجاد بنای یادبود در خانه خود وی در اسدآباد توسط انجمن آثار ملی ۱۳۵۵ خ. کارنامه ۷۲۵ + محمد محیط طباطبایی نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین قم بدون تاریخ + ر ج ۲۸۰

□ سید جمال الدین واعظ اصفهانی، پدر استاد فرزانه محمدعلی جمالزاده در بروجرد، جنوب محلّ شهرداری فعلی. وی در ۱۳۲۶ به دستور امیر افخم حاکم لرستان شهید شد.

○ آل ۵۴۱ از مسایملک محسن خان نسیکنام جنگجوی آزادیخواه که در جنگهای لرستان پس از پیروزی مجدد مشروطیت شهید گردید، طبق وصیت وی ساخته شد. تا ق ۳۳ + به پایمردی همایون سیاح رییس دارایی بروجرد در ۱۳۰۴ آرامگاهی برایش ساختند + رهبر ۳۳۴ + کارنامه ۷۲۱ + فک مؤلفان ۳۸۳/۲ + شهید راه آزادی از اقبال یغمایی تهران ۱۳۵۷. ر ج ۲۵۷

□ سید جواد ظهیرالاسلام، پسر حاج سید زین العابدین سومین امام جمعه تهران، سید جواد که نوه ناصرالدین شاه نیز بود همراه پدرش به مکه رفت و داستان این سفر را از قول سید جواد در کتاب رجال عصر ناصری معبرالمالک می‌توان خواند. وی از رجال عصر پهلوی‌ها نیز بود و برادرزاده‌اش دکتر حسن امامی آخرین امام جمعه

□ سیدحسین، سیدحسین در شیراز دروازه اصفهان.

○ معماری ۸۶/۲.

□ سیدحسین خوشنویس باشی، در سال ۱۲۷۸ که مظفرالدین میرزا ولیعهد و حکمران آذربایجان شد وی معلم خط و نقاشی او بود. استاد مسلم در خط نستعلیق. در ۱۳۰۰ در تبریز وفات کرد و در همان جا به خاک سپرده شد.

○ رج ۷۶/۵.

□ سیدحسین عرب باغی، از علمای بزرگ قرن اخیر ارومیه متولد ۱۲۵۴، مردی بسیار متقی و پرهیزگار که در بیرون شهر رضاییه آرامگاهی به نام وی وجود دارد.

○ ر ۲۳۶.

□ سیدحمزه در تبریز، ایلخانان

○ معماری ۸۳/۲.

□ سیدحمزه، بقعه سیدحمزه علی بن موسی تبریزی.

○ فم ۲۲۱/۴

□ سیدخلیل. در یزد محله مصلی عتیق، از ۹۶۹ به بعد.

○ معماری ۹۲/۲.

□ سیددانیال، در خلخال روستای خانقاه، صفویه

○ معماری ۸۳/۲.

□ سید ذوالفقار، در شیراز محله درب شاهزاده.

○ معماری ۸۶/۲.

□ سیدرکن الدین، بقعه سیدرکن الدین در یزد از قرن هشتم با حرم چهارضلعی و پوشش گنبدی.

○ آ ط ۳۸۰ + معماری ایلخانی ۱۷۲، تصویر ۱۳۹ + معماری ۹۲/۲.

تهران در عصر سلطنت است. م ۱۳۴۴ خ مدفون در سر قبر آقا.

○ رج ۷۵ + رجال ناصری ۲۵۰.

□ سید حسن زاهدان، در رامهرمز، روستای دهپور قاجاریه.

○ معماری ۸۵/۲.

□ سیدحسن غزنوی، سیداشرف الدین فرزند ناصر علوی غزنوی برادر سیدمحمد که از واعظین بزرگ عصر بهرامشاه غزنوی است. سیدحسن شاعری آزاده و واعظی شهر بوده است که زمانی نیز دچار قهر بهرامشاه شده و در تبعید بسر برده است و زمانی نیز به بغداد رفته و مورد توجه سلطان مسعود سلجوقی قرار گرفته است. سیدحسن در ۵۶۵ در قصبه آزادوار جوین به رحمت خدا رفته و در همان آبادی به خاک سپرده شده و مزارش زیارتگاه مردم بوده است.

○ عباس اقبال ۳۱۸ + ل ۸۴/۲.

□ سید حسن کیا، در شیراز، جنب مسجد وکیل.

○ معماری ۸۶/۲.

□ سیدحسن مدرس ← آرامگاه مدرس.

□ سیدحسن واقف، سید واقف در نطنز افروخته معروف به گنبد سبز در جوار دهکده رهن با ضریح کنده کاری گرانها. تعمیرات گنبد در عصر رضاشاه به کوشش سید ابوالقاسم اعظم واقفی، امام جمعه، بنا از قرن نهم.

○ آ ص ۹۳۳\*.

□ سیدحسین، بقعه سیدحسین آرامگاه یکی از فرزندان دکان امام موسی کاظم (ع) با نه واسطه، در نزدیکی این بقعه، بقعه جابر وجود داشته که آن را خراب کرده جایش مدرسه ساخته اند، دزفول.

○ د ش ۷۲۶.

- **سید روح‌الله دارایی**، پسر سیدجعفر کشفی از فقیهان بزرگ امامیه و برادر سیدیحیی که بابتی شد و طغیان کرد. سید روح‌الله به تهران کوچید و صاحب محراب و هنر شد، تبریز.
- آذ ۱۲۵.
- **سید سربخش**، بقعه سید سربخش در قم، بنایی از قرن هشتم هجری.
- معماری ۷۸/۲.
- **سید شرفشاه**، آرامگاه پیر شرفشاه در اول خاک گیل دولاب. شاعر و عارف معروف که اشعار وی را مردم گیلان هنوز خوانده و آهنگ شرفشاهی در دستگاه شور یکی از این گوشه‌هاست، احتمالاً از سده ۷.
- آس ۸۵.
- **سیدشمس‌الدین**، بر سر راه داراب - فسا.
- معماری ۸۷/۲.
- **سید شمس‌الدین**، در جوار خانقاه وی در یزد مورخ ۷۶۷.
- معماری ۹۳/۲.
- **سید صائم**، بقعه سید صائم در آبادی میان‌آب هفت تپه خوزستان با کاشیکاری و برخی تزیینات.
- د ش ۱۴۸.
- **سید صاحب**، در احمدنگر هند، مقابل آرامگاه غالب خان.
- نقش پارسی ۸۶.
- **سید صادق مجتهد طباطبائی**، فرزند سید مهدی، وی آقا شیخ هادی نجم‌آبادی را تکفیر کرد.
- سید صادق در ۱۳۰۰ در ۷۴ سالگی در تهران مرد و در آستانه حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. میرزا یوسف مستوفی بر گورش مقبره‌ای
- ساخت با صحن و حجرات.
- رج ۱۲۲/۶ و ۱۱۵.
- **سید صالح**، بقعه سید صالح در شوشتر احتمالاً از اجداد آقا سیدمحمد باقرخوانساری صاحب روضات الجنات.
- د س ۷۱۱.
- **سید صبر**، بقعه سید صبر بقعه‌ای کوچک در خیابان لشکر دزفول.
- د ش ۳۷۸.
- **سید ضیا** ← آرامگاه طباطبائی
- **سید طاووس**، در محله فهادان یزد با قبری پوشیده از کاشیهای معرق دوره تیموری و سنگ دیگری برپایین پای او با تاریخ ۴۷۴ به خط کوفی، نام صاحب قبه ابوالعباس احمدبن ابراهیم النقیب ذکر شده است.
- ی ۳۲۰.
- **سید طاهر**، بقعه سید طاهر. در شوش در کنار رود شاورور و یک مسجد قدیمی.
- د ش ۱۰۳.
- **سیدعباس و سیداسماعیل**، رشت محله ساغری سازان، قاجاریه.
- معماری ۸۲/۲.
- **سید عبدالحمید**، اولین شهید راه مشروطیت که امیر بهادر جسد وی را از گور درآورد و سوزاند، بقایای بدن وی در امامزاده زید مدفون است.
- تاب ۳۷۲.
- **سید عبدالله**، در شیراز محله درب شاهزاده، زندیه.
- معماری ۸۷/۲.
- **سیدعبدالله بهبهانی** ← آرامگاه آقا سید عبدالله.
- **سیدعبدالله شوشتری**، شوشتر.

- د ش ۵۴۳ + م ۱۱۷۳ پدرش سید نورالدین م ۱۱۵۸ هردو در حیاط مسجد جامع شوشتر + د ش ۶۸۱.
- **سید علاءالدین**، آستانه سید علاءالدین، بقعه سیدعلاءالدین در شیراز نزدیک دروازه قصابخانه. سیدعلاءالدین را از فرزندان امام هفتم <sup>(ع)</sup> می‌شمارند. بنایی بلند با گنبد با آئینه کاری داخلی و مسجد در کنار آن، بنای اصلی از عهد مغول است با کتیبه‌ای مورخ ۹۲۴.
- ا ق ۶۷ و ۳۱۷.
- **سیدعلی اکبر گلستان**، خوشنویس، قم ۱۳۱۹.
- خوش معاصر ۶۶.
- **سیدعلی الرضا**، در ساوه.
- معماری ۸۰/۲.
- **سید علی خان**، و برادرانش نوه‌های دختری شاه عباس، فرزندان عیسی خان و زبیده بیگم که در سال ۱۰۴۱ فوت کرده‌اند در سیت فاطمه اصفهان.
- آثار ایران ۱۲۹/۱-۲.
- **سید علی کیا**، در دهکده‌ای به همین نام در خیررود کنار کجور، نوه امام موسی کاظم بنای هشت ضلعی با گنبد توی سری خورده سفید.
- آس ۲۳۱/۳.
- **سید علی کیا**، بقعه سیدعلی کیا، ۷ کیلومتری شرق نوشهر قرن ۸ و ۹.
- معماری ۸۳/۲.
- **سید علی محمد شیرازی** ← آرامگاه باب.
- **سید عوض الخواص** ← آرامگاه عوض الخواص.
- **سید فاطمه**، بقایای چهارطاقی و مقبره با آثاری از خط کوفی مورخ ۱۶۵ در ۱۲۸۷ مصطفی قلی میرزا پسر عمادالدوله بنای جدیدی بر آن ساخت.
- کرمانشاه - ۱۵۸.
- **سیدفتح الله**، امامزاده شاه حسین در ورامین.
- معماری ایلخانی ۱۹۰.
- **سیدفخرالدین**، بقعه آفخرا فرزندزاده امام زین العابدین(ع) در وسط اتاقی بزرگ با ایوان سراسری.
- آس ۲۵۸.
- **سید فریدالدین قادری**، از فرزندان سید عبدالقادر گیلانی که اهل خوارزم (بغدادک) بوده است. متولد سال ۱۰۰۰ تمام جهان اسلام را گشت و سرانجام در کشمیر مقیم شد. م ۱۰۸۵ در کشتوار کشمیر.
- هنر و مردم ۷۹ اسفند ۱۳۵۰.
- **سیدقاسم بروجودی**، بروجد محله چال پسته.
- آل ۵۳۹.
- **سید قطب الدین**، بقعه سید قطب الدین، در محله سیدقاسم یا کهواز شوشتر، با کتیبه‌ای آسیب دیده بدون تاریخ و تزیینات.
- د ش ۷۳۷.
- **سید قوام الدین**، سرسلسله سادات حکومتگر مازندران م ۷۸۱، آمل مقبره میر بزرگ.
- جغ ۱۱۴۳/۲.
- **سید قوام الدین**، مزار سادات در خارج یزد در کناسه مشهور به روضه سیدعلی قوام الدین، با گنبدی بزرگ جنب کاروانسرای مرزا کور، برخی سادات دیگر نیز در این محل مدفون‌اند.
- ی ۳۳۳ + در جنوب شرقی میدان امیر چخماق. معماری ۹۲/۲.
- **سید کمال الدین حسینی**، در اردستان، زواره قاجاریه.
- معماری ۹۰/۲.

□ سید محمد باقر استرآبادی، اصفهانی میرداماد، عالم و فاضل عصر صفوی. م ۱۰۴۱ نجف.

○ فک مؤلفان ۷۳/۲.

□ سید محمد باقر موسوی، ملاباشی شیرازی، از فضلالی عصر قاجارها، م ۱۲۴۰، تکیه خواجه حافظ.

○ فک مؤلفان ۷۲/۲.

□ سید محمد (زید)، در کازرون محله گنبد.

○ معماری ۸۷/۲.

□ سید محمد شاه مرعشی در شوشتر، قرن اخیر.

○ معماری ۸۵/۲.

□ سید محمد صادق طباطبایی ← آرامگاه طباطبایی.

□ سید محمد کاشی، کازرون صفویه.

○ معماری ۸۷/۲.

□ سید محمد کاظم یزدی، فرزند عبدالعظیم از سادات طباطبایی (۱۲۴۷-۱۳۲۷) متولد در یکی از قرای یزد. مدرس و مجتهد بزرگ مقیم نجف از مخالفان مشروطیت. وی از گرفتن پول آود سرباز زد در نجف مدرسه و مسجد ساخت این روحانی مبارز در نودسالگی وفات کرد و در نجف به خاک سپرده شد.

○ رج ۲۵۱/۶.

□ سید محمد کیا، دبیر صالحانی از صالحان حومه کجور، بنای آجری مخروطی که سید ظهیرالدین در ۱۳۰۳ از آن دیدن کرده است.

○ آس ۲۰۰/۳.

□ سید محمد گیاهخوار یا گلایی، بقعه سید محمد گیاهخوار در شمال شرقی شوشتر کنار کارون با کتیبه حاوی نام بانی آن منوچهر خان معتمدالدوله، مورخ ۱۲۵۷ سید محمد از

□ سید کمال کجولی، از شاعران سده نهم، که معروف است پانصد هزار بیت شعر گفته از مریدان ابونصر پارسا که در پایان سده نهم درگذشته و ۹۰ سال عمر کرده، آرامگاهش در بلخ است در جوار میرسرخ.

○ تان ۳۳۲.

□ سید گل سرخ در یزد، توران پشت قرن ۶ و ۷.

○ معماری ۹۳/۲.

□ سید گل سرخ، در یزد محله سرچم ۹۷۹.

○ معماری ۹۲/۲.

□ سید محمد، اراک مشهد میغان، صفویه.

○ معماری ۸۱/۲.

□ سید محمد، بقعه سید محمد. در دزفول نزدیک آبادی ده بهر با گنبدی کوچک و ایوان بزرگ سفیدکاری شده ستون دار.

○ د ش ۳۲۷.

□ سید محمد، یا سید محمود در دزفول، مردم عادی تصور می کنند که آرامگاه برادرزاده حضرت رضا (ع) باشد با کاشیکاری ساده. ذکرش در تذکره دزفول آمده است.

○ د ش ۳۸۰.

□ سید محمد الاعرابی، در محوطه آرامگاه شیخ امین الدین جبرئیل؟ صفوی با بنایی ساده شبیه چارطاقهای آتشکده ای با سنگ قبر مرمرین.

○ آذ ۲۱۷/۲.

□ سید محمد امین الدین، در کازرون.

○ معماری ۸۷/۲.

□ سید محمد بازار، بقعه سید محمد بازار، با گنبد کاشیکاری و گلدسته های کاشی از عصر صفوی.

○ د ش با تصویر ۷۱۱ و در همین کتاب واقع در شوشتر ۱۱۱۵ + معماری ۸۵/۲.

فرزندزادگان امام موسی کاظم (ع).

○ د ش ۵۶۳، گیاهخوار + معماری ۸۵/۲.

□ سید محمد ماهر، بقعه سید محمد ماهر در شهر شوشتر در فلکه شاهپور از فرزندزادگان امام موسی بن جعفر. ساختمان بنا از عصر صفوی.

○ د ش ۷۱۵ با تصویر رنگی + مورخ ۱۲۷۹ معماری ۸۵/۲.

□ سید محمد نوربخش، پیرکیا سید علاءالدین محمد بن محمد موسوی از مشایخ متصوفه بسیار مهم سده نهم، از احفاد امام موسی کاظم (ع) موسس فرقه نوربخشیه در ۷۹۵ در قاین متولد شد. وی جوانی را درختلان گذراند، سرانجام به مشهد و ری رفت و در شهریار ساکن شد و قریه سولقان را آباد کرد و خانقاهی بنا نهاد و روز ۱۴ ربیع اول در ۷۳ سالگی درگذشت و در باغ خود دفن شد.

○ تان ۳۱۹.

□ سید محمود سید احمد، در ابرقو - مهرآباد صفویه

○ معماری ۹۳/۲.

□ سید محمود مرنیدی، مرقد آقا سید محمود نزدیک دروازه هرزویل در رودبار با درکنده کاری روی سنگ به تاریخ ۹۹۸ در جوار آن سردابه‌ای کنده شد که آرامگاه امیره تی تی دختر امیر سلطان محمدخان حاکم کهدم است با اشعاری حاوی همان تاریخ.

○ آس ۴۷۲.

□ سید معزالدین بن شرف الدین، سید گل سرخ، در محله سرچم یزد وی از اقطاب بوده است و عامه وی را سید حسین پسر امام موسی بن جعفر (ع) می‌دانند، با آثار متعدد از گوشه و کنار آن از جمله سنگ گور پیر حسین فرزند استاد حسن

متوفی در ۹۷۹.

○ ی ۳۳۵.

□ سید معصوم، قم فردی جان در غرب شهر، قرن اخیر.

○ معماری ۷۸/۲.

□ سید معصوم، خواجه، شاعری از آسیای مرکزی که به حج رفت و در مکه مرد و به خاک سپرده شد. ○ تان ۶۲۸.

□ سید ملک خاتون، آرامگاه سیده ملک خاتون. در دولا ب تهران خیابان اتابک مشابه با بقعه سیدولی که وضع داخلی آن از آثار زمان فتحعلی شاه قاجار است که بعد آن را تعمیر و کاشیکاری کرده‌اند در تاریخ ۱۳۰۱، به احتمال قوی این مکان آرامگاه سیده ملکه خاتون مادر مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی است.

○ آ ط ۲۴۱ + معماری ۷۷/۲.

□ سید میر احمد - آرامگاه شاه چراغ.

□ سید میر محمد، بقعه سید میر محمد در شیراز کنار مرقد حضرت شاه چراغ، احتمالاً برادر آن بزرگوار با ضریح خاتم کاری از عهد زندیه بنای اصلی از قرن دهم است در دوران زندیه و قاجاریه در تزیین و تعمیر آن کوشیده‌اند.

○ ا ق ۶۵ + از قرن هشتم به بعد با حرم چهارضلعی و گنبد دوشاخ مدور + آ ط ۳۷۷ + ق ۳۵۴.

□ سید ناصر، در آبادی در چشم سبزوار معروف به درویی حسین مانده از سده ششم.

○ آ خ ۴۸۲.

□ سید ناصرالدین، بقعه سید ناصرالدین در تهران کنار خیابان خیام احتمالاً از قرن نهم با تعمیرات و تکمیل در ۱۳۱۰ توسط خانم منیرالسلطنه،

سیدناصرالدین از فرزندان امام زین‌العابدین(ع) است با ضریحی چوبی که ازین رفته و قطعه‌ای از آن باقی است با تاریخ ۹۹۳، قسمت اعظم این آرامگاه در اثر خیابان‌کشی ازین رفته.

○ آ ط ۶۴.

□ **سید ناصرالدین**، بقعه سیدناصرالدین در محله کهواز حیدرخانه شوستر با کتیبه‌ای از عصر ناصرالدین شاه.

○ د ش ۷۴۷.

□ **سید نصرالدین**، در بهبهان، روستای سیدنصرالدین، قاجاریه.

○ معماری ۸۶/۲.

□ **سید نصرالدین**، زیارتگاه در خیابان خیام تهران، قاجاریه.

○ معماری ۷۶/۲ و ۱۰۴.

□ **سید نصرالدین**، با بنایی از قرن دهم بدون نوشته و کتیبه در انتهای شمالی خیابان پهلوی سابق یزد.

○ ی ۳۳۹.

□ **سید نعمت‌الله جزایری**، مجتهد و عالم معروف، اهل هویزه مقیم شیراز (۱۱۱۲-۱۰۴۵) در جنوب پل دختر. ملاوی به فاصله سه کیلومتر.

○ آل ۵۱.

□ **سید نورالدین نعمت‌الله** - آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی.

□ **سیدنیککی**، تربۀ سیدنیککی در نیکی شهر هشتر با سنگ نوشته‌ای جالب به خط نستعلیق خوش.

○ آ س ۴۸.

□ **سیدولی**، بقعه سیدولی فرزند محمدتقی، بنایی از اواخر زمان فتحعلی‌شاه. درب آن ساخت استاد یوسف نجار تبریزی است با کتیبه کاشی

حیاط مسجد مورخ ۱۲۹۳.

○ آ ط ۶۴.

□ **سیدون** و **سیدون گلسرخی**، گنبد سیدون و گنبد گلسرخی دو بنا در ابرقو که تقریباً از بین رفته، آندره گذار در دیوار محراب بنای دوم نوشته‌ای یافته است که با کمک آن می‌توان تاریخ بنا را که ۱۳۳۰/۷۳۰ است کشف کرد.

○ معماری ایلخانی ۱۸۹ با تصویر.

□ **سیدون گلسرخی**، در ابرقو - آرامگاه سیدون.

□ **سیدهاشم وکیل** - آرامگاه وکیل سیدهاشم.

□ **سیده بانو**، بقعه سیده بانو مادر پیر سید شرفشاه. بر ضریح این نوشته کننده کاری شده: سیده بانو بنت امام‌الهمام موسی‌الکاظم(ع)، رمضان ۱۳۴۳.

○ آ س ۸۵.

□ **سیده فاطمه**، در قبرستان ویژه شیعیان اثنی عشری، در بنارس. آرامگاه حزین نیز در جوار این مرقد قرار دارد.

○ نقش پارسی ۱۲۲.

□ **سید یونس اردبیلی** - آرامگاه آیت‌الله اردبیلی.

□ **سیرجان** - آرامگاه شاه فیروز.

□ **سیف اسفرنکی**، مولانا سیف‌الدین اعرج، قصیده‌سرای قرن هفتم از اسفرنگ سمرقند مداح سلطان محمد بن تکش خوارزمشاه پیرو سبک خاقانی و ظهیر فاریابی. وی هیچ‌گونه تخلصی برای خود اختیار نکرد، مدفون در بخارا.

○ تان ۹۳ + د ۱۴۰۹ + دیوان چاپ پاکستان.

□ **سیف‌الدین باخرزی**، از مشایخ قرن هفتم. در فتح آباد بخارا در کلخوزن به نام شیخ‌العالم.

○ تان (۸۶).

## ش

### از آرامگاه شاه‌الحسن تا آرامگاه صائب.

- **شاه‌الحسن**، شامرد، شهرمد در جلکون یا جنت مکان گتوند شوستر، با سنگهای قدیمی که نوشته‌هاشان پاک شده و ماکت دوکیلوگرمی یک زیگورات از سنگ سیاه، نزد متولی است.  
○ د ش ۷۶۰.
- **شاهپور علی**، قم مزرعه در باغ روستای گردچکان.  
○ معماری ۸۰/۲.
- **شاعران**، مقبره‌الشعرا، کوی سرخاب تبریز - آرامگاه شعرای تبریز.
- **شاعران**، مزارالشعرا در سری نگر کشمیر، در محله دروک جن این شهر در مغرب دریاچه دال بر سر یک تپه که غرق در گل و ریحان است، چند قبر دیده می‌شود که متعلق است به این شاعران: کلیم همدانی، محمدقلی سلیم، طغرای مشهدی و قدسی مشهدی.  
○ نقش پارسی ۹۳.
- **شام غازان** - آرامگاه شنب غازان.
- **شان‌دیر، یان** - مدیر کمپانی هند شرقی هلند م ۱۷۰۳. اصفهان، گورستان ارامنه جلغا.  
○ آص ۸۴۶.
- **شاه ابراهیم**، قم در روستایی به همین نام، صفویه.  
○ معماری ۷۹/۲.
- **شاه ابوالقاسم**، در جاده دزفول - شوستر. صفوی.  
○ معماری ۸۰/۲.
- **شاه ابوالقاسم**، در مسجد سلیمان لالی شاه آباد سادات.  
○ معماری ۸۵/۲.
- **شاه اسماعیل اول صفوی**، در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی. بنای چهارضلعی گنبددار. در بالای گنبد پنج شمشیر به علامت پنج خاندان یاری‌دهنده به وی با صندوق خاتم‌کاری.  
○ د ت ۴۰ + تصویرتان (۷۸). آذ ۱۷۹/۲.
- **شاهان صفوی تا آخر قاجارها**، عباس اقبال.  
○ یادگار ۳/۳ ص ۳۱ + نم ۳۷.
- **شاهان و بزرگان**، در باغ نقش جهان (میدان شاه، یا امام کنونی در اصفهان) بوده است که به‌دستور شاه اسماعیل یا شاه عباس تبدیل به میدان شد.  
○ آص ۲۰.
- **شاه باهوی حق**، ۱۲۶۲ م در ملتان هند.  
○ معماری هند ۳۳ تصویر ۲۳ الف.
- **شاه برهان**، عارف مقیم جنوب هند در شهر آشتی، مقبره و مسجد جنب آن را شخصی به نام غوری خان در ۸۸۸ ساخته و کتیبه آن به شعر فارسی است در تاریخ ۸۸۸.  
○ نقش پارسی ۷۶.
- **شاهپور علی**، قم مزرعه در باغ روستای گردچکان.  
○ معماری ۸۰/۲.
- **شاهپور نیشابوری**، جمال‌الدین اشهری از



- شاه حمزه، در کازرون محله بازار.  
○ معماری ۸۷/۲.
- شاه حمزه، خارج از شهر ماهشهر.  
○ معماری ۸۵/۲.
- شاه خراسون، در دزفول بنای آجری ساده بدون هیچ نوشته.  
○ آش ۳۲۰.
- شاه خلیل الله ثالث، از فرزندان شاه نعمت الله ولی، بقعه سیدجلیل، بقعه مصلی قرن دهم، یزد دروازه مصلی.  
○ ی ۳۱ و ۹۶۹.
- شاه داعی الی الله، سیدنظام الدین محمود از عرفای شیراز. م ۸۷۰ در کنار گورستان دارالعلم، در بنایی برجای مانده از دوران کریم خان زند.  
○ ا ق ۶۹ + جغ ۸۵۹ + تعمیر و تکمیل بنا در ۱۳۴۶ خ. + کارنامه ۶۰۸ + سنگ قبر در شیراز. تا ن (۲۱).
- شاه رخ افشار، معلوم نیست کجاست، آغا محمدخان در مشهد جواهراتش را با زور و شکنجه گرفت و وی را روانه تهران کرد. در راه تهران عمال آغامحمدخان وی را کشته و جنازه اش را سر به نیست کردند. بنابر قولی دیگر مقبره شاه رخ میرزا: در دامغان جنب امامزاده جعفر، بنای تیموری.  
○ ر ج ۱۴۲/۲ معماری ۹۶/۲.
- شاه رخ، در آرامگاه امیر تیمور گورکان، گور امیر در سمرقند.  
○ سیمرخ ۱۴۰ + هنر ۴۳۷/۸.
- شاه رضاکیاسلطان، در گورستان قدیمی نائل در نائل کنار نور، بنایی هشت ترک با گچبری و نقش چهار خورشید، بر درهای آن کنده کاری و نوشته
- شاعران سده ششم. م ۵۹۸، در سرخاب تبریز همانند ظهیرالدین فاریابی در پهلوی خاقانی.  
○ کوی سرخاب ۲۵۱.
- شاه جعفر غریب، نزدیک راه قم به کاشان، قاجاریه.  
○ معماری ۷۹/۲.
- شاه جمال، در کنار راه قم به اراک، قاجاریه.  
○ معماری ۷۹/۲.
- شاه جمال غریب، نزدیک بقعه شاه جعفر، اواخر قاجاریه. قم  
○ معماری ۷۹/۲.
- شاه جهان، شاهزاده خرم پسر جهانگیر و پنجمین امپراتور بابری هند که بر تمام مخالفان از جمله برادرش خسرو که پسر نورجهان بود فائق شد. همسرش در هنگام سیزدهمین زایمان خود در برهانپور درگذشت، از شوهر خواسته بود که بر گور وی آرامگاهی عظیم بسازد، شاه جهان چنین کرد و تاج محل را ساخت و پسرش اورنگ زیب که با زور جانشین او شده بود وی را نیز در همان بنا به خاک سپرد.  
○ معماری هند ۱۱۵ تصویر ۸۷ + د ۱۴۴۱.
- شاه چراغ، میرسید احمد، آستانه شاه چراغ در شیراز فلکه احمدی، مجموعه ای از بناهای تکمیل شده از عصر اتابکان به امروز.  
○ معماری ۷۸/۲ + ا ق ۶۳.
- شاه چراغ، علیه السلام از علی سامی  
○ قم ۲۲۷/۴ + آثار ملی ۵/۴۰۳.
- شاه حسین ولی، از فرزندان شهاب الدین سهروردی عارف بزرگ قرن نهم خواهرزاده شیخ صفی، تبریز محله باغمیشه.  
○ آذ ۱۲۸ + د ت ۴۱.

- وجود دارد با تاریخ ۱۳۰۱.
- آس ۳۵۴/۳.
- شاه رکن الدین، در کنار خیابان سی متری دزفول با گنبد و کاشیکاری، بر مبنای تذکره دزفول. این حضرت با ۱۴ واسطه به امام موسی کاظم می‌رسد.
- د ش ۳۹۶ + قاجاریه معماری ۸۵/۲.
- شاهزادگان مقتول صفوی، با گنبدی کوچک از زمان شاه عباس در قزوین
- د ت ۴۱
- شاهزاده ابراهیم، ولد امام جعفر صادق (ع) آرامگاه در بوزان، آرامگاه امامزاده کرار.
- شاهزاده ابراهیم، معروف به شاه ناجر در دهکده صالحان کجور که ناصرالدین شاه در ۱۲۸۶ در کنار آن مدتی اردو زده بوده است.
- آس ۲۰۸/۳.
- شاهزاده ابراهیم، در روستای طایقان پنج فرسنگی جنوب قم.
- معماری ۷۹/۲.
- شاهزاده ابراهیم، قم روستای استجرد، صفوی.
- معماری ۸۰/۲ + هنر ۳۵۲/۸.
- شاهزاده ابراهیم، در کاشان، بیدگل.
- معماری ۹۲/۲.
- شاهزاده ابراهیم و شاهزاده محمد، در ۱۰ کیلومتری جنوب شهرضا، صفوی.
- آس ۹۰۳.
- شاهزاده ابوالحسن، محمد بن حمزه - از نوادگان حضرت سجاد (ع) بروجرد.
- آل ۵۲۹/۲.
- شاهزاده ابوالقاسم، ابن موسی در داراب، قرن اخیر.
- معماری ۸۷/۲.
- شاهزاده ابوالقاسم، در اصفهان قاجاریه.
- معماری ۹۱/۲.
- شاهزاده احمد، نفرش قریه کوهین، قرن نهم.
- معماری ۸۱/۱.
- شاهزاده احمد، در خاکفرج، قم قرن هشتم قاجاریه.
- معماری ۷۸/۲ + هنر ۳۵۲/۸.
- شاهزاده اسحاق، بنای آجری ساده از سده هفتم در ساوه.
- د ۱۴۴۳.
- شاهزاده اسحاق، قم روستای هيلم قاجاریه.
- معماری ۸۰/۲.
- شاهزاده اسحاق، ایوب در ایبانه نظنز صفویه.
- معماری ۹۰/۲.
- شاهزاده اسحاق و حمزه، در کاشان جنب بقعه خواجه تاج الدین قرن دوازدهم.
- معماری ۹۱/۲.
- شاهزاده اسدالدهر، در جهرم، قاجاریه.
- معماری ۸۸/۲.
- شاهزاده اسماعیل، ساوه روستای پل آباد.
- معماری ۸۰/۲.
- شاهزاده اسماعیل، قم، دامنه کوه بیرقان، قرن ۱۰ و ۱۱.
- معماری ۸۰/۲.
- شاهزاده اسماعیل، در کاشان - بیدگل صفویه.
- معماری ۹۲/۲.
- شاهزاده اسماعیل، در روستای برز سه کیلومتری ایبانه نظنز، صفویه.
- معماری ۹۰/۲.

- شاهزاده اسماعیل، محلات - نیم‌ور. معماری ۷۸/۲. ○
- شاهزاده سید نورالدین، در جنوب اردکان فارس، قرن ۵. معماری ۸۰/۲. ○
- شاهزاده جعفر، قم راه فرعی روستای راهجرد از راه قم. معماری ۷۹/۲. ○
- شاهزاده حسن، در جهرم، صفویه. معماری ۸۷/۲. ○
- شاهزاده حسین، اراک ابراهیم آباد، قرن هشتم. معماری ۸۱/۲. ○
- شاهزاده حسین، (آستانه شاهزاده حسین) در قزوین از حسین مدرسی چاردهی. قم ۲۲۷/۴. ○
- شاهزاده حسین، (یادداشت درباره شاهزاده حسین) در قزوین از محمد تقی مصطفوی. قم ۲۲۸/۴. ○
- شاهزاده حسین در کاشان - بیدگل. معماری ۹۲/۲. ○
- شاهزاده حسین، در کرمان - جوپار ۱۸ کیلومتری ماهان، صفویه. معماری ۸۸/۲. ○
- شاهزاده حسین، همدان نزدیک میدان امام خمینی، صفویه. معماری ۹۵/۲. ○
- شاهزاده زکریا، روستای طایقان پنج فرسخی جنوب قم. معماری ۷۹/۲. ○
- شاهزاده سلیمان، بقعه شاهزاده سلیمان، گورستان قریه راونج قم، صفویه. معماری ۷۹/۲. ○
- شاهزاده سیدعلی، قم شمال شرقی شهر. قرن اخیر. معماری ۷۸/۲. ○
- شاهزاده عبدالله، در جنوب اردکان فارس، قرن ۵. معماری ۸۶/۲. ○
- شاهزاده شعیب، بنایی که اخیراً تعمیر شده با تصویرها. آخ ۴۵۱. ○
- شاهزاده طاهر، قم روستای تقرود خلجستان، صفویه. معماری ۷۸/۲. ○
- شاهزاده عباس، در مزارع روستای ورجان قم. قاجاریه. معماری ۷۹/۲. ○
- شاهزاده عبدالعظیم، در حرم مطهر آن حضرت، مجموعه بناهای تاریخی مهم در شهر ری از زمان دیالمه تا عصر حاضر - آستانه حضرت عبدالعظیم. ری ۳۸۴. ○
- شاهزاده عبدالله - برج لاجیم، آرامگاه شهریار باوندی. شاهزاده عبدالله، اراک - گودرز، قرن ۴. معماری ۸۱/۲. ○
- شاهزاده عبدالله، ۵ کیلومتری جنوب غربی خرم‌آباد. معماری ۹۷/۲ و ۱۱۶. ○
- شاهزاده عبدالله، ساوه، یک فرسخی آوه، سلجوقی. معماری ۸۰/۲ و ۱۳۱. ○
- شاهزاده عبدالله، قم نزدیک قلعه صدری. پیش از قاجار. معماری ۷۸/۲. ○
- شاهزاده عبدالله، در کاشان بیدگل صفویه.

- معماری ۹۲/۲. □ شاهزاده محسن، اراک - فراهان، قرن ۸ و ۹.
- شاهزاده عبدالله، در محلات، صفویه - قاجاریه. ○ معماری ۸۰/۲.
- معماری ۸۰/۲. □ شاهزاده محسن، قم روستای قاریون بزن.
- شاهزاده علی فرزند عبدالله، در یزد - بافت ۹۹۸. ○ معماری ۸۱/۲.
- معماری ۹۳/۲. □ شاهزاده محمد، اراک روستای شاهسواران قرن پنجم.
- شاهزاده علی بلیممان، در یزد بیداخوید از ۸۲۶. ○ معماری ۸۱/۲.
- معماری ۹۳/۲. □ شاهزاده محمد، ساوه روستای آلسجرد.
- شاهزاده فاضل، در یزد خیابان امام، قرن نهم. ○ معماری ۸۰/۲.
- معماری ۹۲/۲. □ شاهزاده محمد، در بسطام از سده هشت.
- شاهزاده فضل، در بهبهان، صفویه. ○ معماری ۹۶/۲.
- معماری ۸۶/۲. □ شاهزاده محمد، در کرمان - خیابان شاهزاده محمد.
- شاهزاده فضل پسر موسی، در جهرم، قرن نهم. ○ معماری ۸۸/۲.
- معماری ۸۸/۲. □ شاهزاده محمد ابراهیم، در کنگاور محله گچکن.
- شاهزاده قاسم، تفرش - کهک، صفویه. ○ معماری ۸۴/۲.
- معماری ۸۱. □ شاهزاده محمدافطسی، تفرش ۹۵۰.
- شاهزاده قاسم، در شیراز خیابان احمدی، قرن اخیر. ○ معماری ۸۱/۲.
- معماری ۸۶/۲. □ شاهزاده قاسم، تفرش ۹۵۰.
- شاهزاده قاسم، قم بالای قریه مدخل ابرجس. ○ معماری ۸۰/۲.
- معماری ۸۰/۲. □ شاهزاده قاسم، در محلات، صفویه - قاجاریه.
- شاهزاده قاسم، در کاشان - فین از قرن هفتم. ○ معماری ۸۰/۲.
- معماری ۹۱/۲. □ شاهزاده هادی، قم بیرون وشنوه، قاجاریه.
- شاهزاده قاسم، در هرات مورخ ۱۳۴۹/۷۵۰ م. ○ معماری ۸۰/۲.
- هنر ۴۵۱/۸ تصویر. □ شاهزاده محمد، در کاشان بین آران و بیدگل، صفویه.
- شاهزاده قاسم، ابن عباس ← آرامگاه قشم پسر عباس. ○ معماری ۹۲/۲.
- شاهزاده کبیر، در ابهر قرن، ششم. ○ معماری ۸۰/۲.
- معماری ۹۴/۲. □ شاهزاده هارون، ساوه، ده کیلومتری روستای رضاآباد، قرن هفتم.

□ **شاه سلیمان، ثانی صفوی مرعشی، محمد خلیل بن داود بن سید محمدشاه.** م ۱۲۲۰ در بنگاله (مقدمه مجمع التواریخ).

○ فک مؤلفان ۱۰۸/۲.

□ **شاه سلیمان دوم، نوه شاه سلیمان اول خواهرزاده و داماد شاه سلطان حسین که در ۱۱۶۳ فقط چهل روز پادشاهی کرد ولی توسط شاهرخ کور شد و در ۱۱۶۹ مرد و در حرم امام رضا به خاک سپرده شد.**

○ رج ۱۳۵/۲ و ۳۳۳/۶.

□ **شاه سنجان، خواجه رکن الدین محمود خوافی از عارفان سده ششم از مریدان خواجه مودودچشتی در ۵۹۳ یا ۵۹۷ یا ۵۹۹ درگذشته ولی آرامگاهش در سنگان، مرکز بلوک سنگان در تربت حیدریه است نه سنگان، ده در خواف. گذشته از این چهارده دیگر نیز در تربت سنگان نام دارند.**

○ ل جزوه ۱۱۹ ص ۱۷۰

□ **شاه سیدرضا، بقعه با گنبدی بلند واقع در کوچه بندوی محله پشت حوض ملتکیه یزد مشهور به مزار شاه سیدرضا شاید به علت سنگ قبری بدین نام که تاریخ ۹۵۵ دارد ولی بنا از قرن هشتم است و ارتباطی با این قبر ندارد.**

○ ی ۳۴۴.

□ **شاه سیدرضا، در یزد محله چهارمنار، قرن هشتم.**

○ معماری ۹۲/۲.

□ **شاه سیدعلی، در اصفهان.**

○ معماری ۹۰/۲.

□ **شاه سیدعلی اکبر، در ۱۵ کیلومتری شمال شهرضا صفویه.**

□ **شاهزاده هلال، ابن علی در بیرون آران و بیدگل صفویه.**

○ معماری ۹۰/۲.

□ **شاهزاده یحیی، گنبد شاهزاده یحیی در کاشان - نراق از قرن هفتم و صفویه.**

○ معماری ۹۰/۲.

□ **شاه زنده، و قصه کندوکاو امیر تیمور برای یافتن آرامگاه وی در زیرزمین که باغی است مصفا در سمرقند.**

○ قندیه ۶۴.

□ **شاه زنده، بیرون روستای لنگرود قم، قرن ۱۰.**

○ معماری ۷۹/۲

□ **شاه زید، بقعه شاه زید در تلواسکان اصفهان.**

○ آص ۲۲۲.

□ **شاه سلطان حسین و شاه عباس دوم، در قم قرن ۱۲.**

○ د س ۷۵ + کارنامه ۷۷۲ + رج ۸۶/۲.

□ **شاه سلطان حسین، در کاشان مجاور مشهد اردال صفویه.**

○ معماری ۹۲/۲.

□ **شاه سلیمان، بقعه شاه سلیمان در پشت تپه های قلعه رستم شوشتر، شرف الدین شوشتری آن را شیخ سلیمان ضبط کرده است.**

○ د ش ۷۵۲.

□ **شاه سلیمان، و شاه سلطان حسین صفوی. قم**

**آستانه حضرت معصومه (ع) جنب مسجد بالاسر با کتیبه ای به خط ابوطالب خطیب قمی ۱۱۰۷.**

**شاه سلطان حسین را در اصفهان سر بریدند و سرش را به همدان نزد اشرف فرستادند که ابتدا در آن شهر دفن شد و سپس به قم آورده نزد بدن وی به خاک سپردند.**

○ د ت ۴۱.

○ معماری ۹۰/۲.

□ شاه شجاع، در شیراز تخت ضرابی، زندیه.

○ معماری ۸۷/۲.

□ شاه شجاع، فرزند امیر مبارزالدین (۷۳۳-۷۸۶)

از خاندان آل مظفر و ممدوج خواجه حافظ

شیرازی. در شیراز کنار کوه تخت ضرابی یا کوه

چهل مقام که کریم‌خان زند سنگ بزرگی به دست

میرزا محمد کرمانی منشی، روی قبر او انداخت با

کتیبه‌ای حاوی تاریخ وفات و تجدید مزار در

۱۱۹۲. بنای جدید را انجمن آثار ملی در ۱۳۵۲

ساخته است.

○ کارنامه ۵۳۹ + هزار مزار ۴۷۳ + طبق وصیت

خودش قرار بود که از این مکان به مدینه منتقل

شود، معلوم نیست که به این وصیت عمل شد یا

نه. بحث حافظ ۳۲۲ + ا ق ۵۴ + د ب ۱۴۸.

□ شاه شمس‌الدین سبزواری، متولد ۵۲۰ از

مبلغان بزرگ شیعه امامیه اسماعیلیه، از شبه‌قاره

مانند نیاکان خود چون گنج شکر و بختیار کاکلی و

نظام‌الدین اولیاء در فتنه مغول به سوی هند فرار

کرد و در ۶۶۶ به ملتان آمد و پس از فوت در ۶۷۵

در مقبره باشکوهی دفن شد.

○ میراث ۴۸۳/۲

□ شاه صفی و شاه سلیمان، قم در محل موزه

آستانه با کتیبه‌ای مورخ ۱۱۰۷.

○ د س ۶۰ + شاه صفی در ۱۰۵۲ در کاشان مُرد

و در قم به خاک سپرده شد.

○ کاشان ۱۳۷ + شاه صفی اول، تصویر. ایران

قدیم ۱۲۳ + هنر و مردم ۱۴ تیرماه ۱۳۵۱.

□ شاه طاهر اسماعیلی حسینی دکنی، فرزند شاه

رضی‌الدین ابتدا مقیم دربار شاه اسماعیل بود ولی

چون رقیبش میرجلال‌الدین حیدر استرآبادی وی

را به بی‌دینی متهم ساخت به هند رفت و در آن

خطه بسیار منشا اثر شد و مبلغ شیعه‌گری گردید

و نظام شاهیان به کوشش وی شیعه شدند. شاه

طاهر در ۹۵۲ در احمدنگر مرد و در همان مکان

به خاک سپرده شد.

○ تان ۳۶۸.

□ شاه طهماسب دوم صفوی، در سبزواری در پای

گنبد سبز یا مزار سبز که در خیابان‌کشی از میان

رفته است. طهماسب دوم و پسرش شاه‌عباس

سوم را رضاقلی میرزا وقتی نادر در هند بود

کشت.

○ آخ ۴۷۳ + نمونه خط، تان (۷۵)

□ شاه ظهیر معروف به زید، قم نزدیک مزار شاه

حمزه، قاجاریه.

○ معماری ۷۸/۲.

□ شاه‌عباس اول صفوی، کاشان در جوار بقعه

حبیب‌بن موسی.

○ کاشان ۱۳۵ با عکس + معماری ایلخانان +

کارنامه ۸۱۹ + ل ۲۷۹۳ + د ت ۴۳ + سنگ گور

وی از قفقاز آورده شد. تا کاشان ۵۵۵.

□ شاه‌عباس اول، نراقی، حسین.

○ قم ۲۲۳/۴

□ شاه‌عباس بر مبنای خواسته‌های وی، شاه‌عباس

خود وصیت کرده بود که جسدش در مزار

حبیب‌بن موسی دفن شود و از قرار نوشته تاورینه

فرانسوی وصیت دیگرش این بود که آرامگاهش

باید گمنام باشد و مراسم بسیار ساده و بدون

تشریفات باشد.

○ کارنامه ۸۱۹ + شاه عباس در لباس پوشیدن نیز

چنین بود. در حالی که سرداران لباسهای مجلل

می‌پوشیدند، وی ساده‌پوش بود.\*

□ **شاه عباس دوم صفوی**، قم آستانه حضرت معصومه بنای شانزده ترک بسیار جالب با کتیبه به خط محمدرضا امامی، در سال ۱۰۷۷ به دستور شاه سلیمان ساخته شد.

○ د ت ۴۲ + کارنامه ۷۷۲ + د س ۷۵ + بخوانید و بدانید + تصویر در ایران قدیم ۱۲۲.

□ **شاه عباس سوم**، در سبزوار که اکنون از بین رفته است.

○ آخ ۴۷۳.

□ **شاه عطا**، درگاه شاه عطا واقع در دبی کوت دیناج پور بنگاله، مجموعه‌ای شامل آرامگاه و مسجد که مسجد در حال ویرانی است اما قبر و گنبد روی آن هنوز پا برجاست و زیارتگاه مسلمانان است. وی معاصر با سکندر شاه پدر غیاث‌الدین اعظم شاه ممدوح خواجه حافظ بوده است، نیمه اول قرن نهم. در این محل دو کتیبه کهنسال که دومی دارای تاریخ ۷۶۵ است وجود دارد.

○ نقش پارسی ۶۹.

□ **شاه علاءالدوله سمنانی**، به نام صوفی آباد با تصویر.

○ هنر و مردم ۴۶/۵۷.

□ **شاه علاءالدین**، در اصفهان، شاه‌علایی مصطفی.

○ فم ۲۲۲/۴

□ **شاه علاءالدین**، محمد بن محمد از فرزند زادگان حضرت امام زین‌العابدین که در رمضان ۸۵۰ در ساوه به امر شاهرخ تیموری به اتفاق افضل‌الدین ترکه وعده‌ای دیگر به شهادت رسید چهل روز بعد خود شاهرخ مرد و سلطان محمد بهادر نعلش علاءالدین را به اصفهان آورد که خانقاه شاه‌علاءالدین در آن واقع بود، در محله طوقچی

که از این به بعد به محله شاه شاهان (شهشهان) معروف گردید.

○ آص ۲۳۷ و ۸۰۲ + معماری ۹۰/۲.

□ **شاه فتح‌الله شیرازی**، از شاعران زمان اکبر که از سال ۹۹۵ در کشمیر بوده است. وی شاعر و ریاضیدان و ادیب و ملقب به عضدالدوله بوده است. م ۹۹۵ مدفون در مزار شاعران سری‌نگر زیارتگاه شیعیان کشمیر.

○ نقش پارسی ۹۶.

□ **شاهفور** (شاهپور) بن محمد نیشابوری، مقبرة الشعرای تبریز.

○ کارنامه ۶۹۲.

□ **شاه فیروز**، در سیرجان، بنایی از قرن ۸/۱۴.

○ ایران یک ۱۹۱.

□ **شاه قاسم**، در قریه پیره‌لر ۲۷ کیلومتری شمال کلبر آذربایجان.

○ آذ ۴۷۸/۲.

□ **شاه قاسم**، در مزرعه تژ قم، یک کیلومتری جنوب شرقی آن، بنا از سده ۱۲ و ۱۳.

○ معماری ۸۰/۲.

□ **شاه قاسم انوار**، در قریه لنگر فریمان خراسان که در سابق خرگرد جام بود.

○ آخ ۱۱ با تصاویر ۱۶ + کارنامه ۷۴۶ + بنای صفوی. د ت ۴۳ + سفرنامه ابوالحسن ۲۷ +

تیموری، معماری ۸۹/۲.

□ **شاه کمال‌الدین**، بقعه شاه کمال‌الدین از محمد تقی مصطفوی.

○ فم ۲۷۰.

□ **شاه گردیز** ← آرامگاه گردیزی، جمال‌الدین.

□ **شاه محمد**، گنبد شاه محمد در انتهای شمالی خاک طرحان قرن ۸.

○ معماری ۹۷/۲.

□ **شاه محمد غوث، سید** - از فرزندزادگان شیخ عبدالقادر جیلانی و از عرفای بزرگ شبه قاره م ۱۱۷۷. وی از گیلان و هند آمد و در پیشاور مقیم شد. مزارش نیز در پیشاور است و زیارتگاه خاص و عام.

○ میراث ۴۷۳/۲.

□ **شاه محمود اینجو، شیراز** در جوار آرامگاه شیخ کبیر ابو عبدالله محمدابن حنیف شیرازی.

○ بحث حافظ ۹ + کارنامه ۶۲۲.

□ **شاه مندر، شیراز** محله سر دزک.

○ معماری ۸۶/۲.

□ **شاه منصور آل مظفر، در یک فرسخی شیراز.**

○ بحث حافظ ۳۲۳.

□ **شاه میر حمزه** در شیراز، قرن هفتم هجری به بعد، با حرم چهار ضلعی و پوشش گنبدی.

○ آط ۳۷۷.

□ **شاه میرعلی بن حمزه**، بقعه شاه میرعلی در پایین دروازه قرآن شیراز (میرعلی از نوادگان امام موسی کاظم بوده است) با کتیبه‌ای به خط ابراهیم میرزا تیموری.

○ اق ۵۷.

□ **شاه میر علی حمزه**، در شیراز نزدیک پل رودخانه خشک، دیلمیان - تیموریان.

○ معماری ۸۷/۲.

□ **شاه نعمت‌الله ولی**، آستان شاه نعمت‌الله، در ماهان کرمان در ۸۴۰ توسط شهاب‌الملک احمد شاه دکنی و پسرش علاءالدوله ساخته شد و عبارت است از سه صحن منسوب به مرتضی قلی‌خان وکیل‌الملک، اسماعیل‌خان نوری و میرداماد. صاحب‌تالیفات بسیار زاده شده در ماهان.

سید نورالدین نعمت‌الله، پسر عبدالله کوه بنانی کرمانی، از بزرگترین عارفان ایران و بزرگترین متصوف سده هشتم، پدرش از حلب به کرمان آمد و سپس در کوه بنان متوقف شد، نعمت‌الله در ۲۲ رجب ۷۳۱ در این محل متولد شد و در محضر استادانی بزرگ به مرحله کمال رسید و پس از گشت و سیر در جهان اسلام در قصبه ماهان متوقف شد و خانقاهی ترتیب داد و در همان خانقاه دفن شد از وی آثار بسیار برجای مانده است.

○ ف ۲۱۳۶ + تان ۱۸۷ + هنر اسلامی ۱۱۰ و

۸۴۱ + هنر ۴۹۹/۸ + آط ۳۷۰ + معماری ۸۸/۲.

□ **شاه ولی** - آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی

□ **شاه ولی**، شاه ولی و مزار او، محمد ابراهیم باستانی پاریزی.

○ فم ۳۷۵.

□ **شاه ولی در تفت**، قرن نهم.

○ معماری ۹۳/۲.

□ **شاه هادی در کاشان**، نراق از سده هفتم.

○ معماری ۹۰/۲.

□ **شاه همدان** - آرامگاه میرسیدعلی همدانی.□ **شاه یوسف گردیزی**، ۱۱۵۰ م، ملتان هند.

○ معماری هند ۲۹، تصویر ۲۲ ب.

□ **شاهی سبزواری**، امیر شاهی، آقاملک فرزند

ملک جمال‌الدین فیروزکوهی سبزواری شاعر پارسی‌گوی و خوشنویس و نگارگر و موسیقیدان.

خواهرزاده خواجه علی مؤید سربداری که مدتی نیز در خدمت بایسنقر میرزا بود و وی از او خواست که تخلص شاهی را کنار بگذارد، ولی او نپذیرفت. مدتی در استرآباد بود و در همان‌جا نیز درگذشت. جنازه‌اش را به سبزواری بردند و حاکم



شالوده برج دیگری از عصر دیلمیان و سلجوقیان دیده می‌شود (تپه‌گیری).

○ آ ط ۱۳۹.

☐ **شیرشاه یا شیرشاه سوری**، مؤسس سلسله کوتاه عمر سوری در دهلی. پدرش میان حسن‌خان از قبیله سور در افغانستان بود، شیرشاه ابتدا ایالت بهار را تصرف کرد سپس بنگال را گرفت به‌طوری که همایون بآری ناچار شد به‌جلوگیری از وی اقدام کند. اما دیوار از وی شکست خورد و غلبه شیرخان چنان در همایون اثر کرد که ابتدا به‌سند و سپس به‌ایران گریخت و به‌شاه طهماسب پناهنده شد. شیرشاه در کشمکش با راجپوتها کشته شد و آرامگاه وی در سترام کشمیر از بناهای اسلامی مهم هند است با این بیت فارسی در پیشانی عمارت:

«شاهای بقای عمر تو بادا هزارسال

سال هزار ماهی و ماه هزار سال»

○ نقش پارسی ۸۴ + د ۱۵۲۷ + معماری هند ۸۶ تصویر ۶۱.

☐ **شرف** ← آرامگاه قاضی شرف جهان قزوینی.

☐ **شرف‌الدوله**، ابوالفوارس شیرذیل (شیردل) پسر عضدالدوله دیلمی از سوی پدر امیر کرمان که پس از آن قلمرو خود را تا فارس گسترش داد. زندگی وی بیشتر به کشمکش با برادران گذشت. م ۳۷۹، نجف در جوار حرم حضرت علی (ع).

○ د ب ۳۲۰.

☐ **شرف الدین خضر یزدی**، از مشایخ یزد مورد احترام آل مظفر که در ۷۵۵ خانقاهی در یزد ساخته و در ۷۶۰ در گذشته، شاعر صفوی که در محله بین‌الدارین یزد به خاک سپرده شد.

○ تان ۷۶۸.

سبزوآره که پدر امیرعلی شیر نوایی بود در خانقاهی که در بیرون شهر به‌دستور اجدادش ساخته شده بود دفن کردند. وی غزلسرا بود و از ۱۲۰۰۰ بیت شعر سروده شده خود ۱۰۰۰ بیت را نگه داشت و بقیه را شست ← آرامگاه امیرشاهی. ○ د ۱۴۴۷ + تان ۳۰۱.

☐ **شایلان**، در کاشان میدان بازار بزرگ سده دهم. ○ معماری ۹۱/۲.

☐ **شبستری** ← آرامگاه شیخ محمود شبستری.

☐ **شبلی**، برج شبلی در دماوند، سده پنجم.

○ معماری ۷۷/۲ + ایران یک ۷۹ + بدان گنبد طغرل نیز گویند. احتمالاً بنای اصلی از پیش از اسلام است، در مشرق شهر دماوند + کاروند ۴۱.

☐ **شبلی**، ابوبکر دلف بن جحدر یا جعفر صرفی، عارف مشهور سده چهارم اصلش از آبادی شبلیه در اشر و سنه ماوراءالنهر است، وی شاگرد و مرید شیخ جنید بغدادی و چندی نیز حکمران دماوند بوده است. ولی از آن شغل کناره‌جویی و توبه کرده است. از او در آثار عرفانی جهان بسیار یاد شده است آرامگاه وی کنار مقبره خیزران در بغداد است.

○ د ۱۴۵۳ + کارنامه بزرگان ۶۶.

☐ **شجاع‌الدوله**، امیر حسین‌خان ایلخانی رئیس طایفه کردهای زعفرانلو، م ۱۳۱۱ مشهد حرم حضرت رضا (ع) مقبره خانوادگی.

○ ر ج ۳۹۲.

☐ **شجاع الدین سام‌خان** ← آرامگاه سام‌خان.

☐ **شخص گمنام** ← آرامگاه میدانک، برج میدانک.

☐ **شخص گمنام**، در شمال شرقی شهر ری نزدیک آبادی تقی‌آباد، برج زیبای نقاره‌خانه برجای است. در یک کیلومتری خاور این برج نزدیک امین‌آباد

□ **شرف‌الدین علی یزدی**، متخلص به شرف شاعر پارسی‌گوی و مورخ ایرانی. وی مورد علاقه سلطان شاهرخ تیموری و پسر او میرزا ابوالفتح ابراهیم میرزا بود، مدت مدیدی نیز به مصاحبت یونس‌خان جد مادری بابر که توسط الغ‌بیگ اسیر شده بود گذراند. شاهرخ وی را قیم یونس قرار داده بود و شرف‌الدین قصایدی چند در مدح وی دارد. زمانی نیز مغضوب شد و با میانجی‌گری عبداللطیف پسر الغ‌بیگ نجات یافت، از این به بعد تمام عمر یزدی در زادگاهش تفت گذشت اثر مهم وی ظفرنامه تیموری است در تاریخ‌خاندان تیمور. شمس‌الدین ابوبکر یزدی بر سر قبر وی مدرسه‌ای ساخت به نام شرفیه محل آرامگاه وی دقیقاً معلوم نیست کجاست اما در یزد بوده است. ○ س ۱۲۰ + فوت در ۸۵۸ مدفون در مدرسه شرفیه که خود ساخته بود، نزدیک مسجد میرچخماق، جنب مزار پدرش + تان ۲۴۸.

□ **شروانشاه** ← آرامگاه بردع

□ **شروانی**، سیدقوام‌الدین پسر صدرالدین حسین پسر صدرالدین علی از شاعران سده ۶ و ۷ از مداحان اتابک یوسف‌شاه لرستان. م ۶۷۹ در تبریز مدفون در آرامگاه شاعران تبریز.

○ تان ۱۷۴.

□ **شریعتمداری ربانی** ← آرامگاه حاج میرزا ابراهیم.

□ **شریعتی**، دکتر علی - دمشق عمال رژیم شاه وی را در خرداد ۱۳۵۶ به شهادت رساندند.

○ دو سال ۴۴.

□ **شریف‌الدین عبدالقهار سمرقندی**، برادر کهنتر عبدالرزاق، مؤلف مطلع السعدین، از شعرا و دانشمندان عصر خود بود. م ۸۶۹ در هرات،

مدفون در مزار شیخ عبدالله بن عمر.

○ تان ۳۲۹.

□ **شریف‌العلمای مازندرانی**، آخوند ملامحمد یا محمد شریف آملی از علمای طراز اوّل در سال ۱۲۴۵ در کریملا از طاعون مرد و همان‌جا به خاک سپرده شد.

○ رج ۲۰۵/۵.

□ **شریف‌کاشانی**، ملافتح‌الله فرزند شکرالله، معروفترین مفسر شیعی از شاگردان فخرالدین علی زواری معاصر با شاه طهماسب. م ۹۷۸، ۹۸۸ یا ۹۹۷ آرامگاهش در کاشان است. از وی آثار مهمی به جای مانده است.

○ تان ۳۷۴.

□ **شش اسامزاده**، در قم روستای سیف‌آباد، قاجاریه.

○ معماری ۷۹/۲.

□ **شطیطه**، از زنان صالحه نیشابور، در عصر امام موسی بن جعفر(ع) در مغرب نیشابور.

○ آخ ۳۷۴.

□ **شعرا**، مقبرةالشعرا در سده ششم مجموعه‌ای از آرامگاههای بزرگان علم و ادب از جمله: اسدی طوسی، قطران تبریزی، خاقانی شروانی، مجیرالدین بیلقانی، ظهیرالدین فاریابی، شاهپور بن محمد، اثیرالدین اخسیکنی و عده‌ای دیگر. از جمله منابع درباره مقبرةالشعرا و کسانی که در آن به خاک سپرده شده‌اند: کوی سرخاب از دکترضیاءالدین سجادی. بنای یادبود پس از مقدمات بسیار و تأمین بودجه در سال ۱۳۵۳ خ آغاز شد.

○ کارنامه ۶۸۶ + آذ ۴۰۰.

□ **شعیا**، اسامزاده اسماعیل اصفهان در مشرق

خیابان هاتف روبه‌روی امامزاده جعفر، بنایی است از دوران اولیه اسلام با اضافاتی از عصر سلجوقیان که در عصر شاه عباس به کلی تغییر قیافه داده و به صورت امروز در آمده است، منسوب به اسماعیل فرزند حسن بن زید بن حسن (ع).

○ آص ۷۵۰

□ شفتی، سید محمدباقر معروف به حجت الاسلام (۱۱۸۰-۱۲۶۰) متولد شفت گیلان که پس از تحصیل در عتبات و قم به اصفهان رفت و صاحب تحول و نفوذ فراوان شد وی خود معتقد به اجرای حدود شرعی در غیبت امام بود و به این روال ۱۲۰ نفر را کشت. شفتی مسجد بزرگ سید را در اصفهان ساخت که خود وی نیز در آن مدفون است.

○ آص ۷۹۲+ ل ۲۷۹۳ + رج ۳۶/۷۳ + د ۱۴۸۰.

□ شفتی، سید اسدالله فرزند ارشد سید محمد باقر که در سفر عتبات در کرمانشاه مرد. ۱۲۹۰ نجف. ○ رج ۱۱۶ + در آرامگاه شیخ مرتضی انصاری + نام گیل ۴۱.

□ شفق، دکتر صادق رضازاده (۱۲۷۴-۱۳۵۰ خ) دولتمرد و دانشمند معروف معاصر، استاد دانشگاه، هم‌رزم ستارخان و مبارز مشروطه‌خواه، همکار و همسنگر باسکرویل معلم آمریکایی مدرسه آمریکایی تبریز که در همان نخستین ساعات روزی که به جنگ رفت، در جوار دکتر شفق تیر خورد و شهید شد. دکتر شفق تا آخر عمر لهجه شیرین تبریزی خود را حفظ کرد، روابطش با دوستان و آشنایان تبریزی تا آخر عمر برقرار و صمیمانه بود. شهرداری خانه وی را در یوسف‌آباد تهران خرید و مبدل به پارک کرد و به یاد استاد آن

را پارک شفق و فرهنگسرای شفق نام داد، وی سخنرانی متنقد و شیرین‌زبان و استاد من در دانشکده ادبیات بود. فوت ۱۷ شهریور ۱۳۵۰ بهشت‌زهرا.

○ رج ۱۰۶/۶ + آذ ۶۷۱ + روزشمار ۲/۲۵۵، ۱۸ شهریور + شرح حال و معرفی نامه راهنمای کتاب ۷ و ۸ سال ۱۴\*

□ شقاقی، سرهنگ حسنعلی، در سمیرم در سال ۱۳۲۲ خ که سیاستهای خارجی در ایل‌های جنوب تحریکاتی صورت داده منطقه را ناآرام ساختند پادگان نظامی مستقر در سمیرم نیز تقویت شد فرماندهی این پادگان با سرهنگ شقاقی بود. سرهنگ شقاقی به عنوان اتمام حجت و آخرین سخن نامه‌ای به زکی فرهنگ رییس طایفه دره شوری نوشت که در طی آن به صولت‌الدوله، که در زمان رضاشاه کشته شد، بدگویی شده بود، از قرار گفته سران قشقای انتشار این نامه در بین مردم، سبب شد که همه از خرد و بزرگ و پیر و جوان مجهز شده خواهان انتقام و دفع اهانت شدند و در طی حمله ناگهانی ستونهای مجهز عشایر به پادگان سمیرم، عده زیادی از نظامیان از جمله سرهنگ شقاقی کشته شدند. جنازه وی را آن چند نفر که مانده بودند به امامزاده سمیرم برده به خاک سپردند و روی گور وی این عبارت را نوشتند: مزار سرهنگ رشید ایرانی حسنعلی شقاقی، شهید راه انجام وظیفه. جمعه ۱۸ تیرماه ۱۳۲۲.

○ از شهریور ۲/۴۸۹.

□ شکبیه، ملا محمد رضا فرزند خواجه عبدالله اصفهانی، در ۹۶۴ در اصفهان زاده و بزرگ شد سپس به همدان رفت و به خدمت خان خانان

پیوست. وی در ۱۰۲۳ در دهلی مرد و با تجلیل و احترام به خاک سپرده شد.

○ تان ۴۳.

□ **شکبیه تبریزی**، مقصود علی تبریزی کوی سرخاب، آخرین شاعر مدفون در مقبره الشعرای سرخاب. م ۹۷۱.

○ کوی سرخاب ۴۳۴.

□ **شمس**، در اصطهبانات فارس، هنوز نمی‌دانیم مقصود از شمس کیست.

○ ا ق ۴۹۸.

□ **شمس آل رسول**، مقبره‌ای ویرانه از سده نهم در آمل مازندران که بدان شمس طبرسی و شمس تبریزی نیز خطاب می‌کنند.

○ د ت ۴۳ + معماری ۸۲/۲.

□ **شمس الدوله**، حمیدالدین فرزند علی هزار است که پسرش فیروزان در ۴۴۸ در ابرقو ساخته است با تصویر.

○ آثار ایران ۴۹/۱ گنبد علی.

□ **شمس الدوله**، دختر عضدالدوله پسر فتحعلی‌شاه و خواهر عین‌الدوله و زن ناصرالدین شاه. عتبات.

○ رجال ناصری ۱۸.

□ **شمس الدین**، در یزد سده ۱۵ م، با تزیینات داخلی بسیار زیبا.

○ آثار ۱-۶۷.

□ **شمس الدین محمد بن احمد خفری**، از دانشمندان نامی سده دهم و از شاگردان امیرصدرالدین محمد دشتکی، که نخست در شیراز بوده و سپس به کاشان رفته، آثار وی در باب حکمت و ریاضیات و هیئت و نجوم است و در ۲۸ صفر ۹۴۲ در کاشان مرده و به خاک سپرده

شده است.

○ تان ۳۸۵.

□ **شمس‌الدین (محمد) خطاط**، معروف به شیرین قلم در کوی سرخاب حوالی مزار خواجه عبدالرحیم. علی بیگ خطاط دخترزاده اوست. م ۹۳۰ چون در پای‌نوشته‌ها شمس‌الدین محمد حافظ می‌نوشته آن خطها را خط حافظ شیرازی می‌دانسته‌اند.

○ کوی سرخاب ۲۰۸.

□ **شمس‌الدین سجاسی**، م ۶۰۲ مقبره الشعرای تبریز، سجاس قصبه‌ای است در قیدار زنجان که در فتنه مغول خراب شد.

○ کوی سرخاب ۳۵۹.

□ **شمس‌العرفا**، سیدحسین حسینی زاده شده ۱۲۸۸، از قطبهای بسیار مشهور، تهران م ۱۳۵۳، امامزاده عبدالله، شهر ری.

○ ز ۱۰۱/۳.

□ **شمس‌العلما گرکانی**، دانشمند و نویسنده م ۱۳۴۵، ابن بابویه.

○ یا ق ۱۹۶/۸.

□ **شمس تبریزی**، شمس‌الدین محمدبن علی بن ملک‌داد (۵۸۲-۶۴۵) صوفی معروف که بامداد روز شنبه ۲۶ جمادی آخر ۶۴۲ وارد قونیه شد و جلال‌الدین به زیارت وی نایل آمد و از آن به بعد جلال‌الدین رومی شخصیت عرفانی خود را بازیافت و مردم قونیه که از این تغییر ناگهانی استاد ناراضی بودند، با بدگویی و آزار شمس را فراری دادند. غیبت وی از سال ۶۴۵ آغاز شد و از آرامگاه وی خبری نداریم جز چند مکان منسوب به وی. روایتی نیز هست که وی را کشته و اصلاً به خاک نسپاردند.

آخرین رئیس بهایان و نواده دختری عباس افندی تحصیل کرده آکسفورد. در حیفامرد و در عکا به خاک سپرده شد. پدرش آقا میرزاهادی و مادرش ضیاییه خانم دختر عباس افندی اثر وی به فارسی کتاب لوح قرن است.

○ د ۱۵۰۶.

□ شوقی یزدی، خوشنویس. م ۹۵۴ در کابل به خاک سپرده شده است.

○ خوش ۳۱۸.

□ شهاب الدین، ابوعبدالله محمد بن علی، م ۵۳۸ سنگ قبر با نوشته‌ها در موزه سیاتل امریکا.

○ ی ۹۱۳ و تصویر ۱۳۰۹.

□ شهاب الدین اهری، در اهر اوایل صفویه.

○ معماری ۱۳۳/۱۲۲/۸۳ آذ ۴۰۹/۲.

□ شهاب الدین توران پشتی، ابوعبدالله پسر تاج الدین. توران پشت از توابع یزد. از دانشمندان و فقیهان بزرگ قرن هفتم که به خواش ترکان خاتون به کرمان رفت و در ۶۶۱ در آنجا مرد و به خاک سپرده شد.

○ تان ۱۵۳.

□ شهاب الدین سهروردی ← آرامگاه سهروردی.

□ شهاب مقتول ← آرامگاه سهروردی شیخ شهاب الدین.

□ شهبازخان، پسر مرتضی قلی خان دنبلی از دولتمردان عصر کریم خان زند، که ابتدا با نیروی تحت اختیارش، در خدمت فتحعلی خان بود اما در جنگ میان فتحعلیخان و کریم خان به دست نیروهای کریم خان اسیر و کریم خان او را به زکی خان سپرد و وی تا آخر عمر نسبت به کریم خان وفادار ماند و تا اواخر عمر در خدمت کریم خان در شیراز بسر برد. وی در سال ۱۱۸۷ در شیراز

○ د ۱۴۹۶.

□ شمس تبریزی، شمس الدین، ۱۲۷۰ م ملتان هند.

○ معماری هند ۲۳ تصویر ۲۳ ب منسوب به شمس تبریزی.

□ شمس طبرسی ← آرامگاه شمس آل رسول.

□ شمس قیس رازی، شمس الدین محمد پسر قیس از ادیبان بزرگ نیمه اول قرن هفتم، مؤلف المعجم فی معاییر اشعارالعجم که پس از تحمل مشقات عصر مغول در شیراز مقیم شده و در آن شهر مرده و به خاک سپرده شد.

○ تاغ ۵۱۹.

□ شنب غازان، یا شام غازان ← آرامگاه سلطان محمود غازان.

□ شنب غازان، تاریخچه - دانشکده ادبیات تبریز ۸۱/۲.

○ قم ۳۵۵.

□ شوریده شیرازی، ملقب به مجدالشعرا و فصیح الملک (۱۲۷۴-۱۳۴۵)، فرزند عباس که مانند وی خود نیز شاعر بوده با تخلص عباس. وی در کودکی به بیماری آبله دچار و نابینا شد ولی به تحصیل ادامه داد و شاعری نامور شد. وی به تهران رفت و به امین السلطان و ناصرالدین شاه معرفی شد، و مقاماتی یافت از جمله تولیت سعدیه. شوریده خوش آواز بوده و آثاری از وی چاپ شده است. آرامگاهش جنب سعدیه در شیراز.

○ ف ۲۱+ ا ۵۱+ د ۱۵۰۳.

□ شوشتری، قاضی نورالله ← آرامگاه قاضی نورالله.

□ شوقی افندی، ملقب به ربانی (۱۳۱۴-۱۲۷۷)،

جان سپرد و پیکرش را به نجف برده به خاک سپردند.

○ رج ۱۲/۵.

□ **شهید**، بقعه سلطان ابراهیم در چهارده کیلومتری جنوب غربی ده بید، بنای ساخته شده با سنگ سفید و کاشیهای معرق و مقرنسهای عالی با کتیبه بدون تاریخ احتمالاً از بناهای عصر تیموریان در قرن نهم، پادشاهان آق قویونلو.

○ ا ق ۷.

□ **شهیدای کرولا**، عده‌ای میان ۷۲ تا ۶۰۰ نفر در زاویه جنوب شرقی حرم حضرت امام حسین (ع) ضریح آن را وهابیان سوزاندند. در ۱۲۳۰ ضریحی از برنج برای این آرامگاه ساخته شده که در عصر ناصری با ضریح نقره‌ای که انیس‌الدوله همسر ناصرالدین شاه اهدا کرده بود معاوضه شد.

○ ت همایی.

□ **شهربانو** ← آرامگاه بی‌بی شهربانو.

□ **شهرستان**، درکنار زابنده رود، پهلوی پل شهرستان بنایی از عصر متأخر سلجوقی.

○ هنر ۳۳۴/۸.

□ **شهرستانی**، آیت‌الله هب‌الدین م ۱۳۰۵ کاظمین.

○ گنجینه ۲۶۰.

□ **شهرستانی شافعی اشعری**، ابوالفتح محمد فرزند ابوالقاسم زاده شده در نسا سال ۴۶۷ صاحب الملل والنحل. م ۵۴۸ در نسا شهرستان، آبادی در نزدیک نسا.

○ تان ۱۲۶ + پسر عبدالکریم محمد. د ۱۵۱۳.

□ **شهریار باوندی** ← آرامگاه لاجیم، برج لاجیم.

□ **شهریار، زین‌الدین**، سنگ قبر وی در بقعه سید محمد امین‌الدین در کناره شمالی شهر شیراز.

وجود دارد و مربوط است به سال ۶۴۱.

○ ا ق ۱۷ و ۳۹۰.

□ **شهشهان**، شاه شاهان ← آرامگاه شاه علاءالدین.

□ **شهشهان و اسناد آن**، سالنامه کشور ایران ۶۱/۱۲ از سیدحسین شهشهنی.

○ فم ۳۵۸.

□ **شهشهنی**، سیدمحمد از عالمان اصفهان. م ۱۲۸۷، اصفهان تخت فولاد تکیه شهشهنی.

○ ل ۲۷۹۸.

□ **شهید آقاعلی نراقی**، کاشان مدرسه آقابرگ، این روحانی مبارز را عمال نایب حسین کاشی با همکاری عین‌الدوله صدراعظم درخانه شجاع لشکر پسر نایب حسین کشته جسدش را نزد نایب حسین به مزرعه دوک بردند و وی آن را به چاه انداخت. مدتی پس از ختم غائله نایب حسین بدن این روحانی آزادپخواه را به کاشان منتقل ساختند ۱۳۳۱.

○ کاشان ۳۱۱.

□ **شهیدان**، شهیدگاه، حیاط مقابر. آرامگاه شهیدان جنگ میان شیخ حیدر پدر شاه اسماعیل و فرخ‌سیر شیروان‌شاه، دراین جنگ عده‌ای از یاران حیدر شهید شدند. بعد از چند سال که شاه اسماعیل بر فرخ سیر پیروز شد، بدن این شهیدان را به محوطه‌ای در کنار آرامگاه شیخ صفی‌الدین منتقل کردند سال ۹۰۵.

○ آذ ۱۸۵.

□ **شهیدان مشروطیت**، وقتی محمدعلی‌شاه در باغشاه رهبران مشروطیت را قتل‌عام کرد، بدن عده‌ای از این شهدا را در بیرون باغشاه در گودالی انداختند، ولی آزادمردان شجاع شبانه این

اندامهای ازهم گسسته را جمع‌آوری و در محلی گمنام دفن کردند. پس از فتح تهران در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ مردم تهران این محل را گلباران کردند و آرامگاه شهدا نامیدند، سنگ بزرگی بر روی قبر ملک‌المکلمین گذاشتند که رویش آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» و نوشته شده بود سالها بعد مجسمه ملک را در میدان حسن‌آباد نصب کردند که آن را هم عمال محمد رضا شاه پهلوی برداشتند.

○ تا ق ۱۲۴۴.

□ **شهیدان انقلاب اسلامی**، و جنگ تحمیلی (۱۳۵۷-۱۳۶۷) یک دوران ده ساله، پیش از انقلاب برای شهیدان انقلاب قبرستان و مکان مشخصی وجود نداشت و کوشش می‌شد که بدن این قربانیان ایران و اسلام را در بهشت‌زرها به خاک بسپارند اما پس از شروع و شکوفایی انقلاب در تهران بهشت‌زرها قطعه خاص شهیدان مشخص شد و در شهرستانها نیز در سراسر کشور از شهر و ده و دهکده آرامگاه شهیدان مشخص شد و مسئولیت آن برعهده بنیاد شهید قرار گرفت.\*

□ **شهید اول**، شیخ ابوعبدالله محمدبن مکی عاملی (۷۸۶-۷۳۴)، با لقبهای شهید و شیخ شهید که بعد از علامه حلی مشهورترین فقیهان امامیه است. زن و دخترش نیز در مسائل مربوط به زنان متبحر بوده‌اند. شهید اول در فقه اهل سنت نیز استاد بود و در تمام جهان اسلام سیاحت کرده بود. سرانجام او را به‌خاطر عقیده زندانی کردند و چون حاضر نشد توبه کند به حکم قاضی مالکی شام کشته شد جسدش را سنگسار و سپس

سوزاندند.

○ د ۱۵۱۹.

□ **شهیدای قمی**، مولانا، ملک‌الشعراى سلطان یعقوب آق‌قویونلو که سرانجام به‌هنگام رفته و به خدمت اسماعیل عادلشاه رسیده و تا آخر عمر در آن دیار بود و در صدسالگی سنه ۹۳۵ یا ۹۳۶ درگذشته و در سرگنج گجرات به خاک سپرده شده است.

○ تا ن ۳۳۷.

□ **شهید ثانی**، زین‌الدین فرزند نورالدین علی جبل عاملی فقیه بزرگ شیعی (۹۱۱-۹۶۶) در ۹۶۵ قاضی صیدا او را مورد تعقیب قرار داد و بدعت‌گذاری وی را به سلطان سلیم اطلاع داد. از سوی سلطان عثمانی رستم پاشا مأمور دستگیری وی شد رستم پاشا آن فقیه دانشمند را با خود به استانبول برد و در آنجا وی را شهید کرده در تنگه بسفر انداختند از آثار مهم وی کتاب مالک و شرح لُمعه را می‌توان نام برد.

○ د ۱۵۱۹ + فک مؤلفان ۲/۲۵۵.

□ **شهید ثالث** - آرامگاه قاضی نورالله شوشتری.

□ **شهید ثالث** - آرامگاه برغانی ملا محمدتقی.

□ **شهید سیدحسین مدرس** - آرامگاه مدرس.

□ **شهید سیدحسین**، از شهدای اولیه مشروطیت به‌دستور امیر بهادر جسدش را از گور درآوردند و به‌مزبله انداختند.

○ تا ق ۳۷۲.

□ **شیبانی فتح‌الله خان** - آرامگاه فتح‌الله خان شیبانی.

□ **شیبک خان ازبک**، ابوالفتح محمد شیبانی مؤسس سلسله شیبانی ازبکان در ماوراءالنهر. آغاز شاهی ۹۰۶ رقیب و معاند با پادشاهان

صفوی و بابریان هند که در شاعری فارسی و ترکی گامهای مهمی برداشته و آثاری برجای گذاشته است وی در جنگ با شاه اسماعیل مغلوب و کشته و در مدرسه‌ای که چندماه پیش از مرگ در سمرقند ساخته بود دفن شد که تا فرزندانش سلطنت داشتند زیارتگاه بود.

○ تان ۶۸۰.

□ شیخ، دکتر محمد ← آرامگاه احیاءالملک.

□ شیخ آقازرنگ تهرانی، محسن، نجف در کتابخانه خود وی ۱۳۸۹.

○ دب ۴۵۶ + ز ۳۱۷/۲ + ت احمد منزوی.

□ شیخ ابادر، بین نورآباد و فہلیان امامزاده درب آہنین.

○ ا ق ۱۳۲.

□ شیخ اباصلت، بقعه شیخ اباصلت قم کنار دروازه ری در شمال شرقی شهر قرن ۱۲ و ۱۳.

○ معماری ۷۸/۲.

□ شیخ ابراہیم، فرزند شیخ عبدلہ زاهد گیلانی، عم شیخ محمدعلی حزین شاعر و خوشنویس.

م ۱۱۱۹ در لاهیجان و مدفون در آن شهر.

○ خوش ۸.

□ شیخ ابواسحاق، ابراہیم فیروزآبادی، م ۴۷۹ بغداد نزدیک امام الحرمین معروف بہ مزار درب خلیج.

○ شیرازنامہ ۱۰۷.

□ شیخ ابواسحاق بن ابراہیم، ابن شہریار کازرونی (۴۲۶-۳۵۲) فوت در کازرون در خانقاه خود وی معروف بہ ایوان مرشدیہ.

○ ق ۳۹۰ + آغاز نوسازی آرامگاه ۱۳۵۱ خ + کارنامہ ۶۷۱.

□ شیخ ابواسحاق اصفہانی، در مقابل یکی از

دریہای مسجد جامع اصفہان.

○ ل ۲۷۹۵.

□ شیخ ابواسحاق شیرازی، ابواسحاق احمد معروف بہ شیخ اطعمہ، از بزرگان شعرای زمان و از معارف شیراز بودہ است حرفہ اصلی او حلّاجی و اشعارش درباره خوراکپہاست. م ۸۳۰ یا ۸۳۷ مزارش در تکیہ چہل تنان شیراز است.

○ تان ۲۹۶.

□ شیخ ابوالحسن جوری، بسطام قلعه نو، بنای آجری با گنبد اصلی از قرن پنجم. جوریبن میرعلم و فریومد خراسان.

○ جغ ۷۵۸ + س ۱۲۷.

□ شیخ ابوالحسن خرقانی، علی بن جعفر از اکابر مشایخ طریقت، متولد ۳۴۸ در خرقان از توابع بسطام، ۲۴ کیلومتری شمال شاهرود ابتدا خرکچی بود و بعدہا در اثر ریاضت بہ مقام شیخوخیت رسید، معاصر با ابوسعید ابوالخیر.

بہ ملاقات وی با سلطان محمود غزنوی ہم اشارہ شدہ است، از شیخ ابوالحسن چند رباعی برجای مانده است و گفتہ‌ہای وی در کتاب نورالعلوم گردآوری شدہ بودہ است کہ استاد مینوی آن را

معرفی و تصحیح و بہ چاپ رساندہ است. چون بنای آرامگاہ وضع ناہنجاری داشت، انجمن آثار ملی از سال ۱۳۳۹ بہ بازسازی و تعمیر بقعہ و

مسجد پرداخت و سہ اطاق نیز با وسایل بہ عنوان مہمانسرا در کنار آرامگاہ ساحتہ شد. این مجموعہ روز پنجمین چہارم مرداد ۱۳۵۲ رسماً گشایش یافت.

○ کارنامہ ۵۶۷ + در ۴۰ کیلومتری شمال شاهرود با محراب از عسر سلجوقیان جغ ۷۵۸ + بنای سلجوقی، تان ۵۷ + در قلعہ نو بسطام، دس ۱۲۸



- + معماری ۹۶ + تان ۵۷.
- شیخ ابوالقاسم، در نصرآباد اصفهان مورخ ۵۵۴.
- معماری ۹۱/۲.
- شیخ ابوالقاسم، در تربت حیدریه، قرن دهم.
- معماری ۸۹/۲.
- شیخ ابوبکر ارومی، قرن چهارم، در قبرستان عمومی ارومیه که فقط سنگ آن برجای مانده است.
- ر ۲۳۳ + به احتمال قوی ابوبکر رازی.
- شیخ ابوبکر رازی، قرن چهارم، ارومیه قبرستان شیخ ابوبکر.
- ری ۲۴۳.
- شیخ ابوجعفر، که بر مبنای کتیبه ضریح: سید ابوجعفر پسر عم پیامبر (ص) و برادر رضاعی حضرت امام حسین (ع)، مزارش تا ۱۳۰۴ خ در رشت وجود داشته. در این سال نوسازی و سرانجام مبدل به باغ ملی شده است.
- تام گیل ۱۹.
- شیخ ابورویحان، معروف به شیخ مرشد. در گنج آباد قارون کازرون.
- ا ق ۱۱۱.
- شیخ ابوسعید ابوالخیر - آرامگاه ابوسعید ابوالخیر.
- شیخ ابوسعید اردبیلی، در کوچه معصوم شاه اردبیل، وی از مرشدان شیخ صفی الدین بوده است.
- آ ذ ۲۳۸/۲.
- شیخ ابوسعید رازی، اصفهان. آب بخشان.
- آ ص ۱۲۴.
- شیخ ابوشجاع، حسین بن منصور، م ۳۵۱، شیراز مقبره خفیف در مزاری معروف به مزار شیخ منصور بن علی که رفیق او بود.
- شیرازنامه ۱۰۵.
- شیخ ابوعلی، احمد بن اسحاق قمی، محدث از صحابه امام حسن عسکری (ع) سرپل زهاب.
- جغ ۴۰۸.
- (مزار) شیخ ابومنصور، تریدی در سمرقند مقام جاکردنره.
- سمریه ۱۷۶.
- شیخ ابونصر زاهد - آرامگاه ابونصر زاهد.
- شیخ ابی عبدالله مقاریضی، م ۴۱۰ مسجدی در کنار مقبره باهلان بر گذر درب کازرون شیراز.
- شیرازنامه ۱۰۱.
- شیخ اجل استاد، سخن سعدی انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۳۰.
- فک ۵۹.
- شیخ احمد، فرزند اسحاق، طبس.
- جغ ۶۳۱.
- شیخ احمد احسایی، مدینه.
- دان ۱۲۰۲.
- شیخ احمد جامی - آرامگاه احمد ژنده پیل.
- شیخ احمد خندان، در گلبرگه دکن با قدیمترین کتیبه فارسی در هند.
- ۵۸۷ ج در شهر بدایون که توسط یک سردار ترک به نام تیکین ساخته شده تیکین در ۶۸۱ به امر غیاث الدین بلبن به دار آویخته شد. نقش پارسی ۱۸ با تصویر کتیبه در این مرجع دومین کتیبه فارسی در شبه قاره.
- شیخ احمد روحی، نویسنده مبارز و شهید راه آزادی و مشروطیت در ایران:
- شیخ احمد روحی، حاج میرزا حسن خان خبیرالملک و میرزا آقا خان کرمانی سه تن از

نویسندگان آزادخواه طرفدار سید جمال‌الدین، متهم بودند که در قتل ناصرالدین شاه دست داشته‌اند... در آغاز سلطنت مظفرالدین شاه که حکمرانی آذربایجان به میرزا علی خان امین‌الدوله واگذار شد و امین‌السلطان که می‌ترسید امین‌الدوله از قتل این سه تن، که دولت عثمانی تازه به ایران تحویل داده بود، خودداری کند به محمدعلی اطلاع داد که در قتل این سه نفر تسریع کند. محمدعلی با میرغضب به بالین ایشان رفت و پس از استنطاق بسیار فحاشی کرد، شیخ احمد که تندمزاج بود جواب داد و هنگامی که میرغضب خواست ایشان را بکشد یکی پس از دیگری به وی سوگند می‌دادند که اول مرا بکش... میرغضب پس از مدتی این سو و آن سو رفتن سرانجام اول شیخ احمد بعد میرزا آقا خان و بعد خبیرالملک را کشت و به موجب حکم امین‌السلطان همان شب پوست سرها را کنده پر از گاه (در متن یک جا آرد) کرده به تهران فرستادند. روز بعد میرزا صالح وزیر اکرم نایب‌الحکومه بدنهای این سه تن را در گورستان امیر حمزه تبریز به خاک سپرد.

○ تا بیداری ۱۳.

□ شیخ احمد ژنده پیل ← آرامگاه احمد ژنده پیل، آرامگاه شیخ جام، شیخ احمدجامی.

□ شیخ احمد فهادان، و برادرش محمد بنایی از قرن هشتم، یزدمحله فهادان.

○ ص ۳۴۶ + معماری ۹۲/۲.

□ شیخ احمد نساج، فرزند حسین، م ۳۴۰ شیراز در جوار شهید ام‌کلثوم.

○ شیرازنامه ۱۰۴.

□ شیخ اسحاق، بقعه شیخ اسحاق در روستای خانقاه خانم رود هریس.

○ آذ ۶۳۶.

□ شیخ اسحاق مسراغی، از اولیا بوده و مزارش بالای سرمزار شمس‌الدین محمدخطاط است. م ۸۰۵ عصر سلطنت احمد بن شیخ اویس جلایر.

○ کوی سرخاب ۲۱۰.

□ شیخ اسماعیل، در شهر دزفول، بقعه شیخ اسماعیل قصری، در بازار کهنه با گنبدی به شکل گلابی، این بنا دارای کتیبه‌ای است حاوی اشعار فارسی که بنا را از عصر شاه عباس ثانی معرفی می‌کند.

○ د ش ۳۸۵ و ۷۴۱.

□ شیخ اسماعیل، مزار شیخ اسماعیل از عارفان سده‌های هفتم و هشتم.

○ آذ ۵۲۷.

□ شیخ اسماعیل قصری، در شوشتر، آرامگاه شیخ اسماعیل قصری در دزفول.

□ شیخ اشراق ← آرامگاه سهروردی، شیخ شهاب‌الدین.

□ شیخ انعمه ← شیخ ابواسحاق شیرازی.

□ شیخ اقطع، یا پیر بناب در کوهسار جنوبی شیراز.

○ ا ق ۸۱.

□ شیخ اکبر زوین کلاه، در دزفول کنار رودخانه نزدیک محل پل جدید با گنبد مضرس و کاشیکاری، تصویر.

○ د ش ۳۹۱.

□ شیخ الاسلام تبریز، میرزا محمود از سادات طباطبایی تبریز (۱۲۴۰-۱۳۱۰) فرزند میرزا علی‌اصغر در تبریز زاده شد و در مکه فوت کرد و در آنجا به خاک سپرده شد.

○ ت محیط.

□ شیخ الاسلام جام ← آرامگاه احمد ژنده پیل.

□ شیخ الاسلام زنجانی، حاج میرزا ابو عبدالله.

استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، م ۱۳۶۰ زنجان.

○ فک مؤلفان ۱۸۸.

□ شیخ الریس، ابو الحسن، (۱۲۶۴-۱۳۳۸) فرزند

محمدتقی میرزا حسام السلطنه پسر هشتم

فتحعلی شاه شاعر و ادیب و دانش پژوه جسور

و آزادیخواه که دشمنان فراوانی داشت. متخلص

به حیرت قاجار و ملقب به افسر، وقتی با

عبد الوهاب خان آصف الدوله درافتاد، چون وی

حکمران خراسان بود به ناچار از خراسان

به عشق آباد گریخت و غزلی سروده برای شاه

فرستاد که استقبالی بود از غزل حافظ عیب رندان

مکن ای زاهد پاکیزه سرشت حاوی این دو بیت:

«نایب السلطنه پرگو به شه نیک سرشت

که یکی زاهل خراسان، به تو این نامه نوشت

آصف و ملک خراسان به تو ارزانی باد

ما ره عشق گرفتیم چه مسجد چه کنشت»

و شاه در پاسخ به وی نوشت:

«نایب السلطنه برگو به خراسانی زشت

که شهنشاه جواب تو بدین نامه نوشت

آصف ارنیک و اگر بد تو برو خود را باش

هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت»

شیخ الریس وصیت کرده برد که در مشهد به خاک

سپرده شود اما به واسطه مخالفت آقا زاده فرزند

آخوند خراسانی وی را در تهران شهر ری ایوان

مقبره ناصرالدین شاه به خاک سپردند. دهم

فروردین ۱۲۹۹.

○ رج ۴۲ + ایران در جنگ ۲۴۴ + رهبر ۵۸۷

حیرت قاجار تا صف ۲۰۱ + د ۱۵۲.

□ شیخ الطایفه ← ابو جعفر طوسی ← آرامگاه

شیخ طوسی.

□ شیخ امیر مسعود، سردر خانقاه مسعودیه، این

سردر خراب شده و فقط قسمتی از آن با کاشیهای

معرق آن مانده که بسیار زیبا و شبیه است

به سردر هارون ولایت. در کتیبه بنا نام بانی بنا

سلطان یعقوب آق قویونلو پسر اوزون حسن و

تاریخ بنا ۸۹۵ و هنرمند خط نویس کمال الدین

یزدی آمده است.

○ آثار ایران ۲/۲۴۲.

□ شیخ امین الدین بلیانی، از عرفای بزرگ

برادرزاده شیخ اوحالدین که در خانقاه خود در

دامان کوهی در شمال کازرون وفات یافت و در

همان جا مدفون شد ۷۴۵.

○ اق ۳۹۲.

□ شیخ امین الدین جبرئیل، پدر شیخ صفی الدین

در آبادی کلخوران در حیاط آن آرامگاه هفت

برادران.

○ آذ ۲/۱۹۲.

□ شیخ امین الدین و شیخ زین الدین، بلیانی

به شکل ویرانه در پای کوه شمال کازرون.

○ اق ۱۱۱.

□ شیخانه ور ← آرامگاه شیخ زاهد گیلانی.

□ شیخانه وو، گنبد شیخانه ور از احمد کسروی،

چهل مقاله.

○ فم ۳۶۷.

□ شیخ اوحالدین عبدالله بلیانی، بلیان در

کازرون معروف است که شیخ صفی الدین در

کازرون حضور این عارف ربّانی رسیده است

وفات ۶۸۳.

○ ا ق ۳۹۱.

□ شیخ برخ، در قسم قریه کوشه قرن ۸.

○ معماری ۹۷/۲.

□ شیخ بهاء الدین سمنانی، در جوار خانقاه وی در صفی آباد در هجده کیلومتری سمنان، بنایی از قرن هفتم.

○ معماری ایلخانی ۱۷۰.

□ شیخ بهاء الدین عاملی ← آرامگاه شیخ بهایی.

□ شیخ بهاء الدین یعقوب تبریزی، استاد شیخ محمود شبستری، تبریز شبستر.

○ جن ۱۹۰ + آذ ۵۲۰.

□ شیخ بهائی، یا بهاء الدین عاملی، محمد بن عزالدین حسین اهل جبل عامل از علمای دین و از دانشمندان به نام عصر صفوی (۹۵۳-۱۰۳۱) یا ۱۰۳۱ در کودکی از بعلبک همراه پدرش به ایران آمد و در ایران تحصیل کرد. از سوی شاه عباس

جانشین شیخ علی منشار متصدی امور شرعی اصفهان شد. وی دوبار به حج و یکبار همراه شاه عباس به مشهد رفت. در شهرهای دیگر نیز سیاحت کرد از جمله شهرهای شام و فلسطین و مصر، در اصفهان درگذشت وی را در محوطه ای میان مسجد گوهرشاد در صحن جدید رضوی در مشهد به خاک سپردند. شیخ بهائی یک دانشمند زیرک و دانا بود و از علم خود کمال استفاده را کرد و حتی در اذهان عامه عملیات علمی باور نکردنی به وی نسبت داده می شود، از وی آثار مهمی برجای مانده که معروفترین آن کشکول است، حاوی مطالب علمی به فارسی و عربی و خلاصة الحساب که مدتها کتاب درسی بوده و بارها به چاپ رسیده است.

○ د ۱۵۲۳ + آص ۲۲۳.

□ شیخ تاج الدین، بقعه شیخ تاج الدین محمود خیوی (منسوب به خیابو، مشگین شهر کنونی در آذربایجان) با کتیبه مورخ ۷۳۲ در لمبر محله آستارا.

○ معماری ۸۱/۲ + معماری ایلخانی ۱۴۰ + آس ۱۱.

□ شیخ جام ← آرامگاه احمد زنده پیل، آرامگاه شیخ احمد جامی. شیخ جام.

□ شیخ جبرئیل، در کلخوران اردبیل. ○ آثار ایران ۱۱۷/۳.

□ شیخ جعفر، ابن حسین شوشتری از فقهای درجه اول فوت در ۱۳۰۲ در کردند، مدفون در نجف صحن مطهر طرف بالاسر. ○ فک مؤلفان ۳۱۰/۲.

□ شیخ جمال الدین، در روستای لنگرود قم، قرن اخیر.

○ معماری ۷۹/۲.

□ شیخ جمال الدین علی حمزه، پسر علی ملک هاشمی آذری طوسی بیهقی اسفراینی مروزی، از شاعران بزرگ سده نهم در آذر ۷۸۴ زاده شد که ابتدا درباری بود و در خدمت شاهرخ پسر می برد اما از سوی دیگر وارد درگاه صوفیان گردید و به همدن رفت و پس از بازگشت در اسفراین مرد و به خاک سپرده شد.

○ تان ۲۹۳.

□ شیخ جنید بغدادی، ابوالقاسم ملقب به سید الطایفه صوفی معروف اصلش از نهاوند که سی بار پیاده به حج رفت، در بغداد مرد و به خاک رفت.

○ د ۷۶۷.

□ شیخ جنید یا سلطان جنید، نواده شیخ

اقدس، جنازه را دفن کردند + یا ق ۱۷۵/۸ + ر ج ۴۷۶

□ شیخ دادا، متوفی سال ۷۰۰. یزد محله شیخ دادا. تقی‌الدین دادا محمد. م ۷۰۰ از عارفان بزرگ یزد.

○ ی ۳۵۰.

□ شیخ داعی‌الله، در شیراز گورستان دارالسلام، قرن اخیر.

○ معماری ۸۶/۲.

□ شیخ داوود، مزار شیخ داوود در ابرقو - نصرآباد مورخ ۸۲۵.

○ معماری ۹۳/۲.

□ شیخ داوود بته‌مالو، م ۱۰۷۹ عارفی بدون سواد کافی اما با سیرت پاکیزه و فضایل انسانی و خوشنویس معروف. ملامحسن شیرین قلم از شاگردان وی بوده. امروزه آرامگاه وی در محله بته‌مالو در سری‌نگر زیارتگاه مسلمانان است.

○ هنر و مردم ۷۸/ اسفند ۱۳۵۰.

□ شیخ دولت بن ابراهیم، از نوادگان مالک اشتر نخعی شهید در شیراز و مدفون در آن شهر.

○ بافت ۳۳.

□ شیخ رضی‌الدین علی، فرزند سعید لالاغزونی، شاید پسرزاده سنائی غزنوی. به‌قولی مدفون در اسفراین اما قول صحیح آن است که وی را در ۳ ربیع الاول ۶۴۲ در روضه‌ای در غزنین که محمود ساخت به‌خاک سپردند وی در شعر پارسی استاد بوده است.

○ تان ۷۴۶.

□ شیخ رکن‌الدین سمنانی، در اصل بیابانکی. م ۷۳۶ سمنان مدفون در خانقاه خود در سمنان.

○ بحث حافظ ۲۳۴.

صفی‌الدین اردبیلی و پدر سلطان حیدر و پسر سلطان ابراهیم و جانشین وی از ۸۵۱ در اردبیل. وی را جهان‌شاه قراقویونلو به‌دیار بکر تبعید کرد و وی در آنجا با خواهر اوزون حسن ازدواج نمود و سرانجام در جنگ با شروانشاه خلیل بن سلطان ابراهیم کشته و در مجموعه شیخ صفی‌الدین به‌خاک سپرده شد.

○ د ۱۳۲۴ + آذ ۸۵.

□ شیخ جنید در شیراز محله سردزک.

○ معماری ۸۶/۲.

□ شیخ جنید در یزد، توران پشت از قرن ۶ و ۷.

○ معماری ۹۳/۲ آثار ۱۲۴/۳.

□ شیخ خرغاملی، در مشهد رضوی صحن عتیق سمت شمال چند حجره مانده به‌در مدرسه جعفریه در ضریح کوچکی در دیوار یکی از غرفه‌ها. قبر در داخل مدرسه در یک زیرزمین.

○ د س ۸۲۱.

□ شیخ حیدر، تربت حیدریه - روستای کدکن قرن دهم.

○ معماری ۸۹/۲.

□ شیخ حیدر صفوی ← آرامگاه سلطان حیدر.

□ شیخ خرقانی ← آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی.

□ شیخ خزعل، در امامزاده عبدالله شهر ری، در شب چهارم خرداد ۱۳۱۵ چند نفر از عوامل رکن‌الدین مختاری رییس نظمیه طهران به‌منزل او در تهران رفته آن پیرمرد ۷۵ ساله را خفه کردند. بازماندگان آن مرحوم جسد او را در امامزاده عبدالله نزدیک حضرت عبدالعظیم به‌امانت گذاشتند. نقل از وفیات معاصرین محمد قزوینی. ○ تلاش ۴۲۴ + ملقب به‌معزالسلطنه و سردار

□ **شیخ روزبهان بقلی** ← آرامگاه روزبهان  
ابو محمد بقلی.

□ **شیخ زاهد**، ابوبکر هبت‌الله بن حسن معروف  
به علاف م ۴۰۸ در شیراز، مزار شیخ حسن کیا،  
درب اصطخر.  
○ شیراز ۱۱۲.

□ **شیخ زاهد گیلانی**، تاج‌الدین ابراهیم  
(۶۱۵-۷۱۱). در دهکده شیخانور لاهیجان، سه‌راه  
لاهیجان به‌لنگرود سمت جنوب جاده، کتیبه  
صندوق مورخ ۷۱۱. وی پدرزن و مرشد شیخ  
صفی‌الدین اردبیلی بوده است.  
○ آس ۱۴۸/۲ + معماری ۸۲/۲.

□ **شیخ زاهد گیلانی در شیخانور**.  
○ فم ۱۵۳.  
□ **شیخ زاهد گیلانی کجاست**، سیداحمد موسوی.  
○ فم ۱۳۶/۴.

□ **شیخ زین‌الدین**، ← شیخ امین‌الدین بلیانی،  
کازرون.  
○ ا ق ۱۱.

□ **شیخ زین‌الدین ابوبکر خوافی**، از عارفان بزرگ  
سده‌های ۸ و ۹ دانشمندی منزوی و خاموش که  
در سال ۸۳۳ یا ۸۳۴ یا ۸۳۸ به‌طاعون درگذشت،  
ابتدا در راور قصبه بالین، سپس درویش آباد  
نزدیک عیدگاه هرات به‌خاک سپردند.  
○ تان ۲۶۴.

□ **شیخ زین‌الدین علی** در یزد - روستای ندوشن  
در ۹۷۷.  
○ معماری ۹۳/۳.  
□ **شیخ سعد اصفهانی** در اصفهان.  
○ آثار ایران ۱۰۴/۳.

□ **شیخ سلطان احمد**، بقعه شیخ سلطان احمد در

بلده میانرود بالای نور با گنبدی بلند و صندوق  
چوبی و کتیبه‌ای که بر بدنه شمال آن حک شده:  
عمل استاد ابراهیم و محمود و مظفر فی تاریخ  
ذی‌الحجه سنه ۱۱۰۲.  
○ آس ۲۹۱/۳.

□ **شیخ سلیم چشتی** ← آرامگاه سلیم چشتی.  
□ **شیخ سلیمان** ← آرامگاه شاه سلیمان.  
□ **شیخ شامل**، قهرمان ملی مردم داغستان که ۱۷  
سال در برابر نیروهای روسی مقاومت کرد  
سرانجام شکست خورد و اسیر شد و دوازده سال  
در اسارت گذراند و آن‌گاه که در ۱۸۷۱/۱۲۸۷ با  
اجازه روسها به‌مکه مشرف شد و در آنجا  
به‌رحمت خدا رفت. وی به‌فرهنگ و ادب فارسی  
مخصوصاً شاهنامه علاقه‌مند بود و همیشه یک  
شاهنامه به‌زبان گرجی همراه خواهد داشت.  
○ رج ۶ تصویر رج ۳۷۰/۴ + ت مینوی.  
□ **شیخ شبلی در دماوند**، سده یازده.  
○ ایران یک ۷۹.

□ **شیخ شمس‌الدین گلچشم**، در خارج از شهر  
شوشتر با گنبدی مدور، صاحب بقعه شاید سید  
شمس‌الدین محمد ثانی از سادات ثلغر شوشتر  
باشد.  
○ د ش ۵۵۹.  
□ **شیخ شهاب‌الدین سهروردی** ← آرامگاه  
سهروردی.

□ **شیخ شهاب‌الدین محمود عتیق اهری**، از  
فرزندان شیخ شهاب‌الدین سهروردی در اهر،  
شامل یک ایوان بزرگ و دو مناره و یک حصار  
سنگی مشبک در صحن آن، مانده از قرنهای ۱۱ و  
۱۲.

○ آذ ۳۷۹ + معماری ۱۳۳/۲ + عارف که در قرن

هفتم زندگی می‌کرد. بنای شاه عباسی + فر آذ  
۲۲۴ + فر آذ ۱۸۷.

□ **شیخ صدرالدین صفوی**، فرزند شیخ صفی‌الدین  
در اردبیل در جوار آرامگاه پدرش.  
○ آذ ۲۲۱.

□ **شیخ صدوق**، ابوجعفر محمد بن علی از نوادگان  
ابن بابویه قمی فقیه بزرگ شیعیان، ری نزدیک  
برج طغرل، از آثار عصر فتحعلی شاه قاجار،  
به‌خود وی نیز ابن بابویه خطا می‌شده است بابویه  
فارسی و به‌معنای پدر کوچک است، همانند  
پدرک و بابک و تلفظ به‌هر دو شکل بابویه و بابویه  
درست است م ۳۸۱.

○ ری ۴۲۶ + د ب ۶۳/۳ + تاریخچه اوقاف ۷.  
□ **شیخ یا میرزا صفا**، حاج میرزا رضاقلی ملقب  
به قنبر علی پسر محمد حسن خان سوادکوهی  
مازندرانی، پس از تحصیل در عتبات و دنیاگردی  
به‌شکل یک صوفی پخته کامل به‌ایران آمد و در  
خانه میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم  
ناصرالدین شاه، ساکن شد تا نهم رمضان ۱۲۹۱ که  
در همان خانه فوت کرد و سپهسالار در نزدیکی  
مقبره امامزاده هادی در چشمه علی شهر ری  
برایش آرامگاهی ساخت که به صفاییه معروف  
شد.

○ رج ۳۱/۲ سیاستگر ۶۶ + ری ۹.

□ **شیخ صفی‌الدین اردبیلی**، ابوالفتح اسحاق  
فرزند امین‌الدین جبرئیل موسوی اردبیلی، عارف  
معروف سده هشتم و جد شاهان صفوی، در سال  
۶۵۰ زاده شد و فقط در طی زندگی طولانی خود  
چند سفر به فارس و گیلان کرده و بقیه را در قریه  
کلخوران اردبیل اقامت داشته است. صفی‌الدین  
در این نواحی صاحب نفوذ فراوان بوده و خواجه

رشیدالدین هر سال مبلغ هنگفتی برای او  
می‌فرستاد و برایش احترام زیاد قائل بود. صفی  
پس از سفری به فارس برای یافتن مرشد به‌سوی  
گیلان رهبری شد تا شیخ تاج‌الدین ابراهیم  
معروف به شیخ زاهد گیلانی را بیابد، چهار سال  
به جستجوی او پرداخت و ۲۵ سال در حلقه  
مریدان او بود و با دختر وی ازدواج کرد. شیخ در  
بازگشت از سفر حج بیمار شد و پیش از مرگ  
صدرالدین دومین پسرش را جانشین خود  
ساخت. وی روز دهم محرم ۷۳۵ رخت به‌سرای  
دیگر کشید و در آرامگاهی که پس از آن تکمیل  
شد و توسعه یافت به‌خاک سپرده شد وی شعر  
هم می‌گفته و چند بیتی از او مانده است.

○ تان ۲۱۱.

□ **شیخ صفی‌الدین اردبیلی مجموعه**، در اردبیل  
در این مکان مقدس یک لنگه نعلین حضرت  
رسول (ص) نیز هست و مجموعه شامل این بناهاست:  
آرامگاه بی‌بی فاطمه همسر شیخ در مسجدی  
قدیم از قرن هفتم، وی دختر شیخ زاهد گیلانی  
است که در ۷۲۴ وفات کرده، مجموعه بناهای  
آرامگاه که طی سالهای ۸۹۷ تا ۹۰۶ ساخته شده،  
مجموعه چینی خانه که در قرن هشتم ساخته  
شده و موزه‌ای بوده که اشیای آن به‌غارت رفته،  
آرامگاه شاه اسماعیل با پنج گنبد حاوی مقبره  
عده‌ای دیگر از افراد اعظم خاندان صفوی.

○ آذ ۹۲ و ۱۸۱ + تان (۶۲) تا (۶۵) و ۲۱۱.

□ **شیخ صفی‌الدین**، علی اکبر علایی.

○ فم ۱۳۵/۲.

□ **شیخ طبرسی**، معروف به بقیه شیخ طبرسی،  
شیخ احمد بن ابی طالب، غیر از طبرسی فقیه  
معروف، در ۱۵ میلی بابل سده ششم.

○ تابها ۱۹۰ + د ۱۶۱۴.

□ شیخ طبرسی، ابوعلی - فقیه بزرگ شیعیان، در شمال صحن کهنه آستان قدس رضوی در ابتدای خیابان طبرسی در سمت چپ و چسبیده به گورستان باغ رضوان، شیخ طبرسی پس از مردن دوباره زنده شد و پس از دفن مدتی زندگی کرد. م ۵۴۸.

○ د س ۸۲۳ + ج ۶۳۵ + د ۱۶۱۴.

□ شیخ طوسی، عنوان آرامگاه برادران سید محمود و میرسید علی و میر سید حیدر، از عالمان و مبلغان آیین شیعه در شمال پاکستان، میرمحمود در ۱۰۸۰ فوت کرده در سکر دو دفن شد. میرحیدر و میرسید علی در روستایی نزدیک کواردو.

○ میراث ۴۷۸/۲.

□ شیخ طوسی، ابوجعفر ملقب به شیخ الطافیه ← آرامگاه ابوجعفر طوسی.

□ (منسوب به) شیخ طوسی، در ده افرا واقع در بخش مرکزی شاهی.

○ فج ۱۸/۳.

□ شیخ عابد تورک، شاعر پارسی‌گوی و صوفی که در غجدوان درگذشت و به خاک رفت.

○ تان ۶۲۱.

□ شیخ عباس ← آرامگاه آیت‌الله تهرانی.

□ شیخ عبدالجواد آباده‌ای، پسر حاجی محمدجعفر صفی‌آبادی آباده‌ای، هردو از مجتهدان معروف در سده سیزدهم، نجف وادی‌السلام.

○ آص ۵۹۵.

□ شیخ عبدالرحمن بن عوف، در سمرقند، قبر اصلی در مدینه است.

○ سمریه ۸۷۲.

□ شیخ عبدالسلام، در کرمان، ماهان از سده هشتم.

○ معماری ۸۸/۲.

□ شیخ عبدالصمد ماستری، در نظنز مجموعه‌ای گرانقدر از قرن هشتم شامل خود آرامگاه که محراب آن کلاً به موزه ویکتوریا و آلبرت لندن منتقل شده است با گنبدی مخروطی و خانقاه و منار با کاشیهای آمیخته با آجر.

○ کاشان ۲۰۱ + آرامگاه عبدالصمد اصفهانی ماستری با تاریخهای ۷۰۴ و ۷۰۹ و ۷۱۶ و ۷۱۷، ۷۲۵ و ۷۷۰ و معماری ایلخانی ۱۴۵ + آص ۹۱۳ + عبدالصمد نظنزی ۷۰۷ + معماری ۹۱/۲ + هنر ۳۶۷/۸ + ایران یک ۱۷۷ + آثار ایران ۲۵۴/۳\*.

□ شیخ عبدالغفار عارف، م ۱۲۹۲، سنگ گور با نوشته‌های نسخ و نستعلیق و اشعار عارفانه.

○ آذ ۵۵.

□ شیخ عبدالقادر گیلانی، بغداد در کنار آرامگاه سهروردی.

○ تان ۳۸.

□ شیخ عبدالکریم، مهرجودی یزدی حائری (۱۲۷۶-۱۳۵۵) عالم فقیه بزرگ در ۱۳۲۲ از کربلا به اراک و در ۱۳۴۰ از اراک به قم رفت، با آثار مهم. م ۱۳۵۵ قم مسجد بالاسر.

○ فک مؤلفان ۹۱۶/۳.

□ شیخ عبدالله، بقعه شیخ عبدالله در طرشت تهران بنای آجری با طاق گنبدی استوار، احتمالاً از آغاز عصر صفوی است بدون کتیبه یا تاریخ با سنگ قبرهای متعدد. به اعتقاد مردم طرشت شیخ عبدالله معاصر و همطراز ابن بابویه بوده است.

○ آط ۲۰۴.



□ شیخ عبدالله انصاری، در قریه اوزی بین اهر و کلپیر در شمال آذربایجان.

○ آذ ۲/۴۷۵.

□ شیخ عبدالله بلیانی، در ده بلیان کازرون.

○ اق ۱۱۱.

□ شیخ عبدالله مامقانی، فرزند شیخ محمد (۱۲۶۰-۱۳۵۱). در نجف جان سپرد و در نجف آرامگاه والد خود شیخ محمدحسن مامقانی دفن شد. آثار.

○ فک مؤلفان ۳/۹۵۳.

□ شیخ عبدالله، محمدنصیر گیلانی نجفی، مجتهد آزادپناه و از شاگردان میرزا حبیب رشتی. م ۱۳۳۰ آرامگاه میرزا محمدحسن آشتیانی.

○ فک مؤلفان ۳/۱۰۰۱.

□ شیخ عبداللطیف جامی، شاعر پارسی‌گوی از بازماندگان احمدجام که به حج رفت و در راه با سلطان سلیم عثمانی ملاقات کرد و مورد احترام او واقع شد، وی در این سفر در ازبک‌ها مردوبه خاک رفت.

○ تان ۶۲۷.

□ شیخ عثمان مروندی، (۵۷۳-۶۷۳) معروف به لعل شهباز قلندر، از عارفان بزرگ اسلامی در شبه قاره ملقب به سیف‌اللسان، شمس‌الدین، مخدوم و مهدی و با تخلص عثمان یا شهباز، عالم تفسیر و حدیث و فقه و زبان‌شناس و پیرو به حق حضرت علی (ع). والی ایالت ملتان سلطان محمدبیلین، از ارادتمندان وی بود، آرامگاهش در سیهون سند از پررونق‌ترین مزارات است

○ میراث ۲/۴۸۹.

□ شیخ علاءالدوله سمنانی - آرامگاه علاءالدوله سمنانی.

□ شیخ علی، سنگ قبر وی بالاتر از نوشته‌های پهلوی حاجی آباد در فارس، با کتیبه‌ای که برمبنای آن سنگ قبر از سال ۲۴۳ است ولی سنگ تازه و از سده ۱۱ است.

○ اق ۳۵۲.

□ شیخ علی بابا صوفی معروف، در سه گنج ماهان. ○ جغ ۹۴۸ + معماری ۲/۸۸.

□ شیخ علی خواجه شوقی، شاعر متصوف در قرن دهم که در ۶۳ سالگی در اوگرجه خبوشان (قوچان کنونی) درگذشت و به خاک رفت.

○ تان ۶۴۰.

□ شیخ عماد، چسبیده به مسجد منسوب به وی در اهر.

○ جغ ۱۹۴.

□ شیخ عمادالدین فضل‌الله برزش آبادی، شاعر متصوف قرن نهم و دهم. م ۹۱۴، مدفون در مشهد مقدس.

○ تان ۵۶۵.

□ شیخ عمو، - آرامگاه شیخ محمود عبدالله □ شیخ فاضل بوریابادی، تربت حیدریه، روستای بوریاد، از سده هفتم.

○ معماری ۲/۸۹.

□ شیخ فرید بخاری، ملقب به مرتضی خان در جنوب دهلی نزدیک مزار شیخ نصیرالدین چراغ دهلی، با کتیبه‌ای فارسی که در طی آن به هویت شیخ فرید، معاصر با جهانگیر می‌توان پی برد، مورخ سال نهم جلوس وی (۱۰۲۵) و این اشعار: «مرتضی‌خان چو به حق واصل شد گشت اقلیم بقا مفتوحش بهر تاریخ ملایک گفتند «باد پر نور الهی روحش»

○ نقش پارسی ۱۱۳.

□ شیخ فضل الله نوری، مجتهد شهید در عصر مشروطیت، قم حضرت معصومه (ع)

○ اطلاعات ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸. ف ۱۳۷۰ + تا بیداری

□ شیخ کبیر، ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی با لقبهای شیخ الاسلام، شیخ المشایخ، پیشوا و عارف بزرگ سده سوم و چهارم و مؤسس فرقه خفیفیه در تصوف. پدرش از سرهنگان سپاه عمرولیث صفاری بود و مادرش زنی صاحب کمال و عارف به نام ام محمد. وی از نخستین عارفان ایران و نخستین کس از مشایخ است که شعر گفت. از وی آثار فراوان برجای مانده که برخی از آن موجود است. م ۳۷۱، وی را در خانقاهش دفن کردند، محلی در پشت بازار وکیل شیراز که تعمیرات و نوسازی آن از ۱۳۳۷ آغاز شد. عده‌ای از عرفا و مشایخ نیز در آرامگاه شیخ آرمیده‌اند.

○ کارنامه ۶۱۷.

□ شیخ کبیر، روضه شیخ کبیر معروف به بالا پیر در قنوج کنار رود کالی گنبد بنا را یکی از پسرانش به نام شیخ مهدی ساخته است. برپیشانی بنا یک کتیبه فارسی دیده می‌شود. م ۱۰۵۷.

○ نقش پارسی ۱۱۳.

□ شیخ کبیر، فضل بن محمد معروف به ابی احمد کبیر: م ۳۷۷ شیراز داخل آستانه و قبه شیخ کبیر در شیراز.

○ شیرازنامه ۹۹ + از بناهای قرن اخیر: معماری ۸۶.

□ شیخ کمالی، بقعه شیخ کمالی در یزد با کتیبه شیخ علی فتح الله: کمترین بنده خدا ساختمان این

بقعه مبارک را دستور داد شب چهاردهم ذی الحجه سنه ۷۹۲. این آرامگاه به عقیده آندره گذار به آرامگاه شیخ رکن الدین در یزد همانندی دارد.

○ تاریخ یزد ۷۹ + معماری ایلخانی ۲۰۲.

□ شیخ مجدالدین اسماعیل سیسی، از عارفان پزشک سده هفتم و هشتم در روستای سیس ارونق آذربایجان در جلو گور قوچ سنگی خوش تراشی نصب شده.

○ آذ ۵۲۸.

□ شیخ محمد محمد فرزند محمد لقمان سرخسی، با کتیبه مورخ ۷۵۷.

○ معماری ایلخانی ۱۹۸ + احتمالاً بابا لقمان.\*

□ شیخ محمد، بقعه شیخ محمد. در محله موگهی شوشتر که با خیابان کشی فقط مسجد کوچکی از آن باقی مانده و اصل بنا مفقود شده است. شاید آرامگاه امام میمند.

○ د ش ۷۳۱.

□ شیخ محمد آقا بوزری، طالقانی (۱۲۴۸-۱۳۱۳ خ) حضرت عبدالعظیم.

○ تاریخچه ۷۷.

□ شیخ محمد بن ناصر یزدی، از دانشمندان بزرگ قرن ششم که توسط علاءالدوله گرشاسف سومین امیر از آل کاکویه یزد کشته شد و در بیابان طبس به خاک سپرده شد.

○ د ب ۱۱۳/۲.

□ شیخ محمد بن یوسف، از عرفا و زهاد سده سوم. اصفهان.

○ آص ۲۲.

□ شیخ محمد باقر بهاری همدانی، (۱۲۷۷-۱۳۳۲) عالم فاضل محدث رجالی که در

همدان فوت و دفن شد.

○ فک مؤلفان ۴۶/۲.

□ شیخ محمد تقی فرزند عبدالرحیم ایوان کیفی اصفهانی، از اجله علمای قرن ۱۳ و داماد شیخ جعفر نجفی که در فتنه وهابیه به ایران آمد و در اصفهان مقیم شد. م ۱۲۴۸، تخت فولاد نزدیک آرامگاه محقق خوانساری.

○ فک مؤلفان ۲۶۶/۲.

□ شیخ محمد تقی، بافتی ← آرامگاه بافتی.

□ شیخ محمد تقی بجنوردی، (بوزنجرودی) فقیه بزرگ، مقیم مشهد فوت در ۱۴ صفر ۱۳۱۴ مدفون در یکی از صفه‌های دارالسیاده، آستان قدس.

○ یا ق ۲۶۶.

□ شیخ محمد روزبهان ← آرامگاه روزبهان.

□ شیخ محمد سلطانی، در یزد روستای کفله مرز قاجاریه،

○ معماری ۹۲/۲.

□ شیخ محمد سوار، بقعه شیخ محمد سوار در شمال مسجد حسین شوشتر. آرامگاه عارفی از قرن سوم که عطار از او نقل می‌کند. این آرامگاه در ۱۱۶۹ منهدم شد و در ۱۲۳۳ دوباره کشف و دایر گردید.

○ د ش ۷۳۱.

□ شیخ محمد سیاه پوش، از عرفای معاصر با شاه اسماعیل در محله ویجوبه تبریز.

○ آذ ۱۳۴.

□ شیخ محمد لاهیجی، در شیراز محله لب آب، قرن اخیر.

○ معماری ۸۶/۲.

□ شیخ محمود، در آستارا تاریخ تقریبی ۱۳۰۰/۷۰۰ در ۵ کیلومتری شمال آستارا.

○ معماری ایلخانی ۱۴۰.

□ شیخ محمود ختوی، ← آرامگاه شیخ تاج‌الدین.

□ شیخ محمود سقله، عبدالله بن محمد بن محمود، منار جنبان اصفهان. آرامگاه در ایوان است و منارها در دو طرف ایوان احتمالاً منارها را که هیچ ارتباطی با بنای ایوان ندارند بعد ساخته‌اند. تاریخ بنا از قرار کتیبه سنگ قبر ۱۳۱۶/۶۹۵ م و محل آن آبادی گارلادان، در تلفظ عادی گارتن یا قورتون، در مغرب شهر اصفهان است.

○ معماری ایلخانی ۱۶۵ + آص ۱۰۸.

□ شیخ محمود شبستری، سعدالدین یا نجم‌الدین محمود فرزند عبدالکریم، زاده شده در ۶۸۷ در شبستر. شاعر و عارف معروف که اثر مهم وی گلشن راز است. شبستری در ۷۲۰ در تبریز رحلت کرد و در آرامگاه استادش بهاء‌الدین یعقوب تبریزی به خاک سپرده شد. بنایی از سده هشتم که توسط حاج میرزا آقاسی تعمیر شد.

○ تان ۱۶۹ + آذ ۵۲۰ + جغ ۱۹۰.

□ شیخ مرتضی آشتیانی، زاده شده در ۱۲۸۰ پسر بزرگ میرزا حسن آشتیانی از علمای طراز اول ایران، شیخ مرتضی مقیم مشهد بود و در ۱۳۶۵ در مشهد درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد ← آرامگاه آشتیانی.

○ ر ج ۲۶۰/۶ + ز ۳۵.

□ شیخ مرتضی نیریزی، از زاهدان نامی اصفهان.

م ۱۳۲۹ در تکیه‌ای در تخت فولاد به نام خود وی.

○ ل ۲۸۰۰.

□ شیخ مرشد، شیخ ابوریحان در گنج‌آباد کازرون

معروف به قبر شاسجاق.

○ ا ق ۳۹۰.

□ شیخ مفید، ابو عبدالله محمد، معروف به ابن معلم (۳۳۶-۴۱۳)، فوت در بغداد، مدفون در کاظمین پایین پای حضرت امام موسی کاظم با دوست اثر فقهی و حقوقی و معرفی ۱۷ اثر.  
○ فک مؤلفان ۷/۵۷۶۷.

□ شیخ مقتول - آرامگاه سهروردی، شیخ شهاب الدین.

□ شیخ مهدی، فرزند شیخ کبیر در قنوح کنارود کالی. م ۱۰۸۸.

○ نقش پارسی ۱۱۴.

□ شیخ نجم الدین دایه، بیرون شهر بغداد، مزار جنید بغدادی.

○ فک مؤلفان ۳/۹۸۵.

□ شیخ نجم الدین کبری، مرقد در زمخشر، در چهار میلی شمال اورگنج، وی در ۶۱۸ به دست مغولان کشته شد. ○ س ۴۸۲ + تان (۳۷).

□ شیخ نجیب الدین، ابوسعید علی بن برغش شیرازی شاعر و عارف پیرو شیخ شهاب الدین سهروردی. م ۶۷۸ شیراز.

○ تان ۷۴۶.

□ شیخ نظام الدین محمود مزدقانی، درویش محمود، در مؤمن آباد سمنان، بنایی چهارگوش با ایوان و گنبدی آجری مخروط از قرن هشتم با کتیبه بدون تاریخ.

○ د ت ۴۴ + معماری ایلخانی، تان ۱۴۰.

□ شیخ نورالدین، بقعه شیخ نورالدین قم ابتدای جان مبارک آباد.

○ معماری ۷۹/۲.

□ شیخ نورالدین بصیر، م ۶۴۶ در سمرقند در محلی که سالها اهالی آن محل، جرأت اجرای کار زشت و ناشایست را از ترس آن قطب بزرگوار

نداشته‌اند، در تاریخ عرفا لقب وی قطب چهاردهم بوده است.

○ قنذیه ۸۴ + سمریه ۱۷۰

□ شیخ نورالدین بیمارستانی، در محله سرخاب در کنار دره گراب از مریدان شیخ حسن بلغاری از عارفان بزرگ تبریز م ۷۰۳.

○ کوی سرخاب ۲۱۶.

□ شیخ نورالدین ولی، شاعر پارسی‌گوی و عارف کشمیری در قرن نهم، مزارش در قصبه شار شریف (چرار شریف) در جنوب سری‌نگر کشمیر است نزدیک آرامگاه وی، آرامگاه یک پیر از فرقه ریشیه که (ممزوجی است از اسلام و هندویی) نیز وجود دارد. هندوان و مسلمانان شیعه و سنی همه برای این پیر احترام قائل‌اند و متأسفانه بر مبنای این احترام با هم اختلاف دارند و گه‌گاه نزاع می‌کنند.

○ نقش پارسی ۷۵.

□ شیخ نورالله دهاقانی، روزنامه‌نگار و ادیب، مدیر نورمشرق تأسیس ۱۳۴۴ و معلم مدارس قدیم و جدید در اصفهان. شهریور ۱۳۳۱ فوت کرد و با تشییع جنازه مفصل تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

○ تاج ۴/۳۱۸.

□ شیخ یوسف سروسرستانی، مزار یا مقبره در سروستان فارس، بنای سنگی زیبا با معماری سبک ساسانی. آرامگاه یوسف بن یعقوب و محمد بن حسن بن علی بیضاوی است و جمعاً دو چهارطاقی به هم چسبیده است. با نوشته‌های مورخ ۶۸۰ تا ۷۳۱.

○ معماری ایلخانی ۱۲۸ + اق ۸۷ + ۹۸ + ایران یک ۴۸ + د ۱۵۲۴.

□ شیخ یوسف گردیزی، در قصبه بُرگیت در شهر مُلُتان، ابوالفضل جلال‌الدین محمد یوسف (۴۵۰-۵۳۱) متولد گردیز نزدیک غزنه، معاصر باغریومان که بیشتر ایام حیات خود را در مُلُتان بسر آورد و در عصر یکی از جانشینان وی به نام شیخ صدرالدین راجو، خانقاه وی ساخته شد با تاریخ ۹۵۵ و یا اینکه پیش از آن ساخته و

منسوب به وی شده است.

○ نقش پارسی ۸۴.

□ شیر شاه سوری - آرامگاه شرشاه سوری.

□ شیشه‌گر، استاد غلامرضا، عارف بزرگ متولد

شیراز در ۱۲۲۱ اصلاً مازندرانی م ۱۳۰۱ تهران،

مدفون در مشهد.

○ رج ۱۷/۳.

## ص

### از آرامگاه صائب تا آرامگاه ضیای اصفهانی

□ صائب، اصفهان خیابان صائب کنار مادی (نهر آب) نیاصرم که توسط انجمن آثار ملی بازسازی و تکمیل شد، این محل باغ خود وی بوده و عده‌ای از فرزندان و بستگان وی نیز در آن مدفون‌اند.  
○ آص ۸۸ + تاریخ سنگ روی قبر ۱۰۸۷ و این بیت خود او:

«محو کی از صفحه دلها شود آثار من

من همان ذوقم که می‌یابند از گفتار من»

○ د د ت ۳۴.

□ صائب، ابتدا تکیه صائب خوانده می‌شد و در باغ خود وی قرار داشت بر سنگش یک مطلع و یک غزل از خود وی به خط محمد صالح خوشنویس معروف عصر صفوی، که برخی از کتبه‌های مدرسه چهارباغ را نوشته کتابت شده که به این عبارت پایان می‌یافت: وفات مرحمت و غفران پناه میرزا محمدعلی ولد میرزا رحیم صائب به تاریخ یوم یکشنبه هشتم جمادی ۱۱۴۱. آرامگاه صائب در سالهای ۱۳۳۹-۱۳۴۶ توسط

انجمن آثار ملی بازسازی شد با تصاویر مکرر.

○ کارنامه ۳۸۷.

□ صائب تبریزی، میرزا محمدعلی شاعر بزرگ

پارسی‌گوی، بزرگترین شخصیت ادبی عصر

صفویه و بزرگترین سراینده در سبک هندی، زاده

شده در تبریز یا اصفهان، پدرش از تبریز در عصر

شاه عباس به اصفهان کوچید، شمس‌الدین تبریزی

شیرین‌قلم عم وی بود که به شمس ثانی معروف

است. صائب در ۱۰۲۴ به افغانستان رفت و از کابل

با ظفرخان احسن یا خواجه احسن‌الله خان به دربار

شاه جهان راه یافت و شش سال در هند ماند و

سرانجام به اصرار پدر به ایران بازگشت و در دربار

شاه عباس به مقام ملک‌الشعرایی رسید. صائب در

۶۵-۷۱ سالگی در ۱۰۸۱ در اصفهان فوت کرد و

در تکیه میرزا صائب دفن شد.

○ د ۱۵۵۴.

□ صائب،

○ یادگار ۳/۳۴.

## □ صائب تبریزی،

○ ارمغان ۱۹-۲۶۰.

## □ صائب تبریزی، قبر صائب تبریزی از ادیب و

خشوری اصفهانی.

○ ارمغان ۱۹/۲۵۹ + فم ۳۷۰.

## □ صائب در اصفهان، مظاهر مصفا.

○ فم ۱۳۹/۳.

## □ صائب تبریزی، نوشته میراغلو جمیل.

○ یادگار ۱۳۵/۶/۳.

## □ صاحب بن عباد، ابوالقاسم اسماعیل فرزند عباد

(۳۲۶-۳۸۵) به واسطه مصاحبت طولانی با

فخرالدوله و یا مصاحبت مطلوب با ابن عمید،

لقب صاحب یافت. مؤیدالدوله او را به وزارت

برگزید و برادرش فخرالدوله نیز او را در وزارت

ابقا کرد. او عربی‌نویسی نامدار بود برخی آثار او

اکنون دستیاب است. کتابخانه مهمی نیز داشته

است که فهرست آن چند مجلد می‌شده، وی در

ری مرد و بدنش را به اصفهان آوردند و در اطاقی

مجاور دروازه طوقچی و به نوشته ابن خلکان، در

اطاقی واقع در خانه خودش در محله دربه به خاک

سپردند.

○ ل ۲۷۹۵ + آص ۲۲۸ و ۸۰۸ + د ۱۵۴۷.

## □ صاحب بن عباد، مجله دانشکده ادبیات

اصفهان شماره یک سال اول از محمد

صدرهاشمی.

○ تاج هفت.

## □ صاحب بن عباد در اصفهان، مقاله از محمدصدر

هاشمی.

○ فم ۱۳۶/۲.

## □ صاحب دیوان ← آرامگاه خواجه شمس‌الدین

محمد.

## □ صادق خان زند، برادر کریم خان، صادق خان

از سرداران لایق و شجاع خاندان زند بود وی در

عصر حکمرانی برادرش حکمران بصره بود و

چون برای شرکت در مبارزات جانشینی کریم‌خان

به ایران آمد، بصره نیز از تصرف ایران خارج شد،

صادق‌خان زند آخرین حکمران ایرانی بصره بود تا

۱۱۹۳. مدفون در شیراز پایین پای شاه‌چراغ.

○ ر ج ۱۶۱/۲ + د ۱۵۴۸.

## □ صادق خان و جعفرخان زند، عباس اقبال.

○ فم ۳۷۱.

## □ صادق سرمد، شهر ری.

○ بخوانید و بدانید ۸۲۱.

## □ صادق ملارجب، از هزل‌گویان اصفهان، زاده

شده در ۱۲۲۵، قرآن‌نویس که در هشتاد سالگی

فوت کرد ۱۳۰۵. سر قبر آقای اصفهان بیرون

دروازه دردشت.

○ ر ج ۱۷۱/۲.

## □ صادق هدایت، (۱۲۸۱-۱۳۲۹خ) فرزند

هدایت قلی اعتضادالملک، برای تحصیل

به فرانسه فرستاده شد و مدتی بعد، در ۱۳۱۵خ

به هند رفت و زبان پهلوی یاد گرفت و چند کتاب

از پهلوی به فارسی برگرداند. از وی آثار متعددی

برجای مانده و به حق می‌توان وی را بزرگترین

داستان‌نویس عصر حاضر دانست. هدایت در

جمع‌آوری فرهنگ عامه نیز کوشا بود و انتخاب

جالبی هم از رباعیات خیام ارائه کرده است. وی

به پاریس علاقه‌مند بود و معروف است که در آخر

سفرش به اروپا به روی تهران تفی انداخته و گفته

است که دیگر تو را نخواهم دید، همین نیز شد و

وی در سال ۱۳۲۹خ در اطاقش در پاریس با گاز

خودکشی کرد و در همان جا به خاک سپرده شد.

هدایت طی ۲۰ سال کار ادبی خود آثار مهمی برجای گذاشت که از تنوعی بی‌نظیر برخوردار است: ترجمه متون پهلوی، تحقیقات ادبی و فرهنگ عامه، داستانهای انتقادی و ....

○ چهره‌ها ۷۲ + د ۱۵۴۹.

□ **صافی اردوبادی**، خواجه حاتم بیک اعتمادالدوله از اعیان دربار صفویه و صدراعظم شاه عباس، در سال ۱۰۱۹ در پای قلعه دمدم ارومیه جان سپرد. مدفون در مشهد مرقد مطهر امام هشتم.

○ تان ۶۹۹.

□ **صالح پیامبر**<sup>(ع)</sup>، بقعه صالح پیامبر در اول شهر شوشتر روی تپه، در قبرستانی حاوی سنگ قبرهای کهنه با نقوش گل و بته اسلیمی و نقش اسلحه و کتیبه‌ای در ایوان، مورخ ۱۲۲۵ با نقش دو آتشدان فروزان.

○ د ش ۵۵۳.

□ **صالح شهید**، در جنوب مسجد جامع شوشتر با گنبد گچی.

○ د ش ۷۴۹.

□ **صالح علیشاه**، محمدحسین، پسر ملاعلی نورعلیشاه (۱۲۶۹-۱۳۴۵ خ) مدفون در بقعه علیشاه، نیای خود در بیدخت. از وی آثار خیریه بسیار در بیدخت به‌جام مانده است.

○ ر ج ۲۳۲/۵.

□ **صبا، ابوالحسن** (۱۲۸۱-۱۳۳۶ خ) موسیقیدان و نوازنده معروف ویولن. پسر ابوالقاسم کمال‌السلطنه و نوه محمودخان صبا (ملک‌الشعرا دربار فتحعلی‌شاه) وی نزد استادان بزرگ موسیقی را آموخت، از شاگردان وی درویش و علینقی وزیری را نام می‌بریم. صبا

نخستین پایه‌گذار خط موسیقی بود. از وی آثار مهمی برجای مانده است از جمله زنگ شتر، کاروان و زرد ملیجه. خانه‌اش در تهران موزه شده است. آرامگاه ظهیرالدوله شمیران.

○ د ۱۵۵۱ + مردان موسیقی ص ۴۲.

□ **صبا، حسین**، اولین استاد سنتور هنرستان موسیقی ملی و مولف خودآموز سنتور، وفات یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۹. آرامگاه ظهیرالدوله، شمیران.

○ مردان موسیقی ۵۱۵.

□ **صبا، فتحلی خان** - آرامگاه فتحعلی خان صبا.

□ **صبا، محمودخان ملک‌الشعراء**، فرزند محمدحسین خان عندلیب و نواده فتحعلی خان ملک‌الشعرا صبا کاشانی. وی در ۱۲۲۸ در تهران زاده شد و در نزد عموی خود، محمدقاسم خان فروغ درس خواند و شاعری خوش‌ذوق و نقاشی پر استعداد شد، از سوی حاج میرزا آقاسی که وی را مدح کرده بود، به‌پیشکاری الله قلی خان پسر عزت‌نسا، همسر حاجی میرزا آقاسی و دختر فتحعلی شاه رسید اما در این کار نماند و الله‌قلی هم مغضوب و تبعید شد. پس از فوت محمدشاه ناصرالدین‌شاه به‌وی توجه کرد و لقب ملک‌الشعرا به‌وی داد، اجدادش نیز این لقب را داشتند. از این مرد بزرگ اشعاری که بیشتر قصیده است و چند تابلو نقاشی برجای مانده است. محمودخان در ۱۳۱۱ دو سال پیش از فوت ناصرالدین شاه مرد و در جوار آرامگاه ناصرالدین شاه به‌خاک رفت.

○ خوش معاصر ۵۰

□ **صبح ازل**، میرزا یحیی نوری پسر میرزا عباس نوری معروف به‌میرزا بزرگ، برادر میرزا

حسینعلی ملقب به بهاء و بهاءالله. ظاهراً باب صبح ازل را جانشین خود قرار داده و برادر بزرگ وی بهاء را قیم و سرپرست او نموده و وصیت کرده بوده است که صبح ازل از دیده ها پنهان بماند. ابتدا صبح ازل به این امر راضی بود تا اینکه هردو برادر را که در قلمرو دولت عثمانی به حال تبعید بسر می بردند و اختلافهایی هم داشتند، به عکا و قبرس تبعید کردند، اما زمان به نفع میرزا حسینعلی بود و وی سرانجام خود را مستحق ریاست و نیابت و خلافت باب معرفی کرد. صبح ازل مدت چهل و پنج سال در قبرس اقامت داشت و سرانجام در ۱۹۱۲/۱۳۳۰ در هشتاد و چهار سالگی به رحمت خدا رفت و در شهر فاماگوستا (ماغوسا) حاکم نشین قبرس به خاک سپرده شد.

○ رج ۴/۴۳۶ و رج ۶/۲۹۱.

□ صحابه، نیشابور مقبره نصر بن زیاد قاضی و سه صحابه دیگر.

○ آخ ۱۲۸.

□ صحن مسجد جامع شیراز معلوم نیست که آرامگاه چه کسی است ولی تاریخ خاک سپاری ۱۹۳۵ است.

○ معماری ایلخانی ۱۹۶ و تصویر ۹۸.

□ صدرالافاضل، حجت الاسلام لطفعلی، (۱۲۶۸-۱۳۵۰) حکیم و محدث و فیلسوف و فقیه. م ۱۳۵۰ مدفون در ابن بابویه ری.

○ خوش معاصر ۸۴.

□ صدرالدین - آرامگاه شیخ صدرالدین صفوی.

□ صدرالدین ابوبکر، ششمین نفر از آل خجند در اصفهان، که در ۲۲ شوال ۵۵۳ در روستایی از کرمانشاه مرد و بدنش را به اصفهان آوردند و در محله سنبلان یا سنبلستان به خاک سپردند.

○ د ب ۶۹۵.

□ صدرالدین زنجانى، خواجه - آرامگاه صدر جهان.

□ صدرالدین عیسی، دانشمند پارسی‌گوی نویسنده و شاعر معاصر تاجیکستان م ۱۳۳۳ خ، مدفون در شهر دوشنبه.

○ سیمغ ۱۱۷ + فک مؤلفان ۵۳۸/۳.

□ صدرالدین محمد بن اسحاق قونیوی، از عارفان بزرگ سده هفتم معاشر و مرید جلال الدین بلخی در سده هفتم که عده کثیری از اکابر صوفیان شاگرد و مرید وی بوده اند. وی در ۶۷۳ به جهان دیگر شتافت و در جوار حرم مولوی به خاک سپرده شد، صاحب آثار مهم.

○ تان ۱۵۰.

□ صدرالشریعه، عبیدالله، فرزند، مسعود محبوبی بخارایی از خاندان بسیار معروف در بخارا که پدران هم در فقاوت شهرت داشتند و لقب وی در حقیقت صدرالشریعه اصغر بوده است. م ۷۴۷ مدفون در آرامگاه خانوادگی شرع آبادی بخارا.

○ تان ۱۵۵.

□ صدرالعلماء، سیدجعفر پسر سیدمحمد باقر که پس از بهیانی ریاست علمیه تهران را داشت. م ۱۳۳۵ در تهران، مشهد حرم مطهر امام رضا (ع).

○ رج ۲۴۱.

□ صدرالممالک، میرزا محمدعلی مستوفی معروف به صدر قزوینی. م ۱۳۱۹ در تهران، مقبره خاص خودش در شهر ری.

○ رج ۳/۴۴۶.

□ صدرجهان زنجانى، خواجه صدرالدین احمد خالدى. وزیر معروف گيخاتوى مغول، از قاضی زادگان زنجان. از عهد ارغون خان به امور



○ پارسی کشمیر ۸ تصویر ۲۵ + هنر و مردم ۷۲، بهمن ۱۳۵۰.

□ صمصمه، محمد، احتمالاً قدمگاه محمد صمصمه که در کربلا در رکاب حضرت امام حسین (ع) شهید شد در این مکان بوده است، بهر حال آرامگاهی است که در مسجدی بدین نام منسوب به محمد صمصمه است.

○ د ش ۳۷۵.

□ صفاییه ← آرامگاه میرزا صفا.

□ صفای قبری، نسخ نویسی که کارش قرآن نویسی بود، اما شاعری هم می‌کرد. در ۱۰۱۶ در قزوین مرد و مدفون شد.

○ تان ۷۰۰.

□ صفدر جنگ، در دهلی تاریخ بنا ۱۷۵۰ م، تقلیدی مطلوب از بنای همایون در دهلی و تاج محل در آگرا. صفدرجنگ از سرداران بابریان و از سادات ایرانی الاصل بود، پدرش سعادت خان صوبه دار آود شد و موفق گردید سلسله‌ای در آن دیار تشکیل دهد که تا ۱۸۵۶ ادامه یافت.

○ معماری هند، تصویر ۹۱ + د ۱۵۶۸.

□ صفیاری محمدباقر، ملقب به فخرالکتاب. م ۱۳۱۰ خ در مرنده.

○ خوش معاصر ۹۰.

□ صفی‌الدین در موسی ← آرامگاه ارموی.

□ صفی‌علیشاه، حاج میرزا حسن اصفهانی پسر محمدباقر متولد ۱۲۵۱. مدفون در خانقاهی واقع در خیابانی بدین نام در شمال میدان بهارستان. این خانقاه را خود وی ساخته بود و پس از انقلاب دارالتبلیغ امیرالمؤمنین نام گرفت، صفی‌علیشاه در ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۱۶ در ۶۵ سالگی فوت کرد.

ملکی مغولان پرداخت و از اینجویان شد، بایدوخان مغول با او مخالف بود و او به‌غازان پیوست و در دستگاه غازان ترقی کرد اما غازان مدتی بعد، وی را به تحریک بدخواهان از کار برکنار کرد و اگرچه بار دیگر او را بر سرکار وزارت خویش برگرداند، ولی سرانجام وی را عزل کرد و کشت. صدر جهان در هنگام وزارت متهم به اسراف و ولخرجی بود و انتشار و ترویج چار نیز بر همین مبنا بود، که با مخالفت عامه مردم روبه‌رو شد. آرامگاه وی در جوار امامزاده اباذر قزوین واقع شده است.

○ د ۱۵۶۱ + آق ۱۴۹.

□ صدر قزوینی ← آرامگاه صدرالممالک.

□ صدر هاشمی، سید محمد، دانشمند معاصر و مؤلف تاریخ جراید ایران. م ۱۳۴۴ خ تخت فولاد اصفهان.

○ تاج ۵.

□ صدیق‌الملک، میرزا غفار یا میرزا عبدالغفار خان از کارمندان عالی‌رتبه وزارت خارجه، عارف و خوشنویس. م ۱۲۹۵ تبریز محله سرخاب، سید حمزه.

○ رج ۱۷۲/۶.

□ صرفی، یعقوب فرزند میرحسن گناتی در ۱۵۲۱/۱۰۰۳ م در شهر سری‌نگر زاده شد. خانواده وی از فضلا و علما بودند، صرفی از پیروان جامی بود و وی را جامی ثانی خطاب می‌کردند. در نوزده سالگی جهانگردی را آغاز کرد و سرانجام به سری‌نگر بازگشت و به تدریس پرداخت. در ۱۵۹۵/۹۲۸ م جهان را بدرود گفت و در زمینه کادل سری‌نگر به خاک سپرده شد از وی آثار چندی برجای مانده است.

○ رج ۳۴۰ + ناصف ۱۳۰ + آط ۴ + د ۱۵۷۴.

□ صفی میرزا، (محمدباقر) فرزند شهید شاه عباس که در روز سوم محرم ۱۰۲۴ در یکی از کوچه‌های شهر رشت به دست اوزون بهبود غلام و یحیی، به فرمان شاه عباس کشته شد. بدن شاهزاده جوان (متولد ۹۵۵) چهار ساعت در آب و گل افتاده بود و سرانجام شاه که به بی‌گناهی وی پی برده بود دستور داد در همان کوچه و در همان نقطه آرامگاهی برایش بسازند، که امروز به نام مسجد صفی یا مسجد شهیدیه خوانده می‌شود، نام قبلی آن مسجد سفید بوده است.

○ شاع ۵۳۰.

□ صلاح‌الدین نخجوانی بلغاری، از بزرگان اولیای قرن هفتم، مزارش در سرخاب تبریز بالاتر از بابایزید نزدیک دره گراب.

○ کوی سرخاب ۲۱۰.

□ صمدخان مراغه‌ای، حاج شجاع‌الدوله رئیس دسته قراشوران و حکمران آذربایجان در ۱۳۳۰، از سوی روسها که درین مدت شش ماه، بیش از ۲۴۰ نفر از آزادیخواهان را کشت وی از طرفداران بسیار متعصب محمدعلی شاه و دوستدار روسهای تزاری بود و در آخرین بار هنگام جنگ اول به آذربایجان آمد، اما کارش به جایی نرسید و چون بیمار بود به روسیه کوچید و پس از عمل جراحی در لنینگراد به کیسلوودسک رفت و در همان جا مرد و به خاک سپرده شد.

○ رج ۱۸۰/۲.

□ صمصام‌الدوله، ابوکالیجار مرزبان، پسر وجانشین عضدالدوله دیلمی که نه سال سلطنت

کرد و تمام این مدت به کشمکش با دیگر مدعیان پادشاهی از جمله برادران خودش گذشت و سرانجام در ذی‌حجه ۳۸۰ توسط ابونصرایی بختیار کشته شد. مادر وی را نیز در این هنگام کشتند و بدن هردو را در مقابل عمارت سلطنتی به خاک سپردند، بهاء‌الدوله برادر صمصام‌الدوله وقتی به بغداد آمد دستور داد که بدن آن دو نفر را از گور درآورده در آرامگاه آل بویه در نجف دفن کنند.

○ تا دغ ۱۰۴.

□ صمصام‌السلطنه، نجفقلی‌خان بختیاری (۱۲۶۹-۱۳۴۹)، ایلخانی کل بختیاری، پسر دوم حسینقلی‌خان ایلخانی پیشین که توسط ظل‌السلطان کشته شد و برادر بزرگ علی‌قلی‌خان سردار اسعد. هنگامی که سردار اسعد در پاریس مصمم به همکاری با مشروطه‌خواهان شد، نجفقلی‌خان نیز به مخالفت با محمدعلی میرزا همت گماشت و موفق شد که اصفهان را از حکمران استبدادطلب طرفدار محمدعلی شاه، بازپس گیرد و با مکاتبه و ایجاد ارتباط با سپهدار تنکابنی، اتحاد گونه‌ای بین این دو نفر به وجود آمد که نتیجه آن شکست محمدعلی میرزا و غلبه مشروطه‌خواهان شد. دولت جدید از وی تجلیل کرد و به‌وی نشان قدس داد. وی از قبول حکمرانی کرمانشاه سر باز زد، اما در کابینه چند روزه سپهسالار اعظم وزیر جنگ شد و چند روز بعد خود به ریاست وزرا رسید. صمصام‌السلطنه چندبار رئیس‌الوزرا شد، آخرین بار در ۱۳۳۶ بود که احمدشاه وثوق‌الدوله را به جایش صدراعظم کرد. صمصام‌السلطنه پس از آن در تهران خانه‌نشین شد و پس از درگذشت در ۱۳۴۹ بدنش

را به اصفهان بردند و در آرامگاه خانوادگی  
بختیاری به خاک سپردند.

○ رج ۳۳۱/۴ - رهبر ۲ + د ۱۵۷۷.

□ **صنیع الدوله، محمدحسن خان** - آرامگاه  
اعتمادالسلطنه.

□ **صنیع الدوله، مرتضی قلی خان**، پسر علیقلی  
خان مخبرالدوله، در آلمان تحصیل کرد و پس از  
بازگشت در سال ۱۳۲۱ به ریاست اداره پست و  
گمرک رسید و یک کارخانه نخ‌ریسی هم به تهران  
آورد که در همان آغاز کار به خواست خارجی‌ان از  
کار افتاد. وی اولین رئیس مجلس در ایران بود که  
استعفا کرد و پس از چندبار وزیر شدن، هنگام  
تصدی وزارت مالیه در دولت حسن مستوفی  
توسط یک فرد گرجی از اتباع روسیه به نام ایوان و  
دو تن همدستان وی کشته شد، چهارم صفر  
۱۳۲۹، مدفون در آرامگاه هدایت خیابان  
اسلامبول.

○ رهبر ۳۷۹ + د ۱۵۸۵.

□ **صنیع الملک**، میرزا ابوالحسن خان غفاری  
(۱۲۲۹-۱۲۸۳) هنرمند عصر قاجاریه و اولین  
رئیس هنرستان نقاشی در ایران متولد کاشان که  
وی را در عنقوان جوانی به تهران فرستادند و وی  
توانست با ترسیم چهره محمدشاه، درخشش  
کامل یابد. ابوالحسن خان از طرف دولت به ایتالیا  
فرستاده شد و ناصرالدین شاه وی را نقاشباشی  
دربار کرد. صنیع الملک پس از عمویش

میرزا ابوالحسن خود را ابوالحسن ثانی خواند. و  
پسرش ابوالحسن ثالث شد، آرامگاه وی در  
قسمت شرقی سر قبرآقا، در درگاهی واقع بوده که  
در آغاز عصر رضاشاه هنگام احداث خیابان از بین  
رفته است.

○ کمال ۵ + د ۱۵۸۱ + رج ۴۱.

□ **صور اسرافیل**، میرزا جهانگیرخان. میرزا  
جهانگیرخان شیرازی با همکاری میرزا قاسم خان  
تبریز روزنامه‌های سیاسی را در عصر مشروطیت  
طبع و نشر کردند که تا آن زمان سابقه نداشت.  
اولین شماره این روزنامه در پنجشنبه ۱۷ دی  
۱۲۷۶/۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ طبع و نشر و مرحوم  
دهخدا نیز با میرزا جهانگیرخان در تهیه مطلب  
همکاری داشت و مقالات انتقادی تندوی، تحت  
عنوان چرند و پرند در این روزنامه نوشته می‌شد.  
آخرین شماره صوراسرافیل ۲۰ جمادی‌الاول  
۱۳۲۶ یعنی سه روز پیش از توپ بستن مجلس  
شورا عرضه شد. میرزا جهانگیر خان را در روز  
سوم تیر ۱۲۸۶ خ در باغشاه به شهادت رساندند و  
به قدری روزنامه صور اسرافیل با وجود وی  
بستگی پیدا کرده بود، که از آن به بعد میرزا  
جهانگیرخان، صوراسرافیل نام گرفت. وی را پس  
از شهادت پشت دیوار باغشاه دفن کردند اما  
به دستور حکومت آثار گورش محو شد.

○ رج ۲۸۳ + د ۱۵۸۷ + صدا - ۱۶ اسفند  
۱۳۶۷.

## ض

## از آرامگاه ضیای اصفهانی تا آرامگاه طالب جاجرمی

- **ضیای اصفهانی**، از شاعران عصر قاجار که استاد هیئت و هندسه هم بوده است. م ۱۲۶۵ در اصفهان، تخت فولاد.  
○ تا صف ۱۳۷.
- **ضیالدوله** ← آرامگاه امان‌الله میرزا جهانبانی، پدر.
- **ضیالدین ابوالمعالی**، عبدالملک بن عبدالله جوینی از عالمان بزرگ شافعی در ایران متولد و مدفون در بشینگان، دهی نزدیک نیشابور. م ۴۷۸.  
○ تا ن ۶۱.
- **ضیالدین عراقی**، آقاضیا، از علمای بزرگ سده‌های ۱۳ و ۱۴ ساکن نجف شاگرد آخوند خراسانی و شهید مدرس، مرجع تقلید، با برخی تألیفات به‌عربی. وی در نجف درگذشت و در یکی از حجره‌های صحن مرتضوی به‌خاک سپرده شد.  
○ رج ۱۲۶/۶.
- **ضیالعلماء**، ابوالقاسم دهخوارقانی که همراه با ثقه‌الاسلام در ۱۳۳۰ در تبریز توسط روسها به‌دار آویخته شد. مدفون در عتبات.  
○ فک مؤلفان ۲۴۵.

## ط

## از آرامگاه طالب جاجرمی تا آرامگاه ظل‌السلطان

- **طالب جاجرمی**، از شاعران سده نهم مقیم شیراز معاصر و مصاحب عبدالله بن ابراهیم سلطان. م ۸۵۴، در نزدیک مزار حافظ به‌خاک سپرده شد.  
○ تا ن ۳۰۱.
- **طالبوف، میزرا عبدالرحیم**، (۱۲۵۵-۱۳۳۸) نویسنده متعهد پارسی‌گوی، از پیشگامان تجدد و روشنفکری در ایران که در محله سرخاب شهر تبریز متولد شد. پدرش نجار بود و وی در ۱۷ سالگی از تبریز به‌تفلیس رفت و با مقاطعه‌کاری در آن شهر ثروتی اندوخت و به‌تمرخان شوره مرکز ایالت داغستان رفت و در آنجا مقیم شد. کوشش وی در راه تحقق مشروطیت و آزادی در ایران به‌ثمر رسید و انقلاب در ایران شکوفایی یافت. مردم آذربایجان او را در دوره اول به‌نماینده‌گی انتخاب کردند اما وی به‌عللی شاید پیری و ضعف از قبول این مسئولیت سر باز زد و به‌ایران نیامد. طالبوف آثار مهمی از خود برجای

گذاشت که معروفترین آنها کتاب احمد و مسالک المحسنین است. طالبوف در همان شهر تمرخان شوره مرد و به خاک رفت.

○ د ۱۶۱۰ + چهره‌ها ۶۰.

□ **طاووس الحرمین در ابرقو** ← آرامگاه حسن کیخسرو، احسن بن کیخسرو.

□ **طاهرزاده، سیدحسین** (۱۲۶۱-۱۳۳۴ خ) از خوانندگان موسیقی اصیل ایرانی مدفون در آرامگاه ظهیرالدوله شمیران ○ مردان موسیقی ۱۶۵.

□ **طاهر و مطهر**، و ملک کیومرث استندار، با کنده‌کاریهای عالی، صندوق و عمارت آجری در دهکده هزار چال کجور، که سیدظهیرالدین مرعشی در تاریخ گیلان می‌نویسد. در بیست و هفتم شوال ۸۶۳ از آن دیدن کردم آرامگاه را ملک کیومرث برای آن دو سید ساخته است.

○ آس ۱۸۶/۳.

□ **طاهر و منصور**، در کاشان کوی طاهر و منصور قرن ۱۰ و ۱۱.

○ معماری ۹۱/۲.

□ **طباطبایی، آسیدصادق**، پدر مرحوم آقاسید محمد در سال ۱۳۰۰ در تهران فوت کرد و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد، بعدها مرحوم میرزا یوسف مستوفی بر گور وی قبه‌ای بنا نهاد و آرامگاه خانوادگی طباطبایی تکوین یافت.

○ ث ۲۰۳ + ذریعه ۱۹۸ + یاق ۲۳۶.

□ **طباطبایی، میرزا سیدمحمد سنگلجی**، فرزند آسیدصادق (۱۲۵۸-۱۲۹۹ خ) یکی از دو مجتهد و روحانی آزادیخواه بنیانگذار مشروطیت که در شوال ۱۳۲۳ مهاجرت به حضرت عبدالعظیم را

طراحی و اجرا کردند، نفر دیگر سید عبدالله بهبهانی است که در مجموع به این دو نفر آیتین می‌گویند. محمدعلی شاه پس از توپ بستن مجلس آن‌دو را تبعید کرد، پس از استقرار مشروطیت این دو بزرگوار به تهران بازگشتند و مورد استقبال پرشکوهی قرار گرفتند. مرحوم طباطبایی روحانی متعهد و فقیهی متبحر بود و خوب می‌دانست و معتقد بود که تا سطح فکر و اطلاع مردم پایین است آزادی تحقق نخواهد یافت از این‌رو مدرسه اسلام را در محوطه سنگلج تأسیس کرد و برادر خود سید اسدالله طباطبایی را به مدیریت آن گماشت. طباطبایی دوماه پیش از کودتا در دی ۱۲۹۹ به رحمت خدا رفت و در آرامگاه خانوادگی در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

○ رهبر ۲۱۸ + د ۱۶۱۳.

□ **طباطبایی سید صادق** ← آرامگاه سیدصادق مجتهد.

□ **طباطبایی، سیدضیالدین** - فرزند سیدعلی آقای یزدی، زاده شده در شیراز ۱۲۷۰ خ، پانزده ساله بود که آتش انقلاب در ایران را روشن شد، وی از طرفداران این نهضت بود و ظاهراً روزنامه رعد را برای ارائه افکار خودش - که برخلاف پدر استبدادطلب، مشروطه‌خواه بود - به راه انداخت، و این مقدمه‌ای بود برای افتادن به‌راهی که تا آخر عمر در آن گام برمی‌داشت: طرفداری از سیاست انگلستان در ایران. پس از جنگ جهانی اول: قرار داد ۱۹۱۹ و کودتای سوم حوت ۱۲۹۹. اما عمر یکه‌تازی و نخست‌وزیری‌اش به سه ماه نرسید، کودتا اجرا شد اما فرماندهی واقعی آن با رضاخان میرپنج بود که عرصه را بر وی تنگ کرد و وی

ناچار شد در برابر اتحاد احمدشاه - سردار سپه - اعیان استخواندار مرتجع زندانی کشیده، فرار را برقرار ترجیح دهد و از ایران برود، سیدضیا پس از سقوط رضاشاه دوباره به ایران آمد اما موفق نشد که به ریاست دولت برسد، مصدق به طور مستقیم و شاه به طور غیرمستقیم جلوش را گرفتند و وی به کشاورزی سرگرم شد و از سیاست کناره گرفت. فوت شهریور ۱۳۴۸ مدفون در شهر ری آرامگاه ناصرالدین شاه.

○ رج ۵/۱۲۲ + داستان رضاشاه ۶۷.

□ **طباطبایی، سیدمحمد صادق**، فرزند سیدمحمد طباطبایی، از رجال معروف عصر مشروطیت، نماینده و رئیس مجلس، دولتمرد خوشنام عصر پهلوی، سفیر و روزنامه نگار فرهنگی و از زعمای مهاجران. در سوم دی ۱۳۴۰ درگذشت و در آرامگاه خانوادگی طباطبایی به خاک سپرده شد.

○ رج ۳/۴۱۰.

□ **طباطبایی قمی**، حاج آقا حسین (۱۲۸۱-۱۳۶۶)، قم حجره سوم شرقی صحن مطهر.

○ نک مؤلفان ۲/۸۷۲.

□ **طباطبایی یزدی**، سیدمحمد کاظم، (۱۲۵۶-۱۳۳۷)، نجف جنب درب طوسی.

○ نک مؤلفان ۵/۲۷.

□ **طبرسی**، ابوعلی فضل بن علی، ملقب به امین الدین که از مشاهیر محدثین و مفسرین و فقیهان سده ششم است. اثر مهم و بسیار معروف وی تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن است که در ذی قعدة ۵۳۴ از تصنیف آن فراغت یافت و آن ده مجلد است، جامع فنون لغت و نحو و تصریف و معنی و نزول، بیشتر در نقل اقوال مفسرین از

علمای اهل سنت و آثار دیگر. فوت در ۵۴۸ در سبزوار و مدفن او در مشهد در محل معروف به قتلگاه.

○ ل ۶۷۴.

□ **طبری احسان** ← آرامگاه احسان طبری.

□ **طیب شیرازی**، نجم الدین محمود پسر صابن الدین الیاس، از دانشمندان بزرگ شیراز در سده های ۷ و ۸ و از خاندانی که بیشترشان پزشک بوده اند. نجم الدین مورد توجه و علاقه خواجه رشیدالدین قرار گرفت. وی در طب و فقه استاد بود و رئیس بیمارستان دروازه سلم شیراز گردید. م ۶۹۰ در شیراز مدفون در محله باغ نو شیراز.

○ تان ۱۶۰.

□ **طوب**، میرزا ابوالقاسم فرزند رضاقلیخان همای شیرازی، از فضلاء شاعران، خوشنویسان و هنرمندان عصر خود بوده که در ۱۲۷۶ در اصفهان زاده شد. دیوان وی به اهتمام استاد جلال الدین همایی در ۱۳۴۲ خ در تهران طبع و نشر شد. طرب در ۱۲۹۰ خ در ۵۴ سالگی در اصفهان درگذشت و به خاک سپرده شد.

○ رج ۶/۱۱.

□ **طغرای مهدی**، که در آخر عمر در سری نگر کشمیر مقیم بوده است. مدفون در مزار شاعران. وی معاصر و ملازم شاهزاده مرادبخش بوده و یک مثنوی در وصف کشمیر از او مانده است.

○ نقش پارسی ۹۶.

□ **طغول بیگ**، طغول اول. رکن الدین ابوطالب محمد پسر میکائیل سلجوقی اولین پادشاه از این دودمان سلجوقی از ۴۲۹ تا ۴۵۵ که پس از شکست دادن مسعود غزنوی وارد خراسان شد و به کوشش سالار بوزگان اولین وزیرش بر تخت

نشست، خلیفه وی را فرمانروای بلاد گشوده شده ساخت و وی موفق شد که خلیفه را از شر بساسیری سردار دربار عباسیان که طغیان کرده بود آسوده سازد. طغرل می‌خواست با دختر خلیفه عروسی کند و قرار بود عروسی در ری انجام شود ولی گرمای هوا طغرل را که ۷۰ ساله بود بیمار ساخت و وی به علت خون‌دماغ شدید از دنیا رفت و در ری مدفون شد و بنا بر قولی در مرو در آرامگاه چغری‌بیک به خاک سپرده شد برج طغرل در ری کنونی آرامگاه وی است. بنایی سلجوقی - قاجار.

○ ری ۴۱۵/۲ و ۵۳۴ + آط ۱۴۵ + معماری ۷۷/۲ + د ۱۶۲۶.

□ **طغرل اول**، و طغرل سوم سلجوقی در شهر ری.

○ ری ۳۸۲.

□ **طغرل سلجوقی**، در مقاله گنبد طغرل یا دخمه قدیمی (دماوند).

○ کاروند کسروی، تهران ۱۳۵۲ ص ۴۱ + فم ۳۶۵.

□ **طغرل دوم سلجوقی**، که توسط قتلغ‌اینانج و تیکش کشته شد و سرش را به بغداد فرستادند. گورخانه طغرل.

○ ری ۲۰۶/۲.

□ **طوسی** ← آرامگاه ابوجعفر طوسی.

□ **طوطی**، سمنان، جنب مسجد امام قاجاریه

○ معماری ۹۶/۲.

□ **طوطی شاه خانم**، از همسران فتح‌الملی‌شاه.

حضرت عبدالعظیم باغ طوطی.

○ تا ع ۷۳۴ + تهران در تصویر ۴۳۸.

□ **طهرانی حاج علی آقا**، در مسجد قائم خیابان

سعدی تهران.

○ آط ۳.

□ **طهماسب دوم صفوی**، که در ۱۱۵۴ به فرمان

پسر نادر توسط محمدحسین خان قاجار دلولو،

همراه دو پسرش شاه عباس سوم و سلیمان میرزا

کشته شد. به روایتی مشهد، و به روایتی در بقعه‌ای

در قم، پهلوی جدش شاه سلیمان و پدرش شاه

سلطان حسین.

○ رج ۱۹۳/۲.

□ **طهمورث** ← آرامگاه طهمورث.

□ **طیب**، ملا - شاعر پارسی‌گوی کشمیر معاصر با

غنی کشمیری فقط هفتاد ورق از دیوان او در دست

است، آرامگاهش در شهرسری نگر کشمیر برپاست.

○ فارسی کشمیر ۶۶ با تصویر ورقی از دیوان وی

و آرامگاه.

## ظ

### از آرامگاه ظل السلطان تا آرامگاه عادلشاهیان

زاده شده در ۱۲۶۶. ناصرالدین شاه پیش از او سه

پسر دیگر پیدا کرد که همه مردند، اما وی به علت

□ **ظل السلطان مسعود میرزا**، یا سلطان مسعود

میرزا ظل السلطان، چهارمین پسر ناصرالدین شاه،

پنجره بیرون رفت، پرت شد و مرد ۱۳۴۸. وی را در امامزاده شهرضا به خاک سپردند.

○ رج ۴۶۴/۳.

□ **ظهرالدوله** ← آرامگاه ابراهیم خان  
ظهرالدوله.

□ **ظهرالدوله**، برادرزاده نادر که به دست سپاهیان شاهرخ اسیر شد و به دستور شاهرخ در راه مشهد به قتل رسید و در حرم مطهر حضرت رضا(ع) دفن شد.

○ رج ۱۸.

□ **ظهرالدوله**، میرزا **علی خان**، داماد ناصرالدین شاه و رئیس انجمن اخوت که روز هفتم تیر ۱۳۰۳ در تهران درگذشت. در بند شمیران.

○ روزشمار ۱۳۳ + گویا در امامزاده هاشم. یا ق ۳۰۱/۸ + در گورستان در شمال شمیران که به نام وی ظهرالدوله نام گرفته است.

□ **ظهرالدین عبدالرحمن شیوازی**، از پیروان  
سهروردی مدفون در شیراز. م ۷۱۴ یا ۷۱۶.

○ تا ن ۷۴۶.

□ **ظهر فاریابی** ابوالفضل طاهر بن محمد  
۵۹۸-۵۵۲، تبریز مقبره الشعرا.

○ آذ ۴۰۷ + کارنامه ۶۹۲ + کوی سرخاب ۳۲۵.

اینکه مادرش عفت السلطنه دختر رضاقلی بیک غلام پیشخدمت بهمن میرزا، عقدی نبود نمی توانست ولیعهد شود و مظفرالدین که از او سه سال کوچکتر بود ولیعهد شد. ظل السلطان همیشه مصدر کار بود و از شاهزادگان جسور و پرکار قاجار محسوب می شد، که حکمرانی اصفهان را همیشه داشت و چندبار پدرش به او مظنون شد، اما ظل السلطان با حيله و تدبیر ورشوه خود را حفظ کرد، اگر چه قلمروش کم وزیاد می شد. وی چندبار نیز خود را نامزد سلطنت کرد، اما در این باب همیشه ناموفق بود. مسعود میرزا در اواخر جنگ اول به اصفهان بازگشت و منزوی شد و پس از مرگ پسرش بهرام میرزا در اثر غرق کشتی سوسکس، تعادل روانی خود را از دست داد و سرانجام دچار افسردگی و جنون شد و در ۲۲ رمضان ۱۳۳۶ مرد و در حرم مطهر حضرت رضا(ع) به خاک سپرده شد.

○ رج ۹۹/۴ + روزشمار ۳۷۴ + یا ق ۲۰۲/۸.

□ **ظهرالاسلام** ← آرامگاه سیدجواد  
ظهرالاسلام.

□ **ظهرالدوله**، محمد قاسم خان پسر سلیمان خان قاجار قوئلو، داماد فتحعلی شاه. شبی در قمشه در حال بیهوشی و مستی به جای در از

## ع

### از آرامگاه عادلشاهیان تا آرامگاه غاتفر سریل

○ نقش پارسی ۷۲.

□ **عادلشاه محمد**، م ۱۶۶۰ م از عادلشاهیان هند،

□ **عادلشاهیان هند**، دکن شهرگوکی حوالی  
آرامگاه پیرچنداحسینی.



بیجاپور کل گنبد.

○ معماری هند ۷۶، تصویر ۵۱.

□ **عادلشاه افشار** ← آرامگاه علیشاه افشار.

□ **عارف قزوینی، ابوالقاسم، (۱۲۶۰-۱۳۱۲ خ)**

پسر ملاهادی زاده شده در قزوین، ملاهادی وکیل دعاوی بود و چون پسرش صدای خوبی داشت او را نوحه خوان کرد. عارف علاوه بر صدای خوب طبع شعر هم داشت وی از قزوین به تهران آمد و با محافل بالا آشنا شد به حدی که امین السلطان او را سر سفره خود می‌نشاند و ران مرغ به دستش می‌داد، مظفرالدین شاه نیز او را به حضور پذیرفت، و دستور داد که لباس روحانیت را از تن خارج کند. از این به بعد عارف یک شاعر ملی و احساسی شد که خود انقلاب مشروطیت را از نزدیک دید و با یک گرایش منفی و بدبینانه به نقد آن پرداخت. سپس از ظهور سیدضیاء به هیجان آمد و وی را ستود، پس از آن نوبت ستایش از رضا خان سردار سپه و تحول جمهوریت رسید، اما آن کس که مورد توجه خاص عارف واقع شد، کلنل محمدتقی خان پسیان بود که عارف کشته شدن مظلومانه وی را هیچ وقت فراموش نکرد. عارف علاوه بر شاعری، خوشنویسی بی‌بدل بود. وی را در آخر عمر به همدان تبعید کردند و وی این دوران را با سکوت و غمگینی به پایان رسانید و در اول بهمن ۱۳۱۲ مرد وی را در آرامگاه بوعلی به خاک سپردند.

○ داستانها ۱۰۴ + روزشمار ۱۹۷ + آذر

۱۳۱۲ فوت رج ۶۰ + از صبا ۱۴۶ + چهره‌ها ۱۱۴.

□ **عارفان مدفون در جوار باباطاهر** ← آرامگاه

باباطاهر

□ **عاشق بخارایی، مولانا کمال الدین** از دانشمندان

سده دهم، شاعر و خوشنویس. م ۹۵۸ مدفون در جوار مزار احمد خسرویه.

○ تان ۶۲۴.

□ **عباس آقا، قاتل امین السلطان.** قبرستان چهارده معصوم.

○ رهبر ۳۳۰.

□ **عباس بن علی، (۱۲۴۲-۱۳۱۵)** فقیه اصولی، ادیب و شاعر از خاندان کاشف‌الغطا، متولد نجف، در هندیه درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد.

○ د ب ۱۰۲/۲.

□ **عباس بن علی، بقعه عباس بن علی.** در سمت چپ جان چغازنبیل در هفت تپه. با گنبد مضرس کوچک و آجرکاری.

○ د ش ۱۵۰ + معماری ۸۵

□ **عباس افندی، میرزا عباس معروف به عبدالبهاء** و غصن اعظم پسر بزرگ میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاء یا بهاء‌الله در ۱۲۶۰ در محله عربها در خانه میرزا حسینعلی زاده شد. از سال ۱۳۰۹ که پدرش درگذشت به ریاست رسید، ابتدا با سه برادر تنی‌اش که مادرشان مهدعلیا بود (مادر عباس نوابه + ام‌الکائنات بوده است) کشمکشهایی داشت اما بر ایشان فائق آمد. کار مهم عباس افندی سیر و سیاحت در تمام جهان آباد و متمدن آن روزگار بود. عباس افندی پس از این سفرها به جای عکا که مقر پدرش بود در حیفا مقیم شد و روابطی گرم با بریتانیا برقرار ساخت و لقب سر گرفت. تصویر وی در مجلس دریافت این لقب در حضور مارشال لُرد آلبنی در دست است. عباس

افندی در ۲۷ ربیع اول ۱۳۴۰ در حیف، در ۸۰ سالگی درگذشت و در جبل کرم بالا حیف در کنار آرامگاه منسوب به سید علی محمد باب مدفون شد و شوقی افندی جانشین وی شد.

○ رج ۱/۲/۲۰۰ با تصویرها.

□ **عباس اقبال آشتیانی** - آرامگاه اقبال آشتیانی، عباس.

□ **عباس علی**، بقعه عباس علی در شهر دزفول در خیابان گلنار با تابلو معرفی عباسیه اعظم که بقعه آن به بناهای سلجوقی و تیموری، مشابهت دارد. این عباس از احفاد یحیی بن زید بن علی (ع) است.

○ د ش ۳۹۲.

□ **عباس میرزا نایب السلطنه**، پسر دوم فتحعلی شاه قاجار (۱۲۰۳-۱۲۴۹) که در آبادی نوای مازندران زاده شد، از سال ۱۲۱۳ ولیعهد و حکمران آذربایجان شد و میرزا بزرگ قائم مقام وزیر وی گردید. متأسفانه این حکمرانی مصادف شد با لشکرکشی روسها به قفقاز و موافقت و همکاری زیر پرده انگلستان با ایشان که منجر به از دست دادن این نواحی مهم در شمال غرب کشور شد. عباس میرزا را می توان شجاع ترین و مدبرترین شاهزاده قاجار دانست.

○ رج ۲/۲۱۵.

□ **عبدالباقی حکیم باشی**، حاج - ملقب به اعتضادالاطبا طبیب ویژه عزت الدوله. فوت در کربلا و مدفون در همان شهر.

○ رج ۲/۲۳۵.

□ **عبدالباقی خان، میرزا** - منجم باشی لنگرودی دخترزاده شاهرخ افشار و داماد فتحعلی شاه و متولی آستان قدس. م ۱۲۷۰ تهران ابن بابویه.

○ رج ۲/۲۳۷.

□ **عبدالبا** - آرامگاه عباس افندی.

□ **عبدالجواد خطیب**، خوشنویس، ۱۳۵۰ بیرون تکیه کازرونی تخت فولاد اصفهان.

○ خوش ۳۶۸.

□ **عبدالحسین خان وکیل الملک**، پسر سیدفضل الله خان وزیر خلوت و برادر کوچک حشمت الدوله والایبارکه در ۱۳۰۶ در تبریز زاده شد، در ایران و پاریس تحصیلاتی کرد و مشاغل گوناگون یافت و آخرین سمتش رئیس محاسبات دریار رضاشاه بود. در آخر عمر به ملایر تبعید شده بود، تا اینکه در همان شهر به سال ۱۳۶۰/۱۳۲۰ خ کشته شد و به خاک رفت.

○ رج ۵/۱۴۲.

□ **عبدالحسین میرزا فرمانفرما** - آرامگاه فرمانفرما.

□ **عبدالغیر**، در ۵ کیلومتری غرب قریه فروه، صفوی.

○ معماری ۲/۹۴.

□ **عبدالرحیم**، ازه آبادی یا اچابادی زاده شده در تبریز در کوی سرخاب. وی بافنده ابریشم بود که مورد توجه بابامزید قرار گرفت و به مقامات عالی رسید. م ۶۵۵ پس از دوازده سال سفر و سیر و سلوک عارفانه.

مدفون در کوی سرخاب تبریز

○ کوی سرخاب ۲۰۶.

□ **عبدالرحیم خان خانان**، قهرمان میرزا پسر بیرام خان خان خانان از امیران دستگاه بابریان که به چهار یا پنج پشت نسبش به علی شکر ترکمان بهارلو می رسد، خاندانی که از مدتها پیش در بدخشان مقیم بوده اند. بیرام خان از عوامل

تشکیل و تقویت سلسله بابری بوده است و شیعی متعهد به طوری که بدنش را به مشهد برده به خاک سپردند. آرامگاه عبدالرحیم در دهلی و از زیباترین عمارات آرامگاهی هند است.  
○ تان ۳۵۹.

□ عبدالرحیم خلوتی، در حظیره بابامزید درکوی سرخاب عارف و خوشنویس. از او نقل می‌کنند: ما به چله می‌نشینیم و یک مصحف بیرون می‌آوریم و دیگر درویشان که می‌نشینند آیاه بیرون می‌آورند. قرن نهم.  
○ کوی سرخاب ۱۸۵.

□ عبدالرسولی، علی - متولد ۱۲۵۸ تهران، پسر علامه عبدالرسول فیروزکوهی، شاعر و محقق، خوشنویس و فاضل. فوت در ۶۴ سالگی. تخت فولاد اصفهان.  
○ رج ۱۶۳/۶.

□ عبدالصمد - آرامگاه شیخ عبدالصمد ماستری نطنزی اصفهانی.

□ عبدالعالی و عبدالمعالی، در سمنان، محلات ثلاث.

○ معماری ۹۶/۲.

□ عبدالقادر گیلانی، و شهاب‌الدین سهروردی، بغداد.

○ تان (۳۸).

□ عبدالکریم حائری یزدی، حاج شیخ - در ۱۲۷۶ در مهرگرد یزد زاده و در ۱۳۱۶ به دعوت بزرگان و علمای شهر اراک به آن شهر رفت و چند سال در آن شهر بود و سپس به دعوت علمای قم به قم رفت و حوزه علمیه قم را پایه‌گذاری کرد. فوت در بهمن ۱۳۱۵، ذی‌حجه ۱۳۵۰ در قم. مدفون در کنار رواق حضرت معصومه (ع).

○ رج ۲۷۵/۲.

□ عبدالکریم گزی، آخوند ملا، زاده شده در ۱۲۷۲، فرزند حاج ملامهدی با تخلص شعری مهدوی و نویسنده تذکرة القبور. وی در ۱۳۰۰ خ/ ۱۳۳۹ در اصفهان مرد و در گورستان تخت فولاد به خاک رفت.

○ رج ۱۴۷/۵.

□ عبدالله پسر طاهر، دومین امیر از خاندان طاهر. نیشابور حظیره، مجموعه‌ای از قبور آل طاهر و برخی از اجله سادات.

○ آخ ۱۲۹.

□ عبدالله بن علی بن ابی‌طالب (ع)، بصره.

○ س ۴۶.

□ عبدالله بن علی، در شمال شهر شوش، شاید قبر دعبل بن علی شاعر آل محمد.

○ دش ۱۰۱.

□ عبدالله جنگی دوست، فرزند ابوعبدالله از احفاد حسن مثنی متولد. ۴۷۰ در نیف گیلان. صوفی و واعظ معروف و مؤسس فرقه قادریه، م ۵۶۱ در بغداد و مدفون در همان شهر.

○ تان ۱۳۱.

□ عبداللطیف طسوجی تبریزی، میرزا، مترجم نامدار عصر قاجاریه ملقب به ملاباشی آخر عمر معتکف در نجف. م ۱۲۹۷، نجف.

○ تا ضف ۴۸۵.

□ عبدالمحمد میرزا، سیف‌الدوله برادر عین‌الدوله. م ۱۳۳۹، ملایر مقبره‌ای که خود در پارک ساخته بود.

○ رج ۱۰۲/۲.

□ عبدالنبی طسوجی، ملا، از فضلاء آذربایجان از ۱۲۹۶ مقیم کر بلا، م ۱۳۰۳ کر بلا و مدفون در

همان شهر.

○ رج ۱۵۱/۶.

□ **عبدالوهاب، حاجی.** پسر عبدالقیوم نایینی (۱۲۱۲-۱۱۱۸) عارف معروف مرشد حاج محمدحسن تبریزی پدر بزرگ مشیرالدوله نایینی که در نایین مرد و به خاک رفت.

○ رج ۳۱۸/۲.

□ **عبدالوهاب قزوینی.** پدر میرزا محمدخان و یکی از نویسندگان اربعه نامه دانشوران، فوت در ۶۱ سالگی در خانه محله دروازه قزوین و نمی دانیم کجا دفن شد باید پرسید.

○ یاق ۲۱۰/۵.

□ **عبدالهادی پارسا،** خواجه نظام الدین پسر خواجه ابونصر ثانی، از احفاد خواجه محمدپارسا پیشوای نقشبندی که مدتی قاضی شهر بلخ بود. وی در شاعری دست داشت و در اثر بیماری کوچکی مرد و در جوار جدش خواجه محمدپارسا به خاک رفت.

○ تان ۶۲۳.

□ **عبرت نایینی،** شاعر امامزاده عبدالله شهر ری.

○ کارنامه ۷۳۷.

□ **عبیدالله احرار،** خواجه ناصرالدین سمرقندی. از بزرگترین مشایخ نقشبندی در سده نهم مقیم روستای کماگران سمرقند. م ۸۹۵ در سمرقند و مدفون در آن شهر آرامگاهش اکنون زیارتگاه است. کتاب سلطان العارفین مولانا محمد قاضی در مناقب وی است و خسود وی مؤلف تحفة الاحرار است.

○ تان ۲۶۳ و (۸۸).

□ **عدل الملک،** سیدحسن شام غازانی، زاده شده در تبریز ۱۲۵۷ از ادبا و فضیلا عصر خود و جد

خاندان عدل که در سال ۱۳۳۶ در تبریز مرد و در آرامگاه سیدحمزه به خاک سپرده شد.

○ رج ۷۹/۶.

□ **عدل الملک -** آرامگاه دادگر، حسین.

□ **عراقی، فخرالدین،** ابراهیم فرزند بزرگمهر شاعر متصوف معروف، مرید و داماد بهاءالدین زکریا ملتانی که در ۵۶۵ زاده شد و در ۷ صفر ۶۶۴ یا ۶۶۶ درگذشت. وی در جهان اسلام سیر و سیاحت کرد و در سرودن اشعار عارفانه از استادان طراز اول بود. آرامگاه او در دمشق کنار آرامگاه ابن عربی بود که آن را ازین برده اند.

○ تان ۷۴۰ + د ۱۷۰۷ + ت دکتر سلیم اختر.

□ **عراقی، آیت الله -** آرامگاه آیت الله اراکی.

□ **عرفی شیرازی،** سیدجمال الدین محمد ابتدا در سال ۹۹۰ به دکن رفت و از آن جا به فتح پور نزد فیضی رفت فیضی وی را در خانه خود نگه داری می کرد اکبر به وی توجه داشت و جهانگیر از حامیان و دوستان وی شد. به قولی مخالفان به او زهر خوراندند و وی از اسهال مرد. عرفی در لاهور به خاک سپرده شد تا اینکه در سال ۱۱۹۴ سهواً بقایای بدن وی را به جای جسد کسی که در پهلوی او دفن بود، به نجف برده به خاک سپردند.

○ تان ۴۱۷.

□ **عزیزالسلطان، غلامعلی -** آرامگاه ملیجک.

□ **عزیزخان مکری،** سردار کل فرزند محمد سلطان مکری والی آذربایجان، م ۱۲۸۷ تبریز در جوار سیدحمزه.

○ کوی سرخاب ۱۱۲.

□ **عشقی،** میرزاده عشقی، سیدمحمد رضا فرزند سیدابوالقاسم کردستانی، شاعر وطنی ایران دوست، زاده شده در ۱۳۱۲ که پس از تحصیل

جانشینی خود و امارت فارس را به‌وی داد. وی معروفترین پادشاهان این سلسله بود و از لحاظ قدرت سیاسی و شمع فرهنگی و اجتماعی یکی از برجسته‌ترین حکومتگران ایران است. عضدالدوله در ۳۷۲ دچار مرض صرع شد و در اثر بیماری و ضعف در هشتم شوال همان سال مرد، طبق وصیت بدنش را در نجف در آرامگاه پادشاهان بویه نزدیک حضرت علی (ع) به‌خاک سپردند.

○ د ت ۶۳۷ + شیرازنامه ۳۲ + تا دغ ۷۸.

□ عضدالسلطنه، سلطان احمد میرزا (۱۳۵۸-۱۳۰۸)، پسر ناصرالدین‌شاه که بسیار به‌وی شبیه بود، احمدمیرزا در تهران مرد و در آرامگاه محمدشاه در قم به‌خاک سپرده شد.

○ ر ج ۱۱۷/۶.

□ عضدالملک، علی رضا خان قوانلو ایلخانی قاجار پسر موسی خان و دایی ناصرالدین شاه، زاده شده در ۱۲۳۸. نخستین سمت وی غلام بچگی محمدشاه بوده است. در عصر ناصرالدین‌شاه که غلام بچه‌باشی شده بود به‌علت خبرچینی برای میرزا آقاخان چوب خورد و از دربار اخراج شد، اما به‌واسطه اینکه برادرزاده مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه بود. دوباره به‌دربار راه یافت و سرپرستی طلاگیری گنبدیهای کاظمین را عهده‌دار شد و به‌خوبی از عهده این کار برآمد. پس از آن مشاغل عمده یافت و مدتی به‌اصطلاح وزیر عدلیه شد. محمدعلی شاه او را دوست نداشت، گرچه او کوشش داشت که بین محمدعلی و مجلس را بهبود بخشد. سرانجام روز جمعه ۲۸ تیر ماه ۱۲۸۸ ۲۸ جمادی دوم ۱۳۲۷ محمدعلی به‌سفارت روس پناه برد و مخلوع شد و احمدشاه

مترجم یک بازرگان فرانسوی شد و در هفده سالگی وارد کارهای سیاسی اجتماعی گردید. عشقی پس از آغاز مهاجرت در عصر احمدشاه به‌اسلامبول رفت و در آنجا پس از تحصیل و یاد گرفتن زبان به‌شکل مستمع آزاد، آثاری از خود به‌یادگار گذاشت. عشقی در ۱۳۳۶ به‌همدان بازگشت و سپس به‌تهران آمد و مبارزات سیاسی خود را بر ضد قرار داد ۱۹۱۹ آغاز کرد. پس از مدتی کودتا حادث شد و وی این بار مبارزه‌ای سخت‌تر را آغاز نهاد و آن انتقاد شدید از خودسریهای سردار سپه پس از کودتا بود که به‌قیمت جاننش تمام شد. مقالات مربوط به‌جمهوری و کاریکاتور جالبی که داستان دزدی شیر توسط یاسی را از خم شیر، درحالیکه سوار بر الاغ است، مجسم می‌ساخت و آرم جمهوری را که عبارت بوده از ترکیب اسکناس و توپ و تفنگ و گرزگاو سر، مشت و شلاق و... ارائه کرد، این بار سردار سپه تاب نیاورد و به‌اشاره وی بامداد روز آخر ذی‌قعدة ۱۳۴۲ (۱۲ تیر ۱۳۱۰) دو سه ناشناس ولی معلوم‌الحال وی را در خانه‌اش در ولی‌آباد تهران کشتند. جنازه وی با احترام از سوی مردم تشییع و در ابن‌بابویه به‌خاک سپرده شد.

○ از صبا ۳۶۱ + تاب ۶۶/۳.

□ عصار، خواجه محمد تبریزی، شمس‌الدین - از شاعران سده هشتم که قصه مهر و ماه را به‌نظم در آورد.

○ تان ۲۰۳ و ۳۴۱.

□ عضدالدوله، ابوشجاع پناه (فنا) خسرو یکی از سه پسر حسن رکن‌الدوله بویه‌ای بود که در سال ۳۲۷ یا ۳۳۹ در حضور ارکان رجال کشور،

به جایش نشست و چون خردسال بود عضدالملک را به عنوان نایب السلطنه انتخاب کردند و وی یک سال و سه ماه بعد، در ۱۷ رمضان ۱۳۲۸ در ۹۰ سالگی به رحمت خدا رفت و در ایوان آرامگاه ناصرالدین شاه دفن شد.

○ رج ۴۳۵/۲ + رهبر ۴۹۶/۲ + تاریخچه ۷۸ + چهره‌ها ۸۴.

□ **عطار**، شیخ فریدالدین محمد فرزند ابراهیم نیشابوری (۶۱۸-۵۴۰) نویسنده و شاعر صوفی مشرب ایران و از پیشگامان جلال‌الدین بلخی در نظم کردن مثنویهای عرفانی بود. وی در کدکن زاده شد و در نیشابور به شغل پدری که عطاری بود سرگرم شد. پدرش نیز با داشتن این حرفه که در آن زمان، ترکیبی بود از طبابت و داروسازی و داروفروشی مردی فرهنگ دوست، شاعر و ادب پرور بود. عطار در مسلک عرفان تابع شیخ ابوسعید ابوالخیر بود و گذشته از تخصص در پزشکی و داروسازی در حکمت و نجوم و ادب و علوم دینی نیز بصیرت داشت. از عطار آثار مهمی برجای مانده که از آن جمله است تذکرةالاولیاء. سال فوت و یا کشته شدن وی ۶۱۸ است، او را در شهر نیشابور نزدیک مزار خیام به خاک سپردند، با بقعه‌ای کاشیکاری شده و سنگ قبر و سنگی به شکل ستون که در آن اشعاری در ثنای او و شرح شهادتش نوشته شده است. بقعه او را نیرالدوله در عصر فتحعلی شاه ساخت و انجمن آثار ملی آن را تکمیل و در جوارش آرامگاه کمال‌الملک را بنا کرد.

○ ۲۲ + تان ۱۱۳ (۳۶) + آخ ۱۲۹ + کارنامه ۳۳۰ + بنای تیموری. معماری ۸۹/۲ + د ۱۷۴۱.

□ **عظاملک جوینی**، وزیر معروف ایلخانان مغول

که در ۴ ذی حجه ۶۸۱ از غصه مرد، تبریز.

○ تاغ ۲۲۴.

□ **علاءالدوله اول**، نجف اشرف.

○ رج ۴۰۰/۳.

□ **علاءالدوله کاکویه**، محمد فرزند رستم معروف به پسر کاکویه، مؤسس سلسله‌ای از دیلمیان در ایران، سده چهارم و پنجم. ابن سینا مدتی وزارت وی را بر عهده داشت و دانشنامه علایی را به نام وی نوشت. م ۴۳۳، اصفهان.

○ د ب ۱۰۸/۲.

□ **علاءالدوله امیرعلی**، فرزند فرامرز، دومین نفر از آل کاکویه یزد (۵۳۶-۴۴۳) در جنگ با بُرکیارق سلجوقی که در بیابان میان ساوه و ری روی داد کشته شد. پیکرش را فرزندش گرشاسب به یزد آورد و در مدرسه دومناره به خاک سپرد.

○ د ب ۱۱۳/۲.

□ **علاءالدوله سمنانی**، بیابانکی، رکن‌الدین ابوالکرام احمد پسر شرف‌الدین، از عارفان نامی ایران، زاده شده در ۶۵۹، پس از سفر حج در خاقاقه‌ای که در صوفی آباد سمنان ساخت، منزوی شد. م ۷۳۶ جمعه سوم ماه رجب و در خانه خود به خاک سپرده شد.

○ تان ۱۴۸ + خانقاه را الحایتو ساخت و او را برای گشایش آرامگاه خود به سلطانیه دعوت کرد، خانقاه وی در ۱۹۵۰ م منهدم شد. معماری ایلخانی ۱۷۰ + آثار ایران ۲۶۳/۲ و ۹۰/۳.

□ **علاءالدین**، در جام با تصویر، مانده از سده دوازدهم.

○ معماری ۹۵/۲ + معماری ایران ۹۹.

□ **علاءالدین**، بنایی از سده هشتم در ورامین، علاءالدین امیرعلی آن را برای خود ساخته است

مورخ ۶۸۸.

○ آ ط ۲۶۰ + هنر ۳۴۸/۸ + مورخ ۱۲۸۷ م.  
معماری ایران ۸۸ + معماری ۱۷۷ + مشابه با  
بناهای سلجوقی ایران یک ۱۴۸/۴۹ + ایلخانی  
۱۲۹.

□ **علاءالدین نورتاج**، در جنوب دهلی - قصبه  
مهرولی و نزدیک مزار خواجه قطب‌الدین بختیار  
کاکای، این مزار در میان مردم به مزار شیخ یوسف  
قتال معروف شده، درحالی که طبق کتیبه موجود  
این مزار، مزار علاءالدین نورتاج است. علاءالدین  
نبیره شیخ فریدالدین گنج شکر صوفی معروف  
است که معاصر با اسکندر لودی بوده است،  
وفات شیخ در ۹۴۸ اتفاق افتاد در حالی که تاریخ  
کتیبه ۹۱۳ است.

○ نقش پارسی ۸۳.

□ **علاءالسلطنه**، میرزا محمدعلیخان، از رجال  
متأخر قاجاری که در سؤم تیر ۱۲۹۷ در تهران  
مرد. باغ طوطی مقبره مجدالملک.

○ رهبر ۲/۴۴۴ + رج ۳/۴۴۹ + تا صنف ۱۱۴۷.

□ **علاءالملک**، سید محمودخان متولد ۱۲۵۸ پسر  
میرزا علی اصغر متولی و برادر میرزا رفیع  
نظام‌العلما فوت ۱۳۴۴. تهران قم مقبره  
امین‌السلطان.

○ رج ۴/۴۲.

□ **علامه اقبال لاهوری** ← آرامگاه اقبال لاهوری.

□ **علامه حلی**، جمال‌الدین حسن، فرزند یوسف  
بن مطهر حلی (۲۹ رمضان ۶۴۸-۲۱ محرم ۷۲۶).  
فقیه بزرگ شیعه امامیه، کلامی و حکیم و محدث.  
معروف با تألیفات بسیار. در سال ۷۰۷ که سلطان  
محمد الجایتو زنش را به علی طلاق داد، علامه  
بر مبنای فقه شیعه این طلاق را به علت عدم

حضور دو شاهد عادل باطل دانست، الجایتو از  
این فتوا خوشحال شد و آیین تشیع را پذیرفت.  
علامه حلی آثار مهمی از خود به یادگار گذاشت که  
از آن جمله است ارشادالاذهان الی احکام الایمان  
در فقه و تبصرة المتعلمین فی احکام‌الدین که  
به تبصره علامه معروف است و آثار مهم دیگر.  
علامه حلی در حله از شهرهای عراق درگذشت و  
در نجف جنب مرقد حضرت علی(ع) به خاک  
سپرده شد.

○ د ۱۷۵۷.

□ **علامه دوانی**، جلال‌الدین محمد فرزند  
سعدالدین اسعد کازرونی، معروفترین دانشمند  
قرن نهم، پدرش قاضی دوان کازرون است. علامه  
دوانی در ۹۰۸ درگذشت و در دوان به خاک سپرده  
شد.

○ تان ۲۶۶ + ا ق ۱۱۱.

□ **علامه طباطبائی**، م ۱۳۶۰ خ قم در جوار  
حضرت معصومه(ع).

○ سیما ۲۲ آبان ۱۳۷۳.

□ **علامه قطب‌الدین محمود**، فرزند ضیاءالدین  
کازرونی شیرازی، زاده شده در شیراز ۶۳۴. پدرش  
پزشک بود و او هم پزشکی آموخت و همکار  
خواجه نصیر در رصدخانه مراغه و معاشر و  
مصاحب با جلال‌الدین بلخی و صدرالدین  
قونبوی در قونیه بود. وی دانشمند و پزشک و  
ریاضیدان و حکیم و متکلم و موسیقیدان بود و  
در ۷۱۰ تیریز مرد و در محله چرنداب به خاک  
سپرده شد. در آرامگاه شعرا جنب آرامگاه قاضی  
بیضاوی.

○ تان ۱۴۷ + تاغ ۵۰۷ + آذ ۴۱۵.

□ **علامه میرسید شریف جرجانی**، م ۸۱۶،

دارالشفای شیراز.

○ ۱۰ ق ۳۸۵.

□ عَلَم، امیر علم خان حشمت الملک، (امیر علم

خان سوم) پسر امیر اسدالله خان حکمران قائنات،

در ۱۳۰۹ با منصب امیرتومانی مرد و در حرم

امام رضا، دارالسعادة، صفة معروف به امیرقاین

به خاک سپرده شد. وی پدر بزرگ اسدالله علم وزیر

دربار و محرم اسرار محمد رضا شاه بود.

○ رج ۳۴۱/۲.

□ علمبردار، سردار اسلام در عهد حضرت

علی (ع)، در آمل، بنایی از قرن چهارم.

○ د ب ۲۱۲/۲ با تصویر.

□ علمدار، در خارگ با دو گنبد نیمدایره کوتاه در

نزدیک سواحل شرقی و حوالی آن قبرستانی در

سنگ کنده شد.

○ خارگ ۱۳۱.

□ علمدار، در دزفول با نقاشیهای داخلی.

○ د ش ۵۳۱.

□ علمدار، بقعه علمدار در شهر رامهرمز پشت

پارک شهر.

○ معماری ۸۵/۲.

□ علمدار، بقعه علمدار در شیراز محله لب آب.

○ معماری ۸۶/۲.

□ علویان، گنبد علویان، در همدان. مجموعه‌ای

در مرکز شهر همدان منسوب به دو سید به نامهای

سیدعلی و سیدحسن، که احتمالاً بنا از دوران

مغول و شاید عصر سلجوقیان برجای مانده است.

حدود ۱۲۰۰ م. هر تسفلد تاریخ بنا را بین ۱۳۰۹ و

۱۳۱۶ م می‌داند. از سوی دیگر برخی ویژگیهای

آن همانند است با بناهای سلجوقی در مراغه،

درحالی که از لحاظ تزیینات بنا پرکارتر و کاملتر از

بناهای سلجوقی است.

○ معماری ایلخانی ۱۶۴ + معماری ۹۵/۲ + هنر

۳۲۵/۸ + ایران یک ۱۴۲.

□ علی، گنبدعلی در ابرقو از سده پنجم.

○ معماری ۹۳/۲ و ۱۳۲.

□ علی ← آرامگاه عمیدالدین شمس الدوله.

□ علی بن ابوالمعالی، پسر علی صافی، با کتیبه

مورخ ۷۶۱، قم.

○ معماری ایلخانی مصور ۱۹۹.

□ علی بن بابویه قمی، پدر شیخ صدوق. بنای

صفوی در قم. نزدیک آستانه سنی فاطمه،

قاجاریه.

○ معماری ۷۸۲/۲ + آثار ایران ۲۲۰/۳ + د ت

۲۴ ابن بابویه.

□ علی بن جعفر، بقعه علی بن جعفر معروف به در

بهشت در قم از قرن هشتم، با حرم چهارضلعی و

گنبد دوپوش هرمی ۱۲ ترک.

○ آ ط ۳۷۸.

□ علی بن جعفر، در سمنان، خیابان شهید رجایی.

○ معماری ۹۵/۲.

□ علی بن جعفرالصدیق، و ابوجعفر محمد بن

موسی کاظم (ع)، قم قرن ششم.

○ معماری ایلخانی ۱۴۴ + معماری ۹۵/۲.

□ علی بن سهل، از عرفای قرن هفتم. اصفهان

طوقچی. فقط آثار آن مانده است.

○ آ ص ۸۱۲ + قرن سوم ل ۲۸۱۲ + قم ۳۷۲.

□ علی بن مازیار، از صحابه حضرت رضا (ع) در

جاجرم.

○ د ت ۴۵.

□ علی بن محمد، بقعه علی بن محمد ملقب

به قاضی صابر در ونک تهران، در کنار باغ مرحوم



مستوفی از عصر ناصرالدین شاه برجای مانده با کتیبه. در تاریخ ۱۳۰۳ که به همت مرحوم مستوفی ساخته شده با سنگ قبر و شعرهایی که بر آن کنده شده است.

○ آ ط ۲۱۳.

□ **علی بن مهریاز**، اهواز نزدیک پل چهارم، صفوته قرن ۱۴.

○ معماری ۸۵/۲.

□ **علی اکبر شاهی**، موسیقیدان و نوازنده سنتور. وی همان کس است که هنگام قصه‌گویی نقیب‌الممالک برای ناصرالدین‌شاه سنتور می‌زد. تهران چهارده معصوم.

○ سرگذشت ۴۶۴

□ **علی برید**، در یک میلی جنوب غربی شهر بیدر در نزدیکی حیدرآباد دکن در دیوار این آرامگاه در روی زمینه کاشی ملون برخی اشعار نغز و مناسب از عطار و سعدی و دو قطعه درباب تاریخ فوت وی در ۹۸۷، نوشته شد. از سعدی دو غزل در دیواره مزار خوانده می‌شود که دو بیت از غزل دومی را می‌آوریم:

«دامن‌کشان که می‌رود امروز برزمین

فردا غبار کالبدش بر هوا رود

خاکت دراستخوان رودای نفس خیره چشم

مانند سرمه‌دان که در او توتیا رود»

○ نقش پارسی ۹۱.

□ **علی ثانی** ← آرامگاه میرسیدعلی همدانی.

□ **علی خان خواجه نوری**، میرزا - پسر سوم میرزا خان نوری که در تبعید با پدر همراه بود و در سال ۱۲۸۰ به‌وی اجازه دادند که به تهران برگردد. علی خان در سال ۱۳۱۰ به‌مکه رفت و در آنجا فوت کرد و به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۱۵۵/۵.

□ **علی خان ظهیرالدوله** ← آرامگاه ظهیرالدوله.

□ **علیشاه**، علی‌قلی خان پسر ابراهیم خان افشار (برادر نادر که در قفقاز کشته شد) ملقب به عادلشاه که در سال آخر پادشاهی نادر، مأمور گوشمالی دادن به مردم سیستان که قیام کرده بودند شد. اما وی با سیستانیان هم‌عهد شد و خود برضد عمویش قیام کرد و پس از کشته شدن نادر با نشر اعلامیه‌ای خود را شاه خواند و از عمویش نادرشاه که دشمن شیعیان بود بدگویی کرد و او را ظالم و خونریز خواند درحالی که خود وی روی نادر را در این باب سفید کرد. وی پسران نادر و پسران این دو پسر را اسیر و همه را مسموم و کور کرد و کشت، فقط در شاهرخ پسر رضاقلی میرزا سم اثر نکرد. علیشاه پس از مقابله و جنگ با برادرش ابراهیم گرفتار شد و به‌قولی توسط زنان حرم نادر تکه تکه و معدوم شد و یا اینکه به‌دستور ابراهیم شاه در خرابه‌ای سرش را بریدند و جنازه‌اش معدوم شد و امروز آرامگاهی برای وی نمی‌توان یافت سال مرگ وی ۱۱۶۲ در ماه جمادی دوم بوده است.

○ رج ۴۶۱/۲.

□ **علی صافی و عمو و پسرعمویش** ← آرامگاه علی بن ابوالمعالی.

□ **علی عون**، بقعه علی عون، در هفت تپه در میان کشتزارهای نیشکر، بدون هیچ‌گونه نوشته‌ای بر بدنه داخلی و خارجی عمارتی قدیم، شاید ساسانی که به‌مرور به‌صورت بنایی اسلامی جلوه‌گر شده است.

○ د ش ۱۴۹ + معماری ۸۵.

□ **علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه**، پسر پنجاه

و چهارم از زن پنجاه و دوم فتح‌الملی شاه قاجار که مادرش گل پیرهن خانم که ارمنی و از مردم تفلیس بود در ۱۲۳۴ زاده شده. وی از افاضل علمای قاجاریه که آثاری نیز از وی در دست است. در سال ۱۲۶۴ هنگام فوت محمدشاه غازی مشیر و مشار و همه کاره ملک جهان خانم مهدعلی‌آزن محمدشاه و مادر ناصرالدین شاه بود. وی از دوستان و متحدان میرزا آقاخان نوری و مورد سوءظن امیرکبیر بود، از این رو پس از افول ستاره بخت امیرکبیر در ۱۲۷۵ به ریاست دارالفنون رسید و وزیر علوم شد و به همت وی گروهی از ایرانیان برای تحصیل به اروپا اعزام شدند. وی بانی انتشار چند روزنامه شد که از آن جمله است روزنامه علمیة دولت علیه ایران به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه. اعتضادالسلطنه به مقامات گوناگون رسید و سرانجام در شب عاشورای ۱۲۹۸ درگذشت و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

○ رج ۴۴۷/۲ + تا صف ۵۰۲.

□ **علی مالک**، بقعه علی مالک در دزفول، در کنار خیابان ششم بهمن (سابق) دو قبر منسوب به ابراهیم و عقیل پسران حضرت امیر(ع) نیز در این بنا قرار دارد که همه بدون تاریخ است.

○ د ش ۳۷۳ + احتمالاً قاجاری + معماری ۸۵/۲.

□ **علی مخصوص**، کاتب‌الخاقان، قم حرم مطهر. ○ خوش معاصر ۱۰۳ + عاشورای ۱۲۹۸ رج ۴۴۷/۲.

□ **علی موسی‌الرضا**، در قم مشرق شهر، قاجاریه. ○ معماری ۷۸/۲.

□ **عماد اردبیلی**، میرزا محسن متخلص به‌حالی،

زاده شده در ۱۲۸۵، خوشنویس و از عرفای سلسله ذهبیه. م ۱۳۳۳ خ عتبات.

○ ز ۱۶۰/۳.

□ **عمادالدوله**، ابوالحسن علی فرزند ابوشجاع بویه ماهیگیر، یکی از سه برادر تشکیل دهنده سلسله آل بویه، علی در ۳۳۴ بر بغداد مستولی شد و از سوی خلیفه عمادالدوله لقب یافت و تا آخر عمر در شیراز حکم می‌راند. م ۳۳۸ مدفون در استخر، وی پسر نداشت و برادرزاده‌اش عضدالدوله فنا خسرو به جایش نشست.

○ د ب ۶۳.

□ **عمادالدین**، قرن ۱۴ م قم.

○ معماری ایران ۱۴۷ و ۱۹۱ + معماری ایلخانی ۱۹۲، تصویر ۲۰۸ و ۲۰۹.

□ **عمادالدین شبلی شیروانی**، خواجه، عارف مشهور سده نهم در کاشان، وی در میدانی که با سنگ تراشیده ساخته شد (میدان سنگ) عمارات عالی برافراشت و آرامگاه وی در سمت شمال این میدان ساخته شده بوده است که آثار آن تا اواخر نیمه اول سده کنونی برپا بوده و اکنون فقط سنگ قبر وی در یکی از حفره‌های گوشه میدان بدون نام و نشان افتاده و از بقیه بناها فقط مسجد برجای است و از حمام اثری نمانده است.

○ کاشان ۹۳.

□ **عمادالدین محمود**، وزیر شاه شجاع م ۸۲۸. در حوالی دروازه قرآن نزدیک آرامگاه خواجو در یک طاق آجری.

○ اق ۵۱.

□ **عمادسیفی**، عمادالکتاب، خوشنویس معروف و عضو کمیته مجازات و کارمند دربار پهلوی. امامزاده عبدالله.

- خوش معاصر ۳۰.
- **عماد فقیه**، خواجه عمادالدین فقیه کرمانی غزلسرای بزرگ سده هشتم، معاصر با آل مظفر. م ۷۷۳ کرمان، مدفون در خانقاهش در همان شهر. ○ تان ۲۰۲.
- **عماد کاتب اصفهانی**، عمادالدین ابوعبدالله (۵۱۹-۵۹۷) در دمشق مقابر صوفیه.
- فک مؤلفان ۷۷۳/۵.
- **عمادی تهرانی**، یا شهریار، عمادالدین چون مدتی در غزنین بسر برده به غزنوی نیز معروف شده است، لقبش را از عمادالدوله فرامرز پسر فخرالدوله گرفته و عمادی شده. عمادی در ۵۹۳ در شهریار تهران در گذشته و به خاک رفته است. عمادی از بهترین شاعران قرن ششم بوده است. ○ تان ۸۳.
- **عمر بن ابوالعلا**، فرزند عبدالمطلب در صدر اسلام که با ونداد هرمزد در بیرون کردن اعراب یاری کرد. ○ آس ۱۴۳/۳.
- **عمر بن عبدالعزیز**، خلیفه صالح اموی. دیرسمعان، حمص در سال ۱۰۱. ○ التنبیه ۲۹۹.
- **عمر خیام** ← آرامگاه خیام نیشابوری.
- **عمو آخوند**، م ۱۰۵۳ در بهبهان.
- معماری ۸۶/۲.
- **عمو عبدالله**، شیخ عمو عارف متوفی در ۷۱۶، اصفهان کلادان، منارجنبان.
- ل ۲۸ + سیما ۱۳۷۰/۲/۶ + جغ ۳۱۵ + آص ۸۱۵.
- **عمه**، عمه بزرگ علامه قزوینی در سیادهن (تاکستان) قزوین.
- یا ق ۲۱۵/۸.
- **عمیدالدین شمس الدوله**، ابوعلی، هزاراسب. ابرقو، گنبد علی مورخ ۴۸۸، که آرامگاه همسرش نازنین فرشته نیز هست.
- اق ۳ + معماری ۹۳/۲ + آثار ایران ۲۲۱/۳
- **عمیدالدین لوبکی**، خواجه حکیم عمدهالملک - از مردم قصه لوبک از توابع سنم در هندوستان زاده شده در ۶۰۱، شاعر پارسی‌سرای با تخلص عمید. م ۶۸۳ مدفون در سنم. ○ تان ۱۷۵.
- **عمیدالملک کندری**، وزیر طغرل سلجوقی، وی به‌کوشش نظام‌الملک کشته شد و قاتلان هر تکه از بدنش را به‌جایی فرستادند و در حقیقت سراسر ایران را آرامگاه وی ساختند. این رویه ناهنجار در تاریخ ایران بارها تکرار شده است، بدنهای بی‌سر و سرهای بی‌تن بسیار به‌خاک رفتند، اما بوده‌اند بدنهایی که با سر و بی‌سر سوخته و بر هوا شده‌اند. آرامگاه تن وی در کندریان.
- شمیم سلاجقه ۱۱۳.
- **عنقا**، میرزا محمدحسین زاده شده در اصفهان، ۱۲۶۰ ادیب و شاعر و خوشنویس با لقب ملک‌الشعرا، وی در اصفهان مرد و به‌خاک رفت. ۱۳۰۸.
- رج ۲۲۹/۶.
- **عوض الخواص**، فرزند فیروز ملقب به‌شاه زرین‌کلاه، جد پنجم شیخ صفی‌الدین اردبیلی در دهکده کلخوران.
- آذ ۲۱۳/۲.
- **عون بن علی**، محمدبن علی در فومن - ماسوله بنایی از ۹۶۹.
- معماری ۸۱/۲.

□ **عون بن محمد**، ابن حنفیه، بقعه عون بن محمد در ماسوله با صندوق کنده کاری شده با تاریخ ۱۰۱۵.

○ آس ۱۳۳.

□ **عون علی**، در رأس قلعه مجاور گورستان سرخاب.

○ کوی سرخاب ۸.

□ **عیسی خان**، ۱۵۴۷ م، دهلی. این بنا یکی از زیباترین بناهای مقبره‌ای در جهان اسلام است که در نیمه سده ۱۶ م گنبد بزرگ و واحد را که یک خصیصه اسلامی هند است با گنبدهای کوچک اطراف گنبد اصلی تلفیق کرده است متاثر از بناهای آرامگاهی ایران.

○ معماری هند ۲۹ تصویر ۲۱ ب.

□ **عین الدوله**، سلطان عبدالمجید میرزا پسر سلطان احمد میرزا عضدالدوله پسر چهل و هشتم فتحعلی شاه که بر خلاف سه فرزند اولی سلطان احمد میرزا، از زن متعه بوده است. عین الدوله از ابتدای کار وارد دستگاه ولیعهد ناصرالدین شاه، مظفرالدین میرزا شد و یکبار که شاه در بازگشت از سفر اروپا مریض سخت شد، وی مژده مرگش را به ولیعهد داد، اما پس از معلوم شدن حقیقت قضیه، شاه نسبت به مظفرالدین تغیر کرد و عین الدوله مغضوب شد و به ابتکار امیر نظام

گروسی به وی توسری زدند و به سوی مقر حکمرانی سابقش قراجه داغ دواندند. اما عین الدوله در دستگاه مظفرالدین شاه تا صدارت ترقی کرد و در طلیعه مشروطه از مخالفان و معاندان با آن بود، اما با محمدعلی میرزا نیز روابط خوبی نداشت. عین الدوله پس از فتح تهران به دست ملیون، خود را تسلیم ایشان کرد و در این دوران پس از انقلاب و حصول مشروطیت نیز تا مرحله نخست وزیری ترقی کرد اما پس از کودتا خانه نشین شد و در دهم آبان ۱۳۰۶ مرد و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

○ رج ۹۶/۲ + رهبر ۳۹۴.

□ **عین السلطنه** ← آرامگاه سالور.

□ **عین القضاة همدانی**، ضیاءالدین ابوالفضل عبدالله فرزند محمد میانجی، از عارفان بزرگ سده ششم که سرانجام وی را به کفر متهم ساخته و به دستور قوام الدین در گزینی وزیر سلطان سنجر، دستگیر و پوستش را کردند و بر در مدرسه‌ای که در آن تدریس می‌کرد آویختند و مدتی بعد به زیر آورده در همان نقطه، در شهر همدان به خاک سپردند، ۵۳۳ م اکنون میدانی به نام وی در همدان هست.

○ تان ۱۱۱\*

□ **عینی**، صدرالدین ← آرامگاه صدرالدین عینی.

## غ

### از آرامگاه غاثفر تا آرامگاه فارابی

□ **غاثفرسرپل**، مزار غاثفر، آرامگاه عده‌ای از جمله امام ابویوسف همدانی، استاد الاثمه، عمر

بن احمد مرغینانی، امام اسکندران و خواجه دمشقی.

□ غجدوانی، قاضی فتح الله، شاعر پارسی‌گوی

متصوف که در غجدوان مرد و به خاک سپرده شد.

○ تان ۶۲۷.

□ غزالی، احمد، امام ابوالفتح احمد، برادر کهنتر

محمدغزالی عارف و دانشمند معروف. م ۵۱۷،

در قزوین.

○ تان ۲۷ و ۶۹.

□ غزالی، محمد، احتمالاً گنبد هارونیه در طوس،

بنایی عظیم از سده هشتم.

○ معماری ایلخانی با تصویر ۱۵۸ + غزالی نامه

استاد همایی.

□ غزالی، مقاله از عیسی صدیق.

○ فم ۱۲۹/۴ + فک ۶۷.

□ غزالی مشهدی، مولانا، از شاعران نامی

سده دهم، ابتدا در دربارشاه طهماسب بود

امابه‌هند رفت و ملک‌الشعرای اکبر شد و

سرانجام در ۲۷ رجب ۹۸۰ در احمد آباد

درگذشت و به فرمان اکبر، بدنش را در سر

گنج، آرامگاه پادشاهان و مشایخ به خاک

سپردند.

○ تان ۴۱۵.

□ غفاری، غلامحسین، صاحب اختیار فرزند میرزا

هاشم خان امین‌الدوله و برادرزاده فرخ خان.

درباری عصر قاجار و پهلوی (۱۲۷۶-۱۳۲۶) در

نودسالگی در تهران درگذشت و در قم آرامگاه

خانوادگی به خاک سپرده شد. صاحب اختیار

به جمع‌آوری عکس علاقه بسیار داشت و

مجموعه عکسهای او را کسی نداشت و زیر آنها

نام شخص یا اشخاص و محل و تاریخ عکس را

به خط خود می‌نوشت. علاوه بر گنج‌های چند

طبقه و صندوقهای انباشته از عکس، دیوارهای

○ قندیه ۴۴ + سمریه ۱۶۹.

□ غازان خان، غازانیه و ساختمانهای مجاور

به طرزی که در یک نسخه خطی مربوط به نیمه

نخستین سده هشتم نشان داده شده.

○ معماری ایلخانی ۱۳۵.

□ غازان خان، تبریز مجموعه شنب یا شام غازان

← آرامگاه سلطان محمود غازان.

□ غازان خان، غازانیه ← آرامگاه سلطان محمود

غازان.

□ غازان خان، گنبد غازان خان در شاهرود -

بسطام.

○ معماری ۹۶/۲.

□ غازانیه ← آرامگاه سلطان محمود غازان.

□ غازالدین خان، در بیرون دروازه اجمیر در

شهر دهلی کهنه، در کنار مدرسه‌ای که خود وی

ساخته است. غازالدین خان بهادر فیروز جنگ

پدر نظام‌الملک آصف‌جاه، جداعلای پادشاهان

آصف جاهیه دکن. م ۱۱۱۲ در احمدآباد مدفون

در همان مدرسه. در محل مدرسه مزبور امروز

دهلی کالج مستقر شده است که اولین مدرسه

کمپانی هند شرقی است مدرسه‌ای که خود اولین

محل تدریس زبان انگلیسی در شبه‌قاره بوده

است.

○ نقش پارسی ۱۱۶ + ج ۷۹۴.

□ همازیان، رباط غازیان در سمرقند، آرامگاه

گروهی از عارفان و قطبها.

○ قندیه ۲۹.

□ غالب ← آرامگاه اسدالله خان غالب.

□ غبار همدانی، آقاسید حسین، شاعر فوت

۱۳۲۲ در قم، نجف صحن مطهر.

○ تا صَف ۱۱۴۵.

دو اطاق از عمارت اختیاریه از زیر سقف تا نیم متر به کف مانده از عکسهای تاریخی و بی‌نظیر پوشیده شده بود. در سالهای آخر عمر که ضعف پیری و رنج بیماری صاحب اختیار را گوشه‌نشین ساخته بود، بیشتر اوقات را روی صندلی راحت در اتاقهای مزبور به تماشای نقش ایام خوش گذشته و تصاویر یاران موافق از دست رفته، می‌گذراند تا اینکه در سال ۱۳۲۶ خ برای عمل جراحی در بیمارستان بستری شد و همان جا از درد هستی رست از وی یک دختر به‌جامانده که همسر معاون‌الدوله غفاری شد.

○ رج ۷/۳ + رجال ناصری ۱۳۹.

□ **غفاریه**، گنبد غفاریه در باختر شهر مراغه، احتمالاً آرامگاه امیر شمس‌الدین قره سنقر سردار مغولی است که در زمان ابوسعید حکمران مراغه شده و حکمران مصر هم بوده است و این عقیده آندره گدار است، وی می‌گوید که در نقشهای داخلی برج، نقش چوگان که علامت خاندانی شمس‌الدین است، دیده می‌شود، سده هشتم.

○ معماری ایلخانی ۱۸۴ + بنا از ۷۱۶. معماری ۸۴/۲ + هنر ۳۴۲/۸ + آثار ۱۴۹/۲-۱ و آثار ایران ۳۰۴/۳ + ایران یک ۱۸۰ و ۱۸۲ و ۱۸۳.

□ **غلامحسین رهنما** ← آرامگاه رهنما.

□ **غلامحسین خان غفاری**، صاحب اختیار ← آرامگاه غفاری

□ **غنی**، ملا طاهر آشایی شاعر پارسی‌گوی مقیم کشمیر در قرن یازدهم. مدفون در آرامگاه

خانوادگی در شهر راجوری کدل نزدیک مقبره حسن بلادوری، وی شاگرد شیخ محسن فانی کشمیری بوده است. دیوان وی به چاپ رسیده است.

○ پارسی کشمیر ۳۶.

□ **غیاث‌الدین تهرانی** ← آرامگاه اعتمادالدوله.

□ **غیاث‌الدین تغلق خلجی**، سلطان هند ۱۳۲۵ م دهلی.

○ معماری هند ۱۸ تصویر ۱۱ الف.

□ **غیاث‌الدین فضل‌الله** رادکانی، خوشنویس عصر تیموریان. م ۸۶۷ هرات در جوار مزار امیرحسینی.

○ خوش ۵۵۸.

□ **غیاث‌الدین گرت**، در جوار آرامگاه احمدی جام‌که خود وی طاق و صفه آن را در ۷۳۰ ساخته بود.

○ مجمل فصیحی ۳/۲.

□ **غیاث‌الدین محمد**، در مسجد جامع هرات. غیاث‌الدین محمد غوری کمی پیش از وفات در حدود سال ۱۳۰۷/۷۰۷ م. عملیات ساختمانی را که شامل آرامگاه خود وی نیز بود آغاز کرد، ظاهراً در کتیبه داخل اطاق آرامگاه نام دو سلطان مغول اولجایتو و ابوسعید که رؤسای سرداران کرت بوده‌اند وجود داشته است. اولین سلطان کرت شمس‌الدین فرمانده نیروهای آباقاخان بوده است. آرامگاه نیمه ویران است و شاید تاکنون به کلی خراب شده باشد ← آرامگاه غیاث‌الدین کرت.

○ معماری ایلخانی با تصویر شماره ۶۳.

## ف

## از آرامگاه فارابی تا آرامگاه قانانی

- معماری ۸۰/۲. □ **فارابی**، ابونصر محمد، پسر اوزلغ (۲۵۹-۳۳۹) در فاراب خراسان زاده شد ترکی و فارسی می‌دانست، عربی نیز آموخت و به بغداد که مرکز مهم فرهنگی جهان اسلام بود رفت و به تحصیل پرداخت، استادش در این شهر ابویسر متن بن یونس بوده است که در حران مقیم بوده و فارابی به نزدش می‌رفته است. مطالعات فارابی در حکمت، ریاضی و موسیقی بود و از این لحاظ از پیشگامان شمرده می‌شود. فارابی در دمشق به رحمت خدا رفت و سیف‌الدوله امیر معروف شام بر وی نماز گزارد و در همان شهر به خاک سپرده شد.
- اقبال عباس ۷۵. □ **فاروقی چاندش**، سلسله در جنوب هند، تحت تأثیر آرامگاه هوشنگ. متأثر از معماری آرامگاه سازی ایران.
- معماری هند ۷۹ تصویر ۵۴ ب. □ **فارابی**، **ظهیرالدین**، ابوالفضل طاهر فرزند محمد از مردم فاریاب نیشابور که سفرهایی به نقاط مختلف ایران کرده است و مدح اتابک ایلدگز و محمد جهان پهلوان را گفته و سرانجام در ۵۹۸ در تبریز مرد و در آرامگاه شاعران سرخاب به خاک سپرده شد.
- تان ۱۰۶. □ **فاضل**، بقعه فاضل، قم روستای بید هند، قاجاریه.
- معماری ۸۰/۲. □ **فاضل بسطامی**، ملانوروزعلی (۱۲۲۵-۱۳۰۹) بسطام، از فقها و وعاظ معروف خراسان، مدفون در قبرستان قتلگاه مشهد.
- رج ۲۸۸/۶. □ **فاضل تونی**، از فقیهان عصر صفوی در کرمانشاه.
- کرمانشاه ۱۵۸. □ **فاضل شریانی**، ملامحمد، از علمای امامیه و مرجع تقلید. م ۱۳۲۲ در ۷۷ سالگی در نجف، مدفون در همان شهر. حرم حضرت علی(ع).
- رج ۲۰۱/۵. □ **فاضل قندهاری**، ملا عبدالله پسر ملانجم‌الدین از علمای مقیم مشهد، زاده شده در ۱۲۲۷ قندهار. از طرفداران اتحاد اسلام و مبلغ مبارزه با انگلیس در افغانستان. م ۱۳۱۲ در مشهد، حرم امام رضا(ع) دارالضیافه.
- رج ۱۴۷/۶. □ **حضرت فاطمه(ع)**، گورستان بقیع مدینه که تا عصر سعودی سنگ سماقی حاوی کتیبه‌ای مبنی بر معرفی آن حضرت بر آن بوده است.\*
- التبیة ۳۷۸. □ **فاطمه بنت شجاع**، ساوه، صفویه.

\*. آستانه‌ها و امامزاده‌ها در مجموعه‌ای دیگر آمد، در اینجا فقط یک اشاره شده است.

○ معماری ۸۱/۲.

□ **فاطمه بنت زید**، فقط سنگ قبر مورخ ۵۳۵ در کتاب پوپ.

○ ی ۹۱۲ و ۱۳۱۴.

□ **فاطمه خاتون دختر شیخ زاهد گیلانی**، در مجموعه شیخ صفی الدین، اردبیل.

○ آس ۱۵۷/۲.

□ **فانی و مجبوعلی شاه سمنانی**، شیخ محمدفانی از عارفان نامدار قرن چهاردهم و سیدابوطالب حسینی مجبوعلی شاه، عارف بزرگ قرن ۱۴ و. رئیس کمیته مشروطه خواهان سمنان و از صوفیان فرقه نعمت‌اللهی گنابادی. م ۱۳۴۱ این آرامگاه در سمنان واقع شده. آجری است با پوشش کاشی و تاریخ بنا ۱۳۴۱ است.

○ د ت ۴۵.

□ **فانی** ← آرامگاه ملامحسن فانی.□ **فتح‌الله اکبر** ← آرامگاه فتح‌الله اکبر□ **فتح‌الله خان شیبانی**، شاعر. م ۱۳۰۸ در خانقاهی که در دروازه قزوین برای خود ساخت. ○ از صبا تا نیما ۱۴۰ + در خانه خودش در خیابان امیریه. تا ضف ۷۵.□ **فتح‌الله خان مقدم مراغه‌ای**، ظفرالدوله و سردار موید. زاده شده در ۱۲۲۴ خ فرزند سرتیپ اسکندر خان معاصر با فتحعلی شاه. فتح‌الله خان که در سال ۱۳۲۲ ملقب به سردار موید شد، عهده‌دار فرماندهی سه فوج بود وی مردی عارف و مرید دایی خودش حاج کبیر آقا بود. فتح‌الله خان در ۱۳۰۶ خ در تهران مرد و در گورستان اختیاریه، حسین آباد سابق به خاک سپرده شد.

○ رج ۱۷۳/۵.

□ **فتح خان**، م ۱۶۵۷ در قدم رسول بنگال هند.

○ معماری هند، تصویر ۲۶.

□ **فتحعلی خان افشار آرشلو**، سردار نادر که به فرمان کریم خان در ۱۱۷۷ کشته شد. اسامزاده شهرضا قمشه.

○ رج ۶۱/۳.

□ **فتحعلی خان صبا**، فرزند آقامحمد، از خانواده‌های قدیمی کاشان و نامدارترین شاعر عصر فتحعلی شاه قاجار که در کاشان به دنیا آمد. فتحعلی خان ابتدا از مداحان لطفعلی خان زند بود و برخی اشعار وی در این مقوله در دست است، اما گفته می‌شود که وی یک دیوان کامل در مدح آن شاهزاده داشته که پس از افول ستاره بخت وی، آن را شست و در عصر بحران و حکومت آغامحمدخان در سختی و نگرانی بسر برد. پس از کشته شدن آغامحمدخان و آغاز حکمرانی فتحعلی شاه، ستاره بخت فتحعلی خان درخشیدن گرفت و در جشن جلوس وی شرکت کرد و قصیده‌گرایی خواند که پسند شاه افتاد و لقب ملک‌الشعرایی یافت و منصب احتساب‌الملکی گرفت و حکمران قم و کاشان و سپس کلیددار آستانه قم شد و از فتحعلی شاه صله‌های بسیار گرفت. در ازای سرودن شاهنشاهنامه در ۴۰ هزار بیت چهل هزار مثقال طلا صله گرفت و یک بار به فرمان شاه دهانش را پر از الماس کردند. کار مهم صبا سرودن شاهنشاه به تقلید از شاهنامه در تاریخ عصر فتحعلی شاه و نیاکانش است که آن هم با شاهنامه فردوسی قابل قیاس نیست. م ۱۲۳۷، نجف.

○ تا کاشان ۳۲۰ + از صبا ۲۰.

□ **فتحعلی شاه قاجار**، (۱۱۸۵-۱۱۵۰) باباخان

پسر حسینقلی خان جهانسوز و برادرزاده و



جانشین آغامحمدخان قاجار دومین شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰)، وقتی آغامحمدخان کشته شد وی حکمران فارس بود خود را به سرعت به تهران رساند و با کمک و تدبیر وزیرش حاج ابراهیم خان کلاتر مدعیان را از میان برداشت. در سال ۱۲۱۸ روسها به ایران حمله بردند، عباس میرزا ولیمهد با آنها مقابله کرد و خود فتحعلی شاه هم به کمک وی شتافت. جنگهای ایران و روس در دو مرحله نتیجه سیاست گستاخانه پیشروی روسیه به سوی جنوب بود و سیاست تضعیف ایران، به هر طریق ممکن، که از سوی انگلیس اعمال می شد. به هر حال قفقاز از ایران جدا شد و رودخانه ارس مرز دو کشور گردید. سلطنت در خاندان عباس میرزا به اشاره و تضمین روسها موروثی شد و چون عباس میرزا پیش از فتحعلی شاه مرد، پسرش محمدشاه ولیمهد گردید. لکه ننگ بر دامان فتحعلی شاه کشتار بیرحمانه خاندان حاج ابراهیم است توسط عمال وی. فتحعلی شاه حدود ۱۰۰۰ زن و ۲۶۰ فرزند داشت و از این نقطه نظر بی نظیر بوده است. وی در اصفهان مرد و جنازه اش را به قم آورده در آرامگاهی که خود سال پیش ساخته بود دفن کردند.

○ رج ۳/۶۸ + رستم التواریخ ۲۲ + د ۱۸۴۲.

□ **فتحعلی شیرازی**، نستعلیق نویس عصر قاجار، شاعر با تخلص حجاب که در سال ۱۲۶۹ مرد، بقعه شاه چراغ.  
○ خوش ۵۶۶.

□ **فخرایی**، **ابراهیم** ← آرامگاه ابراهیم فخرایی.

□ **فخرالدوله دیلمی**، و پدر و پسر وی، خودش مرده در ۳۸۷، محل آرامگاه مشرق کارخانه

گلیسیرین که امروز مفقود است.

○ ری ۳۸۲ و ۴۵۱ و ۴۲۰/۲.

□ **فخرالدوله**، **شاه توران آقا**، دختر ناصرالدین شاه وزن مجدالدوله که در جوانی به مرض سل در گذشت. قم مشهد حضرت معصومه، وی شاعر و نویسنده و کتابخوان و ورزشکاری خوب بود و بر سنگ گورش این سه بیت که از خود اوست نوشته شده.

«مرا از فخر فخرالدوله گفتند  
گلی بودم زباغ خسروانی  
به ناگه در هزار و سیصد و نه  
بلا اولاد در سن جوانی  
ز صیاد اجل خوردم یکی تیر  
طپان گشتم به خاک ناتوانی»  
از وی دیوانی شامل هزار بیت به خط خودش در دست است.

○ رجال ناصری ۶۳ + یادداشتهای معیر ۲۵ + ج ۴/۱۷۹ و ۳/۱۵۱ تصویر.

□ **فخرالدوله**، آرامگاه خانم فخرالدوله، دختر مظفرالدین شاه و زن محسن خان امین الدوله و مادر دکتر علی امینی و ابوالقاسم امینی فوت ۲۵ دی ۱۳۳۴، ابن بابویه آرامگاه اختصاصی.  
○ ز ۲۹۴.

□ **فخرالدین رازی**، قرن ششم. با تصویر.

○ سیمرغ ۱۸۶.

□ **فخرالدین علی**، فرزند حسین واعظ هروی متخلص به صفی، پسر ملا حسین واعظ کاشفی، داماد خواجه کلان پیشوای نقشبندیان و باجناق جامی شاعر معروف، از مشایخ نقشبندی که مدت یک سال در زندان شاه طهماسب بود و سرانجام در ۹۳۹ در بیرون شهر هرات درگذشت

و در هرات به خاک رفت.

○ تا ن ۳۸۳.

□ **فخرالسادات**، امیر رکن‌الدین حسین بن عالم حسینی هروی غوری معروف به امیر حسینی یا حسینی، از مردم شهر گزیو یا غزیو در کوهستان غور، شاعر و عارف ایرانی در سده ۷، مقیم هرات ۷۱۸ در هرات مدفون در همان شهر.

○ تا ن ۱۶۹.

□ **فخرالملک لوبکی** ← عمیدالدین لوبکی.

□ **فخر فارسی**، صوفی و عالم ایرانی، مشاور و ندیم‌الملک‌الکامل فاطمی که مناظره‌اش با سن فرانسوا، عالم مسیحی در بحبوحه جنگهای صلیبی و شکست عالم مسیحی در این مناظره، معروف است، قرن سیزدهم، قاهره.

○ ج ۸۳۱.

□ **فداییان رشید راه آزادی**، در دهم اردیبهشت ۱۲۹۹ / اوّل مه ۱۹۲۰ در دوران اقتدار خیابانی در تبریز جشن مفصلی برای گردآوری بودجه این آرامگاه در تبریز تشکیل شد.

○ خیابانی ۳۰۲.

□ **فدایی اردستانی**، میرزا محمد سعید متخلص به فدا از عرفای قرن ۱۳ در چند سال پیش به کلی از بین رفت.

○ آص ۲۲.

□ **فرازی منجم**، بقعه فرازی، ابواسحاق ابراهیم بن حبیب از حکیمان و ریاضیدانان سده دوم، منجم مخصوص منصور دوانیقی، احتمالاً در حوالی قلعه طبرک، ری.

○ ری ۴۴۳.

□ **فراشباشی**، حاج علی‌خان، پدر اعتمادالسلطنه، حرم مطهر حضرت معصومه، قم. اعتمادالسلطنه

درباره این مرد که قاتل جبار امیرکبیر بوده است می‌نویسد: پنجم جمادی‌الثانی ۱۲۹۸ چنانچه پدر بیچاره من همین طور با صداقت خدمت کرد عاقبت بعد از شصت سال خدمت به جد و پدر و خودش بی‌کفن مرد (تاریخ فوت وی سلخ ربیع‌الاول ۱۲۸۴ است).

○ رج ۲/۳۷۸.

□ **فرخ خان کاشی** ← آرامگاه امین‌الملک.

□ **فرخی یزدی**، محمد فرزند ابراهیم (۱۲۶۶-۱۳۱۸ خ) روزنامه‌نگار و دولتمرد آزادیخواه معروف زاده شده در یزد که به علت تنگدستی نتوانست تحصیل کند و از نوجوانی مجبور به کار کردن شد و ضمناً به عضویت حزب دموکرات درآمد. فرخی اشعار انقلابی نخستین خود را سرود و به علت سرودن یکی از این گونه اشعار سیاسی بود که ضیغم‌الدوله شیرازی، حکمران یزد دهانش را دوخت، فرخی به تهران آمد و شکایت به مجلس برد و با فشار مجلس، دولت، ضیغم‌الدوله را معزول کرد. فرخی در ۱۳۰۰ خ روزنامه طوفان را در تهران تأسیس کرد و هنگامی که در دوره هفتم به وکالت رسید، یکی از دو وکیل اقلیت بود و به علت جسارت‌های سیاسی مغضوب شد و ناچار از ایران گریخت ولی با وساطت تیمورتاش در ۱۳۱۲ به ایران برگشت. این بار نظیم رضاشاهی وی را دستگیر و زندانی کرد و در زندان کشت در ۱۳۱۸ خ. حسین مکی که دیوان وی را به چاپ رسانده می‌نویسد که در ۱۳۲۵ که معاون شهرداری تهران بودم نتوانستم گورش را بیابم.

○ فرخی، مکی ۷۳ + در ۲۴ شهریور ۱۳۱۸ در زندان توسط پزشک احمدی کشته شد، مدفون در

مسگرآباد که سی سال پس از آن دیگر اثری از آن نمانده بود. داستان رضاشاه ۱۴۷ + د ۱۸۶۸.

□ **فردوسی طوسی، حکیم ابوالقاسم،** در طوس ۲۴ کیلومتری مشهد، در باغ خود وی که هنوز آثاری از دیوارهای گلی آن هست و محفوظ نگه‌داری می‌شود. کار ساختمان آرامگاه مقارن با جشن هزاره در ۱۳۱۳ خ با اعانه‌ای که مجلس شورای ملی داد و عایدی حاصله از فروش بلیط بخت‌آزمایی ساخته شد. ابتدا بنای آرامگاه شبیه آرامگاه کوروش بود، اما آن را برداشته به شکل فعلی‌اش ساختند، این بنا را هم چون پایه ریزی درست نداشت و نشست می‌کرد، در سال ۱۳۴۰ نوسازی و مرمت کردند و در اطاق زیرین محل استقرار سنگ‌گور که وسیع‌تر شده بود، اشعاری از ملک‌الشعرای بهار و استاد همایی و برخی تصویرهای پهلوانی گنجانند و در کنار آن موزه و کتابخانه و مهمانخانه‌ای ساختند. کلیه شرکت‌کنندگان در جشن هزاره را نیز با اتومبیل‌های سواری به طوس و مشهد بردند و برگرداندند.

○ کارنامه ۲۵ + د ۴۵ + با مجسمه‌ای کار ابوالحسن صدیقی + ف ۲۴ و شاهنامه آخرش ۳۸۶ + شاهنامه فردوسی در پنجاه سال.

□ **فردوسی،** از قرار نوشته ارباب کیخسرو در خاطراتش، مسئولیت ساختمان آرامگاه فردوسی با این مرد بزرگ بود که در راه انجام این وظیفه سنگ تمام گذاشت و با اشاره وی پارسیان هند مجسمه‌ای نیم‌تنه از فردوسی ساخته تقدیم کردند. در یادداشتهای ارباب کیخسرو، جریان کار به‌بترین وجه ارائه شده است.

○ یادداشتهای کیخسرو ۱۶۰.

□ **فردوسی،** از انجمن آثار ملی ۱۳۴۷.

○ کف ۶۷.

□ **(فردوسی) حماسه‌سرای بزرگ ایران،**

○ کف ۳۰۶.

□ **فرصت‌الدوله،** محمد نصیرحسینی متخلص به بهجت، مؤلف کتاب مهم آثار عجم، ادیب و نویسنده عصر قاجاریه که در اول آبان ۱۲۹۶ در شیراز فوت کرد و پایین آرامگاه حافظ مدفون شد. ○ ا ق ۵۳ + تاضف ۱۷۶ + ر ج ۲۸۲/۶.

□ **فرمانفرما،** عبدالحسین میرزا پسر فیروز میرزا نصرت‌الدوله است و نصرت‌الدوله که او هم لقب فرمانفرما داشت پسر فیروز میرزا شانزدهمین پسر عباس میرزا و برادر کوچک محمدشاه بوده است. وی در کودکی در مکتب‌خانه‌ای درس خواند که مدیرش میرزا ابوالقاسم قائم مقام بود. به‌هر حال عبدالحسین میرزا دومین پسر فیروز میرزاست و مادرش هما خانم دختر شاهزاده بهاء‌الدوله پسر فتحعلی‌شاه بوده است، یکی از خواهران وی نیز خانم نجم‌السلطنه مادر دکتر مصدق بود. عبدالحسین میرزا در ۱۲۷۶ زاده شد و پس از پایان تحصیل به کارهای سیاسی و نظامی روی آورد و در طی زندگی خود، از هشت زن ده فرزند دختر و بیست و پنج فرزند پسر به‌جای گذاشت، که بیشترشان به‌مقامهای عالی رسیدند. خود وی نیز به‌مقامات عالی رسید اما با اجرای کودتای ۱۲۹۹ زندانی گردید و جریمه شد. سقوط سلسله قاجار و عروج سردار سپه به‌مقام سلطنت نیز برای فرمانفرما خوش یمن نبود و در حقیقت با کشته شدن فرزندش نصرت‌الدوله از شدت ناراحتی جان سپرد و در باغ طوطی به‌خاک سپرده شد. ابتدا قرار بود در جوار ناصرالدین شاه دفن شود اما موافقت نشد.

○ رج ۲/۲۵۳ + رهبر ۲/۴۳۲ + نصرت‌الدوله +  
د ۱۸۸۲.

□ **فرورتیش**، پسر دیوکیس مادی  
(۶۵۵-۶۳۲ ق.م.)، آثار آن در مهاباد باقی است.  
○ د س ۳۶۸.

□ **فروغ فرخزاد**، (۱۳۱۴-۱۳۴۵ خ) شاعر  
نوپرداز معاصر با آثاری چون تولدی دیگر و در  
آستانه فصلی سرد. آرامگاه ظهیرالدوله.  
○ سخنوران نامی ۴/۲۶۸.

□ **فروغی محمدعلی**، ذکاءالملک متولد جمادی  
۱۲۹۴، دولتمرد و سیاستمدار، ادیب و دانشمند و  
محقق معروف از فرقه فراماسون پسر  
محمدحسین فروغی فسارغ‌التحصیل طب از  
دارالفنون. وی کار خود را از معلمی آغاز کرد و  
به مدیریت مدرسه سیاسی و وکالت مجلس رسید  
و چندبار وزیر شد. وی از طرفداران صمیم سردار  
سپه در تغییر رژیم بود و به محض اینکه سردار  
سپه جانشین احمدشاه شد، او به کفالت نخست  
وزیری رسید اما در سال ۱۳۱۴ از سوی رضاشاه  
مغضوب و خانه نشین شد و این شش سال،  
پسربارترین سالهای زندگی وی بود و کارهای  
تحقیقی ادبی فلسفی وی در همین سالها سامان  
پذیرفت در سال ۱۳۲۰ بار دیگر فروغی در صحنه  
سیاسی ایران ظاهر شد و این بار نیز سلسله  
سلطنت پهلوی و ایران اشغال شده را نجات داد.  
محمدعلی فروغی که پس از نخست‌وزیری وزیر  
دربار شده و قرار بود سفیر ایران در واشنگتن  
شود، در ۵ آذر ۱۳۲۱ فوت کرد و در ابن بابویه  
به خاک سپرده شد.

○ رهبر ۲/۵۸۴ + رج ۳/۳۸۸ + د ۱۸۸۷، فوت  
در آبان ۱۳۲۱.

□ **فرهاد و شیرین**، مقبره موسوم به فرهاد و  
شیرین که در کوه کنده شده، از عصر مادها در  
صحنه کرمانشاه.  
○ آ ط ۳۴۱.

□ **فرهنگ**، ابوالقاسم، فرزند وصال شیرازی  
(۱۲۴۲-۱۳۰۹)، خوشنویس و ادیب در جوار  
میرسید محمد، شیراز.  
○ رج ۶/۱۰ + فک مؤلفان ۲۷۱.

□ **فریدالدین گنج شکر**، (۵۶۰-۶۶۳)، مسعود  
فرزند عزیزالدین، عارف بزرگ متولد در ملتان  
پاکستان که پس از جهانگردی مفصل و ملاقات با  
اقطاب بزرگ آن عصر: شهاب‌الدین سهروردی،  
سعدالدین حموی، اوحالدین کرمانی فریدالدین  
عطار به ملتان برگشت و از قطب‌الدین بختیار  
کاکي خرقه خلافت گرفت. وی رهبر و مراد  
نظام‌الدین اولیاء بوده است و ملفوظات پیر خود  
بختیارکاکي را گردآوری کرد و گفته‌های او را  
نظام‌الدین اولیاء گرد آورد، که به نام راحت‌القلوب  
چاپ شده است. وی را پس از وفات در حجره  
خود در ملتان به خاک سپردند.

○ میراث ۲/۴۲۷ + تصویر ۲۲۹ + تان ۱۱۳، در  
محرم ۶۰۸ جان سپرده + در ۶۶۵ درگذشته تان  
۱۵۵.

□ **فریدون**، نزدیک مسجد جامع ساری که  
روزگاری معبد گبرها بوده است.  
○ مازندرانس ۹۴.

□ **فشارکی ملا محمد باقر**، فقیه بزرگ م ۱۳۴۱  
اصفهان تخت فولاد.  
○ د ت ۱۴.

□ **فصیحی**، حاج عبدالصنایع، بانی مدرسه  
فصیحیه سبزوار مورخ ۱۱۲۴ که در سالهای اخیر

تعمیر شده است.

○ آخ ۴۶۶.

□ فضل الله ساوجی، شاعر و خوشنویس عصر قاجار م ۱۲۷۵ تهران، نجف وادی السلام.

○ خوش ۵۷۳.

□ فضل بن زید، و شاهزاده ابوالقاسم. سبزواری، گور سهراب.

○ شهرها ۲۲۷/۳.

□ فضل بن شاذان، از علمای بزرگ شیعی در قرن سوم، معاصر عبدالله فرزند طاهر، بنای آجری، گنبد کاشی.

○ آخ ۳۷۲ + در روستای فضل نیشابور. معماری ۸۹/۲.

□ فضل خلخالی، برادر مولانا شیخ احمد، دانشمند و شاعر. م ۹۵۴ در قزوین که در آرامگاه بایزید خلخالی، جدش به خاک سپرده شد.

○ تان ۷۰۲.

□ فضل و فاضل، در کندلوس کجور. با صندوق چوبین مشبک ظریف، بر روی گورهای این دو برادر، در اراضی آن که محوطه برای گردش عموم بوده مدرسه و درمانگاه ساخته و گردشگاه را از میان برده‌اند.

○ آس ۲۱۳/۳.

□ فغفور لاهیجی، شاعر و خوشنویس، مقیم هند. م ۱۰۲۹ نزدیک الله‌آباد بر سر راه آگره.

○ خوش ۵۷۵.

□ فقیر محمدعلی خبوشانی، پسر حاجی ملانقی کلاه‌دوز زاده شده در ۱۲۵۶ قوچان، مقیم خانقاهی که خود ساخته بود، از مشاهیر متصوفه. م ۱۳۱۶ در قوچان و مدفون در همان خانقاه که خود ساخته بود.

○ رج ۲۴۲/۲.

□ فلک‌الدین، حسن پسر بدرالدین مسعود از اتابکان لر کوچک قرن هفتم در ده فلک‌الدین در شمال غربی شهر خرم‌آباد لرستان.

○ آل ۱۲۳/۲.

□ فلکی شیروانی، نجم‌الدین ابوالنظام محمد، زاده شده در شیروان یا شروان معاصر با خاقانی و نظامی که از طامارا ملکه گرجستان، که مدتی بر این نواحی تسلط داشت مدح گفت. وی معاصر و مداح شروانشاه منوچهر پسر فریدون بوده است و چون منجم هم بوده این لقب را یافته است. فلکی در ۴۱۰ در شماخی مرد و به خاک رفت.

○ تان ۱۰۶ + سال وفات ۵۷۷ آذ ۴۱۰.

□ فهادان، شیخ احمد و شیخ محمد از قرن هشتم در یزد با رواق و گنبد.

○ د س ۷۱۱ + در محله فهادان یزد، جمعی دیگر نیز در این آرامگاه به خاک سپرده شده‌اند.

○ ی ۳۴۶.

□ فیروزآبادی ← آرامگاه حاج سید رضا فیروزآبادی.

□ فیروز شاه تغلق، سلطان خلجی هند ۱۳۸۸ م، دهلی.

○ معماری هند ۲۲ تصویر ۱۵ ب.

□ فیروز کوهی شاهی سبزواری ← آرامگاه شاهی سبزواری.

□ فیض، ملا محسن فیض کاشانی م ۱۰۹۱ در کاشان. بانی آن فرهاد میرزا معتمدالدوله فرزند عباس میرزا.

○ کاشان ۱۶۳.

□ فیض، حاج میرزا محمد، (۱۲۹۳-۱۳۷۰) فرزند علی اکبر، در قم زاده شد و در تهران و نجف درس

- خواند و پس از بازگشت به قم از مراجع تقلید شد.  
 وی در قم درگذشت و در مجلس ختم وی بود که  
 رزم آرا کشته شد. مدفون در قم، حرم حضرت  
 معصومه.  
 ○ ل ۲۸۰۰.  
 ○ ر ج ۱۹۸/۶.  
 □ فیض علیشاه، میرزا عبدالحسین طبسی،  
 م ۱۱۹۴. تخت فولاد اصفهان.  
 ○ ل ۲۸۰۰.

## ق

### از آرامگاه قآنی تا آرامگاه کاتب

- قآنی شیرزای، میرزا حبیب الله، قصیده سرا و  
 استاد شعر در سده سیزدهم (۱۲۷۰-۱۳۲۲)،  
 چون مداح اُکتای قآن فرزند حسنعلی میرزا  
 شجاع السلطنه والی خراسان بود، این تخلص و  
 شهرت را یافت، قآنی در دربار ناصرالدین شاه  
 صاحب مقام و احترام خاص بود. مدفون در  
 آرامگاه ابوالفتح رازی شهر ری.  
 ○ تهران قدیم ۱۱۸ + تاریخچه ۷۸ + از صبا ۹۳.  
 □ قائم مقام اول، میرزا عیسی فراهانی معروف  
 به میرزا بزرگ و سیدالوزرا منشی و دولتمرد  
 معروف عصر قاجاریه. نسب وی به میرزا عیسی  
 فراهانی، که در عصر صفویه سمت مهرداری  
 داشت می‌رسد. از دو پسر میرزا عیسی، حسین  
 وزیر شد و حسن با او همکاری داشت و این  
 حسن پدر میرزا عیسی است که در حقیقت داماد  
 و جانشین عمویش شد که پسر نداشت. در عصر  
 قاجاریه میرزا عیسی از سوی فتحعلی شاه  
 به وزارت ولیمهد که حکمران کل آذربایجان بود  
 منسوب شد با عنوان قائم مقام صدراعظم در سال  
 ۱۲۱۸. در سال ۱۳۲۴ بنا بر تقاضای قائم مقام، پسر  
 بزرگش میرزا حسن جانشین وی گردید و خود  
 بازنشسته شد. قائم مقام اول در ۱۲۲۷ درگذشت  
 و در جوار بقعه سید حمزه، کوی سرخاب تبریز  
 به خاک سپرده شد.  
 ○ ر ج ۵۱۲/۲ + کوی سرخاب ۹۷ در قسمت  
 جنوبی بقعه ثقة الاسلام + د ت ۴۹ + د ۱۹۸۱ + آذ  
 ۴۲۹.  
 □ همسر قائم مقام اول، دختر میرزا حسین وزیر و  
 مادر میرزا ابوالقاسم در جوار شوهرش  
 ○ آذ ۴۳۱.  
 □ قائم مقام دوم، میرزا ابوالقاسم دولتمرد و ادیب  
 و شاعر و منشی عصر متقدم قاجار، فرزند میرزا  
 عیسی از سادات حسینی هزاوه فراهان از توابع  
 اراک، زاده شده در ۱۱۹۳. وی پس از تحصیل  
 دستیار پدر شد و تا ۱۲۳۷ که میرزا بزرگ  
 درگذشت در خدمت عباس میرزا بود و از خود  
 لیاقت نشان داد و پس از فوت پدر بین او و  
 برادرش میرزا موسی اختلاف افتاد و مخالفان از  
 این اختلاف استفاده برده و کاری کردند که  
 عباس میرزا وی را به تهران فرستاد و از پدر  
 خواست در آنجا وی را معزول کند. علت اساسی  
 اقدام مخالفان بر ضد قائم مقام، قدرت فکری

قابوس در تمام عمر خود سرگرم جنگ و کشمکش با مدعیان سلسله زیاری و آل بویه بود، اما در ساعات فراغت به کارهای هنری می پرداخت. خطی خوش داشت و شاعری می کرد. ابوریحان بیرونی کتاب آثارالباقیه را به نام وی تألیف کرده و در تاریخ طبرستان برخی از اقوال وی در کتاب کمالالبلاغه آمده است، اما وی مردی سختگیر و بی رحم بوده و سرانجام سپاهیان بر وی شوریده به قتلش رساندند.

○ د ۱۹۸۳ + فم ۳۶۷.

□ **قاری هروی**، مولانا نورالدین ابوالحسن علی، فرزند سلطان محمد از مشهورترین دانشمندان سده دهم ایران متولد هرات که پس از تسلط صفویه بر هرات به مکه رفت و در شوال ۱۰۱۴ در آن شهر درگذشت و در معلا به خاک سپرده شد.

○ تان ۳۹۴.

□ **قاسم بن موسی**، در کاشان، کوی پای نخل قرن دهم.

○ معماری ۹۱/۲.

□ **قاسم خان والی اول**، پسر دوم دوستعلی خان معیرالممالک از رجال عصر ناصری که در ۱۲۷۱ قنسول تفلیس شد. وی در ۱۲۷۹ در فارس درگذشت و در مزار حضرت خواجه شیراز به خاک سپرده شد.

○ رجال ناصری ۱۷۸.

□ **قاسم خان والی دوم**، یاپور والی نوه قاسم خان والی اول متولد ۱۲۷۱ خ آخرین رئیس دیویزیون قزاق تا سوم اسفند ۱۲۹۹ که کودتا شد. قاسم خان در نظام جدید عصر پهلوی تا سرلشکری ترقی کرد و سرانجام روز ۲۳ مرداد ۱۳۱۲ در ارومیه در ۵۹ سالگی درگذشت و طبق وصیت در

وقلمی وی بود که حتی محمدشاه از آن هراس داشت. مخالفان با کمک قدرتهای نوپای خارجی قائم مقام را که پس از مدتی بیکاری به وزارت رسیده بود معزول و مطرود ساختند. قائم مقام که خود مخالف جنگ با روسیه تزاری بود پس از پیشروی روسها تا تبریز، دوباره به کار دعوت شد و توانست روسها را راضی به امضای معاهده ترکمانچای سازد که به خط خود وی نوشته شد و رود ارس مرز قرار گرفت. اما محمد شاه که با کمک قائم مقام به پادشاهی رسید سرانجام به کوشش مخالفان که در رأس همه حاجی میرزا آقاسی قرار داشت به قتل آن مرد شریف رضایت داد. او را پس از چند روز حبس و بی غذایی خفه کرده با لباس در حضرت عبدالعظیم، مزار ابوالفتح رازی به خاک سپردند.

اول ماه صفر ۱۲۵۱.

○ سیاستگر ۵۸/۲ + از صبا ۶۲ + تاریخچه اوقاف ۷۷ + د ۱۹۸۱.

□ **قابوس وشمگیر**، گنبد قابوس. وشمگیر زیاری مؤسس سلسله زیاری بود که در ایران دوستی و ایران فارسی غلو می کرد و سرانجام مخالفان وی را در حمام کشتند. قابوس فرزند او بود که چهارمین امیر آل زیار است و از ۳۸۸ تا ۴۰۳ حکومت داشت. وی در حیات خود به سال ۳۹۷ آرامگاهی برای خود در پایتختش جرجانیه یا گرگان ساخت، که عبارت است از برجی بلند و استوار از آجر به بلندی ۵۲ متر و دارای دوازده ترک خارجی که سطح بیرونی آن وسیله آن ترکها تقسیم شده با نوشته ای به خط کوفی مکرر که تاریخ بنا به هر دو تقویم شمسی و قمری ذکر شده است که این از امتیازات خاص این بناست.

امامزاده ابراهیم چهارفرسنگی شهر به خاک سپرده شد.

○ رجال ناصری ۱۸۱.

□ قاضی، مقبره قاضی، حاج میرزا مهدی - تبریز.  
○ آذ ۳۸۴.

□ قاضی اختیار، حسن، فرزند غیاث‌الدین حسینی تربتی، از دانشمندان نامی و قاضی هرات که در شعر و ادب نیز دست داشت و به منصب وزارت هم رسید. م ۹۲۸ مدفون در آرامگاه خانوادگی در قصبه تربت.

○ تان ۲۷۸.

□ قاضی اسد، آرامگاهی است متصل به دروازه فین که مقابل تکیه وی واقع است مدفن شمس‌الدین محمد نوه امام زین‌العابدین(ع)، قبر قاضی اسد نیز در این بقعه است که امروز در شهرکان وسط یک میدان قرار گرفته است. اوصوفی بزرگی بود و در ۱۰۴۸ به رحمت خدا رفت دو قطعه جداگانه شعر در روی سنگ قبر وی به خط نستعلیق نوشته شده است. از یادداشت‌های زنده نام اللهیار صالح.

○ تاکاشان ۵۰۵.

□ قاضی بیضاوی، ناصرالدین ابوالخیر عمر بن احمد که در ۶۸۲ تا ۶۹۱ فوت کرده، تبریز چرنداب.

○ آذ ۴۱۳/۲ + تاغ ۹۰۵.

□ قاضی حمیدالدین ابوبکر بلخی، ادیب و نویسنده و قاضی شهر بلخ، سده ششم، بلخ.

○ تان ۱۱۸.

□ قاضی زاده رومی، در سمرقند، شاه زنده، بنایی از قرن نهم با تصویر.

○ سیمرخ ۱۴۸ + م ۸۶۵ در تاشکند. + سفر روس

جلال آل احمد ۳۳۷.

□ قاضی سراج‌الدین، ابوالشنا یا محمود پسر ابوبکر ارموی (۵۹۴-۶۸۲) حکیم و صوفی مقیم قونیه و مدفون در جوار مولوی.  
○ تان ۱۵۰.

□ قاضی شرف جهان قزوینی، از رجال بزرگ دربار شاه طهماسب که در ۲۸ ربیع ثانی ۹۱۲ در قزوین متولد شد. وی از دانشمندان نامدار سده دهم بود که پس از مرگ پدر در ۹۶۰، قاضی قزوین شد و سرانجام در ۱۷ ذی‌قعدة ۹۶۹ در روستای ارس در کوهپایه قزوین مرد و در جوار شاهزاده حسین به خاک سپرده شد. وی تخلص شرف داشت و شاعری زبردست بود.

○ تان ۴۳۹.

□ قاضی صابر، بقعه قاضی صابر در ونک، باغ مرحوم مستوفی. بقعه را مرحوم مستوفی بر گور ابوالقاسم علی بن محمد معروف به قاضی صابر ساخت.

○ آط ۲۳۵.

□ قاضی صفی‌الدین، محمد زواره‌ای، اصفهان خیابان هاتف. امامزاده اسماعیل، از عصر صفوی.

○ آص ۷۵۰.

□ قاضی مجدالدین، محمدانصاری و فرزندش قاضی قوام‌الدین مشهور به قاضی‌زاده انصاری م ۹۶۸ آستانه بابافرج اصلاً نخجوانی که هنگام خاک‌سپاری قاضی شمس‌الدین محمد که قاضی را استاد خود می‌دانسته، این رباعی را خوانده است:

«ای داده به قدرت سخن داد سخن

زین واقعه خود که را بود یاد سخن

شاگرد سخن سخن چه داند گفتن

اکنون که به خاک رفت استاد سخن»



○ کوی سرخاب ۲۰۵.

□ قاضی محی الدین، (۵۶۴-۶۴۶) فرزند قاضی عزالدین قزوینی، در حوالی مزار خواجه عبدالرحیم از عرفا. وی مردی دانشمند بود و منصب قضا داشت.

○ کوی سرخاب ۲۱۰.

□ قاضی نورالله شوشتری، شهید ثالث (۹۵۶-۱۰۱۹) از مشاهیر علمای شیعی که به دعوت حکیم ابوالفتح گیلانی و شاه فتح‌الله شیرازی به هند آمد و در لاهور هند قاضی القضاتی یافت، اما چون فتوای تکفیر او از سوی مخالفان صادر شد، به امر جهانگیر اعدام شد. به قولی او را به چوب بستند و در زیر چوب جان به جان آفرین داد. آرامگاهش در محله دیال باغ آگرا واقع است و در ۱۱۸۸ توسط منصورخان صوبه‌دار آگرا ساخته شد، با کتیبه‌های فارسی و تعمیرات مکرر.

○ نقش پارسی ۱۰۰ + تان ۳۸۰ نورالدین نورالله نوری حسینی مرعشی ۶۶۲ + د ۱۵۰۵.

□ قاضی بیرجندی، میرزا محمدعلی، دانشمند و فیلسوف و خوشنویس م ۱۳۰۵ تهران امامزاده یحیی.

○ ت مصطفوی + ر ج ۲۴/۶.

□ قباد ساسانی، در آرامگاه پادشاهان ساسانی.

○ ری ۳۸۰ و ۴۳۵.

□ قبة العلماء، آرامگاهی است در تخت فولاد که آرامگاه عده‌ای از علما از جمله آقا حسین خوانساری در آن واقع است.\*

□ قبه سبز، در کرمان که بدان قبه کبود هم می‌گویند، گنبدی بزرگ که بر گور ترخان خاتون دختر قتلخ خان قراختایی ساخته شده، این بانو

که پس از فوت پدر، برادر را که جانشین پدر شده بود از تخت به‌زیر کشید. وی مدت بیست و پنج سال بر کرمان حکمروایی داشت و شوهرش که پسر عم پدرش بود با او همکاری داشت. ترخان خاتون در ۶۸۱ فوت کرد و بدنش را در زیر این گنبد که تاریخ بنای آن ۶۴۰ است دفن کردند. این بنا تا سال ۱۸۹۶ م برپای بوده و در این سال در اثر زلزله خراب شده. سایکس محقق و دولتمرد معروف انگلیسی آن را دیده و تصویری از آن را در کتاب ایران خود، پرشیا آورده است.

○ س ۴۲۸.

□ قتلخ اینانج، قتلخ پسر اتابک جهان پهلوان بود و در ۵۹۲ طغرل سوم را کشته بود. قتلخ را به انتقام و با کوشش دختر طغرل سوم در ری سر بریدند، و در ری دفن کردند.

○ ری ۴۲۱/۲.

□ قدسی خراسانی، از مردم اسفراین. خواهرزاده و شاگرد میرزا محمدعلی سنگلاخ، شاعر و خوشنویس. وی یک‌بار هم به دعوت میرزا سنگلاخ به اسلامبول رفت و سرانجام به مشهد بازگشت و در اسفراین اقامت نمود، پس از مرگ در سال ۱۲۷۰ او را در مشهد دفن کردند. وی در فقه و ریاضی نیز استاد بود و در شعر تخلص وی قدسی بود.

○ ر ج ۱۹۹/۶.

□ قدسی کرمانی، آقا فتح‌الله، متخلص به فزاد فرزند سلطانعلی (۱۲۷۴-۱۳۵۸) شاعر وارسته، متولد در کرمان که در همان شهر نیز مرد و به خاک سپرده شد. اثر مهم وی شمع جمع است. قدسی در سرودن مراثی و مدح امامان معروفیت دارد.

○ ر ج ۱۷۴/۶.

□ **قدسی مشهدی**، حاجی محمدجان، شاعر پارسی‌گوی هند در عهد شاه‌جهان، در سال ۱۰۴۵ به هند آمد و به مناسبتی مورد لطف شاه جهان قرار گرفت و به فرمان شاه همسنگ وی طلا کشیده بدو دادند و چون قصیده‌ای در مدح شاه جهان سرود، دهانش را پر از جواهر کردند، وی مثنوی مفصلی نیز به تقلید از شاهنامه درباب شاه جهان سروده است. م ۱۰۶۵، لاهور مدفون در مزار شعرای کشمیر.

○ تاخ ۱۰۰ + ملک الشعرای شاه جهان. + نقش پارسی ۹۴.

□ **قدیم آرجان**، گنجینه آرجان، نیمه اول قرن.

○ شهرها ۲/۲۸۷.

□ **(قبرستان) قدیمی زرتشتیان**، - گورستان قدیمی زرتشتیان.

□ **قراختایان**، گنبد سبز در کرمان از قرن هفتم.

○ معماری ۲/۸۸.

□ **قراختایان**، کرمان بنایی از قرن هفتم، باستانی پاریزی.

○ فم ۱۳۵.

□ **قراگوزلو**، علیرضا - بهاءالملک، زاده شده در ۱۲۶۳ خ فرزند علی قلی‌خان و خواهرزاده ناصرالملک، وکیل همدان در دوره سوم و وزیر دارایی در ۱۳۰۱ و وزیر دادگستری در ۱۳۲۱. در ۱۹ خرداد ۱۳۳۳ در تهران مرد و در همدان آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد.

○ رج ۵/۱۶۲.

□ **قربان**، برج قربان بنایی از سده ۶ یا ۷ در همدان، بخش خاوری شهر، در درون آن کتیبه‌ای است از سده پانزدهم م. که ارتباطی با بنا ندارد. بنا آجری است با قاعده دوازده ترک که معماری آن

ایلخانی است.

○ معماری ۲/۹۵ سده‌های ۷ و ۸ + چهره ایران ۱۶۶.

□ **قره‌العین**، زرین تاج یا فاطمه یا امه سلمه، با القاب زکیه و طاهره و قره‌العین، دختر حاجی ملا محمد صالح برغانی از علمای اخباری، طاهره لقبی بود که باب به‌وی داد. زاده شده در قزوین ۱۲۳۳، با خواهرش مرضیه در محضر پدر مقدمات علوم را خواند و تحصیل الهیات کرد، با آثار شیخ احساسی و سیدرشتی آشنا شد و با او مکاتبه کرد. سرانجام دو کودک خود را به شوهر سپرد و برای دیدن سید رشتی به کربلا رفت ولی سید مرده بود اما طاهره به باب معرفی شد. از این به بعد تا روز اول ذی‌قعدة ۱۲۶۸ که با روسری ابریشمی خودش، توسط عمال حکومت ناصری کشته شد. فردی مبارز و جسور و معتقد به باب بود. آثاری نیز داشته که جز چند غزل چیزی از آن نمانده است. وی را در باغ ایلچی (بانک ملی کنونی) در بالا خانه‌ای بدون پله که زندانش بود خفه کرده در چاه انداختند. روایتی هست که جسدش را بابیان از اینجا برده‌اند.

○ از صبا ۱۳۰ + رج ۲۰۸.

□ **قزوینی**، امیرابراهیم بن امیر محمد معصوم حسینی (۱۰۶۵-۱۱۴۵) از بزرگان علمای امامیه در قرن دوازدهم هجری. مولف آثاری چون اجوبة المسائل و تتیمیم اصل الاصل. مدفون در امامزاده حسین قزوین.

○ ریحانة‌الادب ۳/۲۹۲ + ل.

□ **قزوینی سیدباقر**، فرزند هادی (۱۳۰۴-۱۳۳۲) فقیه از خاندان قزوینی.

○ نجف د ب ۲/۹۹.

□ **قزوینی**، سید حسین بن امیر ابراهیم معصوم حسینی قزوینی از بزرگان علمای امامیه اوایل قرن سیزده هجری. مولف آثاری چون فی مایصیه الانسان و ابضاح المحجة م ۱۲۰۸ قزوین - امامزاده حسین قزوین

○ ریحانة الادب ۲/۳۹۲.

□ **قزوینی**، **سید صالح**، فرزند مهدی (۱۲۵۷-۱۳۰۴) فقیه، ادیب به شاعر و مؤلف از شاگردان کاشف الغطا و شیخ مرتضی انصاری، در نجف درگذشت و در آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد.

○ د ب ۲/۹۸.

□ **قزوینی**، **سید محمد**، فرزند مهدی فرزند حسن (۱۲۶۲-۱۳۳۵) فقیه، محدث ادیب، از شاعران آل قزوینی مقیم نجف و حله. کارهای عام المنفعه خیر از او به جا مانده است. در حله درگذشت و در نجف، آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد.

○ د ب ۲/۹۷.

□ **قزوینی**، **سید مهدی**، فرزند حسن (۱۲۲۲-۱۳۰۰)، فقیه اصولی، متکلم مفسر، ادیب و شاعر، برجسته ترین چهره آل قزوینی که در نجف یا حله زاده شد. فوت در سماوه، مدفون در نجف، آرامگاه خانوادگی.

○ د ب ۲/۹۶.

□ **قزوینی**، **محمد**، فرزند عبدالوهاب (۱۳۶۸-۱۳۲۸ خ) دانشمند و محقق معروف معاصر که پس از پایان قدرت رضا شاهی به ایران بازگشت و در خانه ای که ارباب فرهنگ و دانش در مغرب تهران برایش خریده بودند زندگی می کرد. مدفون در آرامگاه ابوالفتح رازی شهر ری.

○ تاریخچه ۷۸ + اقبال عباس ۶۶۴ + ج ۳/۲۳۷. □ **قزوینی برغانی** ← آرامگاه ملا محمد تقی برغانی.

□ **قشم بن عباس**، پسر عموی پیامبر در مجموعه شاه زنده سمرقند با تصویر قرن هفتم.

○ سیمرغ ۱۴۴ و ۱۵۸ + قندیه ۲۸ + سمریه ۱۶۲.

□ **قطب الدین حیدر**، سر سلسله فرقه حیدریه (۱۸۵۳-۶۱)، مجموعه بناها در تربت حیدریه. قدیمترین تاریخ بر روی ضریح چوبی است ۹۸۷ و کتیبه به خط محمدیوسف حسینی ۱۰۴۵، شهر تربت حیدریه از ۱۲۱۱ به بعد به نام این عارف احداث شد.

○ د ت ۴۷ + معماری ۲/۸۹ و ۱۰۳.

□ **قطب الدین رازی**، یا بویه (بویه ای)، عالم بزرگ قرن هشتم مقیم و متوفی در دمشق در ذی قعدة ۷۶۶.

○ تاغ ۵۱۱.

□ **قطب الدین شیرازی** ← آرامگاه علامه قطب الدین شیرازی.

□ **قطب الدین و پسرش**، عالم و عارف شیعی، در دامنه قبرستانهای سنگی سیراف با تزئین و نوشته های کوفی.

○ سیراف ۵۲.

□ **قطران تبریزی** ابو منصور، م ۴۶۵، تبریز مقبرة الشعرا.

○ آذ ۴۰۷ + کارنامه ۶۹۲ + کوی سرخاب ۲۵۳ + به احتمال در گنجه شمال رود ارس ○ احمد کسروی قطران، مقدمه.

□ **قفال چاچی**، قرن دهم در تاشکند. با تصویر.

○ سیمرغ ۱۸۱.

□ **قلعه بیگی**، سرتیب خان باباخان (عبدالله)

کسانی بود که صدایش در ایران ضبط شد. م ۲۵ مرداد ۱۳۳۹. آرامگاه ظهیرالدوله.

○ چهره‌ها ۱۲۱۴.

□ **قمش‌ای اصفهانی**، آقا محمد رضا، از اساتید حکمت و عرفان که سرانجام در سال ۱۳۰۶ در ۷۲ سالگی درگذشت و در ابن بابویه به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۲۲۵/۶.

□ **قمی**، حاج شیخ عباس از فضلا و مورخان معاصر در نجف، در ۱۳۵۹ درگذشت و به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۲۱۵/۲.

□ **قمی آیت‌الله حاج آقا حسین**، در ۱۲۸۲ در قم زاده شد و در سال ۱۳۵۴ برای مسئله حجاب از مشهد به تهران آمد. اما از کارش نتیجه‌ای نگرفت. آیت‌الله قمی پس از آقا سیدابوالحسن اصفهانی مدتی مرجع تقلید شد. م ۱۳۶۶، نجف آرامگاه شریعت.

○ رج ۹۱/۶.

□ **قنبری نیشابوری**، از شاعران سده نهم. م ۸۹۶ مدفون در نیشابور.

○ تان ۳۰۵.

□ (خانوادگی) **قوام شیرازی**، در ضلع غربی آرامگاه حافظ باحیاط و تالار وسیع.

○ ا ق ۵۳.

□ **قوام‌الدوله**، میرزا محمد تقی آشتیانی، از زمان فتحعلی شاه به‌شغل استیفا سرگرم بود. م ۱۲۶۲، قم مقبره اختصاصی که احفاد وی از جمله دو برادر: وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه در آن مدفون‌اند.

○ رج ۳۲۱/۳.

□ **قوام‌السلطنه**، احمد قوام پسر میرزا ابراهیم

(۱۲۷۰-۱۳۴۶ خ) از افسران عصر کودتا که در عصر سردار سپهی و سلطنت رضاشاه پس از احراز چند پست نظامی، فرهنگی شد و به‌تأسیس و اداره دبیرستانهای نظام پرداخت. سرتیپ قلعه‌بیگی پس از بازنشستگی در ۱۳۲۷ خ به‌جبهه ملی پیوست. با شجاعت و کالت شهید دکتر حسین فاطمی را پذیرفت. عبدالله‌خان ایروانی پدر بزرگ مرحوم قلعه‌بیگی از مهاجران عصر محمدشاه است که از ایروان به ایران کوچ کردند. وی با مقام بیگی به ایران آمد و به مرتبه خانی رسید و مشاغل دولتی مهم یافت. مرحوم سرتیپ قلعه‌بیگی در ۲۵ آذر ۱۳۴۶ درگذشت و در مسجد فیروزآبادی شهر ری به‌خاک سپرده شد.\*.

□ **قلعه ساسان** ← آرامگاه سمیران.

□ **قلندر شاه**، مرشد و مراد مرحوم میرزا یوسف مستوفی، زنک آرامگاه اختصاصی.

○ رج ۴۹۰/۴.

□ **قمرالملوک وزیری**، در تاجکستان قزوین زاده شده و به‌علت از دست دادن پدر و مادر تحت تکفل مادر بزرگش ملاخیرالنسا قرار گرفت. خیرالنسا در حرمسرای ناصرالدینشاه روضه‌خوان بود و قمر نوجوان پامنبریش را می‌خواند و آوازخوانی را به‌این روش آموخت و در شانزده‌سالگی معروف شد و به‌محفل نی‌داوود و وزیری‌راه یافت و همین‌آشنایی با وزیری سبب شد که نام وزیری را به‌خود نهد. وی در اولین کنسرت خود در گراند هتل در ۱۳۱۳ خ روی صحنه رفت و بی‌حجاب ظاهر شد و تصنیف مرغ‌سحر را اجرا کرد، وی در خوانندگی خصوصياتی داشت که در هیچ خواننده‌ای نبود. قمر هرچه به‌دست می‌آورد با بینوایان هزینه می‌کرد. وی از نخستین

مشهد، م ۱۲۸۲ در هشتاد سالگی، مدفون در حرم مطهر امام رضا(ع).

○ رج ۴۳۳/۲ + مدفون در مسجد پشت سر. وی پسر حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله بود. مکارم ۱۵۱.

□ **قوی برج**، یکی از پنج آرامگاه موجود در مراغه است، که احتمالاً از نیمه دوم قرن هشتم برجای مانده است. از لحاظ کلی این برج مشابه چهار برج دیگر مراغه است. کتیبه‌های آن بسیار آسیب دیده و قابل خواندن نیست.

○ آثار ایران ۳/۳۱۳.

□ **قیدار پیامبر**، در زنجان مانده از سده هشتم با حرم چهارضلعی و گنبد دوشاخ مخروطی به جهت بلغارخاتون به اشاره اولجایتو ساخته شد.

○ آذ ۳۷۸ + مانده از سال ۶۹۱ معماری ۲/۹۳ + سیما ۳۱ تیر ۱۳۷۴.

□ **قیس، مزار قیس**، در کنار جاده تبریز به آذر شهر با بقعه جنب مسجد.

○ آذ ۵۸۹.

معمدالسلطنه نواده آقا مصطفی آشتیانی، در سنین نوجوانی پیشخدمت ناصوالدین شاه شد و چون خواهرزاده امین‌الدوله بود در ۱۳۱۵ منشی حضور گردید و القاب و مقامات بسیار یافت.

دوئل پیش از کودتا به صدراعظمی رسید و سه بار نیز در عصر پهلوی دوم نخست‌وزیر شد و در کابینه چهارم بود که مشکل آذربایجان را برطرف ساخت و آخرین بار که به صدارت رسید جانشین دکتر محمد مصدق شده بود که با رای مردم مجبور به استعفا گردید. روابط قوام و خاندان پهلوی همیشه شکرآب بود و این مرد سیاسی که اعتنایی به آن دو شاه نداشت، یک بار هم در عصر مصدق لایحه ضبط اموال قوام از تصویب مجلس گذشت و مخالفان خانه‌اش را غارت کردند، اما این قانون لغو شد و یکی دو سال بعد در ۳۱ تیر ۱۳۳۴ احمد قوام در تهران مرد و در قم مقبره خانوادگی خود به خاک سپرده شد.

○ رج ۹۴ + رهبر ۷۱۹.

□ **قوام‌الملک شیرازی**، حاج میرزا علی اکبر فرزند حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله متولی‌باشی

## ک

### از آرامگاه کاتب تا آرامگاه گازرگاه

هشتاد سالگی تهران، ری ابن بابویه.

○ رج ۲۶۶/۲.

□ **کاتبی ترشیزی**، محمد، شاعر و خوشنویس معاصر و در خدمت بایسنقر میرزا بود که در ۸۳۹ در اثر وبا مرد و در جوار امامزاده معصوم در

□ **کاتب**، آرامگاه یاری هروی.

□ **کاتب**، میرزا مصطفی، از مردم سده که ابتدا نامش اسماعیل بود، از بایان بسیار معتقد که یک‌گوشش را ظل السلطان برید. وی قسمت عمده عمرش را صرف نوشتن آثار باب کرد. م ۱۳۳۹ در

استرآباد به خاک سپرده شد.

○ خوش ۸۱۷ + در بقعه نه گوران استرآباد. تان ۲۹۸.

□ **کاساندان**، همسر کوروش هخامنشی کوروش پاسارگاد.

○ ا ق ۹.

□ **کاشانه**، برج کاشانه در شاهرود - بسطام از سده هشتم.

○ معماری ۹۶/۲ و ۹۸ + معماری ۴۵.

□ **کاشانی** حاج سید ابوالقاسم، روحانی معاصر که سردهسته مبارزان ضدانگلیس در عصر حکومت مصدق، بود و بارها دچار تبعید و زندان شد و سرانجام عوامل استعمار موفق شدند که بین او و مصدق جدایی بیفکنند و همین شکاف، موجب سقوط حکومت ملی در ایران گردید. مدفون در آرامگاه ناصرالدین شاه.

○ تاریخچه ۷۹.

□ **کاشغری**، محمود، کاشغر.

○ آینده ۷۴۷/۱۴.

□ **کاشف السلطنه**، محمد میرزا، در لاهیجان، وی برای ملاحظه و مشاهده کشت چای به چین رفت و با زحمت بسیار مقداری بذر چای به ایران آورد و در ۱۲۷۹ اولین مرزعه چای را ایجاد کرد.

○ رج ۲۷۴/۲ + آس ۱۳۰/۲. کتاب گیلان با عکس ۶۶ + رهبر ۷۲۵ + در راه بوشهر به شیراز اتومبیلش در کتل کلو به دره پرت شد (یا پرت کردند با توطئه قبلی) و جنازه اش را به لاهیجان بردند و به خاک سپردند.

□ **کاشفی کمال الدین**، حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ از دانشمندان قرن نهم و دهم. م ۹۱۰، صاحب آثار مهم: انوار سهیلی،

اخلاق محسنی، تفسیر حسینی و غیره. آرامگاه وی توسط انجمن آثار ملی در ۱۳۵۲-۵۴ ساخته شد.

○ کارنامه ۵۹۷ + سبزواری خیابان نظام الملک. آخ ۴۳۸ + معماری ۹۳/۲ + تصویر جغ ۶۲۹ رج ۲۳۷/۳.

□ **کاشمر**، برج کاشمر در کاشمر از قرن هفتم. ○ معماری ۸۸ و ۹۹ + ایران یک ۴۹ + معماری ایلخانی ۱۳۱ + هنر ۳۴۷/۸.

□ **کاشی**، آخوند ملا محمد، عالم و حکیم اصفهانی که مجرد ماند و مردی بود بسیار تندخو. م ۱۳۳۳ تحت فولاد اصفهان.

ت همائی

□ **کافر**، کافر گنبد. در روستای سیاق، ۱۶ کیلومتری قزوین مانده از سده ششم یا هفتم. تصویر و طرح بدون اشاره به اینکه چرا این نام را دارد، گنبد آجری و محراب در داخل.

○ معماری ۹۴/۲ + آق ۱۵۵.

□ **کامبیز فرزند کوروش** ← آرامگاه کمبوجیه.

□ **کامران میرزا**، با القاب امیرکبیر و نایب السلطنه، سومین پسر ناصرالدین شاه، از خانم منیرالسلطنه که خیابان منیریه به نام وی است. همان گونه که امیریه به نام کامران میرزا است، چون که کاخ شهری وی در محل فعلی دانشکده افسری قرار داشته است. (۱۲۷۲-۱۳۰۸ خ) وی از نوجوانی ریاست قشون با وی بود عنوان وزیر جنگ و حکمرانی تهران را هم یدک می کشید. در سفر ۱۲۹۰ ناصرالدین شاه به فرنگ، وی نایب السلطنه بود و در غیاب پدر کارها را اداره می کرد، در جریان کشته شدن ناصرالدین شاه و محاکمه میرزا رضا کرمانی مظنون به داعیه سلطنت شد. وی

پدرزن و مشاور محمدعلی میرزا بود و هنگام سلطنت احمدشاه نیز از ارکان دربار احمدشاه شمرده می‌شد. کامران میرزا مؤسس مدرسه نظام بود و در سالهای آخر عمر خانه‌نشین شد تا اینکه در ۱۳۰۸ خ از دنیا رفت و در قم به خاک سپرده شد.

○ رجال ناصری ۵۷ + د ۲۱۵۴.

□ **کبوجیه** ← آرامگاه کبوجیه.

□ **کبود**، گنبدکبود در مراغه منسوب به مادر هولاکو، اما ساختمان آن مربوط است به هشت سال پیش از آمدن ایلخانان. ← آرامگاه جوی و قوی.

○ آثار ۱-۱۳۸/۱ + ایران یک ۴۴.

□ **کبود**، گنبد کبود که برخلاف تصور قبر مادر هولاکو نیست، زیرا مادر هولاکو سیور قوچنی زنی مسیحی بوده است و خود هولاکو مسیحی و زنش نیز که دوقوز خاتون لقب داشته، نوه کشیش مشهور زان بوده است در حالی که این آرامگاه مملو است از آیه‌های قرآنی و یک عمارت کاملاً اسلامی است تاریخ بنا بر مبنای کتیبه‌های آسیب دیده ۵۹۳ است. ○ آثار ایران ۳۰۱.

□ **کرباسی یا کلباسی**، حاجی محمدابراهیم، زاده شده در ۱۱۸۰ اصفهان، فرزند محمدحسن هروی خراسانی، این محمد حسن اهل هرات و ساکن محله حوض کرباس بوده (حوض کرباس از این لحاظ که زنی مؤمنه با رسیدن نخ و بافتن کرباس این آب انبار را ساخت، که بدان حوض کرباس گفتند) حاجی محمدابراهیم که مقیم اصفهان و هروی بود ابتدا هروی و سپس معروف به کلباسی شد. وی در ۱۲۶۲ درگذشت و در اصفهان مقابل

مسجد حکیم به خاک سپرده شد.

○ رج ۲۱۳/۵ + ل ۲۷۹۷ + آص ۶۰۹.

□ **کردوجین**، دختر اتابک آبش دختر سعد از اتابکان زنگی فارس در مدرسه خداوندزاده کرد وجین شیراز، قرن هشتم.

○ شیرازنامه ۹۳.

□ **کرمانشاهی کفری**، دکتر محمدخان، فرزند پیرمحمد زارع که در ۱۲۴۵ در آن ولایت‌زاده شد، از پزشکان و جراحان حاذق زمان خود بود که تألیفاتی نیز در این باب داشته است. دکتر محمدخان پس از تحصیل طب در دارالفنون به پاریس رفت و پس از خاتمه تحصیلات در آن دیار به ایران بازگشت و به طبابت و تدریس پزشکی جدید پرداخت. اما چون سخنانی می‌گفته است که بر ارباب دین‌گران می‌آمده، به لقب کفری ملقب شده، در آخر عمر مشاغلش را هم از او گرفتند. دکتر محمدخان در ۲۳ رمضان ۱۳۲۶ در تهران مرد و در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

○ رج ۲۷۵/۳.

□ **کرمانی**، خواجه افضل‌الدین محمود فرزند ضیاءالدین محمد، وزیر سلطان حسین بایقرا و از دوستان امیرعلی شیرنوازی م ۱۹۱۰ هرات، مدفون در گازرگاه هرات نزدیک تربت خواجه عبدالله انصاری، در مدرسه‌ای که خود ساخته بود، وی شعر هم می‌سرود و در غزل توانا بود.

○ تان ۳۰۸.

□ **کریم خان زند**، شیراز باغ شاهزاده، در اصل باغ کریم خان که در زمان قاجارها مسکن حکام بود و به باغ حکومتی مشهور شد، و امروز موزه پارس است.

○ بافت شیراز ۲۲۴ سرنوشت جسد وی تاگ ۲۲۰ + دت ۴۷ + کارنامه ۲۳۵ + اق ۵۹.

□ **کریم خان زند**، در ملایر، این مطلب را انجمن آثار ملی طی نامه‌ای که به مدیر مجله یادگار عباس اقبال نوشت ارائه نمود، چه در آن مجله بر مبنای نوشته‌های فارسنامه نوشته شده بود که استخوانهای کریم خان و نادر (هردوتن) را آغا محمدخان به تهران آورد که البته درست نیست. فقط استخوانهای کریم خان را آغامحمدخان به تهران آورد. سالها بعد در عصر رضاشاه این استخوانها را با احترام از کرباس کریم خانی خارج و تحویل خاندان زند دادند و ایشان آن را به زادگاه وی ملایر برده به خاک سپردند.

○ کارنامه ۲۳۵ + در محل فعلی موزه فارس بوده است. اق ۵۸.

□ **کزازی**، سیدحسین، فرزند حاج سیدحسن زاده متولد شده در کرمانشاه ۱۲۸۹/۱۲۵۱ خ، پدرش روحانی آزادیخواه طرفدار مشروطه بود. سیدحسین نیز تحصیلکرده و فرهنگی بود و در دوره‌های دوم و سوم به نمایندگی کرمانشاه در مجلس رسید، و با مهاجرین از ایران رفت و پس از بازگشت رییس معارف کرمانشاه شد و در این دوره فعالیت چشمگیر داشت. وی سرانجام در ۱۳۰۲ خ در یک زد و خورد حزبی کشته شد و با تشییع جنازه مفصل در کرمانشاه به خاک رفت.

○ رج ۹۰/۶.

□ **کسایی**، مدفن کسایی، ابوالحسن علی نواده فیروز یکی از قاریان هفتگانه و نحوی قرن دوم مدفون در ری.

○ ری ۴۳۸.

□ **کسروی**، سیداحمد، فرزند سید قاسم تبریزی

(۱۲۶۹-۱۳۲۴). مورخ، ادیب، نویسنده، مصلح اجتماعی و نقد کننده معاصر که در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. در ادامه تحصیل، زبان انگلیسی آموخت و با روحانیان مسیحی آشنا شد، پس از تغییر لباس به استخدام دولت درآمد و در عدلیه مشغول شد، اما دیری نپایید که منتظر خدمت گردید و به ناچار کار وکالت دادگستری را پیشه کرد که تا پایان زندگی بدان اشتغال داشت. وی نویسنده‌ای زبردست بود و آثار مهمی از وی برجای مانده است که تاریخ مشروطیت و شهriاران گمنام از آن جمله است. سرانجام در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ در کاخ دادگستری به دست یکی از مخالفانش کشته شد وی را پنهانی در آبک شمیران دفن کردند.

○ کاروند هفت.

□ **کشکول**، محمدعلی، خوشنویس مقیم هند که از شاهکارهایش نوشتن ترجمه فارسی تاریخ ایران سرجان ملکم است، بمبئی گورستان ایرانیان.

○ تاریخ ایران سرجان ملکم چاپ هند.

□ **کشمار** ← آرامگاه کاشمر

□ **کفایی**، حاج میرزا احمد (۱۳۱۰-۱۳۹۰)، مشهد آستانه رضوی.

○ گنجینه ۲۷۵.

□ **کلات**، که بدان معبد یا مذبح کلات هم گفته می‌شود در دامنه کوه موند، سی کیلومتری خورموج از نوع آرامگاههای سنگی که در تمام منطقه فارس وجود دارد.

○ آتش ۲۳۵.

□ **کلات**، آرامگاه برجی کلات در شمال خراسان که ظاهراً بنا بوده است آرامگاه نادر باشد و در



سال ۱۳۱۸ در فهرست بناهای تاریخی ثبت شده، با عنوان مقبره نادر، این آرامگاه شبیه است به برج رادکان شرقی و کاشمر با ابعادی بزرگتر، سایکس آن را خزانة نادرشاه خواننده ولی سیت (C.E. Yate) آن را مقبره نادر می‌داند.

○ آثار ۳۱۱/۲ زیرنویس ۳.

□ **کلامی بخارای**، مولانا، شاعر نساج و شطرنج‌باز در قرن دهم مدفون در چهار گنبد بلخ.

○ تا ن ۶۲۸.

□ **کلاتر میرزامحمد** پسر میرزا ابوالقاسم ملقب به صاحب اختیار، اولین کلاتر فارس در عصر کریم‌خان زند مؤلف روزنامه میرزامحمد کلاتر که در ۱۳۳۵ خ چاپ شد. م ۱۲۰۰ اصفهان.

○ رج ۲۸۲/۳.

□ **کلباسی ابوالمعالی**، پسر حاج محمدابراهیم از شاگردان مرحوم مدرس، عالم فقه و اصول، تخت فولاد اصفهان.

○ ل ۲۷۹۹.

□ **کلباسی** ← آرامگاه کرباسی.

□ **کلنل محمد تقی خان پسیان**، از خاندانهای مهاجر از قفقازیه به ایران، افسر ژاندارم تحصیلکرده و وطن‌پرست که مدتی نیز با آلمانی‌ها در طی عملیات جنگی کابینه مهاجر، همکاری داشت. در سال ۱۲۹۹ که رئیس ژاندارمری خراسان بود. پس از حدوث کودتای سیاه، سیدضیاء وی را مأمور دستگیری و اعزام قوام السلطنه به تهران کرد. قوام السلطنه حکمران تام‌الاختیار خراسان بود. کلنل امر مرکز را اطاعت و اجرا کرد، اما وقتی سیدضیاء عامل کودتا اخراج شد. قوام به فرمان احمدشاه از زندان به قصر نخست‌وزیری رفت و فرمان رئیس‌الوزرای وی از

سوی احمدشاه صادر شد. کلنل که خوب می‌دانست قوام السلطنه مرد کینه‌جویی است و وی را نمی‌بخشد قیام کرد، اما این قیام با طغیان کردهای قوچان شکسته شد و کلنل در یک جنگ کوچک کشته شد. بدن کلنل را در کنار آرامگاه نادر در مشهد به خاک سپردند اول صفر ۱۳۴۰.

○ ز ۱۶۸/۲ + تاج ۱۵۶ و کتاب قیام کلنل از علی آذری.

□ **کلوکه**، دکتر، طبیب دربار قاجاریه، در گذشته

در ۲۴ اکتبر ۱۸۵۵ گورستان مسیحیان تهران.

○ آ ط ۷ + با سنگ قبر نوشته‌دار به زبان فرانسه‌ای. + راهنما ۳۲۶/۱۶.

□ **کلهر**، میرزا رضا خوشنویس (۱۲۴۵-۱۳۱۰) فوت در ۶۵ سالگی در وبای عام تهران، قبرستان حسن‌آباد تهران که اکنون اداره آتش‌نشانی شده است.

○ رج ۲۲/۲ + خوش ۷۳۲ + خوش معاصر ۷۵.

□ **کلیم کاشانی**، ابوطالب کلیم، میرزا طالب در مزارالشعرای سری‌نگر کشمیر. این شاعر را در آخر عمر برای نظم کردن شاهنامه شاهان جغتاییه به کشمیر فرستادند، اما از عمرش چیزی باقی نبود، درگذشت و در مزار شعرا به خاک سپرده شد. شعر تاریخ وفات او را غنی کشمیری سروده است نه کلیم همدانی.

○ نقش پارسی ۹۴ + این مأموریت را جهانگیر به‌وی داد و گور وی در کنار گور محمدقلی سلیم قرار دارد.

○ نتایج الانکار + نک مؤلفان ۱۸۳.

□ **کلینی** ← آرامگاه ابو جعفر کلینی رازی.

□ **کمال‌الدین اسماعیل ابوالفضل** پسر جمال‌الدین، شاعر اصفهانی که در اوایل قرن هفتم

توسط مغولان کشته شد. اصفهان محله جوباره در خانه خود وی.

○ آص ۸۱۱ + کارنامه ۶۷۶ + منزوی شد و در ۶۳۵ رحلت کرد. تان ۱۵۸.

□ **کمال الدین اسماعیل**، مقاله از وحید دستگردی.

○ فم ۳۷۴.

□ **کمال الدین یا حکیم الدین ادریس**، ابن حسام الدین علی بدلیسی، معروفترین مورخ سده نهم در خاک عثمانی از منشیان دربار سلطان یعقوب آق قویونلو که پس از انقراض این سلسله، از ترس صفویان به عثمانی رفت و در دربار عثمانی مقام یافت و بهوی مأموریت‌های جنگی داده می‌شد. م ۹۲۶ در استانبول، آرامگاهش به نام ادریس کوشکو در محله ایوب نزدیک مسجد زینب خاتون در استانبول قرار دارد. با آثار مهم به عربی و فارسی.

○ تان ۲۵۴.

□ **کمال الدین بهزاد**، استاد، از بزرگترین و مشهورترین نگارگران ایرانی است (۸۷۰-۹۴۲) در هرات زاده شد و با امیرعلی شیرنوبی و سلطان حسین بایقرا معاصر بود و پس از سقوط تیموریان و تسلط ازبکان، وی در هرات ماند و پس از پیروزی شاه اسماعیل برازبکان وی همراه پادشاه صفوی به تبریز رفت و به ریاست کتابخانه شاهی رسید. در عصر شاه طهماسب نیز وی در تبریز بود و شاگردان زبردستی را پرورش داد. کار بهزاد را بسیار تقلید کرده‌اند و از آثار مسلم وی یک بوستان سعدی مصور است به خط سلطان علی مشهدی که در کتابخانه ملی قاهره. نگه‌داری می‌شود و نگارگریهای شاهنامه شاه طهماسبی نیز

از اثر شاگردان وی است که اثر نفوذ وی در آن محسوس است. بهزاد در تبریز مرد و در گورستان کمال به خاک سپرده شد. گورکمال خجندی در کنار گور وی است از این رو بدان آرامگاه دوکمال می‌گویند. تاریخ فوت وی در روی سنگ قبر ۹۱۴ است. بنا را در ۱۳۵۳ خ انجمن آثار ملی تعمیر و نوسازی کرد. به قولی آرامگاه بهزاد در هرات است.

○ کارنامه ۶۳۵ + آذ ۴۲۶ + د ۴۷۸.

□ **کمال الدین خجندی**، شاعر، م ۷۷۹ در کنار بهزاد، آرامگاه دوکمال.

○ کارنامه ۶۳۹.

□ **کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی**، فرزند جمال الدین اسحاق، از تاریخ‌نویسان سده نهم، متولد هرات ۸۱۶ که قاضی عسگر و شیخ الاسلام سپاه شاهرخ شد و در ۸۴۱ به دربار شاهرخ راه یافت. شاهرخ وی را به سفارت هند و گیلان فرستاد. کمال الدین سرانجام گوشه‌نشین شد. و در ۸۸۷ در خانقاهی که ریاستش را ابوسعید بهوی داده بود، مرد و به خاک رفت. کتاب مهم وی مطلع السعدین و مجمع البحرين است در تاریخ تیموریان از سال ۷۰۰ تا ۸۷۵.

○ تان ۲۵.

□ **کمال الدین عبدالغفار نخجوانی**، مزارش در پیش مزار بابامزید است در کوی سرخاب تبریز. م ۱۸۰۱ از اولاد اوحدالدین کرمانی.

○ کوی سرخاب ۱۸۲.

□ **کمال الدین مسعود خجندی**، از عارفان و شاعران سده هشتم. زاده شده در خجند ۸۰۳، که پس از سفر حج در تبریز مقیم شد. مدتی به طور تبعید در دشت قبیچاق بسر برد و دوباره به تبریز آمد و در ۷۹۲ یا ۸۰۳ در خانقاهی که در یک باغ

قرار داشت و سلطان حسین جلایر برایش ساخته بود مرد و مدفون شد.

○ تان ۲۱۰ + در گورستان کمال تبریز.

آذ ۴۱۷.

□ **کمال الدین مسعود شروانی**، شاعر و مدرس خراسانی که امیرعلی شیر نوایی و گروهی دیگر از دولتمردان در مشهد به مجلس درس وی می‌رفتند. م ۹۰۵ مدفون در مزار پیرسیصدساله، مشهد.

○ تان ۳۳۲.

□ **کمال الملک** (۱۲۶۸-۱۳۱۹)، محمد غفاری فرزند میرزا بزرگ، نقاش متعهد و دولت مرد آزادی طلب بزرگ، پایه گذار نقاشی جدید اروپایی در ایران. کمال الملک مدتی در اروپا نزد استادان اروپایی هنرآموزی کرد و خود نخستین مدرسه هنرهای ترسیمی جدید را در ایران پی افکند. کمال الملک همانند قوام السلطنه و اعلم الدوله یکی از آن کسانی بود که در تدارک و امضای فرمان مشروطیت کوشا بود. وی در عصر پنج پادشاه: ناصرالدین، مظفرالدین، محمدعلی احمدشاه و رضاشاه زیست و جز مظفرالدین و احمدشاه از همه آنها اهانت و بی لطفی دید، اما ناصرالدین شاه برای وی احترام فوق العاده قائل بود. کمال الملک در آخر عمر توسط عمال حکومت رضاشاه به حسین آباد مشهد تبعید شد و سرانجام در ۹۶ سالگی در آنجا درگذشت و در نیشابور در صحن آرامگاه عطار به خاک سپرده شد و در ۱۳۴۰ انجمن آثار ملی برایش آرامگاه ساخت.

○ روزشمار ۲۲۹ + معماری ۸۹/۲ + آخ ۲۵۱ + جغ ۶۴۱ + کارنامه ۳۵۹ + رج ۲۶۲/۳ و

کتابهایی که در دهه های اخیر درباره وی و مکتبش تدوین شده است از جمله کمال هنر.

□ **کمال پاشازاده**، شمس الدین احمد فرزند سلیمان از دانشمندان بزرگ عثمانی که به سه زبان فارسی و عربی و ترکی تسلط داشت و در زبان ترکی و فارسی آثار مهم از وی به یادگار ماند. وی دولتمردی صاحب مقام نیز بوده است. م ۹۴۱، در حالی که شیخ الاسلام امپراتوری بود. مدفون در دروازه ادرنه در خانقاه محمود چلبی.

○ تان ۸۱۱.

□ **کمال خجندی** ← آرامگاه کمال الدین مسعود. □ **کیمبوجیه هخامنشی**، در جوار پدرش در پاسارگاد و یا در صفحه سنگی ناتمام نقش رستم. ○ اق ۳۳۲.

□ **کمپانی**، **شیخ محمدحسن**، در حرم حضرت رضا علیه السلام.

○ سایه آفتاب ۳۹.

□ **کنی**، حاج ملاعلی، روحانی مقتدر عصر ناصرالدین شاه. فوت در ۸۶ سالگی. اعتمادالسلطنه می نویسد: سوم صفر ۱۳۰۶ در تشییع جنازه حاج ملاعلی که به حضرت عبدالعظیم بردند اهالی تهران از شهری و کندی (کنی) و کسبه و علما و آخوندها معرکه کرده بودند حتی گبر و یهودی و ارمنی هم دسته شده بودند، عماري او را به دوش از شهر به حضرت عبدالعظیم بردند و بنا بر وصیتش در بین الحرمین حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند.

○ رج ۳۵۱ + در آرامگاه ناصرالدین شاه. تاریخچه ۷۸.

□ **کوچک**، برجی است هشت ضلعی که روی تپه های جنوب شرقی امامزاده قاسم در منطقه

سمیران طارم ساخته شده است. در داخل بنا  
تزیینات گچبری آثار آل بویه دیده می‌شود.

○ آق ۴۲۲.

□ (درگاه) **کوچک شاه دولت**، از احفاد شاه یحیی  
مانیری که عبدالرحیم خان خانان از مریدان وی  
بوده است، ماده تاریخ وفات وی، ۱۰۱۷، را نیز  
همان شاعری که ابیات درگاه بزرگ را سروده  
منظوم ساخته و آن را در درب ورودی آرامگاه  
منقوش ساخته‌اند.

○ نقش پارسی ۱۰۳.

□ **کوروش کبیر**، در زبان بومیان مقبره مادر  
سلیمان، در جاده اصفهان شیراز پس از عبور از ده  
بید در ده کیلومتری قادر آباد، جاده‌ای در سمت  
راست نمودار می‌شود که به دشت مرغاب و  
آرامگاه کوروش می‌رسد. محفظه سنگی آرامگاه  
۳/۵ در ۳/۵ متر به بلندی ۲/۵ متر است علاوه بر  
کوروش آرامگاه همسر وی کاساندان نیز در اینجا  
بوده است. در داخل بنا بر دیوار آن محراب  
ساخته و آیات قرآنی نوشته و بنا را به صورت یک  
پدیده اسلامی درآورده‌اند.

○ اق ۸ و ۵۶۷.

□ **کوروش**، محمدتقی مصطفوی.

○ فم ۳۴۲.

□ **کوروش بزرگ**، علی سامی.

○ فم ۱۳۵/۳.

□ **کوزه گنانی**، حاج محمدحسن، آرامگاه وی با  
دوازده هزار تومان ارسالی محمدشاه صورت‌پذیر  
شد، حاجی محمد حسن سلطنت محمدشاه را  
سالها پیش پیش‌بینی کرده بود. این آرامگاه در باغ

خاندان پیرنیا در خارج شهر نایین واقع است.

○ رجال ۴۴ + جانشین و شوهر نوه حاج  
عبدالوهاب نایینی. رج ۳/۳۷۲

□ **کوه بنان** در کرمان، بنایی از قرن ۱۴ م، آجری با  
گنبد بلند.

○ ایران یک ۱۹۲.

□ **کوه سنگی**، جبل سنگ در کرمان.

○ ایران یک ۴۳.

□ **کوه کمره‌ای** ← آرامگاه آیت‌الله حجت کوه  
کمره‌ای.

□ **کیاداود**، فرزند کیا جمال‌الدین در دامنه کوهی  
مسلط بر دهکده بوش که گنج خواهان آن را زیر  
ورو کرده‌اند. بنای قاجاری با سنگ‌نوشته‌ای در  
پیشانی درب ورودی آن.

○ آس ۳/۲۷۰.

□ **کیخسرو شاهرخ** ← آرامگاه ارباب کیخسرو.

□ **کیکاووس بن کیومرث**، شیعه و محب حضرت  
علی بن ابی‌طالب، بنایی قدیمی در دو آب دهکده  
یالو، در کوهستان نور که کتیبه‌ای به مضمون بالا  
داشته است.

○ آس ۳/۲۸۷.

□ **کیوان**، حاج ملاعباسعلی قزوینی  
(۱۲۷۷-۱۳۵۷) فرزند اسماعیل از مریدان  
گنابادی، روحانی عارف که در آخر عمر از فرقه  
مزبور اعراض کرد و سرانجام در هشتادسالگی در  
بیمارستان آمریکایی رشت مرد و در سلیمان  
داراب دفن شد.

○ رج ۶/۱۳۰ + یا ق ۸/۲۲۷.

## گ

## از آرامگاه گازرگاه تا آرامگاه لاجیم

گردیز متولد غزنین مقیم مُلتان از عارفان صاحب کرامت و مورد علاقه مردم، آرامگاه با مسجد و مدرسه مجاور آن با کاشی‌کاری زیبا از قرن دهم.

○ میراث ۶۸۰

□ **گردیزی** ← آرامگاه شیخ یوسف.

□ **گروگانی، شمس‌العلماء**، حاج میرزا حسین بن علیرضا مشهور به جناب (۱۳۶۳-۱۳۴۵)، شهر ری ابن بابویه.

○ فک مؤلفان ۸۲۵/۲.

□ **گروک علی شاه**، در بلده جاتسو نزدیک جیپور هند با کتیبه‌ای به خط محمد معصوم نامی بهکری با این رباعی:

«جام از می عیش تلخکام افتاده این مجلس باده  
ناتمام افتاده بنگرزحریفان می و جام افتاده مستانه  
به خواب هر کدام افتاده».

○ نقش پارسی ۱۰۶.

□ **گری بایدف**، سفیر روسیه تزاری که در بلوای عودت دادن زنهای ارمنی و گرجی از ایران به قفقاز در تهران کشته شد. کلیسای قدیم در کوچه‌ای در میدان مولوی، قدیم‌ترین کلیسای تهران.

○ ت. دکتر کمال حاج سید جوادى + روسی‌های مقتول در غایله‌گری بایدوف، در این محل مدفون‌اند و بدن خود گری بایدوف به روسیه برده شده است.

□ **گازرگاه**، در هرات، آرامگاه خواجه عبدالله انصاری، عارف و صوفی معروف و عده‌ای دیگر از بزرگان و شاعران.

○ فم ۳۶۸.

□ **گنومات غاصب** ← آرامگاه بردیای دروغین.

□ **گبرها**، (خانه گبرها) در بخش مغربی قنات بلوچ‌ها، در قریه شهراب پایین اردستان، که هنگام خاکبرداری گورهایى به شکل خمره پیدا شده است.

○ آص ۱۷ + آتشکده اردستان ۱۴۴.

□ **گبرها**، دخمه یا قلعه گبرها ← آرامگاه بزرگان در ری

□ **گرجی گمنام**، هنگام اشغال تبریز و کشتار بی‌گناهان این خطّه توسط روسها، یک جوان (که نامش را نویسنده کتاب نیافته است) و به یک خانواده مرفه و مهم در تفلیس منسوب بوده، برای کمک به مشروطه‌طلبان، به تبریز می‌آید، و چون دستگیر می‌شود در پای‌دار می‌گوید: فقط یک لحاف دارم و یک بوریا، لحاف را بابت بدهیهایم به طلبکاران بدهید. دوبار طناب‌دار پاره می‌شود و بار سوم او را به‌دار می‌زنند. او در راه استقلال و آزادی ایران قربانی شد و چون پیش از اعدام مسلمان شده بود در قبرستان نزدیک دروازه نوبر تبریز به خاک سپرده شد.

○ تا ق ۱۵۵۲.

□ **گردیزی**، ناصرالدین محمد، ملقب به شاه

○ آ ط ۸۸.

□ **گریگوریان خان**، پادشاه زاده اهل هندوستان، کلیسای طاطاوس تهران، عکس.

○ آ ط ۹۲.

□ **گل**، گل گنبد، آرامگاه محمدعادلشاه در بیجاپور ۱۶۶۰ م.

○ معماری هند ۷۷ تصویر ۵۱ اسف.

□ **گلستانه**، علی اکبر احتشام السادات خوشنویس. قرن سیزدهم. قم.

○ خوش ۴۳۷.

□ **گلما**، در ساری قریه گلما از سده هشت و نه.

○ معماری ۸۹/۲.

□ **گمنام**، سنگ قبری مورخ ۵۳۲ که در اکنون در موزه بُستن آمریکا است.

○ ی ۹۱۳ و ۱۳۱۵.

□ **گنابادی**، سلطان علی یا سلطان محمد، که وی را هنگام وضو در جلو در خانه اش دو نفر از اشرار خفه کرده در چاه انداختند، صاحب تألیفات زیاد. م ۱۲۹۳ بیدخت.

○ ت یغمایی + یاق ۱۹۱/۸.

□ **گنبد باز**، که در محل بدان گنبد باز گویند، بنایی صفوی بر فراز کوهی مخروطی که بنا بر یک افسانه تاریخی آرامگاه باز محبوب شاه عباس است. \*

□ **گنبد باز**، باز لوند از عباس اقبال.

○ قم ۳۶۶ + عباس اقبال ۴۶۰.

□ **گنبد باز**، گوهری تابانک بر تارک هنر و معماری ایران. اعظم وافقی، حسین.

○ قم ۲۲۲/۴.

□ **گنبد جبلیه** ← آرامگاه جبلیه در کرمان.□ **گنبد خشتی**، مشهد خیابان طبرسی، صفویه.

○ معماری ۸۹/۲.

□ **گنبد دشتی**، در ۳۴ کیلومتری شمال اصفهان، بنای دوره مغول.

○ د ۲۴۱۴.

□ **گنبد سبز در قم**، آرامگاه سبز، سه بنای تاریخی از دوره ایلخانان که در محله دروازه کاشان برجای اند، نزدیک بقعه علی بن جعفر با گچ بری و کتیبه های زیبا، که گنبد بالایی یکی از آنها فرو ریخته و دارای تاریخ ۷۶۱ است و دیگری که نسبتاً سالم مانده، دارای تاریخ ۷۹۲ است و سومی احتمالاً از قرن ششم.

○ معماری ایلخانی ۱۹۱ با تصویر + هنر ۳۵۳/۸ + راهنمای قم ۱۳۲ + د ۲۴۱۵ + معماری ۷۸/۲.

□ **گنبد سبز در مشهد**، بنایی از عصر صفویه که آرامگاه حکیم مؤمن است و اکنون در وسط میدانی نوپا قرار دارد.

○ د ۲۴۱۵.

□ **گنبد سبز**، در کرمان، بنایی با کاشی کاری زیبا که اکنون کتیبه ای ندارد اما می توان آن را از سده نهم دانست ← آرامگاه قراختاییان.

○ د ۲۴۱۵.

□ **گنبد سرخ**، در مشهد، خیابان آخوند خراسانی

۹۰۴.

○ معماری ۸۹/۲.

□ **گنبد سرخ**، قدیمترین مزار در مراغه که بیشتر بدان گنبد قرمز گویند بنایی چهاربر با گنبد سقفی که نسبتاً سالم مانده است. در زیر شمیستان یک سردابه هم هست که مربوط به شمیستان نیست و با دری به خارج راه دارد. بر مبنای کتیبه سردر، بنا را فخرالدین عمادالاسلام قوام آذربایجان

عبدالعزیز بن محمود با تاریخ ۲۱ شوال ۵۴۲ ساخته و سازنده بنا محمد فرزند محسن معمار است.

○ آثار ایران ۱۲۸۷/۳ و آثار ۱-۱۳۸/۱ + هنر ۳۴۱/۸ + ایران یک ۱۱۶ + معماری ۸۴/۲ + د ۲۴۱۹.

□ گنبد سلطانیه ← آرامگاه سلطانیه.

□ گنبد شیخ جنید ← آرامگاه شیخ جنید یا سلطان جنید.

□ گنبد علویان ← آرامگاه علویان.

□ گنبد علی ← آرامگاه علی در ابرقو.

□ گنبد غفاریه ← آرامگاه غفاریه در مراغه.

□ گنبد قابوس ← آرامگاه قابوس.

□ گنبد قنوج، مزاری در مشرق شهر قنوج، در استان شمالی هند (یوپی) نزدیک قلعه کهنه که در

آن دو روضه هست، یکی از آن دو روضه که دارای تاریخ است، آرامگاه صوفی از فرزند زادگان مخدوم جهانیان است. بر مبنای کتیبه‌ای که در این محل نصب شده یکی از امرای شاه حسین شرقی به نام شاه پری خان در ۸۸۱ این روضه را بنا نموده و اشعار فارسی که در روی این سنگ نقر شده حاوی مطلب بالاست.

○ نقش پارسی ۷۵.

□ گوردختر، در ناحیه سر مشهد فارس که از عصر آغازین شاهنشاهی هخامنشی برجای مانده است و مشابه است با آرامگاه کوروش در مشهد مرغاب.

○ ا ق ۳۷ وی ۳۷.

□ گورستان قدیمی زرتشتیان، سراسر کوهستان شمالی ری بزرگترین گورستانی بوده که در زمانهای پیش از اسلام زرتشتیان از آن به عنوان دخمه استفاده می‌کرده‌اند.

○ ری ۳۶۶.

□ گورکانیان، امیر تیمور شاهرخ، میرانشاه، آخ‌بیک، عبدالعزیز و محمدسلطان، همه در مجموعه‌ای به نام شاه زنده که در سمرقند واقع شده‌اند. سازنده گور امیر و مقبره امیر تیمور یک بتای اصفهانی است که اسامی امامان شیعی را در کتیبه‌ها گنجانده است.

○ محمدتقی مصطفوی، سخنرانی در کنگره تحقیقات ایرانی دانشگاه ملی ۱۳۵۵. سیمرغ ۱۵۵.

□ گوهر تاج تیموری ← آرامگاه آهنگان

□ گوهر شاد، در جوار مسجد جامع هرات که خود گوهر شاد بانی هردو بود.

○ فم ۳۶۸.

□ گوهر شاد آغا، شاهزاده خانم تیموری گازرگاه هرات ۸۳۹.

○ هنر ۴۳۷/۸.

□ گیخاتو، ایلخان مغول در قراباغ.

○ معماری ایلخانی ۲۰۵.

□ گیلانی، شیخ عبدالقادر، بغداد در کنار بقعه سهروردی.

○ هنر و مردم شماره ۳۰ شهریور ۱۳۴۶.

## ل

## از آرامگاه لاجیم تا آرامگاه مادر سلطان زین العابدین

□ **لاجیم**، برج لاجیم بنایی معتبر در سوادکوه مازندران که در میان مردم بومی امامزاده عبدالله خوانده می‌شود در حالی که آرامگاه ابوالقوارس شهریار ابن عباس از شاهان محلی مازندران است. تاریخ بنا ۴۳۰ است با کتیبه کوفی.

○ تا هنر ۲۳۲ + آثار ایران ۱-۱۰۹/۱ + سیر فرهنگ، ۲۸۴ + تاتس ۳۵

□ **لاجیم**، برج لاجیم در مجله راه نو.

○ فم ۳۶۷.

□ **لامعی بر سوی**، محمود بن عثمان از شاعران بزرگ قلمرو عثمانی که در شهر بروسه به دنیا آمد و در همان شهر از دنیا رفت و آرامگاهش نیز در آن شهر است. وی از شاعران بزرگ فارسی و ترکی سرای آن امپراتوری بوده است. م ۹۳۹.

○ تان ۳۸۹.

□ **لسانی شیرازی**، مولانا وجیه‌الدین، در مقبرة الشعراى تبریز، شاعر شیعی، آخرین نفر از بیست و دونفری که نامشان در مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری ذکر شده است. م ۹۴۱.

○ کوی سرخاب ۴۲۱.

□ **لطفعلی خان زند**، در امامزاده زید تهران.

○ بخوانید و بدانید ۸۲۱ + در تهران تبعید بود و به‌اشاره آغا محمدخان توسط محمدخان قاجار دولو کشته شد. ر جا ۵۰ + امامزاده زید تهران. آ ط

۵۴

□ **لطفی هروی**، از شاعران نامی سده نهم و از مریدان شیخ شهاب‌الدین خیابانی. م ۸۹۶ در ۹۹ سالگی، مدفون در خانه‌ای که در کنار شهر هرات داشته است.

○ تان ۲۹۵.

□ **لقمان بابا**، بابالقمان یا شیخ لقمان از عرفای قرن چهارم، در سرخس بنایی است آجری ساده ولی عظیم و پرشکوه، احتمالاً از قرن ششم با کتیبه از سال ۷۵۷، سال ترمیم.

○ سرخس ۱۴.

□ **لنبنانی**، رفیع‌الدین مسعود عارف و شاعر. م ۶۳۰ مدفون در اصفهان، لنبان.

○ تان ۱۶۵.

□ **لوطی صالح شیرازی**، از لوطیان زمان کریم خان و بسیار موردعلاقه و توجه وی و درباریان، به‌طوری که وی از این راه ثروت بزرگی فراهم کرد. در عصر آغا محمدخان بازاریش کساد شد و آن شاه سختگیر نیز دماغش را برید و امر کرد به‌عتبات برود و دیگر به‌ایران برنگردد و وی چنین کرد و به‌کازمین رفت و در همان جا مرد و به‌خاک رفت.

○ رج ۱۲۴/۶.

□ **لوکینسن و لکن ویلهلم**، مدیر کمپانی هند شرقی هلند. م ۱۰۶۶ در اصفهان گورستان ارامنه، جلفا.

○ آص ۸۴۶.



## م

## از آرامگاه مادر سلطان زین العابدین تا آرامگاه نایینی

□ مامقانی، حاجی شیخ عبدالله، زاده شده ۱۲۹۰

در نجف، فرزند شیخ محمدحسن از علمای بزرگ  
که در ۱۳۵۱ در نجف درگذشت و در آرامگاه پدر  
خود به خاک سپرده شد. وی مؤلف تنقیح المقال  
فی احوال الرجال است.

○ رج ۱۴۸/۵.

□ مأمون عباسی، طرسوس م ۲۱۸.

○ التنبیه ۳۳۴ + مجمل فصیحی ۲۸۹.

□ مانی شیرازی، شاعر و خوشنویس عصر شاه  
اسماعیل، مقتول در تبریز و مدفون در سُرخاب.

○ خوش ۶۱۰ + مقبرة الشعرا، تبریز کارنامه ۶۹۱  
+ کوی سُرخاب ۴۱۴.

□ مبارک شاه سید، سلطان دهلی ۱۴۳۴ م،  
دهلی.

○ معماری هند ۲۲ تصویر ۱۶ الف.

□ متین السلطنه عبدالحمید ثقفی، فرزند

اعتضادالاطبا طبیب معروف عصر قاجارها،

اختصاصاً طبیب عزت الدوله. زاده شده در تهران

اول محرم ۱۲۹۶ که روز اول شعبان ۱۳۳۵ توسط

کمیته مجازات کشته شد. متین السلطنه مانند

بسرادرش اعلم الدوله مردی آزادیخواه و

تحصیل کرده و دموکرات بود و چندبار به وکالت

مجلس انتخاب شد و از مخالفان سیاستهای

خشونت بار روسیه تزاری در ایران بود. وی را در

ابن بابویه شهر ری به خاک سپردند. متین السلطنه

دومین نفر بود که به تیر کمیته مجازات کشته شد و

□ مادر سلطان زین العابدین، پادشاه کشمیر، نیم  
ویران.

○ معماری هند ۸۶ تصویر ۶۰ الف.

□ مادر سلیمان، مشهد مادر سلیمان در پاسارگاد  
نزدیک آرامگاه کوروش.

○ ا ق ۱۰.

□ مادر سهل بن عبدالله، گور مادر سهل بن عبدالله  
در خارج شهر شوشتر، سهل بن عبدالله از عارفان  
بزرگ بوده است. م ۲۸۲ در بصره.

○ د ش ۵۵۶.

□ مادر نادرشاه، در لار فارس.

○ معماری ۸۶/۲.

□ مادر هولاکو ← آرامگاه کیود، گنبد کیود در  
مراغه.

□ مادر هولاکو، در مراغه، بنایی از سده هفتم.

○ معماری ۸۴/۲.

□ ماستری ← آرامگاه شیخ عبدالصمد در نطنز.

□ مالک، برج مالک در سقز، بنای سلجوقی.

○ معماری ۸۹/۲ + بنای تیموری. چهره ایران  
۱۷۴.

□ مالک اژدر (اشتر)، در خاکریز قلعه افراسیاب  
در سمرقند.

○ سمریه ۱۶۷.

□ مالک دیلمی، خوشنویس، مرگ ذی حجه ۹۶۹  
در قزوین، مدفون در قزوین.

○ خوش ۵۹۹.

جریان این ترورها را دقیقاً می‌توان در کتاب ایران در جنگ بزرگ سپهر صفحه ۴۱۸ و کتابهای دیگر تاریخ مشروطیت و پی‌آمد آن در آن زمان متین‌السلطنه سردبیر روزنامه عصر جدید بود و طی مقاله‌ای دولت را به علت تعلل در ایجاد امنیت مورد سوال و مؤاخذه قرار داده بود. قاتل را که هنگام فرار یک پسر ۱۴ ساله ارمنی را هم کشته بود نتوانستند کشف یا دستگیر کنند. کمیته مجازات پس از قتل متین‌السلطنه بود که اولین بیانه خود را تدارک و تکثیر و منتشر ساخت.

○ فک مؤلفان ۷۷۸/۲ + ایران در جنگ بزرگ ۴۱۸ + کمیته مجازات.

□ **مجدالدوله خوانسالار**، (۱۳۱۶-۱۳۵۷ خ)، مهدی قلی‌خان پسر عیسی‌خان اعتمادالدوله قاجار، دایی ناصرالدین‌شاه. مجدالدوله از محارم شاه و بسیار مورد اطمینان وی بوده ابتدا غلام بچه اندرون و در سفر ۱۲۸۸ شاه به عتبات، از همراهان وی شمرده می‌شد. وی پس از بازگشت از این سفر با فخرالدوله دختر شاه ازدواج کرد و داماد شاه شد و پس از فوت این خانم در جوانی، با دختر دیگر شاه که بیوه اعتضادالملک بود عروسی کرد. مجدالدوله به مقتضای شغلی که داشت سالها غذای شاه و دیگر ساکنان دربار را مهر می‌کرد. وی سرانجام در اواخر سال ۱۳۱۶ خ در دژآشیب شمیران جان سپرد و در آرامگاه محمدشاه در قم، به خاک سپرده شد.

○ رجال ناصری ۹۸ + ر ج ۱۸۴/۴.

□ **مجدالدین اسعد**، دومین حکمران فارس، م ۶۸۶، مدفون در مدرسه‌ای به نام (مجد رومی) که خود وی ساخته بود.

○ شیرازنامه ۷۳.

□ **مجدالدین بغدادی**، شیخ، از صوفیان بزرگ قرن هفتم که در ۶۰۷ یا ۶۱۶ به امر سلطان محمد خوارزمشاه در جیحون غرق شد. بدنش را به نیشابور آوردند و در سال ۸۳۳ به اسفراین منتقل کردند. جامی قصه غرق شدن وی را این چنین آورده است:

شیخ مجدالدین در خوارزم وعظ می‌گفت و مادر سلطان محمد عورتی بود به غایت جمیله به وعظ شیخ مجدالدین می‌آمد و گاه‌گاه به زیارت او می‌رفت. مدعیان فرصت جستند تا شبی که سلطان محمد به غایت مست بود عرضه داشتند که مادر تو به مذهب امام ابوحنیفه و به نکاح شیخ مجدالدین درآمده است. سلطان رنجه شد فرمود که شیخ را در دجله (جیحون؟) اندازند، انداختند. ○ تا سخ ۴۲۱.

□ **مجدالدین**، صنیع الله، کوزه گنانی. عارف و صوفی مشهور قرن نهم و اوایل قرن دهم که در دهم صفر ۹۸۱ فوت کرد ماده تاریخ وفاتش پیرطریقت است و در مقبرة الشعرا در تبریز به خاک سپرده شد. به قولی وفاتش در ۹۳۱ یک سال پس از فوت شاه اسماعیل اتفاق افتاده است.

○ کوی سُرخاب ۲۰۱. + رجال ناصری ۹۸ ر ج ۱۸۴/۴.

□ **مجدالکتاب**، شیخ محمد، م ۱۲۹۷ خ هنرمند خوشنویس مدفون در نجف وادی السلام. ○ خوش معاصر ۷۲.

□ **مجدالملک**، میرزامحمد خان سینکی خواهرزاده میرزا آقاخان نوری و پدر میرزا علیخان امین‌الدوله وزیر وظایف ناصرالدین‌شاه، م ۱۲۹۹، حضرت عبدالعظیم.

○ رهبر ۶۷.

میراحمد نراقی، شاعر و مرثیه‌سرای معروف. مورد احترام شاه طهماسب و مداح وی و شاه اسماعیل و سلطان محمدخدابنده و نیز محمداکبر سلطان بابر هند و مرتضی نظام شاه و یوسف عادل شاه بود و چون به هند نرفته بود. مدحیات را برای ایشان فرستاده. م ۹۹۶ مزار او در کاشان معروف است.

○ تان ۴۴۵ + بقعه کوچک در کربلا + د ت ۴۷.  
 [محبوبی، رضا، (۱۲۷۷-۱۳۳۳خ) فرزند میرزا عباسعلی خان ناظر، نوازنده ویولن مدفون در آرامگاه ظهیرالدوله شمیران.  
 ○ مردان موسیقی ۵۲.

[محبوبی، مرتضی، فرزند عباسعلی معروف به ناظر (۱۲۷۹-۱۳۴۴خ) در تهران متولد شد اولین استاد وی مادرش فخرالسادات بود و سپس حسین خان هنگ آفرین... محبوبی در نواختن پیانو پیشرفت فراوان کرد و در جایگاه نخست قرار گرفت کار وی این امتیاز را داشت که با ابتکار وی حالت موسیقی ملی به‌خود گرفت، محبوبی با همکاری هنرمندان هم‌عصر خود آثار مهمی برجای گذاشت از جمله نوای نی و کاروان. محبوبی در تهران مرد و در آرامگاه ظهیرالدوله به‌خاک سپرده شد.

○ چهره‌ها ۱۱۴ + مردان موسیقی ۳۲۱.

[محدث دهلوی، عبدالحق فرزند سیف‌الدین بخاری، صوفی، محدث و شاعر متخلص به حقی، از دانشمندان، متصوفه و تاریخ‌نویسان بزرگ هند که در ۹۵۸ در دهلی زاده شد. چندبار به حج رفت و سرانجام در دهلی مقیم شد و در ۱۰۵۲ در آن شهر جان سپرد و به‌خاک سپرده شد.  
 ○ تان ۳۶۹.

[مجدوب، حاج محمد جعفر کبودرآهنگی قراگوزلو، مجدوب علی شاه با تألیفات زیاد. م ۱۲۳۹ تبریز، مزار سیدحمزه.

○ رج ۳۲۸/۳ و ۱۴۴/۶ + مجدوبعلی شاه همدانی در مقبره ملاباشی تبریز. آذ ۴۵۳ + کوی سرخاب ۱۰۲.

[مجلسی محمد باقر ← آرامگاه مجلسی ملامحمدتقی

[مجلسی، آخوند ملامحمدتقی، م ۱۰۷۰ و فرزندش محمدباقر صاحب بحارالانوار م ۱۱۱۰. اصفهان در گوشه شمال غربی مسجد جامع با دو تصویر قلمی از ملامحمد باقر و کتیبه به تاریخ ۱۰۹۲ و سقاخانه مورخ ۱۰۹۳ عصر شاه صفی.  
 ○ د ت ۴۷ + فک مؤلفان ۲۳/۲.

[مجیر، بقعه سنگی مجیر بن عقیل در دیزج اسکو.  
 ○ آذ ۵۸۵.

[مجیرالدین ییلقانی، ابوالمکارم، ادیب و شاعر که در ۵۶۸ اوباش در اصفهان وی را کشتند مدفون در اصفهان و یا مقبره الشعراى تبریز.  
 ○ کارنامه ۶۹۳ + کوی سرخاب ۲۷۳ + تان ۱۰۷ سال وفات ۵۸۰.

[محب علی مانی، خوشنویس و دولتمرد عصر شاه طهماسب. مرگ ۹۵۵، مشهد در جوار قبر پدرش.

○ خوش ۹۱۷.

[محبوبعلی شاه سمنانی ← آرامگاه فانی و محبوب علی شاه.

[محتشم السلطنه، حاج ← آرامگاه اسفندیاری، حسن.

[محتشم کاشانی، مولانا کمال‌الدین پسر خواجه

□ محدث کازرونی، جلال‌الدین شیخ ابواسحاق، م ۸۲۸ در هرات، مدفون در گازرگاه.

○ تان ۷۶۵.

□ محسن حکیم، آیت‌الله حکیم، فرزند سیدمهدی متولد ۱۳۰۶ در نجف، وی پس از فوت آقا سید ابوالحسن مرجع تقلید شد و پس از فوت آقای بروجردی مرجعیت تامه یافت. آیت‌الله حکیم در ۱۳۴۹ خ/ ۱۳۹۰ در کاظمین درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد. از تألیفات اوست: حواشی بر کتاب عروة الوثقی تألیف آقا سید محمد کاظم یزدی و مجموعه مستمسک العروة الوثقی در ۱۳ مجلد.

○ رج ۱۹۰/۵.

□ محسن فانی ← آرامگاه ملامحسن فانی.

□ محقق اول، نجم‌الدین ابوالقاسم محقق حلی، م ۶۰۲-۶۷۶، حله عراق.

○ فک مؤلفان ۳۰۶/۲۰.

□ محقق بهبهانی، محمدباقر - (۱۲۰۸-۱۱۱۸) متولد اصفهان از عالمان و روحانیان بزرگ قرن دوازدهم و سیزدهم، مدفون در رواق امام حسین(ع).

○ فک مؤلفان ۱۷/۲.

□ محقق ترمذی حسینی، سیدبرهان‌الدین از سادات ترمذ و از مشایخ آن خطه و تربیت شده مولانا بهاء‌الدین ولد که پس از مهاجرت بهاء‌الدین در ترمذ ماند، اما وقتی شنید که مرشدش از دنیا رفته، برای تربیت جلال‌الدین به قونیه رفت، و نه سال در این شغل بود. وی در خاک روم سیاحتها کرد و سرانجام در ۶۳۸، در قیصریه رحلت کرد و در دارالفتح آن شهر به خاک رفت. از او کتابی به نام معارف مانده است.

○ تان ۷۳۷.

□ محقق حلی ← محقق اول ←

□ محقق خوانساری، آقا حسین ← آرامگاه آقا

حسین خوانساری.

□ محقق همدانی، عالم ربانی و فقیه. م ۹۹۳، ایوان نجف.

○ فک مؤلفان ۴۶۲.

□ محمد ابراهیم نواب، خوشنویس قرن ۱۳، نجف.

○ خوش ۶۲۸.

□ محمد بن ابوبکر بن عثمان، یزد، سنگ قبر در انبار مدرسه مصل.

○ ی ۱۱۶۳.

□ (مزار) محمد بن امام جعفر صادق(ع)، در سمرقند.

○ سمریه ۱۷۵.

□ محمد بن جعفر، بقعه محمد بن جعفر در کنار جاده کوتیول شش کیلومتری دزفول.... محمد بن جعفر رجل عصر خلفای راشدی شوهر دوم ام کلثوم دختر حضرت علی که ابتدا همسر ابوبکر بود. شهید در دزفول، با بنایی شبیه بناهای مقدس شمال ایران.

○ د ش ۳۱۶ + معماری ۸۴/۲.

□ محمد اسماعیل خان، فرزند محمدخلیل خان قزوینی ملک‌التجار نماینده سیاسی ایران در بمبئی که در سال ۱۲۱۶ به‌طور ناگهانی کشته شد و دولت انگلستان به محمد اسماعیل (متولد ۱۲۰۷) یک لک روپیه (یکصد هزار روپیه) داد و به‌بقیه افراد خاندان مقتول نیز مبالغی به‌طور مقطوع یا مداوم پرداخت. محمد اسماعیل با پولی که به‌چنگ آورد در پاریس می‌زیست و در همان

جا نیز مرد و به خاک سپرده شد.

○ رج ۵/۲۱۶.

□ **محمدباقر**، حاج میرزا، فرزند محمد جعفر متولد در دهکده قهی در کوهپایه اصفهان متولد ۱۲۳۹. وی انشعابی در فرقه شیخیه برای احراز ریاست خود به وجود آورد. فوت ۱۳۱۹ در جندق، مدفون در مشهد در یکی از حجره‌های شمال غربی صحن نو.

○ رج ۲۱۱.

□ **محمدباقر خوانساری**، سید، (۱۲۱۶-۱۳۱۳) مؤلف روضات الجنات فی احوال العلما والسادات. اصفهان تخت فولاد.

○ رج ۵/۲۱۷.

□ **محمدبدیع**، فرزند سیدمصطفی درب امامی، عالم و ادیب و شاعر و خوشنویس اصفهانی. م ۱۳۱۸، مدفون در تکیه میرسید محمد شهبهانی، اصفهان.

○ آص ۲۲۸.

□ **محمدبهاءالدین خاکی**، در حدود مزاربابا قاسم در سرخاب تبریز. عارفی تابع شریعت معاصر با آق‌قویونلوها.

○ کوی سرخاب ۲۲۴.

□ **محمدتقی سپهر**، میرزا، میرزا محمدتقی مستوفی فرزند آخوند ملا محمدعلی‌کاشانی، ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر، زاده شده در شهر کاشان در سال ۱۲۰۷ که از برکشیدگان فتحعلی‌خان صبا ملک‌الشعرا دربار ناصری است و به تشویق وی به نگارش سخنان در علم قافیه شروع کرد. در سال ۱۲۳۸ که صبا فوت کرد وی به کاشان برگشت و معاون محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه در حکومت کاشان شد. سپهر در

عصر محمدشاه به تهران آمد و مداح خاص و منشی و مستوفی دیوان شد و شروع به نوشتن بزرگترین تاریخ مدون ایران از هبوط آدم تا ۱۲۳۷ کرد و به همین مناسبت از سوی ناصرالدین شاه ملقب به لسان‌الملک شد. میرزا محمدتقی در ۱۷ ربیع ثانی ۱۲۹۷ در تهران مرد و در نجف به خاک سپرده شد. کنت گوینو متفکر فرانسوی کتاب وی را ستوده است.

○ رج ۳/۳۱۹.

□ **محمدتقی شیرازی** ← آرامگاه میرزا محمدتقی شیرازی.

□ **محمدتقی کمالی**، تهران، م ۱۳۳۸، باغچه علی‌جان حضرت عبدالعظیم.

○ خوش معاصر ۱۹.

□ **محمدتقی لشکرنویس**، وکیل لشکر و دبیرالدوله. در سال ۱۳۱۲ وکیل لشکری را به فرزندش انتقال داد و خودش دبیرالدوله شد. مدفون در کربلا رواق حضرت امام حسین(ع).

○ رج ۵/۲۲۰.

□ **محمدجعفر خورموجی دشتستانی**، زاده شده در ۱۲۲۵ فرزند میرزا محمدخان حکمران و همه‌کاره خورموج نویسنده تاریخ حقایق الاخبار که در نتیجه آن ملقب به وقایع نگار شد. وی آخر عمر در عراق مجاور شد و در سال ۱۳۰۱ همان جا درگذشت و به خاک سپرده شد.

○ رج ۵/۲۲۲.

□ **محمد جلاله**، شش کیلومتری جنوب غربی خرم‌آباد.

○ معماری ۹۷/۲.

□ **محمدحسن خان، میرزا**، برادر میرزا تقی‌خان امیرکبیر وفات وی هنگامی اتفاق افتاد که

حکمران عراق بود. در ۱۲۷۵، کربلا مجاور برادرش میرزا تقی خان امیر نظام.

○ امیر کبیر ۲۶.

□ محمد حسن خان قاجار، حضرت عبدالعظیم در ناسخ التواریخ و گرگان در منتظم ناصری و روایات دیگر. از جمله اینکه وقتی سر محمد حسن خان را پیش کریم خان آوردند کریم خان آن سر را با احترام در حضرت عبدالعظیم دفن کرد.

○ رج ۳/۳۷۱.

□ محمد حسن خان مقدم مراغه‌ای ← آرامگاه اعتماد السلطنه.

□ محمد حسن ممقانی ← ممقانی شیخ محمد حسن.

○ رج ۵/۲۲۸.

□ محمد حسن میرزا قاجار، آخرین ولیعهد قاجاریه در ایران (۱۲۷۹-۱۳۲۱ خ) در لندن مرد و در کربلا، حرم حضرت امام حسین (ع) به خاک سپرده شد.

○ رج ۸۷ + ایران در جنگ ۱۴۶.

□ محمد حنفی، فرزند علی بن ابی طالب (ع)، در خارگ تحت عنوان بقعه میر محمد.

○ ا ق ۱۴۴ + سیراف ۱۴۸ + میر محمد حنفیه، خارگ ۸۰.

□ محمد حنفیه، فرزند علی (ع) و پسرش هاشم و ابوالقاسم حمزه، فرزند امام موسی کاظم (ع) در دهکده بیروزن فاراب عمارلو با بنای گنبدداری از سنگ و آجر.

○ آس ۴۹۸.

□ محمد خان برادر سید علی خان ← آرامگاه سید علی خان.

□ محمد خان کرمانشاهی ← آرامگاه کرمانشاهی

کفری.

□ محمد رحیم بروجرودی، حاج شیخ، تولد ۱۲۲۴ در بروجرود. وی از علمای بزرگ شیعه در عصر خودش بود. م ۱۳۰۹ مشهد، دارالسیاده رضوی. ○ رج ۵/۲۴۷.

□ محمد رحیم جهرمی، خوشنویس عصر فتحعلی شاه. ○ خوش ۷۲۰.

□ محمد رحیم خان، پسر دوم کریم خان زند. زاده شده در ۱۱۷۳ که در حیات و سلطنت پدر در ۱۸ سالگی مرد ۱۱۹۱، و از عذابهای جانشینی کریم خان آسوده ماند. مدفون در شیراز. ○ رج ۶/۲۳۴.

□ محمد رضا، فرزند هادی (۱۳۰۱-۱۳۶۶)، فقیه، ادیب و شاعر از خاندان کاشف الغطاء. وی در بیروت درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد. ○ د ب ۲/۱۰۷.

□ محمد رضا تبریزی، خوشنویس همعصر و هم مشق میرعماد حسنی. م ۱۰۲۷ تبریز. ○ خوش ۷۲۷.

□ محمد رضا قمشه‌ای، (آقا) حکیم و دانشمند معروف. در پنجم محرم ۱۳۰۶ فوت کرد در ۷۲ سالگی، در سر قبر آقا مدفون شد که هنگام خیابان‌کشی استخوانهایش به ابن بابویه آورده شد.

○ یا ق ۲۳۵ + رج ۲۳۵.

□ محمد شاه، سومین حکمران از سیدها، باغ لودی دهلی.

○ شهرهای مغولی هند. تصویر ۱۲.

□ محمد شاه بابر، سلطان هند هنگام حمله نادر به آن دیار. دهلی نظام الدین اولیا.

○ د ۲۵۲.

□ **محمدشاه قاجار**، دوران پادشاهی محمدشاه معروف به غازی در تاریخ قاجاریه، یک عصر جالب توجه بوده است و در حقیقت دوره مداخلات بیگانگان در امور ایران، بود که با بی حالی شاه و بی تفاوتی حاج میرزا آقاسی به حداکثر رسید. محمدشاه چند وقت مزاج سلامت نداشت و از نقرس آخرین درجه رنج دائم می برد. با اخلاق و سجایای سستی که داشت فوق العاده غمناک و سودایی شده احتیاج فوق العاده به محبت داشت و این کجبود را فقط وجود حاجی میرزا آقاسی جبران می کرد. فوت در تهران ۱۲۶۴، مدفون در آرامگاه خاصه در مغرب صحن عتیق حرم حضرت معصومه قم، با هشت تصویر از شاهان صفوی و قاجار.

○ سیاستگر ۱۱۲/۲ + د ت ۴۷.

□ **محمد شفیع قزوینی**، فرزند عبدالجبار شاگرد میرعماد. م ۱۱۲۶ اصفهان بابارکن.

○ خوش ۷۶۲.

□ **محمد صالح قره باغی**، خوشنویس. م ۱۱۲۶ اصفهان مسجد لبنان.

○ خوش ۷۷۲.

□ **محمدطاهر میرزا**، پسر اسکندر میرزا زاده شده در ۱۲۵۰ مترجم معروف عهد قاجار. ابن بابویه، مقبره ابوالحسن جلوله.

○ رج ۹۵۳/۵ + تا فف ۵۴۸.

□ **محمد عادلشاه**، م ۱۶۶۰ در بیجاپور هند، گل گنبد (گنبد) بلندترین گنبد در شبه قاره.

○ معماری هند، تصویر ۵۱ الف.

□ **محمدعلی حب حیدر**، زاده شده در ۱۲۹۵ در اردبیل وی از ۲۶ ماه صفر ۱۳۷۵ جانشین میرزا

احمد تبریزی، سی و هشتمین پیشوای فرقه ذهبیه بود و خانقاه فرقه ذهبیه را در شیراز ساخت که بعد از وفات در همان جا مدفون شد م ۱۳۸۲ - آرامگاه حب حیدر.

○ رج ۲۴۴/۶.

□ **محمدعلی خان مافی** - آرامگاه نظام السلطنه.

□ **محمدعلی خبوشانی**، فقیر - آرامگاه فقیر محمدعلی خبوشانی.

□ **محمدعلی سدیدالسلطنه** - آرامگاه سدیدالسلطنه.

□ **محمدعلی شاه قاجار**، که در ۵۴ سالگی در ۱۳۰۴ خ در ساوانای ایتالیا مرد و در کربلا، حرم حضرت امام حسین (ع) به خاک سپرده شد.

○ رج ۴۴۴/۳.

□ **محمدعلی صفوت**، شیخ، زاده شده در تبریز ۱۲۹۸ روحانی که تبدیل لباس نمود و فرهنگی شد و مشاغل مهم یافت و مدتی بعد دوباره لباس روحانیت پوشید، تا ۱۳۳۵ که به رحمت خدا رفت و در قم به خاک سپرده شد.

○ رج ۲۴۴/۶.

□ **محمدعلی قاینی**، میرزا، از مدرسین نامدار کتب حکمت و علوم معقول و ریاضی که خوشنویس هم بود. م ۱۳۰۵ تهران، امامزاده یحیی.

○ رج ۲۴۰/۶.

□ **محمدعلی میرزا دولتشاه**، با تخلص دولت، پسر بزرگ فتحعلی شاه از زن گرجی او، متولد ۱۲۰۳ وی از شجاعترین سرداران قاجار بود که قابل قیاس است با عباس میرزا نایب السلطنه پسر چهارم فتحعلی شاه. دولتشاهی بیشتر عمرش را در مغرب ایران گذراند و در تمام عمر سرگرم

جنگ با عثمانیان بود و تقریباً در همه جنگها پیروزی داشت و می‌رفت که بغداد را تصرف کند اما دچار اسهال وبایی شد و در ۳۴ سالگی فوت کرد و بدنش را برای کفن و دفن به کرمانشاه بردند سال ۱۲۳۰.

○ رج ۳/۴۳۰.

□ **محمد عماد طاهری**، خوشنویس م ۱۳۵۰ خ حضرت عبدالعظیم، آرامگاه ابوالفتح رازی.

○ خوش معاصر ۱۱۰.

□ **محمد غوث**، ۱۵۶۴ م در گوالیور، بنایی متأثر از معماری ایرانی اسلامی هند و اسلوب گجراتی هند.

○ معماری هند ۳۰ تصویر ۱۹ ب.

□ **محمدقلی سلیم**، شاعر که در عصر شاه جهان به هند آمد و ملازم اسلام خان وزیر اعظم شد و در تاریخ ۱۰۵۷ رخت به دیگر سرای کشید. سنگ گور وی اکنون در موزه دولتی سری‌نگر و قبرش در مزارالشعرا سری‌نگر موجود است.

○ نقش پارسی ۹۵.

□ **محمدکاظم پسر میرزا عباس**، نقاشباشی عباس میرزا. وی اولین جوان ایرانی بود که برای تحصیل به اروپا رفت اما در لندن مرد و به خاک سپرده شد، لندن ۲۲ ربیع‌الاول ۱۲۲۸.

○ ایرانگل ۱۴۸.

□ **محمد مسعود**، روزنامه‌نگار در بیست سالگی از قم به تهران آمد و در چاپخانه‌ای که شفق سرخ را چاپ می‌کرد سرگرم کار شد و کتاب تفریحات شب را در پاورقی آن به چاپ رساند، مدیر شفق سرخ مقدمات سفر او را به‌فرنگ فراهم کرد و وی در ۱۳۱۴ به اروپا رفت و چهار سال در رشته روزنامه‌نگاری در بلژیک تحصیل کرد.

پس از بازگشت به ایران به علت مقالاتش در اروپا که مربوط به سوسیالیزم بود بیکار شد و مدتی مقاطعه‌کاری کرد و در مرداد ۱۳۲۱ به‌انتشار روزنامه معروف مرد امروز سرگرم شد و چون انتقادهای شدید می‌کرد در ۲۲ بهمن ۱۳۲۶ توسط عمال حزب توده کشته شد. از مسعود گذشته از ۱۳۸ شماره مرد امروز چند رمان انتقادی: تفریحات شب، در تلاش معاش اشراف مخلوقات، گل‌هایی که در جهنم می‌روید و بهار عمر برجای مانده است. آرامگاه ظهیرالدوله.

○ چهره‌ها \*.

□ **محمد معصوم میرزا** - آرامگاه سیدعلی خان برادر محمد معصوم.

□ **محمد مفید**، روحانی و شاعر متخلص به‌داور، امام جماعت مشهد شاه‌چراغ و استاد فرصت مؤلف آثار عجم، زاده شده در ۱۲۵۱ م و ۱۳۲۵. شیراز قبرستان سلم در جنوب شیراز.

○ رج ۴/۵.

□ **محمد مهدی طباطبایی**، (۱۱۱۵-۱۲۱۳) تولد در کربلا. عالم و مجتهد، معروف به بحرالعلوم فرزند سیدمرتضی که در نجف درگذشت و در آرامگاه ویژه خود خارج از صحن مرتضوی به خاک سپرده شد.

○ رج ۴/۶.

□ **محمد میرزا ملک آرا**، پسر عباس میرزا ملک آرا، نوه محمدشاه متولد ۱۲۷۶ در بغداد و م ۱۳۲۳، قم مقبره محمدشاه نزد پدرش.

○ رج ۶/۱۹۵.

□ **محمدناصرخان**، پسر امیر حسین خان حکمران قوچان، از ۱۳۱۱ که پدرش کشته شد. مردی ملقب به شجاع‌الدوله ولی شیرهای و



عرق خور. م ۱۳۲۷ حرم امام رضا (ع)، نزدیک ضریح در سردابه‌ای مخصوص امرای قوچان.

○ رج ۵/۲۶۵.

□ محمد هاشم شیرازی، صوفی و شاعر و خوشنویس قرن ۱۱. شیراز در جوار خواجه حافظ.

○ خوش ۸۵۹.

□ محمد یحیی علیخان، حکمران آود در هند (۱۱۸۸-۱۲۱۲). وی ملقب به آصف‌الدوله بود و مردی ادب‌پرور و فرهنگی که خود نیز به فارسی و اردو شعر می‌گفت. در امام باره یا حسینیه لکنهو که خودش ساخته بود به خاک سپرده شد.

○ د ب ۴۲۷.

□ محمود سلجوقی، اصفهان.

○ ل ۲۷۹۸.

□ محمود محمود، فرزند محمدقلی، پیش از کودتا محمود پهلوی، نویسنده تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹ که در ۲۸ آبان ۱۳۴۴ در ۸۴ سالگی در نایبانیی مرد و در شهر ری، ابن بابویه به خاک سپرده شد.

○ رج ۴/۴۵.

□ محمود محمودی، دانشمند ملقب به مشارالملک، کاشف ستاره محمودی. م ۱۳۳۸، قم مسجد بالاسر.

○ فرآ ۴۸۶.

□ مخدوم جهانیان جهان گشت، تولد ۷۰۷، سید جلال‌الدین حسین فرزند بزرگ سید احمد کبیر سهروردی که لقب مخدوم جهانیان را قطب‌الاقطاب به‌وی داد. سلطان فیروز شاه تغلق از ارادتمندان وی بود، این عارف پاکباز در فرمانروایان معاصر خود نفوذ فوق‌العاده داشت.

ملفوظات وی به زبان فارسی به نام خلاصه‌الالفاظ جامع‌العلوم شهرت دارد که اخیراً توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان طبع و نشر شده است. م ۷۸۵، مدفون در خارج شهر اوج شریف بهاولپور پاکستان.

○ میراث ۲/۵۲۰.

□ مخدوم فراقی، گرگان.

○ سیما دوم آذر ۱۳۷۲.

□ مددعلیشاه هندی، سید، یکی از مرشدهای مرحوم میرزا یوسف مستوفی. م ۱۲۹۷، آرامگاه بابا قلندر، ونک تهران.

○ رج ۴/۴۹۰.

□ مدرس، شهید سیدحسن، م دهم آذر ۱۳۱۷. حوزه علمی شهر خواف روز فوت وی روز مجلس (۱۰ آذر).

○ ز ۳۰/۲۰.

□ مدرس تهرانی، حاج شیخ علی عالم روحانی. م ۱۳۴۹.

○ تاریخچه ۷۸.

□ مدنی گرمانی، حاج سیدجواد متولد ۱۲۵۷ در سیرجان واعظ مبارز و خوشنویس. م ۱۳۳۹ خ. تهران ابن بابویه.

○ خوش معاصر ۱۰۱.

□ مدور، مجاور گنبد سرخ مراغه، بنایی ساده و شبیه به برجهای دفاعی که سقف و گنبد آن فروریخته و از لحاظ اصول معماری مشابه با گنبدسرخ است که ورودی آن با نقوشی پر و غنی آذین شده است. کتیبه‌های آن بسیار آسیب دیده ولی تاریخ بنا را در آن می‌توان یافت: سال ۵۶۳ ماه رجب. اما مزار چه کسی است هیچ نمی‌دانیم. ○ آثار ایران ۳/۲۹۶ + معماری ۲/۸۴.

□ **مرآت، اسماعیل**، وزیر فرهنگ و سرپرست محصلین ایرانی در اروپا در عصر رضاشاه. م ۱۳۲۸ خ شهر ری باغچه علی جان.

○ رج ۲۹/۵.

□ **مرتضی قلی خان**، برادر ضلیی آغامحمدخان.

م ۱۲۱۲ عتبات.

○ رج ۷۴/۴.

□ **مرتضی محجوبی** ← آرامگاه محجوبی، مرتضی.

□ **مرداویج زیاری**، که در ۳۲۳ در حمام کشته شد. ابن عمید او را بردوش مردمان از اصفهان بهری فرستاد و در شمال جیلآباد ری، امین آباد کنونی، در مقبره‌ای که خود ساخته بود مدفون شد.

○ ری ۳۸۲ و ۴۴۵ و ری ۴۲۲/۲.

□ **مردان پیش از تاریخ**، (۳۸۰۰-۱۷۰۰ ق.م) در.

تل قلعه حسن آباد و تل تیموران در خفرک فارس.

○ ا ق ۲۰.

□ **موعشی، میرقوام‌الدین**، میر بزرگ، م ۷۸۱ آمل.

○ د ب ۲۰۶/۲.

□ **موند، برج موند**، پوپ تصویر این آرامگاه را که از کتاب زاره گرفته آورده است اما درباره شخصی که در آن به خاک سپرده شده ساکت است، گچبرها به دست نجف مورخ ۷۳۱.

○ هنر ۷۳۱.

□ **موندی**، شیخ ابوالحسن، فقیه بزرگ سده سیزدهم ۱۳۴۹ مدفون در آرامگاه ناصرالدین شاه شهر ری.

○ تاریخچه ۷۸.

□ **مسعود السلطنه** ← آرامگاه آوانس خان.

□ **مساوات**، سیدمحمدعلی شیرازی فرزند

سیدمحمد حسن برازجانی، روزنامه‌نگار و آزادیخواه معروف که به نام روزنامه‌اش، مساوات، معروف شد. اولین شماره روزنامه در یکشنبه ۵ رمضان ۳۲۱ انتشار یافت، روزنامه‌ای که به قول براون یکی از چهار روزنامه مهم انقلاب گردید. وی عضو مجمع آزادگان بود که در ۱۳۲۱ تشکیل شد و قریب چهل نفر از آزادمردان در آن عضویت داشتند که، اغلب روزنامه‌نویس بودند. بعد از کودتای محمدعلی میرزا، مساوات کمیته انقلاب را درست کرد و خود در رأس مبارزان بااستبداد محمدعلی قرار گرفت. ولی محمدعلی میرزا موفق نشد که وی را دستگیر کند. مساوات در دوره دوم از آذربایجان و در دوره سوم از تهران وکیل شد. وی روز هفتم شهریور ۱۳۰۴ درگذشت و در امامزاده صالح به خاک سپرده شد. مجلس را یک روز به احترام وی تعطیل کردند.

○ تاج ۲۱۰/۴.

□ **مستشارالدوله** ← آرامگاه میرزا یوسف خان.

□ **مستوفی الممالک**، میرزا حسن خان، از دولتمردان بسیار خوشنام در تاریخ سیاسی ایران که از وی کمتر انتقاد شده و اتهامی نیز به وی نسبت داده نشده است. جد اعلای وی محمدکاظم آشتیانی مستوفی عباس میرزای ولیعهد بود و جدش میرزا حسن اولین مستوفی الممالک در تاریخ ایران است. پس از وی فرزندش یوسف این لقب را یافت و بدین ترتیب لقب مستوفی الممالکی بیش از یک قرن در این خاندان ماند. میرزا یوسف برای اولین بار در ۱۲۷۵ به وزارت رسید و جناب آقا شد و در ۱۳۰۱ صدراعظم گردید. از سال ۱۳۰۹ که میرزا یوسف فوت کرد و میرزا حسن در سنین نوجوانی

- رج ۳۴۷.
- **مشتاقعلی شاه**، مشتاقیه در جوار خانقاه وی در کرمان بنای قاجاری، حرم چهارضلعی و گنبد دوپوش مدور.
- آط ۳۶۹ + معماری ۸۸/۲.
- **مشتاقی اصفهانی**، روحانی و شاعر م ۱۳۲۸، کربلا ایوان حضرت ابوالفضل.
- فک مؤلفان ۴۰۰/۴.
- **مشتاقیه** ← آرامگاه مشتاقعلی شاه.
- **مشرقی**، در کوهسار شمالی شیراز.
- اق ۵۲.
- **مشرقی**، شیراز نزدیک آرامگاه خواجو، خواجه عمادالدین محمود وزیر شاه شیخ ابواسحاق با کتیبه به تاریخ ۸۲۸، آرامگاه روبه روی غار و در کنار سروی کهن در تنگ الله اکبر است.
- دت ۴۸.
- **مشفق اصفهانی**، (۱۳۱۰-۱۳۶۲) شاعر، مدفون در تکیه سیدالعراقین در تخت فولاد اصفهان.
- فک مؤلفان ۷۵۴/۳.
- **مشکین قلم**، جبار زنجانی، م ۱۳۱۱، زنجان.
- خوش معاصر ۸۸.
- **مشهدی سره**، سیدابوالحسن مؤید بالله، در دهکده لنکای تنکابن. از اولاد حضرت امام حسن(ع) که کتابی نیز از او برجای مانده است. م ۴۲۱، مدفون در سرای خود که اکنون آرامگاه اوست.
- آس ۸۴/۳.
- **مشیرالدوله**، میرزا حسین خان ← آرامگاه سپهسالار قزوینی.
- **مشیرالدوله**، میرزا جعفر تبریزی حسینی، مقصود از جعفرخان از فرنگ برگشته همین
- جانشین وی شد مرحوم مستوفی تا آخر عمر در صحنه مبارزات سیاسی ایران با موفقیت گام برمی داشت، حتی چندسالی نیز با سردار سپه که رضاشاه پهلوی شده بود همکاری داشت. روز ششم شهریور ۱۳۱۱ مرحوم مستوفی در منزل سردار فاخر حکمت در امامزاده قاسم دچار عارضه دل درد شد و به رحمت خدا رفت. این مجلس برای وساطت مرحوم مستوفی از سردار عشایر قشقایی تشکیل شده بود که بی نتیجه ماند و شایع شد که در این ماجرا تعمدی در کار بوده و جنایتی رخ داده است.
- رهبر ۵۲۴ + مستوفی الممالک سوم با تصویرها. رج ۳۱۸.
- **مستوفی، حمدالله** ← آرامگاه حمدالله مستوفی.
- **مستوفی میرزا حسن**، پدر میرزا یوسف ← آرامگاه میرزا یوسف مستوفی.
- **مستوفی، میرزا حسین خان**، کتاب السلطان ۱۳۲۷. مشهد.
- خوش معاصر ۷۹.
- **مستوفی میرزا یوسف** ← آرامگاه میرزا یوسف مستوفی.
- **مسعود، محمد** ← آرامگاه محمد مسعود.
- **مسکویه** ← آرامگاه ابوعلی مسکویه، ابن مسکویه.
- **مسیحی**، با نقش طلیب نسطوری در جزیره خارک.
- آش ۸۵۴.
- **مشار، حسن**، مشارالملک، دولتمرد عصر قاجاریه و پهلوی که بارها به وزارت رسید. م ۱۳۲۷ خ در ۸۵ سالگی، مدفون در نجف ایران حضرت علی(ع).

شخص است. از نخستین نفرات که در سال ۱۳۲۰ برای تحصیل به اروپا اعزام شد. آخرین شغل وی تولیت آستان قدس رضوی بود، فوت در مشهد ۱۲۷۹، مدفون در حرم رضوی.

○ فک مؤلفان ۳۰۲/۲.

☐ **مشیرالدوله**، میرزا حسن خان پیرنیا پسر بزرگ میرزانصرالله خان مشیرالدوله نایینی (۱۲۵۰ - آبان ۱۳۱۴ خ) وی پس از تحصیل در ایران و روسیه به مشاغل سیاسی روی آورد و وقتی پدرش وزیر خارجه شد او را رییس دفتر وزارت خارجه کرد. مشیرالدوله که ابتدا لقب مشیرالملک داشت در سال ۱۳۲۴ هنگام وزارت پدرش مأمور همکاری با عده‌ای شد که مشغول تدوین و تنظیم قانون انتخابات شدند و چون پدرش در ۱۳۲۵ فوت کرد وی لقب مشیرالدوله گرفت. مشیرالدوله برای نخستین بار در کابینه احمدخان مشیرالسلطنه به وزارت رسید و چندسال بعد در ۱۲۹۳ خ رییس الوزرا شد. مشیرالدوله روی هم رفته چهاربار نخست‌وزیر، هشت بار وزیر دادگستری، شش بار وزیر جنگ، چهاربار وزیر فرهنگ، چهاربار وزیر خارجه، دوبار وزیر پست و تلگراف، دوبار وزیر کشور و یکبار وزیر تجارت شد. وی پس از روی کار آمدن سردار سپه از کار کناره گرفت و بقایای عمر خود را صرف تدوین تاریخ قدیم ایران (ایران باستان) که هنوز هم مهمترین تاریخ مدون ایران پیش از اسلام است، کرد و روز پنج‌شنبه ۲۹ آبان ۱۳۱۴ به بیماری سکتة درگذشت و در آرامگاه خانوادگی پیرنیا امامزاده صالح تجریش به خاک سپرده شد.

○ رج ۳۲۳ + تلاش ۵۶۳ + ز ۲۱۴/۲.

☐ **مشیرالدوله**، میرزا نصرالله خان نایینی،

مصباح‌الملک مشیرالملک و مشیرالدوله، پسر آقامحمد و نواده حاج عبدالوهاب نایینی. در جوانی کتابهای دعایی را که خواهرش می‌نوشت به تهران می‌آورد و در خانه‌های اعیان می‌برد و هریک از آن بزرگان وجهی به وی می‌دادند و او با آن وجه به نایین بازمی‌گشت و با مادر و خواهرش زندگی می‌کرد. در یکی از این سالها به روایتی به سبب سرمای زیاد و به روایتی به علت فروش نرفتن کتابها در تهران ماندگار شد و در قهوه‌خانه باغ ایلچی شاگرد یا محاسب شد. مشیرالدوله به علت خط و ربط و سواد و خوی عارفانه موفق شد که به وزارت خارجه برود و تا حد وزیر خارجه و صدراعظم ترقی کند. وی در جریان مشروطه آن‌چنان با سیاست و تدبیر عمل کرد که هیچ کس ندانست مشیرالدوله چه کاره است: مشروطه‌خواه یا طرفدار محمدعلی، فراماسون یا عارف هرچه بود برای فرزندانش پدر بسیار خوبی بود و بسیار مورد احترام مردم ایران.

○ رج ۳۵۱/۴. تلاش آزادی

☐ **مشیرالدوله یحیی خان**، سومین پسر میرزانبی خان قزوینی، شوهر چهارم عزت‌الدوله (خواهر ناصرالدین‌شاه و بیوه امیرکبیر) و برادر حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله، سپهسالار اعظم با القاب آجودان مخصوص، معتمدالملک و وزیر مخصوص که در ۱۲۴۷ زاده شد. پدرش وی را همراه با میرزا حسین خان برادر بزرگتر برای تحصیل به اروپا فرستاده و یحیی خان پس از بازگشت در ۱۲۷۲ مترجم وزارت امور خارجه شد و از آن به بعد مشاغل مهمی یافت. وی در ۱۲۹۷ به جای محمودخان ناصرالملک وزیر دارایی شد و مشیرالدوله لقب یافت و سرانجام

به آرزوی خود که تصدی وزارت خارجه بود رسید و در جمادی الاول ۱۳۰۲ به جای ناصرالملک که به حکومت خراسان می‌رفت، وزیر خارجه شد. یحیی‌خان روی هم رفته یکی از دولتمردان خوشنام بود. وی سرانجام در ۲۰ جمادی دوم ۱۳۰۹ فوت کرد و جسدش را به مشهد برده نزد برادرش سپهسالار به خاک سپردند.

○ رج ۴/۴۶۷.

□ مشیر السلطنه احمد، فوت در تهران ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۷. قم آرامگاه اختصاصی. برخی از حملات قصار وی را روی پلاکهای برنجی نوشته در آرامگاهش آویخته‌اند.

○ رهبر ۲/۳۴۰ + در کنار همسرش خانم بهجت السلطنه دختر عباسقلی خان قوام‌الدوله + تا صف ۱۱۳۵.

□ مشیر همایون شهردار، حبیب‌الله (۱۲۶۵-۱۳۴۸ خ) فرزند نصرالله خان سپهسالار، نوازنده پیانو و با آثاری چون اپرت یوسف و زلیخا، خسرو و پروانه وی مؤسس «ارکستر ویژه» در رادیو بود. مدفون در آرامگاه ظهیرالدوله.

○ مردان موسیقی ۲/۹۶.

□ مشیر، در بردسیر کرمان، اتاق گنبد از ۷۵۷.

○ معماری ایلخانی ۱۹۸.

□ مصاحبی نائینی، متخلص به عبرت شاعر، عارف و جهانگرد. (۱۲۸۵-۱۳۲۱ خ) مدفون در امامزاده عبدالله تهران در جوار وحید دستگردی.

○ ت نفیسی.

□ مصدق، مصدق آرزو داشت و وصیت کرده بود که در جوار شهیدان سی تیر دفن شود ولی شاه با این خواش موافقت نکرد و با تکان دادن انگشت دست گفت: مرده و زنده احمدآباد. بدن.

پیر محبوب مکت را در خانه‌اش احمدآباد به طور موقت به خاک سپردند. تصویر در چهره مصدق، اواخر آلبوم.\*

□ مصطفی خان، پسر حسن خان نوایی، با القاب معتمدالوزاره و نیرالسلطان وزیر فواید عامه در دولت اول قوام السلطنه زاده شده در ۱۳۰۰ خ. فوت ۱۳۲۰ خ. قم صحن امین السلطنه.

○ رج ۵/۲۹۴.

□ مصطفی قلی خان اعتمادالسلطنه، در آرامگاه ملایاشی تبریز.

○ آذ ۴۵۷.

□ مصله بن هبیره شیانی، سردار مسلمان معاصر با معاویه، که از وی هزار مرد خواست برای فتح طبرستان اما در نخستین جنگ کشته شد و در راه کجور به کندسان و نور به خاک سپرده شد.

○ آس ۳/۱۷۸.

□ مطلب خان دامغانی، یکی از پنج برادر سرداران دامغانی که اصلاً اهل سنگسر و سمنان بوده‌اند. از دولتمردان عصر فتحعلی شاه و محمدشاه که در ذی حجه ۱۲۳۷ در اثر بیماری وبا مرد و در حرم حضرت رضا به خاک سپرده شد.

○ رج ۴/۱۱۹.

□ مظفرالدین جهانشاه قراقویونلو، سومین پادشاه آن خاندان در ۷۰ سالگی روز ۱۲ ربیع الثانی ۸۷۲ توسط اوزون حسن کشته شد و در عمارت مظفریه تبریز در کنار مسجدی معروف که خود ساخته بود، به خاک سپرده شد. وی شاعر نیز بوده و در شعر حقیقی تخلص می‌کرده است.

○ تان ۷۹۴.

□ مظفرالدین شاه قاجار، متولد ۱۲۶۹ که در ۱۸

- دی ۱۳۲۴ در ۵۴ سالگی درگذشت. کربلای معلی.
- روزشمار ۱۲ + امانت در تکیه دولت و دفن در کربلا حرم حضرت امام حسین (ع). + رج ۱۳۵/۴.
- مظفر علی نقاش تربتی، مولانا، از مردم تربت پسر مولانا حیدر و خواهرزاده بهزاد نقاش وی خود نقاشی زبردست و استاد صادقی افشار بوده است. مدفون در قبرستان شاهزاده حسین قزوین.
- تان ۵۲۵.
- معاضد السلطنه، ابوالحسن پیرنیا، از خانواده حاجی عبدالوهاب و عموزاده پیرنیاها که در شیراز به طور مشکوک در ۱۳ آذر ۱۳۱۸ وفات کرد. ناین آرامگاه حاجی عبدالوهاب پیرنیا.
- رهبر ۶۴۹ + ز ۲۰۸/۲ + رج ۴۰.
- معاون الدوله غفاری، ابراهیم پسر فرخ خان امین الدوله از دولتمردان عصر ناصری (۱۲۷۷-۱۳۳۶) درگذشت در تهران خاک سپاری در آرامگاه طاووس العرفا امامزاده حمزه شهر ری.
- رج ۲۰ + رجال ۱۲۵.
- معتمد الحرم ← آرامگاه آقا جوهر.
- معتمد الدوله، منوچهر خان ← آرامگاه منوچهرخان معتمد الدوله.
- معز الدوله بویه ای، ابوالحسن احمد، م ۳۵۶، کاظمین.
- ل ۱۳۶.
- معصوم، ملا معصوم، در چهار کیلومتری جنوب مراغه با گنبد و حجره ها از قرن نهم.
- س ۳۱۹ + ج ۱۹۹. + معماری ۸۴/۲.
- معصومه، بقعه معصومه در دامنه کوهی در شمال غربی کهنک، صفویه.
- معماری ۷۹/۲.
- معیر الممالک، حسینقلی خان. م ۱۲۷۴، کربلا.
- رجال عصر ناصری ۳۹.
- معیر الممالک، دوست محمدخان (۱۲۷۳-۱۳۳۱). شهر ری امامزاده حمزه.
- رجال ناصری ۱۵۶.
- معین، دکتر محمد، دانشمند و استاد دانشگاه، مصحح برهان قاطع و مؤلف فرهنگ معین و همکار صمیم دهخدا در تدوین لغت نامه.
- م ۱۳۵۰ خ تهران مدفون در آستانه اشرفیه گیلان.
- رج ۲۰۳\*.
- معین الدین چشتی، فرزند خواجه غیاث الدین در ۵۳۷ در چشت یا اصفهان زاده شد و در عنفوان جوانی سیر و سیاحت خود را آغاز کرد و هفتادسال آخر عمر را در اجمیر راجستان، در مرکز هند گذراند و در ۶۳۲ یا ۶۳۲ در همان شهر که از مراکز مهم علم و معرفت اسلامی شده بود درگذشت و تاکنون همه ساله، از اول تا ششم ماه رجب از اول تا ششم عرس وی (سالروز عروج) با تشریفات مفصل گرفته می شود. ریاست سلسله چشتیه پس از وی به خواجه عثمان هارونی منتقل شد. وی نخستین کسی است که مبادی تصوف اسلامی را به هندوستان آورد و معاصر بود با شهاب الدین غوری که سلطنت اسلامی را در شمال هند برقرار کرد. اکبر برای زیارت خواجه معین پیاده از اگره به اجمیر رفت. دیگر شاهان بآبروی نیز در همین حد نسبت به خواجه احترام گذشته اند.
- نقش پارسی ۵۲ + تاخ ۶۶ + مغولان (بابریان) بزرگ ۹۴ + تان ۱۵۳.
- معین الدین صفا، صوفی بزرگ استاد

- اوحدالدین کرمانی، مدفون در حظیره بابامزید، فوت پیش از بابامزید، تاریخ وفات او معلوم نیست.
- کوی سرخاب ۱۷۸.
- مغربی، محمدبن عزالدین متوفی در ۸۰۸. تبریز مقبره الشعرا.
- آذ ۴۰۸ + کارنامه ۶۹۲ + مولانا محمد شیرین م ۸۰۹. کوی سرخاب ۴۰۱.
- مغربی، در اصطهبانات مقبره‌ای هست که به اعتقاد مردم آرامگاه مغربی فیلسوف معروف است.
- جغ ۸۶۳ + کوی سرخاب ۴۱۲.
- مقام عباس، بقعه امام عباس در شوشتر با آجرهای تزیین شده و کاشیهای خوب و سقفهای خیمه‌ای، شبیه معماری مغولی و تیموری. در داخل بنا تصویری از معراج پیامبر وجود دارد.
- د ش ۷۱۹.
- مقام علی، یا مقوم در کنار جاده دزفول به بقعه محمدبن جعفر، بنایی قدیمی از عصر سلجوقی با تعمیرات در قرنهای پس از آن با کتیبه‌ها و تزیینات.
- د ش ۲۱۲.
- مقبره الشعرا، آرامگاه شاعران در تبریز ← کوی سرخاب ← آرامگاه شعرا.
- مقبره الشعرا یا مدینه الشعرا، تبریز، محیط طباطبایی، سیدمحمد.
- فم ۲۲۱/۴.
- مقدس، ملا محمد بروجرودی، عالم شیعه ساکن همدان که مخالف بابیه و شیخیه و جماعت یهود بود و به دعوت شیخیه از همدان به نایین رفت و مقیم شد. م ۱۳۱۹ در ۸۰ سالگی، مشهد یکی از
- حجره‌های صحن نو.
- رج ۱۴۶/۶.
- مقدم مراغه‌ای، فتح‌الله خان، سردار مؤید ۱۲۲۴ خ فرزند سرتیپ اسکندر خان دولتمرد عصر مظفرالدین شاه، م ۱۳۰۶ خ، تهران گورستان اختیاریه.
- رج ۱۷۳/۵.
- مقوم، بیرون شهر دزفول، سلجوقی صفوی.
- معماری ۸۴/۲.
- مکتبی شیرازی، شاعر معاصر شاه اسماعیل در مجاورت مسجد قصرالدشت شیراز.
- اق ۸۰ + مسجد بردی مزار وی است، م ۸۷۵.
- + تان ۳۱۲.
- ملا آقا دربندی، آخوند، از ملاهای خرافاتی که در قم و مدتی در عراق می‌زیست و قمه زدن را مجاز کرد و خود نیز قمه می‌زد، م ۱۲۸۶، کربلا.
- رج ۳۸/۴.
- ملا اسماعیل خواجویی مازندرانی معاصر با شاه سلطان حسین. اصفهان تخت فولاد.
- ل ۲۷۹۹.
- ملا اسماعیل عقدائی، یزد جنب مسجد ملاسماعیل.
- ی ۱۹۷/۲ - با کتیبه‌ای به قلم محمدحسین شریف و سنگ قبر با اشعار فارسی و تاریخ ۱۲۳۰. + ی ۳۶۳.
- ملاباشی، مقبره ملاباشی، حاج میرزا عبدالکریم پسر میرزا ابوالقاسم ایروانی (۱۲۲۰-۱۲۹۴)، تبریز در محاذات دیواره جنوبی مقبره قائم مقام همراه با مسجد و مدرسه و دارالضیافه و صحن.
- آذ ۴۴۹ + د ت ۴۸ + وی معلم فرزندان عباس میرزا بود، محله سرخاب، سیدحمزه تکیه

اختصاصی.

○ رج ۱۴۴/۶.

□ ملايمانعلی کرمانی، متخلص به راجی، نویسنده حمله حیدری. پشت دیوار مسجد جامع کرمان که احتمالاً آتشکده بوده است.

○ ت دکتر صوتی + تا صف ۱۱۵.

□ ملاپیر شمس الدین، بقعه ملاپیر شمس الدین در دهکده لاشیدان حکومتی لاهیجان با گنبد آجری و صندوق چوبی با نوشته‌های فارسی و سنگ نوشته‌های نصب بر دیوار به تاریخ ۱۲۷۵.

○ آس ۱۳۷/۲.

□ ملاجمالی، حامد بن فضل الله کنبو دهلوی، شیخ جمالی و درویش جمالی از عرفای هند در اواخر سده ۹ و اوایل سده ۱۰ که آثاری به فارسی از او مانده است از جمله مثنوی معروف مهر و ماه. م ۹۴۲، مدفون در دهلی جنوب شرقی قطب منار.

○ تان ۴۰۵.

□ ملاچغندر، یا شیخ چغندر که نام اصلیش ابراهیم و معروف به خالو ابراهیم است؛ مرشد و مراد محمدشاه قاجار به حدی که بی اجازه به اندرون شاه می‌رفت، او را در سید نصرالدین پهلوی معطرعلیشاه دفن کردند با سنگی به نشانه هویت وی ملا چغندر.

○ رج ۲۶۷/۶.

□ ملاحسن شیرازی، سلطانیه با گنبدی احتمالاً از عصر فتحعلی شاه.

○ دت ۴۹.

□ ملاحسن کاشانی آملی، در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی سلطانیه.

○ دس ۱۰۲.

□ ملاحسن کاشی، سلطانیه، صفوی.

○ معماری ۹۳/۲.

□ ملاحسین بشرویه‌ای، از سرکرده‌های بابیان در قلعه طبرسی مازندران، در زیر دیوار مرقد شیخ طبرسی در مازندران، وی در جنگهای ربیع الاول ۱۲۶۵ کشته شد.

○ باب کیست ۱۲۵ + تابها ۲۰۵.

□ مسلاحسین تفسیسی، م ۱۲۹۲ در محله آب بخشان اصفهان.

○ ل ۲۷۹۵.

□ ملاحسین کاشفی سبزواری ← آرامگاه کاشفی.

□ ملاحسینقلی، فرزند رمضان شۆندی در جزینی همدانی، پدرش رمضان ابتدا چوپان بود و بعد کفش دوز شد و آرزو داشت که فرزندانش روحانی شوند، در این میان حسینقلی را که آنوقت ملا شده بود به تهران آورد و وی مدتی بعد به عتبات رفت و از محضر شیخ مرتضی انصاری و حاج ملاهادی سبزواری بهره‌مندی یافت. وی تا اواخر عمر مقیم نجف بود و در حجره‌ای ماند و به تدریس اخلاق و فقه و اصول پرداخت و سرانجام در ۷۲ سالگی در ۱۳۱۱ فوت کرد و در یکی از حجره‌های صحن به خاک سپرده شد.

○ رج ۹۴/۶.

□ ملاشاه قادری، متولد در افغانستان مقیم لاهور، صوفی پاک سرشت و معروف شبه‌قاره که در لاهور مرد و در لاهور به خاک رفت ۱۰۷۲.

○ میراث مشترک ۴۶۱.

□ ملاعباسعلی قزوینی ← آرامگاه کیوان.

□ ملاعبدالله بروجردی، بروجرد. با اینکه وی معتقد به زیارت بقاع متبرکه و آرامگاه‌سازی نبود برایش آرامگاه ساختند.



- د ت ۱۷. □ ملا محسن فیض، کاشان بیرون دروازه فین.
- تاکاشان ۴۳۵ و ۵۰۰ + در قبه معروف به کرامات. + فک مؤلفان ۷۹۹/۵.
- ملا محمد ایروانی، م ۱۳۰۰، نجف مدفون در مدینه گورستان بقیع.
- ث ۲۰۵. □ ملا محمد تنکابنی، فاضل و فقیه معروف م ۱۱۲۴، اصفهان تخت فولاد، تکیه سراب.
- ل ۲۷۹۸. □ ملا محمد کاشی، آخوند ← کاشی، آخوند ملا محمد.
- ملا محمد تقی برغانی ← آرامگاه برغانی، ملا محمد تقی.
- ملا محمد علی اصفهانی، پسر میرزا عبدالغفارخان نجم الملک. م ۱۲۹۳ وادی السلام نجف.
- سرآمدان ۶. □ ملا محمد علی قدوس، دربار فروش (بابل) مازندران.
- باب کیست ۱۲۵. + رج ۴۵۴/۳. □ ملا معصوم ← آرامگاه معصوم.
- ملا نعمت الله نیستانی، و چند نفر دیگر، جنب حسینیه سبزواری.
- شهرها ۲۴۲/۲. □ ملای روم یا ملای رومی ← آرامگاه مولوی رومی.
- ملک آرا محمد میرزا پسر عباس میرزا ← آرامگاه محمد میرزا ملک آرا.
- ملک الشعراء بهار، محمد تقی، فرزند میرزا محمد کاظم صبوری، ملک الشعراء آستان قدس رضوی. وی در ۱۲۵۳ در مشهد زاده شد و در
- د ت ۱۷. □ ملا عبدالله فقیه معروف، نویسنده حاشیه ملا عبدالله، مهاباد.
- سیما سوم مرداد ۱۳۶۸. □ ملا عصام الدین ابراهیم، دانشمند شعرشناس و شاعر و عربی دان قرن دهم مدفون در جوار عبیدالله احرار سمرقند.
- تان ۶۲۳. □ ملا علی قوشچی، مولانا زین الدین یا علاء الدین، فرزند علی از بزرگان علم هیئت و معاصر با الغ بیگ تیموری. م ۸۷۹ در اسلامبول و مدفون در آن شهر.
- تان ۲۶۹. □ ملا علی محمد ← آخوند ملا علی محمد.
- ملا علی نوری اصفهانی، حکیم و فیلسوف قرن ۱۳، اصفهان.
- ل ۲۸۰۰. □ ملا فتح الله کاشانی، مفسر، صاحب تفسیر منهج الصادقین با سنگ قبری از ۹۹۸ در کاشان.
- د ت ۴۹. □ ملا محراب، عارف گیلانی به قول زنان اصفهانی شیخ چادری. اصفهان.
- ل ۲۸۰۰. □ ملا محسن فانی، فیلسوف و عارف دانشمند که در دستگاه بابریان هند مقامات ارجمند یافت. وی در کشمیر خانقاهی برای خود ساخت که به آن پری محل می گفت و با مطالعه کلیه دینهای مهم عصر کتاب معروف دبستان المذاهب را نوشت. م ۱۰۸۲، در سری نگر کشمیر.
- هنر و مردم ۷۹ اسفند ۱۳۵۰ + فارسی کشمیر ۴۸.

۱۲۸۳ پس از مرگ پدر ملک الشعراء شد. شاعر و ادیب و سیاستمدار معروف و مدیر روزنامه نوبهار که پنج دوره وکیل مجلس شد: دوره‌های ۶ و ۵ از تهران دوره ۳ از دره‌گز، دوره ۴ از بجنورد و یک دوره از کاشمر. وی از مخالفان تکوین و ادامه دیکتاتوری سردار سپه و از سران مقاوم و جسور در این مبارزه مقدس، به رهبری مرحوم مدرس بود و ولی در عصر رضاشاه با اینکه منزوی بود، تحت نظر قرار داشت. و به کار تحقیق و تصنیف می پرداخت و در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات تدریس می کرد. وی در دولت احمد قوام، ۱۳۲۴ خ وزیر فرهنگ بود و مدتها رهبری جمعیت فداییان صلح را برعهده داشت. وی استاد من بود و در سال ۱۳۳۰ در تهران درگذشت. از بهار آثار مهمی از جمله سبک شناسی و تاریخ احزاب سیاسی برجای مانده و تصحیح متون مهمی چون تاریخ بلع می مجمل التواریخ و القصص و تاریخ سیستان نیز از اوست. روز فوت وی (اول اردیبهشت ۱۳۳۰ در ۷۷ سالگی) مردم در تهران از وی تشییع باشکوهی کردند و بدنش را در آرامگاه ظهیرالدوله به خاک سپردند.

○ رج ۴/۳۵۰ + روز شمار ۳۲۲ + از صبا ۱۲۳/۲ + چهره ها ۸۲.

□ **ملک الکتاب**، میرزا مهدی فراهانی عموزاده و داماد میرزا عیسی قائم مقام وزیر شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه. وی شاعر و خوشنویس و متخلص به عشرت بود. م ۱۲۷۰، در زادگاهش آهنگران فراهان.

○ رج ۴/۱۷۰.

□ **ملک المتکلمین**، شهید راه آزادی، در قبرستان کوچک واقع در جنوب باغشاه. محمدعلی قاجار

پس از توپ بستن مجلس ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان را که با کمک امین الدوله دستگیر کرده بود، به بدترین وجهی به شهادت رساند و عمال وی بدن پاره پاره ایشان را در خندق مجاور باغشاه انداختند، شاید به این امید که خوراک سگها شود، اما در دل همان شب شجاع مردانی آمده بدن آن دو را برداشتند و با احترام به خاک سپردند.

○ تا ق ۷۸۳.

ابراهیم صفایی در باب شهادت و آرامگاه ملک المتکلمین می نویسد: برای ملک قبری درست نشد و جسدش را مانند سایر کشتگان باغشاه، در نقطه نامعلومی از باغشاه دفن کردند ولی پس از یک سال که تهران فتح شد، در قسمت شمالی باغشاه محلی را به یادبود ملک و یارانش ساخته گلریزان کردند، مجسمه او را هم هنگام نخست وزیری رزم آرا در میدان حسن آباد گذاشتند ولی آن را هم شهرداری، مدتی بعد برداشت و به پارک شهر برد.

○ رهبر ۳۵۵.

□ **ملک بهمن**، از پسادشاهان استندار در بالا لاریجان اراضی امیرآباد به نام برج پیامه سی. این بنا را اعتماد السلطنه نیز توصیف کرده است.

○ آس ۳/۴۳۵.

□ **ملکشاه سلجوقی**، در جوار آرامگاه خواجه نظام الملک، اصفهان دارالبطیخ.

○ آص ۷۹۱ + ل ۲۷۹۵.

□ **ملک غیاث الدین گرت**، در محوطه ژنده پیل تربت جام.

○ آخ ۵۴.

□ **ملکم خان ناظم الدوله** - آرامگاه

□ ممقانی، میرزا اسماعیل ← آرامگاه میرزا اسماعیل ممقانی.

□ ممقانی، میرزا حسین ← آرامگاه میرزا حسین ممقانی.

□ منجم باشی، درصحن آقاسید حسین لنگرود.  
○ آس ۲/۲۳۳.

□ منصور عباسی، دومین خلیفه از آل عباس، کعبه.  
○ التنبیه ۳۲۳.

□ منصوری، ابراهیم، (۱۲۷۸-۱۳۴۸ خ) فرزند حسینقلی خان و نوه میرزا آقاخان مستوفی اول، نوازنده ویولن با آثاری چون تصنیف پیام عاشق در دستگاه شور. مؤسس اولین کلاس موسیقی با قواعد علمی و تأسیس هنرکده موسیقی ملی، تنظیم و نت‌نویسی آهنگهای محلی. آرامگاه ظهیرالدوله شمیران.  
○ مردان موسیقی ۷۵.

□ منظوری حقیقی، علی، خوشنویس قرن ۱۳، قم، حضرت معصومه مقابل ایوان آیینه.  
○ خوش ۴۸۶.

□ منوچهر شاه کیانی، اصفهان.  
○ ل ۲۷۹۸.

□ منوچهر خان معتمدالدوله، خواجه ایچ آقاسی\*، ارمنی معروف به گرجی، از رجال با کفایت عصر فتحعلی شاه. در سال ۱۲۰۹ آغامحمدخان قاجار وی را همراه دیگر اسیران از تفلیس به ایران آورد، منوچهر خان در پناه هوش و استعداد ذاتی از خواجگی حرمرسا، به‌ایشیک

\* ایچ ترکی و به‌معنای داخله است، ایچ آقاسی ← وزیر داخله در مقابل ایشیک آقاسی، ایشیک به‌معنای خارجه است.

میرزا ملکم خان.

□ ملکه ایران، دختر ناصرالدین شاه همسر ظهیرالدوله. م ۱۳۳۵، آرامگاه ناصرالدین شاه.  
○ رهبر ۱۶۵ + تصویر ملکه ایران (فروغ‌الدوله) و دو دخترش فروغ‌الملوک و ملک‌الملوک رج ۲/۳۶۹.

□ ملیجک، غلامعلی عزیز سلطان ملقب به ملیجک یا منیجک، م ۱۳۱۹ خ. آرامگاه مستوفی ونک.

○ رجال ناصری ۲۴۶.

□ ممتازالدوله، میرزا اسماعیل خان افشار رئیس مجلس اول، آذر ۱۳۱۲ امامزاده عبدالله شهر ری.  
○ رج ۱۴۱.

□ ممتازالسلطنه صمدخان، زاده شده در ۱۲۴۸ خ تبریز. آخر عمر مقیم پاریس بود. م ۱۳۳۴ خ مدفون در پاریس.  
○ رج ۱۸۱/۲.

□ ممتازالملک، مرتضی مرتضایی برادر سعدالملک، م ۱۳۰۴ خ تهران، امامزاده عبدالله شهر ری.  
○ رج ۴/۶۲.

□ ممتاز بانو، و شوهرش شاه جهان پادشاه بایری در هند، تاج محل.

□ (ممتاز بانو و شاه جهان)، تاج محل،  
○ معماری هند ۱۱۲ تصویر ۸۷. هنر و مردم. ش ۸۱

□ ممقانی، شیخ عبدالله ← آرامگاه مامقانی.  
□ ممقانی، شیخ محمد حسن، فرزند شیخ عبدالله از بزرگان امامیه و از مراجع تقلید (۱۲۲۸-۱۳۲۳) نجف.

○ رج ۵/۲۲۸.

به‌وی می‌نگریست. پس از سقوط رضاشاه هم ملت ایران وی را به‌نماینده‌گی مجلس برگزید. وکیل اول تهران. مؤتمن‌الملک در ۹ شهریور ماه ۱۳۲۶ در ۷۲ سالگی در تهران درگذشت و در امامزاده صالح شمیران آرامگاه پیرنیا به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۳۸۸ + رهبر ۷۲۷ + تلاش ۵۶۳.

□ **موجی بدخشانی**، محمدقاسم از خاصان بابر پادشاه که ابتدا ملوانی ساده بود و بدین روی به‌موجی ملقب شد، اما در اوایل پادشاهی اکبر به‌امیرالبحری رسید. وی شاعری بود با تخلص موجی که آثاری از وی در دست است. سنگ قبر وی با نوشته فارسی در موزه شهر لکنهو نگه‌داری می‌شود.

○ نقش پارسی ۸۸.

□ **مؤدب‌الملک**، یوسف خان، (۱۲۸۵-۱۳۵۴) پسر میرزا رضاخان، ژول ریشار فرانسه‌ای، معلم دارالفنون، مانند پدرش. شهر ری امامزاده عبدالله.

○ رج ۲۹۶/۶.

□ **موسی مبرقع**، قم بنایی از سده هفتم.

○ معماری ایلخانان ۱۳۱ + راهنمای قم ۱۳۳ + سایر سادات رضوی چهل دختران. شهرها ۱۵۱/۲.

□ **موسی وزیر** ← آرامگاه میرزا موسی وزیر.

□ **مولا کمال**، در ناحیه مالا در شهر ده‌هار هند که شرح حالش در آیین اکبری و ارمغان شاه جهانی آمده است. این شهر در زمان تغلغیان به‌دست فیروزشاه در ۷۹۲ گشوده شد، و از آن به‌بعد از مراکز عرفان و تصوف اسلامی گردید و کتیبه‌های فارسی بسیار در این رابطه به‌یادگار ماند. مولا کمال مآلوی از شاگردان و مریدان نظام‌الدین اولیاء

آقاسی‌باشی رسید و برای نخستین‌بار وی را در ۱۲۳۹ وزیر یحیی میرزا کودک هفت ساله، پسر چهل و سوم فتح‌علی شاه حکمران گیلان کردند لقب معتمدالدوله پس از مرگ عبدالوهاب نشاط اصفهانی به‌وی داده شد. منوچهر خان در دستگاه قاجارها بسیار ترقی کرد و حکمرانی وی در اصفهان مهمترین مشاغل وی بوده است که تا روی کارآمدن حاجی میرزا آقاسی این شغل را داشت اگرچه حاجی میرزا آقاسی گرگین‌خان را به‌جایش فرستاد، ولی گرگین تا منوچهرخان زنده بود، به‌اصفهان نرفت، فوت ۱۲۶۳ مدفون در قم آرامگاه اختصاصی.

○ رج ۱۶۲/۴.

□ **مؤتمن‌الملک**، میرزا سعیدخان ← آرامگاه میرزا سعیدخان.

□ **مؤتمن‌الملک**، حسین پیرنیا پسر سوم میرزا نصرالله خان نایینی مشیرالدوله که توسط پدرش برای ادامه تحصیل به‌اروپا فرستاده شده و پس از بازگشت مشاغل مهم‌گوناگونی یافت که مهمترین آن مشاغل ریاست مدرسه سیاسی بود. پیرنیا در سال ۱۳۲۵ هنگام توپ بستن مجلس توسط محمدعلی میرزا در کابینه احمدمشیرالسلطنه وزیر تجارت بود. پس از حصول آزادی مؤتمن‌الملک به‌یک سیاست‌مآب پارلمانی تبدیل شد که از دوره دوم تا هفتم وکیل شد و به‌مجلس رفت و به‌استثنای چندماه، در تمام این دوران رئیس مجلس بود و در دوره هفتم نیز به‌وکالت انتخاب شد اما نمایندگی را قبول نکرد. مرحوم پیرنیا از مبارزان با دیکتاتوری رضاشاه بود و پس از اقتدار یافتن وی به‌کلی از کارهای سیاسی کناره‌گیری کرد، اما رضاشاه همیشه با دیده احترام

بوده است.

○ نقش پارسی ۷۴.

□ مولانا ابوالکلام آزاد ← آرامگاه آزاد ابوالکلام.

□ مولانا ابوالهادی قزوینی، خواهرزاده مالک

دیلمی خوشنویس، خود ابوالهادی نیز نقاش و موسیقیدان و خوشنویس بود و در مقام حسینی آوازی که بسیار رواج یافته بود. وی در قزوین مرد و در گورستان شاهزاده حسین به خاک سپرده شد.

○ تان ۵۲۶.

□ مولانا ابوبکر تایبادی، جنوب غربی تایباد

مورخ ۸۴۸.

○ معماری ۸۹/۲.

□ مولانا برهان الدین مرغمانی، در سمرقند

○ سمریه ۱۷۷.

□ مولانا جلال الدین ← مولوی جلال الدین.

□ مولانا جمالی، ملقب به امیر خسروثانی، از یاران و شاگردان جامی در هرات که پس از مرگ او به هند رفت و در دربار سلطان اسکندر لودی تقرب یافت. از عرفای مشهور هند که در آغاز پادشاهی همایون مرده است ۹۳۷. آرامگاه وی در نزدیک آرامگاه قطب الدین کاکسی قرار دارد و با مسجد کنار آن توسط خود جمالی ساخته شده است و جلال خان نامی آن را تکمیل کرده است. در گرداگرد این آرامگاه اشعار فارسی گچ‌بری شده است، حاوی دو غزل و یک رباعی از خود او.

○ نقش پارسی ۷۹.

□ مولانا خوش محمدعزیزان، از مشایخ طریقه جهریه از مریدان شیخ خداداد شاعر متصوف، مدفون در باغ خانقاه خودش در بخارا.

○ تان ۶۲۰.

□ مولانا قضای هروی، پسر ملاقبایی شاعر

پارسی سرای و ترکی‌دان موردعلاقه عبیدالله خان شیبانی، قرن دهم، مدفون در آرامگاه احمد خضرویه، بلخ.

○ تان ۶۲۷.

□ مولانا محمد مزید طبیب، از پزشکان بخارا ادیب و شاعر و مورخ. مدفون در خانقاه خودش در روستای عرشی بخارا.

○ تان ۶۲۰.

□ مولانا مسیحی بلخی، از اعظم متصوفه و شاعر پارسی‌گوی. م ۹۷۶ در هشتاد سالگی، مدفون در خواجه روشنایی بلخ.

○ تان ۵۷۴.

□ مولانا یتیمی تبریزی یا هروی، م ۹۹۵ در بلخ و مدفون در آن شهر.

○ تان ۵۸۳.

□ مولوی بخارانی، قرن سیزدهم با تصویر سمنگان.

○ سیمرخ ۱۹۰.

□ مولوی، جلال الدین بلخی یا رومی، محمد فرزند بهاء الدین حسینی خطیبی بکری بلخی یا ملای روم یکی از بزرگترین عرفای اسلام و از بزرگترین شاعران درجه اول بود. پدرش بهاء الدین از بلخ بود که نسبش به ابوبکر می‌رسید، از دخترزادگان علاء الدین محمد خوارزمشاه، از این‌رو، وی را بهاء الدین ولد می‌نامیدند.

جلال الدین در ۶۰۴ در بلخ زاده شد و در ۶۰۹ همراه خاندان به‌سوی غرب کوچید. ابتدا در ملاطیه و سرانجام در قونیه پایتخت علاء الدین کیقباد سلجوقی مستقر شد و مورد احترام علاء الدین قرار گرفت. جلال الدین بعد از پدر مرید سید برهان الدین ترمذی شد، اما پس از فوت

شمس ترمذی در ۶۴۵ خود طریقه‌ای به نام مولویه ساخت و خانقاه قونیه را مرکز آن قرار داد، خانقاهی که هنوز بزرگترین مرکز تصوف جهان است. از این بزرگوار غیر از شش دفتر مثنوی، دیوان بزرگ شمس برجای مانده که در آن مولوی گاه خاموش و گاه خموش تخلص داشته است. مولوی در پنجم جمادی‌الآخر ۶۷۲ رحلت کرد و در خانقاه خود که توسط مولانا علم‌الدین قیصر ساخته شده بود، به خاک سپرده شد. در این آرامگاه که در کنار گور بهاء‌الدین ساخته شده است عده‌ای از اعظام صوفیان به خاک سپرده شده‌اند و بدان قبه خضرا و حضرت مولانا خطاب می‌کنند و بنا با گنبدی سبز و مخروطی مشخص می‌شود. ○ تا ن ۱۵۸ + ف ۲۳.

○ **مولوی سیدناصرحسین**، معروف به ناصرالمله و شمس‌العلماء مؤلف کتابِ تتمیم عیقات الشیعه. اگر در جوار گور شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری.

○ نقش پارسی ۱۰۱.

○ **مومنه خاتون**، در نخجوان، تاریخ بنای برج ۵۸۲.

○ هنر ۴۴۵/۸.

○ **مونس**، مونس علیشاه، حاج میرزا عبدالحسین شیرازی، پسر آقا محمد مسنور علیشاه (۱۲۵۲-۱۳۳۲ خ) قطب سلسله نعمت‌اللهی. شاعر، نویسنده، واعظ و روزنامه‌نویس فوت در تهران، دفن در خانقاهی که مریدانش در ۱۳۱۶ خ در کرمانشاه بنا کرده بودند.

○ رج ۱۲۷/۶.

○ **مؤیدالاسلام**، جلال‌الدین حسینی (۱۲۸۰-۱۳۴۹) زاده شده در کاشان. مدیر روزنامه

معروف حبیل‌المتین و آثار فرهنگی دیگر. مؤیدالاسلام در آخر عمر نابینا شد و روز ۱۹ آذر ۱۳۰۹ در کلکته درگذشت. بر مبنای وصیت، جسدش را به ایران آوردند و در ایوان عباسی آستان قدس، صحن کهنه به خاک سپردند.

○ ز ۱۰۰/۳ + فرزند محمدرضا مجتهد کاشانی. ر ج ۷۱/۶ + یا ق ۲۴۹ + فک مؤلفان ۳۵۶/۲.

○ **مؤیدالدوله** ← آرامگاه ابوالفتح میرزا.

○ **مؤید همایون**، نوه میرزا آقاخان نوری، زیر چنار گلندوک، وی نیز در لشکرک به تیر غیب کشته شد همانند دیگر شخصیت‌های خاندان میرزا آقاخان.

○ هزار فامیل ۹۰.

○ **مهدعلیا**، ملک جهان خانم همسر محمد شاه و مادر ناصرالدین شاه. م ۱۲۹۰ قم در جوار گور محمدشاه.

○ رهبر ۴۷۱/۲ + رج ۳۲۹/۴.

○ **مهدی‌خان افشار**، معروف به قرامهدی از سرداران عهد نادرشاه که همراه برادرش گرفتار جنگ‌های داخلی شده بود و در همین جنگ‌ها هردو نفر کشته شدند. خاک‌سپاری در رضاییه به همت برادرشان تقی خان.

○ رج ۳۰۲/۵.

○ **مهدی صالح**، در ۱۴۵ کیلومتری خرم‌آباد روستای ماژین قرن ۸.

○ معماری ۹۷/۲.

○ **مهدی عباسی**، در شهر ایلام که در سالهای پایانی حکومت پهلوی. آثار آن محو شد.

○ آل ۵۰۵/۲ + بنای سلجوقی. + معماری ۹۶/۲.

○ **مهدی قلی خان**، پسر ششم محمدحسن میرزا و برادر آغامحمدخان، م ۱۱۹۸، گرگان.

○ رج ۴/۱۷۶.

□ **مهدی قلی خان مجدالدوله** ← آرامگاه. مجدالدوله خوانسالار.

□ **مهرعلی شاه**، سید پیر (۱۲۷۵-۱۳۵۶) از فرزندان عارف پزشک شیخ عبدالقادر جیلانی، از سادات گیلانی که در گولره غرب شهرستان اسلام آباد مدرسه‌ای اسلامی تأسیس کرد. گولره در دامنه تپه‌های مارگله شمال شهر اسلام آباد واقع است، اشعار فارسی وی در حد زیبایی عرفانی و بسیار جذاب است، مدفون در گولره، اسلام آباد.

○ میراث ۲/۵۲۴.

□ **مهماندوست**، برج مهماندوست دامغان، مهماندوست از سده پنجم.

○ معماری ۲/۹۶.

□ **میدانک**، برج میدانک در کیلومتر ۶۰ جاده کرج به چالوس بنای آرامگاهی از قرن هفتم، بنا نقشه و عکس.

○ معماری ۲/۷۷ و ۱۲۷ + آرامگاه شخص گمنام هنر ۸/۳۵۱.

□ **میدانی نیشابوری**، ابوالفضل احمد، صاحب‌السامی فی‌الاسامی. م ۵۱۸، درب میدان زیاد نیشابور.

○ ل ۷۲۰ + فک مؤلفان ۴۷۲.

□ **میر ابراهیم پسر میر معصوم**، از علمای قزوین در قرن ۱۲ مدفون در قزوین در جنوب محوطه شاهزاده حسین.

○ د ت ۴۹.

□ **میرابوالقاسم فندرسکی**، میرفندرسکی، فرزند میرزا بزرگ موسوی که سفری به هند کرد و با یکی از شاگردان آذر کیوان دوست شد و تحت تأثیر ادیان زرتشتی و هندو و بودایی در اسلام شک

کرد و اعلام نمود که هرگز به‌مکه که رفتنش مستلزم کشتن بی‌گناهی است نخواهم رفت. م ۱۰۴۵ یا ۱۰۵۰ تخت فولاد.

○ فک مؤلفان ۲۱۰ + آص ۸۵۸ + در تکیه میر با ایباتی به خط میرعماد که بخش مهمی از آن را ضایع کرده‌اند.

○ ل ۲۷۹۸.

□ **میرابوالوفای سمرقندی هندی**، در زمان همایون به هند رفت، به فارسی شعر می‌گفت و مورد توجه همایون قرار گرفت. مدفون در سمرقند کنار خواجه عبيدالله احرار.

○ تان ۱۱۶.

□ **میرانشاه تیموری** ← آرامگاه گورکانیان.

□ **میرانویج**، تنودور، سفیر لهستان در نزد صفویان در اصفهان. م ۱۶۸۶.

○ آص ۸۴۶.

□ **میر اویس شیروانشاهی**، از امرای عصر شاه اسماعیل صفوی، اردستان.

○ فج ۱۰/۹.

□ **میربزرگ**، در آمل، از قرن ۷ تا دوران صفویه.

○ معماری ۲/۸۲.

□ **میر حامد حسین**، فرزند محمدقلی موسوی نیشابوری کتوری، صاحب عیقات

(۱۳۰۷-۱۳۴۶) حسینی لکهنو.

○ فک مؤلفان ۲/۴۶۵.

□ **میرحسین معمای**، فرزند محمد حسینی نیشابوری شیرازی، شاعر معروف سده نهم که در نیشابور زاده شد و در هرات مقیم شد. مورد احترام و توجه امیر علی شیرنوازی، فوت در ذی‌قعدة ۹۰۴ به بیماری اسهال، مدفون در مدرسه اخلاصیه هرات.

- تان ۲۹۳.
- میرحیدر، در آمل.
- فج ۲۵/۳.
- میرحیدر، در جیرفت، روستای دولت آباد، صفویه.
- معماری ۸۸/۲.
- میرخاتون، دختر امیر ارغون رادکانی و همسر تاج‌الدین علیشاه در سلماس، سده هشتم.
- معماری ایلخانی ۱۶۸.
- میرخواند یا میرخوند، سیدمحمد فرزند امیر برهان‌الدین خواندشاه، تاریخ‌نویس معروف قرن دهم به‌نام روضة‌الصفاء فی سیرة‌الملوک والخلفاء که به‌نام امیرعلی شیر نوشته و نوه‌اش خوندمیر آن را تکمیل کرده است، م ۹۰۳ در ۶۶ سالگی در خانقاه اخلاصیه هرات.
- تان ۲۳۹.
- میرزا آقاسی ← آرامگاه آقاسی.
- میرزا ابوالحسن، پسر سؤم میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، م ۱۳۰۴.
- رج ۱۱/۵.
- میرزا ابوالفضل ساوجی، پسر ذبیح بهروز، منشی و خوشنویس و دانشمند نامدار. م ۱۳۱۲ خ تهران سر قبر آقا.
- خوش ۳۱.
- میرزا ابوالفضل نوری، (۱۲۷۳-۱۳۱۶) از شاگردان میرزای شیرازی. صحن امامزاده حمزه ری.
- فک مؤلفان ۲۱۸.
- میرزا ابوالقاسم، فرزند محمد معروف به میرزای قمی (۱۲۳۱-۱۱۵۱) قم گورستان شیخان.
- فک مؤلفان ۲۸۰.
- میرزا ابوالقاسم نوری تهرانی، حاج، فرزند محمدعلی مدرس معروف به کلاتر (۱۲۹۲-۱۲۳۶) امامزاده حمزه ری.
- فک مؤلفان ۲۸۴.
- میرزا احمد آشتیانی ← آرامگاه آشتیانی میرزا احمد.
- میرزا اسماعیل ممقانی، پسر ملامحمد تقی ممقانی. از این خاندان چهارنفر لقب حجت‌الاسلام داشتند ملامحمد و سه پسرش که به‌نامهای میرزا حسین و میرزا محمدتقی و میرزا اسماعیل جانشینان او بودند از عالمان بزرگ تبریز. میرزا اسماعیل که شاعری هم می‌کرد با تخلص نیاز، مردی متقی و زاهد و گوشه‌گیر بود و در تبریز درگذشت. و در وادی‌الاسلام نجف به‌خاک سپرده شد. میرزا اسماعیل در ۱۳۱۲ از مراجع بزرگ شیخیه تبریز شد.
- رج ۴۱/۶.
- میرزا باباقطب، سلسله ذهبیه و متولی شاه چراغ. م ۱۲۸۶، مشهد ایوان طلای رضوی.
- فک مؤلفان ۲۴۷.
- میرزا باقی انجمی بخارایی، از سرداران پارسی‌گوی اکبرباوری که در یک مأموریت جنگی دچار اسهال شد و چون عادت به‌کوکنار داشت مرد و در ناحیه مالوه به‌خاک رفت.
- تان ۵۹۳.
- میرزا بزرگ وزیر، میرزا عباس نوری فرزند رضاقلی تاگری از طایفه خواجه در نورکه خود را از فرزندان خواجه اباصلت می‌دانند. میرزا بزرگ تحصیل کرده و خوشنویس شد و در یک آزمایش ساده وی با میرعماد مقایسه شد و ملقب به میرزا بزرگ گردید و چون وزیر پسران فتحعلی‌شاه از



جمله امام‌وردی میرزا شد، به میرزا بزرگ و وزیر نوری معروف شد. وی ۶ زن گرفت و ۹ پسر و ۵ دختر پیدا کرد که دو نفر از این پسرها میرزا حسینعلی بها و میرزا یحیی صبح ازل بوده‌اند. میرزا بزرگ در تأکّر عمارت مفصلی ساخت که بدان کاخ می‌گفتند، اما با این حالات مورد بغض و کینه درباریان به‌خصوص حاجی میرزا آقاسی قرار گرفت. مشاغل و اموالش را از وی گرفتند و کاخ را آب برد و به‌حدی مستاصل شد که می‌خواست از ایران هجرت کند اما اجل راه بهتری پیش پایش گذاشت، در ۱۲۵۵ فوت کرد و بنا به وصیت خودش جنازه‌اش را به نجف برده در وادی السلام نجف به خاک سپردند، از وی آثار هنری چندی برجای مانده است.

○ رج ۱۲۷/۶ + خوش ۳۴۶.

□ میرزا جانی، پسر حاج محمدحسن کاشانی. بابی متمعّص نویسنده نقطه‌الکاف در احوال علی محمد باب که در ۱۲۶۸ شمع آجین شد و به قتل رسید. مقبره سید ولی در تهران.

○ رج ۱۹۰/۴.

□ میرزا جبار مشکین قلم، م ۱۳۱۱، زنجان.

○ خوش معاصر ۸۸.

□ میرزا جعفر تبریزی حسینی ← آرامگاه مشیرالدوله، میرزا جعفر.

□ میرزا جهانگیرخان ← آرامگاه صوراسرافیل.

□ میرزا حبیب اصفهانی ← آرامگاه اصفهانی، میرزا حبیب.

□ میرزا حسن، فرزند محمدتقی طالقانی از مؤلفان نامه دانشوران جلد اول که همکاران دیگر وی در این باب شیخ مهدی شمس‌العلمای عبدالرب آماری، میرزا ابوالفضل ساوجی و

ملاآقای قزوینی بودند زیرنظر علیقلی میرزا اعتصادالسلطنه وزیر علوم. چون میرزا حسن به فرقه بابیه گروید اخراج شد و در جلدهای دیگر همکاری نداشت. اثر دیگر او لسان‌العجم در دستور زبان است. پس از مرگ وی را در امامزاده معصوم در غرب تهران به خاک سپردند.

○ رج ۸۰/۶.

□ میرزا حسن، ادیب و خوشنویس (۱۱۸۰-۱۲۳۷) زاده شده در فسا پدر مؤلف فارسنامه، فسا قریه رونیز علیا در جوار پدرش.

○ خوش ۱۳۷.

□ میرزا حسن خان، خبیرالملک ← آرامگاه خبیرالملک.

□ میرزا حسن خان فایینی ← آرامگاه مشیرالدوله.

□ میرزا حسین، فرزند میرزا خلیل، مجتهد و آزادپناه معروف. م ۱۳۲۶ نجف جنب مدرسه خویش.

○ فک مؤلفان ۷۳۵/۲.

□ میرزا حسین، پسر بزرگ حجت‌الاسلام آخوند ملامحمد ممقانی از عالمان بزرگ شیخیه، در تبریز زاده شد. و در نزد پدر خود و سیدکاظم رشتی درس خواند و عالم شد و پس از درگذشت پدر در ۱۲۶۹ به ریاست امامیه تبریز رسید و امام مسجد حجت‌الاسلام شد، وی در حقیقت دومین حجت‌الاسلام در این خاندان است، در عصر وی درگیری میان شیخیه و مخالفانشان شدت یافت و فتحعلی شاه رؤسای هر دو گروه را به تهران خواست. فوت ۱۳۰۳ مدفون در کربلا.

○ رج ۸۳/۶.

□ میرزا حسینعلی ← آرامگاه بهاء بهاء‌الله.

□ میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک، زاده شده در

○ آص ۸۵۶ + دت ۴۹.

□ **میرزا سعید خان مؤتمن الملک**، پسر میرزا سلیمان شیخ الاسلام گرمروود آذربایجان، زاده شده در ۱۲۱۳. میرزا سعید ابتدا به ملا محمد سعید معروف بود، هنگام صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر، وی در گرمروود عریضه‌ای به امیرکبیر داد که از لحاظ خط و ربط و سواد مورد توجه وزیر واقع شد و در تمام مدت وزارت آن شهید وی منشی مخصوص و سرنگه‌دار وی بود. میرزا سعیدخان مدت سی سال در دو نوبت وزیر خارجه شد. اعتمادالسلطنه درباره وی می‌نویسد که پس از مرگش در ۹۷۰ چندین پاکت سربسته را که اغلب نوشتجات مهم بود به حضور شاه فرستاد، آنگاه اظهار تأسف می‌کند که بیشتر این نامه‌ها نیاز به بررسی و اقدام داشت ولی وزیر خارجه آنها را باز نکرده انبار کرد. مؤتمن الملک که از خاندان انصاری گرمروودی ایشلیقی است در ۷ جمادی الاول ۱۳۰۱ در تهران درگذشت و در حرم حضرت رضا(ع)، دارالسعاده به خاک سپرده شد.

○ رج ۶۹/۲ + رجال ۱۱۱.

□ **میرزا سلمان جابری اصفهانی**، از خاندانهای مهم اصفهان. میرزا سلمان وارد خدمات دربارشاه طهماسب شد و تا مرگ وی بر سرکار بود، اما سرانجام مخالفانش وی را در ۹۸۸ کشتند و جسدش را که مدتی در کوچه افتاده بود، به خواهش علما به مشهد بردند و در آستانه رضوی به خاک سپردند. وی مردی شاعر و هنرمند بوده است.

○ تان ۴۶۳.

□ **میرزا سنگلاخ**، محمدعلی قوچانی، شاعر و خوشنویس مقیم اسلامبول که با کوشش بسیار،

۱۲۴۳ فرزند میرزا محمدعلی مازندرانی و برادر بزرگ محمودخان محمودی مشاورالملک، منشی و خوشنویس که موفق شد نظر ناصرالدین شاه را به خود معطوف سازد. وی در سراسر زندگی به منشی‌گری و خوشنویسی در سطح عالی مشغول بود و چند سفر هم به اروپا رفت و سرانجام در ۷۲ سالگی به سال ۱۳۱۵ در تهران درگذشت و در قم در رواق حضرت معصومه(ع)، به خاک سپرده شد.

○ رج ۹۴/۵.

□ **میرزا رضای کرمانی**، قاتل ناصرالدین شاه. وی را در دوم ربیع اول ۱۲/۱۳۱۴ اوت ۱۸۹۶، پس از سه ماه واندی زندانی کردن و شکنجه دادن، در میدان مشق تهران او را به دار آویختند و نعشش دو روز بردار بود و پس از آن عمال حکومت وی را در قبرستان عمومی دفن کردند.

○ رج ۱۹/۲.

□ **میرزا رضی منشی الممالک**، فرزند میرزا شفیع آذربایجانی که منشی نادر بود، میرزا رضی در دولت کریم خان و سپس عصر آقامحمدخان نیز منشی‌گری می‌کرد، اما در عصر فتحعلی شاه ترقی بیشتر کرد و احترام بیشتری نصیب خود ساخت. وی نامه‌ها و فرمانها را به زبانهای فارسی و ترکی و جغتایی تحریر می‌کرد و به فارسی و ترکی شعر می‌سرود، از وی آثاری برجای مانده است. میرزا رضی در سال ۱۳۲۲ به بیماری سل در تهران مرد و در نجف مدفون شد.

○ از صبا ۵۴.

□ **میرزا رفیعا نایینی**، اصفهان تحت فولاد وی از علمای شیعی و معاصر با شاه صفی و شاه سلیمان بوده است.

- خوش معاصر ۱۱۳.
- **میرزا عبدالغفار تویسرکانی**، از فقها و علمای اصفهان. م ۱۳۱۹، تخت فولاد تکیه تویسرکانی.
- ل ۲۷۹۸.
- **میرزا علی**، دولتمرد عصر قاجار از احفاد قائم مقام. آرامگاه قائم مقام امامزاده حمزه.
- تاریخچه ۷۷.
- **میرزا علی خان امین الدوله** ← آرامگاه امین الدوله، میرزا علی خان.
- **میرزا عیسی خان**، در ملکی هیلز هند.
- معماری هند ۱۱۵۰ تصویر ۹۰.
- **میرزا عیسی قائم مقام** ← آرامگاه قائم مقام.
- **میرزا عیسی وزیر تفرشی**، پسر میرزا موسی وزیر و شوهرخواهر میرزا یوسف مستوفی. میرزا عیسی پس از فوت پدر نایب حکمران تهران یعنی مسئول وزارت تهران و پیشکاری حکومت شد. حکمران تهران کامران میرزای ۱۲ ساله بود ۱۲۸۳. در همین سال قحطی و گرانی فوق العاده ای رخ داد که برای وی مزاحمت فراهم کرد و سرانجام خود وی نیز در جوانی به بیماری وبا درگذشت، ۲۲ صفر ۱۳۱۰. بیمارستان وزیری از ثلث دارایی وی ساخته شده و خود وی نیز در زاویه شمال غربی مسجد آقا شیخ هادی مدفون است. آقا شیخ هادی وصی وی بود.
- رج ۵۱۴/۲.
- **میرزا غلامرضا اصفهانی** ← آرامگاه اصفهانی میرزا غلامرضا.
- **میرزا غیاث الدین تهرانی** ← آرامگاه اعتمادالدوله.
- **میرزا قلی** ← آرامگاه میرزا محمد قلی تکلویلی هروی.
- سنگی برای مزار حضرت محمد(ص) ساخت و آن را تقدیم محمدعلی پاشا والی بغداد کرد که به حجاز حمل شود، ولی او بدان توجهی نکرد و میرزا سنگلاخ سنگ را با زحمت به تبریز آورد و در دیوار مزار سید ابراهیم نصب کرد. خود وی را نیز پس از وفات در پای آن سنگ به خاک سپردند. م ۱۲۹۴.
- خوش ۷۹۸ + رج ۱۳۰/۲.
- **میرزا شفیع آذربایجانی**، خوشنویس و مستوفی نادر. م ۱۲۲۰ تبریز، سرخاب.
- خوش ۲۱۳ + کوی سرخاب ۱۷۰.
- **میرزا صفا**، شیخ الاسلام م ۱۲۹۱، چشمه علی شهر ری، امامزاده هادی معروف به صفاییه.
- سیاستگر ۶۶ + ری ۹.
- **میرزا عباس نوری** ← آرامگاه میرزا بزرگ وزیر.
- **میرزا عبدالباقی**، اعتضادالاطبا پسر حاجی اسماعیل بیگ ثقفی و پدر دکتر خلیل خان اعلم الدوله، از مدرسان طب و پزشکان بزرگ عصر ناصری بوده است که حاشیه ای نیز بر قانون ابن سینا نوشته است، پدر وی حاجی اسماعیل بیگ نیز یک مرد فرهنگی و ادب پرور بوده است که دیوان یغما را طبع و نشر کرده، میرزا عبدالباقی نیز گنجینه نشاط را به طبع رسانده. وی پزشک اختصاصی عزت الدوله بوده است. در سال ۱۲۷۷/۱۳۱۵ خ در کربلا به رحمت خدا رفته و در همان جا به خاک سپرده شده است.
- رج ۱۳۸/۵.
- **میرزا عبدالحمید ملک الکلامی**، (۱۲۷۴-۱۳۲۸ خ) نویسنده کتبه آرامگاه حافظ، فوت در تهران، مدفون در امامزاده عبدالله شهر ری.

□ **میرزا کافى**، از بازماندگان خواجه نصیر، شاعر و خوشنویس. م ۹۶۹ در قزوین، مدفون در مشهد. ○ تان ۷۰۳.

□ **میرزا کوچک جنگلى**، در سلیمان داراب رشت. میرزا پس از آنکه نیرویش را از دست داد از جنگل به سوی خلخال عزیمت نمود. سردار سپه ضرام السلطنه را مأمور کرد که وی را تعقیب کند، اما پیش از آنکه نیروهای قزاق به پی‌جویی بپردازند، سالار شجاع از رهگذری شنید که دو جنازه یخ‌زده را در حاشیه جنگل دیده است. سالار شجاع که برادر نصرت‌الله خان امیر طالش بود، جنازه‌ها را پیدا کرده و به دستور وی مشهدی رضا اسکستانی سر میرزا را برید که به تهران فرستاده از سردار سپه جایزه بگیرد. سر بریده را از ماسال به رشت بردند و در مسیر جاده سنگر به رشت در محل انبار نفت چند روز آویزان کردند. سپس خالوقربان گرد که از همزمان سابق میرزا بود، سر را به تهران برد و در ازای این خدمت سرهنگ شد. سر میرزا را در قبرستان حسن‌آباد به خاک سپردند، چندی بعد مشهدی کاس آقای حسام، با زیرکی سر را از گور درآورد و در پهلوی تن میرزا در سلیمان داراب رشت به خاک سپرد.

○ اطلاعات ۱۱ آذر ۱۳۷۱ + سردار جنگل ۳۹۱ + ر ج ۱۸۲/۵.

□ **میرزا محمد**، زاده شده در ۱۲۳۱ تبریز، پسر بزرگ میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام که ابتدا مغضوب و بعد با کوشش میرزا آقاخان بخشوده و مقیم اراک شد. م ۱۳۰۱، حضرت عبدالعظیم نزدیک پدرش. ○ ر ج ۱۹۰/۶.

□ **میرزا محمد اکمل بدخشی**، معاصر با اکبر و از سرداران نامدار وی، همدرس دارالشکوه و مقیم

دهلی، عارف بزرگ و صاحب برخی تألیفات از جمله تاریخ اعظمی فوت در سری‌نگر و مدفون در همین شهر کشمیر سال ۱۱۳۱.

○ هنر و مردم ۸۲ بهمن و اسفند ۱۳۵۰.

□ **میرزا محمد تقی رازی** ← آرامگاه آقاجفی.

□ **میرزا محمد تقی شیرازی**، زاده شده در ۱۲۷۰ از علمای بزرگ، و روحانی وارسته و شایسته عالم تشیع که پس از فوت سید کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی، در ۱۳۲۷ مرجع تقلید شد. میرزا محمد تقی از شاگردان میرزای شیرازی (میرزا محمد حسن) و فاضل اردکانی بود و حوزه درس میرزا را در سامره پس از وی اداره کرد. چون در جنگ جهانی اول بر ضد انگلستان اعلان جهاد داد، در جهان اسلام بیش از پیش شهرت یافت. وی طبع شعر هم داشت و در ۱۳۳۸ در نجف درگذشت و با تشییع جنازه مفصل در کربلا به خاک سپرده شد.

○ ر ج ۲۱۹/۵.

□ **میرزا محمد حسین**، مدرسه‌ای نطنزی، حاج - روحانی، مجتهد، عارف و خوشنویس متعهد معاصر نطنز در سده چهاردهم، وی از آقاجفی اجازه اجتهاد داشت و در غوغای نایب حسین و یاغیان دیگر از عوامل مهم امنیت و آرامش به‌شمار می‌رفت. م ۱۳۰۵ خ مدفون در امامزاده یحیی، مزداآباد نطنز. وی پدر بزرگ من بود و با کمک پدرم حاج سید عبدالعزیز وزیری غروی، نظام‌العلماء نخستین مدرسه را در نطنز تأسیس کرد.

□ **میرزا محمد خلیل مرعشی صفوی** ← آرامگاه شاه سلیمان ثانی.

□ **میرزا محمدرضا کلهر** ← آرامگاه کلهر.

□ **میرزا محمدرضا همدانی**، فرزند میرزا علینقی زاده شده در همدان ۱۲۶۱، واعظ معروف و مورد توجه مردم. در ۱۳۱۸ فوت کرد و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

○ رج ۶/۲۳۶.

□ **میرزا محمدعلی**، فرزند میرزا عبدالغنی تفرشی برادر بزرگ میرزا یحیی خان سرخوش، متولد ۱۲۵۵ در طرخوران تفرش و از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری. خود وی نیز از حکما و عرفای فاضل بود که در ۱۳۰۷ فوت کرد، مدفون در سبزواری.

○ رج ۶/۲۴۰.

□ **میرزا محمدعلی شاه آبادی**، از عالمان و روحانیون عصر حاضر در تهران. م ۱۳۶۹.

○ تاریخچه ۷۸.

□ **میرزا محمدعلی شوشتری**، از دانشمندان سده سیزدهم م ۱۳۰۶.

○ تاریخچه ۷۷.

□ **میرزا محمدعلی قاینی** ← آرامگاه قاینی.

□ **میرزا محمدقلی تکلومیلی هروی**، معروف به میرزاقلی ابتدا در دستگاه سلطان محمد خدابنده بود. سرانجام در ۹۷۹ به هند رفت و مقیم آن دیار شد و تحت حمایت اورنگ خان زندگی کرد تا اینکه توسط همین ولی نعمت مسموم و کشته شد، بدنش را پس از مرگ به مشهد آورده اند و سنگ قبرش اکنون با تاریخ مرگ وی ۹۸۵ در مشهد موجود است.

○ تان ۴۲۱.

□ **میرزا محمدکلانتر**، پسر میرزا ابوالقاسم شریفی حسنی، خواهرزاده محمدحسین شریفی صاحب اختیار (۱۲۰۰-۱۱۳۲). میرزا محمد در دستگاه

کریم خان زند ترقی کرد و به مقام کلانتری فارس رسید و در طی ۱۴ سال که این مقام را داشت، از ملاکان بزرگ فارس شد. حاج ابراهیم کلانتر جانشین وی بود. میرزا محمد وقایع سالهای ۱۱۴۳ تا ۱۱۹۹ را تحت عنوان روزنامه میرزا محمد کلانتر نوشته که در ۱۳۲۵ خ به چاپ رسید. میرزا محمد در ۱۲۰۰ در اصفهان مرد و بدنش را به نجف فرستاده به خاک سپردند.

○ رج ۳/۲۸۱.

□ **میرزا محمود شیخ الاسلام**، از سادات طباطبایی تبریز مردی باسواد و دیندار که در سال ۱۳۱۰ به مکه رفت و در همان جا در ۷۰ سالگی درگذشت.

○ رج ۵/۲۸۷.

□ **میرزا مسلم ارومی یا ارموی**، از عارفان سده سیزدهم و از خلفای حاج محمد جعفر کبودر آهنگی، در ۱۲۶۰ به رحمت خدا رفت و در سید حمزه تبریز، کنار مرشدش مجذوب علیشاه به خاک سپرده شد.

○ رج ۶/۲۶۲.

□ **میرزا مسیح اصفهانی**، پسر میرزا باقر چهارسویی از مراجع بزرگ مقیم اصفهان. م ۱۳۲۵ در هفتاد سالگی. مدفون در مقبره صاحب روضات اصفهان.

○ رج ۶/۲۶۲.

□ **میرزا مسیح تهرانی**، استرآبادی زاده شده در ۱۱۹۳، قهرمان مبارزه با زورگویان روسی از جمله گری بایدف، م ۱۲۶۳ عتبات.

○ رج ۴/۱۰۱.

□ **میرزا مصطفی لشکرنویس** ← آرامگاه وکیل لشکر.

از تهران به خارج از شهر سفر کرد، معین‌الدین میرزا پسر شیرخواره خود را حکمران تهران و میرزاموسی را وزیر او کرد، از این زمان میرزا موسی به وزیر معروف شد، آب انبار میرزا موسی وزیر در جنب سید اسماعیل در خیابان سیروس یادگار اوست. میرزا موسی در ۸۴ سالگی مرد و در آرامگاه مجلل و وسیعی که خود در مشرق حرم امام حسین تدارک کرده بود به خاک سپرده شد.

○ رج ۴/۱۶۴.

□ **میرزا موسی خان**، برادر کهنتر میرزا ابوالقاسم قائم مقام، در کمال پاکی و طهارت، چهارده سال متولی آستان قدس بود. م ۱۲۶۲ در ۴۲ سالگی، مشهد حرم مطهر امام رضا(ع).

○ رج ۴/۱۶۵ + ت دکتر جهانگیر قائم مقامی.

□ **میرزا مهدی**، یا محمد مهدی از عالمان بزرگ خراسان شاگرد آقا باقر بهبهانی یا آقای بهبهانی، متولد در ۱۱۵۲ که در مشهد نفوذ فراوان داشت و به اشاره وی بود که مشهد در مقابل نیروی فتحعلی شاه تسلیم شد. اما نادر میرزا پسر شاهرخ که راضی به تسلیم نبود پیش از دستگیر شدن با میرزا مهدی ملاقات و پس از گفتگو و ناسزاگویی بسیار، تیمور نسق‌چی باشی به اشاره وی چند ضربت تبرزین به سر و بدن وی نواخت و خود نادر میرزا نیز چند لگد محکم به وی زد و آن پیرمرد محترم دو روز بعد مرد. در آن موقع میرزامهدی ۶۶ ساله بود و پس از فوت باعزت و احترام در حرم امام رضا به خاک سپرده شد و پس از فوت به شهید ثالث معروف شد و اعقابش شهید را نام خانوادگی خود قرار دادند.

○ رج ۴/۸.

□ **میرزا ملکم خان ناظم الدوله**، پسر میرزا یعقوب از ارامنه جلفا، زاده شده در ۱۲۴۹، پدرش او را برای تحصیل به پاریس فرستاد و وی در ۱۲۶۸ به ایران بازگشت. اولین شغل وی سرهنگ اتامازور و مترجم مخصوص سفارتخانه دولت علیه در اسلامبول بود، اما وی همراه فرخ خان به پاریس رفت و در همین زمان بود که وارد فراماسون شد. پس از این سفر، در تهران با همکاری جلال‌الدین میرزا و در خانه وی اولین لژ فراماسونی را به طور سری تشکیل داد که پس از علنی شدن، از سوی ناصرالدین شاه، ازهم پاشیده شد. از این به بعد ملکم گاه موافق و گاه مخالف با دولت ایران، در خارج از کشور سرگرم بود و از هیچ عملی برای تدارک پول ابا نداشت. میرزا ملکم خان در ۷۷ سالگی در ۱۳۲۶ در لوزان سویس درگذشت، جنازه را طبق وصیت به برن برده سوزاندند و خاکسترش را در کوزه ریختند و کوزه را همراه با چهل هزار پوندی، که ملکم از کمپانی لاتاری انگلیس رشوه گرفته و به هیچ قیمت پس نداده بود، به وارثان وی دادند. ملکم پسرش فریدون را به علت خاصی از ارث محروم کرده بود. ۱۳۲۶ / تابستان ۱۹۰۸. از پرنس ملکم خان آثار مکتوب چندی برجای مانده است و برخی از شماره‌های روزنامه‌های قانون.

○ سیاستگر ۱۲۷ + رج ۴/۱۳۹.

□ **میرزا موسی وزیر**، مستوفی تفرشی، زاده شده در ۱۱۹۸ پسر میرزا ابوالقاسم و پدر میرزا عیسی وزیر و سید عبدالله خان انتظام السلطنه، مستوفی کل آذربایجان در عصر حکمرانی ناصرالدین میرزای ولیعهد، که در مجلس محاکمه باب نیز حضور داشت. در سال ۱۲۶۹ که ناصرالدین شاه

○ رج ۴/۴۱۵.

□ **میرزای شیروازی**، حاجی میرزا حسن یا محمدحسن پیشوای معروف شیعیان، فوت در ۱۳۲۴ در ۸۲ سالگی در سامره که روی دوش مردم به نجف برده شد و در یکی از حجره‌های صحن در مقبره خاص دفن شد، در تمام شهرهای ایران برایش ختم گذاشتند.

○ رج ۳۳۹.

□ **میرزا یعقوب ارمی** ← آرامگاه یعقوب ارمی.

□ **میرزا یوسف مستوفی**، پسر میرزا حسن مستوفی الممالک آشتیانی و پدر میرزا حسن آخرین مستوفی الممالک، میرزا حسن اول از زمان فتحعلی‌شاه مستوفی الممالک و خواهرش همسر میرزا ابوالقاسم قائم مقام بوده است، از این رو میرزا تقی خان امیرکبیر به این خانواده ارادت می‌ورزیده، اما در جریان عزل و قتل امیرکبیر میرزا یوسف در جبهه مقابل امیرکبیر قرار داشته است. پس از عزل میرزا آقاخان، میرزا یوسف به جای وی صدراعظم شد. از این زمان به بعد میرزا یوسف، همیشه مقامات عالی داشته و با رقیبانی همچون میرزا حسین خان سپهسالار، در کشمکش بوده است. میرزا یوسف مردی حکیم و عارف و خیر و اهل آباد کردن بلاد بوده و نامش هم‌اکنون نیز در تهران بر روی محلات است مانند، حسن آباد و یوسف آباد. میرزا یوسف در ۱۳۰۳ فوت کرد و در آرامگاه پدرش در صحن عتیق قم به خاک سپرده شد. حسن آباد به نام پدر یا پسرش.

○ سیاستگر ۱۴۹.

□ **میرزا یوسف خان**، مستشارالدوله بازرگان آزادپنخواه تبریز در عصر قاجاریه. م. ۱۳۱۳ در سر

□ **میرزا مهدی نوری**، حاجی میرزا محمد برادرزن و پسرعم میرزا آقاخان نوری و متصدی امور مربوط به وی هنگامی که از سوی ناصرالدین شاه مغضوب شده و در تبعید بسر می‌برد، میرزا مهدی در ۱۲۸۳ به مکه رفت و در همان جا مرد.

○ رج ۴/۹.

□ **میرزا میرانشاه**، پسر امیر تیمور که در ۸۱۰ در جنگ با قرايوسف به دست غلامی ترک، نادانسته کشته شد، آن غلام جامه‌اش را برداشت و سرش را برای قرايوسف برد، ولی وی با احترام سر و تن را در سرخاب دفن کرد و مدتی بعد شمس الدین غوری استخوانها را به قبة الخضراء کش برد و دفن کرد.

○ کوی سرخاب ۱۵۹.

□ **میرزا نصرالله خان نایینی** ← آرامگاه مشیرالدوله، میرزا نصرالله.

□ **میرزا نصرالله خان نوری** ← آرامگاه میرزا آقاخان نوری.

□ **میرزا نعمت الله**، پسر میرزا محمد آقا پسر میرفتاح. تفلیس قبرستان مسلمانان که از آثار شاه عباس است. میرفتاح همان روحانی خیانتکاری است که پیش از بسته شدن قرارداد ترکمانچای، روسها را به تبریز دعوت کرد و مدت کوتاهی بعد از ایران فراری شد و به تفلیس رفت.

○ رج ۳/۵۱.

□ **میرزا نعیم**، دولتمرد عصر صفوی، حکمران بم مدفون در یکی از بناهای جنبی ارگ بم.

○ سیما ۷۲/۱/۲۸.

□ **میرزا هاشم خان امین الدوله**، و امین خلوت برادر فرخ خان کاشانی دولتمرد عصر ناصری، م ۱۲۹۳ در قم، مدفون در قم.

- قبر آقا بنا بر وصیت خود وی.
- تا صف ۵۷۲.
- میر ← آرامگاه میرفندرسکی.
- میرسید بهرام، قرن چهارم با تصویر.
- سیمغ ۱۷۴.
- میرسید حسن مدرس، عالم و فقیه اصفهانی.
- م ۱۲۷۳، محله نو مسجد رحیم خان اصفهان.
- ل ۲۷۹۷.
- میرسید علی رضوی طوسی، از عالمان عارف شیعه در سده یازدهم، که از خراسان به بلتستان (در کشمیر) رسید و در حقیقت مقدمات کار میرسیدعلی را فراهم آورد. وی نخستین حسینیۀ بلتستان را در کواردو بنا نهاد. میرزا سیدعلی شاعری خوش ذوق و عارف بود که بیت نخستین یک غزل وی این است.
- «اگر زماومنی دل صفا توانی کرد چو مردمک به دل دیده جا توانی کرد»
- میراث ۹۹/۲.
- میرسید علی همدانی، معروف به امیرکبیر که از مشایخ بزرگ اسلام بود. وی در ۷۱۴ متولد و در عصر ترکنازی امیر تیمور، از همدان عازم کشمیر شد و در ۷۷۴ به کشمیر رسید. پس از مدتی به ایران بازآمد و دوباره در ۷۸۱ به کشمیر رفت و در آنجا ساکن شد. میرسیدعلی در ۷۸۵ بار دیگر عزم سفر کرد و به شمال کشمیر، محلی به نام تاخلی نزدیک کونار رسید و در ماه ذی حجه ۷۸۶ در این نقطه از دنیا رفت و در همان جا، که امروز در خاک تاجیکستان است، یعنی تاخلی، وفات یافت و در خانقاه خودش، خانقاه محلی یا (مسجدامام) همدان که توسط پسرش ساخته شده و در محله علاءالدوله سری نگر زیارتگاه.
- است به خاک سپرده شد.
- نقش پارسی ۶۷ + علی ثانی، تان ۱۹۵.
- میر شمس الدین لاهیجانی، لاهیجان با تاریخ ۱۰۱۷.
- معماری ۸۲/۲.
- میر صدرالدین، یا بقعه کاشفیه در شهر دزفول روی تپه با نوشته هایی در روی کاشی که وی را از اولاد امام موسی کاظم می داند، قرن ۱۳.
- د ش ۳۹۱.
- میرعبدالواسع منزوی، پهلوانی که در آخر عمر عارف و در کاشان منزوی شد و در همان جامرد. کاشان آرامگاه ملا محسن فیض.
- تا کاشان ۴۳۶.
- میرعبدالوهاب، پیر نایینی و جد مشیرالدوله نایینی. نایین عمارت مصلی که توسط محمدشاه ساخته شده است.
- تلاش ۱۷.
- میرعبیدالله، در شمال شاکوه. اورامانات کزدستان.
- جغ ۴۰۵.
- میرعلی حسینی هروی، معروف به میرعلی سلطانی یا کاتب السلطانی، از معروفترین خوشنویسان که نسخ تعلیق وی معروف است. از جوانی به دستگاه سلطان حسین بایقرا راه یافت، سپس عبدالرحمان ازبک او را بازور به بخارا برد و وی سرانجام در آنجا به سال ۹۶۰ درگذشت و در فتح آباد بخارا به خاک سپرده شد.
- تان ۴۶۳ + تا هنر ۸۸.
- میرعماد ← آرامگاه خواجه عماد.
- میرعماد حسنی، در مسجد مقصود بیک محله تکیه ظلمات اصفهان م ۱۰۲۴ با این رباعی:



- خارگ ۱۳۰ + ۱ ق ۳۲۱ + میرمحمد از ۷۴۰.
- معماری ۹۷/۲ و ۱۲۸.
- میرمحمد عباس، ابن علی اکبر موسوی شوشتری لکهنوی (۱۲۲۴-۱۳۰۶) در حسینیۀ سید دلدار علی لکهنو.
- فک مؤلفان ۶۴۳/۲.
- میرموتضی شریفی شیرازی، نبیره میرسیدشریف گرگانی، دانشمند معروف. خودوی نیز از دانشمندان سده دهم بوده بویژه در ریاضیات و حکمت و منطق و کلام که به مکه و سپس به دکن رفت و در آگره مرد ۹۷۴. بدنش را در دهلی جوار مرقد نظام الدین به خاک سپردند و پس از چندی بازماندگانش آن استخوانها را به مشهد برده خاک کردند.
- تان ۵۵۲.
- میر معزالدین محمد فیضی اصفهانی، عالم و دانشمند که شاه اسماعیل به وی منصب صدارت داد. م ۹۵۲ در راه حج در بصره مرد و در کربلا دفن شد. وی در شاعری نیز دست داشته است.
- تان ۶۷۸.
- میر نظام دستغیب شیرازی، از شاعران نامی قرن ۱۱ که در ۱۰۲۹ درگذشته و در حافظیه به خاک سپرده شده است.
- تان ۴۴۶.
- «تا کلک تو در نوشتن اعجاز نماست  
بر معنی اگر لفظ کند ناز رواست  
هر دایره تو را فلک حلقه به گوش  
هر مد تو را مدت ایام بهاست»
- ل ۲۷۹۶ + خوش ۵۲۷.
- میرعماد غلام شاهی، میرفندرسکی. م ۱۳۲۴ خ امامزاده عبدالله ری.
- خوش معاصر ۱۰۵.
- میرفندرسکی، ابوالقاسم فرزند میرزابیگ، اصفهان تخت فولاد تکیه میر.
- د ت ۵۰.
- میر قوام الدین مرعشی، مؤسس سلسله‌ای از سادات که از ۷۶۰-۹۸۹ در مازندران حکومت کردند. آمل سبزه میدان در شمال شرقی شهر.
- مازندرانس ۷۲.
- میر مجدالدین، اسماعیل باب‌الدشتی، اصفهان خیابان امام (شاه)
- مسجد قطبیه، صفه شمالی با کتیبه مورخ ۹۵۵.
- آص ۸۵۶.
- میرمحمد حنفیه، مقبره منسوب به وی در خارک با گنبدی مضرس مشابه با گنبد دانیال شوش و گنبدی دیگر نیمدایره و کوتاه در پشت آن و مقصوره مقرنس کاری و کاشی‌پوش و هزاره داخلی با کاشیهای هشت‌پر با کتیبه‌ای در داخل بنا از اوایل سده ۸.

## ن

### از آرامگاه نایینی تا آرامگاه آرامگاه‌سازی در ایران

- نایینی ← آرامگاه میرزا رفیعا.
- نایینی حاج عبدالوهاب، جد پیرنایهای نایین که با اعانه اهدایی محمدشاه قاجار در باغ خاندان پیرنیا، بر سرگور حاج محمدحسن کوزه‌گنایی

جانشین و شوهر نوه وی ساخته شد.

○ رج ۳/۳۷۲ + رجال ۴۴.

□ **نایینی مشیرالملک**، میرزا محمدباقرخان منشی و مشاور ظل‌السلطان پیرو فرقه شیخیه باقری. م ۱۳۳۸ اصفهان، دفن در کربلا.

○ رج ۶/۲۰۸.

□ **نایینی**، میرزا محمدحسین غروی (۱۲۷۷-۱۳۵۵) از اعظام مراجع تقلید. نجف حجره جنوب شرقی صحن.

○ فک مؤلفان ۲/۷۷۳.

□ **نادر**، در مشهد تقاطع خیابانهای نادری و شاه‌رضای سابق بنای اصلی در عصر خود وی ساخته شد و در عصر حکمرانی قوام‌السلطنه تعمیر شد. بناهای جدید را انجمن آثار ملی در (۱۳۳۶-۱۳۴۰ خ) بر مبنای طرح ابوالحسن صدیقی همراه مجسمه‌ای که وی ساخته است پی افکند.

○ ف ۲۳ + ساخته شده در ۱۳۳۳-۱۳۴۰ خ با تصویر از آرامگاه پیشین. + کارنامه ۲۱۳.

□ **نادر**، بنایی، در سطح شاهکارهای جاودانی جهان، مجله امروز Aujourd'hui چاپ پاریس که مخصوص معرفی شاهکارهای هنری و معماری جهان است در شماره ۲۵ خود این بنا و مجسمه‌ها را به تفصیل معرفی کرده و آن را از لحاظ صلابت و استواری و فن معماری مورد توجه قرار داده و آن را از ساختمانهای برجسته عصر حاضر دانسته است.

○ کارنامه ۲۲۸.

□ **نادر در نجف اشرف نیست**، سرجان ملکم در تساریخ خود می‌نویسد که آقامحمدخان استخوانهای نادر را نیز از جوار آستان قدس خارج کرده مانند استخوانهای کریم‌خان زند به تهران آورد

و در کریاس خلوت کریم‌خانی دفن کرد. در فارسنامه نیز این مطلب تأیید شده ولی اضافه شده است که فتحعلی‌شاه استخوانهای نادر را خارج و به نجف فرستاد. انجمن آثار ملی در ششم شهریور ۱۳۲۸ طی نامه‌ای این مطلب را به مجله یادگار که در این باب به فارسنامه استناد کرده بود نوشت. هنگام جابه‌جایی استخوانهای نادر نیز ثابت شد که آن استخوانها متعلق به شهریار افشار بوده‌است، بر مبنای نحوه کشته شدن و زخمهای وی.

○ کارنامه ۲۳۵.

□ **نادر**، هزینه و اعتبار، اعتبار ۵۵/۳۰۰/۰۰۰، هزینه ۵۵/۳۲۹/۰۰۰ هزینه ساختن پیکره وی در ایتالیا با احتساب حمل آن به ایران ۴/۳۰۴/۸۷۷ ریال.

○ کارنامه ۲۷۰.

□ **نادر که خود وی ساخت**، در سال ۱۱۴۵ که نادر مقام سپهسالاری ایران را داشت و والی خراسان بود دستور دارد که برایش آرامگاهی بسازند بسیار عالی و محکم این بنا را آغا محمدخان قاجار در ۱۲۱۰ منهدم کرد و پس از آن آرامگاه و اراضی اطراف آن به مزبله تبدیل شد.

○ رج ۴/۲۱۱.

□ **نادر و آرامگاه ناپلئون**، آرامگاه رضاشاه را مشابه با آرامگاه ناپلئون (سنگ گور وی) ساختند که خراب شد و از میان رفت. در حالی که بهتر بود گور نادر را مشابه با گور ناپلئون می‌ساختند، چه گوینو مورخ فرانسوی مطلب جالبی را در این باب ارائه می‌کند: «سلطنت نادر در ایران عیناً نظیر سلطنت ناپلئون در فرانسه است، یعنی همان گونه که ناپلئون بر افتخارات سیاسی و نظامی فرانسه

افزود، نادر هم ایران را از تجزیه و افتراق نجات داد و در تاریخ جهانگیری باب جدیدی را گشود، اما عملیات هردو نفر باعث فقر و تنگدستی رعیت و خرابی کشور شد.» مورخ دیگر شارل پیکلت نیز نادر را با سرداران بزرگ تاریخ مقایسه و وی را برتر از همه می‌شمارد.

○ رج ۱۹۳/۴.

□ نازنین فرشته، ابرقو گنبد علی، از قرن پنجم در آرامگاه شوهرش عمیدالدین شمس‌الدوله هزار اسب.

○ اق ۳.

□ ناصح بروجرودی، ناصح‌الممالک اسماعیل (۱۲۴۸-۱۳۲۲ خ) مؤلف ناصح‌الاطفال از نخستین مؤسسان کودکستان در ایران در سال ۱۳۱۰ خ مدفون در امامزاده حمزه.

○ فک مؤلفان ۶۱۵.

□ ناصرالحق، آمل مازندران.

○ مازندرانس ۷۳ + فج ۲۵/۳.

□ ناصرالدین بطحایی، قم از قرن ۱۲.

○ معماری ۷۸/۲.

□ ناصرالدین‌شاه، که در سال ۱۳۱۳ سال پنجاهمین سلطنت در حرم حضرت عبدالعظیم کشته شد. اطافی مخصوص در جوار حضرت عبدالعظیم.

○ تا صف ۴۸۸.

□ ناصرالدین شاه، یکی از پرمجراترین بناهای آرامگاهی ایران است، پس از کشته شدن وی با اجازه علماء، محل ممتازی را در کنار مزار حضرت عبدالعظیم برای این منظور در نظر گرفتند و سنگ عظیم یک پارچه مرمرینی را در یزد فراهم آوردند که می‌بایستی به‌همت و در حقیقت شکنجه و

بیگاری مردم دهات بین راه به تهران برسد. پدرم که در آن موقع ۱۴ ساله و مقیم نطنز بود تعریف می‌کرد که حاکم، نایب‌الحکومه و کدخدا و اعیان هر آبادی مجبور بودند که در دو طرف مسیر سنگ صف بکشند و کشاورزان به انتقال سنگ که با غلطاندن آن روی تیرهای چوبی صورت می‌گرفت مشارکت کنند، حال معلوم است که علاوه بر شکنجه تحمل سنگینی و فشار سنگ: چه لطمه‌هایی به آن مردم ساده‌دل بی‌گناه وارد آمد. آمار دقیقی از کشته شدگان و زخمیها در دست نیست، اما پدرم می‌گفت خود شنیده است که تعداد کشته‌شدگان عددی میان ۳۰ و ۵۰ نفر بوده است.\*

□ ناصرالدین کوسویی، از مشایخ متصوف اهل کوسویه هرات م ۸۲۸ مدفون در هرات حظیره امام فخرالدین رازی وی شعر عارفانه‌ای سروده است.

○ تان ۷۹۹.

□ ناصرالملک، میرزا ابوالقاسم خان قراگوزلو در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۲۷۲ در تهران زاده شد، وی پسر احمدخان سرتیپ و نوه میرزا محمودخان ناصرالملک اول است، ناصرالملک موفق شد که در انگلستان تحصیل کند و در دانشگاه دوستانی همچون سرادواردگری بیابدوف توجه و اطمینان دولت بریتانیا را به‌خود جلب کند. وی از وزارت ثانیات سلطنت، همیشه مشاغل مهم داشت و پیش از پایان کار ثانیات سلطنت در اروپا مقیم شد و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۰۶ به دعوت رضاشاه به ایران بازگشت و در خانه کوچه برلن و قصر چالمرز خود استقرار یافت اما چندماه بعد در ۴ دی ۱۳۰۶ در تهران درگذشت و در آرامگاه پدر بزرگش ناصرالملک اول در شهر ری، مقبره

خانوادگی به خاک سپرده شد.

○ رهبر ۱۴۳/۲.

□ **ناصر خسرو علوی قبادیانی**، (۴۸۱-۳۹۴)

مسلقب به حجت، در قبادیان بلخ یا مرو زاده شد و در دره یمگان از جهان رخت بربست. وی از شاعران و دانشمندان بزرگ عصر خویش و از مبلغان بزرگ آیین شیعه (اسماعیلی) بوده است و دیوان اشعارش و چند کتاب دیگر که از وی به جای مانده، معرف شخصیت علمی و ادبی وی در تاریخ علوم و ادبیات ایران است. ولی شهرت وی بیشتر به خاطر سفرنامه وی است.

○ دیوان مقدمه + تان ۵۹.

□ **ناظم الاسلام کرمانی**، میرزا محمدپسر علی محمد شریف کرمانی، زاده شده در کرمان، ۱۲۸۰، در بیست و نه سالگی برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و سپس به عراق رفت و در بازگشت مقیم تهران شد و با آقا سید محمد طباطبایی آشنایی یافت، آقا سید محمد وی را به نظامت مدرسه اسلام که تازه تأسیس کرده بود گماشت از این رو لقبش ناظم الاسلام شد، پس از انقلاب وی معلمی را رها کرد و وارد سیاست شد و به نوشتن تاریخ آن دوره، تحت عنوان تاریخ بیداری ایرانیان پرداخت. ناظم الاسلام مقامات حریری را هم به فارسی برگرداند که موفق به چاپ آن نشد وی در سال ۱۳۳۲ با شغل قضا به کرمان رفت و در اواخر صفر ۱۳۳۷ در آنجا درگذشت و در آرامگاه سید علویه کرمان به خاک سپرده شد.

○ تا بیداری مقدمه صفحه سی و چهار + از صبا ۱۱۸/۲.

□ **ناظم الاطباء** ← آرامگاه میرزا عبدالباقی.

□ **ناظم الاطباء**، میرزا موسی خان، فرزند

سید عقیل اصفهانی از پزشکان معروف اصفهان.

م ۱۳۰۴، تخت فولاد اصفهان.

○ رج ۲۶۹/۶.

□ **ناظم الدوله** ← آرامگاه میرزا ملکم خان.

□ **ناظم الملک**، جهانگیر مردنی (۱۲۷۵-۱۳۵۲)

حرم حضرت معصومه در قم.

○ فک مؤلفان ۴۴۷/۲.

□ **نایب التوایه عرب** ← آرامگاه آل ثابت.

□ **نایب الولا به**، وحیدالاولیا، میرزا احمد تبریزی

از اقطاب سلسله ذهبیه. م ۱۳۷۵ در ۸۹ سالگی

شیراز، آرامگاه اختصاصی.

○ ز ۲۵۲/۲.

□ **نبی اکرم (ص)**، رحلت روز دوشنبه دوم یا

هفتم یا دوازدهم ربیع الاول سال ۲۳ هجری،

مطابق شانزدهم اسفند از سال صدم پادشاهی

کسری انوشیروان رخ داد. توسط علی (ع) و

عباس عم پیامبر غسل داده شد و به قولی حضرت

را در سه جامه پیچیدند سه روز بعد از وفات در

اطاق عایشه به خاک سپردند.

○ التنبیه ۲۵۸.

□ **نبی آقا موسوی ایلخچی**. متوفی ۸۱۰ در

ایلخچی اسکو، آذربایجان.

○ آذ ۳۲۰.

□ **نبی الله**، بقعه نبی الله در شوشتر با کاشی سردر

که به روی آن نوشته شده: بسم الله الرحمن الرحیم

بقعه نبی الله.

○ د ش ۷۴۸.

□ **نجفقلی خان دنبلی**، پسر شهبازخان، صاحب

تاریخ مآثر سلطانیه متخلص به مفتون، دولتمردی

که از اهتمام کنندگان در ساختن بنای حضرت قائم

در تبریز است. مفتون در سال ۱۱۹۹ هـ گام استحمام در گرمابه درگذشت، نعش او را به نجف برده در حرم حضرت علی (ع) به خاک سپردند.

○ رج ۳۳۴/۴.

□ **نجم آبادی، مرتضی**، خوشنویس، م ۱۳۲۶ خ در هفتاد سالگی، مقبره حاج شیخ هادی نجم آبادی.

○ خوش معاصر ۹۶.

□ **نجم الدوله**، حاج میرزا عبدالغفار از اجله علمای ریاضی و نجوم فوت ۲۴ خرداد ۱۲۸۷، صفایه قم.

○ روزشمار ۲۹ + رج ۲۷۴/۲ + نزدیک چشمه علی شهر ری تاضف ۱۲۶۷ + یا ق ۲۵۳.

□ **نجم الدین بنایی**، در قاقزن قزوین مشابه با آرامگاه حمدالله مستوفی.

○ آق ۱۹۹.

□ **نجم الدین دایه**، نجم الدین ابوبکر عبدالله پسر محمد شاهر اسدی رازی، اهل ری که به خوارزم رفت و از مریدان نجم الدین کبراشد تا ۶۱۸ که استادش در غوغای مغولی کشته شد، وی نیز از خراسان به سوی مغرب گریخت و سرانجام در قونیه به خدمت جلال الدین بلخی مولوی و صدرالدین قونوی رسید و مدت ۳۶ سال در آن محل بسر برد و سرانجام در سال ۶۳۲ در ۹۳ سالگی در بغداد مرد و در محله وردیه بغداد به خاک سپرده شد وی پیشوای فرقه معروف سهروردیه بوده است.

○ تان ۱۴۱ و (۳۷) + هنر و مردم شهرپور ۱۳۴۶ + سیمرغ ۱۸۷.

□ **نجم الدین زوکوب**، ابوبکر محمد فرزند مودود ظاهری، م ۷۱۲، گورستان کجیل.

○ تان ۱۷۶ + شیخ الاسلام مودود بن محمد م ۶۶۳ شیراز خانقاه خودش شیرازنامه ۱۲۰.

□ **نجم الدین سمساری**، مزارش زیر قدم نظام الدین یحیی در سرخاب تبریز است، صوفی صاحب کرامت. م ۷۸۷ در عصر سلطان احمد جلایر.

○ کوی سرخاب ۲۰۵.

□ **نجم الدین محمود** ← آرامگاه طبیب شیرازی.

□ **نجم الملک**، آخوند ملاعلی محمد اصفهانی.

عالم عصر قاجاریه. (م ۱۲۹۳ دارالسلام نجف).

○ رج ۴۸۲/۲.

□ **نخجوانی**، صلاح الدین حسن بلغاری زاده شده در نخجوان در ۶۰۳ که چند سال اسیر بلغاریان بود و از نیروی بلغاری شد. مدتی نیز در کرمان بسر برد و سپس به تبریز رفت و سرانجام در ۶۷۲ یا ۶۹۸ در تبریز درگذشت و در محله سرخاب به خاک رفت. وی شاعری صوفی مآب بوده است که آثاری نیز برجای گذاشته است.

○ تان ۷۴۴.

□ **نراقی، شهید آقاعلی**، پیشنماز کاشان از خاندان معروف نراقی، چون نایب حسین در کاشان ظلم و بیداد می کرد وی نامه ای به مرحوم مدرس نوشت، نامه به دست عین الدوله افتاد که خود با نایب حسین سر و سری داشت. وی آن را برای نایب حسینی به کاشان فرستاد شجاع لشکر پسر نایب حسین آقاعلی را به خانه خود خواست و دیگر معلوم نشد که چه به سر وی آمد، کسروی در تاریخ مشروطه ۱۰/۲ می نویسد: «آقا علی نراقی در خانه نایب علی معروف به شجاع لشکر پسر نایب حسین، کشته شد و جسد او را برای نایب حسین به مزرعه دوک بردند و در آنجا به چاه افکندند. پس از پایان غائله جنازه را از چاه بیرون

آورده‌اند و در آرامگاه خاندان نراقی، مدرسه آقابزرگ به‌خاک سپردند». استاد فقیه نظام وفا دراین باره گفته است:

هزاروسیصد و سی و یک از جفای فلک  
مهی فتاد به‌ناگاه در محاق زوال  
علی سرآمد افراد عصر آزادی  
که در شهامت و آزادگی نداشت همال  
در آن زمان که به‌کاشان شهر شادی و قهر  
نبود هیچ جز از محنت و بلا و وبال  
به تیغ غدر و خیانت شهید گشت کسی  
که غیر حق و حقیقت نداشت نقش خیال  
○ کاشان با تصویر شهید آقاعلی ۳۱۱.

□ **نراقی کاشانی**، آخوند ملا محمد جعفر، صاحب درجه اجتهاد از صاحب جواهر، متهم به‌بهای بودن، زندانی شدن در انبار (زندان دولتی) و فوت در اثر مسمومیت یا خفگی در ۱۲۸۶، تهران سر قبر آقا.

○ رج ۲۲۲/۶.

□ **نراقی ملا مهدی**، از مجتهدان معروف متولد نراق ۱۱۴۹ با آثار فراوان. وی پدر حاجی ملا احمد نراقی بوده است. م ۱۲۰۹ نجف.

○ رج ۳۰۲/۵.

□ **نزاری قهستانی**، حکیم سعدالدین فرزند جمیل‌الدین، حکیم و شاعر نامدار سده‌های ۷ و ۸ (۶۴۵-۷۲۰) متولد در فوراج از روستاهای بیرجند. مدفون در بیرجند ساختمان آرامگاه جدید از ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ آغاز شد.

○ کارنامه ۶۵۳.

□ **نزاری قهستانی**، حکیم، کاظم غنی.

○ قم ۴۱۷/۴.

□ **نسیم شمال** ← آرامگاه اشرف‌الدین گیلانی.

□ **نسیمی شیرازی**، نام درستش سید عمادالدین یا نسیم‌الدین ابوسعید است، از مریدان شاه فضل‌الله نسیمی حروفی. به‌روایتی او را در حلب کشتند و پوستش را کردند، اما آرامگاه وی اکنون در زرقان شیراز وجود دارد و روایت نخستین را سُست می‌کند سال ۸۲۱.

○ تان ۷۸۹.

□ **نصر، دکتر ولی‌الله خان** ← آرامگاه ولی‌الله خان نصر.

□ **نصر آباد**، خانقاه و مدرسه‌ای در آبادی نصرآباد در مغرب اصفهان در راه نجف آباد که به‌عقیده اهل محل آرامگاه شیخ ابوالقاسم است. تاریخ بنا در کتیبه‌ها ۸۵۴ و ۸۵۷ است.

○ آثار ایران ۲۳۳/۴.

□ **نصرالله خان**، پسر امیرخان سردار قاجار دولو برادر سرهنگ محمدخان سپهسالار، فوت در شیراز هنگام والی‌گری ۱۲۵۷، شهر ری بقعه حضرت عبدالعظیم.

○ رج ۲۴۵/۴.

□ **نصرالله خان نایینی** ← آرامگاه مشیرالدوله.

□ **نصرالله خان نوری** ← آرامگاه آقاخان نوری، میرزا.

□ **نصرالله طیبی**، از خطاطان معروف و شاگرد بلاواسطه یاقوت مستعصمی. شاگردان وی نیز خود خوشنویسانی به‌نام‌اند. وی اهل قندهار بوده است م ۷۰۲، مدفون در سرخاب تبریز.

○ کوی سرخاب ۲۳۰.

□ **نصیرالدین طوسی**، **خواجه** - پدرش اهل ساوه بوده است و وی در طوس زاده شد (۱۱ جمادی‌الاول ۶۰۷). حکیم و عالم و دولتمرد بزرگ معاصر با هولاءوخان و مشاور وی که موفق

شد هزاران کتاب را از شر کفر و جهل مغولان نجات دهد، با آثار فراوان. در ۱۸ ذی حجه ۶۷۲ مرد و در کاظمین به خاک رفت.

○ تا ن ۱۳۷ و تصویر خیالی وی از ابوالحسن صدیقی تان (۳۹).

□ **نظام‌الدین**، در تربت حیدریه بنای سلجوقی.

○ معماری ۸۹/۲.

□ **نظام‌الدین اولیاء**، در ۶۳۴ در قصبه بدایون هند زاده شد، نامش محمدبن احمد بخاری و لقبش سلطان‌المشاخ و سلطان‌الاولیاء بود و، جانشین فریدالدین گنج شکر. نظام‌الدین در سیزدهم ربیع آخر ۷۲۵ جان به‌جان آفرین داد و در دهلی به‌خاک سپرده شد، امروزه درگاه وی از مقدس‌ترین مکانهای شبه قاره‌ای است و در محوطه آرامگاه وی یک مجموعه بنای مهم تاریخی جای گرفته، از آن جمله است: مسجد جماعت‌خانه، که در همان سال فوت وی گنبدی به‌روی گورش ساختند و فیروز شاه تغلق، صندوقی از چوب صندل برای مزار او برپا کرد که قندیلها با زنجیر طلا از آن آویزان بود و از آن سال تا به‌بعد تا زمان شاه جهان مرتب بر آبادی و تکمیل بناهای بارگاه نظام‌الدین اهتمام شد. در روز هفدهم ربیع‌الثانی که سالگرد وفات اوست هرساله مجلس تذکر مفصلی که بدان عرس گویند در کنار آرامگاهش برپا می‌شود.

○ نقش پارسی ۵۷ + آثار صنادید + تا ن ۲۱۸ + دهلی ۳۴.

□ **نظام‌الدین کسروی**، صوفی بزرگ در کدکن نیشابور.

○ نقد حال ۳۳۲ + یادگار ۸/۳.

□ **نظام‌الدین یحیی غوری**، از بزرگان صوفیه و

عرفاست که در جوار بابامزید در سرخاب تبریز دفن شده م ۷۵۲ در عصر پادشاهی ملک اشرف پسر تیمورتاش بن امیر چوپان.

○ کوی سرخاب ۲۰۳ + آذ ۴۰۰.

□ **نظام‌السلطنه اول**، حسینقلی خان مافی (۱۲۴۲-۱۳۲۶)، از ایل مافی یکی از خوشنام‌ترین و پاک‌ترین و خردمندترین دولتمردان سده‌های اخیر در ایران، که هیچ تهمت یا افتزایی را با خود حمل نمی‌کند. شاید به‌علت استخوانداری خانوادگی و دانش پژوهی و فرهنگ‌پروری بی‌اندازه‌اش. وی در انجام فرایض مذهبی کوشا بود و در سیاست غرور و شخصیت ملی و مذهبی خود را نشان می‌داد و ضمناً ادیب و خوشنویس بود، فارسی و عربی و منطق و فقه و اصول را آموخته بود و نقشه‌برداری و جغرافیا را در دارالفنون یاد گرفته و مردی به‌تمام معنا ایران‌شناس و ایران‌دوست بود. مهمترین خدمت وی تنظیم امور گمرکات جنوب بود و زندگیش نشیب و فراز بسیار داشت و در حکومت بختیاری با عمال انگلیس مقابله نمود و تا به‌جایی ترقی کرد که به‌ریاست و صدارت کشور نائل شد. سرانجام پنج ماه پس از مرگ تنها پسرش حسین خان؛ در ۲۲ سالگی از جهان رفت و در امامزاده عبدالله آرامگاه خانوادگی به‌خاک سپرده شد.

○ رج ۴۵۵ + رهبر ۹/۲.

□ **نظام‌السلطنه دوم**، رضاقلی خان (۱۲۴۶ خ - ۱۳۰۳ خ) برادرزاده حسینقلی خان و پسر برهان‌الدوله حیدرقلی خان. میر پنج کشیک‌خانه سلطنتی وی از ۱۲۹۵ بیگلربیگی و رییس دیوان عدالت بود. حیدرقلی خان برادر کوچک

تا آبادان به ایشان مراجعه کردم و در نهایت لطف به بنده در این باب کمک فرمود و تصویری از نظام السلطنه اول به من داد که در آن کتاب گنجانده شده است.

○ رهبر ۲۱۸ + ر.ج.

□ نظام العلماء حاج سید عبدالعزیز وزیر غروی، (۱۳۰۱-۱۳۹۶) فرزند حاج میرزا محمدحسین مدرسه‌ای نظنزی عالم روحانی مؤسس و مدیر اولین مدرسه جدید در نظنز که در سال نخست جنگ جهانی اول بر مبنای یک نقشه جهان‌نما به زبان فرانسه اولین کره جغرافیایی جدید را در ایران ساخت و به تدوین چند کتاب جغرافیا مبادرت کرد که همانند چند اثر تاریخی دینی وی طبع و نشر نشده، پدر نویسنده و مدفون در امامزاده یحیی مزدآباد نظنز.\*

□ نظام الملک طوسی، خواجه، معروفترین وزیر ایران در سراسر تاریخ اسلامی که مدت سی سال وزارت آلب ارسلان و ملک‌شاه سلجوقی را داشت و امپراتوری وسیعی را بر الگوی دولتهای ساسانی و عباسی در ایران بزرگ تأسیس و اداره کرد و سرانجام در ۴۸۵ توسط یک فدایی اسماعیلی در نزدیک نهاوند کشته شد. اثر ادبی مهم وی سیرالملوک یا سیاست‌نامه است که دستورالعمل حکومتگری اسلامی است. آرامگاه وی در اصفهان است در محله دارالبطیخ بنای آل بویه سلجوقی.

○ معماری ۷۷/۲ + ۱۰۵. + انجمن ۱۹ + آص ۷۸۹ + تان (۲۳).

□ نظام الملک نوری، عبدالوهاب‌خان نوه میرزا آقاخان نوری از دولتمردان عصر ناصری پای چنار گلندوک.

نظام السلطنه اول بود و چون در ۱۲۹۹ در روستای جرنندق قزوین مقیم و منزوی شد، سرپرستی رضاقلی‌خان را به حسینقلی‌خان واگذار کرد و آن عمو از برادرزاده مردی را ساخت که الحق جانشین امین و مطمئن وی شد. اگرچه در آغاز رضاقلی‌خان چون سایه دنبال عمو بود، اما به تدریج توانست از رجال صدیق و وطن‌پرست گردد که همانندش در تاریخ سده‌های اخیر بسیار کمیاب است. وی نیز مانند حسینقلی‌خان مردی دانشمند و ادیب و خوشنویس بود و تا مقام ریاست وزرا ترقی کرد. نظام السلطنه دوم از ۱۳۱۰ خ خانه‌نشین شد و سرانجام شب جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۰۳ به رحمت خدا رفت و در آرامگاه خانوادگی خود در امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.

○ ر.ج ۳۱/۲ + رهبر ۲۱۱/۲.

□ نظام السلطنه سوم، محمدعلی‌خان مافی، فرزند ارشد رضاقلی‌خان که پس از تحصیل ادبیات و علوم قدیمه و عربی در تهران، در ژنو و لنینگراد تا درجهٔ دکترا به تحصیل حقوق پرداخت و پس از مراجعت به ایران در خدمت پدر بود و مدتی وزیر خارجه وی شد. در عصر حکومت پهلوی اول خانه‌نشین شد و پس از آن در ۱۳۲۷ در کابینه هژیر وزیر دادگستری گردید. میرزا محمدعلی‌خان چند دوره وکیل و سه دوره سناتور انتصابی و انتخابی شد و سرانجام در پنجم آبان ماه ۱۳۵۸ در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله در آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد. مرحوم نظام السلطنه مردی متواضع و فرهنگ‌دوست و بسیار خوش‌زبان و مهربان بود و من در هنگام دبیری در آبادان برای تهیه کتاب کوچک از شوشتر



○ رج ۲/۲۲۳ + تصویر در ایران و جنگ بزرگ ۱۴۰.

□ **نظامی گنجوی**، نظام‌الدین الیاس فرزند یوسف، یکی از معروفترین شاعران زبان فارسی، زاده شده در گنجه (که بعد از انقلاب ۱۹۱۷، هاکیرآباد نام گرفت) به سال ۵۴۰. برخی نیز وی را از روستای تا نزدیک تفرش دانسته‌اند. از وی آثار مهمی برجای مانده است که از همه مهمتر خمسه یا پنج گنج است. تاریخ مرگ او درست معلوم نیست از ۵۷۶ تا ۶۰۶، آرامگاهش در گنجه آذربایجان است.

○ تا ن ۱۰۴ + تا در ۷۹۸/۲.

□ **نظامی گنجوی**، در شهر گنجه که در عصر روسها الیزابت پُل یا یلیزابت پُل شده بود با این هویت: شیخ نظامی گنجملی ایلیاس یوسف اوغلی به خط روسی و زبان ترکی، این نظر استاد باستانی است اما خط روسی نیست و لاتین است و یادگار آن دوران کوتاه حکومت خودمختار آذربایجان پیش از تسلط بلشویکها، عصر تسلط بریتانیا و عواملشان است در قفقاز.

○ شاهنامه آخرش ۹۵.

□ (مدفن) **نظامی**، میرعباس میرباقرزاده.

○ فم ۴/۴۱۶.

□ **نظیری نیشابوری**، حاج ملامحمدحسین از معروفترین غزل‌سرایان دربار اکبر در هندوستان بوده است که در جوانی از نیشابور به آن دیار سفر کرد. نظیری در آخر عمر به حج رفت و پس از بازگشت در احمدآباد گجرات ساکن شد. م ۱۰۲۳ در احمدآباد گجرات، آرامگاهش در تاج پوره احمد آباد است که زیارتگاه شد. وی در دربار اکبر تخلص نظیری داشت و چون نظیری دیگری هم

در آن زمان در هند بود با پرداخت ۱۰۰۰ روپیه رقیب را مجبور ساخت که تخلص خود را نظیر کند و وی نظیری بماند.

○ تا ن ۴۲۹.

□ **نعمت‌الله ولی** ← آرامگاه شاه نعمت‌الله.

□ **نعیم، عزیزالله (حاجی)**، رئیس یهودیان تهران که با مسلمانها خیلی گرم می‌گرفت و دو روز پیش از فوت خودش برای آقاسیدابوالحسن صدراصفهانی مجلس ختم در معبد یهودیان گذاشت. نعیم در ۲۴ آبان ۱۳۲۵ مرد.

○ یا ق ۲۵۴ + مدفون در قبرستان یهودیان تهران + ت نفیسی.

□ **نقاره خانه**، برج نقاره‌خانه ← آرامگاه اینانج.

□ **نقوی ونکی**، سیدمحمد، عالم و روحانی بزرگ طرفدار شهید شیخ فضل‌الله م ۱۳۵۲ رواق حضرت موسی مبرق قم.

○ ز ۲/۲۷۵.

□ **نوائی** ← آرامگاه امیرعلیشیر نوائی.

□ **نواب شیرازی**، حاجی اکبر یا علی اکبر متولد ۱۱۸۷ در شیراز مجتهد و ادیب و شاعر. م ۱۲۶۳، شیراز امامزاده سیدمیر محمد.

○ رج ۶/۱۶۶.

□ **نواب مصمصام‌الدوله**، شاهنواز خان (۱۱۷۱-۱۱۷۱) شاعر و مؤلف مآثرالامرا اورنگ آباد آرامگاه خانوادگی.

○ فک مؤلفان ۲/۳۹۹.

□ **نواب عضدالدوله**، جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجو مؤلف فرهنگ جهانگیری م ۱۰۳۵ آگرا.

○ تا ن ۳۹۷.

□ **نورالدین ولی**، صوفی مقیم کشمیر معروف

- تا ۵۷۰.
- فیروز میرزا محمدتقی مشهور به حجت الاسلام پسر دؤم ملا محمد ممقانی متولد ۱۲۴۸ در تبریز. م ۱۳۱۲ در تبریز. مدفون در نجف.
- رج ۳/۳۲۵.
- نیرالدوله، پرویز میرزا، پسر پنجاه و سوم فتحعلی شاه، حکمران برخی شهرهای خراسان. م ۱۳۰۵ حرم مطهر حضرت رضا(ع)، مشهد.
- رج ۲۰۱.
- نیرالسلطان نوایی، مصطفی خان پسر حسن خان، در ۱۳۰۰ خ در دولت قوام وزیر فواید عامه بود. م ۱۳۲۰ خ قم صحن امین السلطان.
- رج ۳/۳۴۸.
- نیریزی، سیداحمد، خوشنویس معروف قرن دوازدهم. محله سادات نیری در جنوب امامزاده میرشهاب الدین احمد، آغاز ساختن آرامگاه جدید در ۱۳۵۴.
- کارنامه ۶۲۶.
- نیشابوری، لطف الله، از شاعران سده هشتم مقیم نیشابور و مُعاصر و مداح امیر تیمور و پسرش میرانشاه، م ۸۱۰ یا ۸۱۶ در قریه اسفیرس که امروز قدمگاه نام دارد.
- تان ۲۱۰.
- نیشابوری، سلیم خوشنویس، اصلاً حبشی، مقیم مشهد، م ۹۹۰ مشهد.
- خوش ۲۸۳.
- نیما یوشیج، در تهران بود در سال ۱۳۷۲ به یوش زادگاهش در نور برده شد.
- روزنامه‌ها و صدا و سیما.\*
- به‌ریشی و مؤسس سلسله ریشیه در کشمیر، متولد ۷۷۹ فوت ۸۴۳ مدفون در چرار شریف کشمیر، معاصر با سلطان زین‌العابدین.
- هنر و مردم ۷۳ بهمن و اسفند ۱۳۵۰.
- نورالله اصفهانی، حاج آقا ← آرامگاه حاج آقانورالله.
- نورعلیشاه، حاجی علی، پسر بزرگ سلطانعلی گنابادی زاده شده در ۱۲۸۸ در بیدخت. در ۲۶ سالگی خلیفه پدر شد و در ۳۹ سالگی جانشین وی، در ۱۳۲۷ مسموم شد و در امامزاده حمزه جنب حضرت عبدالعظیم مقبره طاووس العرفا محمدکاظم اصفهانی به خاک سپرده شد.
- رج ۵/۱۶۱.
- نوری، آخوند ملاعلی، فرزند جمشید مازندرانی عالم روحانی و شاعر مقیم اصفهان. م ۱۲۴۶، نجف.
- رج ۶/۱۵۵.
- نوری، حاج شیخ عبدالنبی از عالمان و روحانیان نامدار تهران. م ۱۳۴۴ مدفون در آرامگاه ناصرالدین شاه.
- تاریخچه ۷۹.
- نوری، میرزا مهدی ← آرامگاه میرزامهدی نوری.
- نوری اصفهانی، حاج میرزا محمدتقی، م ۱۳۲۹ تکیه بابارکن‌الدین تخت فولاد اصفهان.
- رج ۳۱۷.
- نویدی کلنگ، از مردم بلخ شاعر لطیفه‌سرای، م ۹۷۰ آرامگاهش در بازارچه بلخ در مشرق مزار مولانا محمدامین زاهد.

## ۹

## از آرامگاه و آرامگاهسازی در ایران تا آرامگاه هاتف اصفهانی

کارگردانی قرارداد ۱۹۱۹ دچار ورشکستگی سیاسی شد، اگر چه در عصر پهلوی اول نیز یک بار وزیر شد و دو دوره بر وکالت مجلس رسید. آخرین سمت مهم وی ریاست فرهنگستان بود در بدو تأسیس که در آن هم دوام و بقایی حاصل نشد و به واسطه انتقاد از رژیم در لفافه، ناگزیر شد که از ایران برود. از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۱ در پاریس ماند و پس از بازگشت به ایران نیز موقعیتی نصیب وی نشد و در ملک خود در خاور تهران به نام سلیمانیه منزوی بود، تا اینکه در بهمن ۱۳۲۹ مرد و در آرامگاه خانوادگی در قم، حضرت معصومه به خاک سپرده شد. گرفتن شناسنامه در زمان وی و به استکار نصرت الدوله معمول شد و اولین شناسنامه به نام خود وی صادر شد.

○ رهبر ۴۵۱ + رج ۳۵۲.

□ **وجیه الله میرزا**، زاده شده در ۱۲۷۱ پسر احمد میرزا معروف به مجهول پسر چهل و هشتم فتحعلی شاه، از رجال بدنام عصر قاجاریه. باغ سپهسالار به نام وی است که می خواست در آن بیمارستان بسازد ولی بیمارستان را در یوسف آباد ساخت. احمد میرزا در سال ۱۳۲۲ با ۵۱ سال سن در تهران مُرد. باغ جیران حضرت عبدالعظیم آرامگاه اختصاصی.

○ رج ۴۰۵/۴ + رجال ناصری ۸۳.

□ **وحدت کرمانشاهی**، طهماسب قلی پسر رستم (۱۲۴۱-۱۳۱۱) شاعر. ابن بابویه شهر ری.

□ **آرامگاه و آرامگاهسازی در ایران**، با ظهور صفویه دچار انحطاط شد اما اثرات این سبک معماری در همین عصر به خارج از فلات ایران راه یافت و قلمرو امپراطوری عثمانی و پهنه گسترده شبه قاره هند جولانگاه این سبک معماری شد. ○ معماری ۲۵.

□ **واعظ کاشفی** ← آرامگاه کاشفی.

□ **واعظ کجوری**، حاج ملا محمد باقر، واعظ و فاضل معروف و محبوب در عصر ناصری. م ۱۳۱۳، مشهد آرامگاه شیخ بهایی. ○ فک مؤلفان ۱۶/۲.

□ **واعظ همدانی**، حاج میرزا، خطیب و نویسنده. م ۱۳۵۰ تهران حضرت عبدالعظیم. ○ یاق ۱۸۵/۸.

□ **واله**، آقا محمد کاظم شاعر و خوشنویس. م ۱۲۲۹ اصفهان خیابان فیض تکیه والهیه. ○ آص ۸۶۱ + ل ۲۷۹۸ + خوش ۲۶۵.

□ **والی** ← آرامگاه قاسم خان والی.

□ **وثوق الدوله**، میرزا حسن خان وثوق، فرزند میرزا ابراهیم خان معتمد السلطنه فرزند میرزا محمدخان قوام الدوله آشتیانی از مستوفیان دوران ناصری بوده است. میرزا حسن خان در ربیع اول ۱۲۹۲ در تهران زاده شد، مادرش خواهر میرزا علی خان امین الدوله بود. وثوق الدوله با تحصیلات خوبی که کرد موفق شد که به مقامات عالی و صدارت برسد و سرانجام با قبول

○ تاضف ۱۹۴.

□ **وحشی بافتی**، تا قصر فتحعلی شاه در یزد، برج پنج، اکنون نامعلوم، از وی بنای یادبودی در پارک شهر یزد وجود دارد.

○ ی ۶۱ + در ۹۹۱.

□ **وحید دستگردی اصفهانی**، تهران امامزاده عبدالله.

○ تاج ۱۳۵.

□ **وزیر**، میرزا عیسی تفرشی ← آرامگاه میرزاعیسی وزیر.

□ **وزیر**، میرزا موسی مستوفی تفرشی، زاده شده در ۱۱۹۸، پدر میرزا عیسی. وی در ۱۲۸۲ در ۸۴ سالگی در تهران مرد و در کربلا، مشرق صحن حضرت امام حسین (ع) در مقبره وسیع و مجللی که خود بنا کرده بود دفن شد.

○ رج ۱۶۴/۴.

□ **وزیر نظام**، میرزا حسن خان برادر کهنتر میرزا تقی خان، نایب وزیر نظام در عصر وزیر نظامی برادرش و وزیر نظام در عصر صدارت برادر، مأمور اجرای حکم اعدام باب و از سرکردگان قوای دولتی در جنگهای زنجان با بابی ها. م ۱۳۷۶ در اراک، مدفون در کربلا نزد برادر.

○ رج ۳۵۳.

□ **وصاف**، مؤلف تاریخ وصاف در قبرستان شمالی آرامگاه حافظ م. یکتایی.

○ ا ق ۳۸۴.

□ (خاندان) **وصال**، شیراز بقعه سید میراحمد، حضرت شاه چراغ \*.

□ **وصال**، محمد شفیع (۱۱۹۷-۱۲۶۳) مشهور به میرزا کوچک، فرزند محمد اسماعیل که در شیراز زاده شد، شاعر و هنرمند. شش پسر وی نیز

همه هنرمند و شاعر و خوشنویس بودند. وصال در شیراز درگذشت و در بقعه سید میراحمد نزدیک گور مرشدش میرزا ابوالقاسم سکوت به خاک سپرده شد.

○ رج ۲۳۸/۶ + سبک شعر در عصر قاجاریه + از صبا ۳۲.

□ **وفایی**، شیخ زین الدین خوافی - شاعری که نخست در خدمت بابر بود و مقام صدارت داشت و در آگره مدرسه و مسجد ساخت. م ۹۴۰، در مدرسه خود وی به خاک سپرده شده.

○ تان ۴۱۱.

□ **وقار**، احمد فرزند میرزا کوچک وصال (۱۲۳۲-۱۲۹۸)، عالم و حکیم و خوشنویس که سفری به هند نیز رفت و در شیراز فوت کرد و در جوار سید میراحمد شاه چراغ در آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد.

○ فک مؤلفان ۴۹۳ + تا صنف ۱۰۳.

□ **وقایع تکار خورموجی** ← آرامگاه محمد جعفر خورموجی.

□ **وکیل**، سید هاشم، متولد ۱۲۶۵ در قم، وکیل دعاوی و دولتمرد متمول و وکیل مجلس، فوت در ۸۳ سالگی ۳۰ خرداد ۱۳۴۸، در تهران، امامزاده حمزه.

○ رج ۳۲۸/۵.

□ **وکیل الملک** ← آرامگاه عبدالحسین خان.

□ **وکیل لشکر**، میرزا مصطفی لشکرنویس که بعدها امیرالدوله هم شد. م ۱۲۸۰ کربلا، حرم حضرت امام حسین (ع).

○ رج ۲۲۰/۵.

□ **ولی الله خان نصر**، دکتر - فرزند نصیرالاطبا کاشانی (۱۲۵۵-۱۳۲۴ خ) فارغ التحصیل طب از

مجاهد پسر زید، نواده حضرت سیدالشهدا (ع) مدفون اند.  
○ آذ ۴۶۰.

□ ویس، محمدامین اویسی یا میربابا فرزند سیدحسین بهمنی برادرزن زین العابدین سلطان کشمیر، سده نهم. دولتمرد و شاعر پارسی‌سرای کشمیر آرامگاه وی در محله عالی کدل کنار رود جهلم در سری‌نگر است.  
○ پارسی کشمیر ۱ با تصویر.

دارالفنون، فرهنگی و هنرشناس که در پیاده‌رو زیر دوچرخه رفت و چندماه بعد مرد. امامزاده عبدالله، شهر ری.

○ رج ۳۲۵/۵ با تصویر.  
□ ولی قلندر، مولانا - از شاعران خراسان در سده نهم. م ۸۹۶ مدفون در شیراز.  
○ تان ۲۰۶.

□ وهسودان و مملان، مقبره امیر وهسودان و امیرمملان سرداران عصر قائم که در مرقد علی بن

## ۵

### از آرامگاه هاتف اصفهانی تا آرامگاه یوسف گردیزی

○ کارنامه ۶۵۷.

□ هاتفی جامی، مولانا عبدالله از شاعران نامی اواخر سده نهم خواهرزاده عبدالرحمن جامی مدفون در باغ خودش در خرجود خراسان قوت محرم ۹۲۷.

○ تان ۳۱۴.

□ ها در دایره المعارف تشیع، یا بیش از هزار آستانه و آرامگاه و بقعه و مزار بیش از هر منبع دیگر.

○ د ت ۲۳.

□ هادی تهرانی (شیخ)، اصولی معروف. م ۱۳۲۱ نجف.

○ یا ق ۲۶۰ + ذریعه ۱۲۲.

□ هادی نجم آبادی - آرامگاه آقا شیخ هادی نجم آبادی.

□ هادی و مهدی جمکران قم، قاجاریه.

○ معماری ۷۹/۲.

□ هارون الرشید عباسی، سناباد در طوس

□ هامقاله، از ربرت هیلمن ترجمه کرامت‌الله افسر. ○ معماری ۲۳ (عنوان اصلی مقاله مقابر است).  
□ هاتف اصفهانی، سیداحمد که اصالتاً اردوبادی است و پدر زنش از آذربایجان به اصفهان آمده ساکن شده‌اند و وی در نیمه اول سده دوازدهم در اصفهان به دنیا آمده است. هاتف از شاگردان و از پیشگامان نهضت ادبی بوده است و دیوانش حدود ۲۰۰۰ بیت است. سید احمد هاتف بیشتر در شهرهای اصفهان و کاشان بسر می‌برد و در سال ۱۲۲۳ در قم به رحمت خدا رفت و به خاک سپرده شد.

○ اقبال، عباس ۳۱۳ + م ۱۱۹۸ قم صحن حضرت معصومه. آص ۱۸۰.

□ هاتفی، حاج شیخ هادی هادی عالم و مجتهد معروف بیرجند متولد ۱۲۷۷ در گورستان عمومی بیرجند، آغاز تعمیرات ۱۳۵۴.

- خراسان ۱۹۲.
- التنبیه ۳۲۷.
- هارون فرزند موسی بن جعفر یا امامزاده پنجه شاه، در کاشان، سلجوقی.
- چهره ایران ۱۱۴.
- هارون، ولایت در اصفهان نزدیک منار مسجدعلی، آرامگاه هارون ولایت را مسلمانان و مسیحیان و یهودیان از خود می‌دانند و تاکنون درست معلوم نشده که این هارون چه کسی است قدیمترین تاریخ موجود در بنا ۹۱۸ است و به احتمال قوی بنا روی گور یکی از پسران حضرت امام موسی کاظم بنا شده است، اصفهان میدان کهنه.
- آثار ایران ۲۴۶/۴ و آثار ۶۳/۱-۲ + آص ۷۷۷ + معماری ۹۰/۲ + هنر ۴۷۸/۸.
- هارونیه، تقلیدی استوار از گنبد و بارگاه سنجر در آسیای مرکزی، منسوب به غزالی واقع در طوس.
- ایران یک ۱۵۰ + معماری ۸۹/۲ و ۱۳۰.
- هارونیه، بقعه هارونیه. مولوی، عبدالحمید.
- نم ۲۳۵/۴.
- ها و بناهای یادبود کشتگان راه آزادی در تبریز.
- آذ ۱۸۴.
- ها و خانقاهها و برجها و مناره‌های تاریخی، (دوران اسلامی) در ایران که تاکنون مورد اطلاع است. جمعا ۷۱ بنا.
- آط ۳۳۲.
- ها و دخمه‌های سنگی، در نواحی سیراف، دره سیر و دره شیلو، گورستانهای متعدد حاوی دخمه‌های سنگی.
- سیراف ۱۱۴ و تصویرهای شماره ۴۶ تا ۵۵.
- ها و طرحهای مقایسه‌ای آنها،
- معماری ۳۶.
- ها و قبور هفت تپه، دکتر عزت‌الله نگهبان.
- فرهنگ ایران زمین ۲۶.
- ها و مقبره‌های مهم در ایران،
- تا مهندسی ۱۸۰.
- ها و مقبره‌هایی که در اصفهان وجود داشته و اکنون از میان رفته و اسمی از آن باقی است.
- آص ۱۹.
- ها و مقبره‌ها و مزارات نیشابور از قرار نوشته ابو عبدالله الحاکم در کتاب مشایخ نیشابور.
- آخ ۱۲۸.
- های اسماعیل آقا قلعه‌سی در ارومیه، قریه اسماعیل آقا، صفویه.
- معماری ۸۴.
- های اسماعیل آباد، قزوین.
- آق ۱۶ و ۲۴.
- های اشکانی، در جاده هروآباد اردبیل که مورد دستبرد قرار گرفته است.
- آذ ۵۱۹/۲ و ۳۵۶.
- های اشکانی، در جاده هروآباد اردبیل که مورد دستبرد قرار گرفته است.
- آذ ۵۱۹/۲ و ۳۵۶.
- های اقصاب، و عارفان مدفون در طالش را تربی که مخفف تربت است می‌گویند. از تربی امام سلطان محمودشاه دینوری تا تربی سیدنیکی.
- آس ۳۹ تا ۴۸.
- های انفرادی، و دسته‌جمعی اشکانیان با تصویرها.
- ری ۳۷۰.
- های باستانی، در نزدیکی بندر طاهری و در

شمال غربی آن، گورهای کنده شده در سنگ که چون دارای جهت شرقی غربی است متعلق به مسلمان است.

○ ا ق ۴۸۱.

□ **های باستانی ری**، بر مبنای سستهای گوناگون، زرتشتی، اشکانی، ساسانی و اسلامی که در اعصار پیش از اسلامی بر مبنای نهادن در دخمه سرپوشیده یا باز بوده و در قسمت اسلامی دفن در گورهای انفرادی.

○ ری ۳۶۶.

□ **های باستانی در دهستان**، کلخوران اردبیل.

○ آ ذ ۳۳۸/۲.

□ **های باستانی**، در کوهستان جزیره خارگ.

○ ا ق ۱۴۶ مصور و ۳۲۲.

□ **های باستانی**، در کوهستان خفر فارس.

○ ا ق ۸۶.

□ **های بزرگان**، خانقاهها.

○ آ ط ۴۳۷.

□ **های بزرگان**، در کازرون.

○ آ ق ۱۱۰.

□ **های پادشاهان ساسانی**، در ری و حوالی آن، نویسنده ری باستان نوشته است که از میان شاهان ساسانی، استخوان هرمز پسر یزدگرد دوم و سه تن از خاندان او در ری نهاده شده است و پس از بحث در باب روایات عربی درباره این آرامگاهها می نویسد: آیا نمی توان دخمه هرمز و خاندان وی را همان آرامگاه بی بی شهربانو دانست. روایتی نیز هست که محل فوت و دفن قباد را ری می نویسد.

○ ری ۳۸۰.

□ **های پالمیرایی**، در جزیره خارگ، به علت اینکه خارگ سر راه کشتیهای اجاره ای متعلق به پالمیرها

قرار داشت این ترتیب آرامگاه سازی در این جزیره معمول شده و دو دخمه بزرگ آن فعلاً موجود است که در یکی نقش مردی خوابیده را ارائه می کند.

○ آ ش ۸۵۵.

□ **های تاریخی در حومه اصفهان**، ۱۲ بنا.

○ آ ص ۸۱۴.

□ **های تبریز**، مقابر تبریز.

○ آ ذ ۳۹۱.

□ **های جلکون**، در گتوند شوشتر، بقعه های علی ولی و قنبر علی و چند آرامگاه دیگر.

○ د ش ۷۶۷.

□ **های چغازنبیل**، در هفت تپه خوزستان، در زیگورات چغازنبیل آثاری دال بر آرامگاه بودن به دست آمده و دیودور سیسیلی هم در کتابش از آرامگاه شوهر ملکه سمیرامیس نام برده است، احتمالاً این بنا معبد آرامگاه است.

○ د ش ۱۶۴.

□ **های خارگ**، مقبره های خارگ به نامهای: میر محمد حنفیه، نک زن، ابوبکر، علمدار، دیده بان و دودخمه کنده شده در سنگ.

○ خارگ ۱۳۱.

□ **های خارگ**، گورستانهای گوناگون از اقوام مختلف در ادوار تاریخی و پیش از آن.

○ خارگ ۱۳۱.

□ **های خرقان**، برجهای دوگانه در یک کیلومتری آبادی حصار قوشه امام یا حصار ارمنی، یکی از برجها از برج دیگر قدیم تر است، هر دو از قرن پنجم، آجری با تزئینات داخلی و نوشته ها.

○ آ ق ۳۱۵ + ایران یک ۸۲..

□ **های دزفول**، در کتاب اشعار محلی خوزستان

چاپ ۱۳۴۹ بالهجه محلی دزفولی، تألیف  
ملا محمد تقی ناهیدی دزفولی.

○ د ش ۴۵۴.

□ **های دسته‌جمعی نطنز**، دخمه زیر رواق  
سیدواقف.

○ ت حاج سید عبدالحمید اعظم واقفی

□ **های دورافتاده**، از آبادیهای خرقان، یادآور  
تأثیر و نفوذ خاکسپاری ترکان آسیای مرکزی  
است.

○ معماری ۲۷.

□ **های دوران اسلامی**،

○ آ ط ۳۳۲.

□ **دوگانه رامند قزوین**، امامزاده صالح و امامزاده  
سلیمان از سده ششم.

○ آ ق ۳۸۱.

□ **های دیلمیان**، در ری و وجود پارچه‌های  
زربفت در این آرامگاهها، از جمله پارچه‌های با  
نقش انسانی که بال دارد و به‌روی عقابی سوار  
به آسمان می‌رود، بسیار پرمعناست.

○ ری ۳۷۵ + آ ط ۱۳۹۱.

□ **های دیواری**، در جزیره خارگ،

○ خارگ تصویر ۱۲.

□ **های زردشتی**، در اطراف سیوند فارس،  
استودانها با نوشته‌های پهلوی. استودانها محل  
سپردن استخوان مرده‌ها بوده است.

○ آ ق ۱۷.

□ **های ساسانی**، استودانهای زرتشتی در اقلید.

○ آ ق ۲.

□ **های سلجوقیان** در ری، در اطراف برج  
نقاره‌خانه.

○ آ ط ۱۳۹.

□ **های سنگی**، شاه‌کوه

○ آ ق ۲۴۷ در شاه‌کوه در آن سوی شاهرود  
تصویرها سیراف. + سیراف.

□ **های سنگی جزیره خارک**، احتمالاً از اواخر  
عصر ساسانی و شاید پس از این، در گور مردان  
چیزی نهاده نشده بوده ولی در گور زنان  
شیشه‌های عطر و اشیای تزئینی ارزان‌قیمت یافت  
شده است.

○ آ ش ۸۷۱ + خارک ۷۳ و ۷۴.

□ **های سنگی سیراف**،

○ آ ش ۲۵۳.

□ **های سنگی سیراف** و مقایسه آن با انواع مشابه  
آن در سواحل خلیج فارس و مقایسه با انواع  
مشابه در میمند و تخت جمشید.

○ سیراف ۱۱۷ و ۱۷۳.

□ **های سنگی عظیم**، در بلندیه‌های شمالی دره لیل  
سیراف.

○ آ ش ۳۷۳.

□ **های سنگی کلخوران اردبیل**.

○ آ ذ ۳۳۰/۲.

□ **های سنگی** (برجهای سنگی)، شمیران  
سفیدرود و رابطه آن با بنای استودانهای ساسانی،  
پرویز ورجاوند مجله باستان‌شناسی و هنر  
تابستان ۱۳۴۸.

○ آ ق ۱۲۹.

□ **های سنگی سیراف** و مقایسه آن، انواع مشابه  
در میمند و تخت جمشید.

○ سیراف ۱۷۳.

□ **های شادوار سمرقند**، مزارات عده‌ای از  
اولیاءالله از جمله خواجه زکریا، خواجه ابوالقاسم  
تبریزی، سید نعمت‌الله ولی تبریزی و عده‌ای



دیگر، شاددار در هفت فرسنگی سمرقند است.

○ قندیه ۱۳۹.

□ **های شاهان پس از اسلام در ری**، مرداویج

زیاری، فخرالدوله دیلمی و پسرش مجدالدوله،

طغرل اول سلجوقی و طغرل سوم از قرار نوشته

ابن اثیر.

○ ری ۳۸۲.

□ **های شخصیت‌های بزرگ اسلامی در ری** با

نقشه.

○ ری ۳۸۳.

□ **های شوستر**، مقابر شوستر از ایلامی و

زرتشتی و ساسانی و اسلامی.

○ د ش ۸۰۶.

□ **های عارفان** در بنیس، قریه‌ای واقع میان سپس

و شبستر.

○ آذ ۵۳۴.

□ **های عارفان**، شادباد مشایخ، در قریه شادباد

شش کیلومتری جنوب شرقی تبریز.

○ آذ ۶۱۹.

□ **های عارفان بزرگ در شیراز**، سعدی فرماید:

«هزار پیرو ولی خفته‌اند در شیراز

که کعبه بر سر ایشان همی کند پرواز»

○ اق ۷۰.

□ **های عارفان در شیراز**، در شیرازنامه ابوالعباس

احمدبن ابوالخیر زرکوب شیرازی قرن هشتم،

به‌کوشش بهمن کریمی، تهران، ۱۳۱۰.

□ **های عارفان در کازرون**، بقعه‌ها.

○ اق ۳۸۹.

□ **های عارفان در کجبال**، سردرود بخش اسکو.

○ آذ ۵۹۳.

□ **های عارفان**، گورستان مشایخ در روستای

اورنق، سردرود اسکو.

○ آذ ۶۰۸.

□ **های عارفان**، در مزارهای سمرقند از جمله:

ابونصر قصاب، امیر خراسان، خواجه ابوالحسن،

خواجه محمد سنگ‌رسان.

○ سمریه ۱۶۷.

□ **های (مزارات)**، عده‌ای از صلحا و عرفای

آسیای مرکزی در سمرقند از جمله درویش خان،

یعقوب ابوليث، مولانا درویش، خواجه اولیا،

سید عاشق مولانا ابوالمکارم، خواجه رضی،

ابوالفضل بلخی ره، خواجه دانیال، خواجه

مرغان، خواجه احرار، خواجه خواجه‌گان،

ابوطالب سرمست، حضرت غوث، خواجه کوهک.

○ سمریه ۱۷۸-۱۹۹.

□ **های عزیزان**، قبرستانهای عزیزان در سمرقند.

○ قندیه ۳۰.

□ **های عقیلی**، بقعه‌های واقع در بلوک عقیلی

شوستر: علی‌سماله، سیدسعید و بشران.

○ د ش ۷۷۲.

□ **های قدیمی**، در میان آب شوستر، بقعه‌های

علی حسین، شعیب نبی، چارگاهو امیرالمؤمنین.

○ د س ۸۰۵.

□ **های قدیمی نور**، گورستانهای قدیمی در

کوهستان نور.

○ آس ۲۴۶/۳.

□ **های قدیمی داودختر**، (مادر و دختر) در

ممسنی.

○ اق ۱۳۸.

□ **های قدیمی دسته‌جمعی**، در گورهای گرد،

بیضی و چهارگوش کلارستان مازندران بر سر

ته‌ای نزدیک گرمابک بیرون بشم.

- آس ۱۱۹/۳.  
 □ های قم (مقبره های قم)،  
 ○ معماری ایلخانی ۱۲۵.  
 □ های قم، سه بنای مشابه به نام گنبد سبز  
 به صورت برجهای هشت ضلعی، مدفن  
 شخصیت‌های مهم با گچ‌بری و تزیینات خوب که  
 گنبد یکی از آنها فرو ریخته است.  
 ○ آط ۴۳۸.  
 □ های کشتگان خاندان ابوطالب،  
 ○ التنبیه ۲۷۴.  
 □ های کشف شده، در تپه موشه لائل اسماعیل  
 آباد.  
 ○ آق ۱۵.  
 □ های کشف شده، در خورون قزوين.  
 ○ آق ۲۴.  
 □ های (گورستانهای)، مانده از دوران اسلامی که  
 ویرانه شده فقط نام و محل آنها موجود است ۱۹  
 مورد در اصفهان.  
 ○ آص ۱۲۴.  
 □ های محمد بن موسی کاظم، و خواهرش  
 حدیده خاتون در خرقان قزوين، یک کیلومتری  
 حصار ارمنی یا قوشه امام. احتمالاً از عصر آل  
 بویه.  
 ○ آق ۳۱۵.  
 □ های مراغه، تکمیل از آندره گدار.  
 ○ آثار ۵۴/۱-۱.  
 □ های مراغه، مقاله به زبان فرانسه در آثار ایران  
 سال ۱۹۳۶.  
 □ های مشکین شهر، سنگهای افراشته.  
 ○ آذ ۴۴۹/۲.  
 □ های مربوط به سده‌های ۴ تا ۶.  
 ○ تا هنر ۲۳۴.  
 □ های موجود در ایشکیت، ماسوله.  
 ○ آس ۱۳۹.  
 □ های موجود در لرستان، که آثار مکتوبی ندارد  
 و معلوم نیست چه بر جسد های مدفون در آن  
 آرامگاهها و سنگهای قبرها آمده است.  
 ○ آل در فصول مختلف کتاب از جمله بقعه  
 مهدی صالح از قرن هشتم.  
 □ های موجود در مقبره ملاباشی، تبریز.  
 ○ آذ ۴۵۴.  
 □ های موجود در گورستان، روستای کلجاه واقع  
 در شمال غربی اسکو.  
 ○ آذ ۶۰۵.  
 □ های مهم در ری باستان، نقشه.  
 ○ ری ۳۸۲.  
 □ های نیشابور، گورستانها، ۱۶ قفره از آن جمله  
 حیره و شادباخ و عبدالله طاهر که همگی  
 معروف‌اند.  
 ○ آخ ۱۲۲.  
 □ هجده تن از سادات صفوی، در الموت،  
 قبرستان گازرخان در پانصد متری صخره الموت،  
 مجموعه‌ای که بنابر سنگ نوشته مسجد که در  
 ۸۵۳ به بعد بنا شده، نویسنده کتاب نیز آن را مقبره  
 گروهی از شاهزادگان صفوی که به امر شاه  
 اسماعیل دوم کشته شدند می‌داند.  
 ○ آق ۸۰.  
 □ هجویری، ۴۰۰-۴۸۱ و ۵۰۰، علی فرزند  
 عثمان هجویری جلایی غزنوی معروف به داتا  
 گنج بخش. در عصر غزنویان از غرنه به لاهور آمد  
 و مقیم شد، وی نویسنده نخستین تذکره فارسی  
 حاوی شرح حال عرفاست به نام

○ ث ۲۵۷ + رج ۴۵۵ + ملقب به فخرالدوله و لله باشی + رهبر ۴۴۹/۲.

□ **هدایت صادق** ← آرامگاه صادق هدایت.

□ **هدایت، علی قلی خان**، پسر بزرگ رضاقلی خان، امیرالشعرا (۱۲۴۵-۱۳۱۵) دولتمرد و فرهنگی معروف عصر ناصری، مدفون در تکیه رضاقلی خان در خیابان اسلامبول تهران.

○ رج ۴۵۹/۲

□ **هدایت، مرتضی قلی خان** ← آرامگاه ضیع الدوله.

□ **هدایت، مهدی قلی خان مخبرالسلطنه**، فرزند علی قلی خان و نوه رضاقلی خان هدایت (صاحب مجمع الفصحاء) در ۱۲۸۰ در خانه چالمیدان زاده شد و پس از احراز مقامات مهم، از جمله نخست‌وزیری طولانی، در عصر رضاشاه روز ۲۲ شهریور ۱۳۳۴ در اثر سقوط از پله در دروس مرد و در همان جا، آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد.

○ رهبر ۴۶۷/۲ + رجا ۱۸۳ + رج ۴۵۹ + رج ۱۸۴/۴.

□ **هدایت‌الله خان**، پسر حاج جمال فومنی پسر امیردباج که پس از قتل نادر، در گیلان ادعای استقلال کرد و در عصر کریم خان قدرتش افزون شد و با خاندان زند وصلت کرد. دختر وی را کریم خان برای پسر دوم خود گرفت. با قدرت یافتن آغا محمدخان کار هدایت‌الله خان مشکل شد و سرانجام در ۱۲۰۱ در جنگ میان وی و مصطفی خان دَوَلو سردار آغا محمدخان درگرفت، وی هنگامی که در کشتی عازم باکو بود لیز خورد و به دریا افتاد، بدنش را که غرق شده بود از آب گرفته در بندر انزلی دفن کردند و سرش را برای آغا

کشف‌المحجوب. اولین بار نام هُجویری در تفحات‌الانس جامی (۸۸۳) آمده است، پیش از آن نیز ذکر نام هجویری را در ملفوظات نظام‌الدین اولیاء می‌توان یافت، مزار داتا گنج بخش در لاهور است که نوسازی شده و بسیار مفرح و باصفاست. ○ میراث ۴۵۴/۲.

□ **های هخامنشی**، استودانها و دخمه‌های موجود میان کوه رحمت و صفه تخت جمشید و خیرآباد در آبادی فلانک. ○ اق ۴۳.

□ **های هزاره اول**، محتوای آن پس از حفاری، استخوانها، اغلب جسد را به پهلوی چپ می‌خوابانند، همراه با ظروف سفالینی که حاوی مواد غذایی بوده است. در پری ملایر و تپه حسنلو نمونه‌ای از این آرامگاهها را می‌توان دید. ○ سیراف ۲۴۲.

□ **هخامنشیان و ساسانیان** در نقش رستم، مجموعه.

○ انجمن ۲۳.

□ **هدایت**، تکیه رضاقلی خان در خیابان اسلامبول، جنب مسجد هدایت.\*

□ **هدایت**، آرامگاه خانوادگی در دروس.

○ رج ۴۹۵.

□ **هدایت**، کمال حسنعلی پسر حسینقلی خان فخرالدوله دولتمرد عصر پهلوی و قاجار م ۱۳۳۵ خ. در ۸۴ سالگی، تهران مدفون در آرامگاه خانوادگی خیابان اسلامبول.

○ رج ۳۵۸.

□ **هدایت رضاقلی خان**، صاحب فرهنگ انجمن آرا، مدفون در تکیه رضاقلی خان در خیابان اسلامبول تهران.

محمدخان فرستادند.

○ رج ۴/۴۲۹ و ۵/۳۲۹.

□ هرثمة بن أعین، خواجه مراد راوی.

○ د ت ۵۰.

□ هرندی، عبدالعلی، معروف به نحوی، ادیب و

عربی‌دان (۱۲۲۲-۱۳۰۶) در هرنده که در اصفهان

بخش کوهپایه واقع است، زاده شد و در اصفهان

مرد و به خاک رفت.

○ رج ۶/۱۴۲.

□ هژیو، عبدالحسین، (۱۳۲۲-۱۳۶۹) ایوان بقعه

ناصرالدین شاه، شهر ری.

○ فک مؤلفان ۲/۶۴.

□ هفت برادران - آرامگاه شیخ‌امین‌الدین جبریل.

□ هفت تن، آرامگاه هفت مبلغ بودایی که در

ترکستان شرقی کشته شدند در مشرق کاشغر.

○ سیمرخ ۷۲.

□ هفت تن، در شمال محوطه حافظیه با هفت

سنگ قبر یک شکل، آرامگاه شاه شجاع در بیرون

از باغ حافظیه در شمال غربی هفت تن.

○ اق ۵۴.

□ هفت تنان، در شیراز تخت ضرابی، زنده.

○ معماری ۸۶.

□ هفت تنان، پدی لر در سه راه چرنداب به تبریز.

آرامگاه خواجه شمس‌الدین محمد جوینی،

صدراعظم ۶۶۰ تا ۶۸۳ و پسرانش.

○ آذ ۴۶۵.

□ هفت خواهران، از فرزندان امام موسی کاظم

حوالی درب اعلی در سرخاب نزدیک باغ بیشه

تبریز. اکنون اثری از آن نیست.

○ کوی سرخاب ۱۲۴.

□ هفت شهیدان، در مسجد سلیمان روستای

هفت شهیدان، قاجاریه.

○ معماری ۸۵/۲.

□ هفت گنبد، بنایی معظم در گلبرگه دکن آرامگاه

شاهان بهمنی جنوب هند.

○ معماری هند ۷۳.

□ هفتاد و دو تن، اراک ساروق قرن ششم.

○ معماری ۸۱/۲.

□ هفده تن، با بنای صفوی در گلپایگان.

○ د س ۹۲۶ + با تاریخ ۱۰۳۲ + معماری ۹ +

آثار ایران ۱۱۸/۳ تصویر + آص ۸۹۹.

□ هفتاد ملا، در دامنه کوه تفتان، گورگروهی عالم

شیعه که در دوران صفوی به این منطقه آمده بودند.

○ سیما ۱۳۶۸/۵/۲۰.

□ همایی، استاد جلال‌الدین - متولد ۱۳ بهمن

۱۲۷۸ فوت ۲۹ تیر ۱۳۵۹ تخت فولاد اصفهان.

مزار لسان‌الارض تکیه پا قلعه‌ایها.

○ آینده + ت ادیب پرومند.

□ همام تبریزی، خواجه همام‌الدین محمد، از

شاعران سده هفتم تبریز مقبره‌الشعرا.

○ آذ ۴۰۹ + کارنامه ۶۹۲ + در ۱۱۰ سالگی در

حمام مرد. فک مؤلفان ۵/۸۸۱ + ۶۳۶-۷۱۴ تولد

وی در ۵۹۸ درست نیست + کوی سرخاب ۳۷۲.

□ همایون پادشاه در دهلی، محلّه نظام‌الدین.

همایون دومین پادشاه بابر بود که با کمک و

مساعدت شاه طهماسب صفوی تخت و تاج خود

را باز یافت، نخستین نفر بابر بود که با حمایت

نظامی شاه اسماعیل در مقابل ازبک‌ها ایستاد و

هند شمالی را گرفت همایون با کمک شاه

طهماسب سلطنت از دست رفته را باز یافت،

آرامگاه وی توسط همسرش حمیده بانو بیگم مادر

اکبر شاه جانشین وی پس از مرگش ساخته شد.

- آخ ۱۰۳، ۱۰۴ + هنر و مردم مصور اردیبهشت ۴۹ + معماری هند ۸۶ تصویر ۶۲.
- **همایون پادشاه در دهلی**، مهدی غروی هنر و مردم ۸۸ اردیبهشت ۱۳۴۹.
- **همدانی** - آرامگاه میرسید علی همدانی.
- **همسر مصری کبوجیه**، در راهرو هرم خنوپس.
- ج ۸۵۲.
- **هنگ آفرین، حسین**. (۱۲۹۳ - ۱۳۳۱ خ) از نخستین نوازندگان ویولون. مدفون در مقبره ظهیرالدوله.
- مردان موسیقی ۸۲/۲.
- **هوشنگ**، م ۱۴۴۰ م در ماندوی هند.
- معماری هند در فصل گجرات، تصویر ۴۳ ب. + هوشنگ آلب خان فرزند دلاورخان از شاهان مالوه. نخ ۴۲۱.
- **هوشیار**، دکتر محمدباقر - متولد شیراز
- ۱۲۸۳ خ تحصیل کرده آلمان استاد دانشگاه در علوم تربیتی دانشمند ملی‌گرای متعهد م ۱۳۳۶ خ. شمیران آرامگاه ظهیرالدوله.
- فک مؤلفان ۶۹/۲ + چهره‌ها ۴۰.
- **هولاکو میرزا**، ملقب به بهادرخان پسر حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه، پسرششم فتحعلی‌شاه، خوشنویس و ادیب و شاعر با تخلص عشق از ۱۲۵۰ در عتبات فراری بود و در همان جا مرد و دفن شد.
- رج ۴۳۰/۴.
- **هولاکوخان**، **هلاکوخان مغول**، درکوه‌شاهو مقابل دهنخوارقان.
- تاغ ۱۹۸ + در جزیره شاهی، در دریاچه ارومیه، قلعه آق گنبد. + آذ ۵۴۱ + و چند سردار دیگر. آس ۱۷۲ + خرابه‌های صخره سرا، قرن هفتم و نیز گور اباقاومنگو. معماری ایلخانی ۱۱۸.

## ی

### از آرامگاهی... تا آخر کتاب

- **هی** از ۴۴۰۰ تا ۴۲۰۰ قبل از میلاد در بین‌النهرین، ساختمانی کوچک برای مردگان. امروز حاوی یک اسکلت همراه با ظرف کوچکی از سنگ ماسه.
- هنر و مردم ۵۹/۸۱ تیر ۱۳۴۸.
- **هی** از دوران ایلام جدید، در ارجان بهبهان. عباس علیزاده.
- شهرها ۳۰۷/۲.
- **یاحقی**، حسین. متولد سال ۱۲۸۲ خ نوازنده ویولن و کمانچه و هنرآموز ویولن در هنرستان هنرهای زیبا. با آثاری چون برق غم، جوانی. مدفون در آرامگاه ظهیرالدوله.
- مردان موسیقی ۲۱۹.
- **یاری هروی کاتب**، قرن دهم. هرات.
- خوش ۹۶۵.
- **پیروم خان ارمنی**، که در جمادی دوم ۱۳۳۰، در جنگهای غرب ایران هنگام قیام سالارالدوله کشته شد در مدرسه ارامنه روبه‌روی پارک امین‌السلطان

□ **یزدی، مهدی ملا احمد**، روحانی خوشنویس که تمام بحارالانوار را به خط خوش نوشته و به آستان قدس تقدیم کرده م ۱۳۱۰ در جوار حضرت رضا (ع).  
○ فک مؤلفان ۴۹۸.

□ **یزید پسر معاویه**، دومین خلیفه اموی حوازین دمشق فوت در سال ۶۴ در ۳۳ سالگی.  
○ التنبیه ۲۸۳.

□ **یعقوب ارمنی**، میرزا - پدر میرزا ملکم خان که در لندن درگذشت م ۱۳۰۰ چون ملکم ادعای مسلمانی و شیعی گری داشت وی را در گورستان ایرانیان به آداب مسلمانان دفن و دور قبرش نرده ای نصب کردند.

○ رج ۴۷۵/۴.  
□ **یعقوب چرخ**، عارف سده نهم در کالخور لبنین در ۵ کیلومتری شهر دوشنبه مرکز تاجیکستان در وادی چغانیان.  
○ تان ۷۷۸.

□ **یعقوب لیث صفاری**، روایت های گوناگون. به احتمال قوی بقعه شاه ابوالقاسم در سمت راست جاده دزفول به شوشتر، در دوازده کیلومتری جاده خاکی، پس از عبور از آبادی که در آن بقعه پیر یادغیب وجود دارد.

○ د ش ۳۳۷ + در منطقه جنوب غربی خرابه های ایوان کرخه در میان تپه های تاریخی، طاق شکسته ای به نام هورمّش پاره ماست که احتمالاً آرامگاه یعقوب بوده است. د ش ۸۴۷/۲ و ۸۲۳ + به احتمال شیراز برابر بقعه شیخ جعفر، واقعاً در جندی شاپور. هزار مزار ۳۲۸ و حاشیه ص ۳۳۰ نظر مرحوم قزوینی + شعری که بر آن نوشته اند. + شاهنامه آخرش ۳۶.

- اکنون سفارت روسیه - مجسمه وی نیز در این محل نصب شده است.

○ رهبر ۵۵۷+۲۹ اردیبهشت ۱۲۹۱ + مدرسه کوشش خیابان نادری تهران، وی هنگام فوت ۴۰ ساله بود.

○ روز شمار ۶۲ + رج ۴۷۶/۴.  
□ **یحیی بن زید علوی**، امامزاده فرنگی امام، گرگان.

○ جغ ۱۱۵۱ + ۱۴۴ ل ۱۸۶۹ + مازندرانس.  
□ **یحیی بن زید**، بقعه یحیی بن زید.  
○ فم ۲۲۴/۴.

□ **یحیی بن زید**، در جوزجان شمال افغانستان.  
○ فم ۲۲۹/۴.

□ **یحیی دولت آبادی** ← آرامگاه دولت آبادی حاج میرزا یحیی.

□ **یحیی**، مدرس بیدآبادی اصفهانی، معروف به کاشی، زاده شده در ۱۲۵۴ اصفهان م ۱۳۴۹ اصفهان تخت فولاد.

○ رج ۲۹۴/۶.  
□ **یحیی نوری**، صبح ازل ← آرامگاه صبح ازل.  
□ **یحیی پسر حسنعلی خان امیرنظام**، که در جوانی در ویای ۱۲۸۷ کرمان درگذشت، وی را در آرامگاه شاه نعمت الله دفن کردند.

○ رج ۳۳۳/۵.  
□ **یحیی خان مشیرالدوله** ← آرامگاه مشیرالدوله، یحیی خان.

□ **یزدانی**، میرزا عبدالوهاب ششمین فرزند وصال شیرازی، زاده شده در ۱۲۵۲ در شیراز، خوشنویس و موسیقیدان و دانشمند، م ۱۳۲۸ در شیراز بقعه سید محمد.  
○ رج ۱۵۲/۶.

- تاس ۱۲۹۹.
- **یعقوب لیث صفاری**، تحقیقی درباره گور یعقوب لیث صفاری. اقتداری، احمد. ○ فم ۲۲۶/۳.
- **یعقوب بن لیث**، از راست نیکلا. ○ فم ۳۷۱.
- **یغمای، ابوالحسن**، در بقعه داوود در خور، سنگ آن در سال ۱۳۵۳ خ تهیه و نصب شد. ○ آثار ملی ۳ و ۴/۱۰۲.
- **یغمای حبیب**، در شوره‌زار خور که خود ساخته است. چسبیده به آن کتابخانه و خانه‌ای برای نگهبانان کتابخانه. این کتابخانه شش هزار جلدی کتابخانه شخصی خود استاد است. ○ آینده ۱۶/۳۴۱.
- **یغمای جندقی**، م ۱۲۷۶ در ده خور نزدیک مقبره سید داود. ○ از صبا ۱۱۲ + تدارک سنگ قبر و نصب آن. کارنامه ۷۸۲ + تا صف ۷۰.
- **یک امیر ایرانی از خاندان سوژن**، در شهر چینی سیان که احتمالاً از شاهزادگان ساسانی است که در آن تاریخ مقیم چین بودند. سالهای ۸۷۲-۸۷۴ م.
- تاس ۱۲۹۹.
- **یکی از سادات کیایی**، در جنوب مهمانخانه و شمال حمام آب گرم رامسر که در ۱۳۱۱ خ آن را به کلی خراب کرده شمشادهای قدیمی و قطور آن را ریشه کن کرده‌اند.
- آس ۳۵/۴.
- **یله گنبد**، یله گنبد کیلومتر ۲۷ جاده رشت قزوین سلجوقی.
- معماری ۹۴/۲ + آق ۲۹۶.
- **یوسف بن موسی**، اراک شاهسواران. ○ معماری ۸۱/۲.
- **یوسف چرخسی**، در چرتک ۴۰ کیلومتری دوشنبه با گنبدی شبیه آرامگاه تیمور لنگ در جوار خانقاهی که در سنگ کرده‌اند. ○ تان ۷۷۸.
- **یوسف مستوفی** ← آرامگاه میرزایوسف.
- **یوسف گردیزی** ← آرامگاه شاه یوسف گردیزی.
- **یوشع نبی**، اصفهان تخت فولاد. لسان الارض. ○ ل ۲۷۹۹.